

فصلنامه علمی
راهبرد اجتماعی فرهنگی

۵۸

سال چهاردهم - شماره چهارم - پیاپی پنجاه و هشتم - زمستان ۱۴۰۴

پژوهشکده تحقیقات راهبردی



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دکتر محمدباقر خرمشاد
دکتر سیدمحمد حسینی
دکتر بهرام بیات
دکتر ابراهیم فیاض
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
دکتر حسین بستان (نجفی)
دکتر عبدالحسین کلانتری
دکتر غلامرضا تاجبخش

اعضاء هیئت تحریریه بین‌المللی

دکتر طلال عتریسی

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰. کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱
تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ نمابر: ۲۲۲۵۸۹۲۱
وبسایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>
پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اقتصادی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اقتصادی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir
www.sid.ir
www.magiran.com
www.csr.ir
www.ensani.ir
www.civilica.com
www.noomags.ir

پایگاه استنادی علوم جهان
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
بانک اطلاعات نشریات کشور
پژوهشکده تحقیقات راهبردی
پرتال جامع علوم انسانی
مرجع دانش
پایگاه مجلات تخصصی نور

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سردبیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سردبیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللهی بجنودی

ویراستار

رضا دبیا

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: X-۶۵۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

بسمه تعالی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست گذاری و تصمیم گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست گذاری و تصمیم گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه های پژوهشی صاحب نظران این حوزه را منتشر می کند تا در دسترس علاقه مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه کاوش های نویسنده یا نویسندگان باشد.
 ۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح:** مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می گردد. پس از وصول دیدگاه های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راہبرد اجتماعی فرهنگی

سال چہاردهم - شماره چہارم - پیای پنجاہ و ہشتم - زمستان ۱۴۰۴

فهرست مقاله‌ها


- الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به روش تحلیل مضمون ۱۰۷۵
امید طاهرنژاد، شهلا سهرابی، غلامرضا سلیمی و عباسعلی قیومی
- مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
(حفظه‌الله) ۱۱۳۹
محمدجواد فلاحی رستمی، شهاب طلایی شکری و مصباح‌الهدی باقری کنی
- راهکارهای بهبود و ارتقا حجاب و پوشش در دانشگاه بر اساس گفتمان رهبر
انقلاب ۱۱۸۱
فاطمه محمدی و سیده فاطمه نعمتی
- ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار (مطالعه موردی متروی تهران) ۱۲۲۱
اکبر طالب‌پور و اشرف سلیمانی
- تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی ایران
با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری ۱۲۶۱
علی محسنی‌فر، آیدا هوشمند موشکی، خدیجه رستمی‌مقدم و نکت‌نعمتی
- شناسایی مؤلفه‌های والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه: پژوهشی
کیفی در راستای اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده ۱۳۱۳
زهره امان‌اللهی و فهیمه شاداب مهر
- تحلیل کیفی سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۰-
۱۳۹۹) ۱۳۵۹
محمدجواد ولی‌زاده، رحمت‌الله محمودی و حسین هنرور صدیقیان
- چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی
اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۹
سید محمد موسوی
- بررسی عوامل تعارضات زناشویی در رابطه همسری از منظر قرآن کریم ۱۴۳۵
مرضیه زرگری، هادی بهرامی احسان، حمیدرضا رضازاده بهادران، مهشید ایزدی و فاطمه فیاض
- راهبرد اولویت‌بندی مسائل در سازمان‌های سرآمد (مورد مطالعه: پژوهشگاه
رویان) ۱۴۷۱
هاشم واعظی و ابوتراب طالبی

Network Governance Model in the Thought of Grand Ayatollah Khamenei Using the Method of Thematic Analysis

Omid Tahernezhad

Ph.D Student, Department of Cultural Policy, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.


omid.tahernezhad@iau.ac.ir

 0009-0004-7576-7352

Shahla Sohrabi

Associate Professor, Department of Public Administration, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).


modiran77@gmail.com

 0000-0002-0840-8823

Gholamreza Salimi

Assistant Professor, Department of Strategic Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.


gh.salimi82@gmail.com

 0000-0002-5793-8468

Abbasali Ghaiyoomi

Associate Professor, Department of Cultural and Media management, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Ghaiyoomi@iau.ac.ir

 0000-0003-4764-7461

Abstract

Network governance is the result of interactions between different actors in the field of governance. The purpose of this research is to present a model of network governance from the perspective of Ayatollah Khamenei. The research method is qualitative with an inductive approach. Content analysis was used to analyze the data. In order to extract basic themes, overarching themes, and organizing themes of all of Ayatollah Khamenei's statements, from the beginning of his presidency in the period from June 15, 1368 to the end of September 14, 1403, a total of 1, 991 of his speeches and statements over the past 36 years were examined. The findings from content analysis included 1, 306 basic themes, 48 organizing themes, and 5 overarching themes. The results indicate that the network governance model from the perspective of the Supreme Leader has 5 main dimensions, including "prerequisites and context for the formation of network governance", "stages and process of network governance", "levels of network governance", "structures of network governance", and "factors for strengthening and stabilizing network governance".

Keywords: Governance, Network Governance, Ayatollah Khamenei, Content Analysis.

Extended abstract

Introduction

The present era, characterized by information technology, social networks, the Internet, and changes in communication methods, has brought about many changes in our lives, which have significant effects on the process of governance and management. With the growth of various dimensions of society and the emergence of various types of technology, as well as the spread of emerging problems and challenges in the administration of social affairs, countries have been forced to make changes in their governance methods. The complexity of today's societies is such that governments alone cannot respond to its complex issues, and the necessity of public participation and other civil society institutions is clearly evident; in such circumstances, network governance, which is one of the types of governance, becomes relevant. Network governance refers to a method of public affairs and policymaking in which a group of governmental and non-governmental actors, such as private companies, non-governmental organizations, pressure groups, and citizens cooperate and interact with each other in a network of formal or informal relationships to solve public problems, create public value, and provide public services. On the other hand, the process of realizing the Islamic Revolution is in the stage of forming an Islamic state. The government does not mean a cabinet; Rather, it includes the set of government agents; that is, all the people, which is necessary for the practical implementation of the Islamic government and the realization of its goals; therefore, paying attention to network governance as a tool for operationalizing the Islamic government, using the collective participation of various social groups, will have special and strategic importance. In the macro policies of the Islamic Republic of Iran, including Article 26 of the Constitution, the presence of various social groups, such as parties and organizations, in various social fields has been emphasized; also, Article 19 of the country's cultural policy principles, which refers to expanding the scope of people's participation and stewardship in various matters, and also Chapter Two of the country's cultural engineering plan, which includes the foundations, values, and principles, which refers to "people's cooperation and participation." Therefore, network governance is an efficient tool for governing society with the help of various social organizations to respond to the real needs of society. Through network governance, the dense and potential material and spiritual capacities within the society can be brought to the field and used

to solve society's problems. Despite extensive research on network governance and the thoughts of the Supreme Leader, a systematic model derived from his perspective has not yet been presented, and this is an important gap that this study seeks to fill.

Objective

This research seeks to present a network governance model in the thought of Ayatollah Khamenei. The main objective of this research is to explain the dimensions and characteristics of the network governance model in the thought of the Supreme Leader, and the secondary objectives include: the foundations and contexts of formation, stages and processes, levels and structures, and factors and components of strengthening and stabilizing the network governance model from his perspective.

Methodology

This research was conducted qualitatively with an inductive approach using the "content analysis" method and uses the interpretive paradigm.

The research data was collected from the statements and speeches of Ayatollah Khamenei. The scope of the research in the present study is all the statements of the Leader of the Islamic Revolution of Iran, from the beginning of his presidency, that is, from June 15, 1989 to September 31, 1984, which includes 1991 of his speeches and statements. The statistical population includes the statements of the Supreme Leader in the fields of governance, cooperation, jihadi management, participation, and synergy, and the samples were selected purposefully. For purposive sampling, the keywords "solidarity", "synergy", "empathy", "coordination", "participation", "cooperation", "governance" and "jihadi management" were used to search the text of the statements, and a purposive non-random sampling of 285 texts was conducted. Data analysis was conducted in six systematic stages: familiarization with the data, creation of initial codes, search and identification of themes, drawing thematic network, analyzing thematic network, merging and re-integrating the text, and preparing the final report.

Results

The results of the content analysis conducted in six steps on 285 texts and the extraction of 1306 basic themes, 48 organizing themes, and 5 main overarching themes were categorized as follows:

1. Prerequisites and context of formation: Includes three key categories:
 - a) actors and role-players (people, officials, enemies, various institutions, media, elites),
 - b) mutual relationships between role-players (two-way relationship between people and the government, mutual relationship between officials with each other, mutual relationship between countries),
 - c) key components (common goals, social capital, popular mobilization)
2. Stages and process of network governance: Includes a seven-stage cycle: identifying problems, participation and solidarity, policymaking, policy implementation, policy facilitation and

adjustment, monitoring and evaluation, and network expansion and development.

3. Network governance levels: Includes three main levels: a) human levels (individual, group), b) geographical levels (local, national, international), c) conceptual levels (cultural, political, military, industrial, social, economic, security, scientific)
4. Network governance structures: Includes six main and essential elements: institutional structures, information structures, network structures, educational and empowerment structures, participatory structures, and monitoring and evaluation structures.
5. Strengthening and stabilizing factors: Includes ten important and key factors: trust, support from different groups, development of network relationships, accountability of the governance system, national solidarity, national determination, participation in international governance, integrity and empathy, jihadi management, and overcoming challenges.


Conclusion

This research presented a model of network governance and identified its key components in the thought of Ayatollah Khamenei and attempted to present a model for network governance based on his statements. Considering the stages of the research and the findings of the research, which were extracted from the text of his statements on network governance using the method of content analysis and an inductive approach, the model drawn clearly shows that network governance is achieved when five main axes and their sub-components are considered. When network governance is effectively formed, it not only responds to the social, economic, and cultural needs of Islamic societies, but can also act as a comprehensive model for sustainable development and all-round progress in other countries. The results of this research can help enrich the scientific literature in the field of designing and developing network governance models based on Islamic principles and the experiences of Islamic countries. By applying the model obtained in various fields, it is possible to achieve better management of the affairs of Islamic countries and pave the way for the realization of a new Islamic civilization. The results of this research can also be used for a comparative study of network governance patterns in the world. At the micro level, using the results of this research, the network governance pattern derived from Ayatollah Khamenei's thought can be used to guide and lead various trade union, labor, student, professor, employee, economic, political (party), cultural, and legal organizations and their effective application.


Keywords: Governance, Network Governance, Ayatollah Khamenei, Content Analysis.

الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به روش تحلیل مضمون


امید طاهرزاد

گروه سیاست‌گذاری فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
omid.taherzad@iau.ac.ir  0009-0004-7576-7352


شهرلا سهرابی

گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
modiran77@gmail.com  0000-0002-0840-8823

غلامرضا سلیمی

گروه مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
gh.salimi82@gmail.com  0000-0002-5793-8468

عباسعلی قیومی

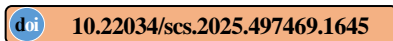
گروه مدیریت فرهنگی و مدیریت رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Ghaiyoomi@iau.ac.ir  0000-0003-4764-7461

چکیده

حکمرانی شبکه‌ای به شیوه‌ای از اداره امور عمومی و سیاست‌گذاری اشاره دارد که در آن مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی، نظیر شرکت‌های خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های فشار و شهروندان در قالب شبکه‌ای از روابط رسمی یا غیررسمی برای حل مسائل عمومی، ایجاد ارزش عمومی و ارائه خدمات عمومی با یکدیگر همکاری و تعامل می‌کنند. این پژوهش با هدف ارائه الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده است. روش پژوهش از نوع کیفی با رویکرد استقرایی است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. جهت استخراج مضامین پایه‌ای، مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده همه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، از آغاز رهبری در بازه زمانی پانزدهم خرداد سال یک هزار و سیصد و هشت تا پایان شهریورماه سال یک هزار و چهارصد و سه مورد بررسی قرار گرفته است که در مجموع طی ۳۶ سال گذشته شامل ۱۹۹۱ مورد سخنرانی‌ها و بیانات ایشان می‌باشد. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون شامل ۱۳۰۶ مضمون پایه‌ای، ۴۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این است که الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر مقام معظم رهبری دارای ۵ بعد اصلی شامل «مقدمات و زمینه شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای»، «مراحل و فرایند حکمرانی شبکه‌ای»، «سطوح حکمرانی شبکه‌ای»، «ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای» و «عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای» می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی شبکه‌ای، سیدعلی خامنه‌ای، تحلیل مضمون، سطوح حکمرانی، مدیریت شبکه‌ای.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵X-۲۵۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

عصر حاضر با مشخصه فناوری اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و تغییر در شیوه ارتباطات تغییرات بسیاری را در زندگی ما ایجاد کرده است که بر روند حکمرانی و مدیریت نیز اثرهای قابل توجهی دارد. در این فضای جدید حفظ یا افزایش سرمایه اجتماعی یکی از مسائل مهمی است که دولت‌ها باید به آن توجه بیشتری داشته باشند (سهرابی و دیگران، ۱۴۰۳ ب). حکمرانی مشارکتی بخش اعظمی از چالش‌ها و معضلات جامعه را کاهش می‌دهد و این به نوبه خود منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. به همین دلیل دولت‌های موفق همواره تلاش می‌کنند تا مشارکت مردم را افزایش دهند تا مسائل پیچیده اجتماعی را حل کنند (میرباقری، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، با رشد ابعاد مختلف جامعه و ظهور انواع فناوری و همچنین گسترش مشکلات و چالش‌های نوظهور در اداره امور جامعه، کشورها مجبور به تغییراتی در نحوه حکومت‌داری خود شدند. پیچیدگی جوامع امروزی به گونه‌ای است که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند به مسائل پیچیده آن پاسخ دهند و ضرورت مشارکت مردم و سایر نهادهای مدنی به خوبی نمایان است؛ بنابراین، آنان تلاش می‌کنند علاوه بر انجام اصلاحات درونی و افزایش قابلیت سازمان‌ها، به ایجاد روابط متقابل مبتنی بر اعتماد و همکاری و مشارکت با بنگاه‌های خصوصی، انجمن‌ها، تشکل‌های مختلف اجتماعی، سمن‌ها و دیگر ذی‌نفعان رو آوردند. این تغییر در راستای افزایش قابلیت و ارتقای عمل دولت در طراحی و اجرای سیاست‌ها و اداره مطلوب جامعه، متضمن نگرشی غیرمتمرکز و شبکه‌ای به جای تمرکزگرایی و حکومت‌محوری می‌باشد که سبک اجرایی آن «حکمرانی شبکه‌ای»^۱ نام دارد. حکمرانی شبکه‌ای را می‌توان به عنوان مدیریت شبکه‌های پیچیده، متشکل از بازیگران مختلف از دولت ملی، منطقه‌ای و محلی، از گروه‌های سیاسی و از گروه‌های اجتماعی (فشار، فعالیت و گروه‌های ذی‌نفع، نهادهای اجتماعی، سازمان‌های خصوصی و تجاری) تعریف کرد (Kickert, 1997; High & et al. 2005؛ میلمن، ۱۴۰۲). حکمرانی شبکه‌ای مجموعه‌ای از راهبردهای آگاهانه، تلاش‌های مجدانانه و اقدامات اقتضایی گروه‌های ذی‌نفع درون شبکه‌های حکمرانی است (جلالی خان آبادی و دیگران، ۱۳۹۹). حکمرانی شبکه‌ای از طریق اصول سازماندهی اجتماعی یا جمعی حاصل می‌شود که در آن عامل پیوند وجوه میان فردی مانند اعتماد، روابط

متقابل و سود متقابل هست (باراکت و دیگران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی شامل پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی است که هم‌اکنون انقلاب اسلامی، از دو مرحله اول عبور کرده و در مرحله سوم تحقق اهداف یعنی تشکیل دولت اسلامی قرار دارد. دولت نه به معنای هیئت وزیران بلکه شامل مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی همه مردم است. تشکیل دولت اسلامی در جهت پیاده‌سازی عملی حکومت اسلامی و تحقق اهداف آن ضرورت دارد (رضایی، ۱۴۰۳)، و از این جهت توجه به حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان ابزاری برای عملیاتی‌سازی حکومت اسلامی، با استفاده از مشارکت جمعی گروه‌های مختلف اجتماعی، اهمیت خاص و راهبردی خواهد داشت. در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران از جمله اصل ۲۶ قانون اساسی، بر حضور گروه‌های مختلف اجتماعی مانند احزاب و تشکل‌ها، در عرصه‌های مختلف اجتماعی تأکید شده است؛ همچنین بند ۱۹ از اصول سیاست فرهنگی کشور که بر گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور مختلف اشاره دارد و نیز فصل دوم نقشه مهندسی فرهنگی کشور شامل مبانی، ارزش‌ها و اصول که در آن به «تعاون و مشارکت مردمی» اشاره شده است؛ بنابراین، حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان ابزاری کارآمد برای اداره جامعه به کمک تشکل‌های مختلف اجتماعی است تا به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد. از طریق حکمرانی شبکه‌ای می‌توان ظرفیت‌های مترکبم و بالقوه مادی و معنوی درون اجتماع را به عرصه میدان عمل آورد و در راستای حل مسائل جامعه از آن بهره برد.

بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است و چه مقدمات و زمینه‌هایی برای شکل‌گیری این الگو لازم است؟ در این راستا، تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش کیفی، امکان بررسی عمیق و دقیق مضامین و مفاهیم را فراهم می‌آورد و به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که ایده‌ها و نظرات را در بستر فرهنگی و اجتماعی خاص خود تحلیل کنند.

۱. هدف پژوهش

هدف اصلی در این پژوهش، تبیین ابعاد و ویژگی‌های الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه مقام معظم رهبری است و اهداف فرعی شامل: مقدمات و زمینه‌های شکل‌گیری، مراحل و فرایندها، سطوح و ساختارها و عواملی و مؤلفه‌های تقویت و تثبیت الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر ایشان می‌باشد.

۲. سؤال‌های پژوهش

۲-۱. سؤال اصلی

الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

- ۱- چه مقدمات و زمینه‌هایی برای شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای لازم است؟
- ۲- الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه مراحل و فرایندی است؟
- ۳- الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه سطوح و ساختارهایی است؟
- ۴- چه عواملی و مؤلفه‌هایی در تقویت و تثبیت الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

جدول ۱ برخی از مطالعات انجام شده پیرامون حکمرانی شبکه‌ای را نشان می‌دهد:

جدول (۱): برخی پژوهش‌های پیشین

ردیف	محقق / سال	نتایج
۱	بووراد و دیگران ۱۳۹۳	یکی از ویژگی اصلی حکمرانی شبکه‌ای، توزیع قدرت بین جمع کثیری از بازیگران وابسته به هم و درگیری شهروندان در امور می‌باشد. می‌توان گفت مشارکت با شهروندان یا حکمرانی شبکه ای یک عمل اصلی از حکمرانی خوب است.
۲	عالی‌خانی و دیگران ۱۳۹۷	مؤلفه‌های امنیت سایبری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت شهروندان در شبکه، سودآوری شبکه، پاسخ‌گویی و چهارچوب ساختاری شبکه، درگیری و تعامل‌سازنده میان اعضای شبکه، شرایط فناورانه حاکم بر شبکه و منابع انسانی دارای دانش و مهارت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و چشم‌انداز توسعه شبکه را به‌عنوان مشخصه‌های الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی مطرح می‌کند.
۳	کریم‌میان و دیگران ۱۳۹۸	چهار دوره اصلی در تاریخ حکمرانی شبکه‌ای پیرامون نوآوری در ایران مطرح می‌کند: ۱- هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی؛ ۲- انسجام سیاسی و همسوسازی سیاست‌ها؛ ۳- هماهنگی بین

ردیف	محقق / سال	نتایج
		بخشی و مشارکت بیشتر ذی‌نفعان؛ ۴- یادگیری سیاستی و همچنین هوشمندی.
۴	جلالی خان‌آبادی و دیگران ۱۳۹۹	حکمرانی شبکه‌ای مجموعه‌ای از راهبردهای آگاهانه، تلاش‌های مجدانه و اقدامات اقتضایی گروه‌های ذی‌نفوذ درون شبکه‌های حکمرانی است. این حکمرانی مستلزم حضور انواع گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری می‌باشد که ممکن است انواع کنشگران دولتی، گروه‌های غیردولتی و تشکل‌های رسمی و غیررسمی در آن حضور داشته باشند. روابط آزاد میان‌بخشی و میان‌دولتی در یک ساختار غیرمتمرکز، ساختارهای متعامل درون شبکه بر اساس رایزنی و مذاکره و اعتماد و هم‌افزایی و اقدام جمعی از ویژگی‌های حکمرانی شبکه‌ای است.
۵	مورتی ۱۴۰۱	تعامل و همکاری مبتنی بر اعتماد اجماع و توافق دو یا چندجانبه انسجام و هماهنگی افقی، یادگیری جمعی، افزایش مشارکت ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان در تصمیم‌گیری، حرکت از سمت «مدیریت» به سوی «حکمرانی» و تسهیل در اجرای خط‌مشی‌ها، از زمینه‌ها، مفاهیم کلیدی و مقدمات حکمرانی شبکه‌ای است.
۶	سیمایی چافی و معمارزاده تهران ۱۴۰۱	ظرفیت‌سازی حکمرانی شبکه‌ای در قالب مقوله‌های محوری تدوین خط‌مشی حکمرانی شبکه‌ای، ایجاد مناسبات شبکه‌ای بین بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی، ایجاد نهاد تصمیم‌گیری مشارکتی بین بازیگران حاکمیتی، ارتقای ظرفیت اجرایی مبتنی بر شبکه، برون‌سپاری وظایف دولت و استقرار سازوکارهای مدیریت شبکه صورت می‌پذیرد. همچنین، عوامل علی شامل تغییر نگرش دولتمردان، دولت یکپارچه، گسترش فناوری اطلاعات، مطالبه‌گری شهروندان؛ عوامل زمینه‌ای شامل شرایط مالی و اقتصادی، شرایط سیاسی و قانونی، شرایط اجتماعی و فرهنگی و شرایط فناورانه؛ عوامل مداخله‌گر شامل آمادگی درون‌سازمانی بخش دولتی و آمادگی برون‌سازمانی بخش خصوصی و مدنی و پیامدهای استقرار حکمرانی شبکه‌ای دولت عبارت‌اند از: حاکمیت ارزش همگانی، واکنش منعطف به تقاضاها، کاهش هزینه خدمات عمومی، تخصصی‌سازی خدمات، نوآوری، و شفافیت است.

ردیف	محقق / سال	نتایج
۷	کریمی و دیگران ۱۴۰۲	مدل حکمرانی شبکه‌ای هوشمند دارای هفت بُعد اصلی شامل عوامل رفتاری، عوامل ساختاری، عوامل سازوکاری، توسعه همه‌جانبه، ملاحظات قانونی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ثبات و شکوفایی اقتصادی می‌باشد.
۸	مهرابی شرف‌آبادی و دیگران ۱۴۰۳	مهم‌ترین فرصت‌های حکمرانی شبکه‌ای تحول دیجیتال شامل روابط بین سازمانی، اعتماد و شفافیت، بستر مردم‌سالارانه، ساختار شبکه، فناوری و زیست‌بوم و مهم‌ترین چالش‌ها شامل فقدان آگاهی، انگیزه، دسترسی‌پذیری و مسئولیت‌پذیری هستند. در الگوی ارائه شده، وزن چالش احساس بدبینی و عدم اعتماد به شبکه و فرصت‌های حکمرانی سکوه‌های شبکه‌ای و روابط با مشتریان و توجه به جغرافیا در شرایط ایران برجسته‌تر است.
۹	بیگدلو و زندیان ۱۴۰۴	مقام معظم رهبری تحولات فرهنگی را سنت الهی دانسته و بروز آن در جامعه را امری قطعی و گریزناپذیر می‌دانند و با اتخاذ موضع فعال و مثبت در مواجهه با آن و نیز توجه به برخی مبانی مهم سلبی و ایجابی، به امکان مدیریت این تحولات باور دارند و متولی تحول فرهنگی در جامعه را نخبگان فکری و فرهنگی حوزه و دانشگاه و مرکزی اندیشمند بانفوذ و مطاع می‌دانند.

جدول بالا نشان می‌دهد در بین منابعی که مورد مطالعه قرار گرفته است، هیچ‌کدام به‌طور مستقیم و دقیق به تبیین الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر مقام معظم رهبری نپرداخته است. برخی منابع به مبحث حکمرانی شبکه‌ای و برخی هم به اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب پرداخته، ولی تلفیق این دو محور با هم از حیث نظری فاقد سابقه پژوهشی است.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. مفهوم حکمرانی

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به‌اندازه عمر تمدن بشری است. به‌طور کلی فرض حکمرانی از زمانی پدید آمد که انسان‌ها آموختند چه‌طور در جامعه از طریق فرایند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین معین و خط‌مشی‌ها در جهت یک

زندگی هماهنگ و منظم در یک محیط خاص به حیات خود ادامه دهند (هیل و هیوپ، ۱۳۹۷). در یک تعریف اصطلاحی می‌توان حکمرانی را به معنای اداره امور و تنظیم روابط بین شهروندان و حاکمان دانست.

حکمرانی زمانی به‌خوبی محقق می‌شود که با واسطه حلقه‌های میانی و به‌کارگیری گروه‌های اجتماعی انجام پذیرد. این نوع حکمرانی نمونه‌ای از حکمرانی در تمدن نوین اسلامی است که با حفظ کارکردهای انسان نوین نقش مهمی در توسعه و پیشرفت ایفا می‌کند (صالحی و دیگران، ۱۴۰۳). اگر سلسله‌مراتب، با وابستگی آن به مرزهای مشخص، تضعیف شده باشد، فعالیت‌های بخش دولتی چگونه می‌توانند به‌صورت داخلی و خارجی هماهنگ شوند. چگونه می‌توان از سردرگمی مدیران درباره نقش‌ها و ظرفیت مداخله آن‌ها جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سؤالات در حیطه علم «حکمرانی» قرار می‌گیرد. اصطلاح حکمرانی به روابط بین کنشگران بخش دولتی و کنشگران اجتماعی در هنگام پرداختن به مسائل عمومی اشاره دارد. در مجموع می‌توان حکمرانی را به این صورت تعریف کرد: «حکمرانی مجموعه‌ای از تعاملات است که در آن دولت، سایر نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی با هدف حل مشکلات اجتماعی یا ایجاد فرصت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند» (میلمن، ۱۴۰۲) برخی نیز حکمرانی را به‌عنوان «ساختارها و فرایندهایی که به‌وسیله آنها افراد جامعه به اتخاذ تصمیمات، تنظیم قوانین و تسهیم قدرت می‌پردازند» تعریف می‌کنند (Folke & et al, 2005). حکمرانی به فراگردی دلالت دارد که در آن بر شیوه عمل و اقدام طبقه حاکم در سازمان یا جامعه توجه می‌شود. سیستم حکمرانی دارای فراگردی است که در آن مجموعه‌ای از توافق‌ها، رویه‌ها، قراردادهای و خط‌مشی‌ها، به تبیین این مسئله می‌پردازند که قدرت باید در دست چه کسانی باشد، تصمیم‌ها چگونه اتخاذ گردند و چه‌طور اجرا شوند؟ به‌وسیله حکمرانی، سازمان‌ها و جوامع، به اتخاذ تصمیم‌های خود پرداخته و افرادی را مشخص می‌کنند که باید در این فراگرد درگیر شده و به اتخاذ تصمیم بپردازند؛ بنابراین حکمرانی موضوعی است درباره نحوه مراوده دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی، نحوه ارتباط آن‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیم‌ها در سطح محلی، ملی و جهانی. حکمرانی الزاماً و فقط توسط حکومت اعمال نمی‌شود بلکه معمولاً شرکت‌های خصوصی، انجمن‌ها یا مؤسسه‌های بازرگانی، سازمان‌های غیرحکومتی و انجمن‌ها یا سازمان‌های غیرانتفاعی، همگی در ارتباط با رسالت و وظایف خود، به‌نوعی در امر حکمرانی درگیر می‌شوند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۹). استفاده خوب از حکمرانی در اداره امور

و اعمال حکمرانی خوب می‌تواند هر تشکیلات ملی و محلی را از چالش‌ها و مسائل عبور دهد.

سیاست‌گذاری فرهنگی همسوکننده و جهت‌بخش تمام برنامه‌ریزی‌ها، فعالیت‌ها و اقداماتی هست که توسط سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و غیر از آن، تدوین می‌شود. سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند بی‌طرفانه به تعیین جهت سیاست‌گذاری بپردازد و «چه باید کردها» و «چگونه باید کردها» بی‌در عرصه فرهنگ ارائه دهد که از تأثیر گرایش‌های گروهی و حزبی در امان باشند (اشتریان، ۱۳۹۶). لازمه حکمرانی و سیاست‌گذاری مناسب و مؤثر، بهره‌مندی از الگویی کارآمد و ترجیحاً امتحان‌پس داده است که بتواند متولیان امور را جهت شناخت درست مسائل و اعمال مدیریت بهینه یاری نماید. این ضرورت در عرصه حکمرانی و سیاست‌گذاری فرهنگی به دلیل ماهیت خاص خود و نوپایی آن دوچندان می‌باشد (بهجت‌پور و دیگران، ۱۳۹۵). از این منظر کشف الگویی از سیاست‌ها که بتواند فعالان فرهنگی را در شبکه‌ای از روابط، حکمرانی کند ضروری می‌نماید.

حکمرانی خوب بر اساس تعریف‌های مختلف دارای ویژگی‌هایی نظیر؛ مشارکت عمومی و یکسان در برابر کلیه شهروندان جامعه در فرایند بهبود، اثربخشی، شفافیت، فرایند تصمیم‌گیری، کارآمدی، دستگاه قضایی کارآمد و عادل، پاسخگویی بخش دولتی و کنترل فساد می‌باشد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۹). اگر با توجه به مباحث گذشته، در یک تعریف خلاصه حکمرانی را شیوه اداره جامعه و رفع مسائل اجتماعی بدانیم، سابقه حکمرانی به تشکیلات اسلامی در همان آغاز ظهور اسلام برمی‌گردد. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ده سال پس از بعثت از مکه به مدینه هجرت می‌کند و در بدو ورود به مدینه بنیان تشکیلات رسمی و اداری را می‌نهد و با ابزارهای دینی مانند عقد اخوت، اقدام به تنظیم رابطه‌ها و فاصله‌ها می‌کند تا اندک اندک دولت اسلامی قوت و قدرت خود را به‌دست آورد.

توصیه به تنظیم دولتی امور و اهمیت دولت مرکزی، با تأسیس نخستین دولت شهر در جزیره‌العرب آغاز شد که در پی آن، تا قرن نهم میلادی حدود ۱۵۰۰ شهر با ویژگی‌ها و بر اساس الگوی آن شهر دولتی که مرکز اولین دولت اسلامی بود، به‌وجود آمد. شکل معمول دیوان‌سالاری اسلامی بیش از هزار سال در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی تجربه شد. این تجربه موفق مبتنی بر نهاد خلافت و امامت و سلطنت و در یک مورد بر اساس جمهوری بود (شهیدی پاک، ۱۳۹۲). پیامبر

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با تأسیس دولت اسلامی در مدینه، بنیان حکمرانی اسلامی را نهاد و به‌عنوان اولین حکمران بی‌بدیل در جهان، همه‌لوازم و مقدمات حکمرانی را تعریف، تبیین و به‌کار گرفت.

۴-۱-۲. سبک‌های حکمرانی

فرایند حکمرانی بیشتر از پژوهش‌های سیاست عمومی با تحلیل سیاسی تطبیقی مرتبط است (Tosun & Workman, 2018). در واقع، می‌توانیم حکمرانی را رویکردی به سیاست تطبیقی بدانیم (Pierre, 2020). همان‌طور که دیدگاه‌های ساختاری - کارکردگرا (Almond, 1966) اگر حکمرانی را در یک تعریف کوتاه و کارا به‌عنوان شیوه اداره جامعه دانست؛ این شیوه انواع و سبک‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد که تحت عنوان سبک‌های حکمرانی مطرح می‌شوند. «سبک‌های حکمرانی را می‌توان به‌عنوان فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، از جمله روشی که در آن سازمان‌های درگیر با یکدیگر مرتبط هستند، تعریف کرد» (میلمن، ۱۴۰۲، ص. ۳۴). سبک‌های حکمرانی را می‌توان شامل سه نوع «حکمرانی سلسله‌مراتبی» یا حکمرانی دولت یا حکمرانی دیوان‌سالارانه، «حکمرانی بازار» و «حکمرانی شبکه» دانست.

۴-۱-۳. مفهوم حکمرانی شبکه‌ای

شبکه‌ها تنها شکل حکمرانی هستند که قادر به برخورد مناسب با مسائل پیچیده جوامع امروزی می‌باشند؛ مسائلی که با ساختارهای سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالاری‌های دولتی نمی‌توان به‌مواجهه با آنها پرداخت (Milward & Raab, 2002)؛ بنابراین ساختارهای حاکمیتی باید به سمت واحدهای مبتنی بر شبکه با هماهنگی مؤثر حرکت کنند (فادی و کریستوفر، ۱۴۰۳). حکمرانی شبکه‌ای را می‌توان به‌عنوان مدیریت شبکه‌های پیچیده، متشکل از بازیگران مختلف از دولت ملی، منطقه‌ای و محلی، از گروه‌های سیاسی و از گروه‌های اجتماعی (فشار، فعالیت و گروه‌های ذی‌نفع، نهادهای اجتماعی، سازمان‌های خصوصی و تجاری) تعریف کرد که در فرایند سیاسی جامعه مشارکت دارند (میلمن، ۱۴۰۲). مشارکت از بنیادی‌ترین اشکال روابط اجتماعی است که بارزترین نمونه آن، مشارکت سیاسی می‌باشد. میزان مشارکت مردم در امور بااهمیت، معرف آگاهی و بینش ملت‌ها، تضمین‌کننده تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. از منظر جامعه‌شناسی بین مشارکت

به‌عنوان تعهد و عمل و حالت یا وضع تفاوت است؛ به‌گونه‌ای که در معنای اول به مفهوم شرکت فعالانه در گروه و در معنای دوم از تعلق گروهی خاصی و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (نیازی و دیگران، ۱۴۰۳). برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که روند افزایش حکمرانی افقی کشورها را به‌سوی جوامع شبکه‌ای با شاخصه‌های وابستگی متقابل و ارتباطات افقی سوق می‌دهد. در این‌میان پیشرفت سریع فناوری اطلاعات، فردگرایی و تخصصی‌شدن نیز به این روند سرعت می‌بخشد (Castells, 2011; Bauman, 2001). ترکیب منابع و دانش بازیگران و ذی‌نفعان مختلف می‌تواند در اتخاذ راه‌حل‌های مناسب برای حل مسائل سیاستی کارگشا باشد (Frederickson & et al, 2003).

حکمرانی شبکه‌ای مجموعه‌ای از راهبردهای آگاهانه، تلاش‌های مجدانه و اقدامات اقتصادی گروه‌های ذی‌نفوذ درون شبکه‌های حکمرانی است. در حکمرانی شبکه‌ای هدف تأثیرگذاری بر کیفیت و کمیت سیاست‌ها، میزان محتوا، جهت و پیامد تعاملات بین‌گروهی و نفوذ بر ادراکات و راهبردهای دیگر کنشگران می‌باشد که در راستای پیش‌بردن منافع شبکه قابل‌تعریف است. حکمرانی شبکه‌ای مستلزم حضور انواع گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری می‌باشد که ممکن است انواع کنشگران دولتی، گروه‌های غیردولتی و تشکل‌های رسمی و غیررسمی در آن حضور داشته باشند. این شکل از حکمرانی، نشان‌دهنده روابط آزاد میان‌بخشی و میان‌دولتی در یک ساختار غیرمتمرکز است که در آن کارگزاران دولتی، کنشگران غیرحکومتی را به بازی گرفته و وارد فرایند سیاست‌گذاری می‌کنند و در حکمرانی شبکه‌ای، ساختارهای متعامل درون شبکه بر اساس رایزنی و مذاکره و اعتماد و هم‌افزایی، دست به یک اقدام جمعی می‌زنند. این در حالی است که سبک‌های سلسله‌مراتبی حکمرانی، تمرکز قدرت مبتنی بر دستورالعمل‌های اداری برای تنظیم روابط می‌باشد و سیاست‌ها در یک فرایند از بالا به پایین اتخاذ می‌شوند (جلالی خان‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹). حکمرانی شبکه‌ای را می‌توان به‌مثابه کاری دانست که یک بازیگر جورچین (پازل) در چینش قطعات انجام می‌دهد. هر قطعه، با شکل و ویژگی‌های خود در مکانی قرار می‌گیرد که در نهایت تصویر اصلی بازی ساخته شود. یکی از مباحث محوری حکمرانی شبکه‌ای، تعریف نقش‌های تعاملی برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در سیاست‌ها می‌باشد. گروه‌های مختلف اجتماعی به میزان کنشگری خود، هم هدف سیاست‌گذاری هستند و هم نقش‌آفرین در وضع سیاست‌ها و نوع حکمرانی. از طریق حکمرانی شبکه‌ای می‌توان ظرفیت‌های متراکم و

بالقوه مادی و معنوی درون اجتماع را به عرصه میدان عمل آورد و در راستای حل مسائل جامعه از آن بهره برد.

۲-۴. مبانی نظری

حکمرانی شبکه‌ای یکی از روش‌هایی است که بر سهیم کردن افراد در تصمیم‌گیری‌ها و جلب مشارکت تمامی ذی‌نفعان تمرکز دارد (خوشحال، ۱۴۰۳). منظور از حکمرانی شبکه‌ای، فراهم کردن شرایط و زمینه‌های حضور مردم در ارکان مختلف اداره جامعه اعم از سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، نظارت و ارائه خدمات عمومی است (میرباقری و جلیلی، ۱۴۰۲). امروزه حکمرانی شبکه‌ای در تمامی عرصه‌های مختلف علم، سیاست، فرهنگ، سلامت، اقتصاد، رسانه، حقوق و کشاورزی مورد توجه جوامع قرار دارد. نتایج حاصل شده از پژوهشی با عنوان «بررسی تکامل تاریخی سیاست‌گذاری نوآوری در ایران با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای» بیانگر چهار دوره اصلی در تاریخ حکمرانی نوآورانه می‌باشد. از منظر مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای در دوره اول هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بیشترین اهمیت را دارد، در دوره دوم که تأسیس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در آن شکل می‌گیرد، انسجام سیاستی و همسوسازی سیاست‌های عرصه فناوری از اهمیت ویژه برخوردار است، در دوره سوم تاریخی که تعدد نهادهای حوزه علم و فناوری و نوآوری به وجود می‌آید، هماهنگی بین بخشی و مشارکت بیشتر ذی‌نفعان میان دستگاه‌های مختلف سرلوحه قرار گرفته است و سرانجام در دوره چهارم، یادگیری سیاستی و همچنین هوشمندی (کریم‌میان و دیگران، ۱۳۹۸) مورد توجه واقع شده است.

دقتی و دیگران (۱۳۹۸)، در پژوهش «ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب»، مؤلفه‌های امنیت سایبری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت شهروندان در شبکه، سودآوری شبکه، پاسخ‌گویی و چهارچوب ساختاری شبکه، درگیری و تعامل سازنده میان اعضای شبکه، شرایط فناورانه حاکم بر شبکه و منابع انسانی دارای دانش و مهارت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و چشم‌انداز توسعه شبکه را به‌عنوان مشخصه‌های الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی می‌داند. عالی‌خانی از میان مؤلفه‌های مختلف تأثیرگذار بر حکمرانی شبکه‌ای دو مؤلفه تعهد اعضای شبکه به شبکه و همچنین گردش روان اطلاعات در شبکه را معرفی می‌کند (عالی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۷). رودز در کتاب «درک حکمرانی» شش کاربرد از اصطلاح حکومت را متمایز می‌کند: حکمرانی به

عنوان یک دولت حداقل، حکمرانی به‌عنوان حکمرانی شرکتی، حکمرانی به‌عنوان مدیریت دولتی نوین، حکمرانی به‌عنوان «حکمرانی خوب»، حکمرانی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی - سایبرنتیک، حکمرانی به‌عنوان شبکه‌های خودسازمان (Rhodes, 1997). استوکر، تعاریف مشابهی را که در دیدگاه او مکمل هستند شناسایی می‌کند (Stoker, 1998). فرازمند بر بعد بین‌المللی حکمرانی و نیز این واقعیت تأکید می‌کند که مفاهیمی مانند «حکمرانی خوب» بسیار هنجاری و دارای ارزش هستند (Farazmand, 2004). از دیدگاه اجتماعی - سایبرنتیک، کویمان حکمرانی را به‌عنوان «الگوی در حال ظهور ناشی از حکومت» تعریف می‌کند (Kooiman, 1993). لوندز و اسکلچر دیدگاه یک بازیگر را اضافه می‌کنند: شیوه‌های حکمرانی نتیجه فرایندهای اجتماعی هستند؛ اما رسانه‌ای را نیز فراهم می‌کنند که بازیگران از طریق آن تفسیر و عمل می‌کنند تا واقعیت خود را شکل دهند (Lowndes and Skelcher, 1998). فردریکسون ترجیح می‌دهد حکمرانی را به‌عنوان «تلاش برای درک روابط سازمانی و جانی در مدیریت در چهارچوب دولت از هم‌گسیخته» تعریف کند (Frederickson and Smith, 2003). به‌طور کلی حکمرانی مربوط به فعالیت‌هایی است که هدف از آن‌ها تسهیم قدرت در تصمیم‌گیری است (سهرابی و دیگران، ۱۴۰۳ ب).

در پژوهش لوئیس^۱ (۲۰۱۱)، حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان استعاره‌ای برای توصیف رشد مسائل بفرنج و مجزاشدن فزاینده جامعه و پلی برای عبور از مرزها به‌کاررفته و هم به‌عنوان پاسخی از سوی سیاست‌گذاران به پویایی تعاملات این محیط. آنچه که بیشتر تعاریف ارائه‌شده در بالا را متحد می‌کند این است که حکمرانی چیزی بیش از «کاری است که دولت‌ها برای انجام وظایف خود انجام می‌دهند»: اصطلاح حکمرانی به روابط بین کنشگران بخش دولتی و کنشگران اجتماعی در هنگام پرداختن به مسائل عمومی اشاره دارد. این جنبه رابطه‌ای حکمرانی، بسیاری از محققان را به استفاده از اصطلاح حکمرانی به‌عنوان مترادف برای چیزی که دیگران آن را «حکمرانی شبکه»^۲ می‌نامند، تحریک کرده است (Voss, 2007). شبکه‌های بین‌سازمانی (ارتباط سازمان‌های دولتی و خصوصی و ارتباط عوامل مختلف در ارائه خدمات) و شبکه‌های بین بازیگران (ارتباط رهبران و طرفداران) هر یک سهم مهمی در حکمرانی را بر عهده دارند (Considine, 2002). اداره شبکه نوع

1. Lewis, M. Jenny

2. Network governance

ایده‌آل در حال حاضر سیاست‌گذاری تعاملی، شبکه‌های غیررسمی مانند شبکه‌های تخصصی در مدیریت عمومی و مشتریان را در نظر می‌گیرد.

حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان زاویه‌ای جدید از علم مدیریت و حکمرانی، در حال جذب پژوهشگران بیشتری به خود هست. اساساً دنیای کنونی و آینده، دنیای کارگروهی و تشکیلاتی است و بهترین ابزار برای به جریان درآوردن روحیه کارگروهی در گستره کشور، حکمرانی شبکه‌ای است. این زاویه از علم حکمرانی به بررسی چگونگی مدیریت و هدایت گروه‌های مختلف اجتماعی در راستای تحقق اهداف کلان جامعه و درعین حال منتفع شده گروه‌ها در فرایند فعالیت شبکه‌ای است. شبکه‌ای از افراد و گروه‌ها در بستری از تعاملات، به‌گونه‌ای باید عمل کنند تا هم هویت مستقل خود را حفظ کنند و هم این هویت را در راستای هویت جمعی و منافع مشترک اجتماعی بازتعریف کنند. از زاویه دیگر نوع نگاه حکمرانان کشور و در رأس آنان مقام معظم رهبری، به مقوله حکمرانی شبکه‌ای هم مهم است. توجه به نگاه رهبر معظم انقلاب به مسائل و موضوعات و تحلیل نگاه ژرف ایشان به اجتماع و آینده، تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده است. در جدیدترین پژوهش انجام شده شش مؤلفه استقلال علمی، تعامل با جامعه، تولید علم، همکاری و هم‌افزایی، علم همراه با معرفت و فضای آزاداندیشانه به‌عنوان ویژگی‌های الگوی حکمرانی علم و فناوری در اندیشه مقام معظم رهبری معرفی می‌شود (سهرابی و دیگران، ۱۴۰۳ الف). مورتی در کتاب «سازمان شبکه‌ای: نگاهی از منظر حکمرانی به ساختار، پویایی و عملکرد» بیان می‌دارد در سبک حکمرانی شبکه‌ای دولت یا حکومت به عنوان یک بازیگر متواضع فروتنی را تمرین می‌کند و خود را هم سطح سایر نقش‌آفرینان در شبکه تعاملی آنان پایین می‌آورد. تعامل و همکاری مبتنی بر اعتماد اجماع و توافق دو یا چندجانبه انسجام و هماهنگی افقی، یادگیری جمعی، افزایش مشارکت ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان در تصمیم‌گیری، حرکت از سمت «مدیریت» به سوی «حکمرانی» و درنهایت تسهیل در اجرای خط‌مشی‌ها، همگی از مفاهیم کلیدی و بنیادین حکمرانی شبکه‌ای است (مورتی، ۱۴۰۱).

در یک جمع‌بندی می‌توان اظهار داشت نوآوری این پژوهش توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک شخصیت اندیشمند اسلامی و مورد توجه جهان اسلام، در خصوص مقوله حکمرانی شبکه‌ای می‌باشد؛ چراکه پرداختن به هر مبحث علمی روز، آن‌هم از منظر اندیشمندان اسلامی خود آوردگاهی تازه و جدید است. آیت‌الله خامنه‌ای دستیابی به تمدن اسلامی را به‌عنوان آرمان اصلی انقلاب و چشم‌انداز نظام

جمهوری اسلامی ایران می‌داند که شامل پنج گام حیاتی و اساسی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت تمدن اسلامی است که در حال حاضر در مرحله سوم از این مراحل یعنی دولت اسلامی قرار داریم و ضرورت تشکیل دولت اسلامی داشتن حکمرانی شبکه‌ای و شبکه‌سازی است؛ لیکن تاکنون پژوهشی مبتنی بر تفکر و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با حکمرانی شبکه‌ای ابعاد و زمینه‌های شکل‌گیری آن انجام نشده است و این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی کلیه بیانات ایشان از طریق روش تحلیل مضمون به الگوی حکمرانی شبکه‌ای دست یابد.

۵. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون و به‌صورت کیفی و با منطق استقرایی اجرا گردیده است. روش تحلیل مضمون به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به بررسی عمیق و دقیق مفاهیم بپردازد. تحلیل مضمون، تحلیل مبتنی بر استقرایی تحلیلی است که در آن پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگوبندی درون و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. راهبرد استقرایی مبتنی بر هستی‌شناسی واقع‌گراست و پژوهشگر باید دقت داشته باشد که بینش وی با اندیشه‌های از پیش تصور شده آلوده نشود (حنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶). پژوهش با منطق استقرایی را پژوهش نظریه‌ساز نیز نامیده می‌شود (باتاچرجی، ۱۳۹۴). اندیشمندان تحلیل مضمون را روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های متنی، پراکنده و متنوع می‌دانند که با برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، داده‌ها را به تحلیل‌های غنی و تفصیلی و مرتبط با هم تبدیل می‌کند (جمشیدی‌ها و قربی، ۱۴۰۲). «در این روش پژوهشگر از راه مشاهده جزئیات، به احکام کلی و اطلاعات جدید می‌رسد» (طیبی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۱). در منطق استقرایی پژوهشگر در ابتدا به بررسی منابع مورد تحلیل می‌پردازد. سپس بر اساس مفاهیم اصلی استخراج شده از این منابع، گروه‌بندی را آغاز می‌کند (رحیم سلمانی، ۱۳۹۱). از تحلیل مضمون با عناوین تحلیل موضوعی و تحلیل تماتیک نیز یاد می‌شود. تحلیل مضمون ابزار پژوهشی منعطف و مفیدی برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده است؛ بنابراین، ابزارهای این پژوهش، تحلیل مضمون است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا به درک بهتری از مضامین و مفاهیم موجود در بیانات بپردازد.

۱-۵. روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌ها از بیانات و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای جمع‌آوری شده است. حوزه پژوهش در پژوهش حاضر کلیه بیانات رهبر انقلاب اسلامی ایران، از آغاز ولایت یعنی از تاریخ پانزدهم خرداد سال یک هزار و سیصد و هشت تا پایان شهریورماه سال یک هزار و چهارصد و سه می‌باشد. این حوزه شامل کلیه مواردی می‌شود که به صورت مکتوب در سایت رسمی «دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای»^۱ ارائه و منتشر گردیده است. جدول ۲، حوزه پژوهش را طی ۳۶ سال گذشته، مشتمل بر ۱۹۹۱ مورد سخنرانی‌ها و بیانات نشان می‌دهد.

۲-۵. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل بیانات مقام معظم رهبری در زمینه حکمرانی، همکاری، مدیریت جهادی، مشارکت و هم‌افزایی است و نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. برای نمونه‌گیری هدفمند، کلیدواژه‌های «همبستگی»، «هم‌افزایی»، «همدلی»، «هماهنگی»، «مشارکت»، «همکاری»، «حکمرانی» و «مدیریت جهادی» برای جستجو در متن بیانات مورد استفاده قرار گرفت و نمونه‌گیری انجام شد. در یک جمع‌بندی مختصر از روش‌شناسی مقاله حاضر، بر اساس هدف و نتایج مترتب بر آن، پژوهش کاربردی و درعین‌حال توسعه‌ای است. روش‌شناسی پژوهش بر پایه داده‌های کیفی استوار است. از الگوواره تفسیرگرایی بهره می‌برد. به‌لحاظ فرایند اجرا و راهبرد، پژوهش از روش تحلیل مضمون که از انواع روش‌های کیفی محسوب می‌شود، استفاده می‌کند. درنهایت هم از منطق استدلال استقرایی بهره می‌برد.

۳-۶. یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به یافته‌ها، ابتدا متن سخنرانی‌های مقام معظم رهبری مطابق توضیحات بخش «روش پژوهش» به دقت مورد بررسی قرار گرفت، مفاهیم و نکات کلیدی استخراج و دسته‌بندی و سازماندهی شد و درنهایت مضمون‌های اصلی شناسایی و نام‌گذاری گردید. در ادامه ابتدا ضرورت و اهمیت استفاده از روش تحلیل مضمون شرح داده شده، سپس شش گام اجرایی آن به ترتیب مطابق با پژوهش انجام شده بیان و در گام ششم که یافته‌ها نمایان گردید، مبتنی بر هر سؤال پژوهش پاسخ به‌دست آمده تبیین و تشریح شده است.

1. <https://khamenei.ir/>

۱-۶. ضرورت به‌کارگیری روش تحلیل مضمون

استفاده از روش تحلیل مضمون، زمانی مفید است که پژوهش در زمینه‌ای نامشخص صورت گیرد و یا نظر افراد درباره موضوع مورد پژوهش معلوم نباشد. همچنین زمانی که عرضه تفصیلی‌تر و جزئی‌تر مضمونی خاص یا گروهی از مضامین در درون داده‌ها مدنظر باشد و یا مواردی که پژوهشگر به دنبال بررسی سؤالی خاص و حل نشده و یا حوزه علاقه خود در درون داده‌ها باشد، به‌کار می‌رود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مضمون دارای مراحل و رفت و برگشتی زیر می‌باشد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶).



شکل (۱): مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش تحلیل مضمون

۲-۶. گام نخست: آشنا شدن با داده

گام اول در تجزیه تحلیل داده‌ها در پژوهش تحلیل مضمون آشنا شدن با داده‌هاست. پژوهشگر باید به‌گونه‌ای در داده‌ها غرق شود که با عمق و غنای محتوای آن کاملاً آشنا شود و این مستلزم بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن آن‌ها به‌صورت فعال؛ یعنی جستجوی معانی و الگوهاست (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶). برای آشنا شدن با داده‌ها و مبتنی بر هدف پژوهش، و همچنین به‌منظور رعایت حفظ ائقان و دستیابی به مُر نظرات رهبر معظم انقلاب، «بیانات» و «گزیده بیانات» ایشان از طریق سایت حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، مورد مطالعه و جمع‌آوری قرار گرفت. در جدول ۲ حوزه پژوهش و تعداد بیانات، به تفکیک سال ارائه شده است.

جدول (۲): جدول معرفی حوزه پژوهش - تعداد بیانات مقام معظم رهبری

ردیف	سال	از تاریخ	تا تاریخ	تعداد
۱	۱۳۶۸	۱۳۶۸/۰۳/۱۵	۱۳۶۸/۱۲/۲۹	۱۱۹
۲	۱۳۶۹	۱۳۶۹/۰۱/۰۱	۱۳۶۹/۱۲/۲۹	۱۰۴
۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰/۰۱/۰۱	۱۳۷۰/۱۲/۲۹	۱۲۵
۴	۱۳۷۱	۱۳۷۱/۰۱/۰۱	۱۳۷۱/۱۲/۲۹	۷۵
۵	۱۳۷۲	۱۳۷۲/۰۱/۰۱	۱۳۷۲/۱۲/۲۹	۳۷
۶	۱۳۷۳	۱۳۷۳/۰۱/۰۱	۱۳۷۳/۱۲/۲۹	۳۴
۷	۱۳۷۴	۱۳۷۴/۰۱/۰۱	۱۳۷۴/۱۲/۲۹	۳۸
۸	۱۳۷۵	۱۳۷۵/۰۱/۰۱	۱۳۷۵/۱۲/۲۹	۳۹
۹	۱۳۷۶	۱۳۷۶/۰۱/۰۱	۱۳۷۶/۱۲/۲۹	۴۳
۱۰	۱۳۷۷	۱۳۷۷/۰۱/۰۱	۱۳۷۷/۱۲/۲۹	۴۶
۱۱	۱۳۷۸	۱۳۷۸/۰۱/۰۱	۱۳۷۸/۱۲/۲۹	۴۵
۱۲	۱۳۷۹	۱۳۷۹/۰۱/۰۱	۱۳۷۹/۱۲/۲۹	۴۶
۱۳	۱۳۸۰	۱۳۸۰/۰۱/۰۱	۱۳۸۰/۱۲/۲۹	۴۲
۱۴	۱۳۸۱	۱۳۸۱/۰۱/۰۱	۱۳۸۱/۱۲/۲۹	۳۵
۱۵	۱۳۸۲	۱۳۸۲/۰۱/۰۱	۱۳۸۲/۱۲/۲۹	۵۲
۱۶	۱۳۸۳	۱۳۸۳/۰۱/۰۱	۱۳۸۳/۱۲/۲۹	۵۴
۱۷	۱۳۸۴	۱۳۸۴/۰۱/۰۱	۱۳۸۴/۱۲/۲۹	۶۱
۱۸	۱۳۸۵	۱۳۸۵/۰۱/۰۱	۱۳۸۵/۱۲/۲۹	۴۷
۱۹	۱۳۸۶	۱۳۸۶/۰۱/۰۱	۱۳۸۶/۱۲/۲۹	۴۶
۲۰	۱۳۸۷	۱۳۸۷/۰۱/۰۱	۱۳۸۷/۱۲/۲۹	۴۲
۲۱	۱۳۸۸	۱۳۸۸/۰۱/۰۱	۱۳۸۸/۱۲/۲۹	۵۵
۲۲	۱۳۸۹	۱۳۸۹/۰۱/۰۱	۱۳۸۹/۱۲/۲۹	۶۲
۲۳	۱۳۹۰	۱۳۹۰/۰۱/۰۱	۱۳۹۰/۱۲/۲۹	۶۹
۲۴	۱۳۹۱	۱۳۹۱/۰۱/۰۱	۱۳۹۱/۱۲/۲۹	۶۲
۲۵	۱۳۹۲	۱۳۹۲/۰۱/۰۱	۱۳۹۲/۱۲/۲۹	۵۰
۲۶	۱۳۹۳	۱۳۹۳/۰۱/۰۱	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	۴۵
۲۷	۱۳۹۴	۱۳۹۴/۰۱/۰۱	۱۳۹۴/۱۲/۲۹	۵۵

ردیف	سال	از تاریخ	تا تاریخ	تعداد
۲۸	۱۳۹۵	۱۳۹۵/۰۱/۰۱	۱۳۹۵/۱۲/۲۹	۶۱
۲۹	۱۳۹۶	۱۳۹۶/۰۱/۰۱	۱۳۹۶/۱۲/۲۹	۷۹
۳۰	۱۳۹۷	۱۳۹۷/۰۱/۰۱	۱۳۹۷/۱۲/۲۹	۷۰
۳۱	۱۳۹۸	۱۳۹۸/۰۱/۰۱	۱۳۹۸/۱۲/۲۹	۷۳
۳۲	۱۳۹۹	۱۳۹۹/۰۱/۰۱	۱۳۹۹/۱۲/۲۹	۲۸
۳۳	۱۴۰۰	۱۴۰۰/۰۱/۰۱	۱۴۰۰/۱۲/۲۹	۳۴
۳۴	۱۴۰۱	۱۴۰۱/۰۱/۰۱	۱۴۰۱/۱۲/۲۹	۴۲
۳۵	۱۴۰۲	۱۴۰۲/۰۱/۰۱	۱۴۰۲/۱۲/۲۹	۴۴
۳۶	۱۴۰۳	۱۴۰۳/۰۱/۰۱	۱۴۰۳/۰۶/۱۱	۳۲
۳۷	جمع	۱۳۶۸/۰۳/۱۵	۱۴۰۳/۰۶/۳۰	۱۹۹۱

۳-۶. گام دوم ایجاد کدهای اولیه

گام دوم تجزیه و تحلیل داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری است. این مرحله زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر داده‌ها را مطالعه اجمالی کرده و با آن‌ها آشنا شده باشد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶). تعداد کل بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای در طول سی‌وشش سال گذشته برابر با ۱۹۹۱ مورد می‌باشد. با توجه به روش پژوهش، به صورت غیرتصادفی و به روش هدفمند، تعداد ۲۸۵ متن حاوی کلیدواژه‌های «همبستگی»، «هم‌افزایی»، «هم‌دلی»، «هماهنگی»، «همکاری»، «مشارکت»، «حکمرانی» و «مدیریت جهادی» از تارنمای ایشان با روش نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی انتخاب شد و از داده‌های مرتبط به دست آمده موارد تکراری حذف گردید و در نهایت ۲۸۵ متن برای اعمال تحلیل مضمون انتخاب شد که در جدول ۳ نمونه‌ای از متن انتخاب شده، جمله ساده‌سازی شده و مضمون استخراج نشان داده شده است.

جدول (۳): نمونه‌ای از متن انتخاب‌شده

شماره فیش	متن دقیق بیانات	جمله انتخاب شده	جمله ساده سازی شده	مضمون مرتبط
۰۴۵	«اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی این‌که همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند. دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند.»	«اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد»	اقتدار ملی به دو عامل کلیدی نیاز دارد.	تعریف عناصر کلیدی اقتدار ملی
	همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند. دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند.»	«اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی این‌که همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند؛ یکی این‌که همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند»	اولین عامل، انجام قاطعانه وظایف توسط همه است.	مشارکت فردی در جامعه
	«دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند»	«دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند»	دومین عامل، همکاری بین قوای سه‌گانه است.	اهمیت همکاری بین قوای مختلف

۴-۶. گام سوم جستجو و شناخت مضامین

مرحله سوم زمانی آغاز می‌شود که همه داده‌ها، گردآوری و کدگذاری اولیه شده باشد. در این مرحله و بعد از کدگذاری اولیه، هر متن مورد تحلیل مجدداً مطالعه و گزاره‌ها و مضامین مرتبط با هدف پژوهش استخراج و کدگذاری می‌شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶). در این مرحله متن‌های به‌دست‌آمده از داده‌های مراحل قبل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که مجموعاً از ۲۸۵ متن، تعداد ۱۳۰۶ مضمون پایه‌ای به شرح جدول ۴ - به‌عنوان نمونه - استخراج گردید که در آن کد پنج‌رقمی مضامین شامل سه رقم اول، شماره متن تحلیل شده و دو رقم آخر شماره مضمون سازمان دهنده استخراج شده از آن متن می‌باشد.

جدول (۴): نمونه‌ای از مضامین استخراج‌شده

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادیق بیانات	کد
مردم	مشارکت مردم در حکمرانی	همه افراد جامعه باید به دولت کمک کنند.	«مردم - چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم - باید به دولت کمک کنند»	۰۲۹۰۱
	اهمیت مشارکت مردم در فرایند حکمرانی	اصل تقدم حضور در انتخابات بر انتخاب اصلح	«من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم تر است»	۱۸۰۰۱
مسئولان	وظیفه جمعی همه مسئولان	همه مسئولان باید کار جهادی کنند.	«این دیگر مربوط به خصوص سپاه نیست، همه مسئولان کشور امروز موظف‌اند کار جهادی کنند»	۲۴۸۰۷
	مدیریت جهادی وظیفه مسئولان	مسئولان در قوای مختلف باید مدیریت جهادی را دنبال کنند.	«مسئولان کشور در قوه مجریه، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، مدیریت جهادی را دنبال بکنند»	۲۵۹۰۳
دشمنان	دشمنان بخشی از باز یگران حکمرانی	مخالفت دشمنان با انتخابات نشان‌دهنده اهمیت آن به‌عنوان عمل صالح است.	«می‌بینید که دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان ایران با انتخابات شما به‌شدت مخالف‌اند؛ بنابراین اقدام به انتخابات یک عمل صالح است»	۰۶۰۰۴

۵-۶. گام چهارم ترسیم شبکه مضامین

ترسیم شبکه مضامین وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر مجموعه‌ای از مضامین را پیشنهاد داده و بخواهد آنها را پالایش کند. مضامین شناخته شده منبع اصلی تشکیل شبکه‌های مضامین هستند. طی این گام مشخص خواهد شد که برخی مضامین پیشنهاد شده واقعاً مضمون نیستند؛ مثلاً اگر داده‌های کافی وجود نداشته باشد و یا داده‌های آن خیلی متنوع باشند، برخی مضامین با همدیگر همپوشانی

دارند؛ مثلاً اگر دو مضمون جدا یک معنی داشته باشند و با هم مضمون واحدی تشکیل دهند ممکن است لازم باشد به مضامین جداگانه‌ای تفکیک شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶). با توجه به مضامین استخراج شده در این گام مضامین با استفاده از نرم‌افزار وورد و اکسل مرتب‌سازی، بازبینی و شبکه آن ترسیم شد. در این مرحله برخی دسته‌بندی‌ها اصلاح و مضامین تکراری مورد تدقیق قرار گرفت.

۶-۶. گام پنجم: تحلیل شبکه مضامین

گام پنجم تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل شبکه مضامین است. این گام وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی دست یافته باشد. در این حالت می‌توان مضامین پیشنهاد شده جهت تحلیل داده‌ها را تعریف، تعدیل و داده‌ها را براساس آنها تحلیل کرد. در این گام شبکه‌های مضامین رسم شده بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون حاصل شود. از این طریق می‌توان مضامین به دست آمده را تشریح کرد و الگوهای آنها را ارائه نمود.

۶-۷. گام ششم ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن

گام ششم تجزیه و تحلیل داده‌ها ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن است. در این مرحله ضمن تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح نمونه‌های داده‌های استخراج شده و نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و مبانی نظری مرتبط می‌شوند. حاصل شش گام ذکر شده برای تحلیل مضامین در اندیشه مقام معظم رهبری الگویی شامل پنج محور اصلی می‌باشد که هر محور هم متناسب با یافته‌های پژوهش دارای ابعاد و زیرمؤلفه‌های خود است.

بر اساس تحلیل مضمون انجام شده طی شش گام ذکر شده بر روی ۲۸۵ متن و استخراج ۱۳۰۶ مضمون پایه‌ای، ۴۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر، الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه مقام معظم رهبری، دارای ۵ محور اصلی شامل «مقدمات و زمینه شکل‌گیری»، «مراحل و فرایند حکمرانی شبکه‌ای»، «سطوح حکمرانی شبکه‌ای»، «ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای» و «عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای» می‌باشد.

۶-۷-۱. سؤال اول: چه مقدمات و زمینه‌هایی برای شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای لازم است؟

پاسخ: محور اول در الگوی حکمرانی شبکه‌ای، «مقدمات و زمینه شکل‌گیری» هست که در شکل ۲ نشان داده شده است. با توجه به تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، مقدمات و زمینه‌ای برای شکل‌گیری الگوی حکمرانی شبکه‌ای لازم است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته «بازیگران و نقش‌آفرینان»، «روابط متقابل میان بازیگران» و «مؤلفه‌های کلیدی» مطرح کرد. جداول ۵ و ۶ و ۷ مضمون‌های فرعی و اصلی مربوط به این محور را به همراه نمونه‌هایی از مصادیق بیانات نشان می‌دهد.



شکل (۲): محور اول: مقدمات و زمینه شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای

الف. وجود بازیگران و نقش‌آفرینان

وجود کنشگران فعال برای نقش‌آفرینی در حکمرانی شبکه‌ای یکی از مقدمات لازم هست. بازیگران مختلف با حضور خود در شبکه‌های حکمرانی، نقش مهمی برای اداره جامعه ایفا می‌کنند. اساساً حکمرانی شبکه‌ای بدون مشارکت بازیگران مختلف محقق نمی‌شود.

– **مردم:** کمک و همراهی مردم به دولت، به‌عنوان سنگ بنای حکمرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همه افراد و گروه‌های سیاسی، اقتصادی و آحاد مردم از اصلی‌ترین بازیگران در حکمرانی شبکه‌ای هستند. مشارکت مردم در امر حکومت که تجلی آن انتخابات است به حدی اهمیت دارد که حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است. مشارکت عمومی مردم در شئون مختلف اجتماع نشان‌دهنده همبستگی ملی و تأثیر اراده مردم در حکمرانی است.

- **مسئولان:** مسئولان، متولیان و در مجموع کارگزاران حکومت در قوای سه‌گانه، به‌عنوان متولیان امر حکمرانی که هر یک وظیفه‌ای را بر عهده دارند، باید با روحیه جهادی وارد میدان عمل شوند؛ به‌گونه‌ای که با تمام توان، وظیفه جمعی خود را به مرحله عمل برسانند.
- **دشمنان:** هر حکومتی با دشمنانی مواجه هست که تلاش می‌کنند در امر حکمرانی اختلال ایجاد کنند. یکی از ارکان حکمرانی در نظام مردم‌سالاری دینی، اصل انتخابات است که همواره دشمنان تلاش در تضعیف آن دارند؛ بنابراین آگاهی و بصیرت پیرامون مکر دشمنان و مقابله با آن از طریق برگزاری انتخابات پرشور، عملی صالح است. مردم باید با اقدامات سیاسی و تبلیغی خود، حرکت دشمنان را خنثی و ناموفق کنند.
- **نهادهای مختلف:** دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف اقتصادی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، علمی و... می‌توانند نقش تقویت‌کننده برای حکمرانی شبکه‌ای ایفا کنند و مجلس به‌عنوان سیاست‌گذار کلان، می‌تواند در سایر دستگاه‌ها تأثیر مستقیم داشته باشد. همراهی و همگامی گروه‌های مختلف متولی امر نکته بسیار مهم و ضروری در جهت تحقق حکمرانی است.
- **رسانه‌ها:** رسانه‌ها، به‌خصوص رادیو و تلویزیون، به‌عنوان ابزارهای مهم در اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی به افکار عمومی و ابزار گردش اطلاعات، نقش مهمی در تحقق حکمرانی شبکه‌ای دارند. نقش رسانه‌ها می‌تواند دو جهت داشته باشد. یک جهت مثبت برای شکل‌گیری و تقویت حکمرانی شبکه‌ای و جهت دوم به‌صورت منفی برای تضعیف ارکان حکمرانی شبکه‌ای.
- **نخبگان:** گروه‌های مختلف از حلقه‌های کنشگر در اجتماع مانند علما، اساتید، هنرمندان، نخبگان، گروه‌های مرجع و... نقش نقادانه و تذکری و تسهیل‌گری در حکمرانی شبکه‌ای دارند.

**جدول (۵): محور مقدمات لازم برای شکل‌گیری الگوی حکمرانی شبکه‌ای:
بازیگران و نقش آفرینان**

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
مردم	مشارکت مردم در حکمرانی	همه افراد جامعه باید به دولت کمک کنند.	«مردم چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم - باید به دولت کمک کنند»	۰۲۹۰۱
	اهمیت مشارکت مردم در فرایند حکمرانی	اصل تقدم حضور در انتخابات بر انتخاب اصلاح	«من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلاح هم مهم‌تر است»	۱۸۰۰۱
مسئولان	وظیفه جمعی همه مسئولان	همه مسئولان باید کار جهادی کنند.	«این دیگر مربوط به خصوص سپاه نیست، همه مسئولان کشور امروز موظفاند کار جهادی کنند»	۲۴۸۰۷
	مدیریت جهادی وظیفه مسئولان	مسئولان در قوای مختلف باید مدیریت جهادی را دنبال کنند.	«مسئولان کشور در قوه مجریه، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، مدیریت جهادی را دنبال بکنند»	۲۵۹۰۳
دشمنان	دشمنان بخشی از بازیگران حکمرانی	مخالفت دشمنان با انتخابات نشان دهنده اهمیت آن به‌عنوان عمل صالح است.	«می‌بینید که دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان ایران با انتخابات شما به‌شدت مخالفاند؛ بنابراین اقدام به انتخابات یک عمل صالح است»	۰۶۰۰۴
	نقش دشمنان در حکمرانی ایجاد دلسردی در مردم	ملت ایران با آگاهی و بصیرت، در انتخابات شرکت کرده و به تلاش‌های دشمنان پاسخ قاطعی داد.	«در این نوبت نیز ملت ایران، با آگاهی و بصیرت، میدان را با حضور مبارک خود مزین ساخت و به دشمنان که برای دلسرد کردن مردم از هیچ تلاش سیاسی و تبلیغاتی فروگذار نکرده بودند، پاسخی قاطع و پُر معنی داد»	۰۷۴۰۲

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
نهادهای مختلف	نقش مجلس در عملکرد نهادهای مختلف	مجلس قوی بر عملکرد دولت و دیگر نهادها تأثیر می‌گذارد.	«یک مجلس صالح و سالم و قوی می‌تواند بر عملکرد همه ی دستگاه‌های کشور اثر بگذارد.»	۱۲۱۰۶
	اهمیت مشارکت نهادهای مختلف در حکمرانی	نقش نهادهای مختلف در امنیت	«دستگاه‌های مختلف همه می‌توانند در این جهت با ارتش همراه و همگام باشند؛ دستگاه‌های اقتصادی، دستگاه‌های فرهنگی، دستگاه‌های آموزشی، دستگاه‌های تحقیقاتی؛ مجموعه کشور. آنچه ما از دستگاه‌های مختلف انتظار داریم، همین است»	۰۰۱۱۱
رسانه	نقش منفی رسانه‌های دشمن در حکمرانی	این به این دلیل است که خبرگزاری‌های بیگانه تلاش می‌کنند وضعیت کشور را بحرانی نشان دهند.	«برای همین است که شما اگر امروز به رادیوهای بیگانه و خبرگزاری‌های صهیونیستی مراجعه کنید - که امروز همه خبرهای دنیا را در واقع یک شبکه بزرگ صهیونیستی جهت می‌دهد، به قول خودشان کانالیزه می‌کند؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر می‌کنند - می‌بینید سعی‌شان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند»	۰۹۱۰۵
	تبلیغات منفی برای مشارکت مردم	دشمنان شایعاتی درباره عدم مشارکت و تقلب منتشر می‌کنند	«گاهی گفتند مردم شرکت نمی‌کنند، گاهی گفتند تحریم می‌کنند، گاهی گفتند تقلب می‌شود، گاهی گفتند چه و	۱۱۳۰۵

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
		تا مردم را دلسرد کنند.	چه؛ برای اینکه مردم پای صندوق رأی نیایند، دلسرد بشوند»	
نخبگان و گروه‌های مرجع	نقش نخبگان در حکمرانی فرهنگی	علماء، اساتید، روشنفکران انقلابی و هنرمندان متعهد باید به اوضاع فرهنگی کشور نگاه نقادانه داشته باشند و تذکر دهند.	«علماء، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند»	۲۷۷۰۱
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

ب. روابط متقابل میان نقش آفرینان

وجود بازیگران و نقش آفرینان برای تحقق حکمرانی شبکه‌ای مهم هست؛ اما وجه دیگر آن، روابط دوسویه و متقابل میان این کنشگران است. روابط دوسویه، رفت و برگشتی و متقابل میان نقش آفرینان به‌عنوان دومین مقدمه لازم در حکمرانی شبکه‌ای، از تحلیل بیانات مقام معظم رهبری حاصل شد که باید مورد توجه قرار گیرد.

– **رابطه دوسویه مردم و دولت:** قدرتدانی حکمرانان از بازیگران اصلی حکمرانی که همانا مردم هستند، باید همواره وجود داشته باشد و از طرف دیگر رابطه عاطفی و منطقی مردم با نظام اسلامی هم از عناصر مهم حکمرانی شبکه‌ای است. رابطه ملت – دولت و دولت – ملت از زمینه‌های مهم شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای است.

– **رابطه متقابل مسئولان با یکدیگر:** رابطه متقابل مسئولان نظام از جمله مسئولان قوای سه‌گانه با یکدیگر از طریق جلسات مرتب و منظم، از جمله مقدمات حکمرانی است. در این جلسات باید پیرامون حل مسائل مترتب بر جامعه چاره‌اندیشی کرد و تصمیمات لازم برای حل آن مسائل را اتخاذ نمود.

– **رابطه متقابل بین کشورها:** ارتباطات جهانی و تعاملات بین‌المللی در اداره

جامعه نقش‌آفرینی می‌کند. نحوه ارتباط و تعامل با دوستان جهانی و مواجهه با دشمنان خارجی، از مقدمات لازم حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه مقام معظم رهبری است. روابط بین‌المللی با کشورهای اسلامی و سایر کشورها باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول (۶): محور مقدمات لازم برای شکل‌گیری الگوی حکمرانی شبکه‌ای: روابط متقابل میان نقش‌آفرینان

کد	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	مضمون فرعی اول	مضمون فرعی دوم	مضمون اصلی
۲۲۲۰۱	«دولتمردان جمهوری اسلامی باید قدر این فداکاری مردم و حضور آنها در صحنه را بدانند»	دولتمردان باید ارزش مشارکت مردم را درک کنند	درک متقابل میان دولت و ملت	رابطه دوسویه مردم و دولت
۲۲۲۰۵	«مردم، انقلاب را دوست دارند، امام را دوست دارند، دولت جمهوری اسلامی را دوست دارند، نظام را دوست دارند»	مردم از انقلاب، امام و نظام حمایت می‌کنند	اهمیت رابطه مردم با دولت	رابطه دوسویه مردم و دولت
۲۶۷۰۲	«بنده توصیه مکرر می‌کنم به مسئولان محترم قوای سه‌گانه که جلساتشان را به‌طور مرتب داشته باشند؛ خیلی از مسائل در این جلسات مشترک حل می‌شود»	بسیاری از مسائل در این جلسات مشترک حل می‌شوند.	حل مسائل از رابطه بین مسئولان	رابطه متقابل مسئولان با یکدیگر
۲۶۷۰۳	«جلسات دولت و مجلس، جلسات قوه قضائیه و دولت، جلسات قوه قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده‌ی از نظرهای یکدیگر، موجب هم‌افزایی است»	جلسات بین دولت و مجلس، و بین قوه قضائیه و دولت و مجلس.	همکاری بین قوای سه‌گانه	رابطه متقابل بین کشورها
۲۵۴۱۰	«هم می‌توانیم در عرصه جهان، عرصه بین‌الملل [فعالیت کنیم]. ما دوستان خوبی داریم، با این دوستان می‌توانیم کار کنیم»	ما دوستان خوبی داریم که می‌توانیم با آنها همکاری کنیم.	همکاری بین‌المللی	رابطه متقابل بین کشورها
۰۰۶۰۳	«فراموش نکنیم که «روز مسجد»	ایمن روز در	تأثیر روابط بین	رابطه متقابل بین کشورها

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
	المللی ایران	سازمان همکاری اسلامی به رسمیت شناخته شده است.	اساساً یک روز انقلابی است؛ یعنی تشکیل این روز و تعیین این روز که به خواست و مطالبه جمهوری اسلامی بود و در سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان «روز مسجد» تصویب شد»	
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

پ. مؤلفه‌های کلیدی

برخی مؤلفه‌های کلیدی مانند اهداف مشترک و همراستایی آن‌ها با هم، سرمایه اجتماعی و عزم و اراده مردمی در بسیج عمومی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، از مقدمات لازم برای اداره مشارکتی کشور هستند که در بیانات رهبر انقلاب به آن‌ها اشاره شده است.

- **اهداف مشترک:** از جمله مقدمات شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای، تعریف اهداف مشترک از جمله در حوزه اقتصاد است.

- **سرمایه اجتماعی:** ایجاد امید و اطمینان از سوی مسئولان و اعتمادسازی با انجام وظایف محوله توسط دستگاه‌های مختلف، منجر به سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم در نظام حکمرانی می‌شود و باید توجه داشت که دشمن همواره تلاش در تضعیف این اطمینان دارد.

- **بسیج مردمی:** قدرت هر نظام حکمرانی به میزان موفقیتش در بسیج توده‌های مردم دارد. بسیج مردمی، خصوصاً در موعد انتخابات نشان از حرکت روبه‌رشد حکمرانی دارد.

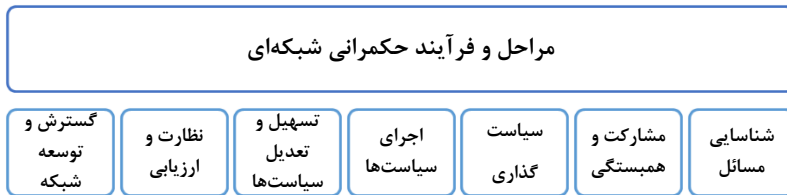
**جدول (۷): محور مقدمات لازم برای شکل‌گیری الگوی حکمرانی شبکه‌ای:
مؤلفه‌های کلیدی**

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
اهداف مشترک	هم‌راستایی اهداف	اهداف نهادها باید یکسان باشد.	«کارها مختلف است؛ اما هدف یکی است»	۰۰۱۰۵
	هدف اقتصادی مشترک	در سال جدید، اقتصادی که با کمک مسئولان و مردم شکوفا شود، در پیش است.	«لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند»	۲۷۹۱۱
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	این اعتماد، سرمایه اجتماعی است.	«در نظرات مردم خیلی تفاوت هست بین [دوره] قبل از این دو سال و اندی، و بعد از این دو سال و اندی، امید و اطمینان به قوه را زنده کرد، این سرمایه اجتماعی است»	۲۵۳۱۱
	تلاش دشمن برای تضعیف اطمینان مردم به نظام	نتوانند افرادی را که به آن‌ها اعتماد دارند، انتخاب کنند	«نتوانند عناصری را که به آنها دل می‌بندند و اطمینان می‌کنند، پیدا کنند و به مجلس بفرستند»	۲۱۲۰۷
بسیج مردمی	نقش بسیج مردمی مشارکت مردم در اداره جامعه	انتخابات نشان داد که نظام اسلامی هر روز قدرت بسیج یافته»	«انتخابات نشان داد که نظام اسلامی هر روز که گذشته است، قدرت بسیج توده‌ای آن افزایش یافته»	۱۳۸۰۳
	توانایی بسیج مردم	که پس از سه دهه، توانایی بسیج و به صحنه آوردن مردم را	«متن حقیقت در این انتخابات این است که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، آن چنان زنده و جذاب و روبه‌رشد است که با گذشت سه	۲۳۶۰۳

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
		دارد	دهه، قدرت به صحنه آوردن مردم را در این حد دارد»	
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

۶-۷-۲. سؤال دوم: الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه مراحل و فرایندی است؟

پاسخ: محور دوم در الگوی حکمرانی شبکه‌ای، «مراحل و فرایند» هست که در شکل ۳ نشان داده شده است. با توجه به تحلیل انجام شده، فرایند حکمرانی شبکه‌ای هفت مرحله و گام اساسی دارد. جدول ۸ مضمون‌های فرعی و اصلی مربوط به این محور را به همراه نمونه‌هایی از جملات رهبر معظم انقلاب نشان داده است.



شکل (۳): محور دوم: مراحل و فرایند حکمرانی شبکه‌ای

- شناسایی مسائل: کشور دچار مشکلاتی است که باید آن‌ها را شناخت و برای حل مسائل تلاش کرد. کاهش مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی مانند انتخابات یکی از مسائلی است که باید آن را به‌درستی شناخت و در جهت رفع آن تلاش نمود.
- مشارکت و همبستگی: همبستگی ملی در اداره امور جامعه یکی از مراحل فرایند حکمرانی است که باید با مشارکت همگانی محقق شود. وجود عناصر همبستگی و مشارکت می‌تواند امنیت و مصونیت نظام حکمرانی از طمع دشمنان را تأمین کند.
- سیاست‌گذاری: قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی به‌مثابه ریل‌گذاری برای آغاز حرکت قوه مجریه است. پس از شناسایی مسائل و جلب مشارکت عمومی،

- باید سیاست‌های لازم از طریق قانون‌گذاری صورت پذیرد تا در مرحله اجرا، کار متوقف نشود.
- **اجرای سیاست‌ها:** قوه مجریه وسط میدان حکمرانی و اقدامات اجرایی قرار دارد. سیاست‌گذاری بدون اجرا، بی‌فایده و بی‌اثر است. کار اجرا فی‌نفسه خود دارای چالش‌ها و موانعی است که هم باید مورد توجه دولت به‌عنوان مجری و هم مورد توجه مجلس شورای اسلامی به‌عنوان سیاست‌گذار باشد.
- **تسهیل و تعدیل سیاست‌ها:** پیش‌بینی راه‌های میان‌بر، تسهیل‌گری مجلس و کمک به دولت با همواره کردن راه اجرای قوانین از مراحل مهم حکمرانی شبکه‌ای است.
- **نظارت و ارزیابی:** استفاده از ابزارهای نظارتی مطابق با قانون اساسی مانند تحقیق و تفحص، توسط مجلس مرحله دیگری از حکمرانی شبکه‌ای است که باید به آن توجه کرد. نظارت بر اجرای سیاست‌ها و ارزیابی نتایج به‌منظور بهبود مستمر فرایند حکمرانی شبکه‌ای ضروری است.
- **گسترش و توسعه شبکه:** فراهم کردن گسترش میزان مشارکت مردم در امور جاری از جمله انتخابات، می‌تواند به توسعه شبکه حکمرانی منجر شود. تعریف نقش‌های مکمل برای سازمان‌های مختلف و زمینه‌سازی برای همکاری آن‌ها با یکدیگر، از مراحل مهم حکمرانی شبکه‌ای است.

جدول (۸): محور مراحل یا فرایند حکمرانی شبکه‌ای

کد	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	مضمون فرعی اول	مضمون فرعی دوم	مضمون اصلی
۰۷۰۰۹	«یک عده‌ای کمین کرده‌اند که با عدم ورود مردم در عرصه انتخابات یا با تحریم انتخابات یا با سست کردن انتخابات - که حالا اشاره خواهیم کرد - یک مچ‌گیری از نظام جمهوری اسلامی بکنند»	برخی در انتظار عدم مشارکت مردم هستند تا به نظام ضربه بزنند.	شناسایی مسائل حکمرانی	شناسایی مسائل
۰۹۰۰۱	«ما... [در کشور] مشکلاتی داریم»	ما در کشور با مشکلاتی مواجه هستیم.	شناسایی مشکلات موجود در کشور	شناسایی مسائل
۱۸۲۰۳	«همبستگی ملی می‌تواند در مقابل توطئه‌های دشمنان به	و همبستگی ملی می‌تواند کشور را در برابر	نقش همبستگی ملی در مقابله با مسائل	همبستگی ملی

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
		توطئه‌های دشمنان محافظت کند.	کشور مصونیت ببخشد»	
	نقش مشارکت در مسئله امنیت	و به ملت و کشور ما امنیت می‌دهد.	«مشارکت مردم در امر انتخابات می‌تواند این همبستگی ملی را در مقابل چشمان دشمن عنود و حيله‌گر به نمایش بگذارد و به ملت و کشور ما مصونیت ببخشد»	۱۸۲۰۹
سیاست‌گذاری	اهمیت فرایند قانون‌گذاری	قانون‌گذاری نیز اهمیت زیادی دارد.	«البته قانون‌گذاری کار مهمی است»	۰۲۷۰۷
	نقش مجلس در سیاست‌گذاری	نمایندگان باید جهت‌گیری حرکت دولت را مشخص کنند.	«شما حرکت دولت را اولاً ریل‌گذاری می‌کنید»	۰۲۶۰۵
اجرای سیاست‌ها	ضرورت اجرای سیاست‌ها	اجرای قوانین به معنای عبور از موانع و چالش‌هاست.	«اجرا یعنی رفتن در سنگلاخ‌ها و بریدن موانع»	۰۲۷۰۸
	نهاد متولی اجرای سیاست‌ها	بار مسئولیت‌ها بر دوش قوه مجریه است.	«قوه مجریه وسط میدان ایستاده است و کارها به عهده اوست، بارها بر دوش اوست»	۰۴۰۰۳
تسهیل و تعدیل سیاست‌ها	نقش مجلس در تسهیل اجرای قوانین	مجلس باید مسیر را برای اجرای قوانین هموار کند.	«الان هم عقیده‌ام این است که مجلس بایستی به دولت کمک کند راه را هموار کند برای اجرا»	۰۲۸۰۵
	لزوم تسهیل‌گری در حکمرانی	باید راه‌های میان‌بر برای مردم طراحی کرد.	«راه‌های میان‌بر بگذارند جلوی پای مردم، جلوی پای کارآفرین، جلوی پای کسی که می‌خواهد خدمت بکند»	۲۶۲۱۲
نظارت و ارزیابی	حق نظارتی مجلس	نمایندگان می‌توانند تحقیق و تفحص کنند.	«تحقیق و تفحص است که در قانون اساسی تصریح شده»	۰۲۶۰۷
	خطا در ارزیابی	بدون روحیه جهادی، انسان دچار خطا می‌شود.	«اگر روحیه جهادی نباشد، اولاً انسان گاهی صحنه را خطا می‌کند»	۲۴۹۰۴

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
گسترش و توسعه شبکه	اهمیت گسترش مشارکت عمومی	مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات بسیار مهم است.	«گسترش مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات اهمیت دارد»	۰۲۹۷۰۱
	همکاری و مکمل هم بودن	نهادهای باید به یکدیگر کمک کنند.	«سازمان‌های نظامی و سازمان‌های دانشگاهی و سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های فرهنگی و سازمان‌های اقتصادی، همه‌وهمه در واقع نیروهای عظیمی هستند که دارند با هم کار می‌کنند؛ به یکدیگر کمک می‌کنند، همدیگر را تکمیل می‌کنند»	۰۰۱۰۸
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

۶-۷-۳. سؤال سوم: الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله

خامنه‌ای دارای چه سطوح و ساختارهایی است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال سطوح حکمرانی شبکه‌ای در قالب محور سوم و ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای در قالب محور چهارم حاصل شد.

الف. محور سوم در الگوی حکمرانی شبکه‌ای، «سطوح حکمرانی شبکه‌ای» هست. با توجه به تحلیل انجام شده، حکمرانی شبکه‌ای در سه سطح «انسانی»، «جغرافیایی» و «مفهومی» قابل اجرا است که در شکل ۴ نشان داده شده است. جداول ۹ و ۱۰ و ۱۱ مضمون‌های فرعی و اصلی مربوط به این محور را به همراه نمونه‌هایی از جملات رهبر معظم انقلاب نشان داده است.



شکل (۴): محور سوم: سطوح حکمرانی شبکه‌ای

• **سطوح انسانی: حکمرانی شبکه‌ای بسته به افراد و انسان‌ها دارای دو سطح فردی و اجتماعی می‌باشد.**

- **سطح فردی:** اقتدار ملی که ناشی از سطوح حکمرانی است مترتب بر انجام وظیفه صادقانه و قاطع آحاد افراد جامعه است. هر کسی هر جایی هست و هر وظیفه‌ای دارد را به‌درستی و محکم انجام دهد. در این سطح، هر فرد به‌عنوان یک بازیگر مستقل در فرایند حکمرانی نقش مهم و تأثیرگذار ایفا می‌کند.

- **سطح گروهی:** مردم در قالب گروه‌های مختلف اجتماعی، باید نقش خود در حکمرانی شبکه‌ای را برعهده بگیرند و ایفا نمایند. در این سطح، گروه‌های مختلف اجتماعی هم موضوع حکمرانی و هم متولی آن هستند.

جدول (۹): محور سوم: سطح انسانی حکمرانی شبکه‌ای

کد	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	مضمون فرعی اول	مضمون فرعی دوم	مضمون اصلی
۰۴۵۰۲	«اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی اینکه همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند؛ دوم این‌که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند»	اولین عامل، انجام قاطعانه وظایف توسط همه است.	مشارکت فردی در جامعه	فردی
۰۵۹۰۲	«هر کسی صدایی دارد، هرکسی زبان گویایی دارد، هرکسی مخاطبی دارد، هرکسی می‌تواند اثر بگذارد، باید روی این زمینه کار کند: وَ تَوَاصُوا بِالْحَقِّ؛ (۱) این حق است»	همه افراد باید صدای خود را به گوش دیگران برسانند و به حق تواصی کنند.	نقش مشارکت فردی در تقویت حکمرانی و آگاهی اجتماعی	فردی

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
گروهی	نقش گروه‌های مردمی در حکمرانی	مردم با اراده و عزم ملی می‌توانند نقش آفرینی کنند.	«مردم در گروه‌های گوناگون مردمی با اراده و عزم راسخ ملی می‌توانند نقش آفرینی کنند»	۲۷۹۰۷
	تأکید بر همکاری بین گروهی	دو گروه نظامی باید با هم همکاری کنند.	«دو لشکر سپاهی و ارتشی، با هم حداکثر همکاری و محبت را داشته باشند»	۰۲۳۰۱
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

• **سطوح جغرافیایی: حکمرانی شبکه‌ای بسته به گستره فراگیری آن و حاکمیت آن بر جمعیتی از جماعت جامعه دارای سطح «محلی»، «ملی» و «بین‌المللی» می‌باشد.**

- **سطح محلی:** برخی مشکلات مانند آلودگی هوا و... مسائل محلی هستند که باید مورد توجه مسئولان شهری قرار گیرند. خدمات متنوع در شهرها و روستاها باید متناسب با اقتضات و شرایط محلی صورت پذیرد. در این سطح، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی و مسائل اجتماعی اهمیت دارد.

- **سطح ملی:** موضوعاتی مانند امنیت ملی، عزت ملی و اقتدار ملی، بُعد عمومی و ملی دارند که باید از منظر ملی به آن‌ها نگریست. اساساً شبکه حکمرانی جامعه باید در گستره ملی هم فعال و پویا باشد تا زیرساخت‌های حل مسائل مهم را فراهم کند.

- **سطح بین‌المللی:** در این سطح، باید کشورهای مختلف را در نظر گرفت و با مقایسه منطقی، میزان تحقق حکمرانی را سنجید و بهبود بخشید. همکاری و تعامل با نهادهای بین‌المللی، مقایسه عملکرد کشور با سایر کشورها و نگاه به ابعاد بین‌المللی حکمرانی اهمیت دارد.

جدول (۱۰): محور سوم: سطح جغرافیایی حکمرانی شبکه‌ای

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
محلی	حکمرانی محلی	حل مسائل محلی موفق بوده است	«با وجود برخی مشکلات همچون آلودگی هوا و حمل‌ونقل و تراکم جمعیت در تهران، اما اقدامات شهرداری در بخش‌های مختلف همچون تمیزی شهر، فضای سبز و بوستان‌ها، ساخت بزرگراه‌ها و پل‌ها، گسترش مترو و ایجاد فضاهای ورزشی، کاملاً برجسته و خوب بوده است»	۲۸۴۰۱
	لزوم اعمال حاکمیت محلی	این خدمات باید با پیشرفت‌های روز، معماری ایرانی، اعتقادات دینی، بافت اجتماعی و شرایط آب‌وهوایی هماهنگ باشند.	«خدمات متنوع در شهرها و روستاها از جمله ساختمان‌سازی‌ها، احداث خیابان‌ها، نام‌گذاری‌ها و زیباسازی‌ها باید ضمن همخوانی با پیشرفت‌های روز، با معماری ایرانی، اعتقادات دینی، بافت اجتماعی و شرایط آب‌وهوایی هر منطقه نیز متناسب باشند»	۲۸۵۰۲
ملی	حکمرانی در سطح امنیت و توسعه ملی	هدف نهایی، حفظ امنیت و توسعه کشور است.	«هدف، حفظ و حراست از امنیت ملی، از عزت ملی، از توسعه و پیشرفت کشور است»	۰۰۱۰۶
	ضرورت کار و تلاش ملی	اقتدار ملی نیاز به کار جدی و قاطع از سوی مسئولان دارد.	«اقتدار ملی به کار جدی و قاطعانه از سوی همه مسئولان بخش‌های مختلف کشور احتیاج دارد»	۰۰۲۰۱
بین‌المللی	لزوم مقایسه حکمرانی کشورها برای	در آمریکا، در ده سال اخیر، آمار مشارکت مردم در	«آن‌طور که به من گزارش داده‌اند، در آمریکا در این ده سال اخیر هیچ‌وقت آمار شرکت	۰۶۳۰۶

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
	شناخت موفقیت‌ها	انتخابات به ۴۰ درصد هم نرسیده است.	مردم در انتخابات‌های گوناگون، چه انتخابات کنگره و چه انتخابات ریاست جمهوری، به چهل درصد نرسید»	
	وجه تمایز حکمرانی ایران در مقایسه با دیگر کشورها	حضور در انتخابات، به کشور امنیت، عزت و اعتبار بین‌المللی می‌دهد، دوستان را خوشحال و دشمنان را ناامید می‌کند.	«حضور مردم در پای صندوق‌های رأی... به کشور مصونیت می‌بخشد، عزت می‌بخشد، آبروی بین‌المللی می‌بخشد، دوستان شما را خوشحال می‌کند، دشمنان شما را ناکام و بدحال می‌کند»	۰۸۴۰۲
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

- سطوح مفهومی: حکمرانی شبکه‌ای بسته به انتساب آن به پدیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی دارای سطوح «فرهنگی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «نظامی»، «امنیتی»، «صنعتی»، و «علمی» می‌باشد.
- سطح فرهنگی: مدیریت همراه با مشی فرهنگی و خردمندانه می‌تواند مسیر اعتلای حکمرانی را فراهم آورد که نتیجه آن اعتلای مادی و معنوی ملت ایران است.
- سطح اجتماعی: در سطح اجتماعی از سطوح حکمرانی شبکه‌ای چیزی که حائز اهمیت است، همکاری، همبستگی و وحدت ملی است که باید در لایه‌های مختلف اجتماعی، ایجاد و تقویت شود.
- سطح سیاسی: حکمرانی شبکه‌ای باید تعیین‌کننده و تأثیرگذار در سیاست‌های ملی و جهانی باشد. ثبات سیاسی از جمله ابعاد سطح سیاسی حکمرانی می‌باشد.
- سطح اقتصادی: در این سطح از حکمرانی شبکه‌ای، باید سیاست تقویت پول ملی به‌عنوان یکی از موارد مهم، مورد اهتمام باشد. باید بخش خصوصی و دولتی با ایجاد فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به توسعه اقتصادی کمک کنند.

- **سطح نظامی:** در این سطح، توجه به اقتدار نظامی، حفظ آمادگی نظامی و تقویت قدرت بازدارندگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی نظامی است. نیروهای مسلح باید به‌عنوان حصارهای امنیتی حکمرانی عمل کنند.
- **سطح امنیتی:** حکمرانی شبکه‌ای در سطح امنیتی و با مشارکت مردم در سرنوشت کشور محقق می‌شود و باعث ثبات و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان می‌گردد.
- **سطح صنعتی:** کارآمدی ناشی از دانش که تجلی آن در صنعت هویدا می‌شود، از سطوح صنعتی حکمرانی شبکه‌ای است. در این سطح، توجه به علم و کاربردی شدن دانش در صنعت از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خواهد بود.
- **سطح علمی:** باید فعالیت‌های کشور مبتنی بر بُعد علمی باشد، برنامه‌ریزی داشته باشد و با روحیه جهادی پیگیری شود. نگاه علمی در تمامی شئون حکمرانی لازم و ضروری است و سیاست‌گذاری در عرصه علم و دانش از واجبات جاری کشورهاست.

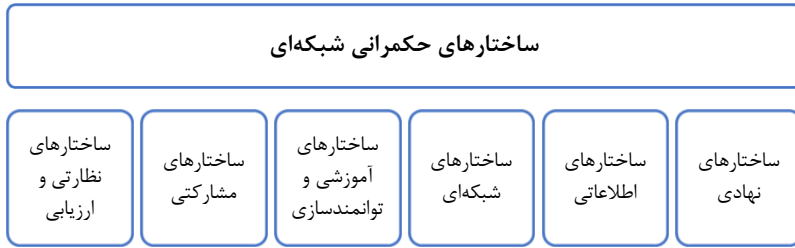
جدول (۱۱): محور سوم: سطح مفهومی حکمرانی شبکه‌ای

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
فرهنگی	حکمرانی فرهنگی	مدیریتی با رویکرد فرهنگی برای اعتلای ملت.	«مدیریتی که با مشی فرهنگی خردمندانه، مسیر اعتلای مادی و معنوی ملت ایران را هموار کرده»	۲۵۰۰۷
اجتماعی	اهمیت همکاری و وحدت ملی در حکمرانی و مسئولیت‌های اجتماعی	همکاری و حفظ وحدت ملی برای مردم و مسئولان اهمیت دارد.	«آنچه برای مردم و مسئولان - هر دو - حایز اهمیت است، عبارت است از همکاری و حفظ وحدت ملی و همبستگی عمومی ملت در قبال آنچه مسئولان موظف‌اند انجام دهند»	۰۵۶۰۱
سیاسی	حکمرانی سیاسی	ثبات سیاسی و اجتماعی کشور	«امروز ما در دنیا جزو سیاست‌های تعیین‌کننده به حساب می‌آییم. امروز ما یک کشور باثباتی هستیم»	۰۴۷۱۳

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
اقتصادی	حکمرانی اقتصادی	تقویت پول ملی باید جدی گرفته شود.	«سیاست تقویت پول ملی را بچند دنبال کند»	۲۵۰۰۵
نظامی	اهمیت نیروهای مسلح	نیروهای مسلح یکی از مهم‌ترین عوامل امنیت هستند.	«نیروهای مسلح از جمله مهم‌ترین حصارهای امنیت رعیت‌اند»	۰۰۱۰۲
امنیتی	نقش مشارکت در حکمرانی و امنیت ملی	مشارکت در سرنوشت کشور در مدیریت و مقابله با دشمنان اهمیت دارد.	«مشارکت در سرنوشت کشور علاوه بر اینکه در اداره و تعیین مدیریت کشور نقش دارد، در خنثی کردن دشمنی دشمنان هم بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند»	۰۵۳۰۱
صنعتی	حکمرانی صنعتی و علمی	معرفی مفهوم کارآمدی و حکمرانی صنعتی - علمی	«مطلب دوم در مورد آن حقیقتی است که یکی از جلوه‌های زیبای آن را در این مجموعه کاری - مجموعه «مپنا» - می‌شود دید: حقیقت کارآمدی، کارآمدی ناشی از دانش و هوش و پشتکار و ابتکار و عزم راسخ که خوشبختانه ما این را در این مجموعه مشاهده می‌کنیم؛ این نگاه ما به کل حرکت کشور است»	۲۷۳۰۱
علمی	حکمرانی علمی	حرکت باید علمی، قدرتمند، برنامه‌ریزی شده و مجاهدانه باشد.	«باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد»	۲۸۱۱۰

در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.

ب. محور چهارم از الگوی حکمرانی شبکه‌ای، «ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای» هست که خود دارای شش دسته ساختارهای «نهادی»، «شبکه‌ای»، «مشارکتی»، «اطلاعاتی»، «آموزشی و توانمندسازی» و «نظارتی ارزیابی» می‌باشد. که در شکل ۵ نشان داده شده است. جدول ۱۲ مضمون‌های فرعی و اصلی مربوط به این محور را به همراه نمونه‌هایی از مصادیق مربوطه نشان داده است.



شکل (۵): محور چهارم الگو: ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای

- **ساختارهای نهادی:** شبکه‌های حکمرانی با سازمان‌ها و نهادهای مختلف نظامی، دانشگاهی، تحقیقاتی، فرهنگی، اقتصادی و... ساختار می‌یابد؛ سازمان‌ها و نهادهایی که در ساختار حکمرانی شبکه‌ای نقش مکمل یکدیگر را بازی می‌کنند.
- **ساختارهای شبکه‌ای:** حکمرانی شامل ساختارهای مختلفی است که باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و این مستلزم داشتن روابط شبکه‌ای است. عنصر هماهنگی و همچنین صمیمیت، خمیرمایه شکل‌گیری ساختارهای شبکه‌ای از ذی‌نفعان هست که متولی امور جاری کشور هستند.
- **ساختارهای مشارکتی:** حکمرانی شبکه‌ای زمانی محقق می‌شود که نظام انتصابی برای ایفاد نقش به مشارکت‌کنندگان، به نظام مشارکت تبدیل شود. تعریف جایگاه مردم در ساختارهای مدیریتی بخشی از حکمرانی مطلوب است. تشکیل شوراهای و کمیته‌های مشورتی شامل نمایندگان مختلف جامعه، بخش خصوصی و نهادهای دولتی برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش مهمی در حکمرانی شبکه‌ای دارند. حلقه‌های میانی و گروه‌های مختلف اجتماعی بخشی از ساختارهای مشارکتی هستند.
- **ساختارهای اطلاعاتی:** برگزاری جلسات مشترک میان سه قوه، تبادل نظر و هم‌افزایی و ایجاد سیستم‌های مؤثر برای جمع‌آوری، ذخیره و تحلیل اطلاعات به منظور تسهیل تصمیم‌گیری و بهبود فرایندهای حکمرانی نکته کلیدی است.

وجود ساختارهایی برای برقراری جریان اطلاعات میان کنشگران مختلف شبکه مانند خون در شریان‌های حکمرانی شبکه‌ای نقش دارد.

- **ساختارهای آموزشی و توانمندسازی:** مدیریت جهادی در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف، به‌خصوص دانشگاه که ساختارهای آموزشی و توانمندسازی حکمرانی هستند، بسیار حائز اهمیت است. توسعه برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌های اعضای شبکه و بهبود همکاری و مشارکت از طریق ساختارهای آموزشی مانند حوزه و دانشگاه اتفاق می‌افتد.

- **ساختارهای نظارتی و ارزیابی:** ساختارهای نظارتی نظام حکمرانی که مهم‌ترین آن مجلس شورای اسلامی است، باید با روحیه جهادی کار کنند. توسعه سیستم‌های ارزیابی برای سنجش تأثیرات سیاست‌ها و برنامه‌ها و بهبود مستمر فرایندهای حکمرانی هم نکته مهم دیگر است.

جدول (۱۲): محور چهارم در الگوی حکمرانی شبکه‌ای: ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای

کد	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	مضمون فرعی اول	مضمون فرعی دوم	مضمون اصلی
۰۰۱۰۷	«سازمان‌های نظامی و سازمان‌های دانشگاهی و سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های فرهنگی و سازمان‌های اقتصادی، همه‌وهمه در واقع نیروهای عظیمی هستند»	همه نهادها و نیروهای مؤثری هستند.	نهادهای مختلف حکمرانی	ساختارهای نهادی
۰۴۸۰۵	«کشور یک کشور باثباتی است، سیاست یک سیاست جاافتاده است. بین مسئولان کمال هماهنگی وجود دارد. من این نکته را خوب است به شما برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور بگویم، امروز بین مسئولان بالای کشور نهایت صمیمیت و هماهنگی است»	جلسات منظم بین رؤسای سه قوه و ساختار همکاری وجود دارد.	حکمرانی شبکه‌ای	ساختارهای شبکه‌ای
۱۹۱۰۲	«نظام جمهوری اسلامی	نظام جمهوری	تغییر در ساختار	ساختارهای

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
مشارکتی	قدرت به ساختارهای مردمی	اسلامی نظام‌های انتصابی را لغو کرده و به انتخاب مردم در مدیریت کشور اهمیت داده است.	نظام‌های انتصابی قدرت‌ها را نسخ کرد و انتخاب مردم را در مدیریت کشور دارای نقش کرد»	
ساختارهای اطلاعاتی	نقش تبادل نظر در بهبود تصمیم‌گیری	این دیدارها و تبادل نظرها اهمیت دارند.	«جلسات دولت و مجلس، جلسات قوه قضائیه و دولت، جلسات قوه قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده از نظرات یکدیگر، موجب هم‌افزایی است»	۰۳۹۰۴
ساختارهای آموزشی	ساختارهای و شئون مختلف حکمرانی	این حرکت و جهادی و مدیریت جهادی در همه بخش‌ها باید باشد	«این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخش‌های گوناگون این عرصه عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی»	۲۶۸۱۰
ساختارهای نظارتی	توجه به ساختارهای نظارتی	توجه به مسئولیت نظارتی نهادهای حکومتی مهم است.	«ما اول امسال عرض کردیم «مدیریت جهادی»؛ این مدیریت جهادی مخصوص دولت نیست، شامل مجلس هم هست؛ طبعاً در حوزه کار مسئولیت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیت‌های مجلس است»	۲۷۱۱۱
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادق‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادق‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

۶-۷-۴. سؤال چهارم: چه عواملی و مؤلفه‌هایی در تقویت و تثبیت

الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد؟

پاسخ: محور پنجم الگوی حکمرانی شبکه‌ای شامل «عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای» است. با توجه به تحلیل صورت پذیرفته عوامل و مؤلفه‌های مختلفی در تثبیت و تقویت الگوی حکمرانی شبکه‌ای تأثیرگذارند که مجموعاً ۱۰ عامل کلیدی و مهم قابل طرح است که در شکل ۶ نشان داده شده است. جدول ۱۳ مضمون‌های فرعی و اصلی مربوط به این محور را به همراه نمونه‌هایی از جملات رهبر معظم انقلاب نشان داده است.

عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای

رفق چالش‌ها	مدیریت جهادی	یکپارچگی و همدلی	مشارکت در حکمرانی بین‌المللی	عزم ملی	همبستگی ملی	پاسخگویی نظام حکمرانی	توسعه روابط شبکه‌ای	حمایت گروه‌های مختلف	اعتماد
----------------	-----------------	---------------------	---------------------------------------	---------	----------------	-----------------------------	---------------------------	----------------------------	--------

شکل (۶): محور پنجم الگو: عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای

- **اعتماد:** وحدت مسئولان یکی از محورهای مطالبه مردم در نظام حکمرانی شبکه‌ای است که هسته اولیه آن، اعتماد بین کنشگران است. برای تقویت و تثبیت نظام حکمرانی، اعتماد یک عنصر کلیدی و مهم می‌باشد.
- **همبستگی ملی:** آنچه برای کنشگران عرصه حکمرانی شبکه‌ای اهمیت دارد، عبارت از همکاری، حفظ وحدت ملی و همبستگی است که جنبه متقابل بین مردم و مسئولان دارد.
- **یکپارچگی و همدلی:** وقتی جامعه یکپارچه و یک‌دست باشد و مسئولان هم با یکدیگر همدل و همراه باشند، نظام حکمرانی قدرتمند خواهد شد که یکی از آثار آن کاهش تهدیدات دشمن و جلوگیری از بروز بحران‌ها است. همدلی و یکپارچگی ملت و دولت، تداوم‌بخش حیات حکمرانی می‌باشد.
- **حمایت گروه‌های مختلف:** حضور لایه‌های مختلف اجتماعی در حمایت از نظام حکمرانی که تجلی آن شرکت در انتخابات است، باعث دلسردی دشمنان از آسیب‌رساندن به کشورهاست. حمایت مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی از نظام و حاکمیت، مسبب تداوم و تقویت سیستم حکمرانی و رفع مشکلات و موانع

- پیش روی جامعه است.
- **عزم ملی:** حضور مردم در انتخابات که بیانگر عزم ملی در حمایت از نظام حکمرانی است، منجر به قدرت ملی می‌شود. عزم ملی باید در برابر چالش‌ها و مشکلات به‌وضوح بروز کند.
 - **مدیریت جهادی:** از نیازمندی‌های مهم هر نظام حکمرانی، مدیریت جهادی است. از طریق مدیریت جهادی می‌توان جهش تحولی ایجاد کرد. برخی مؤلفه‌های مدیریت جهادی کفایت احراز مسئولیت، دانایی و شجاعت است.
 - **توسعه روابط شبکه‌ای:** دستاوردهای ملت ایران بر اثر وحدت، جمعیت، همدلی، همگامی قشرها و مردم مناطق مختلف و اقوام گوناگون با یکدیگر است که خود بیانگر توسعه روابط شبکه‌ای میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد.
 - **مشارکت در حکمرانی بین‌المللی:** همکاری بین کشورهای اسلامی در راستای تحقق منویات اسلام از عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی در گستره بین‌المللی است. نظام حکمرانی شبکه‌ای بین‌المللی نوین، می‌تواند از همکاری بین کشورهای اسلامی آغاز شود.
 - **رفع چالش‌ها:** مشکلات و چالش‌ها می‌تواند دست‌مایه دشمن برای تهدید باشد؛ بنابراین نظام حکمرانی باید مشکلات و چالش‌های واقعی را شناسایی کند و برای رفع آن‌ها اقدام کند.
 - **پاسخگویی نظام حکمرانی:** بار اصلی نظام حکمرانی بر دوش قوه مجریه است. قوه مجریه میدان‌دار اصلی نظام حکمرانی می‌باشد و از این جهت پاسخگویی و مؤاخذه هم متوجه این قوه است. متولیان حکمرانی، خصوصاً دولت باید به نیازها و خواسته‌های مردم پاسخگو باشد تا اعتماد عمومی را جلب کند و روابط مثبت با دیگر بازیگران را تقویت کند. پاسخگویی از عوامل مهم استمرار و استقرار نظام حکمرانی است.

جدول (۱۳): محور پنجم در الگوی حکمرانی شبکه‌ای: عوامل تقویت و تثبیت

حکمرانی شبکه‌ای

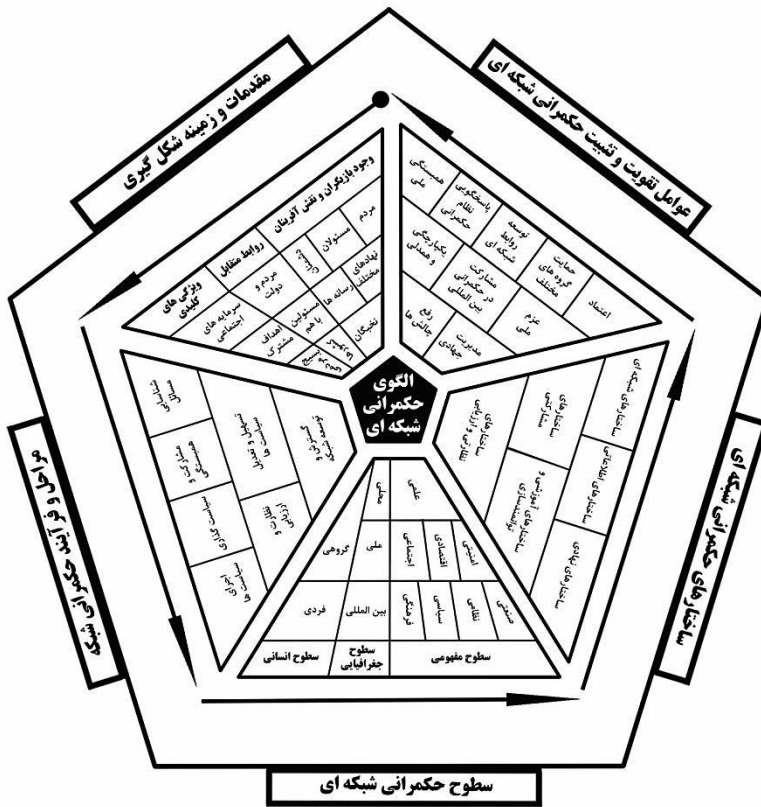
کد	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	مضمون فرعی اول	مضمون فرعی دوم	مضمون اصلی
۰۱۹۰۲	«مردم وحدت مسئولان را می‌خواهند»	وحدت و اعتماد متقابل مسئولان	نقش وحدت و اعتماد در	اعتماد

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادق بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
	حکمرانی	مطالبه مردم هست		
همبستگی ملی	نقش همبستگی عمومی در حکمرانی	حکمرانی کشور با وحدت و همبستگی تداوم می‌یابد	«آنچه برای مردم و مسئولان - هر دو - حایز اهمیت است، عبارت است از همکاری و حفظ وحدت ملی و همبستگی عمومی ملت در قبال آنچه مسئولان موظف‌اند انجام دهند»	۰۳۳۰۴
یکپارچگی و همدلی	یکپارچگی و همدلی عامل تقویت حکمرانی	یکپارچگی و حمایت از حاکمیت نکته بسیار مهم حکمرانی است.	«وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشد و مسئولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن کُند می‌شود»	۱۸۲۰۶
حمایت گروه‌های مختلف	اهمیت حمایت مردم بر تداوم و تقویت قدرت حکمرانی	حمایت مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی عامل مقابله با دشمن و تثبیت نظام است.	«یکی از برکات حضور مردم همین است که وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمی‌شود با این نظام معارضه کرد؛ چون با یک ملت نمی‌شود معارضه کرد»	۱۲۸۰۴
عزم ملی	شُرکت در انتخابات نماد عزم جمعی	حضور مردم در انتخابات نشان‌دهنده عزم و اراده ملت در تقویت ایران و تقویت نظام است.	«حضور مردم در انتخابات یکی از همان نمایش‌های عزم راسخ و قدرت و تصمیم ملت ایران است»	۱۵۵۰۱
مدیریت جهادی	مدیریت جهادی لازمه رشد	نیاز به مدیریت باکفایت، جهادی،	«امروز میهن عزیزمان، تشنه خدمت و آماده حرکت	۲۵۰۰۲

مضمون اصلی	مضمون فرعی دوم	مضمون فرعی اول	مصادقات بیانات (جملات رهبر معظم انقلاب)	کد
	حکمرانی	دانا و شجاع داریم.	جهشی در همه عرصه‌ها، و نیازمند مدیریتی باکفایت و جهادی و دانا و شجاع است»	
توسعه روابط شبکه‌ای	نقش شبکه‌های مختلف اجتماعی در حکمرانی	دستاوردهای ملت ایران در شبکه کنشگران داخل کشور قابل توجه است.	«هرچه ملت ایران به دست آورده است، بر اثر همین وحدت و جمعیت و همدلی و همگامی قشرها و مردم مناطق مختلف و اقوام گوناگون است»	۰۲۲۰۱
مشارکت در حکمرانی بین‌المللی	اهمیت حکمرانی شبکه‌ای در عرصه بین‌الملل	همکاری و مشارکت بین‌المللی در اداره کشور باید مدنظر باشد	«آنچه در نگاه اول انسان را خرسند می‌کند، این است که این نمونه موفق همکاری بین کشورهای اسلامی، بحمدالله سه دهه را پشت سر گذاشته و در این حرکت تعاونی جمعی اسلامی، حاکی از یک نمونه موفق همکاری بین کشورهای اسلامی است»	۰۱۶۰۱
رفع چالش‌ها	توجه به رفع مشکلات در نظام حکمرانی	دشمنان به ملت اتهام می‌زنند و آینده را تاریک نشان می‌دهند تا ملت را ناامید کنند.	«مشکلاتی که وجود ندارد، بی‌خود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است»	۰۹۰۰۴
پاسخگویی	پاسخگویی قوه مجریه به عملکرد خود	یکی از وظایف مهم قوه مجریه در نظام حکمرانی، پاسخگویی است.	«قوه مجریه وسط میدان ایستاده است و کارها به عهده اوست، بارها بر دوش اوست، مؤاخذه‌ها از او می‌شود»	۰۴۰۰۴
در این جدول به دلیل حجم گزاره‌ها و مصادقات‌های مورد بررسی، تنها برخی مصادقات‌های مرتبط با این محور به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده است.				

نتیجه‌گیری

این پژوهش به ارائه الگوی حکمرانی شبکه‌ای و شناسایی مؤلفه‌های کلیدی آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخت و تلاش کرد تا الگویی برای حکمرانی شبکه‌ای بر اساس بیانات ایشان ارائه دهد. با توجه به مراحل انجام‌شده پژوهش و یافته‌های پژوهش که از متن بیانات ایشان پیرامون حکمرانی شبکه‌ای، به روش تحلیل مضمون و با رویکرد استقرایی استخراج شد، الگوی نهایی پژوهش مطابق با شکل ۷ به‌دست آمد. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون شامل ۱۳۰۶ مضمون پایه‌ای، ۴۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر بود و نتایج به‌دست‌آمده در یافتن پاسخ سؤال اصلی پژوهش مبنی بر «الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟» حاکی از این است که الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر مقام معظم رهبری دارای ۵ بُعد اصلی شامل «مقدمات و زمینه شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای»، «مراحل و فرایند حکمرانی شبکه‌ای»، «سطوح حکمرانی شبکه‌ای»، «ساختارهای حکمرانی شبکه‌ای» و «عوامل تقویت و تشبیت حکمرانی شبکه‌ای» می‌باشد.



شکل (۷): الگوی حکمرانی شبکه‌ای در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

الگوی ترسیم‌شده به‌وضوح نشان می‌دهد که حکمرانی شبکه‌ای زمانی محقق می‌شود که پنج محور اصلی و زیرمؤلفه‌های آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. زمانی که حکمرانی شبکه‌ای به‌صورت مؤثر شکل بگیرد، نه تنها به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع اسلامی پاسخ می‌دهد بلکه می‌تواند به‌عنوان یک الگوی جامع برای توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه در سایر کشورها عمل کند. الگوی به‌دست‌آمده از بیانات مقام معظم رهبری به روش تحلیل مضمون، این قابلیت را دارد تا با پیاده کردن آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کشاورزی و... به حل مسائل و چالش‌های آن حوزه پرداخته شود. تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش کیفی به‌منظور بررسی عمیق و دقیق مضامین و مفاهیم در داده‌ها به‌کار می‌رود. این روش به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که ایده‌ها و نظرها را در بستر فرهنگی و

اجتماعی خاص خود تحلیل کنند. تحلیل مضمون به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و انسانی کاربرد دارد و می‌تواند به درک بهتری از نظرات و دیدگاه‌های مطرح شده کمک کند. در این پژوهش با استفاده از این روش تحلیل مضمون، ۲۸۵ متن مرتبط با سؤال پژوهش نمونه‌گیری و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج پژوهش که در اثر تحلیل روشمند داده‌ها حاصل شد بیانگر این موضوع است که برای شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای، مطابق با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مقدماتی لازم است و زمینه‌هایی را می‌طلبد؛ بنابراین در پاسخ به سؤال فرعی اول مبنی بر «چه مقدمات و زمینه‌هایی برای شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای لازم است؟» مقدمات و زمینه‌های سه‌گانه «وجود بازیگران و نقش آفرینان با شش عنصر مردم، مسئولان، دشمنان، نهادها، رسانه‌ها و نخبگان»، «روابط متقابل میان نقش آفرینان با شش عنصر رابطه دوسویه مردم و ملت، رابطه متقابل مسئولان با یکدیگر و رابطه متقابل بین کشورها» و «مؤلفه‌های کلیدی با سه عنصر اهداف مشترک، سرمایه اجتماعی و بسیج مردمی» ضروری می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش مورتی (۱۴۰۱) هم‌راستا است. نتایج پژوهش در پاسخ به سؤال فرعی دوم، مراحل هفت‌گانه حکمرانی شبکه‌ای را نمایان ساخت که این مراحل شامل شناسایی مسائل، مشارکت و همبستگی، سیاست‌گذاری، اجرای سیاست، تسهیل و تعدیل سیاست‌ها، نظارت و ارزیابی و همچنین گسترش و توسعه شبکه می‌باشد. نتایج پژوهش در پاسخ به سؤال فرعی سوم مبنی بر «الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه سطوح و ساختارهایی است؟»، حاکی از این است که حکمرانی شبکه‌ای شامل سه سطح «انسانی با دو مؤلفه فردی و گروهی»، سطح «جغرافیایی با سه مؤلفه محلی، ملی و بین‌المللی» و سطح «مفهومی با هشت مؤلفه فرهنگی، سیاسی، نظامی، صنعتی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و علمی» می‌باشد. از طرفی ساختارهای شش‌گانه حکمرانی شبکه‌ای شامل ساختار نهادی، ساختار اطلاعاتی، ساختار شبکه‌ای، ساختار آموزشی و توانمندسازی، ساختار مشارکتی و ساختار نظارتی و ارزیابی می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش با پژوهش کریم‌میان و دیگران (۱۳۹۸) هم‌راستا است. درنهایت نتایج حاصل از پژوهش بیانگر عوامل ده‌گانه در پاسخ به سؤال فرعی چهارم، برای تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای می‌باشد که این عامل شامل اعتماد، حمایت گروه‌های مختلف، توسعه روابط شبکه‌ای، پاسخگویی نظام حکمرانی، همبستگی ملی، عزم ملی، مشارکت در حکمرانی بین‌المللی، یکپارچگی و همدلی، مدیریت

جهادی و رفع چالش‌ها است. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش عالی‌خانی و دیگران (۱۳۹۷) مؤلفه‌های اعتماد و گردش اطلاعات و توسعه روابط شبکه‌ای همراستا است. با توجه به اینکه در رابطه با الگوی حکمرانی شبکه‌ای از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تا کنون مطالعاتی انجام نشده است، در سطح کلان نتایج این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات علمی در زمینه طراحی و توسعه الگوهای حکمرانی شبکه‌ای بر اساس اصول اسلامی و تجربیات کشورهای اسلامی کمک نماید. با به‌کارگیری الگوی به‌دست‌آمده در عرصه‌های مختلف می‌توان به اداره هرچه بهتر امور کشورهای اسلامی نائل آمد و زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند جهت مطالعه تطبیقی الگوهای حکمرانی شبکه‌ای در جهان مورد استفاده قرار گیرد. در سطح خرد نیز با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توان الگوی حکمرانی شبکه‌ای حاصل شده از اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را در هدایت و رهبری تشکلهای مختلف صنفی، کارگری، دانشجویی، استادی، کارمندی، اقتصادی، سیاسی (احزاب)، فرهنگی، حقوقی و به‌کارگیری اثربخش آنها مورد استفاده قرار داد. بر اساس ادبیات رایج علمی حکمرانی شبکه‌ای اساساً یک فرایند هست که در ترتیب و تأخر سلسله اقدامات و تدابیر ظهور و بروز پیدا می‌کند؛ بنابراین نتایج این پژوهش نشان داد اگر چه بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع‌های عمومی و با مخاطبین مختلف به‌صورت ساده‌سازی شده و قابل فهم برای عموم مطرح می‌شود؛ اما در نگاه عمیق، منظومه‌ای و روشمند به آن، می‌توان ادبیات علمی را استخراج کرد که هیچگاه در ظاهر واژه‌ها عینی نیستند و این حاصل حکمت در گوینده و توجه به مکنونات بیانی است. اگر چنانچه الگوی حاصل شده از این پژوهش در متن امور جاری جامعه رسوخ کند، می‌تواند در سایه اندیشه رهبر معظم انقلاب، بسیاری از مسائلی که بعضاً چالش‌آفرین شده‌اند را حل کند و راه سریع‌تری را به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی در گستره جهانی باز نماید.

پیشنهاد‌های آتی و توصیه‌ها

در راستای نتایج پژوهش می‌توان پیشنهادهاتی را در دو حوزه «سیاست‌گذاری» و «عملیاتی» ارائه نمود:

الف) پیشنهادات سیاست‌گذاری: با توجه به اینکه بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در مرحله سوم از مراحل دستیابی به تمدن اسلامی یعنی دولت‌سازی قرار داریم، ضرورت طراحی روش‌ها و خرده نظام‌ها توسط پژوهشگران و نخبگان احساس

می‌شود که در مرحله اول لازم است نظریه‌پردازان مبانی را استخراج کنند و در گام دوم نخبگان که عرصه‌های تخصصی را پوشش می‌دهند، ارزش‌ها را در قوانین، اصول و روش‌ها و مدل‌ها پیاده کنند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری به‌منظور زمینه شکل‌گیری و فراهم‌آمدن مقدمات لازم برای حکمرانی شبکه‌ای به تفکیک بازیگران و نقش‌آفرینان اعم از مردم، مسئولان، نخبگان، نهادهای مختلف و رسانه‌ها با در نظر گرفتن روابط میان آنان و مولفه‌های کلیدی شامل اهداف مشترک، سرمایه اجتماعی و بسیج مردمی شکل گیرد. همچنین از آنجا که حکمرانی شبکه‌ای بسته به گستره فراگیری آن و حاکمیت آن بر جمعیتی از جماعت جامعه دارای سطوح مختلف می‌باشد ضروریست در سیاست‌گذاری‌ها به این سطوح شامل سطوح؛ «محلی»، «ملی» و «بین‌المللی» توجه شود.

همچنین سیاست‌گذاران می‌توانند به طراحی و توسعه الگوهای حکمرانی شبکه‌ای بر اساس اصول اسلامی و تجربیات کشورهای اسلامی و همچنین سیره اولیای الهی و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بپردازند. این الگوها باید به نیازهای خاص هر کشور و فرهنگ آن توجه داشته باشند. لازم است سیاست‌گذاران زمینه‌های فرهنگی پذیرش حکمرانی شبکه‌ای از سوی افراد مختلف جامعه و لایه‌های مختلف اجتماعی را به‌عنوان یکی از عوامل مهم تحقق حکمرانی شبکه‌ای مدنظر قرار دهند. در حوزه سیاست‌گذاری شناسایی موانع فرهنگی و اجتماعی، عوامل همراهی و همکاری در عرصه‌های حکمرانی از سوی بازیگران مختلف و ارائه راهکارهایی برای ترویج فرهنگ مشارکت عمومی در عرصه‌های اجتماع لازم است مورد توجه قرار گیرد. مبتنی بر نتایج این پژوهش و در زمره عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای، مؤلفه «اعتماد» برای جلب مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی، بسیار مهم و کلیدی است؛ بنابراین سیاست‌گذاران می‌بایست نسبت به تقویت اعتماد عمومی اهتمام داشته باشند و از انجام فعل و عملی که موجب خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی می‌گردد خودداری نمایند. همچنین به ظرفیت‌های فردی و گروهی در سطوح محلی و توجه ویژه داشته باشند.

ب) پیشنهادات عملیاتی: پیشنهاد می‌شود مبتنی بر نتایج این پژوهش گروه‌ها و تشکل‌های مختلف که گستره استانی و کشوری دارند، ظرفیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند تا هرچه موفق‌تر جلوه کنند؛ به‌عنوان مثال هم اکنون در کشور تشکل‌های دانشجویی مختلفی مانند: کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، بسیج دانشجویی و تشکل‌های اسلامی وجود دارند که به‌صورت جزیره‌ای و منفرد فعالیت

می‌کنند. پیشنهاد می‌شود این دسته از تشکل با محوریت نتایج حاصل شده از این پژوهش در گروه‌های بزرگ‌تر مانند اتحادیه‌ها، شبکه شوند و موجبات هم‌افزایی و تأثیرگذاری بیشتری را فراهم کنند. براساس نتایج پژوهش حاضر، یکی از «مقدمات و زمینه‌های شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای» استفاده از ظرفیت رسانه‌ای است؛ لذا مبتنی بر این یافته پیشنهاد می‌شود تسهیلات لازم برای تشکل‌های مختلف صنفی، تجاری، دانشجویی، سیاسی و فرهنگی فراهم گردد تا از ظرفیت رسانه ملی و استانی برای گردش اطلاعات، اطلاع‌رسانی و شبکه‌شدن بهره‌مند گردند. با توجه به یافته‌های مبتنی بر مؤلفه «عوامل تقویت و تثبیت حکمرانی شبکه‌ای»، خصوصاً عامل «اعتماد»، پیشنهاد می‌شود در فرایندهای مشارکت عمومی سیاسی آحاد جامعه که در انتخابات سیاسی تجلی پیدا می‌کند، کاندیداها با وعده‌های غیرقابل انجام یا خارج از حیطه اختیارات، موجبات از بین رفتن عامل اعتماد را فراهم نکنند، عدم اعتماد عمومی به حکمرانان جامعه، مانع بسیار بزرگ در بزنگاه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است که می‌تواند سیاست‌مداران را با چالش جدی و آفت بی‌تصمیمی مواجه کند.

پژوهشگران نیز می‌توانند با مطالعات تطبیقی در حکمرانی شبکه‌ای در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها به شناسایی بهترین شیوه‌ها و تجربیات موفق بپردازند. همچنین با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش در کشف سطوح هشت‌گانه حکمرانی شبکه‌ای، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، نسبت به مطالعه الگوی حکمرانی شبکه‌ای در سطوح مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی و امنیتی، صنعتی، اجتماعی، اقتصادی و علمی، به تفکیک بپردازند.

فهرست منابع

- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۶). *سیاست‌گذاری عمومی ایران*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- باتاچرجی، آنول (۱۳۹۴). *تحقیقات در علوم اجتماعی: اصول، روش‌ها و رویه‌ها*. ترجمه امیر سبزیعلیان (۱۳۹۴)، تهران: سپهراندیش.
- باراکت، جو؛ کیست، رابین و فرنو، کریگ (۱۴۰۰). *تدارکات اجتماعی و حکمرانی عمومی نوین*. ترجمه رضا زارع و علیرضا پاک‌نیت و محمد صفری دشتکی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
- بووراد، تونی و لوفر، الک (۱۳۹۳). *مدیریت دولتی و حکمرانی*. ترجمه علیرضا شیروانی و سیدمهدی الوانی و علیرضا ذاکر اصفهانی. اصفهان: نگین.
- بهجت پور، عبدالکریم؛ هاشمیان، سیدمحمدحسین و یاسی، رحمان (۱۳۹۵). *الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی قرآن کریم با تأکید بر موضوع انسجام اجتماعی*. رساله دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، دانشکده فرهنگ و علوم اجتماعی و رفتاری، تهران.
- بیگللو، مهدی و زندیان، مهدی (۱۴۰۴). *راهبرد مواجهه با تحول فرهنگی و الزامات آن از منظر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی)*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال چهاردهم، (۲)، ۵۷۱-۶۳۲.
- پورعزت، علی‌اصغر و فتحی، فاطمه (۱۳۹۹). *عدالت اجتماعی و حکمرانی*. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- جلالی خان‌آبادی، طاهره؛ الوانی، سیدمهدی؛ واعظی، رضا و قربانی‌زاده، وجه‌الله (۱۳۹۹). *طراحی الگوی حکمرانی شبکه‌ای در نظام سلامت کشور*. *انجمن علوم مدیریت ایران*، ۱۵ (۵۸)، ۱-۳۰.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و قربی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۲). *تحلیل مضمون الگوی راهبردی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال سیزدهم، (۳)، ۱۱۸۷-۱۲۱۰.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی با رویکردی نو و کاربردی (جلد اول)*. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- خوشحال، فاطمه (۱۴۰۳). *طراحی و تبیین مدل جامع حکمرانی مشارکتی*. چهارمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین همایش ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری. تهران: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳.

- دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین‌رضا و دهقانی، مسعود (۱۳۹۸). ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۳۰.
- رحیم سلمانی، آرزو (۱۳۹۱). مروری بر روش تحلیل محتوا. *آیین پژوهش*، ۱۳۸(۱۳۷)، ۳۰-۴۰.
- رضایی، مرضیه (۱۴۰۳). موانع تشکیل دولت انقلابی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. *رهنمون انقلاب اسلامی*. سال اول، (۳)، ۵۷-۸۲.
- سهرابی، شهلا؛ سلیمی، غلامرضا و حبیبی، میثم (۱۴۰۳). الگوی حکمرانی هوشمند در وضعیت بحران با تأکید بر مدیریت شهری در راستای سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱۲(۴۶)، ۲۳۴-۲۶۲.
- سهرابی، شهلا؛ سلیمی، غلامرضا و طاهرنژاد، امید (۱۴۰۳). ویژگی‌های حکمرانی علم‌وفناوری در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به روش تحلیل مضمون. *همایش ملی الگوی حکمرانی تمدنی علم‌وفناوری*. ۱۰ الی ۱۲ آذرماه ۱۴۰۳.
- سیمایی چافی، حسین و معمارزاده تهران، غلامرضا (۱۴۰۱). طراحی مدل ظرفیت سازی حکمرانی شبکه‌ای. *فرایند مدیریت و توسعه*، ۳۵(۱)، ۲۵-۶۰.
- شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۲). *تاریخ تشکیلات در اسلام*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).
- صالحی، صادق؛ شریف‌پور، حسین؛ بنیاد، لیلا؛ پارسامهر، مهربان؛ شیرعلی، اسماعیل و رضایی، احمد (۱۴۰۳). بررسی جامعه‌شناختی حکمرانی مسجد - محور به‌عنوان کلید توسعه: استراتژی‌ها و پیامدها (مطالعه موردی: شهر آمل). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال سیزدهم، (۴)، ۱۵۷۱-۱۶۱۲.
- طیبه‌بی، جمال‌الدین؛ ملکی، محمدرضا و دلگشایی، بهرام (۱۴۰۰). *تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله نویسی*. تهران: انتشارات فردوس.
- عالی‌خانی، رضا؛ رسولی، محمدرضا و علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۹۷). تأثیرگذاری فاکتورهای کلیدی بر مدل حکمرانی شبکه‌ای مطلوب در نظام سلامت: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *مدیریت سلامت*، ۲۱(۷۴)، ۱۹-۳۴.
- فادی، فارا و کریستوفر، پیساریدس (۱۴۰۳). *حکمرانی کوانتومی بازسازی مجدد مبانی خط‌مشی عمومی*. ترجمه شهلا سهرابی و غلامرضا سلیمی. شهریار: شبنا.
- کریم‌میان، زهره؛ محمدی، مهدی؛ ذوالفقارزاده کرمانی، محمدمهدی و قاضی نوری،

سیدسپهر (۱۳۹۸). بررسی تکامل تاریخی سیاست‌گذاری نوآوری در ایران با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای. بهبود مدیریت، ۱۳(۲)، ۹۸-۱۲۹.

کریمی، عبدالغفار؛ پورشهبابی، وحید؛ ناصری، بهاره و سرگلزایی، علیرضا (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای هوشمند در سیستم بانکداری کشور. ارزش آفرینی در مدیریت کسب‌وکار، ۳(۱)، ۲۵-۵۶.

مورتنی، آنا (۱۴۰۱). سازمان شبکه‌ای: نگاهی از منظر حکمرانی به ساختار، پویایی و عملکرد. ترجمه محمد مهدی ذوالفقارزاده زهره کریم‌میان، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مهرابی شرف‌آبادی، هادی؛ طوطیان اصفهانی، صدیقه؛ دانش فرد، کرم‌اله و موفق پور، محمدعلی (۱۴۰۳). ارائه الگوی فراترکیب فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی شبکه‌ای در عصر دیجیتال. مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۳(۷)، ۸۵-۱۱۷.

میرباقری، سید محسن (۱۴۰۲). شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا. راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوازدهم، (۲)، ۴۸۳-۵۲۶.

میرباقری، سید محسن و جلیلی، سیدمصطفی (۱۴۰۲). روندنگاری تحقیقات در حوزه حکمرانی مشارکتی: ترسیم نقشه هم‌زمان و هم‌خدادی واژگان. مدیریت دولتی، ۱۵(۴)، ۷۸۲-۸۰۶.

میلمن، لوئیس (۱۴۰۲). مدیریت دولتی و فراحکمرانی سلسله‌مراتبی، شبکه‌ها و بازارها: امکان‌سنجی طراحی و مدیریت ترکیب‌های سبک حکمرانی. ترجمه شهلا سهرابی و غلامرضا سلیمی. شهریار: شبنا.

نیازی، محسن؛ ذوالفقاری، اکبر؛ رضایی، الهام و آب شیرین، شکوفه (۱۴۰۳). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات. راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سیزدهم، (۳)، ۹۰۷-۹۳۶.

هاشمی، سیدعلی؛ راه‌نجات، میترا؛ شریف‌زاده، فتاح و سعدی، محمدرضا (۱۳۹۹). نسبت‌سنجی حکمروایی خوب و شهر هوشمند (مطالعه موردی: شهر تهران). راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال نهم، (۳۴)، ۶۷-۹۰.

هیل، میکال و هیوپ، پیتر (۱۳۹۷). اجرای خط‌مشی عمومی: حکمرانی در نظریه و عمل به انضمام مبحث ارزیابی خط‌مشی عمومی. ترجمه جواد معدنی و نیما خدایی. تهران: انتشارات آذین مهر.

- Almond, G. A. & G. B. Powell (1966). *Comparative Politics: A Developmental Approach* (Boston: Little, Brown).
- Bauman, Z. (2001). *The individualized society*. Cambridge, UK; Malden, MA: Polity.
- Castells, M. (2011). *The rise of the network society*. John Wiley & sons.
- Considine (2002: 7). Joined at the lip? What does network research tell us about governance?
- Farazmand, Ali (2004): *Sound governance in the age of globalization: a conceptual framework*. Westport: Praeger.
- Folke, C.; Hahn, T.; Olsson, P. & Norberg, J. (2005). Adaptive governance of social-ecological systems. *Annu. Rev. Environ. Resour.* 30(1), 441-473.
- Frederickson, H. G. (2005). Whatever happened to public administration?. In *The Oxford Handbook of Public Management*.
- Frederickson, H. George & Kevin B. Smith (2003). *The administration theory primer*. Cambridge, MA.: Westview Press.
- High & et al. (2005, Understanding informal institutions). Argue that 'network management' is contains a contradiction: networks are characterised by personal and informal relationships, which makes them in to a certain extent resistant to 'management'.
- Kickert (1997: 735). *Public governance in the Netherlands*.
- Kooiman, J. (ed.) (1993). *Modern Governance*. London: Sage.
- Lewis, M. Jenny. (2011). The Future of Network Governance Research: Strength in Diversity and Synthesis. *Public Administration*, 89(4), 2011 (1221-1234).
- Lowndes, Vivian & Chris Skelcher (1998). The dynamics of MultiOrganisational Partnerships: an Analysis of Changing Modes of Governance. *Public Administration*, (76), 313-333.
- Milward, H. B. & Raab, J. (2002, October). Dark networks: the structure, operation, and performance of international drug, terror, and arms trafficking networks. In *International Conference on the Empirical Study of Governance, Management, and Performance, Barcelona, Spain*.
- Pierre, J. & B. G. Peters (2020). *Governance, Politics and the State*, 2nd ed. (London: Palgrave).
- Rhodes, R.A.W. (1997). *Understanding governance*. Maidenhead: Open University Press.
- Stoker, G. (1998). Governance as Theory: Five Propositions. *International Social Science Journal*. (155), 17-28.
- Tosun, J. & S. Workman (2018). "Struggle and Triumph in Fusing Policy Process and Comparative Research" in C. M. Weible and P. A. Sabatier (eds), *Theories of the Policy Process*, 4th ed. (Boulder, CO: Westview Press).
- Voss, Jan-Peter (2007). *Designs on governance. Development of policy instruments and dynamics in governance*. PhD thesis. Enschede: University of Twente, School of Management and Governance.

References

- Aali Khani, R., Rasouli, M. R., & Aliahmadi, A. (2018). The impact of key factors on the desirable network governance model in the health system: A structural equation modeling approach. *Health Management*, 21(74), 19–34. (In Persian)
- Almond, G. A. and G. B. Powell (1966), *Comparative Politics: A Developmental Approach* (Boston: Little, Brown).
- Ashterian, K. (2017). *Iranian public policymaking* (2nd ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Barakat, J., Keast, R., & Furneaux, C. (2021). Social procurement and new public governance (R. Zare, A. Pak Nejat, & M. Safari Dashtaki, Trans.). Tehran: SAMT. (In Persian)
- Bauman, Z. (2001). *The individualized society*. Cambridge, UK; Malden, MA: Polity.
- Behjatpour, A., Hashemian, S. M. H., & Yasi, R. (2016). The cultural policy-making model of the Holy Quran with emphasis on the issue of social cohesion [Doctoral dissertation, Baqir al-Uloom University, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Tehran]. (In Persian)
- Bhattacharjee, A. (2015). *Research in social sciences: Principles, methods, and procedures* (A. Sabzalizadeh, Trans.). Tehran: Sephr Andish. (Original work published 2015) (In Persian)
- Bigdalu, M., & Zandian, M. (2025). The strategy of confronting cultural transformation and its requirements from the perspective of the Supreme Leader, His Eminence Ayatollah al-Uzma Imam Khamenei (may Allah protect him). *Social Cultural Strategy*, 14(2), 571–632. (In Persian)
- Bovaird, T., & Löffler, E. (2014). *Public management and governance* (A. Shirvani, S. M. Alvani, & A. Zaker Esfahani, Trans.). Isfahan: Negin. (In Persian)
- Castells, M. (2011). *The rise of the network society*. John Wiley & Sons.
- Considine (2002: 7): Joined at the lip? What does network research tell us about governance?
- Daghighi, A., Yaghoubi, N., Kamalian, A. R., & Dehghani, M. (2019). Presenting a model for the staged development of network governance using the meta-synthesis approach. *Public Administration*, 11(2), 203–230. (In Persian)
- Fadi, F., & Pissarides, C. (2023). *Quantum governance: Reconstructing the foundations of public policy* (Sh. Sohrabi & G. Salimi, Trans., 2024). Shahriyar: Shabnama. (In Persian)
- Farzmand, Ali (2004): *Sound governance in the age of globalization: a conceptual framework*. Westport: Praeger.
- Folke, C., Hahn, T., Olsson, P., & Norberg, J. (2005). Adaptive governance of social-ecological systems. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 30(1), 441-473.

- Frederickson, H. G. (2005). Whatever happened to public administration?. In *The Oxford Handbook of Public Management*.
- Frederickson, H. George and Kevin B. Smith (2003): *The administration theory primer*. Cambridge, MA.: Westview Press.
- Hashemi, S. A., Rahnejat, M., Sharifzadeh, F., & Saadi, M. R. (2020). Assessing the relationship between good governance and smart city (case study: Tehran city). *Social Cultural Strategy*, 9(34), 67–90. (In Persian)
- High et al. (2005, Understanding informal institutions) argue that ‘network management’ is contains a contradiction: networks are characterised by personal and informal relationships, which makes them in to a certain extent resistant to ‘management’.
- Hill, M., & Hupe, P. (2018). *Implementing public policy: Governance in theory and practice including the topic of policy evaluation* (J. Ma'dani & N. Khodaei, Trans.). Tehran: Azin Mehr Publications. (In Persian)
- Jalali Khanabadi, T., Alvani, S. M., Vaezi, R., & Ghorbanizadeh, V. (2020). Designing a model of network governance in the country's health system. *Iranian Management Sciences Association*, 15(58), 1–30. (In Persian)
- Jamshidiha, G., & Ghorbi, S. M. J. (2023). Thematic analysis of the strategic model of linguistic identity in Article 15 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Social Cultural Strategy*, 13(3), 1187–1210. (In Persian)
- Karimi, A., Pourshahabi, V., Naseri, B., & Sargolzaei, A. (2023). Identifying the dimensions and components of smart network governance in the country's banking system. *Value Creation in Business Management*, 3(1), 25–56. (In Persian)
- Karimian, Z., Mohammadi, M., Zolfaghari Zadeh Kermani, M. M., & Ghazi Noori, S. S. (2019). Examining the historical evolution of innovation policy in Iran with a network governance approach. *Management Improvement*, 13(2), 98–129. (In Persian)
- Khanefer, H., & Moslemi, N. (2017). *Principles and foundations of qualitative research methods with a new and applied approach* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Negah Danesh Publications. (In Persian)
- Khoshhal, F. (2024). Design and explanation of a comprehensive model of participatory governance. *Fourth International Conference and Seventh National Conference on Management, Psychology and Behavioral Sciences*. Tehran, May 2, 2024. (In Persian)
- Kickert (1997: 735): *Public governance in the Netherlands*.
- Kooiman, J. (ed.) (1993). *Modern Governance*. London: Sage.
- Lewis, M. Jenny. (2011). The Future of Network Governance Research: Strength in Diversity and Synthesis, *Public Administration*, 89(4), 1221–1234.
- Lowndes, Vivian and Chris Skelcher (1998). The dynamics of MultiOrganisational Partnerships: an Analysis of Changing Modes of Governance. *Public Administration*, (76), 313-333.

- Mehrabi Sharafabadi, H., Toutian Isfahani, S., Daneshfard, K., & Movafagh Pour, M. A. (2024). Presenting a meta-synthesis model of opportunities and challenges of network governance in the digital age. *Iranian Public Administration Studies*, 3(7), 85–117. (In Persian)
- Milliman, L. (2008). Public administration and multi-level governance: Hierarchy, networks, and markets: The feasibility of designing and managing governance style combinations (Sh. Sohrabi & G. Salimi, Trans., 2023). Shahriyar: Shabnama. (In Persian)
- Milward, H. B., & Raab, J. (2002, October). Dark networks: the structure, operation, and performance of international drug, terror, and arms trafficking networks. In *International Conference on the Empirical Study of Governance, Management, and Performance*, Barcelona, Spain.
- Mirabbasi, S. M. (2023). Identifying methods of participatory governance and its sociocultural tools using content analysis approach. *Social Cultural Strategy*, 12(2), 483–526. (In Persian)
- Mirabbasi, S. M., & Jalili, S. M. (2023). Trend monitoring of research in the field of participatory governance: Drawing a map of word co-occurrence and co-incidence. *Public Administration*, 15(4), 782–806. (In Persian)
- Murti, A. (2022). Network organization: A governance view of structure, dynamics, and performance (M. M. Zolfaghari Zadeh & Z. Karimian, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Niazi, M., Zolfaghari, A., Rezaei, E., & Ab Shirin, Sh. (2024). Identifying and ranking factors affecting the increase of Iranians' participation in tax payment. *Social Cultural Strategy*, 13(3), 907–936. (In Persian)
- Pierre, J. and B. G. Peters (2020), *Governance, Politics and the State*, 2nd ed. (London: Palgrave).
- Pourezzat, A. A., & Fathi, F. (2020). *Social justice and governance*. Tehran: Mehraban Nashr Book Institute. (In Persian)
- Rahim Salmani, A. (2012). A review of content analysis method. *Aeeneh Pazhoohesh*, (137-138), 30–40. (In Persian)
- Rezaei, M. (2024). Obstacles to the formation of a revolutionary government in the thought of Ayatollah Khamenei. *Rahnamoon of the Islamic Revolution*, 1(3), 57–82. (In Persian)
- Rhodes, R.A.W. (1997). *Understanding governance*. Maidenhead: Open University Press.
- Salehi, S., Sharifpour, H., Bonyad, L., Parsamehr, M., Shirali, I., & Rezaei, A. (2024). Sociological study of mosque-centered governance as the key to development: Strategies and consequences (case study: Amol city). *Social Cultural Strategy*, 13(4), 1571–1612. (In Persian)
- Shahidi Pak, M. R. (2013). *The history of organization in Islam*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publication Center. (In Persian)
- Simaei Chafi, H., & Memarzadeh Tehran, G. (2022). Designing a model for building network governance capacity. *Management and Development Process*, 35(1), 25–60. (In Persian)


- Sohrabi, Sh., Salimi, G., & Habibi, M. (2024b). The model of smart governance in crisis situations with emphasis on urban management in line with the general policies of the Islamic Republic of Iran system. *Strategic and Macro Policies*, 12(46), 234–262. (In Persian)
- Sohrabi, Sh., Salimi, G., & Tahernejad, O. (2024a). Characteristics of science and technology governance in the thought of Ayatollah al-Uzma Khamenei using thematic analysis method. *National Conference on the Civilizational Model of Science and Technology Governance*, December 1–3, 2024. (In Persian)
- Stoker, G. (1998). Governance as Theory: Five Propositions. *International Social Science Journal*, (155), 17–28.
- Tabibi, J., Maleki, M. R., & Delgoshai, B. (2021). Writing thesis, dissertation, research proposal and article (11th ed.). Tehran: Firdows Publications. (In Persian)
- Tosun, J. and S. Workman (2018). Struggle and Triumph in Fusing Policy Process and Comparative Research. in C. M. Weible and P. A. Sabatier (eds), *Theories of the Policy Process*, 4th ed. (Boulder, CO: Westview Press).
- Voss, Jan-Peter (2007). Designs on governance. Development of policy instruments and dynamics in governance. PhD thesis. Enschede: University of Twente, School of Management and Governance.

The Components of the Optimal National Image (Nation Brand) from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Mohammad javad Falahati Rostami

Master's degree of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding author).


mjfalahatir@gmail.com

 0009-0004-4647-1489

Shahab Talaie Shokri

Assistant Professor, Department of Culture and Governance, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.


shahab_talaie@yahoo.com

 0000-0003- 3423-449X

Mesbaholhoda Bagheri Kani

Associate Professor of Business Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

m.h.bagheri@isu.ac.ir

 0000-0003- 4648-6299

Abstract

In the framework of the current world system, many countries have realized the importance of creating and promoting the appropriate national image of their country. So that all governments, companies and individuals choose appropriate strategies to improve their global image and take appropriate actions based on that. Paying attention to nation branding and choosing targeted strategies in order to create a worthy nation brand creates many different opportunities for the country. In general, the positive and international image of a country, apart from its popularity and attractiveness, also refers to wider dimensions such as economy, culture, art, politics, etc.

In this research, we tried to obtain the components of the optimal national image from the perspective of Ayatollah Khamenei as a religious thinker and the leader of the Islamic Revolution, using documentary and library methods, in order to promote the Islamic Republic of Iran in the international arena based on these components. For this purpose, with the method of thematic analysis, we reached 6 dimensions of the optimal nation image from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution, which include "Pure Islam: the new and attractive logic of the Islamic Republic", "Principles and policies of the Islamic Republic of Iran", "Iran, the center and axis of resistance", "Iran with a rich history, culture and civilization", "characteristics of the Iranian nation" and then "territorial capacities and characteristics of Iran" and then we extracted the components of the ideal national image from his point of view, which includes 34 components.

Keywords: National image (brand), Iran, Components, Ayatollah Khamenei.

Extended abstract

Within the framework of the current global system, many countries have realized the importance of creating and promoting a national image appropriate to their country. In such a way that all governments, companies and individuals have chosen appropriate strategies to improve their global image and take appropriate actions based on them. Paying attention to national branding and choosing targeted strategies in order to create a worthy national brand creates various and abundant opportunities for the country in question. In general, a positive and international image of a country, in addition to popularity and attractiveness, also refers to broader dimensions such as economy, culture, art, politics, etc.

Let us address the issue of the dimensions and components of a desirable national image or national brand from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution and extract them. First, we defined national brand and national branding and then addressed the main questions.

In this regard, in this study, we tried to obtain the components of the desired national image from the perspective of Ayatollah Khamenei as a religious thinker and leader of the Islamic Revolution using the inductive content analysis method and the purposeful sampling method, so that based on these components, we could address the integrated promotion of the Islamic Republic of Iran in the international space. Of course, at the beginning of this study, we answered the sub-question of this study and presented the definition of national image (national brand) and national image (national branding) from among the various definitions of domestic and foreign scholars who are experts on this issue. In defining the national brand, after expressing the opinions of various scholars, we chose Mr. Bidollakhani's definition using Bahman's opinion as our own opinion. This definition is: "The image of the country is the subjective and objective attitudes of international audiences towards a nation that are guided by governments, media, specific beliefs and public feelings and have functional, normative, aesthetic and emotional dimensions." And in the definition of national branding, we reached the comprehensive definition of Rojasmendes and Khosnavis. Recognizing the gap in a comprehensive conceptual or theoretical definition of national branding, Rojasmendes and Khosnavis, while utilizing other definitions of this concept and considering other neglected elements, have presented this broad definition of national branding:

“National branding is a systematic strategic process of involving the

public and private sectors in order to design a branding strategy for the country, convey the fundamental values and national identity of the country, and apply branding strategies and methods to promote the image of a country, improve the reputation of the country among different audiences, differentiate a country from other countries, and achieve economic, social, political, commercial, and international competitiveness” (Qasemi and Bashir, 1403, p. 12)

Then, we addressed the main question of this research. In this regard, using the inductive content analysis method, we arrived at 6 dimensions of the desired national image from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution, which include "Pure Islam: the new and attractive word and logic of the Islamic Republic", "Principles and policies of the Islamic Republic of Iran", "Iran, the center and axis of resistance", "Iran has a deep history, culture and civilization", "Iranian nation's identity" and the dimension "Iran's territorial and human capacities and characteristics".

Keywords: National image (brand), Iran, Components, Ayatollah Khamenei.

مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)

محمدجواد فلاحتی رستمی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

mjfalahatir@gmail.com

0009-0004-4647-1489

شهباب طلایی شکری

استادیار گروه فرهنگ و حکمرانی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام
صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

shahab_talaie@yahoo.com

0000-0003-3423-449X

مصباح‌الهدی باقری کنی

دانشیار مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
m.h.baqheri@isu.ac.ir

0000-0003-4648-6299

چکیده

در چهارچوب نظام جهانی کنونی، کشورهای بسیاری به اهمیت ایجاد و ترویج تصویر ملی مناسب با کشور خود پی برده‌اند. به طوری که همه دولت‌ها، شرکت‌ها و اشخاص برای بهبود تصویر جهانی خودشان راهبردهای مناسبی را انتخاب کرده و بر اساس آن اقدامات شایسته‌ای را انجام می‌دهند. توجه به برندسازی ملی و انتخاب راهبردهای هدفمند در راستای ایجاد برند ملی شایسته، فرصت‌های مختلف و فراوانی را برای کشور موردنظر ایجاد می‌کند. در مجموع، تصویر مثبت و بین‌المللی یک کشور به‌جز محبوبیت و جذابیت به ابعاد گسترده‌تری از جمله اقتصاد، فرهنگ، هنر، سیاست و... آن نیز اشاره دارد. در همین راستا در این پژوهش تلاش نمودیم تا مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی را از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک متفکر دینی و رهبر انقلاب اسلامی با روش تحلیل مضمون به‌دست آوریم تا بر اساس این مؤلفه‌ها به تبلیغ یکپارچه جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌الملل بپردازیم. در این راستا با روش تحلیل مضمون به ۶ بُعد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب رسیدیم که شامل «اسلام‌ناب: حرف و منطق نو و جذاب جمهوری اسلامی»، «اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران»، «ایران، کانون و محور مقاومت»، «ایران دارای تاریخ، فرهنگ و تمدنی عمیق»، «هویت ملت ایران» و بعد «ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران» می‌شود و در ادامه مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه معظم‌له را استخراج کردیم که شامل ۳۴ مؤلفه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تصویر ملی (برند)، ایران، مؤلفه‌ها، سیدعلی خامنه.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2025.519913.1692



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

دوران گذار به دنیای نوین، پایان عصر تصاویر سیاه - سفید از کشورها و هویت ملی شان در بین شهروندانشان و مردم خارج از مرزهایشان است. سیاه‌وسفید دیدن هر کشوری یا منفی و مثبت دیدن آن بیش از هرچیز به اقدامات کشور موردنظر و شهروندانش و شیوه‌های نوین تصویرسازی و برندسازی ملی ارتباط دارد. اینکه یک کشوری چگونه دیده می‌شود و چه تصاویر و ادراکی از آن در محیط بین‌المللی دیده می‌شود، علاوه بر تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) و کلیشه‌سازی رسانه‌ای - بین‌المللی حاصل سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، رفتارشناسی مردم آن و کارزارهای مختلف رسانه‌ای در دنیای امروز است. اهمیت ترویج تصویر ملی خود را در خارج از کشور درک کرده‌اند. این امر اساساً به دلیل بهره‌گیری از حمایت گسترده بین‌المللی، مدیریت و متقاعد کردن طیف عظیمی از مخاطبان بین‌المللی برای ترویج و رشد ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور میزبان است.

ارزش و احترام نام ملی برخی از کشورها و تصاویر ایجاد شده از این ملت‌ها در اذهان شهروندان و مخاطبان بین‌المللی، وجهی مثبت و غرورآفرین به شهروندان آن کشورها می‌دهد و دسترسی آن‌ها به مزیت‌ها و منابع بین‌المللی افزایش می‌دهد. عصر امروز، عصر تصاویر است. شهروندان کشورهای موفق و مشهور دنیا می‌توانند آزادانه به سرتاسر دنیا سفر کنند و در کشورهای دیگر به کار و زندگی مشغول شوند. علاوه بر این کشوری که وجهه مثبت بین‌المللی دارد، می‌تواند به‌طور همزمان، سرمایه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را جذب کند و از این طریق به گسترش نفوذ و اقتدار ملی خود، بپردازد (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، صص. ۳۹-۴۴).

در دنیای کنونی، موفقیت یا ناکامی ملت‌ها در عرصه جهانی، صرفاً به واسطه دستگاه دیپلماسی یا سیاست خارجی آنان محقق نمی‌گردد. نام و نشان (برند) ملی، با چهره‌ای که از یک سرزمین در افکار عمومی جهانیان می‌آفریند، می‌تواند جایگاه قابل‌ملاحظه‌ای را برای هر کشوری رقم بزند. نشان (برند) ملی، حاصل مجموع تمامی درک‌ها و برداشت‌های ذی‌نفعان بین‌المللی از یک کشور خاص است (بلخاری‌قهی و نصیری، ۱۴۰۴، ص. ۲۵۲).

اهمیت و فواید ایجاد تصویر ملی و برندسازی ملی (تصویرسازی) در جملات پیشین توضیح داده شد. دنیای امروز، دنیای تصاویر است و افکار عمومی در آن اهمیت فراوانی کسب کرده است. در دنیای امروز با این مختصات، آنچه اهمیت پیدا

می‌کند، ایجاد تصویر جذاب و مطلوب و سپس ترویج درست و حراست از آن تصویر است که در ادبیات علمی به آن برندسازی می‌گویند.

همان‌طور که اشاره شد اهمیت برند و برندسازی ملی زیاد است؛ به‌طوری‌که امروزه همه دولت‌ها و کشورها به دنبال بهبود تصویر جهانی خودشان هستند تا بتوانند با اقدامات مؤثر و سرمایه‌گذاری تصویر خودشان را در نزد مردم جهان ارتقا دهند. حال نقش دولت‌ها در این تصویرسازی چیست؟

می‌توان این‌چنین گفت که توسعه تصویر (برند) کشور بیش از عوامل شناخته‌شده دیگر، در گرو سیاست‌گذاری و اجرای درست و عملکرد سیاسی و مدیریتی توسط دولت‌ها است که به عزم، اراده و برنامه‌ریزی دولت‌ها تکیه دارد. «پژوهش‌های دیگری از جمله مانهایم نشان می‌دهد که حکومت‌ها با سطوح متفاوتی از مهارت‌های راهبردی و اثربخشی در پی مدیریت وجهه ملی خود نزد رسانه‌ها، عموم مردم و نخبگان سیاست خارجی دیگر ملت‌ها بوده‌اند. این پژوهش‌ها حاکی از این واقعیت هستند که در جهان امروز، کشورها نه تنها نمی‌توانند و نباید از ورود به مدیریت وجهه ملی خود بپرهیزند بلکه لازم است آن را به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و یک راهبرد کلان ملی در نظر داشته و سیاست‌گذاری کلان، جامع و همه‌جانبه کشور را منطبق بر آن انجام دهند» (جعفری هفتخواری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۵).

تا اینجا اهمیت برندسازی و تصویرسازی برای کشورها بیان شد. در ادامه باید این‌چنین گفت که این اهمیت برای جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف چند برابر دیگر کشورهای جهان است. ابتدا باید به این دلیل اشاره کرد که در دهه‌های اخیر استکبار و دستگاه‌های رسانه‌ای او تمام تلاش خود را برای اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی انجام داده است تا به این واسطه مردم جهان را از ندای حق جمهوری اسلامی ایران محروم کند. از طرفی جمهوری اسلامی ایران رسالت خود را اقامه و بلندکردن پرچم حق در جهان عنوان کرده است و این رسالت در دنیای امروز با استفاده از برندسازی و تصویرسازی و اصول آن محقق می‌شود و نمی‌شود بدون بهره‌گیری از آن‌ها به پیش‌رفت. در همین راستا رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم‌واکنش‌شان دهند؛ اما این واکنش ناکام

ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه‌کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند» و در ادامه این‌چنین اشاره می‌کنند: «دشمنان انقلاب با انگیزه‌های قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

دلیل دیگر، این نکته است که در دنیای امروز که قدرت‌های استکباری و دنبله روان‌شان به دنبال چیره‌شدن بر تمام جهان هستند، راه مقاومتِ جبهه حق و جمهوری اسلامی، تنها در همراه‌سازی مردم و آزادی‌خواهان جهان است و این همراهی تنها با رسیدن پیام حق اتفاق می‌افتد؛ در این زمینه نیز رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم اشاراتی دارند: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدیدآمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدید آمده بر جسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد...» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

همه دلایل عنوان شده بر اهمیت مضاعف برندسازی و تصویرسازی برای جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد و این موضوع را برای ما دارای اهمیت ویژه‌ای می‌کند. از سویی رهبر معظم انقلاب، خود نیز به اهمیت تصویرسازی و تأثیر آن واقف هستند؛ به‌گونه‌ای که در سند «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ را این‌چنین بیان می‌کنند: «الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)» و این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر با سرمایه‌گذاری بر روی تصویرسازی ملی در عرصه نظر و عمل.

در همین راستا و با توجه به نکات مطرح شده با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی

(تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران توسط رهبر انقلاب اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام)، و توانایی جایگاه ولایت فقیه در اجماع‌سازی ملی و همسویی دستگاه‌های نظام و بازیگران مختلف مردمی و خصوصی و جایگاه اندیشه‌ای رهبری به‌عنوان یک اندیشمند و متفکر طراز اول در جهان اسلام و مسلط بر مسائل و سیاست‌های روز جهان، به این نتیجه رسیدیم که مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای استخراج و صورت‌بندی کنیم تا این مؤلفه‌ها در تدوین اسناد بالادستی نظام مورد استفاده قرار گیرد و چراغ راه سازمان‌ها و دستگاه‌ها شود و هماهنگی و همسویی بازیگران مختلف این عرصه را به همراه داشته باشد؛ از طرفی با توجه به اهمیت پیام جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از پیام حق است، ابتدا باید این پیام به‌درستی و به دور از فهم ناقص و التقاطی فهمیده شود و سپس بر اساس آن، ابعاد و مؤلفه‌های تصویر مطلوب و انقلابی استخراج شده و سپس به‌درستی و بر اساس آن اصول، تبلیغ شود.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

در عصر تصویر و اهمیت افکار عمومی و در راستای جبران خلأ اسناد راهبردی و چشم‌انداز مشخص برای حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت برندسازی کشور، مراجعه به آرا و دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مراجع فکری و راهبردی سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، می‌تواند راهگشای ما برای جبران بخشی از ضعف‌ها و خلأهای یادشده باشد. در پژوهش حاضر تصمیم بر آن شد تا مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شود.

۱-۱. اهداف پژوهش

بنابراین اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ۱- فراهم آوردن مبانی لازم برای اتخاذ سیاست‌های مشخص و تدوین اسناد راهبردی در زمینه‌سازاندهی تصویر ملی و ارتقای وضعیت برند ملی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- مشخص شدن انتظارات و مطالبات رهبر معظم انقلاب اسلامی (سیاست‌های کلان) از دستگاه‌ها و سازمان‌های فعال و مسئول در امر تصویرسازی ملی و بهسازی برند ملی در راستای تحقق و پیاده‌سازی این سیاست‌ها با هماهنگی و کارآمدی بیشتر.

از سویی در این پژوهش، با توجه به آنچه تاکنون مطرح شد در پی یافتن پاسخ یک پرسش اصلی و یک پرسش فرعی هستیم:

۲-۱. سؤالات پژوهش

۱-۲-۱. سؤال اصلی

مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی کدامند؟

۱-۲-۲. سؤال فرعی

مفهوم تصویر یا نشان (برند) ملی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به به تازہ بودن حوزه مطالعاتی «برند ملی» در جهان و خصوصاً در ایران و در نتیجه کم بودن پژوهش‌های قابل توجه در این موضوع و از طرفی با توجه به اینکه باید مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) بر اساس بیانات و اندیشه رهبر معظم انقلاب استخراج شود، بر طبق جستجوهای صورت گرفته در پایگاه‌های علمی، تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با استخراج مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از منظر رهبر معظم انقلاب صورت نگرفته است؛ بنابراین، این پژوهش از جهت «استخراج مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از منظر رهبر معظم انقلاب» دارای نوآوری است. با این حال، پژوهش‌های داخلی یافت شدند که با موضوع این پژوهش از زوایای مختلفی نزدیکی دارند که عبارت‌اند از:

بیدالله‌خانی و کهرازه (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «برندینگ ملی دین و جمهوری اسلامی ایران؛ گفتمان اعتماد به نفس داخلی و مدیریت شهرت بین‌المللی»، به موضوع برندسازی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. پرسش اساسی پژوهش حاضر بدین قرار است: نقش سیاست فرهنگی جدید در پروژه برندینگ ملی و گسترش تصویر ملی کشورها در فراسوی مرزهایشان چیست؟ مقاله حاضر با تشریح سیاست فرهنگی جدید و مباحث برندینگ و تصویرسازی ملی، بر این امر تأکید می‌کند که سیاست فرهنگی کشورها بر مبنای پروژه برندینگ و تصویر ملی آن‌ها و بر پایه اعتماد به نفس داخلی و مدیریت شهرت بین‌المللی‌شان می‌تواند به سمت منطقه‌ای و جهانی شدن حرکت کند. بر همین اساس، جمهوری اسلامی

ایران نیز بر مبنای اهداف ملی و بین‌المللی انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی، با تأکید بر دین اسلام به‌عنوان برندینگ ملی ایران در حوزه بین‌المللی و تأکید بر گفتمان اعتماد به نفس ملی و توان داخلی به‌عنوان اساس دین در بُعد داخلی، به مدیریت تصویر و گسترش شهرت جمهوری اسلامی ایران روی آورده است.

بیدالله‌خانی و کهرازه (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و برندینگ دینی؛ انقلابیگری ضد سیستمی در نظام بین‌الملل»، به موضوع برندسازی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. حال پرسش این است که اصولاً آیا دین می‌تواند برندینگ یک ملت برای نمایش و ارائه خودش در دنیا باشد؟ آیا برندینگ دین می‌تواند عنصری مثبت و تعیین‌کننده برای مطرح‌شدن یک کشور و افزایش قدرت نرم آن و متعاقباً گسترش تصویرسازی مثبت از آن کشور باشد؟ به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با برندینگ دین توانسته است حوزه‌های نفوذ و قدرت خود را گسترش دهد هر چند این قدرت در مواقعی ضدسیستمی و در تضاد با ساختار نظام بین‌المللی متأثر از منافع کشورهای قدرتمند غربی بوده است. استانداردها و هنجارهای دوگانه سیستم بین‌المللی، برندینگ دینی یک ملت و منافع موجه آن را به رسمیت نشناخته است به این دلیل که اصولاً دین و استفاده از آن به‌عنوان مبنای نفوذ و افزایش قدرت بر مبنای تضاد با هنجارها و منافع قدرت‌های بزرگ غربی و متحدانشان است. مقاله حاضر به این امر تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران توانسته است با برندی دینی به تصویرسازی و ارائه خود در دنیا روی بیاورد، هر چند این تصویرسازی در مواقعی مبتنی بوده است بر ضدیت با سیستم بین‌الملل.

اردلان، وظیفه‌دوست و نیکومرام (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی آینده ایران با برندسازی ملی»، به‌دنبال یافتن عوامل اثرگذار در برندسازی ملی به‌نحوی است که متغیرهای مختص کشور ایران را شناسایی کرده و به‌منظور برنامه‌ریزی آینده برند ملی بتواند نقشه راه مناسب و جامعی را ارائه نماید. جامعه آماری پژوهش گردشگرانی که از ایران بازدید کرده‌اند که اطلاعات از ۹۸۷ نفر نمونه به کمک پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. نتایج نشان می‌دهد که عوامل دولت، فرهنگ، گردشگری، جامعه، جغرافیا و طبیعت، بر برند ملی تأثیرگذار هستند. همچنین برندهای صادراتی، علم و فناوری و اقتصاد از عوامل مؤثر بر برند ملی می‌باشند.

بزرگ‌خو؛ کیماسی؛ اسفیدانی و ترکستانی (۱۳۹۷)، در مقاله «شناسایی و اولویت بندی عوامل تأثیرگذار بر برند ملی ایران با رویکرد رفتار شناختی مصرف‌کننده»، تلاش کرده تا با رویکرد رفتارشناختی ضمن شناسایی عامل‌های اثرگذار بر برند ملی

ایران، به اولویت‌بندی آن‌ها مبادرت ورزد. اولویت‌بندی نهایی عامل‌ها به‌ترتیب شامل: «ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی، ظرفیت‌های گردشگری، رفاه، محصولات و خدمات، ظرفیت‌های طبیعی و جغرافیایی، حکومت و ساختار سیاسی، ظرفیت‌های انسانی، ظرفیت‌های اقتصادی» بوده است.

ذبیحی جامخانه؛ آذر؛ معزز و مقیمی (۱۳۹۸)، در مقاله «تبیین چهارچوبی برای برندسازی جمهوری اسلامی ایران»، تلاش کرده‌اند به این پرسش اصلی پاسخ دهند که «برند ملت ایران از چه عناصری تشکیل شده و چه ویژگی‌هایی می‌تواند داشته باشد؟». نمونه آماری این پژوهش، ۵۴ نفر از نخبگان آشنا با موضوع برندسازی ملت است که روش آن مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق است. برای تجزیه و تحلیل و مفهوم‌سازی از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای با رویکرد قیاسی استفاده شد. طبق نتایج، «مزیت رقابتی ایران» و «ارتقاء تصویر ملت ایران»، توجه به «اصول و روش های برندسازی» و ضرورت «کنترل و نظارت پیوسته» برنامه برندسازی ملت ایران مواردی هستند که در برندسازی ایران باید مورد توجه قرار گیرند.

همان‌طور که مشاهده شد هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، ابعاد و مؤلفه‌های تصویرسازی برای جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استخراج نکرده و سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در تصویرسازی و برندسازی را بر اساس این ابعاد و مؤلفه‌ها پیشنهاد ندادند. درحالی‌که پژوهش پیش‌رو ابعاد و مؤلفه‌های تصویرسازی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استخراج کرده است تا در سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای اجرایی دستگاه‌های مربوطه به‌صورت عملی استفاده شود.

۳. ملاحظات نظری

تازه بودن حوزه علمی برندسازی ملی و در نتیجه غنی نبودن ادبیات نظری آن و عدم اجماع بر روی مفاهیم، واژگان و مصطلحات این عرصه علمی مطلبی است که به انحراف گوناگون توسط نظریه‌پردازان و پژوهشگران این حوزه بدان اشاره شده است. این تاژگی و غنی نبودن ادبیات نظری برندسازی ملی، در کشور ما ضریب نیز می‌گیرد و شرایط نشان‌دهنده آن است که این موضوع هنوز برای جامعه علمی و دانشگاهی ما به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی مطرح نشده است.

قاسمی پیربلوطی و بشیر (۱۴۰۳)، در پژوهشی با هدف شناخت چهارچوب‌ها و

ویژگی‌های نظری و روشی مقالات علمی برندسازی ملی، ۵۰ مقاله منتخب علمی در این زمینه را واکاوی کرده و به این نتایج رسیده است: یافته‌ها، نوپابودن حوزه برندسازی ملی و شکل‌نگرفتن چهارچوب‌ها و مرزهای آن به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی و پژوهشی مستقل را نشان می‌دهند. همچنین پژوهش در این حوزه، هنوز به مسئله‌ای فراگیر در کشور تبدیل نشده و جامعه دانشگاهی ایران را در سطوح و مقاطع مختلف و از منظرهای علمی گوناگون درگیر نکرده است. افزون‌براین، ضعف جدی ادبیات مفهومی و نظری و نیز خلأ استفاده از برخی روش‌های پرطرفیت در این حوزه مشهود است (قاسمی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۷).

۳-۱. تعریف مفاهیم

طی دهه‌های اخیر واژگان و مفاهیم مختلفی وضع و صورت‌بندی شده‌اند که برند ملی^۱، برند ملت^۲، تصویر کشور^۳، تصویر و وجهه ملی^۴ و اعتبار ملی^۵ از این جمله‌اند. اگرچه این مفاهیم در تعریف و کاربرد و جزئیات تفاوت‌هایی با هم دارند، همه از واقعیت به نسبت یکسانی حکایت می‌کنند که همان مجموع ادراکاتی است که از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گوناگون یک کشور نزد مردم نقاط مختلف جهان وجود دارد (قاسمی پیربلوطی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸).

۳-۱-۱. برند

کاتلر نظر انجمن بازاریابی آمریکا را در تعریف برند این‌چنین بیان می‌کند: «انجمن بازاریابی آمریکا برند یا شناسه را یک نام، واژه، نشانه یا طرح یا ترکیبی از این‌ها می‌داند که به قصد معرفی کالاها و خدمات فروشندگان و به‌منظور متمایزسازی آن‌ها از سایر محصولات رقبا به کار می‌رود و دارای دو وجه است: ۱) ابزاری اساسی برای خلق تمایز محصول، ۲) تضمین‌کننده یک ارزش وعده داده شده» و در ادامه تعریف خودش از برند را بیان می‌کند: «نامی که معنا و رابطه‌ای را با خود یدک می‌کشد و به کالا یا خدمت موردنظر، رنگ و رو و تلالو می‌بخشد» (جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱).

کاپفر با بهره‌گیری از ماهیت نام انسان‌ها و کارویژه آن، برند را این‌گونه معنا می‌کند: «اگر بخواهیم از زاویه دیگری به قضیه بنگریم، می‌توانیم ماهیت نام خود و

1. National Brand
2. Nation Brand
3. Country Image
4. National Image
5. National Prestige

کارویژه آن را مدنظر قرار دهیم. ما همه نامی داریم که به ما هویت می‌بخشد و ضمن متمایز کردنمان از دیگران، بیانی موجز برای تداعی آنچه مترادف با ما در اذهان دیگران است، می‌باشد. نام‌های تجاری و برندینگ‌های ملی امروزه نیز کارکرد متشابه دارند. به عبارت دیگر نام‌های تجاری و برندینگ ملی نه تنها صفات و کیفیات مربوط به یک محصول را بازگو می‌کند بلکه بازتابی است از آنچه نسبت به آن احساس می‌کنیم و یا می‌خواهیم احساس کنیم و اینکه چگونه آن را می‌بینیم و یا می‌خواهیم ببینیم، نیز هستند» (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، صص. ۴۶ و ۴۷).

۳-۱-۲. تصویر

از منظر جعفری هفتخوانی وجهه ملی عبارت است از: «مجموعه ادراکات و تصاویر ذهنی که از یک ملت در ذهن افراد از جمله مردم سایر کشورها شکل می‌گیرد». کشورها نیز همانند افراد و سازمان‌ها، وجهه‌ای از خود را شکل می‌دهند که شامل باورها، عقاید و تأثیراتی در افکار عمومی و ذهن مردم سایر کشورهاست. این تصویر ذهنی، کانالی است که عموم مردم از طریق آن، کشور موردنظر را درک می‌کنند (جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶). معصوم‌زاده زواره معتقد است: «برند ملی، مفهومی است که دربردارنده طیف وسیعی از فعالیت‌های یک ملت است که شامل صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی، فرهنگ و میراث فرهنگی، مردم، حاکمیت و گردشگری است. درواقع، برند ملی نشان‌دهنده هویت یک ملت از ابعاد گوناگون است. برندسازی ملی درباره ساختن افرادی است که می‌خواهند به موفقیت‌های یک کشور توجه کنند و به کیفیت آن ایمان دارند. برند ملی نمونه عینی و نوین قدرت نرم است» (صحت، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۱).

یینگ فان نیز در تعریف برند ملی می‌گوید: «در دنیای امروز هر کشوری دارای یک نام منحصربه‌فرد و تصاویر خاص در ذهن مردم داخل و خارج از آن است که این فرایند به آن ملت برند خاصی را تحمیل می‌کند. برند ملی عبارت است از مجموع تمام ادراکات یک ملت در اذهان شهروندان بین‌المللی از جمله سرمایه‌گذاران، سیاستمداران، پزشکان، مردم عادی و... بر همین اساس اجزای زیر نیز بخشی از برندینگ ملی و برند ملی یک کشور محسوب می‌شوند و در شکل‌گیری و اصلاح آن نقش آفرین هستند: مردم، مکان، فرهنگ، زبان، تاریخ، غذا، مد، افراد مشهور، اقتصاد، فعالیت‌های بین‌المللی و جهانی، ورزش و غیره. برند ملی چه قوی یا ضعیف، روشن یا مبهم همیشه وجود دارد چه با تلاش‌های آگاهانه در شکل‌دهی تصویر ملی در اذهان

مخاطبان بین‌المللی و چه بدون این تلاش‌ها» (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، ص. ۷۴). آقای بیدالله‌خانی نیز با توجه به تعاریف مختلف از اندیشمندان، تعریف زیر را برای تصویرسازی یک کشور پیشنهاد می‌کند که تعریف مختار این پژوهش است: «تصویر یک کشور مفهوم‌سازی متقابل و متناظر نگرش‌های خارجی نسبت به یک کشور، قلمرو آن، تاریخ و سنت‌های آن، اقتصاد و سیاست، ارزش‌ها و هنجارهایش، فرهنگ عمومی و سازمان‌های سیاسی آن است. این تصویر به‌هیچ‌عنوان جریانی یک طرفه نیست بلکه جریانی دوطرفه است که در تعامل با هویت ملی و ادراکات شهروندان داخلی یک کشور از سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و... شکل می‌گیرد. بر همین اساس در حالی که هویت یک کشور، ادراک شهروندان نسبت به خودشان و کشورشان است، تصویر برساخته یک کشور بر مبنای تعامل بین ادراک شهروندان از کشور خودشان با ادراک مخاطبان بین‌المللی نسبت به کشورشان است» (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۲).

۳-۱-۳. سایر مفاهیم برندسازی ملی

قاسمی در ادامه توضیح مفاهیم و اصطلاحات تخصصی برندسازی، تفاوت میان برند ملت و برند ملی را این‌چنین بیان می‌کند: در پژوهش‌های داخلی این حوزه نیز همچنان در مفهوم‌پردازی، واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، ضعف و آشفتگی وجود دارد. مفهوم محوری این حوزه، اصطلاح انگلیسی «Nation Brand» است که در پژوهش‌های فارسی به دو صورت «برند ملی» و «برند ملت» ترجمه شده است. در صورتی که ترجمه تحت‌اللفظی را مبنا قرار دهیم، «برند ملت» معادل «Nation Brand» و «برند ملی» معادل «National Brand» قرار می‌گیرد که دو مفهوم مجزایند. در واقع، «National Brand» به محصول یا خدمات خاصی اطلاق می‌شود که در سراسر کشور توزیع شده و در دسترس است... بدین ترتیب، واضح است که «Nation Brand» مفهومی کاملاً متفاوت بوده و به تصویر ذهنی مردمان کشورهای خارجی از یک کشور اشاره دارد (Fan, 2010, p. 98). گذشته از این، پیرامون مفهوم‌پردازی حوزه برندسازی ملی در پژوهش‌های داخلی کاستی‌های فراوانی وجود دارد و در برخی از آن‌ها به تمایز و تفکیک مفاهیم نزدیک و مشابه این حوزه، دقت کافی نشده است. به‌هر روی در عمده پژوهش‌های این حوزه از عبارت «برند ملی» به‌عنوان معادل «Nation Brand» استفاده شده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر نیز از میان دو معادل «برند ملت» و «برند ملی»، - با تسامح - اصطلاح «برند ملی» را

برگزیده‌ایم (قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۲).

افزون‌براین، برندسازی ملی را باید متمایز از برند ملی دانست؛ زیرا لزوماً پیوند مستقیمی بین این دو وجود ندارد. برند ملی، نشان‌دهنده و دربرگیرنده عوامل و مؤلفه‌های متنوع و گسترده‌ای از قبیل مکان (جغرافیا، جاذبه‌های گردشگری)، منابع طبیعی، محصولات محلی، مردم (گروه‌های نژادی و قومی)، تاریخ، فرهنگ، زبان، نظام‌های سیاسی و اقتصادی، نهادهای اجتماعی، زیرساخت‌ها، چهره‌ها و افراد مشهور و... است. بدین ترتیب، برند ملی چه با انجام اقدامات آگاهانه برای برندسازی ملی و چه بدون آن وجود دارد (Fan, 2006, pp. 6 and 12؛ قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۱).

درواقع، مفهوم برندینگ خود بیانگر شرایط فرایندی و ادامه‌دار بودن است و به همین دلیل در انگلیسی اسم مصدر می‌گیرد (Branding) که به معنای تداوم‌داشتن و انجام‌شدن آن در حال، گذشته و آینده است. تخصیص و واقع‌شدن برند بر مفاهیمی چون ملت، هویت، دولت و پروژه تصویرسازی، فرایندی‌بودن مفهوم برندسازی و ارتباط آن با گذشته و آینده را نشان می‌دهد. بر همین اساس، برندسازی ملی یک فرایند همیشگی و پایدار است که می‌تواند برای هویت ملی یک کشور، به خلق مزیت‌های رقابتی پرداخته و بر همین اساس، هویت یک ملت را تبدیل به هویتی رقابتی کند؛ به طوری که هویت کشور موردنظر مبنایی جهانی و بین‌المللی یافته و بتواند مردمان کشورهای دیگر را به خود جذب کند (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، ص. ۷۵).

۳-۱-۴. برندسازی ملی (برندینگ ملی)

هرچند که فرایند برندسازی ملی امری ضروری و مهم است و پیرامون اهمیت و ضرورت آن صحبت شد؛ اما پیچیدگی‌های نظری برند و برندسازی که به واسطه ترکیب مفهوم برند با رشته‌های مختلف علمی رخ داده و از طرفی کم‌پرداختن به مفاهیم و اصطلاحات این حوزه و عدم توسعه نظری و مفهومی آن سبب شده است تا تعاریف متعدد و متفاوتی درباره برندسازی شکل بگیرد و اجماعی بر تعریف برندسازی شکل نگیرد و ما را در رسیدن به تعریف واحدی با دشواری روبه‌رو کند.

پژوهشگران همچنان پیرامون چگونگی تعریف برندسازی ملی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به توافق نرسیده‌اند. پیچیدگی این مفهوم و اشتباه‌گرفتندش با مفاهیم دیگری مانند برند مقصد، برند مکان و برند کشور، نرسیدن به یک تعریف مشترک از برندسازی ملی را در پی داشته است. همچنین علی‌رغم علاقه فزاینده نسبت به این حوزه، تعاریف اندکی از این مفهوم در دست است (قاسمی پیربلوطی و

بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۱).

در تعریف بیدالله‌خانی، امروزه به اقدامات تصویرسازی و مدیریت شهرت کشور موردنظر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، برآیند برندینگ و تصویرسازی ملی می‌گویند (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، ص. ۴۵).

کردانی در مقاله خود در تعریف برندسازی ملی این‌گونه آورده است: «نمانام سازی ملی یک گفتمان در حال ظهور است که به ارتقای آگاهی و دانش مردم سایر کشورها می‌پردازد تا از این طریق بتواند سرمایه‌گذاران را جذب نموده و توریسم و صادرات را توسعه دهد» (کردانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۸۷).

از منظر آنهولت برندسازی ملی عبارت است از: «فرایند نظام‌مند همسو کردن اقدامات، رفتارها، سرمایه‌گذاری‌ها، نوآوری‌ها و ارتباطات یک کشور حول یک راهبرد روشن برای دستیابی به یک هویت رقابتی تقویت‌شده» (قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۱).

فان معتقد است: «برندسازی ملی، روندی است که توسط آن می‌توان تصویر کشور را خلق، نظارت، ارزیابی و فعالانه مدیریت کرد تا بدین‌وسیله ضمن بهبود و افزایش شهرت کشور مورد نظر در میان ادراک و اذهان مخاطبان بین‌المللی، هدف، هویت و ارزش‌های کشور مورد نظر را نیز به‌سمت بین‌المللی کردن پیش برد» (قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۱).

روخاس‌مندس و خوشنویس با واکاوی جامع و مرور نظام‌مند تعاریف موجود پیرامون برندسازی ملی، با تشخیص خلأ یک تعریف مفهومی یا نظری جامع از برندسازی ملی، ضمن بهره‌گیری از تعاریف پیشین این مفهوم و لحاظ دیگر عناصر مغفول، این تعریف گسترده‌از برندسازی ملی را ارائه کرده‌اند که این تعریف، تعریف مختار پژوهش از برندسازی است: «برندسازی ملی عبارت است از فرایند راهبردی نظام‌مند درگیر کردن بخش‌های دولتی و خصوصی به‌منظور طراحی راهبرد برندسازی برای کشور، انتقال ارزش‌های بنیادین و هویت ملی کشور و به‌کارگیری راهبردها و شیوه‌های برندسازی برای ترویج تصویر یک کشور، بهبود شهرت کشور در میان مخاطبان مختلف، تمایزبخشی یک کشور از دیگر کشورها و دستیابی به رقابت‌پذیری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تجاری و بین‌المللی» (قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۲).

همان‌طور که اشاره شد در زمینه ادبیات نظری به‌واسطه تازه‌بودن حوزه علمی برندسای ملی و در نتیجه غنی نبودن ادبیات نظری آن و عدم اجماع بر روی مفاهیم، واژگان و مصطلحات این عرصه علمی، تعاریف مختلفی در این زمینه توسط

اندیشمندان داخلی و خارجی اشاره شده است. ما در این بخش، ضمن اشاره به مهم‌ترین تعاریف از اندیشمندان برتر این موضوع، در انتهای هر عنوان به تعریف مختار این پژوهش اشاره کردیم.

از طرفی در این بخش در کنار توضیح ملاحظات نظری، به پرسش فرعی این پژوهش یعنی تعریف برندملی و برندسازی ملی نیز پاسخ دادیم و در ادامه پژوهش نیز به توضیح پرسش اصلی پژوهش می‌پردازیم.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش که در سال ۱۴۰۳ انجام شده است، از روش پژوهش کیفی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. داده‌ها از طریق روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون استقرایی فرآوری می‌شود تا به نکات نهایی برسیم. منابع اسنادی و کتابخانه‌ای ما، بیانات و آثار رهبر معظم انقلاب پیرامون تصویر ملی، برند ملی و شاخه‌های این موضوع می‌باشد. به عبارتی برای استخراج مؤلفه‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون استقرایی و بر مبنای بیانات رهبر معظم انقلاب، شبکه مضامین مؤلفه‌های تصویر ملی به دست می‌آید و تا اشیاع نظری شبکه مضامین ادامه پیدا می‌کند. روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است؛ زیرا همان‌طور که توضیح داده خواهد شد با توجه به موضوع برندسازی و تصویرسازی، تمام بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان کشورهای خارجی یا مسئولان داخلی که دارای مأموریت‌های خارجی هستند یا بیانات در محافل خارجی و... مورد مطالعه قرار گرفت؛ یعنی از ابتدا با توجه به موضوع پژوهش، می‌دانستیم که باید به سراغ چه بیاناتی رفت.

در این پژوهش به‌طور کل برای استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به سراغ دو منبع رفتیم.

یک منبع، وبگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له به نشانی اینترنتی Khamenei.ir بود و منبع دیگر کتاب «رهنمون: بیانات مقام معظم رهبری در حوزه بین‌الملل، دفتر دوم» بود که توسط انتشارات بین‌المللی الهدی چاپ شده است.

در این راستا می‌توان به این نکته اشاره کرد که همه مطالب و فیش‌های جمع‌آوری شده برای کدگذاری و تحلیل مضمون، از وبگاه معظم‌له استخراج شد و مطالبی که در کتاب رهنمون بدان اشاره شده بود قبلاً در فیش‌های جمع‌آوری شده از وبگاه

موجود بود و تنها این فیش‌ها با مطالب کتاب تطبیق داده شد تا مطمئن شویم نکته و مطلبی از قلم نیفتاده باشد.

به‌طورکل می‌توان گفت باتوجه‌به مدارکی که از وبگاه معظم‌له مطالعه شد از جمله بیانات و سخنرانی‌ها، پیام‌ها، بیانیه‌ها، دیدار با مقامات خارجی و... بالغ بر ۳۰۰ مطلب در قالب‌های مختلف به‌صورت جزئی و کلی بررسی شد.

پس از آنکه با مطالعه وبگاه رهبر معظم انقلاب و بیانات و پیام‌های گوناگون ایشان و جستجوی کلیدواژه‌های مختلف در این وبگاه، فیش‌های موردنظر جمع‌آوری شد، در مرحله بعد به سراغ تبدیل فیش‌های خام به کدهای پایه رفتیم. در این مرحله ۳۶۴ فیش از بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی، شکسته و به ۷۴۵ کد پایه تبدیل شد.

پس از آنکه تمام فیش‌های خام به کدهای پایه تبدیل شد؛ مرحله بعد تبدیل کدهای پایه به کدهای سازمان‌دهنده بود که توسط نرم‌افزار maxqda انجام شد. یعنی ۷۴۵ کد پایه، درون نرم‌افزار maxqda آورده شد و سپس با ادغام این کدها، تعداد ۱۷۸ کد سازمان‌دهنده ایجاد شد.

در ادامه در طی سه مرحله کدهای سازمان‌دهنده در یکدیگر ادغام شدند و از ۱۷۸ کد در مرحله ابتدایی به ۳۴ کد سازمان‌دهنده در مرحله نهایی رسیدیم. سپس در مرحله بعد این ۳۴ کد سازمان‌دهنده را به ۶ کد فراگیر تبدیل کردیم. این ۶ کد فراگیر به‌عنوان ابعاد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بوده و ۳۴ کد سازمان‌دهنده نیز به‌عنوان مؤلفه‌های این ابعاد به حساب می‌آیند.

۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به آنچه در بخش «اهداف و پرسش‌های پژوهش» عنوان شد، در این بخش از پژوهش می‌خواهیم بر اساس پرسش اصلی این پژوهش یعنی «مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» به سراغ یافته‌های پژوهش برویم. به‌عبارتی یافته‌های پژوهش ما در صدد پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش می‌باشد.

۵-۱. ابعاد و مؤلفه‌های تصویر ملی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

در این قسمت می‌خواهیم به‌صورت گام‌به‌گام به پاسخ پرسش اصلی پژوهش یعنی مؤلفه‌های تصویر ملی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و

مراحل طی شده برای رسیدن به این ابعاد و مؤلفه‌ها را نشان داده و در انتها نیز ابعاد و مؤلفه‌های استخراج شده را به‌عنوان یافته‌های پژوهش بیان و معرفی کنیم. با توجه به زیاد بودن میزان کدهای پایه و حجم بالای آن، از آوردن جدول کدهای پایه خودداری کرده و به جدول کدهای سازمان‌دهنده و فراگیر اکتفا می‌کنیم. در ادامه جدول کدهای سازمان‌دهنده که در سه مرحله انجام شده را مشاهده می‌کنیم. این کدها همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد.

جدول (۱): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد کانون و حامی مقاومت)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	مخالفت و ایستادگی در مقابل استکبار	مخالفت و ستیز با استکبار و ظلم و نفی نظام سلطه	نظریه مقاومت
۲	مبارزه و ستیز با استکبار		
۳	مخالفت با استعمار		
۴	مخالفت و مبارزه با ظلم، تعدی و تجاوز		
۵	ظلم‌ستیزی		
۶	مخالفت با زورگویی و حرف زور		
۷	دشمنی با صهیونیست		
۸	دشمنی و نفی رابطه با آمریکا		
۹	نفی نظام سلطه		
۱۰	مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری		
۱۱	مقاومت چهل‌ساله و پیشرفت توأمان	مقاومت چهل‌ساله و پیشرفت توأمان	
۱۲	جمهوری اسلامی الگوی پیشرفت بدون کمک آمریکا	جمهوری اسلامی الگوی پیشرفت بدون کمک آمریکا	

همان‌طور که اشاره شد در جدول ۱ به دلیل حجم بالای کدهای پایه، برای رسیدن به کد سازمان‌دهنده نهایی، کدهای سازمان‌دهنده در سه مرحله ادغام شدند تا در مرحله سوم به کد سازمان‌دهنده نهایی رسیدیم. با توجه به روشی که در این پژوهش به کار گرفته شد، کدهای سازمان‌دهنده همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی

از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستند. در همین راستا نظریه مقاومت یکی از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد.

جدول (۲): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد از دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	ایران دارای شخصیت‌های بزرگ در تاریخ علمی خود	ایران، پرچمدار	ایران دارای پرونده
۲	ایران، قله تولید فکر و تولید علم از دیرباز	تفکر اسلامی و علم	درخشان در صحنه علم جهانی
۳	جایگاه برتر علمی ایرانیان در تمدن اسلامی		
۴	بافرهنگ بودن ملت ایران	دارای فرهنگ و تمدن غنی	ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق
۵	فرهنگ و تمدن بسیار غنی		
۶	مهد تمدن و کانون فرهنگ بشریت در یکی از بلندترین و حساس‌ترین دوران‌های تاریخ		
۷	ریشه‌دار در تاریخ	دارای تاریخی عمیق	
۸	موقعیت استثنایی ایران عزیز یعنی تاریخ کشور		

همان‌طور که اشاره شد در جدول ۲ نیز پس از ادغام سه مرحله‌ای کدهای سازمان‌دهنده به کد سازمان‌دهنده نهایی رسیدیم که همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی می‌باشد. در همین راستا دو کد «ایران دارای پرونده درخشان در صحنه علم جهانی» و «ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق» دوتا از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشند.

جدول (۳): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	جمعیت جوان و وسیع	جمعیت	جمعیت و تنوع جمعیتی
۲	جمعیت زیاد		

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۳	تنوع جمعیتی	تنوع جمعیتی	
۴	بازار بزرگ ملی	بازار بزرگ ملی	اقتصاد بزرگ و متنوع
۵	منابع انرژی	ظرفیت منابع زیرزمینی	امکانات طبیعی
۶	نفت و گاز		
۷	ذخایر معدنی		
۸	حاصلخیزی زمین و محصولات کشاورزی و باغی	امکانات روی زمین	
۹	انرژی آب و خورشید		
۱۰	مراتع و جنگل‌ها		
۱۱	دانشمندان و نخبگان	دانشمندان و نخبگان	ظرفیت نیروی انسانی جوان و کارآمد و متعهد
۱۲	جوان مؤمن و توانا	نسل جوان باهوش و مؤمن	
۱۳	نسل جوان باهوش و پرشور	مؤمن	
۱۴	اولین کشور با استعدادهای انسانی	نیروی انسانی با استعداد و متخصص	
۱۵	نیروی انسانی کارآمد و متخصص		
۱۶	اقلیم متنوع کشور	اقلیم متفاوت و متنوع کشور	ظرفیت اقلیمی
۱۷	اقلیم متفاوت کشور		
۱۸	تنوع اقلیمی	تنوع اقلیمی	
۱۹	مسیر ترانزیتی شمال به جنوب	چهارراه میان شرق و غرب و جنوب و شمال	موقعیت جغرافیایی
۲۰	چهارراه شرق و غرب		
۲۱	دسترسی به آب‌های آزاد	جغرافیای کشور	
۲۲	سواحل طولانی		
۲۳	تعداد همسایگان و بازار منطقه‌ای	موقعیت منطقه‌ای	

در جدول ۳ نیز پس از ادغام سه مرحله‌ای کدهای سازمان دهنده به کد سازمان دهنده نهایی رسیدیم که همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی می‌باشد. در همین راستا ۶ کد «جمعیت و تنوع جمعیتی»، «اقتصاد بزرگ و متنوع»، «امکانات طبیعی»، «ظرفیت نیروی انسانی جوان و کارآمد و متعهد»، «ظرفیت اقلیمی» و

«موقعیت جغرافیایی» ۶ مورد از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌خامنه‌ای می‌باشند.

جدول (۴): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد هویت ملت ایران)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	هویت اسلامی	هویت اسلامی و انقلابی	هویت اسلامی و انقلابی و ملت مسلمان و مؤمن
۲	هویت انقلابی		
۳	ایمان عمیق ملت ایران		
۴	ایمان از سرمایه‌ها و توانایی‌های ملت ایران		
۵	روحیه معنوی ملت ایران		
۶	عشق به اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام)		
۷	ذلت‌پذیر نبودن ملت ایران	عزت و تنفر از تحقیر شدن	هویت ایرانی
۸	تصمیم بر تحقیرنشدن دوباره		
۹	ملتی صلح‌طلب	ملتی صلح‌طلب	
۱۰	روحیه استقلال‌خواهی شجاعانه، جوهر ذاتی ملت ایران	روحیه استقلال‌خواهی	
۱۱	ایثار از توانایی‌های ایران	روحیه فداکاری و نوع دوستی	
۱۲	روحیه فداکاری و نوع‌دوستی		
۱۳	ایران، کشور هنر و ادبیات	ادب، هنر و ذوق ایرانی	
۱۴	ذوق و سلیقه و هنر ایرانی		
۱۵	بالاتر بودن استعداد ایرانی از متوسط دنیا	هوش و ذکاوت بالای ایرانی	
۱۶	درایت و تیزهوشی از خصوصیات ملت ایران		
۱۷	ذوق، فهم و حکمت ایرانی	فهم و حکمت ایرانی	
۱۸	اهل ایستادگی و مقاومت بودن ملت ایران	ملت ایران یک ملت شجاع و مقاوم در مقابل ظلم	
۱۹	شجاعت و مقاومت از خصلت‌های		

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
	ایرانی		
۲۰	ملت ایران از منظر دیگر ملت‌ها: یک ملت ایستاده در مقابل زورگویی‌ها		
۲۱	عدالتخواه بودن مردم ایران		

در جدول ۴ نیز پس از ادغام سه مرحله‌ای کدهای سازمان‌دهنده به کد سازمان‌دهنده نهایی رسیدیم که همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی می‌باشد. در همین راستا ۲ کد «هویت اسلامی و انقلابی و ملتی مسلمان و مؤمن» و «هویت ایرانی» دو تا از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌خامنه‌ای می‌باشند.

جدول (۵): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	ارتباط سالم مبتنی بر منافع طرفین	اصل بر ارتباط و تعامل بودن	ایران اهل تعامل و دوستی با همه کشورها به جز کشورهای متخاصم
۲	اصل بر ارتباط بودن در نظر امام		
۳	تعامل گسترده با دنیا		
۴	اهل معامله و رفت‌وآمد بودن		
۵	روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب	روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب	حمایت از مظلومین، مستضعفان و آزادیخواهان جهان
۶	رفتار با عدالت با ملت‌ها		
۷	اصرار بر ایجاد روابط دوستانه با دولت‌ها به جز آمریکا و رژیم صهیونیستی		
۸	حمایت از مظلومان از شعارهای امام	دفاع صریح و قاطع از مظلوم و آزادیخواهان	حمایت از مظلومین، مستضعفان و آزادیخواهان جهان
۹	حمایت از آزادی‌خواهان		
۱۰	حمایت از محرومان در هر نقطه عالم		
۱۱	وارد کردن شعار طرفداری از محرومان به ادبیات جهان		

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱۲	حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبران	حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبران	
۱۳	اصلی شمردن مساله فلسطين		
۱۴	آزادی سرزمین فلسطين از هدف های انقلاب	حمایت از فلسطين	
۱۵	طرفدار اسلام و مسلمانها		
۱۶	دفاع از مسلمانان عالم	دفاع از حقوق مسلمانان	
۱۷	تعهدات برادرانه به همه مسلمانان عالم		ارتباط برادرانه با جهان اسلام و دفاع از مسلمانان جهان
۱۸	استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام		
۱۹	سیاستهای دوستانه در تعامل با کشورهای اسلامی	ارتباط برادرانه با مسلمانان	
۲۰	احساس برادری با کشورهای اسلامی		
۲۱	اتحاد میان مسلمانان و کشورهای اسلامی	جمهوری اسلامی، منادی اتحاد و وحدت جهان اسلام	
۲۲	مبارزه با تفرقه افکنی استکبار		سعی در ایجاد اتحاد و برادری در جهان
۲۳	استفاده از ظرفیت جنبش عدم تعهد	به دنبال همگرایی کشورهای مستقل	
۲۴	جمهوری اسلامی معتقد به نزدیکی دولت‌های مستقل		
۲۵	عدم تحمل خواری و اهانت	عدم تحمل خواری و تحقیر	
۲۶	نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت های سیاسی دنیا		عزت و عدم تحمل تحقیر و خواری
۲۷	جاذبه داشتن عزت اسلامی		
۲۸	ملت و کشوری مقتدر	عزت	
۲۹	جامعه دارای عزت از آرمان‌های فطری و جهانی اسلام		
۳۰	خودداری از دخالت در امور داخلی ملت‌ها	خودداری از دخالت در امور داخلی ملت‌ها	لاتظلمون و لاتظلمون

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۳۱	ارتباط سالم با کشورها و عدم ابتنا بر زورگویی	جمهوری اسلامی، نه اهل ظلم و نه ظلم‌پذیر	
۳۲	مخالفت با دست‌اندازی به منافع ملت‌ها		
۳۳	سلطه‌گر نبودن جمهوری اسلامی و نپذیرفتن سلطه هیچ کشوری		
۳۴	زیر بار زور و ظلم نرفتن		
		مخالفت با حاکمیت‌های زورگو و اقتدارطلب دنیا	
۳۵	اعتماد به خداوند و وعده‌هایش: شاخص‌های دولت اسلامی	تکیه و اتکال به خداوند و اعتماد به وعده‌های ایشان	تکیه و اتکال به خداوند و اعتماد به وعده‌های ایشان
۳۶	درهم‌تنیده بودن غیب و شهود در نظام اسلامی		
۳۷	یکی از رازهای توفیق انقلاب: تکیه به قدرت لایزال الهی		
۳۸	اقتدار در سیاست خارجی به معنای بیرون نگه داشتن کشور و نظام سیاسی از شبکه نظام سلطه	نظام اسلامی به‌عنوان معترض نظام جهانی و خط توسعه متعارف جهانی	
۳۹	نارضا دانستن سیستم‌های موجود جهان مخصوصاً لیبرال دموکراسی غرب		
۴۰	تصمیم ملت ایران: دنباله‌روی نکردن از قدرتهای دشمن	استقلال همه‌جانبه و اصل «نه شرقی، نه غربی»	
۴۱	ایران کشوری مستقل		
۴۲	مبنای سیاست خارجی ایران: استقلال و عدم وابستگی		
۴۳	نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور		
۴۴	یکی از نقطه‌های اختصاصی انقلاب	اصل «نه شرقی، نه	

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۴۵	ایران: عدم اتکاء به شرق یا غرب	غربی»	
	خط جدایی از ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دخالت‌کننده		
۴۶	صنعت؛ وزن سیاسی جهانی و بین‌المللی برای کشور و موجب آبروی ملی	صنعت موجب افتخار و آبروی ملی	
۴۷	تولید باکیفیت اسباب‌بازی؛ مایه افتخار کشور تولیدکننده		
۴۸	برخوردار از موفقیت‌های بزرگ علمی در رشته‌های مهم امروز	کشور و ملتی پیشرفته در علم، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی	توانایی علمی و صنعتی ایران و رشد چشمگیر علمی
۴۹	کشوری دارای شاخص‌های مادی مورد قبول دنیا: شاخص علم		
۵۰	اثبات‌های جمهوری اسلامی: تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش		
۵۱	کشور و ملتی پیشرفته در علم، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی		
۵۲	ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی در منطقه	پیشرفت و اعتلای اقتصادی از هدف‌های مهم	جایگاه برتر اقتصادی
۵۳	پیشرفت و اعتلای اقتصادی از هدف‌های اسلامی		
۵۴	خدمت‌گذاری به مردم از شاخصه‌های دولت اسلامی	خدمت‌گذاری به مردم از شاخصه‌های دولت اسلامی	خدمت‌گذاری به مردم

در جدول ۵ نیز پس از ادغام سه مرحله‌ای کدهای سازمان دهنده به کد سازمان‌دهنده نهایی رسیدیم که همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی می‌باشد. در همین راستا ۱۱ کد «ایران اهل تعامل و دوستی با همه کشورها به جز کشورهای متخاصم»، «حمایت از مظلومان و مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان»، «ارتباط برادرانه با جهان اسلام و دفاع از مسلمانان جهان»، «سعی در ایجاد اتحاد و برادری در جهان»، «عزت و عدم تحمل تحقیر و خواری»، «لاتظلمون و لاتتظلمون»، «تکیه و

اتکال به خداوند و اعتماد به وعده‌های ایشان»، «استقلال همه‌جانبه و اصل «نه شرقی، نه غربی»، «توانایی علمی و صنعتی ایران و رشد چشمگیر علمی»، «جایگاه برتر اقتصادی» و «خدمت جهادی به مردم» ۱۱ مورد از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشند.

جدول (۶): مراحل ادغام ابتدایی و نهایی کدهای سازمان‌دهنده (بعد اسلام ناب: منطق و حرف جذاب و نوی جمهوری اسلامی)

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۱	توحید به منزله ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی	توحید	توحید
	خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی: اعتقاد و ایمان به توحید		
	توحید با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه خود، حرف نوی انقلاب اسلامی		
۴	شعارهای جذاب اسلام و انقلاب اسلامی: کرامت انسان	کرامت ذاتی انسان	کرامت ذاتی انسان
	کرامت انسانی، بزرگ‌ترین ارزش انسانی		
	برادر و خواهر بودن افراد بشر در اسلام و تفاوت نداشتن میان نژادها، رنگ‌ها، مردم سرزمین‌ها		
	هدف اعلای اسلام: ساخت انسان متکامل		
۵	هدف اعلای اسلام: ساخت انسان متکامل و طراز اسلامی	انسان دوستی و ارتباطات و عواطف بشری	کرامت ذاتی انسان
	هدف اعلای اسلام: ساخت انسان متکامل و طراز اسلامی		
۹	شعارها و ارزش‌های اصلی انقلاب: آزادی	آزادی از شعارهای اصلی اسلام و انقلاب	آزادی در همه ابعاد
	آزادی مردم در انتخاب و عمل در		

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)	
	چهارچوب اسلام			
۱۱	ندای آزادی‌بخش اسلام، جاذبه اسلام برای دنیا			
۱۲	جمهوری اسلامی: یعنی نظام مبتنی بر آزادی فکر	آزادی مدنظر اسلام، آزادی در همه ابعاد		
۱۳	«آزادی تفکر، قلم و بیان» از اهداف اصلی انقلاب اسلامی			
۱۴	ساختن ایرانی برخوردار از آزادی با همه معانی آزادی			
۱۵	حکومت اسلامی در ایران، حاکمیت دین و ارزش‌های معنوی	اسلامی و دینی بودن	مردمسالاری دینی	
۱۶	پایبندی بر فکر و اعتقاد الهی و اصول و تقیدات اسلامی			
۱۷	منطبق بودن قانون و اجرا و مجریان با معیارهای خدایی و معارف اسلامی در جمهوری اسلامی			
۱۸	اسلام حرف و شعار اصلی جمهوری اسلامی			
۱۹	یکی از خطوط اصلی خط امام؛ اعتقاد به نقش مردم	مردمی بودن		
۲۰	حاکمیت اراده و خواست و تشخیص مردم در نظام اسلامی			
۲۱	اتکای نظام بر ملت خویش			
۲۲	پیوند عمیق میان دولت و مردم			
۲۳	اسلام جمهوری اسلامی، جمع‌کننده بین سیاست و دیانت	همراهی دیانت و سیاست در جمهوری اسلامی	دین برای تمامی عرصه‌های زندگی	
۲۴	دو اصل امام خمینی و نظام: در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست			

مرحله سوم (نهایی)	مرحله دوم	مرحله اول	ردیف
	حاکمیت اسلام در همه شئون زندگی	حکومت صالح و انسان‌های دارای دین و تقوا در رأس کارها	۲۵
		دین برای صحنه زندگی و برای اداره کشور	۲۶
		اسلام جمهوری اسلامی، اسلامی جمع‌کننده بین امور فردی و اجتماعی	۲۷
		حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و شئون بشری	۲۸
اسلام ظلم‌ستیز و طرفدار مظلوم	اسلام ظلم‌ستیز و طرفدار مظلوم	اسلام ناب محمدی یعنی اسلام ظلم‌ستیز	۲۹
		اسلام ناب محمدی یعنی اسلام طرفدار محرومان	۳۰
		ویژگی‌های اسلام ناب: اسلام جهاد و مبارزه با مستکبران	۳۱
اعتقاد به تکامل و اجتهاد دین	اسلام ناب یعنی اسلام معتقد به تحول و تکامل و نوآوری	اعتقاد به تحول و تکامل (اجتهاد و به‌روز شدن) در اسلام ناب مدنظر امام خمینی	۳۲
		ویژگی‌های اسلام ناب: اسلامی دارای روشنفکری و نوآوری	۳۳
اسلام متکی به عدالت	مبارزه با فساد، فقر و تبعیض	ارزش‌های انقلاب: مبارزه با فساد	۳۴
		پاک کردن جامعه از فقر از ارزش‌های نظام اسلامی	۳۵
	پیشرفت عدالت	پیشرفت مادی همراه با عدالت اجتماعی، پیشرفت مدنظر اسلام	۳۶
		اسلام ناب اسلامی است عدالت‌محور	۳۷
		عدالت از ارزش‌های اساسی	۳۸
		آرمان‌های کلان نظام جمهوری اسلامی: عدالت اجتماعی	

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۳۹	اهمیت فراوان عدالت اجتماعی در منطق اسلام		
۴۰	جمهوری اسلامی؛ آمیختگی علم و معنویت	آمیختگی علم و دین در اسلام	اسلام متکی به عقلانیت
۴۱	جمهوری اسلامی باطل‌کننده و سوسه دروغین معارضه علم و دین		
۴۲	تحریر اسلام به علم و محور قرار دادن آن		
۴۳	اسلام ما اسلامی است متکی به عقلانیت	اسلام متکی به عقلانیت	
۴۴	عدم ضدیت دین با عقل و علم		
۴۵	اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت	معنویت از شعارهای اساسی اسلام و انقلاب	اسلام متکی به معنویت
۴۶	اصول مستحکم و شعار انقلاب: معنویت		
۴۷	پیام انقلاب اسلامی: پیام معنویت و وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان		
۴۸	محور اساسی نظام جمهوری اسلامی: رساندن انسان به تکامل معنوی	رساندن انسان به تکامل معنوی از اهداف	
۴۹	پرورش انسان‌های مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار		
۵۰	نفی سکولاریسم اخلاقی یا همان اباحیگری	مبارزه با فسادهای اخلاقی و زشتی	رواج اخلاق
۵۱	پایه‌ها و هدف‌های پدیدآمدن انقلاب اسلامی در ایران: مبارزه با کژی و زشتی		

ردیف	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم (نهایی)
۵۲	آرمان‌های جمهوری اسلامی: اخلاق	اخلاق از ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب	
۵۳	پرورش انسان‌های برخوردار از اخلاق والای الهی		
۵۴	کنار هم بودن دین و دنیا در انقلاب اسلامی	آمیختگی دنیا و آخرت	
۵۵	خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی: ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم		
۵۶	امکان همراه‌شدن پیشرفت مادی با معنویت، سخن جدید جمهوری اسلامی ایران	هم پیشرفت در جنبه مادی و هم پیشرفت در جنبه معنوی	آمیختگی دنیا و آخرت (پیشرفت در جنبه مادی و معنوی توأمان)
۵۷	پیشرفت مادی در جامعه اسلامی یعنی پیشرفت در امنیت، رفاه، عدالت، سلامت و...		
۵۸	پیشرفت معنوی در جامعه اسلامی یعنی پیشرفت در اخلاق، معنویت، دینداری و...		
۵۹	تقابل جمهوری اسلامی در اثبات کارایی دین در پیشرفت و رشد ملت‌ها در مقابل نظریه غرب در دین‌زدایی	اثبات کارایی دین در پیشرفت و رشد ملت‌ها	
۶۰	جمهوری اسلامی در صدد قراردادن تجربه شیرین و موفق زندگی در سایه احکام الهی در پیش چشم جهانیان		
مجموع کدهای پایه در ابعاد ۶ گانه: ۱۷۸ کد			

منبع: (نتایج پژوهش)

در جدول ۶ نیز پس از ادغام سه مرحله‌ای کدهای سازمان دهنده به کد سازمان دهنده نهایی رسیدیم که همان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی می‌باشد. در همین راستا ۱۲

کد «توحید»، «کرامت ذاتی انسان»، «آزادی در همه ابعاد»، «مردم‌سالاری دینی»، «دین برای تمامی عرصه‌های زندگی»، «اسلام ظلم‌ستیز و طرفدار مظلوم»، «اعتقاد به تکامل و اجتهاد دین»، «اسلام متکی به عدالت»، «اسلام متکی به عقلانیت»، «اسلام متکی به معنویت»، «رواج اخلاق»، «آمیختگی دنیا و آخرت (پیشرفت در جنبه مادی و معنوی توأمان)» ۱۲ مود از مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشند.

جدول (۷): تبدیل کدهای سازمان‌دهنده به کدهای فراگیر

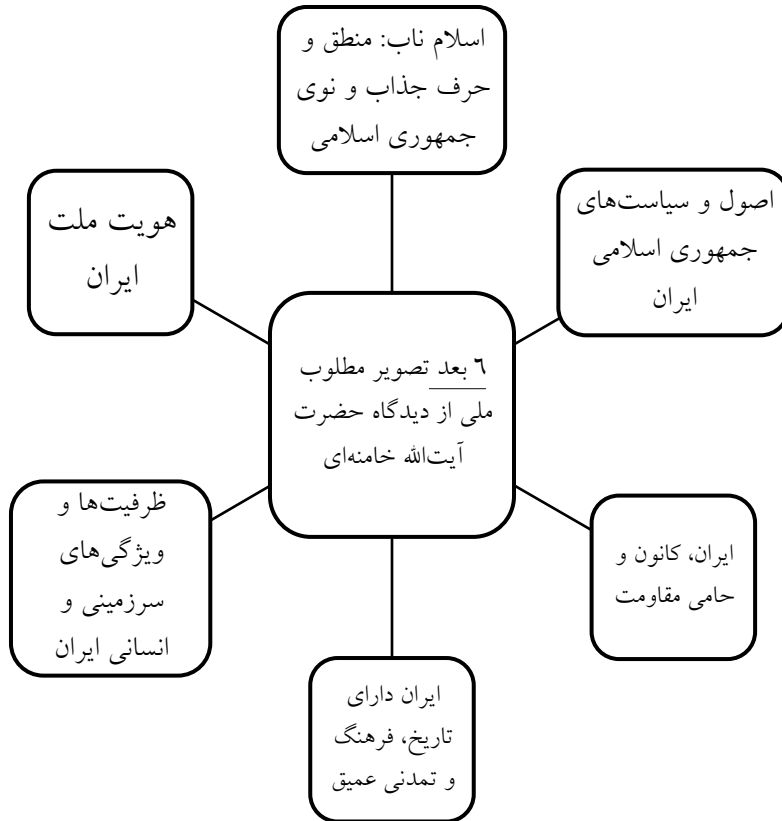
ردیف	کدهای سازمان‌دهنده	کدهای فراگیر
۱	نظریه مقاومت	ایران، کانون و حامی مقاومت
۲	ایران دارای پرونده درخشان در صحنه علم جهانی	ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق
۳	ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق	
۴	اقتصاد بزرگ و متنوع	ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران
۵	جمعیت و تنوع جمعیتی	
۶	امکانات طبیعی	
۷	ظرفیت نیروی انسانی جوان و کارآمد و متعهد	
۸	ظرفیت اقلیمی	
۹	موقعیت جغرافیایی	
۱۰	هویت اسلامی و انقلابی و ملتی مسلمان و مؤمن	هویت ملت ایران
۱۱	هویت ایرانی	
۱۲	ایران اهل تعامل و دوستی با همه کشورها به جز کشورهای متخاصم	اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران
۱۳	حمایت از مظلومان و مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان	
۱۴	ارتباط برادرانه با جهان اسلام و دفاع از مسلمانان جهان	
۱۵	سعی در ایجاد اتحاد و برادری در جهان	
۱۶	عزت و عدم تحمل تحقیر و خواری	

کدهای فراگیر	کدهای سازمان‌دهنده	ردیف
	لاتظلمون و لاتظلمون	۱۷
	تکیه و اتکال به خداوند و اعتماد به وعده‌های ایشان	۱۸
	استقلال همه‌جانبه و اصل «نه شرقی، نه غربی»	۱۹
	توانایی علمی و صنعتی ایران و رشد چشمگیر علمی	۲۰
	جایگاه برتر اقتصادی	۲۱
	خدمت جهادی به مردم	۲۲
اسلام ناب: منطق و حرف جذاب و نوی جمهوری اسلامی	توحید	۲۳
	کرامت ذاتی انسان	۲۴
	آزادی در همه ابعاد	۲۵
	مردم‌سالاری دینی	۲۶
	دین برای تمامی عرصه‌های زندگی	۲۷
	اسلام ظلم‌ستیز و طرفدار مظلوم	۲۸
	اعتقاد به تکامل و اجتهاد دین	۲۹
	اسلام متکی به عدالت	۳۰
	اسلام متکی به عقلانیت	۳۱
	اسلام متکی به معنویت	۳۲
	رواج اخلاق	۳۳
	آمیختگی دنیا و آخرت (پیشرفت در جنبه مادی و معنوی توامان)	۳۴

منبع: (نتایج پژوهش)

در جدول ۷ شاهد تبدیل کدهای سازمان‌دهنده به کدهای فراگیر هستیم. همان‌طور که اشاره شد در نتیجه نهایی، کدهای فراگیر به‌عنوان ابعاد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و کدهای سازمان‌دهنده به‌عنوان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نظر گرفته شده است. در صفحه بعد در قالب یک شکل به ابعاد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره خواهیم کرد و در صفحه بعد از آن در قالب یک شکل، مؤلفه

های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان خواهد شد.



منبع: (نگارندگان)

تصویر (۱): ابعاد شش‌گانه تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

<ul style="list-style-type: none"> • اقتصاد بزرگ و متنوع • جمعیت و تنوع جمعیتی • امکانات طبیعی • ظرفیت نیروی انسانی جوان و کارآمد و متعدد • ظرفیت اقلیمی • موقعیت جغرافیایی 	<ul style="list-style-type: none"> • ایران اهل عمل و دوستی با همه کشورها به جز کشورهای متخاصم • حمایت از مظلومین و مستضعفان و آزادبخواهان جهان • ارتباط برادرانه با جهان اسلام و دفاع از مسلمانان جهان • سعی در ایجاد اتحاد و برادری در جهان • عزت و عدم تحمل تحقیر و خواری • لائتظلمون و لائظلمون • تکیه و اتکال به خداوند و اعتماد به وعده های ایشان • استقلال همه جانبه و اصل «نه شرقی، نه غربی» • توانایی علمی و صنعتی ایران و رشد چشمگیر علمی • جایگاه برتر اقتصادی • خدمت جهانی به مردم 	<ul style="list-style-type: none"> • توحید • کرامت ذاتی انسان • آزادی در همه ابعاد • مردمسالاری دینی • دین برای تمامی عرصه های زندگی • اسلام ظلم ستیز و طرفدار مظلوم • اعتقاد به تکامل و اجتهاد دین • اسلام متکی به عدالت • اسلام متکی به عقلانیت • اسلام متکی به معنویت • رواج اخلاق • آمیختگی دنیا و آخرت (بیشرفت در جنبه مادی و معنوی توأمان)
<p>ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران</p>	<p>اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>اسلام ناب: منطبق و حرف جذاب و نوری جمهوری اسلامی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • هویت اسلامی و انقلابی و ملتی • مسلمان و مومن • هویت ایرانی 	<ul style="list-style-type: none"> • ایران دارای پرورنده درخشان در صحنه علم جهانی • ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق 	<ul style="list-style-type: none"> • نظریه مقاومت
<p>هویت ملت ایران</p>	<p>ایران دارای تاریخ، فرهنگ و تمدنی عمیق</p>	<p>ایران، کانون و حامی مقاومت</p>

منبع: (نگارندگان)

تصویر (۲): ابعاد و مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش کردیم به مسئله ابعاد و مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی یا همان برند ملی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب پرداخته و آن‌ها را استخراج کنیم. در ابتدا برند ملی و برندسازی ملی را تعریف کرده و سپس به پرسش‌های اصلی پرداختیم. در تعریف از برند ملی ما پس از بیانات نظرهای اندیشمندان مختلف تعریف آقای بیدالله خانی با بهره‌گیری از نظر باهمن را به‌عنوان نظر مختار انتخاب کردیم. الکساندر

باهمن بر اساس سه تئوری، تعریف جامعی از تصویر یک کشور ارائه می‌دهد که به نظر آقای بیدالله‌خانی، جمع تعاریف ارائه شده در زمینه تصویرسازی ملی یک کشور است. این تعریف عبارت است از: «تصویر کشور، نگرش‌های ذهنی و عینی مخاطبان بین‌المللی نسبت به یک ملت است که توسط دولت‌ها، رسانه‌ها، اعتقادات خاص و احساسات عمومی هدایت می‌شود و دارای ابعاد عملکردی، هنجاری، زیبایی‌شناختی و عاطفی است». آقای بیدالله‌خانی، تعریف زیر را برای تصویرسازی یک کشور پیشنهاد می‌کند، تعریفی که هر دو مفهوم هویت و تصویر کشور را دربرمی‌گیرد و ارتباط نهایی و خروجی آن برندینگ ملی کشورها است. «تصویر یک کشور مفهوم سازی متقابل و متناظر نگرش‌های خارجی نسبت به یک کشور، قلمرو آن، تاریخ و سنت‌های آن، اقتصاد و سیاست، ارزش‌ها و هنجارهایش، فرهنگ عمومی و سازمان‌های سیاسی آن است. این تصویر به‌هیچ‌عنوان جریانی یک طرفه نیست، بلکه جریانی دو طرفه است که در تعامل با هویت ملی و ادراکات شهروندان داخلی یک کشور از سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و... شکل می‌گیرد. بر همین اساس درحالی که هویت یک کشور، ادراک شهروندان نسبت به خودشان و کشورشان است، تصویر برساخته یک کشور بر مبنای تعامل بین ادراک شهروندان از کشور خودشان با ادراک مخاطبان بین‌المللی نسبت به کشورشان است» (بیدالله‌خانی، ۱۴۰۰، صص. ۱۱۱ و ۱۱۲) و در تعریف برندسازی ملی پس از بیان تعاریف مختلفی که اندیشمندان این عرصه بیان کردند، به تعریف جامع روخاس‌مندس و خوشنویس رسیدیم. روخاس‌مندس و خوشنویس با تشخیص خلأ یک تعریف مفهومی یا نظری جامع از برندسازی ملی، ضمن بهره‌گیری از دیگر تعاریف این مفهوم و لحاظ دیگر عناصر مغفول، این تعریف گسترده‌از برندسازی ملی را ارائه کرده‌اند:

«برندسازی ملی عبارت است از فرایند راهبردی نظام‌مند درگیر کردن بخش‌های دولتی و خصوصی به‌منظور طراحی راهبرد برندسازی برای کشور، انتقال ارزش‌های بنیادین و هویت ملی کشور و به‌کارگیری راهبردها و شیوه‌های برندسازی برای ترویج تصویر یک کشور، بهبود شهرت کشور در میان مخاطبان مختلف، تمایزبخشی یک کشور از دیگر کشورها و دستیابی به رقابت‌پذیری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تجاری و بین‌المللی» (قاسمی پیربلوطی و بشیر، ۱۴۰۳، ص. ۱۲).

در ادامه برای پاسخ به پرسش‌های اصلی به بیانات معظم‌له مراجعه و فیش‌های فراوانی را متناسب با اولین پرسش اصلی، جمع‌آوری و سپس بر اساس روش تحلیل مضمون استقرایی، تحلیل کرده و به نتایجی رسیدیم که در بخش‌های پیشین به‌طور

مفصل به آن‌ها اشاره کردیم؛ اما به اختصار می‌توان گفت که نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل نویسنده، ابعاد تصویر مطلوب ملی در نگاه رهبر معظم انقلاب دارای ۶ بعد «اسلام ناب: حرف و منطق نو و جذاب جمهوری اسلامی»، «اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران»، «ایران، کانون و محور مقاومت»، «ایران دارای تاریخ، فرهنگ و تمدنی عمیق»، «هویت ملت ایران» و بعد «ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران» می‌شود و مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی نیز از دیدگاه معظم‌له دارای ۳۴ مؤلفه می‌باشد.

در ادامه به توضیح مختصری پیرامون هر کدام از ابعاد می‌پردازیم.

۱- اسلام ناب: منطق و حرف جذاب و نوی جمهوری اسلامی

می‌توان بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب این‌چنین گفت که مهم‌ترین بعد تصویر مطلوب ملی برای جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر اندیشه و تفکر اسلام ناب است. از دیدگاه معظم‌له مزیت مطلق جمهوری اسلامی ایران که سبب جلب توجه و احترام دیگر ملت‌ها شده و آن‌ها را جذب می‌کند، منطق و حرف جذاب و نوی جمهوری اسلامی یعنی همان «اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» است. همان‌طور که اشاره شد ایشان بارها و بارها در سخنرانی‌ها و بیانات خود به اسلام ناب و دیگر شئون آن با عنوان «منطق نوی جمهوری اسلامی»، «حرف نوی جمهوری اسلامی»، «منطق جذاب نظام» و... اشاره کردند که این نشان‌دهنده اهمیت این بُعد در میان دیگر ابعاد تصویر مطلوب ملی است؛ البته معظم‌له در دیدارهای مختلف از موارد مختلفی با عنوان «منطق نو و جذاب نظام» یاد کردند و این تعبیر را برای مردم سالاری دینی، سبک زندگی دینی، متکی به معنویات بودن و... به کار بردند اما می‌توان این‌گونه گفت که وجه اشتراک همه آن‌ها این است که در ذیل عنوان «اسلام ناب» قابل جمع هستند.

از طرفی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی قرار می‌گیرد و اسلام آمریکایی نیز به دو شاخه اسلام متحجر و اسلام سکولار (لیبرال) تقسیم می‌شود که به‌منزله دو لبه قیچی اسلام آمریکایی هستند و اسلام ناب را که در میانه این دوست، تهدید می‌کنند.

۲- اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

دومین بُعد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران نامید. درست است که بسیاری از این اصول و سیاست‌ها نشئت‌گرفته از اصولی است که در بخش قبلی در ذیل عنوان اسلام ناب

مطرح کردیم؛ اما آنچه سبب شده است این اصول و سیاست‌ها را در این بخش بیان کنیم آن است که این‌ها یا جز سیاست‌هایی هستند که توسط نظام جمهوری اسلامی در قبال مردم کشورمان به‌عنوان دولت اسلامی یا در قبال دیگر کشورها اجرا می‌شود یا اصولی هستند که سیاست‌های داخلی و خارجی یا کنش و واکنش‌های ما نشئت گرفته از آن اصول است و از آنجاکه این اصول، جنبه کاربردی به‌خود گرفته‌اند در این بخش بیان شده‌اند؛ به‌عنوان مثال استقلال از جمله اصولی است که به‌واسطه کاربرد زیاد آن در عرصه خارجی و شباهت آن با اصل «نه شرقی نه غربی» به‌جای بیان شدن در بخش قبلی در این بخش بیان شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت در این بخش به ویژگی‌های دولت اسلامی و سیاست‌های مهم آن در عرصه داخلی و خارجی می‌پردازیم.

۳- ایران، کانون و حامی مقاومت

در ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که هرچند این عنوان یعنی «ایران، کانون و حامی مقاومت» جز سیاست‌ها و اصول جمهوری اسلامی است؛ اما از آنجاکه در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مقاومت و نظریه مقاومت جایگاه بسیار مهمی دارد و از طرفی نظریه مقاومت یکی از نظریه‌های مهم انقلاب اسلامی و رهبران انقلاب اسلامی به حساب می‌آید، آن را به‌عنوان یک بُعد جدا برای تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نظر گرفتیم. به‌طوری‌که رهبر معظم انقلاب، خصوصیت مقاومت را به‌عنوان آن چیزی معرفی می‌کنند که امام را در هیئت یک مکتب و اندیشه برای زمان خود و تاریخ مطرح می‌کند: «آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۳۹۸/۳/۱۴)^۱ با توجه به بیانات معظم‌له علاوه‌برآنکه وجه نظری مقاومت که همان نظریه مقاومت است، بسیار مهم است، وجه عملی آن که ایجاد جبهه مقاومت و گسترش و حمایت از آن است، نیز بسیار مهم می‌باشد و رهبر معظم انقلاب نیز بارها از این نقش در بیانات خود یاد کرده‌اند؛ به‌همین دلیل ما نام این بعد را «ایران، کانون و حامی مقاومت» گذاشتیم تا هم وجه نظری و هم وجه عملی مقاومت را نشان دهد.

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>

۴- هویت ملت ایران

چهارمین بُعد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، هویت ملت شریف و بزرگ ایران است. با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب، این هویت را می‌توان در دو مؤلفه کلی «هویت اسلامی و انقلابی» و «هویت ایرانی» تقسیم کرد. برای فهم این نکته که ابعاد هویت ایرانیان از دیدگاه ایشان چیست؟ می‌توان به بیانات گوناگونی که در این باره بیان داشتند، مراجعه کرد؛ برای مثال ایشان می‌فرمایند: «خب می‌گوییم «هویت ملت ایران»؛ این هویت چیست؟ هویت ملی ما چه جوری تعریف می‌شود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می‌دهد. این سه را نباید از نظر دور بداریم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲)^۱ و همچنین می‌فرمایند: «آنچه مهم است، حفظ هویت جمعی یک ملت یا یک مجموعه انسانی است، زیر هر نامی. هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جافتاده است» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم پاره، ۱۳۹۰/۷/۲۵)^۲ و هم می‌توان از کلیدواژه هویت اسلامی - ایرانی به این قضیه پی برد که در این سال‌ها بارها در بیانات معظم‌له از این کلیدواژه استفاده شده و این نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه ایشان، هویت ایرانیان دارای دو بعد هویت ایرانی و اسلامی است.

۵- ایران دارای فرهنگ، تاریخ و تمدنی عمیق

پنجمین بُعد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، فرهنگ، تاریخ و تمدن عمیق کشور عزیزمان ایران است. از دیدگاه معظم‌له، ایران کشوری است ریشه‌دار در تاریخ و دارای فرهنگ و تمدنی عمیق و طولانی و همان‌طور که پیشتر نیز بدان اشاره کردیم از دیدگاه معظم‌له، عمق و پیشینه تاریخی ایران و ایرانی جایگاه بسیار مهمی دارد به طوری که از نگاه ایشان یکی از منابع هویت ایران، عمق تاریخی ایران است: «خب می‌گوییم «هویت ملت ایران»؛ این هویت چیست؟ هویت ملی ما چه جوری تعریف می‌شود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می‌دهد. این سه را نباید از نظر دور بداریم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲).^۳

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824>

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17608>

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824>

۶- ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران

ششمین و آخرین بُعد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انسانی ایران است. معظم‌له در بیانات گوناگونی در دیدار با مسئولان داخلی کشورمان از جمله رئیس‌جمهور و وزرا و همچنین در دیدار با مقامات کشورهای خارجی بارها به ظرفیت‌های کشور ایران اشاره کرده‌اند. ایشان در دیدارهای داخلی با اشاره به ظرفیت‌های ایران به‌دنبال متوجه کردن مسئولان کشور به ظرفیت‌های داخلی و جهت‌دهی به سمت این ظرفیت‌ها هستند تا از این ظرفیت‌ها برای پیشرفت کشور استفاده شده و تنها به نفت و گاز اکتفا نشود و از آنجاکه یکی از ویژگی‌های تصویر ملی، تمایز و مزیت بودن آن مؤلفه‌ها است، به‌طوری‌که در دیگر کشورها این ویژگی‌ها وجود نداشته باشند، در این پژوهش این ظرفیت‌ها و ویژگی‌ها که مختص ایران است و مزیت آن معرفی می‌شود را به‌عنوان یکی از ابعاد تصویر مطلوب ملی ایران به حساب آوردیم. از طرفی یکی دیگر از مؤیدات درستی این عمل آن بوده که معظم‌له در دیدارهای خود با مقامات خارجی نیز با اشاره به این ظرفیت‌های ایران به‌دنبال ایجاد میدانی مشترک برای همکاری‌های بیشتر دو طرف هستند. این ظرفیت‌ها که به‌عنوان مؤلفه‌های بعد ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی ایران است، به شرح زیر می‌باشند:

- اقتصاد بزرگ و متنوع

- جمعیت و تنوع جمعیتی

- امکانات طبیعی

- ظرفیت اقلیمی

- موقعیت جغرافیایی

- ظرفیت نیروی انسانی جوان و کارآمد و متعهد

این ۶ مورد ابعاد تصویر مطلوب ملی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستند که در ذیل هرکدام از آن‌ها مقوله‌هایی وجود دارد که به‌عنوان مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه معظم‌له در نظر گرفته شده‌اند که در جدول ۲ و تصویر ۲ به این مؤلفه‌ها اشاره شده است.

پیشنهادها و راهکارهای سیاستی

۱- استفاده از ابعاد و مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی و گنجاندن این ابعاد و مؤلفه‌ها در اسناد و سیاست‌های کلان برای واحد و یکسان شدن شاخصه‌ها و مؤلفه‌های تصویر مطلوب ملی (برند ملی).

- ۲- ابلاغ این ابعاد و مؤلفه‌ها به تمامی سازمان‌ها و دستگاه‌های جمهوری اسلامی ایران که با تصویر ملی (برند ملی) مرتبط هستند مخصوصاً سازمان‌ها و دستگاه‌های دارای مأموریت و مخاطب بین‌المللی.
- ۳- ارزیابی و نظارت بر سازمان‌ها و دستگاه‌های جمهوری اسلامی ایران برای مخابره تصویر مطلوب ملی منطبق بر ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری.
- ۴- گنجاندن این ابعاد و مؤلفه‌ها در مأموریت و برنامه‌های سالانه سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با برندسازی ملی توسط مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط.

فهرست منابع

- اردلان، امین؛ وظیفه‌دوست، حسین و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی آینده ایران با برندسازی ملی. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۳۰(۱)، ۱۵۳-۱۶۹.
- بزرگ‌خو، حامد؛ کیماسی، مسعود؛ اسفیدانی، محمدرحیم و ترکستانی، محمدصالح (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر برند ملی ایران با رویکرد رفتار شناختی مصرف‌کننده. *مطالعات رفتار مصرف‌کننده*، ۵(۲)، ۸۳-۱۱۰.
- بلخاری‌قهبی، حسن و نصیری، مهدی (۱۴۰۴). تحلیل نقش انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در توسعه دکتترین نشان (برند) و هویت ملی ایران اسلامی. *فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۴(۱)، ۲۴۵-۲۷۶.
- بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران.
- بیدالله‌خانی، آرش (۱۴۰۰). *برندینگ ملت و تصویرسازی ملی در دوره معاصر ایران*. تهران: نشر میزان.
- بیدالله‌خانی، آرش و کهرازه، یاسر (۱۳۹۶). برندینگ ملی دین و جمهوری اسلامی ایران؛ گفتمان اعتماد به نفس داخلی و مدیریت شهرت بین‌المللی. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۲۰(۷۹)، ۱۰۳-۱۳۲.
- بیدالله‌خانی، آرش و کهرازه، یاسر (۱۳۹۸). جمهوری اسلامی ایران و برندینگ دینی؛ انقلابیگری ضد سیستمی در نظام بین‌الملل. *فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۸(۳)، ۴۹-۶۵.
- جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۹۱). *مدیریت گردشگری و وجهه ملی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). *رهنمون: بیانات مقام معظم رهبری در حوزه بین‌الملل دفتر دوم* (۱۳۸۳). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی

خامنه‌ای: Khamenei.ir

دینی، کیث (۱۳۹۵). *برندسازی ملت (مفاهیم، چالش‌ها و راهکارها)*. ترجمه نبی‌الله دهقان؛ محمد پوررضا؛ حمید علیزاده و سبحان شریفی سیگارودی. تهران: فوژان. ذبیحی جامخانه، محسن؛ آذر، عادل؛ معزز، هاشم و مقیمی، محمد (۱۳۹۸). تبیین چهارچوبی برای برندسازی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۶ (۵۷)، ۵۳-۶۸.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. صحت، سیدحسن (۱۳۹۸). *برندسازی ملی؛ برآیند تعامل اثربخش دیپلماسی عمومی و رسمی در تأمین منافع ملی*. تهران: راه ابریشم. قاسمی پیربلوطی، محمدامین (۱۴۰۱). *بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگی برند ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر شبکه اجتماعی اینستاگرام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک).

قاسمی پیربلوطی، محمدامین و بشیر، حسن (۱۴۰۳). *مرور نظام‌مند پژوهش‌های حوزه برندسازی ملی در ایران. مطالعات راهبردی ارتباطات*، ۴ (۲)، ۷-۲۱. کردانی، سجاد؛ خرازی محمدوندی آذر، زهرا و سلطانی‌فر، محمد (۱۴۰۲). *شناسایی الگوی ذهنی متخصصان نسبت به تأثیر عوامل قومی در فرایند نمانام ملی*. *فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲ (۴)، ۱۲۸۳-۱۳۱۰.

Fan, Y. (2006). Branding the nation: What is being branded? *Journal of Vacation Marketing*, 12(1), 5-14. <https://doi.org/10.1177/1356766706056633>

Fan, Y. (2010). Branding the nation: towards a better understanding. *Place Brand Public Diplomacy*, (6), 97-103. <https://doi.org/10.1057/PB.2010.16>

References

- Ardalan, Amin, Vazgadoost, Hossein, and Nikomaram, Hashem (2019). Planning the future of Iran with national branding. *Management Futures*, 30(1), 153-169. (In Persian)
- Baidollahkhani, Arash & Kahrazeh, Yaser (2019). The Islamic Republic of Iran and Religious Branding; Anti-Systemic Revolutionism in the International System. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 8(3), 49-65. (In Persian)
- Baidollahkhani, Arash (2019). *Nation Branding and National Imagery in Contemporary Iran*. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Balkharekhai, Hassan & Nasiri, Mehdi (2015). Analyzing the role of the Cultural Monuments and Honors Association in the development of the doctrine of the brand and national identity of Islamic Iran. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, 14(1), 245-276. (In Persian)


- Bidollakhani, Arash & Kahraze, Yaser (2017). National branding of religion and the Islamic Republic of Iran; Discourse on Domestic Self-Confidence and International Reputation Management. *Quarterly Journal of Political Science*, 20(79), 103-132. (In Persian)
- Bozorgkho, Hamed, Kimasi, Masoud, Esfidani, Mohammad Rahim, and Turkestani, Mohammad Saleh (2018). Identifying and prioritizing factors affecting Iran's national brand with a consumer cognitive behavior approach. *Consumer Behavior Studies*, 5(2), 83-110. (In Persian)
- Dini, Keith (2016). *Nation Branding (Concepts, Challenges and Solutions)* (Nabiollah Dehghan, Mohammad Pourreza, Hamid Alizadeh, Sobhan Sharifi Sigaroudi, Translation). Tehran: Fuzhan. (In Persian)
- Fan, Y. (2006). Branding the nation: What is being branded? *Journal of Vacation Marketing*, 12(1), 5-14. <https://doi.org/10.1177/1356766706056633>
- Fan, Y. (2010). Branding the nation: towards a better understanding. *Place Brand Public Diplomacy*, (6), 97-103. <https://doi.org/10.1057/PB.2010.16>
- Ghasemi Pirbaluti, Mohammad Amin & Bashir, Hassan (2014). A systematic review of research on national branding in Iran. *Strategic Communication Studies*, 4(2), 7-21. (In Persian)
- Ghasemi, Pirbaluti (2018). Representation of Cultural Components of the National Brand of the Islamic Republic of Iran in the Context of Instagram Social Network [Master's Thesis, Imam Sadeq University (AS)]. Ganj, Iran Scientific Information Database (Irandoc). (In Persian)
- Information Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of His Eminence Ayatollah Khamenei-Khamenei.ir (In Persian)
- Jafari Haftkhani, Nader (2012). *Tourism Management and National Image in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Imam Sadeq University. (In Persian)
- Kordani, Sajjad, Kharrazi Mohammad Vandi Azar, Zahra & Soltanifar, Mohammad (2014). Identifying the mental model of experts regarding the impact of ethnic factors on the national branding process. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, 12(4), 1283-1310. (In Persian)
- Rahnamoon: Statements of the Supreme Leader in the International Sphere, Second Edition (2004). Tehran: Al-Hoda International Publications. (In Persian)
- Sehat, Seyyed Hassan (2019). *National Branding; The Result of Effective Interaction of Public and Official Diplomacy in Securing National Interests*. Tehran: Rah-e-Abrisham. (In Persian)
- Statement of the "Second Step of the Revolution" Addressed to the Iranian Nation. (In Persian)
- Vision Document of the Islamic Republic of Iran in the Horizon of 2024. (In Persian)
- Zabihi Jamkhaneh, Mohsen, Azar, Adel, Mozahed, Hashem & Moghimi, Mohammad (2019). Explaining a Framework for Branding the Islamic Republic of Iran. *Scientific Journal of Islamic Revolution Studies*, 16(57), 53-68. (In Persian)

Strategies for Improving and Promoting Hijab and Dress Code in Universities Based on the Discourse of the Supreme Leader of the Islamic Revolution

Fateameh Mohammadi

Director of the Social Harms Department, Research Center of the Islamic Consultative Assembly (Parliament of Iran), Tehran, Iran (Corresponding author).


f_mohammadi1390@yahoo.com

 0009-0002- 4069-7634

Sayyidah Fatemeh Nemati

Ph.D Student in Cultural Sociology, The University of Tehran, Tehran, Iran.

s_f_nemati@ut.ac.ir

 0000-0002-4736-6136

Abstract

The issue of hijab and dress code is one of the essential pillars of an Islamic university, and finding strategies for its improvement and promotion requires reference to religious sources and expert opinion. Therefore, understanding the discourse of the Supreme Leader—as the Shiite authority and guardian jurist—on the matter of hijab is a social necessity in identifying effective strategies for promoting it within universities. This qualitative research, using content analysis method, first examined the Supreme Leader’s statements on hijab. Then, through semi-structured interviews, the extracted categories were presented to 23 university professors and scholars familiar with religious studies. After their validation, practical strategies for improving and enhancing the dress code in universities were identified based on the insights of these experts. The findings indicate that university activities in cultural and psychological domains (such as organizing hijab fashion design festivals, facilitating access to modest clothing at affordable prices, strengthening ties with Islamic universities, and creating gender-specific recreational spaces) play a vital role in honoring and enhancing students’ self-esteem as Muslims. Moreover, strategies in educational and disciplinary domains (such as developing academic materials on hijab from a global studies perspective, and requiring cultural engagement for norm-breaking students) are among the most effective approaches to improving the hijab situation in university environments.

Keywords: Hijab, Supreme Leader, University, Honor, Education.

Extended abstract

Introduction

The Islamic Revolution of Iran introduced a distinct civilizational discourse grounded in the inseparable relationship between religion, knowledge, and culture. Within this discourse, the university has consistently been regarded as a strategic institution responsible not only for scientific advancement but also for the cultural, moral, and identity formation of future generations. The Supreme Leader of the Islamic Revolution has repeatedly emphasized that a university detached from religious and moral values would fail to fulfill its transformative mission and could even become a source of irreparable social and cultural harm. Consequently, the Islamization of universities is not limited to curricular reforms or scientific orientation, but extends to the cultivation of Islamic lifestyle, ethics, and visible cultural symbols, among which hijab and dress code occupy a central position.

Hijab, as a fundamental component of Islamic cultural and moral identity, functions simultaneously at individual, social, and civilizational levels. It represents not merely a legal or behavioral requirement, but a multidimensional concept encompassing human dignity, moral self-regulation, gender relations, social security, and cultural authenticity. In university environments—where young adults undergo critical stages of identity formation and socialization—the issue of hijab becomes particularly significant. Universities serve as arenas where competing cultural discourses intersect, including religious, secular, globalized, feminist, and liberal narratives. As a result, the manner in which hijab is addressed within universities reflects broader orientations in cultural policymaking and reveals the depth and coherence of value-based governance in higher education.

In recent years, Iranian universities have faced increasing challenges regarding dress code compliance and the promotion of hijab. These challenges have been intensified by factors such as the expansion and massification of higher education, the growing influence of global media, the rise of individualistic value systems, and the emergence of critical or oppositional discourses toward compulsory hijab—particularly among educated youth. In many cases, institutional responses have been fragmented, reactive, or overly disciplinary, lacking a coherent cultural and educational framework capable of addressing the underlying identity, psychological, and social dimensions of the issue. Such approaches often generate resistance, deepen the gap between official policies and student attitudes, and ultimately undermine the legitimacy of cultural interventions.

In contrast, the Supreme Leader's discourse on hijab consistently emphasizes cultural persuasion, rational explanation, dignity-based approaches, and the avoidance of purely coercive or superficial measures. From this perspective, hijab is framed as a civilizational value rooted in human nature (fitrah), moral awareness, and cultural self-respect, rather than a mere external obligation. Therefore, revisiting university hijab policies through the lens of the Supreme Leader's discourse offers an opportunity to move beyond reductionist or control-oriented strategies and toward a comprehensive, value-based, and context-sensitive model of cultural policymaking.

Despite the centrality of this discourse, existing academic research on hijab in Iranian universities has largely focused on attitude surveys, sociological correlates, or pathology-oriented analyses of non-compliance. While valuable, these studies often lack a normative and strategic framework grounded in authoritative Islamic discourse and rarely translate findings into prioritized, institution-specific policy recommendations. Moreover, no prior study has systematically extracted policy-relevant principles from the Supreme Leader's statements on hijab and operationalized them through expert consensus within the university context. The present study seeks to fill this gap.

Purpose

The primary purpose of this study is to identify, conceptualize, and prioritize effective strategies for improving and promoting hijab and appropriate dress codes in Iranian universities based on the discourse of the Supreme Leader of the Islamic Revolution. The research aims to bridge the gap between macro-level cultural principles articulated in authoritative religious discourse and micro-level policy practices within higher education institutions.

Specifically, the study pursues the following objectives:

To analyze and extract key conceptual, cultural, and normative components related to hijab, women's identity, university culture, and Islamic lifestyle from the Supreme Leader's statements.

To validate and contextualize these extracted components through consultation with university scholars and experts familiar with religious studies and higher education culture.

To develop a categorized and prioritized set of practical strategies for universities that align with cultural, psychological, educational, and disciplinary dimensions of hijab promotion.

To provide a policy-relevant framework that can inform culturally persuasive, dignity-oriented, and sustainable approaches to hijab in university environments.

In line with these objectives, the study addresses two central research questions:

How does the Supreme Leader conceptualize hijab in relation to the university as a scientific and cultural institution?

What strategies can be derived from this discourse, as interpreted and refined by academic experts, to improve the state of hijab and dress code in universities?

Methodology

Given the exploratory nature of the research and the normative-cultural complexity of the subject matter, a qualitative research design was adopted. The study employed a two-stage methodological approach combining qualitative content analysis and semi-structured expert interviews. This methodological triangulation enabled the integration of authoritative discourse analysis with field-based expert insights, thereby enhancing both theoretical depth and practical relevance.

Stage One: Qualitative Content Analysis of the Supreme Leader's Statements.

In the first stage, a qualitative content analysis was conducted on the statements of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei, the Supreme Leader of the Islamic Revolution, from the beginning of his leadership until the end of 2023. The data corpus was compiled from official and authoritative sources, primarily the Supreme Leader's official website. Statements addressing themes such as hijab, chastity, women's identity, university culture, Islamic lifestyle, Western cultural critique, and cultural policymaking were systematically collected.

An inductive content analysis approach was employed, focusing on manifest content rather than latent or heavily interpretive themes. More than 500 textual excerpts were extracted and coded. Through iterative coding and categorization, these excerpts were organized into subcategories and higher-order categories reflecting recurring concepts and value orientations. The analysis aimed to identify policy-relevant dimensions rather than theological exegesis, ensuring applicability to the university context.

Stage Two: Semi-Structured Interviews with Academic Experts
In the second stage, the extracted categories were presented to a purposively selected group of 23 university professors and scholars.

Selection criteria included: (1) academic expertise in cultural studies, religious studies, sociology, or education; (2) familiarity with the Supreme Leader's discourse; and (3) a minimum of five years of university teaching or research experience. Participants were drawn from multiple provinces, including Tehran, Qom, Mashhad, Isfahan, and Shiraz, and represented various academic ranks.

Semi-structured interviews were conducted to achieve two objectives: first, to validate and refine the extracted categories; and second, to elicit practical strategies for promoting hijab in universities based on these categories and the experts' lived experience of academic environments.

Interviews continued until theoretical saturation was reached. All interviews were transcribed, thematically organized, and reviewed by participants for accuracy and confirmation.

The integration of content analysis and expert interviews allowed the study to move from abstract discourse to actionable strategies, aligning macro-level ideological principles with micro-level institutional realities.

Findings

The findings of the study are organized into two main parts: (1) the conceptual framework derived from the Supreme Leader's discourse, and

(2) the prioritized strategies for improving hijab in universities as proposed by experts.

Conceptual Framework

The content analysis yielded a set of interconnected categories clustered under four overarching domains: cultural, psychological, educational, and disciplinary. Central concepts included the strengthening of Muslim women's identity, enhancement of self-esteem and dignity, promotion of Islamic lifestyle, provision of gender-appropriate spaces, presentation of positive role models, critical awareness of Western representations of women, and the centrality of cultural persuasion over coercion.

Hijab was consistently framed not as an isolated dress requirement but as an outcome of deeper processes of identity formation, moral awareness, and cultural belonging. The university, in this framework, functions as both a site of knowledge production and a cultural ecosystem responsible for nurturing religious consciousness and ethical conduct.

Strategic Recommendations

Based on expert consensus, strategies were prioritized into two main domains:

- 1- Cultural and Psychological Strategies: These strategies emphasize empowerment, dignity, and positive engagement. Key recommendations include organizing hijab fashion design festivals, facilitating access to affordable modest clothing, collaborating with producers of Islamic attire, showcasing diverse Islamic dress cultures, promoting religious and cultural events, providing gender-specific recreational spaces, and offering incentives and recognition for hijab-compliant students. These measures aim to enhance students' sense of self-worth, belonging, and voluntary commitment to hijab.
- 2- Educational and Disciplinary Strategies: This domain includes curriculum development on hijab and Islamic lifestyle from a global and comparative perspective, engagement with committed and value-oriented faculty, collaboration with universities in Islamic countries, structured responses to norm violations, and the establishment of clear yet proportionate disciplinary frameworks. Importantly, experts emphasized that disciplinary measures should be embedded within broader educational and cultural processes rather than functioning as isolated or punitive interventions.

Overall, the findings underscore that effective hijab promotion in universities requires an integrated, dignity-centered, and culturally persuasive approach rooted in authoritative Islamic discourse and adapted to the lived realities of academic life.

Keywords: Hijab; Ayatollah Seyyed Ali Khamenei; Higher Education Institutions; Human Dignity; Education.

راهکارهای بهبود و ارتقاء حجاب و پوشش در دانشگاه بر اساس گفتمان رهبر انقلاب

فاطمه محمدی

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مدیر گروه آسیب‌های اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f_mohammadi1390@yahoo.com

0009-0002-4069-7634

سیده فاطمه نعمتی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

s_f_nemati@ut.ac.ir

0000-0002-4736-6136

چکیده

مسئله پوشش و حجاب، جزوی از ارکان دانشگاه اسلامی است که یافتن راهکارهای بهبود و ترویج آن نیازمند مراجعه به منابع دینی و متخصصان است، از این رو فهم گفتمان رهبر انقلاب به‌عنوان ولی فقیه و مرجع شیعه پیرامون مسئله حجاب در جهت یافتن راهکارهای گسترش آن در دانشگاه ضرورتی اجتماعی است. این پژوهش با رویکرد کیفی با روش تحلیل محتوا، ابتدا بیانات رهبر انقلاب پیرامون مسئله حجاب را مورد مطالعه قرار داده و سپس با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ابتدا مقولات مستخرج را در اختیار ۲۳ نفر از اساتید دانشگاه، صاحب‌نظر و آشنا با حوزه دین، گذاشت و پس از تأیید آنها توسط اساتید، راهکارهای بهبود و ارتقاء سبک پوشش در دانشگاه‌ها با استفاده از سخنان این اساتید احصا شد. نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های دانشگاه در حوزه‌های فرهنگی و روانی (جشنواره طراحی مد حجاب، ایجاد زمینه معرفی و خرید ملزومات حجاب با قیمت مناسب، افزایش ارتباط با دانشگاه‌های اسلامی، ایجاد فضاهای تفریحی تک جنسیتی و...) که به تکریم و افزایش عزت نفس دانشجویان به‌عنوان انسان مسلمان می‌انجامد و حوزه‌های آموزشی و انضباطی (ایجاد منابع درسی در حوزه حجاب با رویکرد مطالعات جهانی، اجبار به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی برای دانشجویان هنجارشکن و...) مهم‌ترین راهکارهای بهبود وضعیت حجاب در دانشگاه‌ها خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حجاب، سیدعلی خامنه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تکریم، آموزش.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2025.506788.1664



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

ساحت گفتمانی انقلاب اسلامی، با تمرکز بر پیوند دین و علم، نیازمند توجه ویژه به فرهنگ‌سازی دینی در دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت نیروهای تأثیرگذار در جامعه است. رهیافت انقلاب در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی، بر نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی، به‌ویژه در محیط‌های علمی، تأکید دارد. دانشگاه به‌عنوان نهادی راهبردی و مورد اعتماد عمومی، می‌تواند با تولید محتوا و تأثیر فرهنگی گسترده، در مسیر رشد فردی، اجتماعی و تمدنی جامعه حرکت کند (شاه‌علی، ۱۳۹۸، ص. ۴۰). رهبر انقلاب نیز بارها بر اهمیت جایگاه دانشگاه در تربیت دینی و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی تأکید کرده‌اند و تأثیرگذاری آن را در هم‌راستایی علم با دین، تعیین‌کننده دانسته‌اند:

- «چنانچه دانشگاه، بیگانه و جدای از دین باشد، یک فاجعه غیرقابل جبران خواهد بود...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰)
- «توقع ما از دانشگاه... این است که علم همراه است با دین...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای مرکزی جهاد دانشگاهی، به مناسبت سالگرد تأسیس این نهاد، ۱۳۶۹/۰۶/۱۱)
- «مادامی که دانشگاه، پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نخواهد بود...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۹/۰۵/۲۳)

در این راستا، حجاب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی، دینی و فرهنگی در جامعه اسلامی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. دانشگاه، به‌عنوان محیطی تأثیرگذار بر اندیشه و رفتار نسل جوان، مسئولیتی مضاعف در تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌هایی چون حجاب دارد. با این حال، در سال‌های اخیر، چالش‌هایی در حوزه رعایت پوشش اسلامی در دانشگاه‌های کشور نمایان شده که گاه نگرانی‌هایی در سطح جامعه و مسئولان فرهنگی پدید آورده است. توجه به ریشه تحولات و تاریخچه حجاب در یافتن فهم مناسب از وضعیت فعلی کشور مؤثر است. جنبش حجاب که از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در غرب آسیا شکل گرفت و انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ نقطه عطف آن بود، نشانگر بازتعریف

نقش حجاب در هویت‌سازی دینی و مقاومت فرهنگی مسلمانان است (Buaban, 2020). این انقلاب، تصویری نوین از زن مسلمان، متعهد و فعال اجتماعی با حجاب را به جهان ارائه داد؛ الگویی که بسیاری از جوامع اسلامی آن را الگو قرار دادند.

در دهه‌های بعد، به‌ویژه با تقویت اقتصادی کشورهای مسلمان و بازسازی تصویر مسلمانان در جهان (Aker & Aghaei, 2019; Laeheem & et al., 2021)، رویکرد بازگشت به دین، به‌ویژه در میان زنان مسلمان، تقویت شد. در این فضا، زنان با بهره‌گیری از حجاب، نه‌تنها در حوزه خصوصی بلکه در عرصه عمومی نیز حضور مؤثری یافتند (Buranajaroenkij, 2020; Masik & et al., 2022).

اما در داخل کشور، با گذشت زمان و شکل‌گیری جریان‌های فمینیستی و منتقد، به‌ویژه در میان اқشار تحصیل‌کرده، مخالفت‌هایی با قانون حجاب مطرح شد (سیف هاشمی، ۱۴۰۱، ص. ۱۷۵). دانشگاه، به‌دلیل موقعیت نخبگانی و قدرت اثرگذاری بر افکار عمومی، به صحنه‌ای برای تقابل‌های نظری و فرهنگی در این حوزه تبدیل شد. در نتیجه، عملکرد فرهنگی دانشگاه‌ها در رابطه با ترویج حجاب، تأثیری تعیین‌کننده در نگرش عمومی جامعه نسبت به این مسئله پیدا کرد.

در پاسخ به این چالش‌ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴، در قالب «قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب»، وظایف متعددی برای دانشگاه‌ها در جهت ترویج عفاف و حجاب تعیین نمود. این وظایف، از تدوین برنامه جامع و حمایت از فعالیت‌های علمی گرفته تا آموزش، مشاوره، تولید محتوای فرهنگی، و نظارت بر رفتارها و پوشش در فضاهای آموزشی را دربرمی‌گیرد.

همچنین در «سند دانشگاه اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲، در راهبرد ۱۴ به‌صراحت بر وظایف دانشگاه‌ها در زمینه نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و حجاب، بازنگری در فضاهای آموزشی، ارتقای محتوای درسی و حمایت از طراحی و تولید پوشش اسلامی تأکید شده است.

حجاب به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های بنیادین در نظام معنایی اسلام، نقشی تعیین‌کننده در صیانت از هویت فرهنگی - دینی جوامع اسلامی ایفا می‌کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی مبتنی بر آموزه‌های دینی و متعهد به تحقق تمدن نوین اسلامی، از آغاز شکل‌گیری خود، مسئله حجاب را نه صرفاً در سطحی فردی یا رفتاری بلکه در قالب یک موضوع راهبردی در ساحت سیاست‌گذاری فرهنگی مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، دانشگاه به‌عنوان نهادی مؤثر در تولید و بازتولید گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و ارزشی، نقشی

محوری در تثبیت یا تضعیف الگوهای رفتاری نسل جوان دارد؛ از این رو، نوع مواجهه با مسئله حجاب در محیط‌های دانشگاهی، می‌تواند نشانگر عمق و دقت سیاست‌های فرهنگی کشور در تعامل با پدیده‌های نوپدید اجتماعی باشد.

در دهه‌های اخیر، مواجهه سطحی و تقلیل‌گرایانه با مقوله حجاب که گاه در قالب رویکردهای انفعالی، تقابلی یا صرفاً کنترلی تجلی یافته، زمینه‌ساز شکاف‌هایی میان سیاست‌های رسمی و کنش‌های فرهنگی نسل جوان شده است. این در حالی است که در گفتمان فرهنگی - تربیتی مقام معظم رهبری، همواره بر ضرورت اقباع فرهنگی، تقویت عقلانیت دینی، تبیین هنرمندانه و پرهیز از برخورد‌های سلبی در موضوعاتی چون حجاب تأکید شده است. از این منظر، حجاب باید نه صرفاً به‌عنوان یک مسئله انضباطی یا اخلاقی بلکه به‌مثابه موضوعی تمدنی در فرایند گفتمان‌سازی فرهنگی و اجتماعی نگریسته شود.

در چنین چهارچوبی، بازاندیشی در سیاست‌های فرهنگی مرتبط با حجاب در دانشگاه‌ها و طراحی راهبردهایی که مبتنی بر تحلیل گفتمان مقام معظم رهبری و هم‌راستا با ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی باشد، ضرورتی انکارناپذیر است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - انتقادی، در پی آن است تا با واکاوی مفاهیم کلیدی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه حجاب، مبانی گفتمانی و جهت‌گیری‌های کلان سیاست‌گذاری فرهنگی نظام را شناسایی کرده و بر اساس آن، الگویی بومی، اقباعی و زمینه‌مند برای تقویت فرهنگ حجاب در دانشگاه‌ها ارائه نماید.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند بستر مناسبی برای بازطراحی سیاست‌های فرهنگی در نهادهای دانشگاهی فراهم سازد؛ به گونه‌ای که ضمن ارتقای کیفیت تعامل فرهنگی با نسل جوان، موجبات تعمیق هویت دینی، تقویت سرمایه فرهنگی و پیشبرد اهداف کلان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

با در نظر گرفتن هدف شناسایی و تبیین راهکارهای بهبود و ارتقاء حجاب و پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها بر اساس مؤلفه‌های کلیدی گفتمان رهبر انقلاب در زمینه ترویج ارزش دینی حجاب، سؤال مهم این است که راهکارهای متناسب با دانشگاه بر اساس رویکرد اسلامی برای رسیدن سطح مناسبی از رعایت حفظ حجاب چیست؟ فهم نگاه دینی به مسئله پوشش از دو روش حاصل می‌گردد. در روش نخست، فرد باید خود در منابع دینی مطالعه و مذاقه نماید و منطبق با شرایط روز بتواند به احکام



ثانویه رسیده و فهم کاملی از متون را به دست آورد. به نظر می‌رسد این روش تنها مناسب کسانی است که سال‌ها در حوزه دین مطالعه کرده‌اند و عموم جامعه در این مسیر ناتوان خواهند بود.

روش دوم، دریافت رویکرد دین از طریق مرجع و عالم دینی است که سال‌ها در متون و احادیث و سنت مطالعه عمیق داشته و می‌تواند بر اساس دریافت‌ها، متناسب با اوضاع روز جامعه، مسیر دین را در موضوعات مختلف روشن نماید. پژوهش حاضر به دنبال این است که مسئله راهکارهای بهبود پوشش را با استفاده از گفتمان رهبر معظم انقلاب به عنوان مرجع و عالم دینی، توسط متخصصان آگاه به گفتمان ایشان و فعال در دانشگاه مورد بررسی قرار دهد.

دو سؤال مهم مسیر پژوهش را هدایت خواهد کرد:

۱- نگاه رهبر انقلاب به مسئله حجاب با توجه به نگاه ایشان به دانشگاه و محیط علمی چیست؟

۲- راهکارهای بهبود وضعیت حجاب و پوشش در دانشگاه‌ها با توجه به گفتمان فوق از منظر متخصصان چیست؟

۲. پیشنهادیه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی طی سال‌های گذشته پیرامون مسئله حجاب در دانشگاه‌ها صورت گرفته که بیشتر آن‌ها با استفاده از روش پیمایش، به بررسی نگرش دانشجویان به حجاب یا عوامل مؤثر در گرایش به حجاب را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته به این شرح است:

مستقیمی و مرتضوی (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «رویکردی قرآنی به اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب در دانشگاه‌های اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب»، به استخراج اصول حاکم بر مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب با تأکید بر گفتمان قرآنی پرداختند. این پژوهش با روش تحلیل مضمون و با بهره‌گیری از تحلیل آیات قرآن کریم و بیانیه گام دوم انقلاب انجام شد. یافته‌ها نشان داد که اصولی همچون: تبیین اقتناعی، نهادینه‌سازی تدریجی، الگوسازی مؤثر، جلب مشارکت فعال، تداوم و پیوستگی در تبلیغ، امیدآفرینی و تمرکز بر فطرت و کرامت انسانی از جمله مهم‌ترین اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب در فضای دانشگاهی به شمار می‌روند.

موسوی و همکاران (۱۴۰۳)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین ابعاد عزت نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان دختر»، با استفاده از روش پیمایشی و

توزیع پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده در بین ۱۰۰ نفر از دختران دانشجوی دو اهواز انجام دادند. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین متغیرهای عزت نفس عمومی، خانوادگی و تحصیلی با نگرش به حجاب دانشجویان دختر بود. ضمن اینکه دانشجویان متأهل تمایل بیشتری نسبت به رعایت حجاب در مقایسه با دانشجویان مجرد داشتند.

عباسی دره‌بیدی؛ زارعی و کاظمی (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی مدل پارادایمی حجاب مطلوب از دیدگاه دانشجویان دختر مبتنی بر نظریه زمینه‌ای»، با استفاده از روش پژوهش کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای، به بررسی برداشت دانشجویان دختر از مفهوم حجاب مطلوب پرداختند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد که عوامل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای در شکل‌گیری دیدگاه دانشجویان نسبت به حجاب نقش دارند. همچنین مقوله‌هایی چون آگاهی از مفهوم حجاب، عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده، راهبردهای کنش‌گری و پیامدهای مربوط به حجاب شناسایی شدند و در نهایت مدل الگوواره‌ای حجاب مطلوب ارائه شد.

درویش‌پور و امیری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر حجاب دانشجویان؛ یک پژوهش کیفی - کمی (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه لرستان)» با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی (کیفی - کمی)، به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش رعایت حجاب در میان دانشجویان دختر پرداختند. در بخش کیفی، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و انجام مصاحبه، داده‌ها گردآوری و تحلیل شدند و پنج مؤلفه اصلی شامل عوامل تربیتی، اجتماعی - فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی شناسایی گردید. در ادامه، این مؤلفه‌ها در قالب پرسش‌نامه در سطح دانشگاه لرستان توزیع و با تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS، مؤلفه‌های استخراج‌شده تأیید شدند. در نهایت، بر اساس نتایج پژوهش، راهکارهایی برای تقویت فرهنگ حجاب در سطح استان لرستان ارائه شد.

تاج‌بخش (۱۳۹۸)، مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل کیفی سبک‌های پوشش در بین دانشجویان دختر» با استفاده از روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل تماتیک در طی فرایند مصاحبه با ۳۰ نفر از دختران دانشجویان انجام دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر وجود سبک‌های مختلف پوشش در بین دانشجویان دختر شامل پوشش فردی‌شده، پوشش نوین، پوشش مصلحتی، پوشش تکلیفی، موقعیت‌مندی پوشش و نسبی شدن پوشش بود.



نیک‌بخش (۱۳۹۸)، مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب»، با استفاده از روش پیمایشی در جمعیت نمونه ۳۰۰ نفری از زنان سنین ۱۸ تا ۳۲ سال شهرستان لالی انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین متغیرهای شغل، میزان دینداری تربیت خانواده و سن با نگرش به حجاب بود.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگرش به هنجار پوشش اسلامی (حجاب)»، با رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی در بین ۳۹۸ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ انجام دادند. نتایج این مطالعه بیانگر این بود که تجربه مثبت گذشته از رعایت حجاب با ۶۵ درصد اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم دارای بیشترین اثر مثبت بر نگرش دانشجویان نسبت به حجاب بود. متغیر عملکرد خانواده در ارتباط با حجاب با ۰/۲۱، ناهم‌نوایی با هنجارهای جامعه با ۰/۱۷، نگرش به برابری جنسیتی با ۰/۱۶- و شیوه تربیتی استبدادگرایانه با ۰/۱ در رتبه‌های بعدی اثرگذاری قرار گرفته‌اند.

موسوی و بیگم‌رضازاده شیراز (۱۳۹۶)، مطالعه‌ای با عنوان «میزان التزام شناختی - رفتاری به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران»، با بهره‌گیری از روش توصیفی پیمایشی در بین ۲۷۸ نفر از دانشجویان دختر انجام دادند. نتایج نشان داد که نسبت بیشتری از دانشجویان موافقتند که موازین شرعی گفته شده را تا حدودی رعایت می‌کنند و به حریم بین محرم و نامحرم اعتقاد دارند؛ ۲۳ درصد حجاب چادر را برتر دانسته، آن را انتخاب و بسیار تلاش می‌کنند تا موازین اخلاقی و رفتاری را رعایت کنند. از بین شرکت‌کنندگان در پژوهش تنها ۸/۶ درصد موازین شرعی مربوط به حجاب را خیلی کم رعایت نموده، اعتقادی به وجود مرز بین محرم و نامحرم ندارند.

امامی و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه حل‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای»، در صدد ارائه الگویی همبسته بوده که نسبت بین مسئله و راه‌حل را بازسازی نموده و نظام نامه راهبردی ارتقاء حجاب و عفاف در محیط دانشگاه را پشتیبانی نماید. با استخراج ۱۶ خط‌مشی اصلی برای دانشگاه‌ها، مواردی مانند اصلاح ساختار دانشگاه و نظام آموزشی، توجه به سالم‌سازی محیط دانشگاه، ترویج ازدواج، هویت‌بخشی و... را پیشنهاد می‌دهد.

مولایی و یوسفوند (۱۳۹۳) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب» با استفاده از روش پیمایش در بین ۲۵۱ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان انجام دادند. نتایج نشان داد که بین استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی، تصور از بدن، اعتقادات دینی و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و گرایش به حجاب رابطه وجود دارد. این متغیرها در مجموع ۶ درصد از تغییرات گرایش به حجاب را تبیین کرده‌اند.

کربلایی پازوکی و خوانین‌زاده (۱۳۹۳)، مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی مسئله عفاف و حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی» انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که ضعف اعتقادی، عدم پایبندی به انجام عبادات، نظام خانوادگی، کسب زیبایی، جامعه و رسانه از جمله عوامل مهم در عدم رعایت عفت در پوشش دختران دانشجو بوده است.

خوشخویی، یوسف‌زاده و آذریون (۱۳۹۲)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب» با استفاده از روش پیمایشی و در جمعیت نمونه ۳۵۴ نفری از دانشجویان انجام دادند. یافته‌های این مطالعه نشان داد میزان گرایش به حجاب را از روی میزان استفاده از اینترنت موبایل و ماهواره می‌توان پیش‌بینی کرد و هرچه میزان استفاده از این سه رسانه بالاتر باشد، گرایش به حجاب پایین‌تر خواهد بود. بین میزان استفاده از اینترنت و گرایش به حجاب رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، یعنی هرچه میزان استفاده از اینترنت بیشتر باشد، گرایش به حجاب کمتر می‌شود. بین میزان استفاده از ماهواره و گرایش به حجاب رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، یعنی هرچه میزان استفاده از ماهواره بیشتر باشد، گرایش به حجاب کمتر می‌شود. همچنین بین میزان استفاده از تلفن همراه و گرایش به حجاب نیز رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یعنی هرچه میزان استفاده از تلفن همراه بیشتر باشد گرایش به حجاب کمتر می‌گردد.

در عمده پژوهش‌های صورت گرفته، رویکرد آسیب‌شناسی یا نگرش‌سنجی بوده و مطابق با یافته‌ها راهکار ارائه شده که مدنظر این راهکارها مشابه بوده و به‌نظر می‌رسد بین انجام آن‌ها، اولویتی مدنظر نبوده و مبنایی برای حوزه سیاست‌گذاری قابل اجرا و مشخصاً معطوف به دانشگاه لحاظ نشده است. در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده، تأثیر دانشگاه بر مبنای فکری - دینی دانشجویان و مسئله حجاب و عفاف سنجیده نشده و به‌صورت کلی، در رابطه تأثیر دانشگاه بر ابعاد دینداری و نمودهای

عینی آن مانند حجاب، پژوهش‌های مناسبی وجود ندارد و از این‌رو نمی‌توان راهکارهایی که بر اساس آسیب‌شناسی‌ها ارائه می‌شود، در مورد خاص دانشگاه مثمر دانست. پیرامون احصا راهکارهای بهبود حجاب در دانشگاه‌ها بر اساس منویات رهبری نیز تاکنون پژوهشی انجام نشده است و از این‌رو مقاله حاضر نخستین کار علمی محسوب می‌شود.

۳. مبانی نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش است و بیشترین کاربرد آن در معنای پرده و فاصله‌انداز به کار می‌رود (نصیرزاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۰). در متون دینی، واژه «حجاب» علاوه بر معنای لغوی، در قرآن و روایات نیز در معنای پوشش زنان به کار رفته است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: در قرآن کریم آمده است: «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای» (شوری / آیه ۵۱). این آیه نشان می‌دهد که واژه «حجاب» در قرآن، به معنای پرده و فاصله است؛ اما کاربرد آن در فقه و فرهنگ اسلامی، در معنا و مفهوم پوشش شرعی زنان تثبیت شده است.

در فقه اسلامی، حجاب یکی از احکام شریعت تلقی می‌شود که برای زنان و مردان مسلمان وضع شده است. فقها، حجاب را چنین تعریف می‌کنند: «پوشاندن مو و سایر اعضای بدن به جز صورت و دست‌ها توسط زنان مسلمان در برابر مردانی که در شریعت، نامحرم تلقی می‌شوند». در مورد پوشش مردان نیز، حداقل پوشش واجب، ستر عورتین است. شهید مطهری در نقد برداشت‌های نادرست از حجاب می‌گوید: «برخی تصور می‌کنند که چون حجاب به معنای پرده است، پس زن باید همیشه در پس پرده و در عزلت باشد؛ در حالی که واژه «ستر» برای پوشش زن در اسلام به کار می‌رود، نه «حجاب». مقصود اسلام از پوشش زن، آن است که در معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و از جلوه‌گری پرهیز کند» (خوشفر، ۱۳۹۴، ص. ۵۵).

یکی از دلایل قرآنی وجوب حجاب، حفظ حرمت و امنیت زنان عنوان شده است. در سوره احزاب آیه ۵۹ آمده است: «ای پیامبر! به زنان و دختران و زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خویش فرو افکنند؛ این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است»؛ بنابراین، فلسفه حجاب در قرآن، هم حفظ کرامت

انسانی زن است و هم پیشگیری از خشونت و آزار اجتماعی. از منظر جامعه‌شناختی، حجاب به‌مثابه الگویی از رفتار فرهنگی و اجتماعی، بیش از بسیاری از سنت‌ها در معرض دگرگونی و بازتعریف قرار گرفته است. حجاب امری سنتی است که از نسل‌های پیشین به نسل امروز منتقل شده و همین انتقال، ضرورت تبیین دوباره مشروعیت آن را برای نسل جوان ایجاب می‌کند (خدادادی و احمدی، ۱۳۹۴، ص. ۹). هر اندازه که الگوهای پوشش در جامعه اسلامی، از مراتب معنوی و اخلاقی بالاتری برخوردار باشند، تأثیر آن‌ها بر دینداری، رشد اخلاقی و سلامت اجتماعی بیشتر خواهد بود. درمقابل، فقدان این پوشش متعالی، می‌تواند منجر به بروز آسیب‌هایی در زمینه سلامت روانی، امنیت فردی و انسجام اجتماعی شود.

نکته مهم دیگر، جایگاه حجاب در سایر ادیان الهی است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مسئله پوشش و عفاف، امری فطری و مشترک در همه ادیان توحیدی است. به‌ویژه در آیین زرتشت، زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و پوشش آنان نمادی از نجابت و منزلت اجتماعی به‌شمار می‌آمد؛ برای نمونه، در دوران پادشاهی داریوش، زنان طبقات بالای جامعه با پوششی خاص و روپوشدار از خانه خارج می‌شدند و اجازه معاشرت آزادانه با مردان را نداشتند. حتی در آثار هنری و نقش برجسته‌های ایران باستان، تصویر یا نامی از زنان به چشم نمی‌خورد (شوکتی و قاسملو، ۱۳۹۰، ص. ۹۸).

درنتیجه، گرچه حجاب ممکن است در نگاه نخست، مسئله‌ای تکراری و سنتی به نظر برسد؛ اما ابعاد فرهنگی، دینی، تاریخی و روان‌شناختی آن همچنان محل بحث و بازخوانی است. یکی از مسیرهای مؤثر برای تعمیق فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه، پرداختن به بنیادهای فطری، دینی و تربیتی آن در بستر معاصر است (حسن‌زاده، ۱۴۰۱).

۳-۱-۲. پوشش

گرچه واژه «لباس» یا «پوشش» به‌طور کلی به هر وسیله‌ای اطلاق می‌شود که بدن و ظاهر فرد را می‌پوشاند و از دید عموم مخفی می‌سازد؛ اما این واژه‌ها از نظر معنا و کاربرد با «حجاب» تفاوت دارند. در زبان فارسی، برخی ترجیح می‌دهند به‌جای واژه «حجاب» از اصطلاح «پوشش» استفاده کنند؛ با این حال، باید توجه داشت که «حجاب» دربردارنده بار معنایی خاص شرعی و فقهی است که در واژه عام «پوشش» مستتر نیست.

استاد مطهری نیز به این تفاوت معنایی اشاره کرده‌اند و معتقدند حتی از منظر لغوی، هر نوع پوششی را نمی‌توان حجاب نامید. به تعبیر ایشان، حجاب تنها به آن نوع پوششی اطلاق می‌شود که در آن، عنصر «پنهان‌سازی از طریق حائل یا پرده» وجود دارد؛ بنابراین، «حجاب» واژه‌ای اخص از «پوشش» است (مطهری، ۱۴۰۳). به بیان دیگر، هر نوع پوششی حجاب محسوب نمی‌شود بلکه تنها پوششی که دارای ویژگی‌ها و حدودی مشخص است و شرع مقدس اسلام آن را تعیین کرده و زنان را به رعایت آن فراخوانده، در قالب مفهوم «حجاب» قرار می‌گیرد. درمقابل، پوشش مفهومی عام‌تر دارد که می‌تواند شامل هر نوع لباس با هر رنگ، فرم یا میزان پوشیدگی باشد. این تمایز مفهومی، مبنای مهمی برای درک تفاوت رویکردهای فرهنگی، دینی و اجتماعی نسبت به پوشش زنان در جوامع مختلف فراهم می‌سازد.

۳-۱-۳. سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه

در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه انقلابی دینی، ارزشی و فرهنگی بنیان نهاده شده، توجه به ارزش‌های فرهنگی در فرایند سیاست‌گذاری، امری بنیادین و گریزناپذیر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران، اتکا به مبانی نظری و منظومه فکری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری است. این دو رهیافت، چهارچوبی منسجم و الهام‌بخش از اصول دینی، هویتی، فرهنگی و تمدنی را برای طراحی سیاست‌های فرهنگی کشور فراهم می‌سازند. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) با تأکید بر رسالت تربیتی و تمدنی نهاد دانشگاه، آن را «مبدأ همه تحولات» در جامعه اسلامی می‌دانستند و بر پیوند عمیق میان علم و فرهنگ در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کردند. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب، دانشگاه را محور «پیشرفت علمی همراه با هویت اسلامی - ایرانی» دانسته و خواستار نهادینه‌سازی رویکرد فرهنگی و ارزشی در سیاست‌های آموزش عالی کشور شده‌اند.

براین اساس، نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بستری‌های تحقق ارزش‌های فرهنگی انقلاب اسلامی، مسئولیتی خطیر در سیاست‌گذاری فرهنگی بر دوش دارد. در سیاست‌های فرهنگی کشور، بارها بر ضرورت جهت‌گیری تربیتی دانشگاه‌ها در پرتو ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی تأکید شده است (مرشدی و خلیج، ۱۳۹۲). همچنین مأموریت‌های تعریف‌شده برای دانشگاه‌ها در زمینه گسترش دانش، بهبود کیفیت زندگی، توانمندسازی اقتصادی و تربیت شهروندانی آگاه، بر نقش

کانونی آموزش عالی در هدایت تحولات فرهنگی صحنه می‌گذارد (مهدی، ۱۳۹۲). دانشگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای فرهنگ‌ساز، هم دریافت‌کننده ارزش‌ها و هم انتقال‌دهنده آن به بدنه نخبگانی و اجتماعی هستند (ابراهیمی؛ عدلی و مهران، ۱۳۹۴). از این رو، سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه نه تنها یک فرایند اداری یا ابلاغی بلکه سازوکاری عمیق برای بازتولید و انتقال هویت فرهنگی جامعه در بستر نخبگان علمی و نسل جوان است.

در کنار این وظایف فرهنگی، دانشگاه‌ها امروز با چالش‌های چندلایه‌ای مواجه هستند. توسعه کمی آموزش عالی، تقاضای فزاینده برای تحصیلات دانشگاهی، ظهور آموزش مجازی، جهانی‌شدن علم، رقابت برای جذب منابع مالی و انسانی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، ساختار و محتوای دانشگاه‌ها را به‌گونه‌ای تغییر داده که نقش اولیه آن‌ها به‌عنوان نهادهای حافظ و مولد ارزش‌های فرهنگی در معرض کمرنگ شدن قرار گرفته است (Porzionato & De Marco, 2015).

با وجود تأکیدهای مستمر بر آرمان‌های فرهنگی و ارزشی، دستیابی به آن‌ها در آموزش عالی مستلزم تدوین سیاست‌های فرهنگی منسجم، قابل اجرا و متناسب با اقتضات دانشگاهی است. پژوهشگران حوزه فرهنگ و آموزش، از جمله نیک‌بین، ذاکر صالحی و ماحوزی (۱۳۹۶)، بر ضرورت طراحی سیاست‌هایی تأکید دارند که ارزش‌ها و رسالت‌های فرهنگی را در متن آموزش علمی و اجتماعی نهاد دانشگاهی نهادینه کند.

سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه نیازمند درک دقیق از ماهیت بومی فرهنگ است. در حالی که فرهنگ‌ها در سطح جهانی اشتراکاتی دارند؛ اما هر جامعه، نظام فرهنگی خاص خود را بر پایه ساختارهای ارزشی و تاریخی‌اش تعریف می‌کند؛ بنابراین، سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی در ایران باید با توجه به ویژگی‌های خاص هویتی، دینی و سیاسی جامعه ایرانی طراحی شوند. ساختارهای سیاست‌گذار آموزش عالی در کشور نیز شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، و نهادهای نظارتی و تصمیم‌ساز نقش کلیدی در جهت‌دهی این سیاست‌ها از طریق اسناد فرادستی و ابلاغ به نهادهای اجرایی ایفا می‌کنند.

در نهایت، رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌ها باید هم‌راستا با مأموریت تمدنی انقلاب اسلامی، ناظر به تحولات جهانی، پاسخ‌گو به نیازهای ملی و در عین حال مبتنی بر مبانی ارزشی خاص نظام جمهوری اسلامی باشد. تنها در چنین بستری است که دانشگاه می‌تواند نقشی مؤثر در پرورش نخبگان متعهد، توسعه دانش بومی و ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی ایفا کند.

۳-۲. چهارچوب نظری

استاد مطهری از جمله اندیشمندان اسلامی است که اهمیت حضور اجتماعی زنان بر اساس اندیشه‌های دینی را در متن نظریه‌های خود لحاظ کرده و بر همین اساس بر کیفیت حضور زنان با رعایت پوشش مناسب و عدم اختلاط تأکید دارد. از منظر استاد شهید مطهری، زنان در فرایند شکل‌گیری و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، نقش بسیار تأثیرگذاری ایفا کرده‌اند. وی این حضور مؤثر را با نقش‌آفرینی زنان در صدر اسلام مقایسه می‌کند؛ زمانی که بانوان، هم در زمینه تربیت نسل‌های مؤمن و مقاوم و هم در پشتیبانی از همسرانشان در میدان‌های نبرد، یار و یاور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بودند. از جمله می‌توان به زنانی همچون «نسیه بنت کعب»، معروف به «نسیه جراح» و نیز عمه گرامی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره کرد که به‌طور فعال در جبهه‌های جهاد مشارکت داشتند. همچنین، حضور آنان در هجرت به مدینه و حبشه و نیز نقش‌آفرینی‌شان در خانه، هنگام اعزام همسران و فرزندان به میدان‌های نبرد، گواه دیگری بر حضور چندوجهی زنان در حرکت‌های اسلامی صدر اسلام است. وی معتقد است: «به نظر می‌رسد شناخت چنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی‌سابقه است... و به همین جهت ایجاب می‌کند که تحقیق کنیم چه عواملی موجب گشت که زن بار دیگر، علاوه بر صدر اسلام، در صحنه تاریخ ظاهر شود و تاریخ را از مذكر بودن محض خارج کند و آن را کذنت (مذكر - مؤنث) نماید (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۳۷۰).

مطهری بر این باور است که چنین نمونه‌های تاریخی و ملموسی، به او جسارت دفاع از منطق معتدل و انسان‌محور اسلام را بخشیده‌اند؛ منطقی که نه تنها زنان را از نقش‌آفرینی‌های کلان اجتماعی محروم نمی‌کند، بلکه در جریان انقلاب اسلامی، جایگاهی برای آنان قائل است که در مواردی حتی بر سهم مردان پیشی می‌گیرد.

۳-۲-۱. حجاب؛ پوشش فطری

پوشش و حجاب یکی از نیازهای اساسی و جدایی‌ناپذیر زندگی انسانی به‌شمار می‌رود؛ ضرورتی که ریشه در آغاز پیدایش بشر دارد و هم‌پای عمر انسان بر زمین، همواره نمادهایی از آن قابل مشاهده بوده است. نشانه‌ای از این حقیقت را می‌توان در داستان آدم و حوا در قرآن کریم مشاهده کرد: «پس آن دو را با فریب از جایگاهشان فرود آورد، و چون از آن درخت چشیدند، زشتی‌هایشان برایشان آشکار شد و شروع به پوشاندن خود با برگ‌های بهشتی کردند» (سوره اعراف / آیه ۲۲؛ سوره طه / آیه

۱۲۱). این رفتار خودجوش آنان، گواهی روشن بر فطری بودن تمایل به پوشش در نهاد انسانی است؛ چراکه در آن مقطع، هنوز هیچ فرمان تشریحی صادر نشده بود؛ اما آدم و حوا، با تکیه بر ندا و حیای درونیشان، شرم کردند و خود را پوشاندند (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۳۷۱).

در ادامه، قرآن کریم به روشنی در آیاتی از سوره نور (آیات ۳۱ و ۶۰) و سوره احزاب (آیات ۳۳، ۵۳، ۵۵ و ۵۹) به مسئله حجاب و پوشش پرداخته و توصیه‌هایی خطاب به زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و نیز بانوان مؤمن بیان داشته است تا از آزارهای احتمالی در امان بمانند. درحقیقت، حجاب نه تنها به عنوان پوششی محافظ تلقی شده بلکه نشانه‌ای از کرامت زن در صحنه اجتماع نیز به شمار می‌رود. چنان‌که با رعایت آن، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بدون اشکال دانسته شده است (قرآنی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۶). عبارت «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (نور / آیه ۳۱) نیز بیانگر همین اصل است، همان‌گونه که مشارکت بانوان در عبادات جمعی مانند نماز جماعت نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّكْعِينَ» (آل عمران / آیه ۴۳). از منظر شهید مطهری، پوشش و حجاب در آموزه‌های اسلامی ضوابط و قواعدی دارد که عبارت‌اند از:

الف) توجه به پوشش

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب / آیه ۵۹).

قرآن کریم زنان مسلمان را به رعایت پوشش و حجاب توصیه می‌کند و از آنان می‌خواهد که در این زمینه بی‌تفاوت، سهل‌انگار یا بی‌اعتنا نباشند. در برخی موارد مشاهده می‌شود که برخی از زنان، هرچند ظاهری پوشیده دارند؛ اما با نوع رفتار یا سبک پوشش خود که اغلب بخش‌هایی از بدن را نمایان می‌سازد، نگاه‌های ناپسند و توجه افراد منحرف را به خود جلب می‌کنند. این نوع ظاهر حتی می‌تواند به الگویی نادرست برای دختران ساده‌دل و بی‌تجربه بدل شود. از این رو در متون روایی اسلامی، بر ضرورت رعایت پوشش کامل و حفظ زیبایی‌هایی که باید پنهان بماند، تأکید فراوان شده است. بر اساس این دیدگاه، زنان نباید با پوشیدن لباس‌هایی تنگ، بدن‌نما یا محرک در پی جلب توجه دیگران باشند. همچنین در منابع اسلامی از شبیه‌سازی ظاهر زنان به مردان - به‌ویژه در نوع پوشش - به‌صراحت نهی شده است. بنابراین، صرف پوشیدن لباس کافی نیست بلکه نوع و شیوه پوشش نیز از اهمیت



بالایی برخوردار است. جرجی زیدان در این زمینه می‌نویسد: اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن باشد، باید گفت که این شیوه پیش از ظهور اسلام و حتی قبل از ظهور مسیحیت نیز وجود داشته و آیین مسیحیت نیز در آن تغییری ایجاد نکرد. این سنت تا قرون وسطی در اروپا رایج بود و هنوز هم می‌توان نشانه‌هایی از آن را در جوامع اروپایی مشاهده کرد (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۲۲۳).

ب) پرهیز از تبرج

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب / آیه ۳۳).

مفسران قرآن، واژه «تبرج» را به معنای آشکار ساختن زینت‌ها، آرایش‌های ظاهری و نمایش جلوه‌های بدنی زن تفسیر کرده‌اند. در آیه‌ای از قرآن، خداوند متعال هشدار می‌دهد که زنان نباید همانند زنان در دوره جاهلیت نخستین، با خودآرایی و جلوه‌گری از خانه خارج شوند.

این گرایش طبیعی به خودنمایی و آراستگی در زنان، اگر در چهارچوب خانواده و در راستای تقویت پیوند همسری هدایت شود، می‌تواند عاملی برای تحکیم روابط زناشویی و پیشگیری از تمایل مردان به روابط خارج از چهارچوب باشد؛ اما در صورتی که این میل به‌درستی مدیریت نشود و از حدود معقول خود خارج گردد، ممکن است به رفتاری اجتماعی خطرآفرین بدل شود که هم زن و هم دیگران را دچار آسیب و انحراف می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۲۲۳).

۳-۲-۲. حجاب هویت والای انسانی زن

اسلام برای زن جایگاهی متعالی و هویتی اصیل و انسانی قائل است. زن در نگاه اسلامی، خلیفه خداوند بر زمین، موجودی دارای اختیار، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از توانمندی‌هایی در مسیر رشد، کمال و بهره‌مندی از حقوق انسانی است. بر همین اساس، خداوند متعال وظایف و مسئولیت‌هایی را که با سرشت و فطرت زنان هماهنگ است، برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و نیز تقرب الهی، تعیین کرده و مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی را برای سامان‌دهی حیات فردی و اجتماعی او مقرر داشته است (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۲۲۵).

در این چهارچوب، عفاف به‌عنوان یک ارزش بنیادین اخلاقی، نقشی محوری در تنظیم روابط زن و مرد ایفا می‌کند. این مفهوم، ابعادی گسترده دارد و در واقع، نماد نگرش عمیق دینی به کرامت زن است. خداوند در نظام اخلاقی مبتنی بر عفاف، از زن می‌خواهد که به‌عنوان یک انسان آگاه، ارزش وجودی خویش را بشناسد، درک

صحیحی از هویت خود به دست آورد و خود را در معرض بهره‌کشی نگاه‌های ناپاک قرار ندهد (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۲۲۵).

زمانی که زن به شناختی واقعی و عمیق نسبت به خود و انتظاراتی که جامعه، خانواده و دین از او دارند، دست یابد، می‌تواند هویت زنانه‌ای کامل، متعادل و موفق برای خود بسازد. در چنین شرایطی، زن درمی‌یابد که این انتظارات و مسئولیت‌ها نه تحمیل بلکه هم‌راستا با طبیعت و فطرت او هستند. در نتیجه، با احساس رضایت درونی، توانایی ایفای نقشی سازنده در خانواده و جامعه را به دست می‌آورد و از زن بودن خود احساس ارزشمندی و افتخار می‌کنند.

زن مسلمان، انسانی معرفی می‌شود که از خودش شناخت داشته، با شناخت مناسب از محیط، رفتاری متین و مناسب شأن و منزلت عظیم خویش بروز می‌دهد و در سایه استفاده صحیح منطقی و چهارچوب عقلانی از اصول و مهارت‌های رفتاری، بتواند ظرفیت آن نقش‌ها را ایفا کند. اگر باور و شناخت زنان نسبت به هویت واقعی انسانی آنان تقویت شود، ایجاد فضای مناسب برای گسترش شکوفایی آنان می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۴۵۲).

۳-۲-۳. کارکردهای حجاب

در نهایت کارکردهای حجاب از منظر شهید مطهری به صورت زیر بیان شده است (مطهری، ۱۴۰۳):

- ✓ صیانت زن و حفظ حرمت او: شهید مطهری حجاب را وسیله‌ای برای حفظ کرامت و حرمت زن می‌داند. به اعتقاد او، زن باید در روابط اجتماعی‌اش بر پایه شخصیت انسانی خود ارزش پیدا کند، نه بر اساس جاذبه‌های جنسی.
- ✓ کنترل غریزه جنسی و تنظیم روابط اجتماعی: از دیدگاه وی، حجاب ابزاری است برای کنترل و هدایت غریزه جنسی و ایجاد نظم در روابط زن و مرد، به گونه‌ای که روابط بر اساس اصول اخلاقی و انسانی شکل بگیرد، نه تحریکات شهوانی.
- ✓ استحکام بنیان خانواده: حجاب نقش مهمی در جلوگیری از تزلزل خانواده دارد. بی‌حجابی و خودنمایی زن در جامعه، رقابت‌های ناسالم میان زنان را ایجاد کرده و باعث تضعیف روابط زناشویی می‌شود.
- ✓ حفظ عفاف عمومی: حجاب صرفاً محدود به زنان نیست بلکه وسیله‌ای برای تحقق عفاف اجتماعی در میان هر دو جنس است. پوشش زن، نگاه مرد و رفتار متقابل همه در این عفاف عمومی نقش دارند.



- ✓ جهت‌دهی نگاه جامعه به شخصیت زن: با پوشیده بودن ظاهر و زینت‌های زن، جامعه ناگزیر می‌شود شخصیت زن را از طریق فضایل معنوی، فکری و اخلاقی او بشناسد، نه بر اساس زیبایی‌های ظاهری.
- ✓ جلوگیری از شیء‌انگاری زن: مطهری هشدار می‌دهد که جوامع غربی زن را به ابزار تبلیغاتی و کالا تبدیل کرده‌اند. حجاب یکی از ابزارهایی است که زن را از این نگاه ابزاری دور نگه می‌دارد و به او شأن انسانی می‌دهد.

۳-۴. جمع‌بندی مبانی نظری

در مجموع، حجاب پدیده‌ای چندبعدی است که از منظر دینی، فرهنگی، تاریخی و روان‌شناختی قابل بررسی است و به‌عنوان نمادی از کرامت، عفاف و هویت والای انسانی زن در متون اسلامی و سایر فرهنگ‌ها مطرح شده است. تعاریف متنوعی که در ادبیات دینی و جامعه‌شناختی از حجاب ارائه شده، نشان‌دهنده پیچیدگی و عمق این مفهوم است که فراتر از پوشش ظاهری، به حفظ ارزش‌ها، امنیت و سلامت اجتماعی نیز می‌پردازد. توجه به نقش تاریخی و اجتماعی زنان در اسلام، به‌ویژه نظریات استاد شهید مطهری، تأکیدی است بر حضور فعال، متعادل و با رعایت اصول حجاب، که همواره موجبات حفظ کرامت، سلامت فردی و استحکام خانواده را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، حجاب نه‌تنها یک حکم شرعی بلکه بخشی از هویت انسانی و فرهنگی زن مسلمان است که باید در سیاست‌های فرهنگی دانشگاهی با دقت و تأمل ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

در بستر دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای فرهنگی و آموزش عالی، اهمیت سیاست‌گذاری فرهنگی در جهت بازتولید و نهادینه‌سازی ارزش‌های حجاب بیش‌ازپیش نمود پیدا می‌کند. دانشگاه‌ها علاوه بر رسالت علمی، نقش مهمی در انتقال و تعمیق هویت اسلامی - ایرانی و شکل‌دهی به فرهنگ دینی نسل جوان دارند. با توجه به تحولات ساختاری و چالش‌های نوین آموزش عالی، سیاست‌گذاری فرهنگی منسجم و بومی در دانشگاه‌ها ضروری است تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی و ارزشی جامعه باشد و زمینه‌ساز ارتقای هویت و رفتار دینی دانشجویان گردد.

دانشگاه در ایران مهم‌ترین مرجع تربیت نیروی کارشناس، نخبه و راهبر است که در تمام عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، صاحب تصمیم‌گیری و پیشران جامعه در مسیر زمان است. جامعه‌پذیری دانشگاهی، درونی‌شدن و هم‌نوایی با اصول فرهنگ اسلامی در مواجهه با روند توده‌ای شدن آموزش عالی در کشور که

در سالیان اخیر موضوعیت یافته و گسترش پیدا کرده است، اهمیت و توجه وافر را می‌طلبد. افزایش تعداد دانشگاه‌ها، افزایش کمی تعداد دانشجویان، افزایش میزان دسترسی زنان به آموزش عالی، تأسیس رشته‌های جدید، افزایش تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از جمله شواهد توده‌ای شدن آموزش عالی برشمرده شده است (همتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹). در چنین شرایطی آموزش عالی ایران با گسترش کمی پرشتاب آن در پاسخ به تقاضاهای فزاینده اجتماعی، با پرسش کیفیت روبه‌رو شده است (فراستخواه، ۱۳۸۵، ص. ۱۴). چراکه خروجی این دانشگاه‌ها باید در پله نخست نماد انسان متعالی دینی و علمی باشد. از این رو یافتن راهکارهایی مناسب و قابل اجرا برای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف و نیز جامعه‌پذیری هنجارهای پوشش مطابق فرهنگ اسلامی ایرانی یکی از وظایفی است که بر عهده دانشگاه است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

درک عمیق از یک پدیده اجتماعی، به‌ویژه در حوزه‌های ارزشی و فرهنگی مانند حجاب، نیازمند استفاده از رویکردهایی است که بتوانند ابعاد معنایی و زمینه‌ای آن را بررسی کنند. با توجه به نو بودن موضوع پژوهش و نبود چهارچوب‌های عملیاتی مشابه در پیشینه، این مطالعه با رویکرد اکتشافی و روش کیفی انجام شد تا امکان فهم زمینه‌ای مسئله و استخراج راهکارهای مبتنی بر واقعیت فراهم شود (ایمان، ۱۳۹۰).

در این پژوهش از دو مرحله روش‌شناختی مکمل استفاده شد:

۱- تحلیل محتوای کیفی سخنان رهبر انقلاب

در گام نخست، به‌منظور استخراج مبانی نظری و ارزشی مرتبط با مسئله حجاب و پوشش در دانشگاه‌ها، مجموعه‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بازه زمانی آغاز زعامت ایشان تا پایان سال ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت. این بیانات از طریق منابع رسمی مانند پایگاه KHAMENEI.IR گردآوری شده و در قالب فایل‌های مکتوب مورد تحلیل قرار گرفتند.

در این مرحله از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شد. تمرکز اصلی بر شناسایی و استخراج مفاهیم کلیدی همچون «حجاب»، «عفاف»، «دانشگاه»، «نقش فرهنگ» و... بود. در مجموع بیش از ۵۰۰ فیش از بیانات استخراج شد. مفاهیم شناسایی شده سپس دسته‌بندی (کدگذاری) و در قالب مقولات اصلی سازمان‌دهی شدند. در این تحلیل تمرکز بر محتوای آشکار و صریح متون بود و استخراج مضامین پنهان و تفسیرهای عمیق صورت نگرفت.

۲- گردآوری دیدگاه‌های کارشناسان از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته

در مرحله دوم، مقولات و مفاهیم استخراج‌شده از بیانات رهبری در اختیار ۲۳ نفر از اساتید دانشگاهی قرار گرفت که دارای تخصص در حوزه‌های مرتبط با فرهنگ و حجاب بوده، مقالات پژوهشی در این زمینه منتشر کرده و حداقل پنج سال سابقه تدریس دانشگاهی داشتند. اساتید از طریق جست‌وجو در سامانه‌های نمایه‌سازی علمی شناسایی و انتخاب شدند (روش نمونه‌گیری هدفمند).

برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. از اساتید خواسته شد در دو بخش پاسخ دهند:

۱- اعتبارسنجی مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از سخنان رهبری؛

۲- ارائه راهکارهای عملیاتی برای ترویج حجاب در دانشگاه‌ها بر اساس این مفاهیم و تجربیات خود.

مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. پس از اشباع، برای کنترل و تأیید نهایی داده‌ها، مصاحبه با ۵ نفر از اساتید دیگر انجام شد که به دلیل تکراری شدن مباحث، ادامه نیافت. در نهایت تمامی مصاحبه‌ها پیاده‌سازی، دسته‌بندی و به مشارکت‌کنندگان بازخورد داده شد.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متخصصان

سن	۴۰-۵۰: ۵ ۵۱-۶۰: ۱۱ ۶۱-۷۰: ۷
وضعیت تأهل	متأهل: ۱۸ نفر مجرد: ۵ نفر
استان محل تدریس و فعالیت	تهران: ۸ نفر قم: ۷ نفر مشهد: ۳ نفر اصفهان: ۳ نفر شیراز: ۲ نفر
رتبه علمی	استادیار: ۲ نفر دانشیار: ۱۷ نفر استاد: ۴ نفر

از اساتید خواسته شد ابتدا اعتبار مقولات و رویکردهای کلی متناسب با مسئله دانشگاه را بررسی کرده و سپس متنظر با این مقولات کلان و مهم و شناخت آنها از فضای دانشجویان و دانشگاه‌ها، راهکارهای ترویج حجاب و پوشش مناسب را ارائه دهند. پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، سخنان پیاده‌سازی و دسته‌بندی و مجدداً نتیجه به اساتید ارائه شد و پس از اصلاح و تأیید نهایی در بخش یافته‌ها ارائه می‌شود.

تلفیق دو روش تحلیل محتوای کیفی (برای استخراج مبانی نظری) و مصاحبه تخصصی (برای تولید راهکارهای اجرایی)، تلاشی در جهت حرکت از سیاست‌های کلان فرهنگی جمهوری اسلامی به سوی طراحی اقدامات عملیاتی در دانشگاه‌ها بوده است. این مسیر مبتنی بر توصیه‌های مکرر مقام رهبری در خصوص پیوند نظریه‌های دینی با سازوکارهای اجرایی است.

۵. یافته‌های پژوهش

استخراج مفاهیم کلی از سخنان رهبر انقلاب توسط پژوهشگران انجام و به اساتید ارائه شد. زیرمقولات، مقولات اصلی و رویکرد کلی به شرح زیر است:

جدول (۲): مقولات فرعی، اصلی و رویکرد عمومی استخراج شده از تحلیل محتوای سخنان رهبر انقلاب

رویکرد کلی	مقولات	زیر مقولات
فرهنگی / روانی	تقویت هویت زن مسلمان	باورهای دینی و مذهبی؛ ارزش‌های فرهنگی اسلام؛ نقش زن در خانواده و جامعه؛ خودآگاهی دینی و فرهنگی؛ تعهد به حجاب
فرهنگی / روانی	تقویت عزت نفس زنان محجبه	تصویر مثبت از خود؛ مقابله با تبعیض و قضاوت‌های منفی؛ حمایت اجتماعی و خانوادگی؛ قدرت تصمیم‌گیری و استقلال فردی
فرهنگی / روانی	ایجاد زمینه فعالیت‌های تک‌جنسیتی	نیازهای خاص جنسیتی؛ فضای امن و راحت؛ فرصت‌های برابر برای رشد؛ پرهیز از اختلاط نامناسب
فرهنگی / روانی	عرضه الگوی زن مسلمان	نمونه‌های موفق؛ ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری؛ تأثیر الگو بر انگیزه و باورهای فردی



رویکرد کلی	مقولات	زیر مقولات
فرهنگی / روانی	مطالعه حقیقت زن غربی و ابعاد بی‌حجابی	نگرش‌ها و ارزش‌های غربی؛ عوامل فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای؛ پیامدهای فردی و اجتماعی بی‌حجابی
فرهنگی / روانی	معرفی زنان فعال مسلمان	نقش زنان در تحولات اجتماعی و علمی؛ فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی؛ اثرگذاری در جامعه دانشگاهی و فراتر
فرهنگی / روانی	تکریم زنان محجبه دانشگاه	ارزش‌گذاری و احترام اجتماعی؛ ارتقای جایگاه فردی و جمعی؛ حمایت از فعالیت‌ها و موفقیت‌ها
فرهنگی / روانی	ایجاد زمینه حفظ پوشش مناسب برای تمام دانشجویان	تعریف پوشش مناسب؛ تدوین و اجرای سیاست‌های پوششی؛ فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی
فرهنگی / روانی	رفع شبهات دینی	شناخت سؤالات و ابهامات؛ ارائه پاسخ‌های مستدل؛ بهره‌گیری از کارشناسان دینی
فرهنگی / روانی	معرفی سبک زندگی اسلامی	باورها و ارزش‌های محوری؛ ترویج الگوهای رفتاری منطبق با حجاب؛ ارتباط سبک زندگی با حجاب
فرهنگی / روانی	ایجاد زمینه برای معرفی پوشش زیبا و منطبق بر اسلام	تعریف زیبایی در پوشش اسلامی؛ معرفی تنوع پوشش اسلامی؛ تطبیق پوشش با فرهنگ و نیازهای دانشجویان
آموزشی / انضباطی	استفاده از اساتید مؤمن و معتقد	جذب اساتید پایبند به ارزش‌های دینی؛ توانایی انتقال مفاهیم فرهنگی و دینی؛ ایجاد فضای فرهنگی متعهد
آموزشی / انضباطی	برخورد با هنجارشکنی در دانشگاه‌ها	شناسایی هنجارشکنی فرهنگی و پوششی؛ تحلیل علل هنجارشکنی؛ تدوین و اجرای روش‌های مقابله
آموزشی / انضباطی	برخورد با اساتید مخالف ارزش‌های دینی	تشخیص رفتارهای مخالف ارزش‌ها؛ اصلاح نگرش و رفتار اساتید؛ تدوین سیاست‌های انضباطی

رویکرد کلی	مقولات	زیر مقولات
آموزشی / انضباطی	پرهیز از اختلاط غیرضروری	تعیین مرزهای روابط جنسیتی؛ اهمیت فضای تفکیک جنسیتی؛ جلوگیری از برخوردهای نامناسب
آموزشی / انضباطی	اهمیت دروس آموزشی در تقویت هویت دینی	طراحی محتوای دروس مرتبط؛ به کارگیری روش‌های آموزشی مؤثر؛ ارزیابی تأثیر دروس
آموزشی / انضباطی	افزایش فعالیت‌های فوق برنامه دینی	تنوع فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی؛ تشویق مشارکت دانشجویان؛ اثرگذاری مثبت فعالیت‌ها

با توجه به تأیید تقسیم‌بندی مقولات در چهار بخش کلی فرهنگی، آموزشی، روانی و انضباطی، راهکارهای بهبود پوشش و ترویج حجاب در دانشگاه‌ها بنا به اولویت مدنظر اساتید به شرح زیر به دست آمد:

۵-۱. راهکارهای حوزه فرهنگی و روانی

رویکرد مقولات استخراج شده در حوزه فرهنگی و روانی، تقویت هویت دینی، ترویج سبک زندگی اسلامی، حفظ کرامت زن مسلمان، ایجاد فضای حضور اجتماعی زنان محجبه، تکریم بانوان محجبه، ایجاد زمینه‌های اجتماعی برای حفظ حجاب، نشان دادن الگوی زن مسلمان به جهان، ایجاد زمینه حفظ حیا و عفاف در حضور اجتماعی زنان، زمینه‌سازی حجاب در راستای امنیت اجتماعی و حفظ جایگاه زنان در قالب حفظ حجاب است. در این بخش راهکارهایی مدنظر است که قابلیت فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و افزایش توانمندی روانی دانشجویان را در جهت این موارد مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- برگزاری رویدادهای طراحی مد حجاب در دانشگاه‌ها به صورت دوره‌ای و مستمر در راستای به‌کارگیری خلاقیت‌های دانشجویان؛
- ۲- برگزاری نمایشگاه‌های ملزومات حجاب در دانشگاه‌ها به منظور افزایش دسترسی به پوشاک محجوب با قیمت مناسب به صورت مستمر؛
- ۳- همکاری مستمر با تولیدکنندگان ملزومات حجاب به منظور تبدیل دانشگاه به بازار هدف؛
- ۴- ایجاد زمینه خرید اقساطی یا همراه با تخفیف ملزومات حجاب؛

۵- ایجاد زمینه آشنایی با پوشش‌های اسلامی سایر کشورها.

دانشگاه به‌عنوان جامعه‌ای کوچک، بسیاری از نیازهای فرهنگی دانشجویان، کارکنان و اساتید را دریافت و تا حد امکان پاسخ می‌دهد. بالاخص آنکه نقش فرهنگی دانشگاه به‌عنوان مرکز توأمان علم و فرهنگ، رویکرد انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب به این نهاد انسان‌ساز است. درگیری‌سازی دانشجویان با مسئله مد حجاب اعم از ارائه پیشنهادات و شرکت در جشنواره‌ها تا ایجاد دسترسی برای تهیه پوشاک مناسب مهم‌ترین روش ترویج حجاب و پوشش مناسب برای دانشجویان خواهد بود، بالاخص اگر این پوشاک با قیمت مناسب یا تدبیری برای خرید اقساطی همراه باشد. در حال حاضر یکی از مشکلات عمده بانوان در جامعه، تهیه پوشاک عقیف و مناسب است و نیز پوشش مشخصی برای دانشگاه‌ها وجود ندارد و مشکل نبود لباس مناسب به دانشگاه نیز تسری می‌یابد. استمرار درگیری دانشجویان با مد حجاب عملاً منجر به ایجاد علاقه‌مندی و اشتیاق به استفاده از پوشش‌های به نمایش درآمده خواهد شد و از سویی فضایی پویا در سطح دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود. باید توجه کرد که فعل حضور تولیدکنندگان ملزومات حجاب در دانشگاه، تکریم مسئله حجاب و پوشش اسلامی است که آثار فرهنگی به‌دنبال خواهد داشت.

۱- ایجاد و استمرار سفرهایی با هدف تعمیق فرهنگ دینی به‌گونه‌ای که تمام

دانشجویان در طول سال تحصیلی بتوانند در این برنامه‌ها شرکت کنند؛

۲- بزرگداشت شعائر دینی از طریق تقویت هیئت‌های دانشجویی و فعالیت تشکل

های دانشجویی؛

۳- برگزاری جشنواره‌های فرهنگی به‌منظور تولید محتوای فرهنگی و دینی

به‌گونه‌ای که تمام دانشجویان بتوانند در این جشنواره‌ها شرکت و از امتیازات آن

بهره‌مند شوند.

یکی از مهم‌ترین مسیرها در بهبود پوشش و ترویج حجاب اسلامی، ارتقا فضای

معنوی دانشگاه و ترویج سبک زندگی اسلامی در تمامی ابعاد آن است. برنامه‌ریزی

برای حفظ این فضا، تأثیر قابل توجهی بر تعمیق هویت دینی دانشجویان خواهد

داشت که منجر به بهبود حفظ شعائر دینی و حجاب می‌شود. مسئله مهم، شیوه

برنامه‌ریزی در این خصوص به‌گونه‌ای است که عمده دانشجویان متناسب با شرایط

خود بتوانند از این برنامه‌ها استفاده کنند. متأسفانه تک‌زمانه بودن سفر راهیان نور،

اردوهای جهادی و نیز کمبود کاروان‌های دانشجویی برای زیارت‌های دوره‌ای و پیاده

روی اربعین، موجب شده تا بسیاری از دانشجویان از تجربه فضای معنوی باز بمانند.

درحالی که تجربه نشان می‌دهد مؤثرترین مسیر برای ایجاد علاقه‌مندی دانشجویان به مسئله دین، تجربه‌های دینی در فضای جمعی است که می‌تواند همراهی افراد را به دنبال داشته باشد. درواقع شکل‌گیری هویت دینی در چنین مناسباتی به دلیل همراهی هویت اجتماعی و هیجان جمعی، تسریع و تقویت می‌گردد.

۱- ایجاد فضای تفریحی یا سرگرمی تک‌جنسیتی در دانشگاه‌ها (کافه، زمین بازی و فضای ورزشی، محل مطالعه یا استراحت و...);

۲- ارائه تخفیف استفاده از خدمات ویژه دانشگاه‌ها مانند باشگاه ورزشی، استخر و... برای دانشجویان محجبه.

جلوگیری از اختلاط غیرضروری و تشویق دانشجویان به استفاده از فضاهای تک‌جنسیتی تفریحی، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای ایجاد علاقه‌مندی به بهبود پوشش در سطح دانشگاه‌ها است، چراکه بخش قابل توجهی از بدپوشی در دانشگاه به منظور تبرج و جذب جنس مخالف اتفاق می‌افتد و از سویی نبود فضاهای تک‌جنسیتی موجب می‌شود تا افراد در سطح عمومی دانشگاه رفتارهایی مانند غذا خوردن در زمین چمن را تکرار کنند که عملاً از دست رفتن پوشش مناسب نتیجه آن خواهد بود. در وجه دیگر، ایجاد مشوق‌ها برای دانشجویان محجبه سبب خواهد شد تا قشر خاکستری دانشگاه که معمولاً بدون تعمد در پوشش خود سهل‌انگار هستند، به سمت حفظ حجاب و استفاده از خدمات جذب شود. این روش کمک می‌کند تا دانشجویان محجبه در دانشگاه تکریم شوند و همچنین دختران دانشجو به دلیل توجه ویژه دانشگاه به آنها و ایجاد فضاهای مناسب، حس کرامت ناشی از رویکرد اسلامی را درک خواهند کرد.

۵-۲. راهکارهای حوزه آموزشی و انضباطی

رویکرد مقولات استخراج شده در این حوزه شامل تربیت نیروی متخصص و متعهد، آموزش مفاهیم دینی، آموزش سبک زندگی اسلامی، پاسخ به شبهات، استفاده از دروس ارتقا‌دهنده بینش دینی، استفاده از اساتید مؤمن و متعهد، آشنایی با اندیشمندان مسلمان و پیشرفت‌های علمی در کشورهای اسلامی، برخورد با هنجارشکنی، پرهیز از اختلاط غیرضروری و حمایت از بانوان محجبه در عرصه‌های علمی است. در این بخش راهکارهایی مدنظر است که وظایف دانشگاه در حیطه آموزشی و انضباطی را به کار می‌گیرد تا علاوه بر توجه به هویت اسلامی و آگاهی بخشی، با هنجارشکنی مقابله نماید:



- ۱- افزایش همکاری با دانشگاه‌های کشورهای اسلامی؛
 - ۲- ایجاد زمینه همکاری با دانشجویان مسلمان سایر کشورها؛
 - ۳- ایجاد بستر حضور دانشجویان مسلمان سایر کشورها در رویدادهای علمی داخلی؛
 - ۴- ایجاد بستر حضور فعال دانشجویان محجبه در رویدادهای علمی سایر کشورها؛
 - ۵- آشنایی با اندیشمندان مسلمان معاصر بالاخص زنان مسلمان.
- این موارد منجر به تقویت هویت دینی، تکریم دانشجویان مسلمان، ایجاد زمینه افتخار به زیستن در فضای جامعه اسلامی، تقویت حس امت و همبستگی با سایر مسلمانان و ملل مسلمان می‌گردد. آنچه در دنیای امروز و حضور رسانه‌ها و هجمه علیه اسلام و تأکید بر سکولار بودن علم می‌تواند دانشجویان را به سمت مشی دینی هدایت کند، ایجاد زمینه حس افتخار و غرور در آنها به‌عنوان مسلمان است. در حال حاضر برخی از کشورها مانند مالزی و اندونزی چنین شرایطی را پیرامون مسئله پوشش و کسب مدارج علمی ایجاد کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بسیاری از زنان تحصیل کرده در این دو کشور، پوشش اسلامی را به‌عنوان عامل نشان‌دادن مذهب و حفظ تفاخر انتخاب می‌کنند. در سایه همکاری‌های کشورهای اسلامی، چنانچه دانشجویان بتوانند به سهولت با دانشگاه‌ها و دانشجویان این کشورها ارتباط مناسب برقرار کنند، حس ضعف در مقابل مراکز علمی غربی کاهش خواهد یافت و از این‌رو، هرچه حس کرامت اسلامی تقویت شود، علاقه دانشجویان به حفظ شعائر دینی و نمایش دین، یعنی حفظ حجاب به‌عنوان دستور و نماد اسلامی، تقویت خواهد شد.
- ۱- ایجاد رویکرد تبیینی به حوزه‌های مختلف دینی در کتب دانشگاهی و مفاد درسی، بالاخص دروس اختصاصی؛
 - ۲- تولید منابع درسی مرتبط با سبک زندگی دینی و عفاف و حجاب با استفاده از تحقیقات خارجی؛
 - ۳- افزودن مقایسه‌های منطقی و عقلانی سبک زندگی دینی و غیردینی در کتب مختلف درسی دانشگاهی.
- این موارد به دلیل اهمیت دروسی که دانشجویان از دوران کارشناسی تا دکتری مطالعه می‌کنند، اهمیت فراوانی دارد. بالاخص آنکه عمده منابع درسی، ترجمه یا تألیف برگرفته از علوم غربی است و در نتیجه ترویج سبک زندگی غربی خطوط نانوشته آنهاست؛ بنابراین پرداختن به منابع علمی دین در غالب منابع درسی امری ضروری است. نکته جالب این است که پیرامون موضوعات دینی مانند حجاب و

موضوعات پیرامونی آن، در کشورهای اسلامی بیش از ایران پژوهش‌های علمی انجام شده و لازم است تا این موارد به اطلاع دانشجویان برسد. طبیعتاً آشنایی با چنین منابعی رویکرد منفی نسبت به دین را در فضای دانشگاه تغییر خواهد داد.

۱- ارتقا نگرش اساتید، دانشجویان و کارکنان به سبک زندگی اسلامی از طریق محوطه‌سازی در دانشگاه‌ها؛

۲- برخورد با اساتید تبلیغ‌کننده علیه سبک زندگی اسلامی و مروج اباهی‌گری غربی؛

۳- برگزاری آموزش‌های دوره‌ای در راستای تبیین سبک زندگی اسلامی ویژه اساتید در راستای تأثیرگذاری بر فرایند ارتقا اساتید.

مسئله استفاده از اساتید مؤمن و متدین، امری است که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند. علاوه بر آنچه استاد در غالب دروس دانشگاهی تدریس می‌کند، رفتار، کردار و سخنان وی در دانشجویان اثری عمیق دارد که می‌تواند منجر به تضعیف یا تقویت نگرش دانشجویان به دین شود. علاوه بر جذب اساتید مؤمن، یکی از مهم‌ترین راهکارها، برخورد با اساتید مروج سبک زندگی غربی است که در حال حاضر، عمده تغییرات فکری دانشجویان را عامل شده است:

۱- اطلاع‌رسانی کافی و جامع پیرامون آیین‌نامه‌های پوشش در دانشگاه‌ها؛

۲- شناسایی دانشجویان آسیب‌زا و معرفی برای دریافت خدمات مشاوره‌ای؛

۳- استفاده از آموزش‌های اجباری و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی ویژه دانشجویان هنجارشکن به‌جای استفاده از تعلیق یا اخراج.

در حیطه انضباطی، بخشی از وظیفه دانشگاه، مراقبت از هنجارشکنی در حیطه مسایل دینی و اخلاقی است. برخورد سلبی مدنظر نمی‌تواند در بلندمدت نتایج کافی به‌دنبال داشته باشد بلکه لازم است در مواجهه به دانشجویان آسیب‌زا یا هنجارشکن، روش‌هایی در پیش گرفته شود که منجر به کاهش آسیب و آموزش شده و حسن خلق اسلامی آنها را از تکرار اشتباه باز دارد:

۱- حمایت از پژوهش‌های تبیینی و مروج سبک زندگی اسلامی اعم از اساتید و دانشجویان؛

۲- برگزاری همایش‌های علمی با رویکرد تبیینی ابعاد سبک زندگی اسلامی؛

۳- برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی یا نشست‌های مشترک دانشجویان با مسئولان و دستگاه‌های مختلف مرتبط با قوای سه‌گانه به‌منظور درگیری با مسائل فرهنگی کشور؛



- ۴- برگزاری جلسات مستمر تبیینی و همکاری علمی با حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها به گونه‌ای که تمام دانشجویان بتوانند وارد جلسات پرسش و پاسخ شده یا همکاری مشترک علمی با مراکز مختلف حوزوی را تجربه نمایند؛
- ۵- اثربخشی وضعیت پوشش در انتخاب دانشجوی نمونه یا اساتید نمونه؛
- ۶- تقدیر و برجسته‌سازی دانشجویان محجبه موفق و ایجاد حمایت برای فعالیت‌های علمی و شغلی.

رویکردهای حمایتی در عرصه علمی دانشگاه از شکل‌گیری گفتگوهای دینی و مروج مفاهیم اسلامی تا تأثیر حجاب در انتخاب دانشجو یا اساتید نمونه، نقش مؤثری در جلب نظر اهالی دانشگاه به سوی فعالیت در فهم و تبیین دین دارد. این مهم باعث می‌شود که شبهات مختلف پاسخ داده شده، مسائل دینی به شکلی عقلانی تبیین گردد و ملکه ذهنی افراد شود. در این مسیر، افراد به دلیل درگیری همراه با علاقه در مسائل دینی، به سمت رعایت دستورات دینی مانند حجاب تمایل جدی پیدا می‌کنند. درواقع رعایت دستورات، تبدیل به شأن دانشگاهی می‌گردد که به دلیل تعمیق هویتی، پس از دانشگاه نیز باقی خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی و استفاده از نظرهای اساتید دانشگاهی، چهارچوبی جامع برای ارتقاء وضعیت حجاب در دانشگاه‌ها فراهم کرده است که در دو حوزه فرهنگی - روانی و آموزشی - انضباطی راهکارهایی عملیاتی ارائه می‌دهد. این رویکرد، نسبت به بسیاری از پژوهش‌های قبلی که غالباً به بررسی سطحی یا بخشی از موضوع حجاب اکتفا کرده‌اند، جامع‌تر و کاربست‌پذیرتر است.

تأکید بر اهمیت «نهاده‌سازی هویت دینی» در دانشگاه و ترویج سبک زندگی اسلامی، به‌ویژه از طریق ارتقاء حجاب و پوشش، با یافته‌های پژوهش مستقیمی و مرتضوی (۱۴۰۳) هماهنگ است که اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب را بر پایه تبیین اقماعی، نهاده‌سازی تدریجی، الگوسازی مؤثر و جلب مشارکت فعال بیان کرده‌اند. هر دو پژوهش نگاه عمیق و راهبردی به تبلیغ حجاب داشته و نقش فرهنگی - روانی را برجسته کرده‌اند.

ازسوی دیگر، تأکید پژوهش بر تقویت هویت زن مسلمان و عزت نفس، با نتایج موسوی و همکاران (۱۴۰۳) که رابطه مستقیم بین ابعاد عزت نفس و نگرش به حجاب را نشان داده‌اند نیز همخوانی دارد. درواقع، هر دو پژوهش نشان می‌دهند که

تقویت عزت نفس و هویت دینی می‌تواند نقش مهمی در گرایش و رعایت حجاب داشته باشد.

همچنین، مقولات ارائه شده در این پژوهش نظیر «عرضه الگوی زن مسلمان» و «استفاده از اساتید مؤمن و معتقد» با یافته‌های عباسی دره‌بیدی و همکاران (۱۴۰۲) که عوامل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی و نقش رسانه‌ها را در شکل‌گیری دیدگاه دانشجویان نسبت به حجاب برجسته کرده‌اند، مرتبط است. به عبارت دیگر، ایجاد الگوهای قابل اتکا و حمایت اجتماعی و فرهنگی، رویکردی کلان برای ارتقاء حجاب در فضای دانشگاه محسوب می‌شود.

یافته‌ها درباره اهمیت راهکارهای فرهنگی - روانی، گویای این نکته است که نمی‌توان صرفاً به راهکارهای آموزشی یا انضباطی اکتفا کرد؛ این موضوع در مطالعه درویش‌پور و امیری (۱۴۰۰) نیز دیده می‌شود که عوامل روان‌شناختی، اجتماعی - فرهنگی و تربیتی از مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر حجاب دانشجویان بودند. این همسویی نشان می‌دهد که رویکرد جامع و چندبُعدی برای ترویج حجاب در دانشگاه ضروری است.

از منظر رسانه و فضای اجتماعی، پژوهش خوشحویی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که افزایش استفاده از رسانه‌های ارتباطی با کاهش گرایش به حجاب مرتبط است. در یافته‌ها، گرچه اشاره مستقیمی به رسانه نشده، ولی راهکارهایی همچون «مطالعه حقیقت زن غربی» و «رفع شبهات دینی» به نوعی به مقابله با تأثیرات منفی رسانه‌های غربی و شبهات فرهنگی می‌پردازد که می‌تواند مکمل یافته‌های پژوهش‌های پیشین باشد.

در نهایت، یافته‌ها ضمن تأکید بر اهمیت نقش دانشگاه به‌عنوان بستر رشد علمی و دینی، راهکارهای عملیاتی و قابل اجرا ارائه کرده که با توصیه‌های امامی و همکاران (۱۳۹۳) درباره اصلاح ساختار دانشگاه و سالم‌سازی محیط هم‌راستا است و می‌تواند به تحقق «هویت‌بخشی» و «نظام‌مند کردن فرهنگ عفاف و حجاب» در دانشگاه‌ها کمک کند.

تحلیل سخنان رهبر انقلاب در مورد حجاب نشان می‌دهد که نگاه ایشان فراتر از یک الزام ظاهری است بلکه حفظ حجاب نمادی از هویت زن مسلمان، کرامت انسانی و الگویی برای جامعه اسلامی و جهانی است. برای تحقق این اهداف، راهکارهای ارائه شده در پژوهش، دو بخش کلیدی فرهنگی - روانی و آموزشی - انضباطی را شامل می‌شود که به‌طور توأمان باید مورد توجه قرار گیرند.

در حوزه فرهنگی و روانی، ایجاد فضای مثبت و پویا پیرامون حجاب اهمیت

بالایی دارد. فعالیت‌هایی همچون برگزاری رویدادهای طراحی مد حجاب، نمایشگاه‌های تخصصی، همکاری مستمر با تولیدکنندگان پوشاک اسلامی و فراهم آوردن امکان خرید اقساطی، می‌تواند مانع یکی از مشکلات اصلی یعنی دشواری دسترسی به پوشاک مناسب و باکیفیت شود. همچنین تقویت هویت زن مسلمان و حفظ کرامت ایشان با ایجاد فضای اجتماعی امن و احترام‌آمیز، تکریم بانوان محجبه و فراهم آوردن فضاهای تفریحی تک‌جنسیتی و تخفیف خدمات ویژه، باعث افزایش انگیزه و تعلق خاطر دانشجویان به حجاب می‌شود.

برنامه‌های معنوی و فرهنگی مانند سفرهای زیارتی متنوع و قابل دسترس، تقویت هیئت‌های دانشجویی و تشکل‌های فرهنگی دینی، و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، زمینه تعمیق هویت دینی را فراهم می‌کند. این تجارب جمعی و معنوی با ترکیب هیجان اجتماعی، منجر به تثبیت جایگاه دین در زندگی روزمره دانشجویان خواهد شد.

در حوزه آموزشی و انضباطی، افزایش همکاری‌های علمی و فرهنگی با دانشگاه‌ها و دانشجویان مسلمان کشورهای دیگر، آشنایی با اندیشمندان مسلمان و ارتقاء نگرش علمی و دینی نسبت به اسلام و حجاب، می‌تواند روحیه افتخار به هویت اسلامی را در دانشجویان تقویت کند. این امر باعث می‌شود دانشجویان حس تعلق و غرور به هویت دینی خود را افزایش داده و در مقابل هجمه‌های فرهنگی غرب مقاوم‌تر شوند.

ایجاد رویکرد تبیینی در منابع درسی و افزودن محتوای مرتبط با سبک زندگی دینی و عفاف در کتب دانشگاهی، مقابله علمی با سبک زندگی غیردینی و تقویت جایگاه اساتید مؤمن و معتقد، از دیگر راهکارهای اساسی است که نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش دانشجویان دارند. برخورد منطقی و آموزشی با هنجارشکنی‌های پوششی به جای برخورد صرفاً سلبی، زمینه اصلاح و آموزش به دانشجویان آسیب‌زا را فراهم می‌کند. علاوه بر این، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی و علمی پیرامون سبک زندگی اسلامی، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، نشست‌های مشترک با مسئولان و همکاری‌های علمی با حوزه‌های علمیه، به‌عنوان راهکارهایی برای تعمیق دانش دینی و کاهش شبهات عمل می‌کنند. ارج نهادن به دانشجویان و اساتید محجبه با تقدیر و حمایت، باعث ارتقای جایگاه حجاب و بهبود فضای دانشگاهی خواهد شد. این مجموعه اقدامات، دانشگاه را به یک فضای نمونه و پیشرو در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی و حفظ شعائر دینی تبدیل خواهد کرد و نقش مؤثری در تحویل نیروی انسانی متعهد و متخصص به جامعه رو به رشد ایران ایفا خواهد نمود.

پیشنهادها

با توجه به چالش‌های روزافزون در حوزه رعایت پوشش اسلامی در محیط‌های دانشگاهی، تبیین و اجرای راهکارهای مؤثر و متناسب با فضای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی دانشگاه‌ها، ضرورتی انکارناپذیر در مسیر نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف به‌شمار می‌آید. گفتمان رهبر معظم انقلاب نیز بر تقویت رویکرد اقناعی، تبیینی و فرهنگی در مواجهه با این مسئله تأکید دارد و دانشگاه را به‌عنوان اصلی‌ترین بستر شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان معرفی می‌کند. از این‌رو، یافته‌های این پژوهش با دسته‌بندی راهکارها در چهار حوزه اصلی فرهنگی، روانی، آموزشی و انضباطی، تلاش کرده‌اند تا ضمن توجه به واقعیت‌های موجود در فضای دانشگاهی، زمینه‌ساز ارائه راهبردهایی باشند که هم قابلیت اجرا داشته و هم با رویکرد فرهنگی انقلاب اسلامی هم‌راستا باشند. با توجه به تأکیدات کارشناسان بر برخی از راهکارها و توان دانشگاه‌ها در اجرایی کردن پیشنهادات، می‌توان بر این موارد تأکید کرد:

الف) راهکارهای فرهنگی و روانی:

- برگزاری جشنواره‌های مد و طراحی لباس اسلامی: با مشارکت فعال دانشجویان و دعوت از طراحان داخلی.
- ایجاد نمایشگاه‌های دائمی یا فصلی ملزومات حجاب با قیمت مناسب و دسترسی آسان.
- همکاری با تولیدکنندگان پوشاک اسلامی برای تأمین اقساطی لباس‌های حجاب‌محور.
- ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی تک‌جنسیتی در دانشگاه (کافه، باشگاه، اتاق مطالعه و...).
- اختصاص تخفیف در استفاده از خدمات دانشگاهی برای دانشجویان محجبه (مثلاً استخر یا باشگاه).
- سفرهای معنوی گسترده و متنوع برای تمام دانشجویان (نه فقط ممتازها) مانند راهیان نور، مشهد، پیاده‌روی اربعین.
- ترویج الگوی زن مسلمان ایرانی در فضای داخلی و بین‌المللی دانشگاه با برنامه‌های رسانه‌ای و فرهنگی.



ب) راهکارهای آموزشی (زیربنایی و مؤثر)

- گنجانیدن محتوای سبک زندگی اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با سبک زندگی غربی در دروس دانشگاهی.
- تولید منابع درسی بومی شده درباره عفاف و حجاب با استفاده از پژوهش‌های جهانی (به‌ویژه از کشورهای اسلامی پیشرو).
- ایجاد فرصت تعامل علمی با دانشجویان مسلمان خارجی (مخصوصاً کشورهای جنوب شرق آسیا).
- دعوت از اندیشمندان زن مسلمان معاصر برای سخنرانی و کارگاه آموزشی.
- آموزش ضمن خدمت سبک زندگی اسلامی ویژه اساتید و شرط اثرگذاری در ارتقاء حرفه‌ای آنان.

پ) راهکارهای انضباطی (ترکیب اقناعی-قانونی)

- جایگزینی برخورد سلبی با آموزش اجباری فرهنگی برای دانشجویان هنجارشکن (به‌جای تعلیق یا اخراج).
- اطلاع‌رسانی شفاف و مستمر در خصوص آیین‌نامه پوشش و تبعات قانونی تخلف از آن.
- شناسایی و ارجاع دانشجویان آسیب‌زا به مشاوره با متخصصان مذهبی و روان‌شناسی اجتماعی.

ت) راهکارهای انگیزشی و حمایتی (ترغیب و الگوسازی)

- تقدیر از دانشجویان و اساتید محجبه موفق در همایش‌ها و انتخاب به‌عنوان چهره دانشگاهی نمونه.
- اختصاص امتیاز برای وضعیت پوشش در فرایند انتخاب دانشجو یا استاد نمونه.
- حمایت از پایان‌نامه‌ها، پژوهش‌ها و همایش‌های علمی با رویکرد دینی و فرهنگی (ویژه موضوع حجاب).
- برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، مناظره و گفت‌وگو با مسئولان فرهنگی کشور در دانشگاه.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی، روناک؛ عدلی، فریبا و مهران، گلنار (۱۴۰۱). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحبه نظران نظام آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۲۱(۱)، ۱۲۷-۱۵۱.
- امامی، سیدمجید؛ طاهری، محمدکاظم و مطهرنژاد، سیدمجید (۱۳۹۳). شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه‌حل‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴(۳)، ۴۵۱-۴۷۸.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۸). تحلیل کیفی سبک‌های پوشش در بین دانشجویان دختر؛ مورد مطالعه: دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمت‌الله‌علیه). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۹(۳)، ۴۰۳-۴۱۸.
- حسن‌زاده، محمدجواد (۱۴۰۱). *عفاف و حجاب از منظر اسلام و روان‌شناسی*. در: مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری. تهران.
- حسین‌زاده، علی؛ نیازی، محسن و شفایی‌مقدم، الهام (۱۳۹۷). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگرش به هنجار پوشش اسلامی (حجاب)؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کاشان. *دین و ارتباطات*، ۲۵(۱)، ۹-۴۰.
- خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: Khamenei.ir
- خدادادی سنگده، جواد و احمدی، خدابخش (۱۳۹۴). نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان: مطالعه‌ای ملی. *فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰(۳۳)، ۷-۲۴.
- خوشخویی، منصور؛ یوسف‌زاده، محمدرضا و آذریون، پریسا (۱۳۹۲). بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) و گرایش دانشجویان دختر به حجاب. *دین و ارتباطات*، ۲۰(۱)، ۴۳-۶۵.
- خوشفر، غلامرضا؛ باقری، فاطمه؛ برزگر، سمیه و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان). *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۳(۴)، ۷-۴۷.
- درویش‌پور، عابدین و امیری، مهرداد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر حجاب دانشجویان؛ یک پژوهش کیفی - کمی (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه

- لرستان). علوم اجتماعی، ۳(۱۵)، ۱۰۷-۱۲۰.
- سیف‌هاشمی، فریده (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی نگرش دانشجویان دختر به پوشش حجاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۸). شاخص‌های دانشگاه فرهنگ‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۹(۱)، ۳-۲۲.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴). سند راهبردهای گسترش حجاب و عفاف. مصوب جلسه ۵۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۴.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). سند دانشگاه اسلامی. مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵.
- شوکتی، آیت و حاجی قاسملو، فاطمه (۱۳۹۰). حجاب در ملل، ادیان و مذاهب. زن و فرهنگ، سال دوم، ۲(۷)، ۹۵-۱۰۷.
- عباسی‌دره‌بیدی، احمد؛ زارعی، طیبیه و کاظمی‌اسفیه، نگار (۱۴۰۲). واکاوی مدل پارادایمی حجاب مطلوب از دیدگاه دانشجویان دختر مبتنی بر نظریه زمینه‌ای. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۴۷)، ۱۱۷-۱۴۶.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵). جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزشی عالی ایران. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، (۱).
- کربلایی‌پازوکی، علی و خوانین‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مسئله عفاف و حجاب در بین دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۵(۱۸)، ۱۵۹-۱۸۳.
- مرشدی، ابوالفضل و خلیج، حسین (۱۳۹۲). ارزیابی سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی کشور: کثرت در وحدت فرهنگی / همزیستی فرهنگ علمی و دینی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۰۷-۱۴۴.
- مستقیمی، مهدیه‌السادات و مرتضوی، نسیم‌سادات (۱۴۰۳). رویکردی قرآنی به اصول مهندسی تبلیغ عفاف و حجاب در دانشگاه‌های اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۸(۹۹)، ۷۳-۹۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۳). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- موسوی، سارا؛ اسدی، مریم؛ مشعل‌پور، مرضیه؛ عبادی، زهرا و زربخش، محمد (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین ابعاد عزت‌نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور واحد اهواز. اسلام و علوم اجتماعی، ۱۰(۲)، ۸۱-۱۰۰.

- موسوی، سیده فاطمه و بیگم رضازاده شیراز، فاطمه (۱۳۹۶). *مطالعه میزان التزام شناختی - رفتاری به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران*. ارائه شده در همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، تهران.
- مولایی، جابر و یوسفوند، شهلا (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور آبدانان). *زن و جامعه*، ۵(۱۹)، ۳۵-۴۶.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی در آموزش عالی: شرایط و ویژگی‌های دانشگاه‌های سرآمد در آینده. *رهیافت*، ۲۳(۵۵).
- نصیرزاده، قاسم (۱۳۸۹). *زن، بصیرت، حجاب*. تهران: نشر اکرام.
- نیک‌بخش، بهرام (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی). *زن و جامعه*، ۱۰(۱)، ۳۶۵-۳۸۷.
- نیک‌بین، محمد؛ ذاکر صالحی، غلامرضا و ماحوزی، رضا (۱۳۹۶). *الگوی بین‌المللی شدن آموزش عالی از منظر سیاست فرهنگی. سیاست علم و فناوری*، ۱۰(۳)، ۳۳-۴۳.
- همتی، رضا (۱۳۹۲). *توده‌ای شدن آموزش عالی و زندگی دانشگاهی در ایران: تأملی در تجربیات زیستی دانشگاهیان. مدیریت در دانشگاه اسلامی*، (۲).
- Aker, Ş. L. & Aghaei, I. (2019). Comparison of business environments in oil-rich MENA countries: a clustering analysis of economic diversification and performance. *Emerging markets finance and trade*, 55(12), 2871-2885.
- Buaban, J. (2020). Islamophobia as represented by Thai Buddhist organizations. *Journal of Social Sciences*, 50(2), 125-147.
- Buranajaroenkij, D. (2020). Challenges to women's inclusion in peace processes in Thailand and Myanmar. *International Feminist Journal of Politics*, 22(3), 403-422.
- Laeheem, K.; Tepsing, P.; Sakolnakorn, T. P. N. & Azizskul, H. (2021). The effects of a group study activities program on Islamic learning promotion among elderly Muslims in Yarang district, Pattani province, Thailand. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 42(1), 171-176.
- Masik, K.; Chatchawet, W. & Chunuan, S. (2022). Spontaneous Abortion is a Trial of Muslim Women's Faith in Allah: A Qualitative Descriptive Study. *Pacific Rim International Journal of Nursing Research*, 26(4), 722-736.
- Porzionato, M. & De Marco, F. (2015). Excellence and diversification of higher education institutions' missions. In *The European Higher Education Area (285-292)*, Springer, Cham.



- Abasi, A.; zareei, T. & kazemi, N. (2023). Analyzing the Ideal Hijab Paradigm Model from the Point of View of Female Students based on Grounded Theory. *Culture in Islamic University*, 13(47), 117-146. (In Persian)
- Aker, Ş. L. & Aghaei, I. (2019). Comparison of business environments in oil-rich MENA countries: a clustering analysis of economic diversification and performance. *Emerging markets finance and trade*, 55(12), 2871-2885.
- Buaban, J. (2020). Islamophobia as represented by Thai Buddhist organizations. *Journal of Social Sciences*, 50(2), 125-147.
- Buranajaroenkij, D. (2020). Challenges to women's inclusion in peace processes in Thailand and Myanmar. *International Feminist Journal of Politics*, 22(3), 403-422.
- Darvishpour, A. & Amiri, M. (2021). Pathology of factors affecting students' hijab: A qualitative-quantitative study (Case study of female students at Lorestan University). *Social Sciences*, 3(15), 107-120. (In Persian)
- Ebrahimabadi, H. (2014). *Cultural policy-making for justice education: Ideas, experiences, and strategies*. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Ebrahimi, R.; Adli, F. & Mehran, G. (2023). The role of academic culture on the knowledge creation from perspectives of experts of the higher educational system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21(1), 127-151. (In Persian)
- Emami, S. M.; Taheri, M. K. & Motaharnezhad, S. M. (2014). Analyzing the Veiling Issue (Hijab) in Iranian Universities with Emphasis on Cultural Planning. *Culture in Islamic University*, 4(12), 451-477. (In Persian)
- Farasatkah, M. (2006). The role and mechanisms of scientific professional ethics in assuring the quality of higher education in Iran. *Ethics in Science and Technology Quarterly*, (1). (In Persian)
- Hemmati, R. (2013). Massification of higher education and academic life in Iran: A reflection on the lived experiences of university students. *Management in Islamic University*, (2). (In Persian)
- Hoseinzadeh, A.; Niazi, M. & Shafaeimoghadam, E. (2018). Study of Social and Cultural Factors Affecting the Normal Islamic Dress (Hijab) Case Study of Kashan University. *Religion & Communication*, 25(1), 9-40. (In Persian)
- Iman, M. T. (2011). *Paradigmatic foundations of quantitative and qualitative research methods in the humanities*. Qom: Research Institute for Hawzah and University. (In Persian)
- Khoshkhomei, M.; Usefzadeh, M. R. & Azarioon, P. (2013). A Study of the Relation between the Rate of Media Use (Internet, Satellite TV, Mobile Phone) and Female Students' Tendency in Buali Sina University. *Religion & Communication*, 20(43), 43-65. (In Persian)
- Krbalaei pazooki, A. & Khavaninzadeh, M. H. (2014). Pathology of the issue of chastity and hijab among undergraduate female students at Allameh Tabataba'i University. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 5(18), 159-183. (In Persian)
- Laeheem, K.; Tepsing, P.; Sakolnakorn, T. P. N. & Azizskul, H. (2021). The effects of a group study activities program on Islamic learning


- promotion among elderly Muslims in Yarang district, Pattani province, Thailand. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 42(1), 171-176.
- M, J. & Y, S. (2014). Sociological Study of Factors Affecting the Orientation towards the Veil (Case Study: Female Students of Payam Nour University in Abdanan). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 5(19), 35-46. (In Persian)
- Masik, K.; Chatchawet, W. & Chunuan, S. (2022). Spontaneous Abortion is a Trial of Muslim Women's Faith in Allah: A Qualitative Descriptive Study. *Pacific Rim International Journal of Nursing Research*, 26(4), 722-736.
- Mehdi, R. (2013). Futures studies in higher education: Conditions and characteristics of leading universities in the future. *Rahyaft*, 23(55). (In Persian)
- morshedi, A. & khalaj, H. (2013). An Evaluation of The Cultural Policies of State Higher Education System: Plurality in Cultural Unity/ Coexistence of Scientific and Religious Culture. *Social Development & Welfare Planning*, 4(14), 107-144. (In Persian)
- Mostaghimi, M. S. & mortazavi, N. (2024). A Quranic Approach to the Principles of Engineering the Promotion of Modesty and Hijab in Islamic Universities with Emphasis on the Second Step Statement of the Revolution. *Epistemological studies in Islamic University*, 28(99), 73-94. (In Persian)
- Motahhari, M. (1998). The collection of Martyr Motahhari's works (The legal system of women in Islam). Tehran: Sadra. (In Persian)
- Motahhari, M. (2024). The issue of hijab. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mousavi, S.; Asadi, M.; Mashalpour, M.; Ebadi, Z. & ZARBakhsh, M. (2024). The Relationship between Self-esteem and the attitude toward Hijab Among Single and Married Female Students of Ahvaz Payam Nour University. *Journal of Islam and Social Sciences*, 10(20), 81-100. (In Persian)
- Nikbakhsh, B. (2019). Sociological analysis of determinants of attitude to Hijab (Case study: attitude to Hijab among -32-18-year-old women in Lali County). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 10(37), 343-366. (In Persian)
- Nikbin, M.; Zakersalehi, G. & Mahozi, R. (2017). The Model of Internationalization of Higher Education from Cultural Policy Perspective. *Journal of Science and Technology Policy*, 10(3), 33-43. (In Persian)
- Porzionato, M. & De Marco, F. (2015). Excellence and diversification of higher education institutions' missions. In *The European Higher Education Area (285-292)*, Springer, Cham.
- Shahali, A. (2019). Indicators of a Culture-Creator University from the Perspective of the Supreme Leader. *Culture in Islamic University*, 9(30), 3-22. (In Persian)
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2005). Strategic document on promoting hijab and chastity: Ratified in session no. 566, dated 2005/7/26. (In Persian)
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2013). The Islamic University document: Ratified in session no. 735, dated July 16. (In Persian)
- Taj bakhsh, G. (2019). Qualitative Analysis of Coverage Styles among Female Students of the Ayatollah Broujerdi University (RA). *Culture in Islamic University*, 9(32), 403-418. (In Persian)

The Semantic Perception of Work from Labour Children Perspectives (Case Study; Tehran Metro)

Akbar Talebpour

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding author).


a.talebpour@alzahra.ac.ir

 0000-0002-1644-6117

Ashraf Soleimani

Master of Social Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.

a.solaymani1402@gmail.com

 0009-0005-9185-9172

Abstract

The spread of labour children in the subway is a new problem that has led to an increase in social problems. An important issue regarding the work of these children is the meaning and concept that work has for them. These meanings of work have clearly been influenced by everyday experiences, social, economic and cultural challenges. The aim of the study was to investigate the semantic perception of labour from the Tehran metro labourers' children's perspective, in order to create a theoretical basis for analyzing the meanings of labour from children's perspectives, which was carried out by adopting a qualitative approach. 14 child labourers in the Tehran metro, aged 9 to 15, were interviewed using purposive sampling. The selection of individuals, conducting in-depth unstructured interviews, and data analysis continued until theoretical saturation. Data collection was carried out through semi-structured interviews and analyzed using the theme analysis method. The validity of the research was carried out using member validity, and the reliability of the research was obtained using the intra-subject agreement method. The results showed; 20 subcategories and 5 main categories including; Contingency perception (family economic status, family social status, flexibility and adaptation to work, family supportive behavior), economic perception (financial needs, financial responsibility, adequate wages), social perception (source of social support, sociability, interpersonal interactions with officers, interpersonal interactions with passengers), personal perception (lack of need for special expertise and skills, job autonomy, child abuse, educational restrictions, unknown aspirations), and cultural perception ((family expectations, the role of work as an identity-finding factor, a sense of belonging to the workplace, unpleasant experiences) have shaped the labour meanings in subway labour children's minds. These meanings have been formed under the influence of everyday experiences, socioeconomic, and cultural challenges in labour children, and understanding these meanings helps to better understand labour children's needs and implement more effective policies and programs.

Keywords: Semantic Perception, Labour children, Metro, Tehran.

Extended abstract

Purpose

The purpose of study was to investigate and determine the semantic perception of work from the perspective of child labourers in Tehran Metro based on social reality, and the research sought to respond to the dimensions of the semantic perception of work from the perspective of child laborers in the Tehran Metro in order creating a theoretical basis for analyzing the meanings of labour from children perspectives, which was carried out by adopting a qualitative approach.

Methodology

This research was applied in terms of purpose and using a qualitative approach. The subjects studied were all child laborers in the Tehran metro, 14 of whom were considered as a statistical sample through a purposive judgmental sampling method. The age selection criterion for the samples was 9 to 15 years. Data and information were collected in the field and through semi-structured interviews, and the results of the interviews were examined and analyzed using the theme analysis method. The process of selecting individuals, conducting in-depth unstructured interviews, and analyzing data continued until theoretical saturation was achieved, meaning that no new data was obtained from the analysis of the interviews. In total, 14 interviews were conducted in the research, although the data were repetitive from the tenth interview onwards, but to ensure complete theoretical saturation, it continued until the 14th interview. In order to determine validity, member validity was used, in which the results of the research were referred to the study subjects and confirmation of these results by the study subjects showed that the research has the desired validity. Reliability was also tested using the intra-subject agreement method. In this method, another coder is asked to code several interviews and the results are compared with the researcher's coding in terms of similarity, and the percentage of agreement between the coders is calculated, the total intra-subject agreement percentage was . 82 which is considered a good reliability.

Findings

The results of the interviews were analyzed using thematic analysis and the analysis of the interviews into subcategories and their integration, and we reached 5 main categories and 20 subcategories, and the categories of contingent perception, economic perception, social perception, individual perception, and cultural perception were proposed as the most important

categories. According to the research results, the contingent perception of children working in the Tehran Metro emphasizes the fact that children's knowledge and experiences of metro work cannot be examined separately and abstractly, but rather their perception of work depends on specific social contexts and conditions such as: (migration), economic (family needs, poverty), individual (adapting oneself to the work environment), and family (absence or death or having a bad family guardian), which sometimes this necessity and compulsion is beyond the children's control. In general, the semantic perception of child laborers in Tehran's metro is shaped by their daily experiences, social, economic, and cultural challenges. This perception allows us to gain greater awareness of their needs and perspectives and to develop more effective policies and programs to support child laborers.

Limitations

This study, like other studies, faced some limitations. In this study, access to some child laborers was difficult due to their social and economic conditions. The research was conducted within a specific time period and within the metro area, which may have affected the results. Also, differences in the way children express and understand their experiences can have a positive or negative impact on the results. Given that only information related to child laborers in the Tehran metro was examined, generalization of the results to other child laborers (street, workshop, agricultural, etc.) should be done with caution.

Recommendations for Future Research

The results of the present study can be considered as a basis and a local theoretical model for future research, and future researchers who will work in this field can test the theoretical model of the present study in their quantitative research and provide the basis for generalizing the results of local research.

Practical Implications

The numerous challenges of child labor in the metro require the adoption of strategies and proposals that can help those in charge in this regard through these strategies. These strategies include such things as; creating social campaigns to promote the culture of child labor visibility and emphasizing their rights, organizing grassroots groups and non-governmental organizations to support child laborers and their families, including social and cultural strategies for child labor in the metro, which can be implemented in various ways. On the other hand, effective implementation of laws and regulations related to child labor and injecting sufficient credibility into monitoring systems, providing legal advice and support for child laborers and their families through the media, etc. can give serious consideration to the issue of child labor from the perspective of legal strategies. In the context of economic strategies for subway child laborers, it can be mentioned that facilitating the entry of parents into the labor market in order to reduce financial pressure on the family and

prevent the employment of children, as well as providing temporary financial assistance to families who are under economic pressure due to child labor can prevent unnecessary subway child labor and support the rights of subway child laborers as a support strategy. Providing psychological counseling services for subway child laborers to help them manage negative emotions and strengthen self-esteem, organizing recreational and entertainment programs for subway child laborers to improve mental health and create positive experiences, including psychological recovery and care strategies that can help raise awareness of subway child laborers in Tehran and also prevent the accumulation of latent anger in them towards society, this requires very serious attention in prospective studies.

Keywords: Semantic Perception, Labour children, Metro, Tehran, Contingency perception, Economic perception, Personal perception.

ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار (مطالعه موردی متروی تهران)

اکبر طالب‌پور

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا سلام‌الله‌علیها، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

a.talebpour@alzahra.ac.ir

0000-0002-1644-6117

اشرف سلیمانی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری اجتماعی، دانشگاه الزهرا سلام‌الله‌علیها، تهران، ایران.
a.solaymani1402@gmail.com

0009-0005-9185-9172

چکیده

گسترش کودکان کار مترو از معضلات جدیدی است که به افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شده است. موضوع مهمی که در خصوص کار این کودکان وجود دارد، معنا و مفهومی است که کار برای آنان دارد. این معانی کار به‌وضوح تحت‌تأثیر تجربیات روزمره، چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است. هدف پژوهش بررسی ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار متروی تهران بود که با اتخاذ رویکرد کیفی بروی ۱۴ نفر از کودکان کار متروی تهران در بازه سنی ۹ تا ۱۵ و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه انجام شد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت و با استفاده از روش تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی پژوهش با استفاده از اعتبار اعضا انجام شد و پایایی تحقیق هم با استفاده از روش توافق درون موضوعی به‌دست آمد. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان دادند؛ ۲۰ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی شامل؛ ادراک اقتضایی (وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اجتماعی خانواده، انعطاف‌پذیری و تطبیق با کار، رفتار حمایتی از خانواده)، ادراک اقتصادی (نیازهای مالی، مسئولیت‌پذیری مالی، دستمزد مکفی)، ادراک اجتماعی (منبع حمایت اجتماعی، جامعه‌پذیری، تعاملات بین‌فردی با مأموران و تعاملات بین‌فردی با مسافران)، ادراک فردی (عدم نیاز به تخصص و مهارت خاص، استقلال کاری، سوءاستفاده از کودکان، محدودیت‌های آموزشی، آرزوهای نامعلوم) و ادراک فرهنگی (انتظارات خانواده، نقش هویت‌یابی کار، احساس تعلق هویتی به محیط کار، تجارب ناخوشایند) معانی کار را در ذهن کودکان کار مترو شکل داده‌اند. فهم این معانی موجب درک بهتر نیازهای کودکان کار مترو می‌شود و می‌تواند به اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی مؤثرتر منجر گردد.

کلیدواژه‌ها: ادراک معنایی، کودکان کار، مترو، تهران.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2025.499338.1651



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظریات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

با آغاز انقلاب صنعتی در قرن هجدهم که کودکان در کارگاه‌های نساجی، معادن و صنایع دیگر ۱۲ ساعت در روز و ۶ روز در هفته کار می‌کردند، نخستین قوانین کار کودک در انگلستان در سال ۱۹۳۲ تصویب شد. ده سال بعد قوانین نحوه استفاده از کار کودکان در معادن تصویب گردید. ولی در حال، استفاده گسترده از نیروی کار کودکان در کشورهای خارج، از جمله ایالات متحده آمریکا ادامه داشت. نخستین قوانین واقعی در مورد نحوه استفاده از کار کودکان در قرن بیستم به تصویب رسید. بر اساس این قوانین سوادآموزی کودکان الزامی شد و والدینی که به آزار کودکان می‌پرداختند، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گرفتند. رفته‌رفته، انجمن‌های پیشگیری از اعمال خشونت بر علیه کودکان، انجمن‌های حمایت از کودکان و برنامه‌های اجتماعی مختلف برای پیشبرد رفاه کودکان راه‌اندازی شدند (ملتفت و دیگران، ۱۴۰۰).

امروزه یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در امنیت اجتماعی در جوامع شهری، کار کودکان است که از جمله آسیب‌های اجتماعی می‌باشند که شهرها با آن دست به گریبان هستند. کار کودکان معضلی اجتماعی است که به‌طور فراگیر همچنان در قرن ۲۱ اسباب نگرانی مردم و نهادهای اجتماعی را از منظر آسیب‌شناسی و بحران‌های اجتماعی فراهم نموده است (صالحی و دیگران، ۱۴۰۰).

کودکان کار مترو بخشی از گروه بزرگ‌تر «کودکان در وضعیت دشوار» و «کودکان آسیب‌پذیر شهری» هستند که ساعات طولانی از شبانه‌روز و گاه تمام آن را به‌صورت موقت (ناپایدار) و یا دائمی (مستمر) و برای مدتی نامعلوم خارج از نهادهای اجتماعی حمایتی معمول مانند خانواده و مدرسه و به قصد و انگیزه کار و یا دوری از خانواده، در خیابان به سر می‌برند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱)؛ بنابراین، با بهره‌برداری از متروی تهران و فضای خاص مترو؛ یکی از گروه‌های اجتماعی تشکیل شده در لایه‌ها، گروه‌هایی از کودکان کار هستند که در محیط متروی کلان‌شهرهایی همچون تهران به فعالیت می‌پردازند؛ مسافران قطار شهری در هر ایستگاهی، هر روز با کودکان کار مواجه می‌شوند؛ کودکانی که بیشتر باید به آن‌ها خردسال اطلاق شود. این کودکان هر کاری انجام می‌دهند از واکس‌زدن کفش تا فروش محصولات نانو، از فال‌فروشی تا حتی تکدی‌گری. سن آن‌ها از ۳ تا ۱۴ سال متفاوت است. ناگفته پیداست که درآمد این خردسالان به جیب خودشان نمی‌رود. نقض هر روزه آشکار قوانین کار و حقوق کودک در قطارهای شهری بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از

این خردسالان به خاطر کار از آموزش و تحصیل محروم‌اند و اگر هم مدرسه می‌روند با سختی‌های زیادی روبه‌رو هستند (معارف‌وند و دیگران، ۱۳۹۳).

آخرین آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳ حاکی از آن است که ۱۵۲ میلیون کودک در سراسر جهان کودک کار هستند که چیزی حدود ۱۰ درصد کل کودکان جهان را تشکیل می‌دهند (ILO, 2024, p. 3). بر اساس گزارش شاخص‌های عدالت اجتماعی که در سال ۱۴۰۲ که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، یک میلیون و هشتصد هزار کودک کار وجود دارد، هرچند در آمارهای ایران به کودکان خیابانی و کودکانی که هم درس می‌خوانند و هم نیمه‌وقت کار می‌کنند و یا کارهای کاذب انجام می‌دهند اشاره نمی‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲، ص. ۲۸).

هرچند آمار دقیقی از کودکان کار متروی تهران وجود ندارد؛ اما طبق گفته مدیر کل بهزیستی استان تهران، بیش از ۲۰۰۰ کودک تنها در متروی پایتخت کار می‌کنند که این تعداد در حال افزایش می‌باشد و بیشتر از اتباع کشورهای خارجی می‌باشد.

اگرچه تعداد این کودکان به شکل آمار رسمی اعلام نشده و مدیران مختلف شهرداری اطلاعات متفاوتی از آن‌ها ارائه می‌دهند؛ اما با ورود به متروی تهران می‌توان به تعداد نسبتاً بالای آن‌ها پی برد و ارزش مطالعه و بحث و گفتگو در خصوص مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را درک نمود و به ادراک معنایی و کودکانه آنان از کار پی برد؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و همچنین با عنایت به این امر که در سیاست‌گذاری‌های داخلی ایران، رویکرد مبتنی بر واقعیت اجتماعی است که توجه به آسیب‌ها و مسائل بخشی از آن است (جمشیدی‌ها و شعبان، ۱۳۹۹). موضوع پژوهش حاضر بررسی و تعیین ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار متروی تهران بر اساس واقعیت اجتماعی بود و پژوهش درصدد پاسخگویی به ابعاد ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار متروی تهران بوده است.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف پژوهش، شناخت معانی و نحوه ادراک کار از منظر کودکان در جامعه مورد مطالعه از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و... بود و در صدد شناسایی ادراک کار از منظر کودکان از جهات و جنبه‌های زیر بودیم:

- ۱- بررسی تأثیر شرایط محیطی و اجتماعی بر نگرش و فهم کودکان کار از مفهوم کار.
- ۲- بررسی چگونگی اثرهای اقتصادی ناشی از کار بر نگرش و فهم کودکان کار از مفهوم کار.

۳- بررسی تعاملات اجتماعی کودکان در محیط کار (مسافران و کارکنان مترو و...) و تأثیر این تعاملات بر نگرش آنان به کار.
 ۴- بررسی احساسات و تجربیات کودکان بر نگرش و فهم کودکان کار از مفهوم کار.
 ۵- بررسی چگونگی فرهنگ کار در خانواده و جامعه و تأثیر آن بر تعامل کودکان با محیط کار و تجربه‌های آنان بر نگرش و فهم کودکان کار از مفهوم کار.
 با توجه به اهداف بیان شده، پژوهش در پی فهم پاسخ موارد زیر از منظر کودکان کار زیر بود:

- ۱- نحوه ادراک اقتضایی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟
- ۲- نحوه ادراک اقتصادی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟
- ۳- نحوه ادراک اجتماعی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟
- ۴- نحوه ادراک فردی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟
- ۵- نحوه ادراک فرهنگی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

در این قسمت به پژوهش‌های داخلی و خارجی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم موضوع ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار را مورد توجه قرار داده‌اند، اشاره می‌شود:

۲-۱. پیشینه داخلی

بررسی پیشینه داخلی مطالعات در حوزه مورد مطالعه حاکی از پرداختن این مطالعات به مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ظهور و بروز پدیده می‌باشد؛ البته برخی مطالعات نیز مسائل مرتبط با مافیا را مورد توجه قرار داده و دیدگاه تضادی نسبت به موضوع مورد مطالعه داشته‌اند.

برخی مطالعات همچون مطالعه اونق و همکاران (۱۴۰۲)، کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده را عامل ایجاد و گسترش کار کودکان دانسته‌اند و به عامل اقتصادی در این پدیده نقش مسلطی داده‌اند.

برخی همچون مقدم و همکاران (۱۴۰۱)، نقش فرار از آسیب‌های روحی را در کار کودکان مهم دانسته‌اند. احمدی و همکاران (۱۴۰۰)، عوامل اجتماعی را در ظهور و بروز این پدیده دخیل کرده‌اند، همچنین پیرخندان و همکاران (۱۴۰۰) نیز از منظر و عینک اجتماعی به این پدیده نگریسته‌اند و نقش عوامل اجتماعی در ظهور و بروز کار کودکان را مهم ارزیابی کرده‌اند. از سوی دیگر نقش مافیا نیز در پدیده کار کودکان

جدی تلقی شده است به‌نحوی که ملتفت و همکاران (۱۴۰۰) با اتخاذ رویکرد تضادی، بررسی این پدیده را مورد توجه قرار داده و به ارائه راهکارهای ممکن پرداخته‌اند. صالحی و همکاران (۱۴۰۰) هم نقش مافیای کودکان کار را جدی برآورد نموده‌اند. البته برخی از محققان همچون قیداری و یاراحمدی (۱۳۹۹)، همکار کودکان را از منظر فرهنگی بررسی نموده‌اند و با حمایت ضمنی از این پدیده سعی در سفیدسازی مباحث خاکستری پیرامون این پدیده کرده‌اند. در نهایت افرادی همچون؛ خواجه نائینی و همکاران (۱۳۹۹) به عوامل سیاسی در ظهور و بروز این پدیده توجه نموده‌اند و لزوم توجه سیاسی به پدیده مورد مطالعه را ضروری دانسته‌اند.

۲-۲. پیشینه خارجی

در مطالعات خارجی حیوانی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) از منظر سیاسی به پدیده کار کودکان نگریسته و بر حل ریشه‌ای مشکل کودکان کار توجه نموده‌اند. مطالعات خارجی دیگری به عوامل فرهنگی و بومی در ظهور و بروز این پدیده پرداخته‌اند و لزوم توجه بومی به پدیده مورد مطالعه را ضروری دانسته و بر آن هستند تا تعریف نوینی از مفاهیم کودکی و کار کودکان ارائه نمایند، از جمله چنین مطالعاتی می‌توان به مطالعه ژگان^۲ (۲۰۲۱) در آمریکای لاتین، در دفاع از کار کودکان به دلیل عوامل فرهنگی و در نتیجه طبیعی‌سازی و دیده‌نشدن کودکان کار اشاره نمود، همچنین مطالعه رزاریو و بونگا^۳ (۲۰۲۰) حاکی از رایج بودن کار کودکان در فیلیپین دارد. در امتداد مطالعات قبلی، مطالعه ووته و مینارد^۴ (۲۰۱۸) نیز در بین مهاجران روستایی و شهرنشینان مایا حاکی از انتظارات فرهنگی متفاوت از کار کودکان بود که ذیل توجه به عوامل فرهنگی و بومی قرار می‌گیرد. علاوه بر موارد فوق، مطالعات آدونتینگ - کیسی^۵ (۲۰۱۸) در غنا نیز زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کار کودکان در مناطق روستایی بیشتر مدنظر قرار دارد. برخی از مطالعات خارجی دیگر با برجسته نمودن نقش عوامل اقتصادی به تحلیل و بررسی این پدیده پرداخته‌اند و معتقدند توجه به رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه شهروندان می‌تواند نقش بی‌بدیلی در این زمینه داشته باشد، از جمله چنین پژوهش‌هایی می‌توان به مطالعات چنسی^۶ و همکاران

1. Geovani & et al.
2. Zsögön
3. Rosario & Bonga
4. Vote & Maynard
5. Adonteng-Kissi
6. Chesney

(۲۰۱۹) در زمینه ناکارآمدی سیاست یارانه‌های کشاورزی، در رفع موانع مواجهه با کار کودکان و بهبود رفاه خانواده‌های فقیر اشاره نمود؛ همچنین مطالعه چپی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در کره جنوبی نشان داد کودکان روستایی کارکردن را انتخاب نمی‌کنند بلکه آن‌ها امکان فراغت از کار و اشتغال به تحصیل به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نداشته‌اند، علاوه بر موارد فوق مطالعات آدونتینگ - کیسی^۲ (۲۰۱۸) در غنا نیز فقر را علت مشارکت کودکان در کار ماهیگیری در جوامع شهری دانسته است.

بررسی و مطالعه پژوهش‌های انجام شده پیشین در راستای تبیین و بررسی کودکان کار مشخص شد که تمرکز اکثر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده قبلی بیشتر بر یک یا مواردی از علل و شرایط به وجود آورنده پدیده کودکان کار بوده است و بیشترین تأکید مطالعات پیشین بر مسائل اجتماعی و اقتصادی بوده است؛ این مطالعات به طور عمده به بررسی نقش اجتماع و خانواده در بروز پدیده مورد مطالعه پرداخته‌اند و بر نقش مسلط اقتصاد در این زمینه تأکید نموده‌اند. به نظر می‌رسد پدیده کودکان کار دارای ابعاد پیچیده‌تر انسانی و فرهنگی نیز می‌باشد که شایسته توجه جدی در مطالعات آتی است، همچنین بسیاری از پژوهش‌های انجام شده قبلی به دلیل تمرکز بر جنبه‌های کلی و عمومی وضعیت کودکان کار، نتوانسته‌اند به تجارب خاص یا منحصر به فرد کودکان کار بپردازند که این امر می‌تواند منجر به عدم شناسایی نیازهای خاص این گروه در جامعه شود. در برخی از پژوهش‌ها، کمبود رویکردهای کیفی پژوهش قابل تأمل هستند که این موضوع می‌تواند مانع از دستیابی به درک عمیق‌تری از تجارب و احساس کودکان کار شود که ارتباط مستقیمی با زندگی روزمره آن‌ها دارد؛ از این رو پژوهش حاضر از نظر بررسی ادراک معناداری کار از منظر خود کودکان (به خصوص کودکان کار متروی تهران) حائز اهمیت است؛ زیرا به درک عمیق‌تر از تجربه‌های واقعی این کودکان در مورد کار می‌پردازد؛ با توجه به موارد ذکر شده، پژوهش حاضر می‌تواند از مباحث نو و بدیع در حوزه کودکان کار و درک آنان از معناداری کار به شمار آید. پژوهش حاضر سعی در درک ماهیت ذهنی و تجربه زنده از دیدگاه کسانی دارد که آن‌را تجربه کرده‌اند و این امر از طریق کشف معانی ذهنی و توضیحاتی که افراد در مورد تجربه‌هایشان می‌دهند، صورت می‌گیرد. با بررسی‌های اجمالی به عمل آمده از

1. Chae

2. Adonteng-Kissi

پایان‌نامه‌ها، مجله‌ها، مقاله‌ها و پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی مشخص شد که در مورد متغیر کودکان کار به صورت جداگانه مطالعه‌های نسبتاً زیادی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است؛ اما در مورد ارتباط ادراک معنایی کار و کودکان و به خصوص کودکان کار (متروی تهران)، پژوهش‌های معدودی انجام شده است؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به هدفی که دنبال می‌شود، محققان به دنبال تبیین و بررسی ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار متروی تهران بودند تا خلأ تحقیقاتی در این حوزه اندکی بهبود یابد.

۳. ملاحظات نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. ادراک معنایی کار

ادراک معنایی کار به مثابه چیزی که افراد به طور خودانگیخته مایل با انجام آن هستند و یک ندای درونی برای انجام کار، تعریف کرده است. ابعاد عمومی معناداری کار عبارت‌اند از: داشتن مقصود یا هدف، استقلال، کنترل، چالش، پیشرفت، شایستگی، مهارت، تعهد، اشتیاق، سازندگی یا ارائه خدمت به دیگران، خودشکوفایی، رشد و تحقق هدف و زندگی کردن بر اساس ارزش‌ها و اهداف خود (Fairlie, 2011). در واقع معناداری کار نشان‌دهنده این است که چگونه فرد در محیط کاری خود با کار روزانه‌شان تعامل برقرار می‌کنند (Geldenhuys & et al., 2014).

۳-۱-۲. کودکان کار

«کار کودک»، هر کاری را که توسط یک کودک زیر سن قانونی کار و در ازای دریافت پاداش، حق کودکی را از آن محروم می‌کند، توصیف می‌سازد (Chukwudeh, 2021, p. 3).

بنابه تعریف سازمان بین‌المللی کار و یونیسف، هر انسانی که کمتر از هجده سال داشته و به فعالیتی برای کسب درآمد اشتغال داشته باشد یا فعالیت او در جهت بهره‌کشی به سبب دین خانواده باشد، کودک کار نامیده می‌شود. بر اساس طبقه‌بندی نظری سازمان بین‌المللی کار، کودکان کار شامل کودکانی می‌شوند که بدترین اشکال کار کودک را انجام می‌دهند و یا در سنین پایین‌تر از حداقل سن قانونی کار به کار مشغول‌اند (ILO, 2024, p. 4).

۲-۳. مبانی نظری

رویکردهای نظری جامعه‌پذیری، آسیب‌شناسی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، تضادی - انتقادی، فرهنگ فقر هر کدام از دیدگاه خود به مسئله کار کودک نگریسته‌اند که در ادامه به‌طور مختصر مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

۱-۲-۳. نظریه جامعه‌پذیری

بر اساس نظریه جامعه‌پذیری کودکان فرهنگ گروه‌های انسانی را که خود را درون آن می‌یابند قبول می‌نمایند و به تدریج آن را جذب و کسب می‌کنند، کودکان کار نیز از این امر مستثنی نیستند. کودکان را نباید به‌عنوان افرادی نگرست که برای شرکت و دخالت در دنیای پیچیده بزرگسالی کاملاً مجهز شده‌اند بلکه آن‌ها موجوداتی هستند که برای برقراری ارتباط تدریجی و آرام با انسان‌های دیگر دارای ظرفیت لازم هستند و این کار را از طریق اجتماعی‌شدن در خود درونی و نهادی می‌کنند (آلیسون و دیگران، ۱۳۹۳).

۲-۲-۳. نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی

بر اساس رویکرد آسیب‌شناسی اجتماعی پیدایش مسئله کار کودک ناشی از اختلال در کارکرد خرده‌نظام‌های اجتماعی از جمله در حوزه خانواده و اقتصاد است. فرض این رویکرد بر این است که کار کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر هست (حسینی، ۱۳۹۴).

۳-۲-۳. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

در چهارچوب نظریه بی‌سازمانی اجتماعی می‌توان کودکان خیابانی را ناشی از یک‌سری تغییرات محیطی و اجتماعی دانست که نظام اجتماعی به‌واسطه آن عوامل از هم پاشیده شده و نمی‌تواند کارکردهای خود را به‌خوبی انجام دهد (رایبگتن و واینبرگ، ۱۳۹۵، ص. ۵۱). این نظریه به شرایطی توجه دارد که منجر به از هم گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به‌وجود می‌آورند. این نظریه نسبت به نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، از قدرت تبیین بیشتری برای توضیح مسئله کودکان خیابانی برخوردار است. بر طبق این نظریه، کودکان خیابانی انعکاسی

از شرایط زیست اقتصادی اجتماعی فرهنگی اقشار تهی‌دست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین هستند که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی با شرایط موجود انطباق یابند.

۳-۲-۴. نظریه تضادی - انتقادی

بر اساس دیدگاه تضادی - انتقادی، آسیب‌های اجتماعی از جمله کار کودک معلول نابرابری‌های اجتماعی و در رأس آن، نابرابری‌های اقتصادی و توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌های جامعه است. وجود تضاد درون جامعه علت اصلی به‌وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی درون جامعه است. فضایی که در آن، قانون صرفاً به سازوکاری برای کنترل اعضای ناراضی، فقیر و فاقد قدرت در جامعه بدل می‌شود و در همان حال از موقعیت و جایگاه قشر قدرتمند در جامعه حفاظت می‌کند (شارع‌پور، ۱۴۰۱). پولانزاس کار کودکان را تحمیلی اجتماعی از سوی ساختارهای سیاسی، ایدئولوژیک و به‌ویژه اقتصادی جامعه می‌داند و بر بازتولید کار کودک در طی زمان و آسیب‌های ناشی از بهره‌کشی بر کودکان به‌عنوان طبقه ستم‌دیده تأکید دارد (عاشوری، ۱۳۹۰، ص. ۹۵).

۳-۲-۵. نظریه فرهنگ فقر

نظریه فرهنگ فقر اُسکار لوئیس^۱ (۱۹۶۰) به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که در جوامع فقیر شکل می‌گیرد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این فرهنگ شامل ویژگی‌هایی مانند: بی‌اعتمادی به نهادها، نگرش‌های منفی نسبت به تحصیلات، وابستگی به کمک‌های دولتی و نگرانی‌های کوتاه‌مدت است، وی معتقد بود محیط فقر و نابرابری‌های ساختاری می‌تواند باعث شود که افراد به نوعی فرهنگ خاص برای بقا برسند که در نهایت باعث ادامه یافتن فقر می‌شود. این نظریه کودکان کار را به فقر مربوط می‌داند و خانواده‌های این کودکان به دلیل فقر از انجام تعهدات اخلاقی خود در برابر کودکانشان ناتوانند و در نتیجه به سوق دادن و رها کردن آنان در بیرون از خانه مجبورند (آلیسون و دیگران، ۱۳۹۳).

۳-۳. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش، چهارچوب نظریه «فرهنگ فقر» اُسکار لوئیس ۱۹۶۰ است. این نظریه دارای چهار فرضیه اصلی که بیانگر شرایط این کودکان و بر ادراک

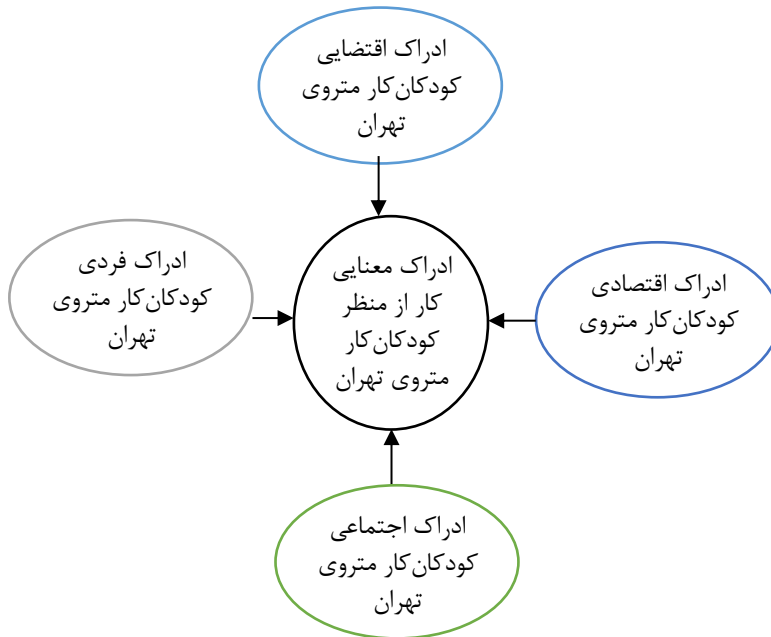
1. Lewis

آن‌ها از کار تأثیرگذار می‌باشد. فرضیه نخست: به بی‌سرپرستی و رهاشدگی این کودکان از سوی خانواده‌های آنان اشاره دارد. فرضیه دوم: کودکان کار را به فقر مربوط می‌داند و نتیجه فقر را رهاشدگی منفعلانه می‌داند. از نظر این دیدگاه جبرگرا، خانواده‌های این کودکان به دلیل فقر از انجام تعهدات اخلاقی خود در برابر کودکانشان ناتوان‌اند و در نتیجه به سوق دادن و رهاکردن آنان در بیرون از خانه مجبورند. فرضیه سوم: کودکان کار را نتیجه مهاجرت از روستاها به شهرها و تبعات آن، از جمله فقر و حاشیه‌نشینی و تغییر ساخت خانواده می‌داند که در این حالت کودکان کار حاصل به حاشیه رانده شدن خانواده‌های حاشیه‌نشین است. فرضیه چهارم: کودکان کار را برخاسته از خُرده‌فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف می‌داند (آلیسون و دیگران، ۱۳۹۳).

مندلویچ^۱ (۱۹۹۷)، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد زمینه‌های کار کودکان نقش به‌سزایی دارند. در کشورهای در حال توسعه علت افزایش این پدیده فقر و ضعف در وضعیت اقتصادی است، نبود آموزش رسمی و نبود زیربنای اقتصاد قوی موجب شده است والدین برای ممانعت از بطالت و وقت‌گذرانی کودکانشان در صدد یافتن شغلی مناسب برای آن‌ها باشند (احمدی و دیگران، ۱۴۰۰). راجر و استندینگ^۲ (۱۹۹۵) بیان می‌کنند که با عرضه شبکه تحلیلی در کشورهایی با درآمد پایین، عوامل تعیین‌کننده کار کودک به دو دسته؛ زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، و عامل رفتاری خُرده تقسیم می‌شوند: در بحث از دسته نخست ساختار فرایند تولید و بازار کار در نظر گرفته می‌شود و در بحث از دسته دوم سخن از نقش خانواده و یا خانوار در نحوه و الگوی کار کودکان است؛ زیرا بُعد و ساختار خانوار نقش تعیین‌کننده‌ای در اشتغال و عدم اشتغال کودکان دارد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸). گروتر، راوی و کانبور^۳ (۱۹۹۵) عوامل کار کودکان را از دیدگاه اقتصادی بررسی کرده‌اند و آن را به دو دسته عوامل عرضه و عوامل تقاضای کار کودک تقسیم نموده‌اند. بر این اساس چگونگی تخصیص وقت کودک به کار از سوی خانوار به اندازه و ساختار خانوار، امکانات تولیدی کودک و والدین وی بستگی دارد که عمدتاً به وضعیت خانه و بازار کار و درجه جایگزینی کار بین کودک و والدین وابسته است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸).

-
1. Mendevich
 2. Rodger & Standing
 3. Grooter; Ravi & kanbur

با عنایت به مبانی نظری فوق و پیشینه‌های داخلی و خارجی پژوهش در مطالعه حاضر درصدد بررسی ادراک اقتضایی، ادراک اقتصادی، ادراک اجتماعی و ادراک فردی کودکان کار بودیم که این امر در قالب مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ آورده شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با استفاده از رویکرد کیفی بود، افراد مورد مطالعه تمامی کودکان کار متروی شهر تهران بودند که ۱۴ نفر از آنان از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. ملاک انتخاب سنی نمونه‌ها ۹ تا ۱۵ سال بود. گردآوری داده‌ها و اطلاعات به‌صوت میدانی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت و نتایج مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تم (مضمون) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. فرایند انتخاب افراد، انجام مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار و تحلیل داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شود، یعنی دیگر داده جدیدی از تحلیل مصاحبه‌ها حاصل نشود.

در کل پژوهش ۱۴ مصاحبه انجام شد، هرچند از مصاحبه دهم به بعد داده‌ها تکراری بودند؛ اما جهت اطمینان از اشباع نظری کامل تا مورد ۱۴ مصاحبه ادامه یافت. به منظور تعیین روایی^۱ از اعتبار اعضاء استفاده شد (ایمان، ۱۳۸۸)، به این صورت که نتایج پژوهش به افراد مورد مطالعه ارجاع شد و تأیید این نتایج توسط افراد مطالعه نشان داد که پژوهش دارای اعتبار مطلوب می‌باشد. پایایی^۲ هم با استفاده از روش توافق درون موضوعی^۳ استفاده شد در این روش از کدگذار دیگری خواسته می‌شود چند مصاحبه را کدگذاری کند و نتایج آن با کدگذاری محقق از نظر میزان تشابه مورد مقایسه قرار می‌گیرد و درصد توافق بین کدگذاران محاسبه می‌شود.

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 100}{\text{تعداد کل کدها}}$$

نتیجه حاصل از این فرمول طبق جدول ۱ برای مصاحبه‌های سوم، هفتم، یازدهم و چهاردهم انجام گرفت و همان طور که مقادیر جدول نشان می‌دهد درصد توافق درون موضوعی کل ۸۲ بود که پایایی مطلوبی محسوب می‌شود.

جدول (۱): میزان پایایی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
سوم	۸۷	۳۶	۱۱	۸۳
هفتم	۸۲	۳۴	۱۱	۸۳
یازدهم	۸۴	۳۳	۱۰	۷۹
چهاردهم	۸۵	۳۶	۹	۸۵
کل	۳۳۸	۱۳۹	۴۱	۸۲

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه سطح یافته‌های توصیفی، تحلیلی و تحلیل یافته‌ها صورت گرفته است، در سطح یافته‌های توصیفی با استفاده از مشخصه‌های کودکان مورد

1. Validity
2. Reliability
3. Intra-Subject Reliability

مصاحبه (جنسیت، نام، سن، تحصیلات، نوع کار، سابقه کار) به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و در سطح یافته‌های تحلیلی از روش تحلیل تم (مضمون) استفاده شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده، نقل‌قول‌های دارای مفهوم مرتبط با موضوع استخراج و مفاهیم اصلی از آن‌ها احصا شد. سپس محقق از کنار هم قرار دادن مفاهیم مرتبط باهم به مقوله‌های فرعی رسید و در نهایت از به‌هم‌پیوست مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی استخراج شد. در سطح تحلیل یافته‌ها از روی مقوله‌های اصلی سؤالات پژوهش پاسخ داده شد.

۱-۵. یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی و سیمای مصاحبه‌شوندگان در قالب جدول ۱ آورده شده است. برای گردآوری اطلاعات این پژوهش در مجموع ۱۴ مصاحبه از کودکان کار مترویی شهر تهران (گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال) انجام شد، مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲): مشخصات و سیمای مشارکت‌کنندگان

مدت مصاحبه	سابقه کار	نوع کار (دست‌فروشی)	تحصیلات	سن	نام	جنسیت	کد (تحلیل مضمون)
۴۱:۰۶	۳ سال	ویفر و بیسکوبیت	دوم ابتدایی	۱۰	علی رضا	پسر	۱
۳۹:۰۰	۲ سال	بدلیجات	دوم ابتدایی	۱۲	زهرا	دختر	۲
۴۷:۳۷	۳ سال	سفره	بیسواد	۱۲	علی (۱) (افغان)	پسر	۳
۳۴:۲۰	۲ سال	جوراب	چهارم ابتدایی	۱۱	امیر	پسر	۴
۳۵:۳۶	۳ سال	سفره	بیسواد	۱۲	جواد (افغان)	پسر	۵
۳۶:۳۲	۱ سال	فال حافظ، آدامس	دوم ابتدایی	۹	فاطمه	دختر	۶
۵۸:۲۷	۲ سال	لوازم التحریر	سوم ابتدایی	۱۳	حسن	پسر	۷
۵۵:۰۰	۳ سال	جوراب	چهارم ابتدایی	۱۲	مهدی	پسر	۸
۳۳:۲۲	۲ سال	آدامس	چهارم ابتدایی	۱۰	سارا	دختر	۹
۳۲:۲۸	۱/۵ سال	جوراب	چهارم	۱۱	رضا	پسر	۱۰

مدت مصاحبه	سابقه کار	نوع کار (دست‌فروشی)	تحصیلات	سن	نام	جنسیت	کد (تحلیل مضمون)
			ابتدایی				
۳۷:۰۳	سال ۳	ماسک صورت	اول ابتدایی	۱۳	نرگس	دختر	۱۱
۴۸:۲۴	سال ۳	آدامس	سوم ابتدایی	۹	علی (۲)	پسر	۱۲
۳۵:۰۰	سال ۵	جوراب	ششم ابتدایی	۱۲	حمید رضا	پسر	۱۳
۳۶:۳۰	سال ۴	ویفر و آدامس، چسب زخم	چهارم ابتدایی	۱۰	مهسا	دختر	۱۴

۵-۲. یافته‌های تحلیلی

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده، نقل‌قول‌های دارای مفهوم مرتبط با موضوع استخراج و مفاهیم اصلی از آن‌ها احصا شد. سپس محققان از کنار هم قراردادن مفاهیم مرتبط باهم به مقوله‌های فرعی رسید و درنهایت از به‌هم‌پیوست مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی استخراج شد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۲۳ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی شامل؛ ادراک اقتصایی، ادراک اقتصادی، ادراک اجتماعی، ادراک فردی، ادراک فرهنگی از نگاه مصاحبه‌شوندگان مطرح شدند که گزارش آن به شرح زیر در جداول (۳ و ۴) آورده شده است و پس از توضیحات تک‌تک مقولات فرعی و اصلی مدل نهایی کار در راستای ایجاد مبنای نظری بومی برای تحلیل معنای کار کودکان استخراج گردید که در قالب نمودار ۲ در انتهای بخش یافته‌های تحقیق آورده شده است:

جدول (۳): مفاهیم و مقوله‌های فرعی مستخرج از مصاحبه

مفهوم	مقوله‌های فرعی	ردیف
سکونت در استان‌های مجاور پایتخت، سکونت در مناطق جنوبی و پایین شهر تهران، سکونت در استان تهران، مهاجر کشورهای مجاور، مهاجرت خانوادگی به علت درآمد پایین، مهاجرت - فوت پدر، کمک سرپرست، عدم امنیت در خانه توسط والدین کودکان، شرایط خانوادگی	وضعیت اقتصادی - اجتماعی - خانوادگی کودکان کار مترو	۱

ردیف	مقوله‌های فرعی	مفهوم
۲	تجربه کاری در مترو، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری با کار	رضایت در کار - عدم خجالت، اجبار به کار در مترو، عدم وجود محدودیت مهارتی کار در مترو، آینده کاری در مترو، نارضایتی درآمد و ساعت کاری در شغل قبلی، باندبازی در کار مترو، راحت بودن کار در مترو نسبت به کار بیرونی، سوءاستفاده توسط والدین - کار بهتر، کسب درآمد کار مترو، کسب روزی حلال در کار مترو فقر
۳	رفتارهای حمایتی و اقتصادی، جامعه، نیازهای مالی، مسئولیت‌پذیری	سرپرست خانواده، نیاز مالی خانواده به درآمد کودک، بدسرپرستی کودکان، ضعف فرهنگی - اقتصاد خانواده، کمک سرپرست خانواده، کار کردن از روی نیاز و اجبار
۴	جامعه‌پذیری، تعاملات بین فردی (تعامل با مسافران، مأموران، چالش‌های کاری کودکان کار (مترو)	برخورد مناسب مسافران، رابطه صمیمانه با همکاران، احساس تملک شغلی سابقه‌دارها، نداشتن اعتماد به همکاران، برخورد بد در محیط کار، طیفی بودن برخورد بد و خوب مسافران، تذکر و مراقبت مأموران از کودکان کار، توهین کلامی و خشونت مأموران مترو، احساس امنیت و آرامش داخل قطار، احساس و نیاز به توجه و دیده‌شدن، سوءاستفاده جنسی در محیط کار مترو
۵	سازگاری فرهنگی، آگاهی از تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی، نقش کار کودکان در هویت یابی	رابطه صمیمانه با همکاران، نداشتن اعتماد به همکاران، فقر فرهنگی - عدم هراس از رقبای، کسب درآمد، فرهنگ برخورد کودکان کار، قوانین در مورد کار کودکان، احساس ترحم در کار کودکان، احساس امنیت و آرامش داخل قطار، احساس و نیاز به توجه و دیده‌شدن، سوءاستفاده جنسی در محیط کار مترو
۶	تأثیر کار بر کودکان (آرزوها و اهداف کودکان کار مترو)	احساس بد از کار کردن، آینده کاری، آینده‌نگری کودکان، آرزوهای کودکان،

مفهوم	مقوله‌های فرعی	ردیف
احساسات و تجربیات، احساسات و آرزوها، احساسات و آرزوها (تضاد)		

جدول (۴): مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی مستخرج از مصاحبه

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	ردیف
اقتصادی - خانوادگی، اجتماعی - خانوادگی، اجتماعی - محیطی، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری با کار	ادراک اقتضایی	۱
رفتارهای حمایتی و اقتصادی خانواده، نیازهای مالی، دستمزد مکفی، مسئولیت‌پذیری مالی	ادراک اقتصادی	۲
حمایت‌های اجتماعی کودکان کار مترو، جامعه‌پذیری، تعاملات بین فردی (تعامل مأموران، چالش‌های کاری)، تعاملات بین فردی (تعامل مسافران)	ادراک اجتماعی	۳
تجربه کار در مترو، عدم نیاز به تخصص و مهارت خاص، تجربیات پیشین کار، سوءاستفاده از کودکان، تأثیر کار بر کودکان، محدودیت‌های آموزشی، اهداف و آرزوها	ادراک فردی	۴
بستر فرهنگی خانواده، نقش کار در هویت‌یابی کودکان، احساس تعلق هویتی به محیط کار، آگاهی از تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی	ادراک فرهنگی	۵

۵-۳. تحلیل یافته‌ها

تحلیل و بررسی مقولات فرعی و اصلی پژوهش در قالب پاسخ به سئوالات پنجگانه پژوهش انجام شده است که در ادامه به‌طور مبسوط بررسی شده است.

پاسخ به سؤال اول پژوهش: نحوه ادراک اقتضایی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟

از نظر مصاحبه‌شوندگان مواردی مشمل بر؛ انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری با کار، وضعیت اجتماعی - محیطی، وضعیت اجتماعی - خانوادگی، وضعیت اقتصادی و خانوادگی ادراک اقتضایی درک کودکان از کار را نشان می‌دهند، این مفاهیم در ادامه با توضیح بیشتری ارائه شده است.

وضعیت اقتصادی خانواده: در بین کودکان کار مترو تنوع چندانی در وضعیت اقتصادی - اجتماعی و خانوادگی آن‌ها دیده نمی‌شد و وضعیت اقتصادی تمام کودکان کار مورد مطالعه ضعیف بود، در چند سال اخیر با افزایش تورم فقر در جامعه افزایش و نمود بیشتری یافته است و شاهد حضور کودکانی هستیم که برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی خود به کار فروش انواع کالاها در مترو می‌پردازند. فقدان سرپرست خانوار دارای صلاحیت نقش مؤثری در بروز پدیده کودکان کار داشته است، این شرایط منجر به ادراک و دیدگاه اجباری از کار در بین کودکان شده است. گزیده (۱): بابام معتاده و بیکار است و وضع مالی خوبی نداریم (مهدی).

گزیده (۲): از وقتی پدر و مادرم از هم جدا شدن، من باید خرج خانواده رو تأمین کنم (حسن).

وضعیت اجتماعی خانواده: بسیاری از کودکان کار مترو به دلیل درآمد پایین خانواده و مشکلات اجتماعی خود از شهرستان‌های دیگر به تهران مهاجرت کرده و در مناطق حاشیه‌ای و جنوبی شهر به‌سختی زندگی می‌کنند، همچنین کودکان مهاجر اتباع نیز به‌خاطر اجبار و نیاز در کمک‌رسانی در مخارج زندگی به کار در مترو مشغول هستند. کودکان کار نتیجه مهاجرت از روستاها به شهرها و تبعات آن، از جمله فقر و حاشیه‌نشینی و تغییر ساخت خانواده می‌باشد که در این حالت کودکان کار حاصل به حاشیه رانده شدن خانواده‌های حاشیه‌نشین است (آلیسون و دیگران، ۱۳۹۳). رانده شدن از خانواده و حاشیه‌نشینی بودن، باعث شده است ادراک این کودکان به کار، حس تعلق و وابستگی و حتی حس هویت‌یابانه داشته باشد. گزیده (۱): گلشهر کرج زندگی می‌کنم و کار برای من همه‌چیز است (کد ۱).

گزیده (۲): ۵ سال پیش که پدرم فوت شد، از مشهد با مادرم به تهران آمدم تا زندگی‌مان بچرخد (کد ۱۰).

گزیده (۳): اصالتاً افغانستانی (پدر و مادرم) هستم ولی متولد و بزرگ شده ایران هستم و برای کمک به خانواده مجبورم کار کنم (کد ۳).

گزیده (۴): چندین ساله از افغانستان مهاجرت کردیم به ایران و برای زندگی باید کار کنیم (کد ۵).

انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری با کار: کودکان کار مترو تهران چون باید خودشان را با شرایط مختلف محیطی، انسانی و اقتصادی تطبیق بدهند، انعطاف‌پذیری بالایی در کار مترو و درک از کار خود پیدا کرده‌اند. کودکان کار به دلیل مواجهه مداوم با شرایط

ناپایدار و طاقت‌فرسا، مهارت‌های ویژه‌ای پیدا می‌کنند. آن‌ها به سرعت می‌توانند در مواجهه با مشکلات اقتصادی یا اجتماعی، تصمیمات مقتضی بگیرند و مسیر مناسبی پیدا کنند. بنا به شرایط کار و نیازهای متغیر، کودکان کار مهارت زیادی در یادگیری سریع پیدا می‌کنند، در نتیجه این امر در پذیرش و ادراک کار آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد از سوی دیگر شرایط و محیط کاری امن مترو از دیدگاه کودکان کار مترو باعث شده است تا کودکانی که مهارت خاصی ندارند و برای اینکه کمک خرج خانواده باشند، در مترو به کار بپردازند. شرایط امن کسب‌وکار کودکان کار مترو، نگرش، ادراک، احساس و تجربه مثبتی نسبت به کار در آن‌ها ایجاد می‌کند و در نتیجه کار را عاملی در جهت مهارت آموزی و ارتقای توانایی‌های خود می‌دانند.

گزیده (۱): اکثر مسافران، دیگر من را می‌شناسند و با من سلام و احوالپرسی می‌کنند و مشتری‌های ثابتم شده‌اند من کارمو خوب بلدم (کد ۱).

گزیده (۲): من بلدم کار کنم آنقدر پا فشاری می‌کنم که از من بخرند مامانم دعوا می‌کنه نفروشم (کد ۹).

گزیده (۳): من که مهارتی در هیچ کاری ندارم کار دیگری به جز مترو باقی نمی‌ماند (کد ۸).

گزیده (۴): کار مترو خوبه؛ چون اینجا برایم امنیت دارد و سختی‌های کار در محیط‌های بیرون از مترو را برایم ندارد (کد ۱۱).

پاسخ به سؤال دوم پژوهش: نحوه ادراک اقتصادی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟

از نظر مصاحبه‌شوندگان، عموماً کار به‌عنوان یک منبع اصلی درآمد و تأمین‌کننده نیازهای مالی خانواده درک می‌شود. فقر کودکان را به محیط کار می‌کشاند و درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده‌اش ضروری است، این مفهوم در ادامه در قالب مقولات فرعی بیشتری بررسی شده است.

رفتارهای حمایتی و اقتصادی خانوادگی: نظریه فقر اسکار لوییس (۱۹۹۹) به بی‌سرپرستی و رهاشدگی کودکان کار از سوی خانواده اشاره دارد. نتایج مطالعه نشان داد جبر زمانه نقش کودکان را افزایش داده و علاوه بر ایفای نقش کودکی، نقش نان‌آور خانواده را به دوش می‌کشند در این شرایط کار کردن کودکان افتخار محسوب می‌شود و این امر به ارزش‌گذاری کار می‌انجامد و دیدگاه مثبتی از کار اجباری در نزد کودکان شکل می‌گیرد.

گزیده (۱): راستش من از وقتی حدوداً ۷ سالم بود به خانواده‌ام کمک می‌کنم. پدر و مادرم نمی‌تونن کار کنند و من مجبورم کار کنم (کد ۱).

گزیده (۲): مامانم میگه پول مترو پول حلال هست دزدی که نمی‌کنیم (کد ۱۱).
نیازهای مالی: مسئله اقتصادی و تأمین نیازهای مالی مهم‌ترین مسئله‌ای بود که این گروه از کودکان با آن مواجه بودند و نیاز به درآمد حاصل از کار، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی کودکان بود. آنان از هر فرصتی برای کسب درآمد استفاده می‌کردند، از نظر اکثریت کودکان ادراک از کار با مفهوم رفع نیازهای مالی و منبع کسب درآمد محسوب می‌شد.

گزیده (۱): مجبورم کار کنم چون خرج خونه میدم (کد ۷).
 گزیده (۲): مجبورم بیام کار کنم باید تو این دوره‌زمونه کار کرد پول درآورد (کد ۱۲).
 دستمزد مکفی؛ کار در مترو هرچند مشکلاتی دارد و منزلت اجتماعی اش پایین است اما حداقل از نظر درآمد رضایت بخش تر از دیگر مشاغل است و همچنین با کم‌وزیاد کردن زمان و فعالیت و مهارت در تبلیغ و... کودکان می‌توانستند درآمد خود را افزایش دهند.

گزیده (۱): از درآمدم راضی هستم و ماهانه بین ۵ تا ۷ میلیون تومان درآمد دارم، اگه بیشتر تلاش کنم بالاتر میره (کد ۱۰).
 گزیده (۲): چون تعداد مسافران زیاد است و همه بچه‌ها به راحتی می‌توانند پول به دست بیاورند (کد ۸).

مسئولیت‌پذیری مالی: یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های کودکان کار، کمک به تأمین معیشت خانواده بود، کودکان با فروش کالاهای کوچک یا انجام خدمات، به خانواده‌های خودشان در برآوردن نیازهای اساسی کمک می‌کردند. بیکر^۱ (۱۹۹۳) در نظریه رفتار اقتصادی خانواده بیان می‌کند که خانواده‌ها در شرایط اقتصادی پایین‌ترین ممکن است از کودکان خود برای کمک به درآمد خانواده استفاده کنند.

گزیده (۱): علاوه بر خرج خانه و کرایه خانه، باید داروهای سرطان سینه مادرم را هم بخرم (مهسا).

کودکان کار معمولاً به یکدیگر کمک می‌کنند تا به قواعد نانوشته محیط کار آشنا شوند، یادگیری بهترین زمان‌ها و مکان‌ها برای فروش در مترو و همچنین یادگیری نحوه برخورد با نیروهای امنیتی بخشی از تعاملات آنان بود که بخش مهمی

از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مالی آن‌ها بود.

گزیده (۱): من بلد کارم، کاری به مأموران و مسافران ندارم، می‌دونم وقتی در قطار باشیم مأموران کاری با ما ندارند (کد ۱۳).

پاسخ به سؤال سوم پژوهش: نحوه ادراک اجتماعی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟

از نظر مصاحبه‌شوندگان، ادراک اجتماعی کودکان از کار، تحت تأثیر قضاوت‌ها و نگرش‌های جامعه قرار می‌گیرد، درک اجتماعی منفی یا مثبت از کار، از تعاملات آن‌ها با مسافران، مأموران و حتی وابستگی به محیط کار و دور شدن از خانواده ایجاد برمی‌خیزد که توضیح ابعاد این مورد در ادامه ذکر می‌شود.

منبع حمایت اجتماعی: کودکان کار مترو تهران نوزاد نارس زندگی نوین هستند، کار در نزد کودکان مترو از سر ناچاری و برای بر خورداری از یک زندگی حداقلی است. این کودکان در نتیجه کودکانه‌شدن بخش غیررسمی اقتصاد و در نتیجه بیماری والدین یا بد سرپرستی مسئولیت مخارج زندگی عهده‌دار شده‌اند و راهی جز کار کردن در مترو نیافته‌اند و از این منظر در واقع ادراک کودکان از کار به‌عنوان پناهگاهی برای تأمین مخارج محسوب می‌شود.

گزیده (۱): مجبور باشم به کارم ادامه می‌دهم اوضاع اقتصادی داغونه (کد ۴).

گزیده (۲): مجبورم پیام کار کنم باید تو این دوره نمونه کار کرد (کد ۱۲).

جامعه‌پذیری: کودکان کار مترو در تعاملات روزانه با افراد مختلف جامعه، مهارت‌های اجتماعی خودشان را تقویت کرده و به دلیل تجربه مستقیم از شرایط سخت، درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی و اقتصادی و کار دارند.

گزیده (۱): اکثر مسافران، دیگر من را می‌شناسند و با من سلام و احوالپرسی می‌کنند و مشتری‌های ثابتم شده‌اند (کد ۱).

گزیده (۲): با بعضی از بچه‌ها حتی بزرگ‌ترها هم دوست شده‌ام (کد ۲).

گزیده (۳): تازه واردان باید بفهمند این محدوده کاری منه (کد ۳).

از سوی دیگر تونل‌های زیرزمینی مترو این اجازه را به بهره‌کشان متخلف می‌دهد که کودکان را به‌دست‌فروشی، تکدی‌گری و حتی سرقت از مسافران بگمارند این امر درک نادرستی از مفهوم کار در ذهن کودکان می‌سازد.

گزیده (۱): فروشنده‌های بزرگ‌تر قدیمی، کودکان را خیلی اذیت می‌کنند گاهی پولشونو می‌گیرند (کد ۱۳).

تعاملات بین‌فردی با مأموران: چالوفسکی^۱ (۲۰۱۰) در مورد معناداری محل کار اشاره به نقش افراد می‌کند و راه و روش بیان معنا و مقصد افراد از زندگی به واسطه فعالیت‌ها (کار) که بخش عمده‌ای از ساعات کاری روزانه آن‌ها را تشکیل می‌دهند، را توضیح داده است. کودکان کار مترو در تعاملات خود با مأموران مترو دچار چالش‌های ناخواسته و بسیار زیادی بودند؛ برخی از مأموران می‌ترسیدند و برخی نسبت به آن‌ها نگرش مثبتی داشتند.

گزیده (۱): با وساطت خانمی که مأمور نیروی انتظامی بود، توانستم وسایلمو را پس بگیرم (کد ۱۰).

گزیده (۲): برخورد مأموران با ما خیلی بد است و به ما فحش می‌دهند و بی‌احترامی می‌کنند (کد ۷).

گزیده (۳): مأموران مترو، برخورد بدی ندارند و فقط به ما تذکر می‌دهند که روی سکوها نباشیم و در رفت‌وآمد مسافران مشکل ایجاد نکنیم (کد ۲).

تعاملات بین فردی با مسافران: کودکان کار مترو که نسبت به شغل و محیط مترو نگاه مثبت داشتند رابطه و برخورد مثبتی نسبت به مسافران داشتند؛ اما کودکان کار مترو که ناراضی و سرخورده بودند از مسافران احساس ناراضیتی می‌کردند. به هر حال نتایج گزارش کودکان حاکی از رفتار سینه‌بوسی مسافران با کودکان کار بود.

گزیده (۱): در کل برخورد مردم با ما، یا خیلی خوب است یا خیلی بد؛ سرمان داد می‌زنند یا با ما مهربان هستند (کد ۱۱).

پاسخ به سؤال چهارم پژوهش: نحوه ادراک فردی کودکان کار متروی تهران از کار چگونه است؟

از نظر مصاحبه‌شوندگان، ادراک فردی و تجربی کودکانی که در مترو کار می‌کنند، می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی شکل بگیرد. برخی از آن‌ها کار را به‌عنوان فرصتی برای توسعه مهارت‌ها و یادگیری در نظر می‌گیرند، درحالی‌که دیگران آن را مانعی برای تحقق آرزوها و هویت شخصی خود محسوب می‌کنند. توضیح این بُعد در ادامه آورده شده است.

عدم نیاز به تخصص و مهارت: کودکان مترو با توجه به این امر که کار در مترو نیاز به مهارت خاصی ندارد، از این کار استقبال می‌کردند و در گفته‌های خود مهم‌ترین مزیت کار در مترو را عدم نیاز به تخصص اعلام کردند.

1. Chalofsky

- گزیده (۱): من که مهارتی در هیچ کاری ندارم کار دیگری به جز مترو باقی نمی ماند (کد ۸).
- گزیده (۲): کار بهتری که برای من پیدا بشه نمیرم، کارکردن در مترو خوبه و مزایای بیشتر و بهتری داره (کد ۷).
- استقلال کاری:** مزیت دیگری که کودکان بیان کردند؛ نداشتن کارفرما، مسئول و یا هر مرجعی بود که نیاز به پاسخگویی بدان باشند. به گفته کودکان استقلال کامل و برتری نسبت به شغل قبلی منجر به ادراک مثبت فردی کودکان نسبت به کار در مترو شده بود.
- گزیده (۱): قبل از اینکه در مترو کار کنم، توخیابون‌ها زباله‌گرد (کاغذ و شیشه) بودم، اما خوب نبود مترو نسبت به اونجا بهتره (کد ۵).
- گزیده (۲): قبل از اینکه به مترو بیایم در یک کارگاه ابریشم بافی کار کردم، اما چون حقوقش برایم کافی نبود و در طول روز مدت زمان زیادی را هم باید کار می‌کردم، بابام اومد تو مترو آوردم (کد ۳).
- گزیده (۳): قبل از اینکه به مترو بیایم با مادرم تو ترمینال گدایی می‌کردم (کد ۹).
- سوءاستفاده از کودکان:** بر اساس نتایج پژوهش ادراک فردی کودکان کار مترو در اکثر مواقع مناسب نبود و تعدادی از کودکان موارد مختلفی از؛ برخوردهای نامناسب و آزارها مسافران و سایر فروشندگان و حتی سوءاستفاده جنسی گزارش کردند.
- گزیده (۱): مسافران به ما خوراکی می‌دهند ولی از ما خرید نمی‌کنند (کد ۱۲).
- گزیده (۲): تو قسمت مردها کمتر میرم چون چند بار منو اذیت کردند (کد ۹).
- گزیده (۳): مجبورم به اصغر آقا جواب پس بدهم مگه دست خودم است اذیت می‌کنه (کد ۱۳).
- محدودیت‌های آموزشی:** نتایج مصاحبه با کودکان نشان داد بسیاری از کودکان کار مترو به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به ترک تحصیل شده بودند یا اصلاً فرصت تحصیل نداشتند، این مانع از دسترسی آن‌ها به آموزش می‌شود که یکی از پایه‌های اصلی جامعه‌پذیری و عدالت اجتماعی است.
- گزیده (۱): دوست دارم درس بخونم؛ اما نمی‌تونم (کد ۱۲).
- گزیده (۲): من سواد ندارم نگذاشتند درس بخونم (کد ۳).
- آرزوهای نامعلوم:** عدم دسترسی کودکان به فرصت‌های برابر در جامعه و عدم قوانین کافی و محکم برای حمایت از آنان و اجرای این قوانین، باعث می‌شود تمام این

محدودیت‌ها، در آمال و آرزوهای این کودکان منعکس داده می‌شود. اکثر کودکان علاقه مناسبی نسبت به آموزش و تحصیلات نشان می‌دادند و این حاکی از این است که لازم است متولیان امر در این زمینه توجه و عنایت بیشتری داشته باشند.

گزیده (۱): مدرسه می‌خواهم برم نمی‌زارند (کد ۴).

گزیده (۲): من مدرسه میرم می‌خوام برای خودم مهندس بشم (کد ۱۲).

گزیده (۳): بابام میگه درس چیه (کد ۱۱).

گزیده (۳): آرزو دارم که روزی بتونم نقاش معروفی بشم و دیگه نیازی به کار توی خیابون نباشه (کد ۱۰).

گزیده (۴): آرزوی من اینه روزی بشم معلم، تا بتونم به بچه‌ها کمک کنم بهتر و راحت‌تر زندگی کنن (کد ۱۴).

پاسخ به سؤال پنجم پژوهش: نحوه ادراک فرهنگی کودکان کار مترویی تهران از کار چگونه است؟

ادراک فرهنگی کودکان کار مترو، نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی است که با توجه به تنوع برخوردها و تعاملاتی که این کودکان با افراد مختلف در محیط کار و بستر فرهنگی جامعه و خانواده دارند، شکل می‌گیرد و این ادراک فرهنگی بر فعالیت‌های و برداشت این کودکان از کار مترو تأثیرگذار می‌باشد که در ادامه بررسی شده است.

انتظارات خانواده: انتظارات خانواده شامل نگرش‌ها، انتظارات، تجربیات مشترک، شرایط اقتصادی و... است که ذهنیت کودکان را نسبت به کار شکل می‌دهد. نتایج مطالعه نشان داد خانواده‌های کودکان کار را امری طبیعی و ضروری برای کودکان می‌دانند و این نگرش ممکن است کودکان را به پذیرش و ارزش‌گذاری به کار تشویق کند و معنای کار در نظر این کودکان مثبت محسوب شود.

گزیده (۱): مامانم میگه پول حلال هست، دزدی که نمی‌کنیم (کد ۱۱).

نقش کار در هویت‌یابی کودکان: نتایج پژوهش نشان داد تجربه کار در مترو به کودکان کار کمک می‌کند تا هویت اجتماعی خودشان رو پیدا کنند. آن‌ها به‌واسطه برقراری ارتباط با افراد مختلف و دیدن تنوع رفتارها، شروع به شناختن و تعریف کردن خودشان در برابر دیگران می‌کنند. هر بار که کودک کاری در مترو موفق به فروش محصولاتش می‌شود یا حمایت و تحسین مسافران رو به‌دست می‌آورد، اعتماد به نفسش تقویت می‌شود. این تجربه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت قوی‌تر و

- مثبت‌تر در صورت موفقیت و هویت ضعیف‌تر و منفی‌تر در صورت عدم موفقیت دارند. گزیده (۱): دوست دارم کار کنم پولدار بشم کل خانواده‌ام عوض بشه (کد ۲).
- احساس تعلق هویتی به محیط کار:** بر اساس نتایج پژوهش، کودکان کار مترو با وجود تمام سختی‌ها، معمولاً احساس تعلق به محیط کاری خودشان داشتند. این حس تعلق به کودکان کمک می‌کند تا بخشی از هویت خود را بر اساس این تجربه‌ها بسازند و از نظر روانی گاهی این ادراک از کار اشکال متفاوت و متضادی به خود می‌گیرد.
- گزیده (۱): حقیقتش کار سخته دوست دارم به مدرسه برم و بازی کنم، ولی مجبورم کمک کنم. بعضی وقتا خوشحال می‌شم که می‌تونم به خانواده کمک کنم، ولی دوست داشتم زندگی دیگه‌ای داشته باشم (کد ۸).
- گزیده (۲): خیلی کار خسته‌کننده‌ایه، ولی از این که به خانواده کمک می‌کنم یه جورایی احساس خوبی دارم (کد ۱۳).
- گزیده (۳): بعضیا خوب برخوردار می‌کنن، ولی خیلیا انگار منو نمی‌بینن (کد ۲).
- تجارب ناخوشایند:** نتایج پژوهش نشان داد کودکان کار مترو در شرایطی قرار می‌گیرند که ممکن است شامل تجربیات ناخوشایند و تروماهای روانی باشد، این موقعیت‌ها می‌توانند تأثیر منفی بر رشد هویتی و اجتماعی و توانایی کودکان در برقراری روابط سالم اجتماعی داشته باشد. کودکان در محیط‌های کاری غیررسمی و اغلب نامطمئن قرار دارند و در نتیجه ادراک متفاوتی برای آن‌ها به وجود می‌آید و این امر می‌تواند شامل تجربیات ناخوشایند و اثرهای منفی بر روی رشد روانی اجتماعی و توانایی آن‌ها برای برقراری روابط سالم اجتماعی باشد.
- گزیده (۱): همه کودکانی که تو مترو کار می‌کنند خوب نیستند و نمی‌شود به آن‌ها اعتماد کرد (کد ۷).
- گزیده (۲): اگه بابام بود من کار نمی‌کردم (کد ۱۴).
- گزیده (۳): دوست دارم مثل بقیه هم کار کنم و هم درس بخون هم بازی کنم (کد ۶).



شکل (۲): مدل نهایی پژوهش

نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف بررسی ادراک معنایی کار از منظر کودکان کار مترو گروه سنی (۹ تا ۱۵ سال) در شهر تهران انجام شد، پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج مصاحبه با روش تحلیل تم (مضمون) و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به مقوله‌های فرعی و تلفیق آنها، به ۵ مقوله اصلی و ۲۰ مقوله فرعی دست یافتیم و مقوله‌های ادراک اقتصادی، ادراک اقتصادی، ادراک اجتماعی، ادراک فردی و ادراک فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین مقولات مطرح شدند.

با توجه به نتایج پژوهش، ادراک اقتصادی کودکان کار مترو تهران بر این واقعیت

تأکید دارد که شناخت و تجربیات کودکان از کار مترو نمی‌تواند به‌صورت جداگانه و انتزاعی بررسی شود بلکه ادراک آن‌ها از کار بستگی به زمینه‌ها و شرایط خاص اجتماعی مانند: (مهاجرت)، اقتصادی (مایحتاج خانواده، فقر)، فردی (تطبیق دادن خود با محیط کار) و خانوادگی (فقدان یا فوت یا بد سرپرست داشتن خانواده) دارد که گاهی این اقتضا و اجبار از دست کودکان خارج است. در واقع می‌توان در مورد شرایط اجتماعی کودکان به نظریه مهاجرت تودارو^۱ (۱۹۶۹) اشاره کرد که بیان می‌کند دو شاخص مهم توسعه یعنی بیکاری و اشتغال (فقر اقتصادی) در یک مکان را بر مهاجرت افراد تأثیرگذار می‌داند و با افزایش احتمال کارایی در یک مکان افراد میل بیشتری به مهاجرت به آن مکان پیدا می‌کنند که اشاره به مهاجر بودن اکثر این کودکان در مترو تهران دارد. این بخش از یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۵) همسو بوده است. همچنین صالحی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در بررسی خود نیز از کودکان مترو نشان دادند که تقریباً اکثریت غالب کودکان کار در متروی تهران شامل خانواده‌هایی هستند که در مناطق محروم و حاشیه‌ای تهران ساکن هستند. همچنین اونق و همکاران (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود در مورد کودکان کار به شرایط اقتضایی این کودکان مانند: اعتیاد، نداشتن امنیت مالی، خشونت خانوادگی، مهاجرت، وضع بد اقتصادی اشاره می‌کند. این نتایج اشاره به شرایط زمینه‌ای برای اجبار کار کردن کودکان و در نتیجه تأثیر آن‌ها بر ادراک از کار دارد؛ بنابراین بهتر است، نتایج و تحلیل‌ها در بستر و با توجه این پیچیدگی‌ها انجام شود تا بتوان به بهبود واقعی شرایط زندگی و کاری این کودکان کمک شود.

در بحث مربوط به ادراک اقتصادی می‌توان نتیجه گرفت کودکان کار در مترو تهران عموماً کار را به‌عنوان یک منبع اصلی درآمد و تأمین‌کننده نیازهای مالی خانواده‌های خود درک می‌کنند، این ادراک نه‌تنها بر انتخاب‌های شغلی بعدی آن‌ها تأثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند فشارهای روحی و اجتماعی (مسئولیت‌پذیری مالی در سن کم) قابل توجهی را نیز بر آن‌ها وارد کند. این کودکان به‌واسطه این فهم اقتصادی (که بالاجبار کار کنند) ممکن است از فرصت‌های تحصیلی و دیگر فعالیت‌های توسعه‌دهنده محروم شوند. این بخش از یافته‌های پژوهش با نتایج نظریه فقر لوئیس (۲۰۱۶) که به بی‌سرپرستی و رهاشدگی این کودکان از سوی خانواده‌های

1. Todaro

آنان اشاره دارد، همسویی دارد. وی معتقد است فرهنگ فقر و نیازهای مالی با ویژگی‌هایی مانند: تقدیرگرایی، نامیدی، پرخاشگری، درماندگی، وابستگی، خودکم‌بینی و گریزناپذیری فقر مشخص می‌شود. به‌طور کلی می‌توانیم به این مطلب اشاره کنیم که فقر و مسائل مهم‌ترین عامل ادراک اقتصادی این کودکان می‌باشد که آن‌ها را به محیط کار و درک کار کردن می‌کشاند؛ زیرا درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده اش ضروری است.

در بحث مربوط به ادراک اجتماعی می‌توان بیان کرد نظریه جامعه‌پذیری کودکان، بر این موضوع دلالت می‌کند که کودکان، فرهنگ گروه‌های انسانی را که خود را درون آن می‌یابند قبول می‌نمایند و به تدریج آن را جذب و کسب می‌کنند و به سمت اجتماعی شدن حرکت می‌کنند (آلیسون و دیگران، ۱۳۹۳). ادراک اجتماعی کودکان کار مترو تهران، تحت تأثیر قضاوت‌ها و نگرش‌های جامعه و محیط مترو قرار می‌گیرد، آنان ممکن است خود را بخشی از جامعه‌ای مؤثر و مسئول بدانند؛ اما به دلیل تبعیض و ننگ اجتماعی، ممکن است با چالش‌هایی در اجتماعی شدن خود روبه‌رو شوند. در تطابق با این یافته چالوفسکی (۲۰۱۰) در مورد معنای کار می‌گوید: معناداری محل کار به احساس تعلق فرد مربوط می‌شود و ناشی از رابطه اجتماعی با افراد دیگر است و بر تعهد، وفاداری و فداکاری متمرکز می‌شود که در محل کار ایجاد می‌شوند. این اجتماعی شدن امکان دارد از بین تعاملات کودکان کار مترو با مسافران، مأموران و حتی وابستگی به محیط کار و دور شدن از خانواده ایجاد شود. به‌عنوان یک راهبرد بسیار مهم در امر سیاست‌گذاری اجتماعی لازم است بیان شود آگاهی‌رسانی و افزایش حس همدلی از سوی جامعه و محیط کاری کودکان کار (تعاملات و ارتباطات با مسافران، مأموران و...) می‌تواند به ادراک درست این کودکان از کار کمک کند.

در تطابق با ادراک فردی کودکان کار مترو تهران به نکته از منظر مورین^۱ (۲۰۰۸) می‌توان اشاره کرد که بیان می‌کند کارزمانی برای افراد در محیط معنادار تلقی می‌شود که کیفیت زندگی کاریشان را بهبود یا عدم بهبود بخشد. ادراک فردی و تجربی کودکانی که در مترو کار می‌کنند، می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی شکل بگیرد. برخی از آن‌ها ممکن است کار را به‌عنوان فرصتی برای توسعه مهارت‌ها و یادگیری در نظر بگیرند. لویس (۱۳۹۴) بیان می‌کند محیط کار می‌تواند از طریق به‌کارگیری توانمندی‌های

1. Morin

افراد، ارائه تقویت مثبت و ایجاد تجربه غرق شدن در کار، باعث افزایش معناداری مثبت در کار افراد شود. همچنین عده‌ای از کودکان، کار مترو را مانعی برای تحقق آرزوها و هویت شخصی خود می‌دیدند و درک منفی نسبت به کار داشتند. این بخش از یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات مورد مقدم و همکاران (۱۴۰۱) تطابق دارد. آنان در بررسی خود به پیامدهای فردی اجتماعی کار کودک در خیابان به‌عنوان هسته اصلی شکل‌گیری آن‌ها اشاره کرده‌اند. در نتیجه توجه و آگاهی به احساسات و نیازهای فردی این کودکان می‌تواند به طراحی برنامه‌های بهتری برای حمایت از آن‌ها منجر شود.

بر اساس نتایج پژوهش، ادراک فرهنگی این کودکان تحت تأثیر عمیق فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی است که با توجه به تنوع برخوردها و تعاملاتی که آن‌ها با افراد مختلف (محیط کار مترو) و بستر فرهنگی جامعه (نادیده‌گرفتن حقوق اولیه این کودکان) و خانواده (کار کردن در سنین پایین به‌عنوان یک امر عادی) دارند، شکل می‌گیرد، این ادراک فرهنگی بر فعالیت‌ها و برداشت این کودکان از کار مترو تأثیرگذار می‌باشد. این امر با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی منطبق است که بر اساس این نظریه کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اقشار تهی‌دست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین هستند که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی با شرایط موجود انطباق یابند. این بخش از یافته‌های پژوهش با یافته‌های مطالعات اونق (۱۴۰۲) و رزاریو و بونگا (۲۰۲۰) تطابق داشته و همسو و هم‌جهت می‌باشد.

به‌طور کلی ادراک معنایی کودکان کار مترو شهر تهران تحت تأثیر تجربیات روزمره، چالش‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آنان شکل می‌گیرد. این ادراک به ما این امکان را می‌دهد تا آگاهی بیشتری درباره نیازها و نگاه‌ها آن‌ها پیدا کنیم و سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثرتری برای حمایت از کودکان کار تدوین شود.

این پژوهش نیز همانند پژوهش‌های دیگر با برخی از محدودیت‌ها روبه‌رو بود. در این پژوهش، دسترسی به برخی از کودکان کار به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی آن‌ها دشوار بود. پژوهش در یک بازه زمانی معین و در محدوده مترو ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، تفاوت در نحوه بیان و درک کودکان از تجربیاتشان نیز می‌تواند بر نتایج تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. با توجه به این که صرفاً اطلاعات مربوط به کودکان کار متروی تهران مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر کودکان کار (خیابانی، کارگاهی، کشاورزی و...) بایستی با احتیاط صورت پذیرد.

چالش‌های متعددی کودکان کار مترو نیازمند اتخاذ راهبردهای و پیشنهادهای

است که از طریق این راهبردها می‌توانند به متولیان امر در این زمینه کمک نمایند، این راهبردها شامل مواردی از قبیل؛ ایجاد کارزارهای اجتماعی برای ترویج فرهنگ دیده‌شدن کار کودکان و تأکید بر حقوق آنها، سازمان‌دهی گروه‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی برای حمایت از کودکان کار و حمایت از خانواده‌های آنها از جمله راهبردهای اجتماعی و فرهنگی کودکان کار مترو می‌باشند که می‌توان به طرق مختلف نسبت به اجرای آنها اهتمام داشت. ازسوی دیگر اجرای مؤثر قوانین و مقررات مربوط به کار کودکان و تزریق اعتبار کافی به سامانه‌های نظارتی، ارائه مشاوره حقوقی و حمایتی برای کودکان کار و خانواده‌های آنها از طریق رسانه و... می‌تواند از منظر راهبردهای قانونی مسئله کودکان کار را مورد توجه جدی قرار داد.

در زمینه راهبردهای اقتصادی برای کودکان کار مترو می‌توان نسبت به تسهیل ورود به بازار کار برای والدین به منظور کاهش فشار مالی بر خانواده و جلوگیری از به‌کارگیری کودکان اشاره کرد، همچنین ارائه کمک‌های مالی موقت به خانواده‌هایی که به دلیل کار کودک، تحت فشار اقتصادی هستند می‌تواند از غیرضروری بودن کار کودکان مترو جلوگیری نموده و به‌عنوان یک راهبرد حمایتی از حقوق کودکان کار مترو حمایت نماید.

ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی برای کودکان کار به منظور کمک به آنها در مدیریت احساسات منفی و تقویت خودارزشی، سازمانده برنامه‌های تفریحی و سرگرمی برای کودکان کار به‌منظور بهبود سلامت روانی و ایجاد تجربیات مثبت، از جمله راهبردهای بهبود و مراقبت روانی را شامل می‌شود که می‌تواند به آگاهی کودکان کار متروی تهران کمک کند و همچنین از انباشت خشم نهفته در آنان نسبت به جامعه جلوگیری نماید. این امر نیازمند توجه بسیار جدی در مطالعات آینده‌نگرانه می‌باشد.

فهرست منابع

- آلیسون، جیمز؛ جنکس، کریس و پروت، آلن (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی درباره دوران کودکی)*. ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی، تهران: ثالث.
- احمدی، علی‌یار؛ میرفردی، اصغر؛ آقایاری هیر، توکل؛ کاروانی، عبدالطیف و دلاور، مریم‌السادات (۱۴۰۰). واکاوی معنایی کودک کار از دیدگاه کارشناسان اجتماعی در کلان‌شهر شیراز. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۳(۱)، ۳۳۹-۳۶۸.
- احمدی، کامیل و دیگران (۱۳۹۸). *بغمای کودکی؛ پژوهشی در باب شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله‌گردی کودکان در تهران*. ناشر انجمن حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد و نوریان نجف‌آبادی، محمد (۱۳۹۱). *تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۴)، ۸۵-۱۰۲.
- اونق، نازمحمد؛ قربانی، علیرضا و سورزهی، مسلم (۱۴۰۲). *جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار (مورد مطالعه: کودکان کار شهرستان مهرستان سیستان و بلوچستان)*. *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال سی و چهارم، ۱۳(۱)، ۶۵-۸۸.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- پیرخندان، پریسا؛ پروین، ستاره و سیاه‌پور، فاطیما (۱۴۰۰). *گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران*. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال هشتم، ۲۸(۲)، ۱۱۵-۱۵۸.
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و شعبان، مریم (۱۳۹۹). *شرق‌شناسی وارونه حقوق کودک با تأکید بر حقوق کودک ایرانی - اسلامی*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۴(۴)، ۹۶۷-۹۹۴.
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۴). *وضعیت کار کودکان کار و خیابان در ایران*. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ۱۹(۱)، ۱۵۵-۱۷۳.
- خواجه نائینی، علی و هاشمی، صفیه سادات (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی سیاست‌های ساماندهی، کودکان خیابانی در ایران*. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰(۳۶)، ۱۴۲-۱۶۲.
- رابینگن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۵). *رویکردهای هفت‌گانه در بررسی مسائل*

اجتماعی. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران. سالنامه آماری ایران (۱۴۰۲). سالنامه آماری ایران. انتشارات مرکز آمار ایران ۱۴۰۲. شارع‌پور، محمود (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.

صالحی، پژمان؛ طاهری‌زاده، علیرضا و عباسی، مریم (۱۴۰۰). رهیافتی به بحران افزایش جمعیت کودکان کار در شبکه مترو و شیوه‌های مقابله مؤثر با آن (مطالعه موردی: کودکان کار متروی تهران). اولین کنفرانس سیره علوی. ۹-۱.

عاشوری، محمدرضا (۱۳۹۰). کودکان رنج و کار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور بجنورد.

عسکری ندوشن، عباس؛ لشگری، احسان و فرامرزیان، سمیه (۱۳۹۵). رابطه شاخص‌های توسعه و مهاجرپذیری شهرستان‌ها در ایران. فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، سال هشتم، (۱)، ۱۲۷-۱۵۲..

قیداری، حمدالله و یاراحمدی، میترا (۱۳۹۹). تحلیلی بر تجربه کار کودکان روستایی: انگیزه‌ها و پیامدهای اشتغال زودرس. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، (۴۱)، ۲۱۱-۲۲۵.

لویس، سارا (۱۳۹۳). روانشناسی مثبت‌گرا: خلق سازمان الهام‌بخش با استفاده از رهبری مثبت‌گرا و توانمند‌کاوی. ترجمه محمد فروهر؛ عبدالرسول جمشیدیان و مریم قانع‌نیا، تهران: انتشارات پتروشیمی تهران.

معارف‌وند، معصومه؛ صادقی، صابره و شجاع، آزاده (۱۳۹۳). رابطه خلاقیت و تاب‌آوری کودکان کار. فصلنامه مددکاری اجتماعی، (۳)، ۱۰-۱۵.

مقدم، محمدحسین؛ ملتفت، حسین و حزوبای، عزیز (۱۴۰۱). کاوشی در فرایند شکل‌گیری پدیده کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز. مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال دوازدهم، (۴۳)، ۱۳۱-۱۵۸.

ملتفت، حسین؛ شهریار، مرضیه و حزوبای، عزیز (۱۴۰۰). تحلیل وضعیت و پیامد عادت‌واره‌های کودکان از کار در خیابان با رهیافت نظریه داده‌بنیاد. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال هفتم، (۲۵)، ۳۱-۷۰.

Adonteng-Kissi, Obed (2018). Causes of child labour: Perceptions of rural and urban parents in Ghana. *Children and Youth Services Review*, (91), 55-65.

Chae-Young Kim & Heather Montgomery (2018). Rural children's work and school education in the context of rapid economic growth in South Korea. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 38(1-2),

- 165-178.
- Chalofsky, N. (2010). Meaningful workplaces: Reframing how and where we work. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Dik, B. J. & Duffy, R. D. (2009). Calling and vocation at work: Definitions and prospects for research and practice. *The Counseling Psychologist*, (37), 424-450.
- Chesney, Thomas; Evans, Keith; Gold, Stefan & Trautrimsa, Alexander (2019). Understanding labour exploitation in the Spanish agricultural sector using an agent based approach. *Journal of Cleaner Production*, (214), 696-704.
- Chukwudeh, Okechukwu Stephen & Akpovire Oduaran (2021). Liminality and Child Labour: Experiences of School Aged Working Children with Implications for Community Education in Africa. *Social Sciences*, 10(3).
- Fairlie, Paul (2011). Meaningful Work, Employee Engagement, and Other Key Employee Outcomes: Implications for Human Resource Development. *Journal of Advances in Developing Human Resources*, 13(4) 508 –525.
- Geldenhuis, M.; Laba, K. & Venter, C.M. (2014). Meaningful work, work engagement and organizational commitment. *Journal of Industrial Psychology*, 40(1), 1–10.
- Geovani, I.; Nurkhotijah, S.; Kurniawan, H.; Milanie, F. & Ilham, R. N. (2021). Juridical Analysis of Victims of the Economic Exploitation of Children Under The Age to Realize Legal Protection From Human Rights Aspects: Research Study At The Office of Social and Community Empowerment In Batam City. *International Journal of Educational Review, Law and Social Sciences (IJERLAS)*, 1(1), 45-52.
- Groeter, Chiritia & Ravi, Kanbur (1995). Child Labour: Economic Perspective. *International Labour Review*, 134 (2), 187-203.
- ILO. (2024). *Global estimates of child labour: Results and trends, 2018-2022*. Geneva: International Labour Organization Geneva. Worst forms of child labour.
- Mendevich, Elias (1979). Child Labour. *International Labour Review*, 118(5).
- Morin, E. (2008). The meaning of work, mental health and organizational commitment. *Psychol. Health Student Research*. Projects Rep. R585, 1–62.
- Rosario, del Rosario & Bonga, Melinda A. (2020). Child Labor in the Philippines: A Review of Selected Studies and Policy Papers. Office of the Chancellor for Research and Development, University of the Philippines.
- Todaro, Michael P. (1969). A Model for Labour Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries. *American*

Economic Review, 59(1), 138–48.

Vote, E. Katrin & Maynard, E. Ashley (2018). Maya Children Working in the Streets: Value Mismatches from the Village to the Street Setting. *International Journal of Psychology*, (53), 34-43.

Zsögön, M. C. (2021). Discourse analysis around the issue of child labour in the Global South. *Language, Discourse & Society*, 9(1), 95-105.

References

Adonteng-Kissi, Obed (2018). Causes of child labour: Perceptions of rural and urban parents in Ghana. *Children and Youth Services Review*, (91), 55-65.

Afshani, S. , Askari-Nodoushan, A. , Heydari, M. and Noorian Najafabadi, M. (2013). An Analysis of the Street-Children Phenomenon in the City of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 23(4), 85-102. (In Persian)

Ahmadi, A. , Mirfardi, A. , Aghyari Hir, T. , Karevani, A. , Delavar, M. A. , Geravand, F. and Amiri, I. (2022). Conceptual Analysis of Child Labour from the Perspective of Social Experts in Shiraz Metropolis. *Journal of Social Problems of Iran*, 13(1), 339-368. doi: 10.22059/ijsp.2022.90890. (In Persian)

Ahmadi, Kamil, et al. (2019), *The Plunder of Childhood; A Study on the Recognition, Prevention, and Control of the Children's Garbage Picking in Tehran*, Publisher: Association for the Protection of Children and Adolescents' Rights. (In Persian)

Allison, James, Jenks, Chris and Perot, Alan. (2014). *The Sociology of Childhood (Theorizing about Childhood, Translated by Alireza Kermani and Alireza Ebrahimabadi, Third edition*, Tehran: Sales Press. (In Persian)

Ashouri, Mohammad Reza. (2011). *Children of Suffering and Labor*. Master's Thesis, Payam Noor University, Bojnourd. (In Persian)

Askari Nadushan, Abbas, Lashgari, Ehsan, Faramarzian, Somayeh. (2017). The relationship between development indicators and immigration acceptance of cities in Iran. *Social analysis of order and social inequality*, 8(1), 127-152. (In Persian)

Chae-Young Kim & Heather Montgomery (2018). Rural children's work and school education in the context of rapid economic growth in South Korea. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 38(1-2), 165-178.

Chalofsky, N. (2010). *Meaningful workplaces: Reframing how and where we work*. San Francisco, CA: Jossey-Bass. Dik, B. J. & Duffy, R. D. (2009). Calling and vocation at work: Definitions and prospects for research and practice. *The Counseling Psychologist*, (37), 424-450.

Chesney, Thomas; Evans, Keith; Gold, Stefan & Trautrimsa, Alexander (2019). Understanding labour exploitation in the Spanish agricultural sector using an agent based approach. *Journal of Cleaner Production*,

- (214), 696-704.
- Chukwudeh, Okechukwu Stephen & Akpovire Oduaran (2021). Liminality and Child Labour: Experiences of School Aged Working Children with Implications for Community Education in Africa. *Social Sciences*, 10(3).
- Fairlie, Paul (2011). Meaningful Work, Employee Engagement, and Other Key Employee Outcomes: Implications for Human Resource Development. *Journal of Advances in Developing Human Resources*, 13(4) 508 –525.
- Gary Becker (1993). Social economics market behavior in a social environment. Belknap Press of Harvard University Press. ISBN 9780674011212.
- Geldenhuis, M.; Laba, K. & Venter, C.M. (2014). Meaningful work, work engagement and organizational commitment. *Journal of Industrial Psychology*, 40(1), 1–10.
- Geovani, I.; Nurkhotijah, S.; Kurniawan, H.; Milanie, F. & Ilham, R. N. (2021). Juridical Analysis of Victims of the Economic Exploitation of Children Under The Age to Realize Legal Protection From Human Rights Aspects: Research Study At The Office of Social and Community Empowerment In Batam City. *International Journal of Educational Review, Law and Social Sciences (IJERLAS)*, 1(1), 45-52.
- Grooter, Chiritia & Ravi, Kanbur (1995). Child Labour: Economic Perspective. *International Labour Review*, 134 (2), 187-203.
- Hosseini H. (2006). The Conditions of Work and Street Children in Iran. *refahj*. 5(19), 155-174. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1953-fa.html> (In Persian)
- ILO. (2024). *Global estimates of child labour: Results and trends, 2018-2022*. Geneva: International Labour Organization Geneva. Worst forms of child labour.
- Iman, Mohammad Taqi (2009). Paradigmatic basis of quantitative and qualitative research methods in humanities. Qom: Hawza and University Publications. (In Persian)
- Iran Statistical Yearbook .(2023). Publications of the Statistical Center of Iran 2023. (In Persian)
- Jamshidiha, G. and Sha'ban, M. (2020). Reversed Orientalism of Child Rights: Emphasizing Iranian-Islamic Child Rights. *Social Studies and Research in Iran*, 9(4), 967-994. doi: 10.22059/jisr.2020.295848.1004 (In Persian)
- Khajenaieni, A. and hashemi, S. (2020). Pathology of Street Children's Recording Policies in Iran. *Strategic Studies of public policy*, 10(36), 142-162. (In Persian)
- Lewis, Oskar (1999). The culture of poverty, *Society*, 35(2), 7-30.
- Lewis, Sarah. (2014). *Positive Psychology: Creating an Inspiring Organization Using Positive Leadership and Empowerment*, Translated by Mohammad Forouhar, Abdolrasoul Jamshidian and Maryam Ghanenia. Tehran Petrochemical Publishing. (In Persian)

- Mendevidh, Elias (1979). Child Labour. *International Labour Review*, 118(5).
- Moarefvand, Masoumeh; Sadeghi, Sabereh; Shoja, Azadeh. (2014). The relationship between creativity and resilience of child laborers, *Journal of Social Work Research*, 1 (3), 10-15. (In Persian)
- Moghadam, Mohammadhoseyn, Moltafet., Hoseyn, Hazbavi, Aziz.(2021). Exploring the process of formation of the phenomenon of street work children and its consequences in the city of Ahvaz. *Urban Sociological Studies*, 12(43), 2022, 131-158. 10.30495/uss.2022.696864(In Persian)
- Moltafet. H., shahryari, M. and hazbavi, A. (2020). Analysis of the situation and consequences of children's habits of working on the street Foundation Data Theory. *Journal of Social Work Research*, 7(25), 31-70. doi: 10.22054/rjsw.2021.63222.523. (In Persian)
- Morin, E. (2008). The meaning of work, mental health and organizational commitment. *Psychol. Health Student Research*. Projects Rep. R585, 1-62.
- Ounagh, N., Ghorbani, A. and Sorzahi, M. (2023). Analysis of Social Factors Affecting the Phenomenon of Working Children in Mehrestan City. *Journal of Applied Sociology*, 34(3), 65-88. doi: 10.22108/jas.2023.136160.2353 (In Persian)
- Pirkhandan, P., Parvin, S. and Siahpour, F. (2021). Typology of Child labour and work-related injuries to working children in Tehran. *Journal of Social Work Research*, 8(28), 115-158. doi: 10.22054/rjsw.2022.61472.502 (In Persian)
- Qeidari, H. and yarahmadi, M. (2019). Analysis of Rural Children's Labor Experience: Motivations and Consequences of Early Employment (Case Study: Children Residing in Rural Areas of Kashmar). *Social Development & Welfare Planning*, 10(41), 211-252. doi: 10.22054/qjds.2019.11843 (In Persian)
- Rabingen, Earl & Weinberg, Martin (2016). *Seven Approaches to Investigating Social Issues*. Translated by Rahmatullah Sediq Sarvestani. Edition: 10th, Publisher: University of Tehran. (In Persian)
- Rosario, del Rosario & Bonga, Melinda A. (2020). *Child Labor in the Philippines: A Review of Selected Studies and Policy Papers*. Office of the Chancellor for Research and Development, University of the Philippines.
- Salehi, Pejman, Taherizadeh, Alireza, Abbasi, Maryam. (1400). An approach to the crisis of increasing child labor population in the subway network and effective ways to deal with it (Case study: Child laborers in Tehran subway). *First Conference of Sireh Alavi*. 1-9. (In Persian)
- Sharepour, Mahmoud (1401). *Urban Sociology*, First Edition, Tehran: Samt Publications.
- Todaro, Michael P. (1969). A Model for Labour Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries. *American Economic Review*, 59(1), 138-48.


- Vote, E. Katrin & Maynard, E. Ashley (2018). Maya Children Working in the Streets: Value Mismatches from the Village to the Street Setting. *International Journal of Psychology*, (53), 34-43.
- Zsögön, M. C. (2021). Discourse analysis around the issue of child labour in the Global South. *Language, Discourse & Society*, 9(1), 95-105.

Analysis of Social and Economic Dimensions of Schools and Their Impact on Iran's Sports Achievements with Emphasis on the Statements of the Supreme Leader

Ali Mohsenifar

Ph.D in Sports Management, University of Mazandaran, Babolsar, Mazandaran Province, Iran (Corresponding author).


Ali.mohsenifar1372@yahoo.com

 0000-0003-2011-6660

Ayda Hooshmand Moshaki

Bachelor of Physical Education, Shahid Hashminejad Farhangian University, Mashhad, Khorasan Razavi Province, Iran.


ida.hooshmand.moshaki@gmail.com

 0009-0007-6818-1783

Khadijeh Rostami Moghadam

Master's student, Motor Behavior, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.


Khadijehrostami7874@gmail.com

 0000-0003-3910-3974

Toktam Nemati

Department of Physical Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

toktam@gmail.com

 0000-0002-4378-2597

Abstract

Despite the fundamental role of schools in nurturing athletic talent and achieving national goals, Iran's education system has not been able to fully leverage its social and economic capacities for sports development and national success due to weak infrastructure, limited financial resources, lack of coherent policies, and institutional inconsistencies. The present study aims to analyze the social and economic dimensions of schools and their impact on Iran's sports achievements, with an emphasis on the statements of the Supreme Leader. This research was conducted using a qualitative approach and the grounded theory method. The study population comprised approximately 50 experts, managers, coaches, professional athletes, and specialists in the fields of sports, education, social sciences, and economics, identified based on expertise and experience criteria. Using purposive and snowball sampling, a total of 15 participants were selected for interviews. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using open, axial, and selective coding. Additionally, the content of speeches and documents related to the Supreme Leader's statements on sports was examined. The findings indicate that multiple factors, including sports skills training, organizational support, continuous performance evaluation, motivation, sports culture development, and sports infrastructure, significantly influence athletic success. Furthermore, supportive laws and media play a key role in sports development. The study also revealed that sports contribute to achieving a "Strong Iran" through multiple functions, including cultural and social development, social justice, economic growth, strengthening national identity, and promoting social ethics. Accordingly, the study recommends providing adequate sports facilities, implementing educational programs for students and athletes, and offering financial support for sports initiatives. The results emphasize the necessity of a comprehensive and

coordinated approach to enhance sports activities in schools and society to achieve national success in the field of sports. Recommendations also include developing training programs, securing financial resources for school sports, and creating job opportunities in this sector. These outcomes can contribute to strengthening and expanding physical education programs in schools and improving the overall sports situation in the country.

Keywords: Seyyed Ali Khamenei, Elite Sport, Strong Iran, Social and Economic Dimensions.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord



10.22034/scs.2025.497713.1648



Extended abstract


Despite the strategic role of schools in nurturing athletic talent and contributing to national sporting achievements, Iran's education system has not yet fully capitalized on its social and economic capacities to develop sport in a systematic and sustainable manner. Structural weaknesses, inadequate sports infrastructure, limited financial resources, fragmented policymaking, and institutional incoherence have constrained the ability of schools to function as foundational hubs for sport development and national success. Drawing on the Supreme Leader's statements, which consistently emphasize sport as a pillar of social vitality, national power, and the realization of a "Strong Iran," this study seeks to analyze the social and economic dimensions of schools and their impact on Iran's sporting achievements. The present research adopts a qualitative, exploratory-developmental approach and is conducted using the grounded theory methodology based on the Strauss and Corbin model. The statistical population comprised approximately 50 experts, including senior sports managers, school administrators, physical education teachers, professional athletes, veteran coaches, and specialists in sports sciences, education, social sciences, and economics. Using purposive and snowball sampling techniques, 15 participants were selected for in-depth, semi-structured interviews until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed through open, axial, and selective coding. In parallel, a qualitative content analysis of speeches, official statements, and documented remarks of the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran related to sport, education, and national development (from 2014 to 2024) was conducted to ensure theoretical triangulation and alignment with macro-level policies. The findings indicate that multiple interrelated factors shape sporting success in Iran through the school system. Key social dimensions include the institutionalization of sports culture, motivation and encouragement of students, family and community support, continuous evaluation and feedback mechanisms, and the role of teachers and coaches as carriers of social and cultural capital. Economic dimensions encompass the allocation of financial resources, availability and quality of sports infrastructure, organizational and governmental support, legal frameworks, and access to equitable opportunities for participation. Media support and supportive legislation were also identified as cross-cutting factors that significantly influence both participation and elite performance pathways. The analysis of the Supreme Leader's statements reveals a coherent and sustained

discourse that frames sport as a public investment and a social necessity rather than a marginal recreational activity. Within this discourse, school sport is positioned as the cornerstone of long-term national sporting success and as a mechanism for promoting public health, social justice, cultural cohesion, ethical development, and national identity. The concept of “Strong School, Strong Sport, Strong Iran” emerges as a unifying framework that links grassroots participation with elite achievement, emphasizing justice in access, cultural self-confidence, and resistance to structural inequalities. The grounded theory model developed in this study demonstrates that causal conditions (such as education and skill development, organizational support, motivation, and growth opportunities), contextual and intervening conditions (including cultural norms, legal support, infrastructure, media, and international cooperation), and strategic actions (educational programs, financial and occupational support, institutional coordination, and media engagement) collectively lead to technical, social, economic, and sporting outcomes. These outcomes include improved athletic performance, enhanced social cohesion, job creation in the sports sector, economic growth, strengthened national identity, and increased international sporting success. Based on these findings, the study emphasizes the necessity of an integrated and coordinated policy approach that aligns educational institutions, sports organizations, economic actors, and media systems. Practical implications include developing comprehensive school-based sports curricula, investing in infrastructure—especially in disadvantaged urban and rural areas—providing sustainable financial support for school sports, empowering physical education teachers and coaches, and creating employment pathways within the sports ecosystem. Ultimately, strengthening the social and economic foundations of school sport is essential for translating national ideals into tangible sporting achievements and for advancing the broader vision of a resilient, healthy, and cohesive Iranian society.

Keywords: Seyyed Ali Khamenei, Elite Sport, Strong Iran, Social and Economic Dimensions.

تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی ایران با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری

علی محسنی‌فر


دانش‌آموخته دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).
Ali.mohsenifar1372@yahoo.com  0000-0003-2011-6660

آیدا هوشمند موشکی


دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان شهید هاشمی‌نژاد، مشهد، استان خراسان رضوی، ایران.

ida.hooshmand.moshaki@gmail.com  0009-0007-6818-1783

خدیدجه رستمی‌مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد، رفتار حرکتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
Khadijehrostami7874@gmail.com  0000-0003-3910-3974

تکتام نعمتی

استادیار گروه علوم ورزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
toktam@gmail.com  0000-0002-4378-2597


چکیده

با وجود نقش اساسی مدارس در پرورش استعداد‌های ورزشی و تحقق اهداف کلان ملی، نظام آموزش و پرورش ایران به دلیل ضعف زیرساخت‌ها، کمبود منابع مالی، نبود سیاست‌گذاری منسجم و ناهماهنگی نهادی نتوانسته است از ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود برای توسعه ورزش و دستیابی به موفقیت‌های ملی بهره‌برداری کامل کند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی ایران با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری انجام شده است. این پژوهش با روش کیفی و از طریق نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل حدود ۵۰ نفر از خبرگان، مدیران، مربیان، ورزشکاران حرفه‌ای و متخصصان حوزه‌های ورزش، آموزش و پرورش، علوم اجتماعی و اقتصادی بود که بر اساس معیارهای تخصص و تجربه شناسایی شدند. از میان آن‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی، در مجموع ۱۵ نفر به‌عنوان مصاحبه‌شوندگان انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده‌اند. همچنین تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و مستندات مرتبط با فرمایشات مقام معظم رهبری در

حوزه ورزش نیز بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که عوامل متعددی از جمله آموزش مهارت‌های ورزشی، حمایت‌های سازمانی، ارزیابی مداوم عملکرد ورزشی، انگیزش و فرهنگ‌سازی ورزشی و زیرساخت‌های ورزشی بر موفقیت‌های ورزشی تأثیرگذار هستند. همچنین، قوانین حمایتی و رسانه‌ها نقش کلیدی در توسعه ورزش دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ورزش در تحقق ایران قوی، دارای کارکردهای متعددی از جمله توسعه فرهنگی و اجتماعی، تحقق عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، تقویت هویت ملی و ارتقای اخلاق اجتماعی است. در این راستا، وجود امکانات ورزشی مناسب، ایجاد برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و ورزشکاران و حمایت مالی از برنامه‌های ورزشی پیشنهاد شده است. نتایج این پژوهش تأکید دارند بر لزوم رویکرد جامع و هماهنگ برای تقویت فعالیت‌های ورزشی در مدارس و جامعه به منظور دستیابی به موفقیت‌های ملی در عرصه‌های ورزشی. همچنین، پیشنهادات شامل توسعه برنامه‌های آموزشی، تأمین منابع مالی برای ورزش‌های مدارس و ایجاد فرصت‌های شغلی در این حوزه است. این نتایج می‌توانند به تقویت و توسعه برنامه‌های تربیت بدنی در مدارس و بهبود وضعیت ورزش کشور کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: سیدعلی خامنه‌ای، ورزش قوی، ایران قوی، ابعاد اجتماعی و اقتصادی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2025.497713.1648



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

مطالعات نشان می‌دهد که ارتباط میان توسعه ورزشی و ابعاد اجتماعی-اقتصادی، یک رابطه دوسویه است. از یک سو، سرمایه‌گذاری در ورزش می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها، افزایش انسجام اجتماعی، و بهبود شاخص‌های اقتصادی کمک کند (امامی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ و از سوی دیگر، شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه، میزان موفقیت در حوزه ورزش را تعیین می‌کند (Nicholson & et al., 2008).

ورزش در جوامع امروزی دیگر صرفاً یک فعالیت جسمانی یا تفریحی تلقی نمی‌شود بلکه به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی و راهبردی، نقش مهمی در ارتقای سلامت عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی و توسعه پایدار ایفا می‌کند (Coalter, 2013). در جهان امروز، بسیاری از کشورها با درک این ظرفیت، ورزش را بخشی از سیاست‌های کلان خود قرار داده‌اند و آن را ابزاری برای افزایش قدرت نرم، هویت ملی و بهره‌وری اقتصادی قلمداد می‌کنند. در این میان، مدارس به‌عنوان نخستین بستر اجتماعی برای آموزش، تربیت نیروی انسانی و شناسایی استعدادها و ورزشی، جایگاهی بنیادین در نظام ورزشی کشور دارند. پیوند مؤثر میان آموزش و ورزش می‌تواند به تحقق اهداف کلان ملی در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سیاست‌های کلی نظام در حوزه ورزش کمک کند و زمینه‌ساز ارتقای هویت ملی، افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی شود. مقام معظم رهبری نیز در بیانات متعدد، با تأکید بر نقش راهبردی ورزش، آن را ابزاری برای «نشاط و سلامت جامعه»، «تقویت قدرت ملی» و «پیشرفت کشور» معرفی کرده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با ورزشکاران، ۱۳۸۹؛ ۱۴۰۲).

ایشان همچنین بر ضرورت توجه به ورزش مدارس به‌عنوان زیربنای اصلی موفقیت‌های ورزشی ملی و بین‌المللی تأکید دارند و مدارس را کانونی برای پرورش نسلی توانمند، پرنشاط و هویت‌مند می‌دانند؛ نسلی که بتواند در عرصه‌های علمی، فرهنگی و ورزشی در سطح ملی و جهانی بدرخشد.

با وجود این، نظام آموزش و پرورش ایران در بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های ورزشی با چالش‌های جدی مواجه است. ضعف زیرساخت‌های ورزشی، ناهماهنگی میان نهادهای مسئول، کمبود منابع مالی، نبود سیاست‌گذاری جامع و یکپارچه، و فقدان برنامه‌های پایدار برای شناسایی و پرورش استعدادها، از مهم‌ترین موانعی هستند که از تبدیل مدارس به پایگاه‌های اصلی توسعه ورزش ملی جلوگیری می‌کنند (رضایی و

دیگران، ۱۳۹۷؛ عباسی، ۱۴۰۰). این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، سرمایه‌گذاری نظام‌مند بر ورزش مدرسه‌ای به‌عنوان ریشه موفقیت‌های ورزشی ملی و بین‌المللی در دستور کار قرار گرفته است (خوشبختی و دیگران، ۱۳۹۷). از منظر اقتصادی، مشارکت ورزشی تحت‌تأثیر مستقیم عواملی همچون درآمد خانوار، هزینه‌های ورزش و میزان دسترسی به امکانات و تجهیزات ورزشی قرار دارد (Humphreys & Ruseski, 2006). مدارس می‌توانند با ایجاد فرصت‌های برابر ورزشی، به کاهش نابرابری‌ها کمک کرده و نقش مؤثری در عدالت اجتماعی ایفا کنند؛ اما نبود حمایت‌های مالی و ساختارهای پشتیبان مؤثر، مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شده است (قربانی و دیگران، ۱۳۹۸). از جنبه جامعه‌شناختی نیز، ورزش بستری برای تعاملات اجتماعی و بازتولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. نظریه‌پردازانی همچون بوردیو، موس و هویزینگا، ورزش را حوزه‌ای مستقل می‌دانند که بازنمایی‌کننده روابط و ساختارهای اجتماعی است (غلامپور و دیگران، ۱۳۹۸). در این راستا، حمایت اجتماعی از سوی خانواده، مدرسه و جامعه به‌عنوان عامل کلیدی در رشد ورزشکاران، افزایش مشارکت ورزشی و ارتقای جایگاه ورزش در جامعه شناخته می‌شود (Ren & et al., 2020؛ قاسمی و دیگران، ۱۳۹۰).

ورزش در جوامع معاصر دیگر صرفاً فعالیت جسمانی نیست بلکه پدیده‌ای چندبعدی با کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی است که نقش مؤثری در ارتقای سلامت، انسجام اجتماعی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. مدارس به‌عنوان نخستین بستر اجتماعی برای آموزش، تربیت نیروی انسانی و شناسایی استعدادها و ورزشی، نقش کلیدی در نظام ورزشی کشور دارند. پیوند مؤثر بین آموزش و ورزش می‌تواند به تحقق اهداف ملی همچون افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای هویت ملی و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند. با این حال، ظرفیت‌های مدارس در ایران به دلیل تفاوت‌های نوع و مقطع تحصیلی مدارس (دولتی، غیردولتی، استعدادهای درخشان، فنی و حرفه‌ای و...) و نیز تنوع جمعیتی و اقتصادی - فرهنگی دانش‌آموزان در مناطق مختلف شهری و روستایی با محدودیت مواجه است. به‌عبارت دیگر، بهره‌گیری از ورزش در مدارس نیازمند توجه به تفاوت‌های ساختاری و زمینه‌ای است که شامل جنسیت دانش‌آموزان، سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای می‌شود. این شکاف‌ها می‌تواند مانع نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش و کاهش نابرابری‌های دسترسی به فرصت‌های ورزشی گردد. مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش راهبردی ورزش و آموزش در توسعه همه‌جانبه کشور،

مدارس را بستر اصلی تربیت نسلی توانمند و پُرنشاط می‌دانند که بتواند در عرصه‌های ورزشی، علمی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی بدرخشد. تحقق این چشم‌انداز نیازمند سیاست‌گذاری منسجم، توجه به تفاوت‌های مدارس و مقاطع تحصیلی، و تقویت زیرساخت‌ها در مناطق متنوع شهری و روستایی است.

با وجود ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی و جمعیتی گسترده ایران، شکاف عمیق میان سیاست‌های کلان و اجرا در میدان عمل، مانع از تبدیل مدارس به کانونی برای شکوفایی استعدادها و نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش شده است. این چالش به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که مقام معظم رهبری بارها در بیانات خود به ورزش به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی تحقق «ایران قوی» اشاره کرده‌اند؛ بنابراین، ضرورت دارد که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های حوزه ورزش مدارس با نگاهی جامع و راهبردی بازتعریف شوند و پیوند مؤثر میان نهادهای آموزشی، ورزشی و اقتصادی تقویت شود. در این چهارچوب، پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی ایران با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری» با بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی و اقتصادی، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که: چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی مدارس، زمینه تحقق اهداف کلان نظام و دستیابی به موفقیت‌های ملی در عرصه‌های ورزشی را فراهم ساخت؟

۱. پرسش‌های پژوهش

۱-۱. پرسش اصلی

ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس چگونه بر موفقیت‌های ورزشی ایران تأثیر می‌گذارند؟

۲-۱. پرسش‌های فرعی

- ۱- چه نقش و جایگاهی برای مدارس در تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی ورزشی قابل تصور است؟
 - ۲- چگونه می‌توان از طریق تقویت ورزش مدرسه‌ای به موفقیت‌های ملی و بین‌المللی در عرصه ورزش دست یافت؟
 - ۳- چه راهکارهایی برای ارتقای زیرساخت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تعامل نهادی در حوزه ورزش دانش‌آموزی وجود دارد؟
- پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری‌های مؤثر و مبتنی بر

ظرفیت‌های داخلی را برای ارتقای نقش مدارس در موفقیت‌های ورزشی کشور فراهم آورد.

۲. اهداف پژوهش

با توجه به نقش راهبردی مدارس در پرورش استعداد‌های ورزشی و تحقق اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران، این پژوهش با هدف تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی کشور و با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری انجام شده است. اهداف اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه ورزش مدارس و نقش آن‌ها در موفقیت‌های ورزشی ملی؛
- ۲- تحلیل ابعاد اقتصادی مدارس و بررسی تأثیر منابع مالی، زیرساخت‌ها و حمایت‌های سازمانی بر پرورش استعداد‌های ورزشی؛
- ۳- بررسی جایگاه ورزش مدارس در تحقق سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیانات مقام معظم رهبری؛ و
- ۴- ارائه راهکارهای سیاستی و اجرایی برای تقویت پیوند میان نهادهای آموزشی، ورزشی و اقتصادی به‌منظور توسعه ورزش مدارس و موفقیت‌های ملی.

۳. ملاحظات نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

برای درک بهتر چهارچوب پژوهش، ابتدا مفاهیم کلیدی پژوهش تعریف می‌شوند:

۳-۱-۱. ورزش مدارس

مجموعه فعالیت‌های بدنی و تربیت بدنی سازمان‌یافته در مدارس که با هدف ارتقای سلامت جسمی و روانی، شناسایی استعداد‌های ورزشی، نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مشارکت اجتماعی و ملی انجام می‌شود.

۳-۱-۲. ابعاد اجتماعی مدارس

مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ‌سازی ورزشی، تعاملات اجتماعی، حمایت خانواده و مدرسه، نقش رسانه‌ها و انسجام اجتماعی که در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای ورزشی دانش‌آموزان تأثیرگذارند.

۳-۱-۳. ابعاد اقتصادی مدارس

عواملی نظیر میزان تخصیص بودجه، زیرساخت‌های ورزشی، دسترسی به امکانات و حمایت‌های مالی از برنامه‌های ورزشی که زمینه‌ساز توسعه مشارکت و موفقیت‌های ورزشی می‌شوند.

۳-۱-۴. موفقیت‌های ورزشی ملی

دستیابی به دستاوردهای ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی که بازتابی از کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها، تربیت استعدادها و سرمایه‌گذاری در ورزش پایه است.

۳-۲-۲. مبانی نظری

۳-۲-۱. رویکرد جامعه‌شناختی (سرمایه اجتماعی و فرهنگی بوردیو)

بر اساس دیدگاه بوردیو، ورزش نه تنها یک فعالیت جسمانی بلکه عرصه‌ای برای بازتولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی است. مدارس به‌عنوان محیطی برای تعاملات اجتماعی می‌توانند فرصت‌های مشارکت، اعتماد اجتماعی و هویت گروهی را تقویت کنند و این امر زمینه‌ساز پرورش ورزشکاران و انسجام ملی می‌شود.

۳-۲-۲. رویکرد کارکردگرایی اجتماعی

کارکردگرایان، ورزش مدارس را ابزاری برای حفظ ثبات اجتماعی، ارتقای سلامت، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت هویت ملی می‌دانند. این رویکرد با بیانات مقام معظم رهبری همسو است که ورزش را ابزاری برای «نشاط، سلامت جامعه و افزایش قدرت ملی» می‌دانند.

۳-۲-۳. رویکرد اقتصاد ورزشی

مطالعات اقتصادی نشان می‌دهند که مشارکت ورزشی تحت‌تأثیر مستقیم درآمد خانوار، هزینه‌های ورزش و دسترسی به امکانات است (Humphreys & Ruseski, 2006). مدارس با فراهم‌سازی فرصت‌های برابر ورزشی و حمایت مالی مناسب می‌توانند نقش مؤثری در کاهش نابرابری‌ها، تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار ایفا کنند.

۳-۲-۴. پیوند با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکیدات مقام معظم رهبری، ورزش

مدارس به‌عنوان ابزاری راهبردی برای پرورش نسلی توانمند، هویت‌مند و بانشاط تعریف شده است. ورزش در این چهارچوب نه‌تنها یک فعالیت آموزشی بلکه بخشی از پروژه ملی ایران قوی تلقی می‌شود که اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را توأمان محقق می‌سازد.

۳-۲-۵. جمع‌بندی ملاحظات نظری

با تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی، اقتصادی و سیاست‌گذاری کلان، می‌توان نتیجه گرفت که ورزش مدارس نقطه تلاقی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسعه ملی است. غفلت از این ظرفیت، شکاف میان سیاست‌های کلان و اجرای میدانی را عمیق‌تر می‌کند و مانع پرورش استعدادهای ورزشی و تحقق موفقیت‌های ملی می‌شود. این پژوهش درصدد است با تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مدارس و تمرکز بر بیانات مقام معظم رهبری، چهارچوبی راهبردی برای بهینه‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های ورزش مدارس ارائه دهد.

۴. پیشینه پژوهش

خاکبان (۱۴۰۳)، در پژوهش خود به بررسی نقش ورزش در تعالی جوانان از منظر مقام معظم رهبری پرداخته است. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوا، بیانات مقام معظم رهبری را بررسی کرده و نشان داده است که پیروی از دیدگاه‌های ایشان می‌تواند به توسعه و پیشرفت جامعه کمک کرده و جوانان را به‌سوی کمال و تعالی هدایت کند. نتایج این پژوهش تأکید دارد که ورزش، علاوه‌بر تقویت سلامت جسمانی، ابزاری مؤثر برای رشد معنوی و اخلاقی جوانان محسوب می‌شود و می‌تواند در تربیت نسل‌های آینده و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی نقش به‌سزایی داشته باشد. همچنین درخشان و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهش «جایگاه ورزش همگانی و قهرمانی نسبت به یکدیگر از گفتمان رسانه‌ای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ رهبر جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با ورزش همگانی و قهرمانی پرداخته است. این پژوهش از روش کیفی و تحلیل محتوا بهره برده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که گسست‌های گفتمانی اصلی در این بیانات از نوع کنشگری است و در آن‌ها واژه‌هایی چون «مردم»، «جامعه»، «ورزش قهرمانی»، «قله» و «دامنه» بیش از سایر واژه‌ها تکرار شده‌اند. این واژه‌ها نشان‌دهنده ارتباط ویژه رهبر انقلاب با مفاهیمی چون ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی از طریق

ورزش و اهمیت ورزش قهرمانی در رسیدن به قله‌های جهانی است. در این گفتمان، به‌طور واضح بر نقش ورزش همگانی به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت جامعه و تقویت هویت ملی تأکید شده و ورزش قهرمانی نیز در کنار آن به‌عنوان عامل مهمی در تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی مطرح شده است. این پژوهش به تحلیل جایگاه ورزش در سیاست‌ها و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته و بر تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ورزش در جامعه تأکید دارد.

کیاء و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت مؤثر در آموزش ابتدایی» به بررسی تأثیر مدیریت صحیح زنگ ورزش در مدارس پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که ورزش صبحگاهی و مدیریت صحیح زنگ ورزش نه‌تنها موجب افت تحصیلی نمی‌شود بلکه با انجام فعالیت‌های بدنی منظم، علاوه بر تأمین سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان، موجب افزایش خودباوری و اتکای به نفس در آنان می‌گردد. این نتایج نشان می‌دهد که مدیریت صحیح ورزش در مدارس می‌تواند فرایندهای ذهنی دانش‌آموزان را بهبود بخشد و از میزان انرژی‌های مازادی که مانع توجه و دقت در کلاس‌های درس می‌شود، بکاهد.

کلاسی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر مداخلات رفتاری و مؤلفه‌های اقتصادی بر مشارکت در فعالیت‌های بدنی» به این نتیجه رسیدند که برای توسعه ورزش و فعالیت‌های بدنی باید به تفاوت‌های فردی توجه کرد. این امر به‌ویژه در طراحی برنامه‌های ورزشی مدارس و دیگر نهادهای اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در جذب و حفظ مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی ایفا کند.

شایانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه ذهن آگاهی ورزشی با ادراک موفقیت ورزشکاران» به این نتیجه رسیدند که توجه به رضایت از زندگی و احساسات ورزشکاران می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش ناهنجاری‌های رفتاری و افزایش موفقیت‌های ورزشی ایفا کند. این یافته‌ها بر اهمیت ارتباط مؤثر و تمرکز بر احساسات ورزشکاران تأکید دارند که می‌تواند در مدارس و محیط‌های ورزشی ابتدایی برای ایجاد انگیزه و پیشرفت بیشتر در دانش‌آموزان و ورزشکاران جوان مفید باشد.

محمدی (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش تأثیرگذاری حمایت‌های اجتماعی زنان در انتخاب پارک بانوان و عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی» نشان داد که حمایت‌های اجتماعی، به‌ویژه حمایت‌های احساسی از سوی خانواده و دوستان، تأثیر قابل توجهی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی دارد. این نتیجه بر اهمیت تقویت حمایت‌های اجتماعی و فراهم کردن فضاهای مناسب

برای فعالیت‌های ورزشی در مدارس تأکید می‌کند.

پورعبدی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «تبیین جایگاه ورزش همگانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب با رویکرد تحلیل محتوا» با استفاده از روش پژوهش کیفی و بهره‌گیری از تحلیل محتوا، به بررسی بیانات مقام معظم رهبری درباره ورزش پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه ایشان در حوزه ورزش همگانی را می‌توان در هشت مقوله اصلی شامل سلامتی، سازمانی، اجتماعی، راهبردی، معنوی، ولایی، حکومتی و قهرمانی دسته‌بندی کرد. این پژوهش تأکید دارد که ورزش نه تنها در سلامت جسمانی و روانی جامعه مؤثر است بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی در انسجام اجتماعی، توسعه مدیریتی و تقویت هویت دینی و ملی نیز نقش دارد.

قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی عوامل اقتصادی مؤثر در موفقیت ورزشی تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران» به این نتیجه رسیدند که اعتبار تیم‌ها، امکانات بهتر و به‌خدمت‌گرفتن بازیکنان و کادر فنی ماهر، تأثیر زیادی در موفقیت ورزشی دارد. این نتایج می‌تواند به‌عنوان یک الگو برای مدارس و تیم‌های ورزشی مدارس مطرح شود، به‌ویژه با توجه به اهمیت منابع مالی و انسانی در ارتقای سطح ورزش‌های پایه در کشور.

غلامپور و همکاران (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه عوامل اجتماعی - فرهنگی و تمایل جوانان تهران به ورزش همگانی» به این نتیجه رسیدند که رفتار اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در تمایل جوانان به ورزش‌های همگانی داشته باشد. این نتیجه به‌ویژه در طراحی برنامه‌های ورزشی مدارس و ترویج فرهنگ ورزش در جامعه تأثیرگذار است.

خوشبختی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر محبوبیت معلمان تربیت بدنی بر فرهنگ‌پذیری ورزشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه» به این نتیجه رسیدند که محبوبیت معلمان تربیت بدنی بر جامعه‌پذیری و نگرش جهانی‌شدن دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. این یافته‌ها تأکید دارند که معلمان تربیت بدنی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای مشارکت در ورزش و ارتقای فرهنگ ورزشی در مدارس داشته باشند.

جهان‌تاب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل عوامل مؤثر در توسعه ورزش‌های پایه در مدارس ابتدایی شهر اهواز» به این نتیجه رسیدند که عوامل فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی، نیروی انسانی متخصص، امکانات و

تجهیزات، انگیزشی، زمانی، آب و هوا و رسانه‌ها تأثیر زیادی بر توسعه ورزش‌های پایه در مدارس ابتدایی دارند. این نتایج نشان می‌دهد که برای تقویت موفقیت‌های ورزشی در مدارس باید به همه این عوامل توجه شود و سیاست‌گذاری‌های جامع و همه‌جانبه در این زمینه صورت گیرد.

مشکاتی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی ورزشکاران کانوپولوی تیم ملی ایران با میزان دستیابی به موفقیت ورزشی» به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌طور مستقیم با دستیابی به موفقیت ورزشی مرتبط باشد. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت سرمایه اجتماعی در مدارس و جامعه به‌ویژه در ورزش‌های پایه تأکید دارند.

قنبری و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش» به این نتیجه رسیدند که معلمان تربیت بدنی، خانواده، محیط زیست و جامعه بیشترین تأثیر را بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ایجاد روابط مؤثر و بهبود شرایط محیطی و اجتماعی می‌تواند نقش زیادی در جذب دانش‌آموزان به ورزش‌های مدرسه‌ای ایفا کند. مطالعات بین‌المللی متعددی به بررسی اثرهای اجتماعی و اقتصادی ورزش پرداخته‌اند؛ برای مثال، کولتر^۱ (۲۰۱۳) نشان داده است که ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی عمل کند. در زمینه نقش مدرسه، مطالعاتی مانند پژوهش بیلی و همکاران^۲ (۲۰۱۳) تأکید کرده‌اند که برنامه‌های ورزشی در مدارس می‌توانند به بهبود مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک کنند.

برون و همکاران^۳ (۲۰۱۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تجارب ورزشکاران از حمایت اجتماعی در دوران گذار از ورزش حرفه‌ای» نشان دادند که روابط اجتماعی جدید و نقش‌های اجتماعی می‌توانند احساس حمایت را تقویت کرده و فرصت‌هایی برای حمایت از دیگران فراهم کنند. این حمایت‌ها به ورزشکاران کمک می‌کند تا حس رشد و پیشرفت را تجربه کرده و فرایند سازگاری با زندگی پس از دوران حرفه‌ای را تسهیل نمایند. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت شبکه‌های اجتماعی و حمایت‌های روانی در موفقیت‌های ورزشی و انتقال به زندگی پس از ورزش حرفه‌ای است.

1. Coalter

2. Bailey & et al

3. Brown & et al.

رن و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر حمایت‌های اجتماعی بر فعالیت بدنی نوجوانان چینی» به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی و خودکارآمدی ورزشی نقش عمده‌ای در ارتقای سطح فعالیت بدنی نوجوانان ایفا می‌کنند. در این پژوهش، تأکید شده است که حمایت‌های اجتماعی از جمله حمایت خانواده، دوستان و معلمان می‌تواند انگیزه نوجوانان را برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی افزایش دهد و در نتیجه به بهبود وضعیت جسمانی و روانی آنان کمک کند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به حمایت‌های اجتماعی در طراحی برنامه‌های ورزشی برای جوانان و نوجوانان تأکید دارند.

هامفریس و همکاران^۲ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل اقتصادی تعیین‌کننده مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش» به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی، به‌ویژه حمایت‌های مالی و میزان درآمد افراد، تأثیر زیادی در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های بدنی دارند. این پژوهش نشان داد که افزایش درآمد و فراهم‌آوردن منابع مالی برای افراد می‌تواند انگیزه بیشتری برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی ایجاد کند. این نتیجه اهمیت توجه به عوامل اقتصادی در توسعه و تقویت فعالیت‌های ورزشی در جامعه و به‌ویژه در مدارس را مورد تأکید قرار می‌دهد. پژوهش‌های متعددی در زمینه تأثیرات ورزش همگانی و قهرمانی بر جوانان و جامعه انجام شده است؛ اما همچنان توجه کافی به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ورزش در سیاست‌های کلان کشور و نقش رسانه‌ها و گفتمان مقام معظم رهبری در این زمینه احساس می‌شود. مطالعاتی چون پژوهش‌های خاکبان (۱۴۰۳) و درخشان و همکاران (۱۴۰۳) به تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ورزش پرداخته و بر نقش ورزش در تعالی جوانان و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی تأکید کرده‌اند. به‌ویژه، خاکبان (۱۴۰۳) اشاره کرده است که پیروی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری می‌تواند به توسعه و پیشرفت جامعه کمک کرده و جوانان را به سوی کمال و تعالی هدایت کند. با این حال، بیشتر پژوهش‌های موجود، عمدتاً بر تأثیر ورزش در سطح فردی و سلامت جسمانی متمرکز بوده‌اند و هنوز کمبود پژوهش‌های جامع در خصوص پیوند ورزش با سیاست‌های کلان اجتماعی و فرهنگی در ایران احساس می‌شود. همچنین، در پژوهش‌های درخشان و همکاران (۱۴۰۳) و کیا و همکاران (۱۴۰۲) به تحلیل گفتمان مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر

1. Ren & et al., 2020

2. Humphreys & Ruseski, 2006

اهمیت ورزش همگانی و قهرمانی پرداخته شده است. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده اهمیت ورزش همگانی در ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی و نقش ورزش قهرمانی در جایگاه جهانی ایران است. با وجود این، همچنان به نظر می‌رسد که نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تری برای شناخت ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ورزش در دیدگاه مقام معظم رهبری وجود دارد. چنین خلأهایی در ادبیات پژوهشی، به‌ویژه در زمینه تأثیرات ورزش در سطح جامعه، ضرورت انجام پژوهشی جامع‌تر را نشان می‌دهد که علاوه بر تحلیل دقیق بیانات مقام معظم رهبری، به ابعاد اجتماعی و اقتصادی ورزش و ارتباط آن با سیاست‌های کلان جامعه پرداخته و راهکارهای عملی در جهت توسعه ورزش و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی ارائه کند. سخنان مقام معظم رهبری، به‌ویژه تأکید ایشان بر «ضرورت توجه به ورزش به‌عنوان یک عنصر اصلی زندگی و ابزار توانمندسازی در توسعه پایدار» می‌تواند مبنای اساسی برای این تحقیق باشد که به تحلیل این نقش در سیاست‌های کلان پرداخته و خلاهای موجود در ادبیات پژوهشی را پر کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای تقویت موفقیت‌های ورزشی و تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی»، توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بسیار اهمیت دارد. در این راستا، حمایت‌های اجتماعی نه‌تنها در دوران حرفه‌ای ورزشکاران بلکه در دوران پس از آن نیز نقشی مؤثر در تسهیل انتقال به زندگی غیرورزشی ایفا می‌کنند. این حمایت‌ها از سوی خانواده، مربیان و جامعه می‌توانند به تقویت خودباوری ورزشکاران و رشد موفقیت‌های آنان کمک کنند. علاوه بر این، فراهم کردن فضایی حمایت‌گر و انگیزشی در مدارس، بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری، می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان در ورزش‌های مدرسه‌ای را تقویت کرده و نقش مؤثری در تربیت نسل‌های آینده ایفا کند. از سوی دیگر، عوامل اقتصادی و مدیریتی در موفقیت‌های ورزشی تأثیر به‌سزایی دارند. تأمین منابع مالی برای تجهیزات و امکانات ورزشی در مدارس و مراکز ورزشی پایه، با تأکید بر سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری، می‌تواند سطح کیفی ورزش را ارتقا دهد و در نتیجه به موفقیت‌های ملی و بین‌المللی منجر شود. همچنین، تخصیص منابع مالی به پشتیبانی از مربیان و کادر فنی متخصص، می‌تواند عملکرد ورزشکاران را بهبود بخشیده و مسیر دستیابی به قله‌های ورزشی را هموار کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که توجه به تفاوت‌های فردی و ایجاد فرصت‌های برابر، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر مشارکت در ورزش و موفقیت‌های ورزشی

کشور داشته باشد. با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت ورزش همگانی و قهرمانی به‌عنوان ابزاری برای توسعه پایدار، تقویت موفقیت‌های ورزشی نیازمند توجه به حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریت مؤثر در سطوح مختلف جامعه است؛ بنابراین، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران باید به تأمین منابع مالی، ایجاد حمایت‌های اجتماعی و روانی و همچنین ارتقای فرهنگ ورزشی در مدارس توجه ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند به اهداف «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» دست یابند.

۵. روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع توسعه‌ای و با روش کیفی صورت گرفته است. همان‌طور که اشاره شد، هدف این پژوهش «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی: تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری» است. روش‌شناسی پژوهش به‌طور خاص کیفی است، به‌طوری که در پژوهش‌های کیفی تلاش می‌شود تا یک مشکل، مسئله، پدیده یا وضعیت به‌صورت توصیفی و عمیق بررسی گردد. تحقیقات اکتشافی - توسعه‌ای به‌دنبال شناخت ابعاد ناشناخته یک پدیده هستند و با روشن‌سازی مفاهیم به جمع‌آوری اطلاعات و کسب دانش می‌پردازند (دانایی‌فر و دیگران، ۱۳۹۲). این پژوهش در سال ۱۴۰۳ و در شهر مقدس مشهد انجام شده است. برای انجام پژوهش، از روش نظریه داده‌بنیاد بر اساس مدل اشتراوس و کوربین استفاده شده است؛ مدلی که به محقق امکان می‌دهد تا به ارائه نظریه‌های نوین و کاربردی در خصوص تقویت و توسعه ورزش و مدرسه به‌عنوان عوامل مؤثر بر پیشرفت کشور بپردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی افراد و گروه‌هایی است که به نوعی با ورزش و آموزش و پرورش در ایران ارتباط دارند و می‌توانند در فرایند توسعه ورزش کشور مؤثر باشند. این افراد شامل مدیران و مسئولان وزارت ورزش و جوانان، مسئولان آموزش و پرورش، مدیران مدارس و نهادهای تربیت بدنی، مربیان ورزشی، داوران بین‌المللی و ملی، پیشکسوتان ورزشی، ورزشکاران سطح حرفه‌ای و همچنین خبرگان و متخصصان اجتماعی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف می‌شوند. در این پژوهش، برای بررسی ابعاد اجتماعی و اقتصادی نقش ورزش در تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی»، از روش کیفی به‌ویژه تحلیل محتوا و تحلیل تماتیک (مضمونی) استفاده شده است. این روش‌ها به‌ویژه در تحلیل بیانات مقام معظم

رهبری در زمینه ورزش و توسعه ملی مؤثر بوده و به شناسایی تم‌ها و مفاهیم کلیدی در این حوزه کمک می‌کنند. پژوهش از فلسفه تفسیری بهره برده است که هدف آن درک و تفسیر عمیق بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ورزش و ارتباط آن با توسعه ملی و تحقق «ایران قوی» است. به‌منظور درک عمیق تر اثرهای اجتماعی و اقتصادی ورزش بر موفقیت‌های ورزشی کشور، جامعه آماری این تحقیق همچنین شامل اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاهی متخصص در حوزه‌های تربیت بدنی، علوم اجتماعی و اقتصاد، کارشناسان حوزه‌های مختلف ورزشی و اجتماعی و پژوهشگران حوزه‌های علمی و اجتماعی می‌باشد. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، افرادی انتخاب شدند که یا سابقه کاری مرتبط در ورزش داشتند یا حداقل چهار سال سابقه پژوهشی در زمینه تحلیل اثرهای اجتماعی و اقتصادی ورزش بر موفقیت‌های ورزشی داشته‌اند. برای نمونه‌گیری در این فاز کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. در این روش، ابتدا از میان افراد آگاه و خبره در زمینه‌های مختلف ورزشی و اجتماعی نمونه‌هایی انتخاب شده و سپس از آن‌ها خواسته شد تا افراد دیگری را که می‌توانند در روند پژوهش مفید باشند، معرفی کنند. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد؛ به این معنا که پس از چندین مصاحبه، اطلاعات جدیدی به‌دست نیامد. در مجموع، ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با افراد نخبه و خبره در حوزه‌های مختلف برگزار شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و پس از مصاحبه دوازدهم، اطلاعات دریافتی تکراری شد؛ اما تا مصاحبه پانزدهم ادامه یافت تا از کامل بودن و صحت اطلاعات اطمینان حاصل شود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که در آن از سؤالات باز و انعطاف‌پذیر استفاده شد تا مصاحبه‌شوندگان بتوانند نظرهای خود را آزادانه بیان کنند.

فرایند کدگذاری داده‌ها در سه مرحله انجام شد:

- کدگذاری باز: محتوای مصاحبه‌ها تحلیل و به واحدهای معنادار تبدیل شد.
 - کدگذاری محوری: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده به هم مرتبط شدند و به مقوله‌های فرعی تقسیم شدند تا ارتباطات میان آن‌ها روشن شود.
 - کدگذاری انتخابی یا گزینشی: فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه انجام گرفت که از ابتدای تحلیل آغاز شده و تا مراحل نهایی ادامه داشت.
- برای محاسبه پایایی و اعتبار مصاحبه‌ها از روش توافق درون‌موضوعی استفاده شد. بدین‌منظور، یک فرد آشنا به شیوه کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها به‌عنوان

همکار پژوهش، داده‌ها را کدگذاری کرد. سپس میزان توافق بین کدها بررسی شد و درصد توافق محاسبه گردید.

$$100\% = \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{کل تعداد کدها}} \times 100\%$$

نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول ۱، قابل ملاحظه است.

جدول (۱): پایب بین دو کدگذار

ردیف	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایب بین دو کدگذار (درصد)
۱	۳۰	۱۳	۶	۸۶
۲	۳۵	۱۵	۹	۸۵
۳	۲۸	۱۰	۴	۷۱
کل	۹۳	۳۸	۱۹	۸۱

مطابق جدول ۱، پایب بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکرشده برابر با ۸۱ درصد به دست آمد که از ۶۰ درصد بالاتر بوده و قابلیت پایب کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ها

متغیر	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۷	۴۶/۶
	مرد	۸	۵۳/۴
	جمع کل	۱۵	۱۰۰
سن	۲۹-۲۰	۱	۶/۶
	۳۹-۳۰	۵	۳۳/۳
	۴۹-۴۰	۴	۲۶/۶
	۵۰ سال به بالا	۵	۳۳/۳
	جمع کل	۱۵	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۳	۲۰
	کارشناسی ارشد	۵	۳۳/۳
	دکتری	۷	۴۶/۶

متغیر	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	
	جمع کل	۱۵	۱۰۰	
رشته تحصیلی	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۱۲	۸۰	
	غیر تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳	۲۰	
	جمع کل	۱۵	۱۰۰	
سمت / شغل	کارشناسان تربیت بدنی آموزش و پرورش	۴	۲۶/۶	
	مربیان ورزشی	۲	۱۳/۳	
	استاد و هیئت علمی دانشگاه	۲	۱۳/۳	
	مدیران مدارس	۱	۶/۶	
	کارشناسان فرهنگی آموزش و پرورش	۲	۱۳/۳	
	متخصصان علوم اجتماعی	۱	۶/۶	
	متخصصان علوم اقتصادی	۱	۶/۶	
	پیشکسوتان ورزشی	۱	۶/۶	
	افرادى که حداقل ۴ پژوهش در این زمینه دارند	۱	۶/۶	
	جمع کل	۱۵	۱۰۰	
	سابقه کاری	زیر ۵ سال	۲	۱۳/۳
		۵-۱۵ سال	۵	۳۳/۳
۱۵ سال به بالا		۸	۵۳/۳	
جمع کل		۱۵	۱۰۰	

۶. یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در این قسمت به دو بخش، یافته‌های مربوط به تحلیل بیانات مقام معظم رهبری و بیان نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و کدگذاری مصاحبه‌ها ارائه شده است. جدول زیر، شامل کدهای مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری درباره ورزش و توسعه ملی در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ است. تا نشان دهد تأکیدات ایشان بر «ورزش قوی» و نقش ورزش در تقویت هویت ملی و سلامت عمومی همچنان ادامه داشته است.

جدول (۳): کدها و متغیرهای مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری درباره ورزش و توسعه ملی

کد اصلی	متغیر مرتبط	توضیح	منبع (دیدار با ... - سال بیان)
نقش ورزش در پیشرفت ملی	توسعه اجتماعی و فرهنگی	ورزش به عنوان ابزاری برای انسجام اجتماعی، تقویت هویت ملی و افزایش روحیه همبستگی در کشور	دیدار با قهرمانان و مدال آوران المپیک و پارالمپیک - ۱۳۹۹
ورزش و سلامت عمومی	بهداشت و سلامت جسمانی و روانی	اهمیت ورزش در ارتقای سلامت جامعه و کاهش بیماری‌ها، به ویژه در میان جوانان و دانش آموزان	دیدار با مسئولان و فعالان حوزه ورزش - ۱۳۹۵
مدرسه به عنوان بستر ورزش	ورزش در نظام آموزشی	تأکید بر نقش مدارس در توسعه فرهنگ ورزش و ضرورت برنامه ریزی برای تقویت ورزش دانش آموزی	دیدار با فرهنگیان و معلمان - ۱۳۹۷
توسعه ورزش دانش آموزی	ورزش در مدارس و آموزش و پرورش	لزوم گسترش ورزش دانش آموزی و ایجاد زیرساخت‌های ورزشی مناسب برای نسل جوان	دیدار با مسئولان آموزش و پرورش و معلمان - ۱۴۰۰
ورزش همگانی و قهرمانی	عدالت ورزشی و مشارکت عمومی	ترویج ورزش همگانی برای تمام اقشار جامعه در کنار تقویت ورزش قهرمانی برای افتخار آفرینی بین المللی	دیدار با ورزشکاران و دست‌اندرکاران ورزش کشور - ۱۴۰۱
اقتصاد و ورزش	تأمین مالی و سرمایه گذاری ورزشی	نقش حمایت‌های مالی، سرمایه گذاری در زیرساخت‌های ورزشی و مدیریت منابع برای توسعه ورزش	دیدار با مسئولان ورزشی کشور - ۱۴۰۰
ورزش و عزت ملی	جایگاه بین المللی ورزش ایران	تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های ورزشی برای ارتقای جایگاه ایران در رقابت‌های جهانی	دیدار با ورزشکاران تیم ملی - ۱۳۹۸
نقش معلمان و مربیان	سرمایه انسانی در ورزش	اهمیت معلمان و مربیان در شکل دهی نگرش	دیدار با معلمان و اساتید دانشگاه - ۱۳۹۶

کد اصلی	متغیر مرتبط	توضیح	منبع (دیدار با ... - سال بیان)
		دانش‌آموزان به ورزش و ایجاد انگیزه در آنان	
سبک زندگی و ورزش	نهادینه‌سازی فرهنگ ورزشی	ضرورت گسترش فرهنگ ورزش در سبک زندگی ایرانیان به‌ویژه در میان جوانان و دانش‌آموزان	دیدار با دانشجویان و جوانان - ۱۳۹۴
ورزش قوی، ایران قوی	نماد ملیت و مقاومت	ورزش قوی نماد اقتدار ملی و مانع نفوذ فساد در ورزش است.	دیدار با مدال‌آوران بازی‌های آسیایی گوانجو - ۱۴۰۲
جوانان ورزشکار، مایه سربلندی	نشاط اجتماعی و افتخار ملی	جوانان ورزشکار موجب شادی و سربلندی ملت هستند.	دیدار با کاروان المپیک و پارالمپیک - ۱۴۰۳
ورزش و نشاط دینی	ورزش به‌مثابه فریضه عمومی	ورزش برای همه لازم و برای سالمندان واجب است؛ ورزش سرمایه‌ای عمومی است.	سخنرانی عمومی - مهر ۱۴۰۳

منبع: (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با ورزشکاران، مسئولان و فعالان حوزه ورزش و فرهنگی از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ (مرکز پژوهش‌های رهبری، مجموعه بیانات)).

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود که در سال‌های اخیر، رهبر انقلاب بر دو محور جدید تأکید داشته‌اند: ایجاد پیوند بین ورزش قوی و عزت ملی (۱۴۰۲) و تجلیل از نقش جوانان ورزشکار در ایجاد افتخار و نشاط ملی (۱۴۰۳)، همچنین تأکید بر ورزش به‌مثابه سرمایه‌ای عمومی و فریضه‌ای همگانی در سخنرانی مهر ۱۴۰۳. این روند نشان‌دهنده عمق نگاه راهبردی به ورزش و استمرار نقش آن در تربیت فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

جدول ۴ یافته‌های مصاحبه‌های کیفی با خبرگان و متخصصان حوزه ورزش، آموزش و پرورش و علوم اجتماعی و اقتصادی را با بیانات مقام معظم رهبری تطبیق می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که چگونه دیدگاه‌های کارشناسان در زمینه توسعه فرهنگی، مدیریت جهادی، عدالت اجتماعی، پیشرفت علمی و ورزش قوی با رهنمودهای راهبردی رهبر انقلاب هم‌پوشانی دارند و ارتباط بین پژوهش میدانی و سیاست‌های کلان کشور را نمایان می‌سازد.

جدول (۴): جدول تطبیقی یافته‌های مصاحبه با بیانات مقام معظم رهبری

محور کلیدی	یافته‌های مصاحبه‌ها	تطبیق با بیانات مقام معظم رهبری	نمونه بیانات رهبر معظم انقلاب
الزامات فرهنگی	تأکید بر ترویج فرهنگ خودباوری و هویت ملی در محیط‌های آموزشی و سازمانی	هم‌پوشانی بالا	ما باید فرهنگ خودباوری را در جوانان نهادینه کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان ۱۳۹۷)
مدیریت جهادی	ضرورت اتخاذ رویکردهای جهادی برای حل مسائل مدیریتی و پیشرفت سازمان	هم‌پوشانی بسیار بالا	مدیریت جهادی یعنی تلاش مضاعف و بی‌وقفه برای خدمت به مردم. (بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴)
نقش نخبگان	تأکید بر نقش فعال نخبگان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	هم‌پوشانی بالا	نخبگان سرمایه‌های اصلی کشورند و باید در همه عرصه‌ها نقش آفرینی کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳).
اقتصاد مقاومتی	لزوم ایجاد سازوکارهایی برای حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی	هم‌پوشانی بسیار بالا	اقتصاد مقاومتی تنها راه مقابله با دشمنی‌ها و تحریم‌هاست. (بیانات مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۲)
عدالت اجتماعی	مصاحبه‌شوندگان خواستار ایجاد عدالت و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه	هم‌پوشانی متوسط تا بالا	عدالت اجتماعی باید در همه تصمیمات کلان کشور اصل باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴)
پیشرفت علمی	تأکید بر توسعه علم و فناوری و سرمایه‌گذاری بر پژوهش‌های کاربردی	هم‌پوشانی بالا	پیشرفت علمی کشور باید با سرعت ادامه پیدا کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید ۱۳۹۶)
اخلاق و معنویت	اهمیت ارتقای اخلاق حرفه‌ای و روحیه معنویت‌گرایی در سازمان‌ها و جامعه	هم‌پوشانی بالا	اخلاق و معنویت باید سرلوحه همه فعالیت‌ها باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان ۱۳۹۰)
مشارکت مردمی	تأکید بر نقش مردم در اجرای برنامه‌های ملی و موفقیت طرح‌های کلان	هم‌پوشانی بالا	مردم باید در همه عرصه‌ها حضور داشته باشند، این رمز موفقیت ماست. (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۸۹)

محور کلیدی	یافته‌های مصاحبه‌ها	تطبیق با بیانات مقام معظم رهبری	نمونه بیانات رهبر معظم انقلاب
ورزش قوی، ایران قوی	تأکید بر نقش ورزش قوی در ارتقای اقتدار ملی، هویت فرهنگی و نشاط اجتماعی	هم‌پوشانی بالا	«ورزش قوی نماد اقتدار ملی و مانع نفوذ فساد در ورزش است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مدال‌آوران بازی‌های آسیایی ۱۴۰۲)
جوانان ورزشکار، مایه سربلندی	اهمیت جوانان ورزشکار در ایجاد نشاط اجتماعی و افتخار ملی	هم‌پوشانی بالا	«جوانان ورزشکار موجب شادی و سربلندی ملت هستند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کاروان المپیک و پارالمپیک ۱۴۰۳)
ورزش و نشاط دینی	ورزش به‌مثابه سرمایه‌ای عمومی و واجب همگانی	هم‌پوشانی بالا	«ورزش برای همه لازم و برای سالمندان واجب است؛ ورزش سرمایه‌ای عمومی است.» (سخنرانی عمومی مقام معظم رهبری، مهر ۱۴۰۳)

منبع: (مطالعه تطبیقی یافته‌های مصاحبه‌های کیفی با بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، گردآوری شده توسط پژوهشگر)

با تحلیل جدول ۴ مشخص می‌شود که یافته‌های مصاحبه‌های میدانی و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در سطوح مختلف فرهنگی، مدیریتی، اجتماعی، علمی و ورزشی هم‌پوشانی بالایی دارند. این هم‌پوشانی نشان‌دهنده هماهنگی سیاست‌های کلان کشور با اقدامات عملی برای توسعه مدرسه و ورزش قوی است و بیانگر ضرورت رویکرد جامع و راهبردی در نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش، پرورش نخبگان و ارتقای نشاط ملی می‌باشد.

جدول ۵ تطبیق سیاست‌های کلی نظام با حوزه ورزش و تربیت بدنی را نشان می‌دهد. این جدول ارتباط مستقیم میان سیاست‌های کلان کشور و برنامه‌های ورزش و تربیت بدنی را برجسته می‌کند و زمینه را برای تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی ورزش در مدارس فراهم می‌سازد. بررسی بندهای مرتبط با ورزش در اسناد بالادستی، به شناسایی نقش راهبردی ورزش در ارتقای سلامت، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت روحیه ملی کمک می‌کند.

جدول (۵): تطبیق سیاست‌های کلی نظام با حوزه ورزش و تربیت بدنی

ردیف	سیاست کلی نظام	بند مرتبط	اشاره به ورزش و تربیت بدنی	تأثیر بر پژوهش حاضر
۱	سیاست‌های کلی سلامت	بند ۶	تأکید بر توسعه فعالیت‌های بدنی و ورزش به‌عنوان رکن پیشگیری از بیماری‌ها و ارتقای سلامت جامعه	نشان‌دهنده اهمیت ورزش دانش‌آموزی و همگانی برای سلامت نسل آینده
۲	سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر	بند ۴	توجه به نقش ورزش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و انحرافات جوانان	تأکید بر برنامه‌ریزی ورزش مدارس و دانشگاه‌ها برای کاهش آسیب‌های اجتماعی
۳	سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سامان‌دهی امور ایثارگران	بند ۹	توسعه فرهنگ ایثارگری و مقاومت از طریق برنامه‌های فرهنگی و ورزشی	نشان‌دهنده بعد فرهنگی و هویتی ورزش در تقویت روحیه ملی
۴	سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور	بند ۵-۵	ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های تربیت بدنی و تقویت ورزش در مدارس	پشتیبان یافته‌های پژوهش در خصوص نقش مدارس در توسعه ورزش و تربیت بدنی
۵	سایر سیاست‌های مرتبط	-	به‌طور غیرمستقیم بر ارتقای کیفیت آموزش و مهارت‌های زندگی از طریق ورزش تأکید دارند	تقویت تحلیل اجتماعی - اقتصادی پژوهش در چهارچوب اسناد بالادستی

تحلیل جدول ۵ نشان می‌دهد که سیاست‌های کلان کشور به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه ورزش و تربیت بدنی در مدارس و جامعه تأثیرگذار هستند. این هم‌سویی میان سیاست‌های بالادستی و یافته‌های پژوهش، اهمیت ورزش دانش‌آموزی، نقش اجتماعی و فرهنگی ورزش، و ضرورت برنامه‌ریزی هدفمند در

مدارس برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت نشاط ملی را تأیید می‌کند. بدین ترتیب، ورزش به‌عنوان ابزاری چندوجهی برای پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور مطرح می‌شود و پژوهش حاضر در چهارچوب این اسناد، اهمیت آن را بررسی کرده است.

تأکیدات خاص مقام معظم رهبری درباره ورزش دانش‌آموزی:

- **لزوم گسترش ورزش در مدارس:** مقام معظم رهبری در دیدار با فرهنگیان و مسئولان آموزش و پرورش بر اهمیت تقویت ورزش در مدارس تأکید داشته و آن را لازمه سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان دانسته‌اند.

- **ضرورت تأمین زیرساخت‌های ورزشی در مدارس:** ایشان تأکید کرده‌اند که توسعه ورزش در مدارس باید همراه با تجهیز سالن‌های ورزشی، زمین‌های بازی و امکانات مناسب باشد.

- **نقش معلمان ورزش در تربیت نسل آینده:** رهبر انقلاب، معلمان ورزش را از ارکان اساسی برای شکل‌دهی نگرش مثبت دانش‌آموزان به ورزش دانسته و خواستار حمایت و آموزش بیشتر برای این قشر شده‌اند.

- **ترویج ورزش همگانی در مدارس:** مقام معظم رهبری بر ضرورت مشارکت همه دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی و ایجاد شرایط برابر برای ورزش دختران و پسران در مدارس تأکید کرده‌اند. این موارد نشان‌دهنده توجه ویژه مقام معظم رهبری به ورزش دانش‌آموزی به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه ورزش قهرمانی و افزایش سلامت جامعه است.

تأکیدات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ورزش دانش‌آموزی نه تنها به بهبود سلامت و نشاط جسمانی و روانی دانش‌آموزان کمک می‌کند بلکه نقش کلیدی در پرورش استعدادهای ورزشی، ارتقای سرمایه اجتماعی و فرهنگ ورزش قهرمانی در کشور دارد؛ بنابراین، توجه ویژه به زیرساخت‌ها، معلمان و ترویج ورزش همگانی، از الزامات راهبردی برای توسعه ورزش مدارس و تحقق اهداف ملی است.

جدول ۶ به نمایش کدگذاری اولیه، مفهوم‌سازی و مقوله‌سازی یافته‌های پژوهش می‌پردازد و چهارچوب مفهومی توسعه ورزش و تربیت بدنی در مدارس و جامعه را به تصویر می‌کشد. در این جدول، داده‌های مصاحبه‌ها و پژوهش‌های پیشین به سه سطح «شرایط علی»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر»، و «راهبردها و پیامدها» تفکیک شده‌اند. این طبقه‌بندی به شناسایی عوامل مؤثر، فرصت‌ها و محدودیت‌های

ورزش دانش‌آموزی و نقش نهادهای مختلف در تقویت عملکرد ورزشی کمک می‌کند. جدول همچنین نشان می‌دهد که ارتباط میان آموزش و توسعه مهارت‌ها، حمایت سازمانی، انگیزش، فرصت‌های رشد، زیرساخت‌ها و حمایت‌های قانونی و رسانه‌ای چگونه می‌تواند منجر به پیامدهای فنی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی شود. این تحلیل به پژوهشگر امکان می‌دهد تا راهبردهای مؤثر برای ارتقای ورزش در مدارس و تحقق اهداف ملی و اجتماعی را شناسایی کند.

جدول (۶): کدگذاری اولیه، مفهوم سازی و مقوله سازی

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم	مصاحبه‌ها	پژوهش‌ها
	آموزش و توسعه مهارت‌ها	آموزش‌های تخصصی و عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها	P1, P3, P4, P5, P8	R1, R3, R5, R6, R9, R13, R16, R33.
		دوره‌های کارگاهی و عملی برای مربیان و ورزشکاران	P1, P3, P7	R1, R3, R5, R6, R9, R12, R13.
		توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی از طریق ورزش	P1, P3, P4, P5, P6	R13, R16, R18
شرایط علی	حمایت و پشتیبانی سازمانی	حمایت‌های نهادهای دولتی و غیردولتی از ورزش	P4, P5, P8	R1, R2, R3, R6, R9, R12, R13, R14, R16, R23, R27, R30, R32, R33.
		سیاست‌گذاری‌های ملی و برنامه‌های حمایتی برای ورزش مدارس	P3, P5, P1, P7, P11, P14, P15	R1, R2, R3, R11, R14, R16, R20, R30, R32.
		نظارت و حمایت مستمر از ورزشکاران در تمام سطوح	P1, P4, P8, P9, P11	R1, R2, R3, R16, R20, R30, R33.
	ارزیابی و بازخورد مداوم	ارزیابی‌های دوره‌ای از عملکرد ورزشی در مدارس	P2, P3, P10	R1, R3, R6, R7, R13, R10, R16, R20, R30.
		بازخورد ساختاریافته به ورزشکاران برای رشد و بهبود	P1, P2, P3, P7	R3, R6, R9, R12, R32, R33,
		سیستم‌های ارزیابی	P3, P4, P6	R3, R11,

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
R14, R16, R20, R28, R30		پیشرفت در رشته‌های ورزشی مختلف		
R20, R21.	P1, P4, P8, P9, P11	ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیتهای ورزشی	انگیزش و تشویق	
R3, R4, R6, R7, R10, R12, R13.	P1, P4, P8, P9, P11	تشویق خانواده‌ها و جامعه به حمایت از ورزشکاران نوجوان		
R4, R6, R12, R7, R10	P8, P1, P2, P3, P9, P13	توسعه برنامه‌های تشویقی برای برترین ورزشکاران در مدارس و دانشگاه‌ها		
R1, R3, R6, R9, R13, R16, R24	P4, P10, P15	فراهم‌سازی فرصت‌های مسابقات ملی و بین‌المللی برای ورزشکاران		فرصت‌های رشد و تجربه‌اندوزی
R5, R9, R13, R16, R24, R29	P1, P4, P6	ایجاد فضاهای مناسب برای تمرین و رشد استعدادها		
R12, R16, R24, R28	P1, P2, P3, P9, P13	دسترسی به فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای در حوزه‌های ورزشی		
R5, R16, R28	P1, P4, P6	فرهنگ‌سازی و ترویج ورزش در مدارس و جامعه	شرایط فرهنگی و اجتماعی	شرایط زمینه‌ای
R10, R13, R16, R33	P1, P4, P8, P9, P11	نگرش جامعه به ورزش و اهمیت آن برای سلامتی و پیشرفت فردی		
R1, R2, R3, R9, R12, R13, R16, R28, R31, R32, R33	P3, P4, P5, P7	نقش خانواده‌ها در تشویق و حمایت از فعالیتهای ورزشی		
R1, R3, R9, R11, R13, R16, R33	P3, P4, P9	وجود قوانین و مقررات حمایت‌کننده از ورزش در		

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
		مدارس و جامعه		
R1, R3, R11, R13, R16	P1, P4, P8, P9, P11	حمایت‌های حقوقی از ورزشکاران و حقوق ایشان در محیط‌های ورزشی		
R1, R3, R5, R9, R10	P1, P4, P8, P9, P11	تضمین دسترسی برابر به امکانات ورزشی برای همه گروه‌ها		
R1, R3, R5, R9, R10, R12, R13,	P1, P2, P3, P4,	تعداد و کیفیت سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی	زیرساخت‌های ورزشی	
R3, R5, R9, R10, R12, R13.	P1, P4, P8, P9,	تأمین امکانات ورزشی در مدارس و دانشگاه‌ها		
R7, R11, R16, R17, R18, R20.	P11, P1, P4, P6, P14, P15	زیرساخت‌های شهری و دسترسی آسان به اماکن ورزشی		
R20, R21.	P2, P3, P7	تأثیر رسانه‌های ملی و اجتماعی در ترویج ورزش	حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی	
R7, R16, R17, R18, R32.	P1, P3, P7	پوشش رسانه‌ای مسابقات ورزشی و موفقیت‌های ورزشی		
R18, R20, R21.	P3, P4, P10	استفاده از تبلیغات برای جذب جوانان به ورزش		
R9, R16, R26, R27,	P11, P3, P9, P13	همکاری‌های آموزشی و ورزشی بین کشورها	شبکه‌های ارتباطی و همکاری‌های بین‌المللی	
R12, R13, R16, R26, R27,	P2, P4, P8, P10, P11	ارتباطات و مشارکت با نهادهای بین‌المللی ورزشی		
R28, R31	P3, P4, P5, P8	تبادل تجربیات و دستاوردهای ورزشی در سطح جهانی		
	P2, P3, P11	انگیزه و خودباوری فردی در ورزش	فردی و روانی	شرایط مداخله‌گر

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
R27, R28, R29, R31, R33.	P3, P7, P9	تأثیر ورزش بر سلامت روان و اعتماد به نفس		
R13, R14, R16, R20, R30,	P2, P3, P10	مقابله با استرس و فشارهای روانی از طریق ورزش		
R32, R33.	P1, P4, P8, P9, P11	برنامه‌های آموزشی برای مربیان و داوران	آموزشی و توسعه حرفه‌ای	
R32, R33.	P3, P4, P8, P10, P11	دوره‌های تخصصی برای ارتقاء سطح مهارت‌های ورزشی		
R7, R16, R17, R18, R32.	P1, P4, P8, P10, P11	رشد حرفه‌ای ورزشکاران در سطوح ملی و بین‌المللی		
R7, R16, R17	P3, P4, P7, P8	ساختار سازمانی مناسب برای ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها	ساختاری و سازمانی	
R18, R20, R21.	P3, P4, P8, P10, P11	برنامه‌ریزی و مدیریت منابع برای توسعه ورزش در کشور		
R1, R3, R7, R8, R12	P1, P4, P8, P10, P11	تأسیس نهادهای مدیریتی برای هماهنگی بین رشته‌های مختلف ورزشی		
R16, R18, R22,	P4, P5, P8,	ترویج ورزش از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	رسانه‌ای و تبلیغاتی	
R8, R9, R10, R11	P3, P5, P7, P8,	افزایش آگاهی عمومی از اهمیت ورزش در زندگی روزمره		
R18, R32, R33.	P1, P4, P5, P8,	برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی به جامعه		

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
R9, R25	P1, P4, P5, P7,	اثر ورزش بر تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی	اجتماعی و فرهنگی	
R18, R22,	P4, P8, P9	ترویج فرهنگ ورزشی در خانواده‌ها و جامعه		
R12, R13, R16	P3, P4, P8, P10, P12	مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان یک هنجار اجتماعی		
R1, R3, R7, R8,	P1, P4, P6, P8,	فرصت‌های بین‌المللی برای تبادل تجربیات ورزشی	بین‌المللی و همکاری‌های خارجی	
R1, R3, R6, R7, R10	P2, P3, P7	همکاری‌های ورزشی بین‌المللی در جهت توسعه ورزش		
R1, R3, R5, R6, R7	P3, P10, P11	حضور در مسابقات جهانی و تعامل با ورزشکاران سایر کشورها		
R12, R16, R33.	P3, P4, P8, P10, P12	ایجاد برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و ورزشکاران	آموزشی و توسعه حرفه‌ای	راهبردها
R15, R16,	P5, P6, P9	ارتقاء مهارت‌های ورزشی و حرفه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها		
R26, R27, R32.	P1, P4, P8, P10, P12	برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و داوران		
R31, R32, R33.	P6, P7, P9	تأمین منابع مالی برای حمایت از ورزش‌های مدارس	پشتیبانی مالی و شغلی	
R10, R11, R13,	P1, P2, P6,	ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه ورزش و تربیت بدنی		

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
R1, R3, R6, R8, R9	P5, P6, P7,	جذب اسپانسرها و منابع مالی برای برنامه‌های ورزشی		
R1, R3, R7, R10,	P2, P3, P6,	طراحی و اجرای ساختارهای مدیریتی مؤثر در ورزش	ساختاری و سازمانی	
R1, R3, R7, R8, R12	P2, P6, P8	بهبود هماهنگی بین نهادهای دولتی و خصوصی برای توسعه ورزش		
R1, R3, R7, R8, R20, R25.	P1, P3, P6,	تنظیم قوانین و مقررات مناسب برای مدیریت ورزش		
R12, R16, R28.	P4, P5, P6, P8	ایجاد کمپین‌های رسانه‌ای برای تشویق مردم به ورزش		رسانه‌ای و تبلیغاتی
R16, R20.	P3, P5, P10	تبلیغات برای توسعه برندهای ورزشی و جذب مخاطب		
R12, R20, R25.	P4, P5, P7, P8,	استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج ورزش		
R10, R11, R31,	P3, P4, P7, P8, P14, P15	ترویج فرهنگ ورزش در جامعه	اجتماعی و فرهنگی	
R14, R16, R28	P3, P4, P5, P8	ایجاد انگیزه در میان جوانان برای مشارکت در ورزش		
R13, R32, R33.	P2, P3, P7, P9	تشویق به فعالیت‌های ورزشی به عنوان یک سبک زندگی		
R1, R3, R9,	P3, P4, P8,	گسترش روابط بین‌المللی	بین‌المللی و	

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
R12	P10, P12	در حوزه ورزش	همکاری‌های خارجی	
R1, R3, R6.	P4, P5, P7, P8,	افزایش مشارکت در مسابقات بین‌المللی و تبادل تجربیات		
R3, R9, R13, R14, R33.	P4, P5, P10, P11	همکاری با فدراسیون‌های جهانی برای ارتقاء ورزش در کشور		
R1, R3, R6, R9, R10	P2, P3, P5,	بهبود مهارت‌های ورزشی و عملکرد در مسابقات	فنی و عملکردی	پیامدها
R3, R6, R9,	P5, P7, P11	ارتقاء سطح فنی ورزشکاران در رشته‌های مختلف		
R1, R3, R6, R7, R9	P2, P5, P9, P10	توسعه مهارت‌های فنی در مربیان و داوران		
R1, R2	P2, P3, P4, P5,	تقویت ارتباطات اجتماعی و همکاری‌های فرهنگی از طریق ورزش	اجتماعی و فرهنگی	پیامدها
R16, R28, R32.	P4, P5, P6, P9	ایجاد حس همبستگی اجتماعی و مشارکت در جامعه		
R6, R9, R11	P2, P3, P4, P11, P14, P15	تأثیر ورزش بر تقویت هویت ملی و فرهنگی		
R28, R32.	P2, P3, P7	ایجاد اشتغال در حوزه‌های ورزشی و تربیت بدنی	اقتصادی و شغلی	پیامدها
R26, R32.	P3, P4, P8, P10, P12	تأثیر ورزش بر رشد اقتصادی کشور		
R3, R4, R10, R18,	P4, P7, P9	تأثیر برنامه‌های ورزشی بر بهبود وضعیت اقتصادی		
R4, R10, R18.	P1, P4, P8, P9	موفقیت‌های ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی	ورزشی و عملکردی	پیامدها
R18, R32.	P1, P4, P5,	ایجاد انگیزه برای دستیابی		

پژوهش‌ها	مصاحبه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه نظریه
		به سطوح بالای عملکرد در ورزش		
R20, R21.	P3, P4, P6, P10	توسعه زیرساخت‌های ورزشی و ارتقاء سطح ورزش حرفه‌ای		
R14, R20, R32,	P1, P3, P7	بهبود مدیریت سازمان‌های ورزشی و فدراسیون‌ها	سازمانی و ساختاری	
R28, R32.	P11, P14, P15	ساختاردهی مجدد در نهادهای ورزشی برای بهبود عملکرد		
R32, R33	P1, P3, P7, P11, P14, P15	تقویت ساختارهای مدیریتی در ورزش مدارس و دانشگاه‌ها		

منبع: (محقق ساخته بر اساس یافته‌های پژوهش)

تحلیل جدول ۶ نشان می‌دهد که توسعه ورزش دانش‌آموزی و موفقیت‌های ورزشی کشور نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که به سه دسته اصلی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر تقسیم می‌شود. این دسته‌ها شامل توانمندسازی افراد، حمایت‌های سازمانی و قانونی، زیرساخت‌های ورزشی، رسانه و تبلیغات، و ارتباطات بین‌المللی هستند. علاوه‌براین، داده‌ها نشان می‌دهند که راهبردهای آموزشی، پشتیبانی مالی و شغلی، ساختاردهی سازمانی و تبلیغات مؤثر می‌توانند پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فنی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی ایجاد کنند. این چهارچوب تحلیلی، پایه‌ای برای ارائه سیاست‌گذاری‌های مؤثر و تدوین برنامه‌های عملیاتی در راستای ارتقای ورزش دانش‌آموزی و توسعه ملی فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که موفقیت ورزشی کشور نتیجه تعامل میان عوامل فردی، سازمانی، اجتماعی و بین‌المللی است.

جدول ۷ به بررسی شرایط علی تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش می‌پردازد و عوامل اصلی مؤثر بر موفقیت‌های ورزشی دانش‌آموزان و نقش مدارس در توسعه ورزش کشور را نمایش می‌دهد. این جدول مؤلفه‌های کلیدی شامل آموزش و توسعه مهارت‌ها، حمایت و پشتیبانی سازمانی، ارزیابی و بازخورد مداوم، انگیزش و تشویق، و

فرصت‌های رشد و تجربه‌اندوزی را نشان می‌دهد. تحلیل این شرایط علی، پایه‌ای برای شناسایی رابطه علت و معلولی میان سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکرد ورزشی فراهم می‌آورد و به پژوهشگر امکان می‌دهد تا اولویت‌های مداخله‌ای برای تقویت ورزش دانش‌آموزی و دستیابی به اهداف ملی را تعیین کند.

جدول (۷): شرایط علی تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم
شرایط علی	آموزش و توسعه مهارت‌ها	آموزش‌های تخصصی و عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها
		دوره‌های کارگاهی و عملی برای مربیان و ورزشکاران
		توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی از طریق ورزش
	حمایت و پشتیبانی سازمانی	حمایت‌های نهادهای دولتی و غیردولتی از ورزش
		سیاست‌گذاری‌های ملی و برنامه‌های حمایتی برای ورزش مدارس
		نظارت و حمایت مستمر از ورزشکاران در تمام سطوح
	ارزیابی و بازخورد مداوم	ارزیابی‌های دوره‌ای از عملکرد ورزشی در مدارس
		بازخورد ساختاریافته به ورزشکاران برای رشد و بهبود
		سیستم‌های ارزیابی پیشرفت در رشته‌های ورزشی مختلف
	انگیزش و تشویق	ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی
		تشویق خانواده‌ها و جامعه به حمایت از ورزشکاران نوجوان
		توسعه برنامه‌های تشویقی برای برترین ورزشکاران در مدارس و دانشگاه‌ها
	فرصت‌های رشد و تجربه‌اندوزی	فراهم‌سازی فرصت‌های مسابقات ملی و بین‌المللی برای ورزشکاران
		ایجاد فضاهای مناسب برای تمرین و رشد استعدادها
		دسترسی به فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای در حوزه‌های ورزشی

منبع: (تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در حوزه ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی)

تحلیل جدول ۷ نشان می‌دهد که موفقیت‌های ورزشی دانش‌آموزان و تقویت ورزش مدرسه‌ای به مجموعه‌ای از شرایط علی وابسته است. این شرایط شامل ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، حمایت سازمانی مستمر، سیستم‌های ارزیابی و بازخورد مؤثر، انگیزش و تشویق دانش‌آموزان و ایجاد فرصت‌های رشد و تجربه‌اندوزی است. با شناسایی و بهینه‌سازی این مؤلفه‌ها، می‌توان پیش‌نیازهای تحقق ورزش قوی و ایران قوی را در مدارس فراهم کرد و زمینه‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ورزش در کشور را تقویت نمود. این جدول به پژوهشگر کمک می‌کند تا مسیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی را در حوزه ورزش و تربیت بدنی مشخص کند و نقش هر یک از عوامل مؤثر را در ایجاد تغییرات مثبت در ساختار و عملکرد ورزش دانش‌آموزی تحلیل نماید.

جدول ۸ به بررسی شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش می‌پردازد و عواملی را نشان می‌دهد که زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ساختاری موفقیت‌های ورزشی دانش‌آموزان و توسعه ورزش مدرسه‌ای را شکل می‌دهند. این شرایط زمینه‌ای شامل شرایط فرهنگی و اجتماعی، حمایت‌های قانونی و حقوقی، زیرساخت‌های ورزشی، حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، و شبکه‌های ارتباطی و همکاری‌های بین‌المللی است. تحلیل این عوامل زمینه‌ای به پژوهشگر کمک می‌کند تا محیط کلان و ساختاری مؤثر بر توسعه ورزش در مدارس را شناسایی کرده و نقش آن‌ها را در تقویت سیاست‌ها و برنامه‌های ورزشی تعیین نماید. جدول ۸ شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش.

جدول (۸): شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم
شرایط زمینه‌ای	شرایط فرهنگی و اجتماعی	فرهنگ‌سازی و ترویج ورزش در مدارس و جامعه
		نگرش جامعه به ورزش و اهمیت آن برای سلامتی و پیشرفت فردی
		نقش خانواده‌ها در تشویق و حمایت از فعالیت‌های ورزشی
شرایط زمینه‌ای	حمایت‌های قانونی و حقوقی	وجود قوانین و مقررات حمایت‌کننده از ورزش در مدارس و جامعه
		حمایت‌های حقوقی از ورزشکاران و حقوق ایشان در

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم
		محیط‌های ورزشی
		تضمین دسترسی برابر به امکانات ورزشی برای همه گروه‌ها
	زیرساخت‌های ورزشی	تعداد و کیفیت سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی
		تأمین امکانات ورزشی در مدارس و دانشگاه‌ها
		زیرساخت‌های شهری و دسترسی آسان به اماکن ورزشی
حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی		تأثیر رسانه‌های ملی و اجتماعی در ترویج ورزش
		پوشش رسانه‌ای مسابقات ورزشی و موفقیت‌های ورزشی
		استفاده از تبلیغات برای جذب جوانان به ورزش
شبکه‌های ارتباطی و همکاری‌های بین‌المللی		همکاری‌های آموزشی و ورزشی بین کشورها
		ارتباطات و مشارکت با نهادهای بین‌المللی ورزشی
		تبادل تجربیات و دستاوردهای ورزشی در سطح جهانی

منبع: (تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در حوزه ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی)

تحلیل جدول ۸ نشان می‌دهد که موفقیت‌های ورزشی و توسعه ورزش مدارس تنها به اقدامات مستقیم آموزشی و سازمانی محدود نمی‌شود بلکه تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای قرار دارد. این شرایط شامل فرهنگ اجتماعی و نقش خانواده‌ها، قوانین و مقررات حمایتی، زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی، پوشش رسانه‌ای و تبلیغاتی، و ارتباطات بین‌المللی است. شناخت و بهبود این عوامل زمینه‌ای، علاوه بر ارتقای عملکرد فردی و سازمانی، راه را برای تحقق سیاست‌های کلان ملی در حوزه ورزش و تربیت بدنی هموار می‌سازد و به ایجاد محیطی پایدار و عادلانه برای توسعه ورزش دانش‌آموزی و ورزش همگانی کمک می‌کند.

جدول ۹ به بررسی شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش می‌پردازد و عواملی را نشان می‌دهد که نقش میانجی یا تقویت‌کننده در تأثیر ورزش مدارس بر توسعه اجتماعی و اقتصادی و موفقیت‌های ورزشی ایفا می‌کنند. این شرایط مداخله‌گر شامل پنج بُعد اصلی است: فردی و روانی، آموزشی و توسعه

حرفه‌ای، ساختاری و سازمانی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، اجتماعی و فرهنگی، و بین‌المللی و همکاری‌های خارجی. تحلیل این عوامل به شناسایی مکانیزم‌ها و راهکارهای عملی برای افزایش تأثیرگذاری ورزش در مدارس و جامعه کمک می‌کند.

جدول (۹): شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم
شرایط مداخله‌گر	فردی و روانی	انگیزه و خودباوری فردی در ورزش
		تأثیر ورزش بر سلامت روان و اعتماد به نفس
		مقابله با استرس و فشارهای روانی از طریق ورزش
	آموزشی و توسعه حرفه‌ای	برنامه‌های آموزشی برای مربیان و داوران
		دوره‌های تخصصی برای ارتقاء سطح مهارت‌های ورزشی
		رشد حرفه‌ای ورزشکاران در سطوح ملی و بین‌المللی
	ساختاری و سازمانی	ساختار سازمانی مناسب برای ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها
		برنامه‌ریزی و مدیریت منابع برای توسعه ورزش در کشور
		تأسیس نهادهای مدیریتی برای هماهنگی بین رشته‌های مختلف ورزشی
	رسانه‌ای و تبلیغاتی	ترویج ورزش از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی
		افزایش آگاهی عمومی از اهمیت ورزش در زندگی روزمره
		برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی به جامعه
	اجتماعی و فرهنگی	اثر ورزش بر تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی
		ترویج فرهنگ ورزشی در خانواده‌ها و جامعه
		مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان یک هنجار اجتماعی
بین‌المللی و همکاری‌های خارجی	فرصت‌های بین‌المللی برای تبادل تجربیات ورزشی	
	همکاری‌های ورزشی بین‌المللی در جهت توسعه ورزش	
	حضور در مسابقات جهانی و تعامل با ورزشکاران سایر کشورها	

منبع: (تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در حوزه ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی)

تحلیل جدول ۹ نشان می‌دهد که تأثیر ورزش مدارس بر موفقیت‌های ورزشی و توسعه اجتماعی - اقتصادی تنها به اقدامات آموزشی محدود نمی‌شود بلکه مجموعه‌ای از شرایط مداخله‌گر، نقش میانجی و تقویت‌کننده دارند. این شرایط شامل تقویت انگیزه و خودباوری فردی، توسعه مهارت‌ها و آموزش حرفه‌ای، ساختار و مدیریت سازمانی مناسب، استفاده از رسانه‌ها و تبلیغات، ترویج فرهنگ ورزشی در جامعه، و بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی است. شناخت و مدیریت این عوامل مداخله‌گر، علاوه بر افزایش تأثیر مثبت ورزش بر دانش‌آموزان، راهکارهای عملی و سیاست‌های مؤثری برای ارتقای ورزش مدرسه‌ای و توسعه ورزش ملی فراهم می‌کند و امکان همگرایی بین ابعاد فردی، اجتماعی و ساختاری ورزش را در کشور فراهم می‌سازد.

جدول ۱۰ به شناسایی و دسته‌بندی راهبردهای تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش می‌پردازد. این راهبردها شامل مجموعه اقداماتی هستند که می‌توانند اثر ورزش مدارس بر موفقیت‌های ورزشی و توسعه اجتماعی و اقتصادی را تقویت کنند. در این جدول، پنج بُعد اصلی راهبردی شناسایی شده‌اند: آموزشی و توسعه حرفه‌ای، پشتیبانی مالی و شغلی، ساختاری و سازمانی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، اجتماعی و فرهنگی، و بین‌المللی و همکاری‌های خارجی. بررسی و طراحی این راهبردها به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ در حوزه ورزش و تربیت بدنی کمک می‌کند و مبنایی برای سیاست‌گذاری و توسعه پایدار ورزش در مدارس فراهم می‌سازد.

جدول (۱۰): راهبردهای تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم	
راهبردها	آموزشی و توسعه حرفه‌ای	ایجاد برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و ورزشکاران	
		ارتقاء مهارت‌های ورزشی و حرفه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها	
		برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و داوران	
	پشتیبانی مالی و شغلی	و	تأمین منابع مالی برای حمایت از ورزش‌های مدارس
			ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه ورزش و تربیت بدنی
			جذب اسپانسرها و منابع مالی برای برنامه‌های ورزشی
	ساختاری و سازمانی	و	طراحی و اجرای ساختارهای مدیریتی مؤثر در ورزش
			بهبود هماهنگی بین نهادهای دولتی و خصوصی برای توسعه ورزش
			تنظیم قوانین و مقررات مناسب برای مدیریت ورزش

مفاهیم	مقوله‌ها	مؤلفه‌نظر به
ایجاد کارزارهای رسانه‌ای برای تشویق مردم به ورزش	رسانه‌ای و تبلیغاتی	
تبلیغات برای توسعه برندهای ورزشی و جذب مخاطب		
استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج ورزش		
ترویج فرهنگ ورزش در جامعه	اجتماعی و فرهنگی	
ایجاد انگیزه در میان جوانان برای مشارکت در ورزش		
تشویق به فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان یک سبک زندگی		
گسترش روابط بین‌المللی در حوزه ورزش	بین‌المللی و همکاری‌های خارجی	
افزایش مشارکت در مسابقات بین‌المللی و تبادل تجربیات		
همکاری با فدراسیون‌های جهانی برای ارتقاء ورزش در کشور		

منبع: (تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در حوزه ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی)

تحلیل جدول ۱۰ نشان می‌دهد که موفقیت در توسعه ورزش مدارس و تحقق اهداف ملی نیازمند مجموعه‌ای از راهبردهای هماهنگ است. این راهبردها از آموزش و توسعه مهارت‌ها و پشتیبانی مالی تا تقویت ساختار سازمانی، بهره‌گیری از رسانه‌ها، ایجاد انگیزه اجتماعی و همکاری‌های بین‌المللی را شامل می‌شوند. با به‌کارگیری این راهبردها، امکان توسعه همزمان ورزش دانش‌آموزی، ورزش قهرمانی و ارتقای سلامت اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌شود و زمینه تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» تقویت می‌گردد.

جدول ۱۱ به بررسی و دسته‌بندی پیامدهای تأثیرگذار بر پدیده‌محوری پژوهش می‌پردازد. این پیامدها نشان‌دهنده نتایج عملی و قابل مشاهده اقدامات و راهبردهای حوزه ورزش در مدارس و جامعه هستند. پیامدها در پنج محور اصلی شامل فنی و عملکردی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و شغلی، ورزشی و عملکردی، و سازمانی و ساختاری شناسایی شده‌اند. تحلیل این پیامدها به درک بهتر اثر ورزش بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین بهبود عملکرد ورزشکاران و سازمان‌های ورزشی کمک می‌کند.

جدول (۱۱): پیامدهای تأثیرگذار بر پدیده محوری پژوهش

مؤلفه نظریه	مقوله‌ها	مفاهیم
پیامدها	فنی و عملکردی	بهبود مهارت‌های ورزشی و عملکرد در مسابقات
		ارتقاء سطح فنی ورزشکاران در رشته‌های مختلف
		توسعه مهارت‌های فنی در مربیان و داوران
	اجتماعی و فرهنگی	تقویت ارتباطات اجتماعی و همکاری‌های فرهنگی از طریق ورزش
		ایجاد حس همبستگی اجتماعی و مشارکت در جامعه
		تأثیر ورزش بر تقویت هویت ملی و فرهنگی
	اقتصادی و شغلی	ایجاد اشتغال در حوزه‌های ورزشی و تربیت بدنی
		تأثیر ورزش بر رشد اقتصادی کشور
		تأثیر برنامه‌های ورزشی بر بهبود وضعیت اقتصادی
	ورزشی و عملکردی	موفقیت‌های ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی
		ایجاد انگیزه برای دستیابی به سطوح بالای عملکرد در ورزش
توسعه زیرساخت‌های ورزشی و ارتقاء سطح ورزش حرفه‌ای		
سازمانی و ساختاری	بهبود مدیریت سازمان‌های ورزشی و فدراسیون‌ها	
	ساختاردهی مجدد در نهادهای ورزشی برای بهبود عملکرد	
	تقویت ساختارهای مدیریتی در ورزش مدارس و دانشگاه‌ها	

منبع: (تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در حوزه ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی)

تحلیل پیامدهای جدول ۱۱ نشان می‌دهد که توسعه ورزش در مدارس و جامعه نه تنها موجب ارتقاء مهارت‌ها و عملکرد ورزشی می‌شود بلکه اثرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سازمانی گسترده‌ای نیز دارد. این پیامدها مبین اهمیت رویکرد جامع در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ورزشی هستند و تأکید دارند که موفقیت ورزش و تربیت بدنی نیازمند هماهنگی بین آموزش، ساختار مدیریتی، زیرساخت‌ها، حمایت مالی و مشارکت اجتماعی است. با بهره‌گیری از این پیامدها می‌توان مسیر

تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» را هموار و اثر ورزش بر توسعه پایدار کشور را تقویت کرد.

در پژوهش حاضر، تحلیل داده‌های کیفی نشان داد که تفاوت‌های نوع و مقطع مدارس، جنسیت دانش‌آموزان و سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها تأثیر مهمی بر مشارکت در ورزش دانش‌آموزی و بهره‌گیری از فرصت‌های ورزشی دارند. جدول زیر، یافته‌های کلیدی مرتبط با این تفاوت‌ها را بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی ارائه می‌دهد.

جدول (۱۲): یافته‌ها بر اساس تفاوت مدارس، جنسیت و سرمایه‌های اقتصادی - فرهنگی

محور تحلیل	یافته‌های مصاحبه‌ها	نمونه مصاحبه‌ها	تحلیل تأثیر بر ورزش دانش‌آموزی
نوع و مقطع مدارس	مدارس استعدادهای درخشان و خصوصی دسترسی بیشتری به امکانات ورزشی دارند	P1, P3, P5	ایجاد فرصت‌های بیشتر برای ورزش حرفه‌ای و رقابت‌های ملی و بین‌المللی
مدارس	مدارس دولتی در مناطق کمتر برخوردار با کمبود فضا و تجهیزات مواجه‌اند	P4, P7, P9	محدودیت در توسعه ورزش همگانی و قهرمانی، نیازمند سیاست‌گذاری هدفمند
جنسیت دانش‌آموزان	دختران در برخی مناطق به فعالیت‌های ورزشی دسترسی محدود دارند	P2, P6, P8	ایجاد نابرابری در مشارکت ورزشی و ضرورت برنامه‌های متناسب با جنسیت
	مشارکت پسران به دلیل فرهنگ منطقه‌ای و امکانات موجود بیشتر است	P3, P5, P10	تقویت ورزش قهرمانی و همگانی در گروه‌های مذکور
سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها	دانش‌آموزان با حمایت خانواده‌های دارای سرمایه اقتصادی و فرهنگی بیشتر، مشارکت بالاتری دارند	P1, P4, P11	افزایش انگیزه و استمرار در فعالیت‌های ورزشی
	دانش‌آموزان مناطق محروم و خانواده‌های کم‌منابع، دسترسی محدود و انگیزه پایین دارند	P7, P9, P12	ضرورت ایجاد فرصت‌های برابر و زیرساخت‌های حمایتی برای کاهش شکافها

بر اساس جدول ۱۲، می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت ورزش دانش‌آموزی و

نقش آن در توسعه اجتماعی و اقتصادی به شدت تحت تأثیر تفاوت‌های مدارس، جنسیت و سرمایه‌های اقتصادی - فرهنگی دانش‌آموزان است. برای ارتقای مشارکت، تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد عدالت ورزشی، لازم است سیاست‌های آموزشی و ورزشی با نگاه منطقه‌ای و متناسب با ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی مدارس طراحی و اجرا شوند. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت توجه به عوامل زمینه‌ای و ساختاری در توسعه ورزش دانش‌آموزی و دستیابی به اهداف کلان ملی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان مدرسه، ورزش و توسعه ملی، به تحلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی ورزش دانش‌آموزی و تأثیر آن بر موفقیت‌های ورزشی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نهادینه‌سازی ورزش در نظام آموزشی، علاوه بر ارتقای سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، به تقویت مشارکت اجتماعی، انسجام فرهنگی و توسعه ورزش قهرمانی منجر می‌شود. همچنین، سرمایه‌گذاری هدفمند در ورزش دانش‌آموزی، زیرساخت مناسبی برای رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه ورزش فراهم می‌سازد. فرمایشات مقام معظم رهبری نیز مؤید این مسیر است؛ ایشان ورزش را نه صرفاً یک فعالیت فردی بلکه ابزاری برای ارتقای عزت ملی، تقویت هویت نسل جوان و بسترساز پیشرفت کشور می‌دانند. با توجه به این نگاه راهبردی، تحقق الگوی «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» نیازمند برنامه‌ریزی جامع، توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای جایگاه معلمان ورزش در نظام آموزشی است. تحقق این چشم‌انداز می‌تواند به موفقیت پایدار ورزشی و توسعه متوازن کشور در ابعاد مختلف منتهی شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت‌های ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی، فراتر از رشد مهارت‌های فردی، دارای کارکردهای گسترده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. ورزش به‌عنوان عاملی مؤثر در افزایش انسجام اجتماعی، تقویت هویت ملی، ارتقای سرمایه فرهنگی، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. در نگاه کلان، ورزش نه تنها زمینه‌ساز سلامت جسمی و روانی جامعه است بلکه ابزاری برای عزت ملی و پیشرفت پایدار کشور محسوب می‌شود. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که تحقق الگوی «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» نیازمند برنامه‌ریزی جامع در نظام آموزشی کشور است. مدارس به‌عنوان بستر نخستین تربیت بدنی، باید با توسعه زیرساخت‌های مناسب، ارائه آموزش‌های تخصصی،

حمایت هدفمند از معلمان ورزش و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت دانش‌آموزان، نقش مؤثری در مسیر تربیت نسل آینده ورزشکاران ایفا کنند. چهار عامل کلیدی در این مسیر شناسایی شده است: ارتقای آموزش و مهارت‌های ورزشی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها، تدوین سیاست‌های حمایتی و ایجاد زیرساخت‌های عادلانه، ارزیابی مستمر عملکرد ورزشی و ایجاد نظام بازخورد مؤثر، و فراهم‌سازی زمینه‌های انگیزش از طریق رقابت، آموزش‌های تخصصی و مشارکت برابر دختران و پسران. این عوامل در هم‌افزایی با یکدیگر می‌توانند بستری مطمئن برای رشد ورزش قهرمانی، توسعه اقتصادی حوزه ورزش، و افزایش نقش ورزش در ارتقای سرمایه اجتماعی کشور فراهم سازند. با تأکید بر دیدگاه راهبردی مقام معظم رهبری که ورزش را از ارکان پیشرفت فرهنگی، هویتی و اقتصادی کشور می‌دانند، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که آینده‌ای قدرتمند برای ایران، در گرو تقویت بنیان‌های ورزشی از مسیر آموزش و پرورش است. دستیابی به «ایران قوی» بدون «مدرسه قوی» و «ورزش قوی» ممکن نخواهد بود.

تحلیل نظریه‌های مرتبط با توسعه ورزش در مدارس و بررسی پیشینه‌های پژوهشی، نشان می‌دهد که آموزش و توسعه مهارت‌های ورزشی در مدارس، نقشی کلیدی در ارتقای سلامت جسمی و روانی، تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی، و افزایش اعتمادبه‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که مدیریت مؤثر فعالیت‌های ورزشی در مدرسه، نه تنها مانعی برای پیشرفت تحصیلی نیست بلکه به بهبود عملکرد ذهنی و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند. از سوی دیگر، حمایت‌های اجتماعی و عاطفی - به‌ویژه از سوی خانواده، همسالان و کادر آموزشی - از عوامل مؤثر در تداوم مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی به‌شمار می‌رود. این حمایت‌ها در دوران حساس نوجوانی نقش حیاتی در شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به ورزش ایفا می‌کنند. همچنین، تأمین منابع مالی پایدار، توجه به نیازهای اقتصادی دانش‌آموزان و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، از جمله الزامات اساسی برای توسعه پایدار ورزش دانش‌آموزی است. نتایج این بررسی، در هماهنگی با دیدگاه راهبردی مقام معظم رهبری که ورزش را بخشی جدانشدنی از تربیت، سلامت و عزت ملی می‌دانند، بر سه محور اصلی تأکید دارد: آموزش و توسعه مهارت‌های ورزشی، حمایت‌های اجتماعی و سازمانی، و تأمین مالی و زیرساخت‌های فیزیکی. این سه مؤلفه، زیربنای تحقق الگوی «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» هستند. توسعه هدفمند این عناصر در نظام آموزشی، راه را برای شکل‌گیری نسلی سالم، توانمند و آماده برای

مشارکت در پیشرفت ملی هموار می‌سازد.

در مسیر تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی»، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سه عامل اساسی شامل فرهنگ‌سازی، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت‌های قانونی و اجتماعی، نقشی کلیدی در ارتقای موفقیت‌های ورزشی دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایجاد فرهنگ ورزش در مدارس و جامعه، پایه‌گذار نگرش مثبت، خودباوری و مشارکت اجتماعی در میان دانش‌آموزان است و انگیزه آنان را در سایر حوزه‌های زندگی نیز افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، توسعه متوازن زیرساخت‌های ورزشی در مدارس و نهادهای آموزشی، به‌ویژه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و روانی دانش‌آموزان، بستر مناسبی برای ارتقای عملکرد ورزشی و شکل‌گیری استعدادها و حرفه‌ای فراهم می‌آورد. در این راستا، حمایت‌های اجتماعی، خانوادگی، رسانه‌ای و قانونی، نقش پشتیبان در استمرار مشارکت ورزشی ایفا کرده و به تثبیت جایگاه ورزش در ساختار اجتماعی و آموزشی کشور کمک می‌کند. از منظر راهبردی نیز، تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ورزش، فراتر از یک فعالیت فردی، به‌عنوان ابزاری برای تعالی فرهنگی، انسجام ملی و تقویت عزت کشور تلقی می‌شود؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری در ورزش دانش‌آموزی و سیاست‌گذاری هدفمند در حوزه تربیت بدنی، ضرورتی انکارناپذیر برای پیشرفت پایدار کشور است. در مجموع، یافته‌ها تأکید می‌کنند که تحقق ایران قوی از مسیر توسعه‌یافته ورزش دانش‌آموزی ممکن خواهد بود؛ مسیری که از دل مدارس با فرهنگ‌سازی، زیرساخت‌های مناسب و حمایت‌های ساختاری آغاز می‌شود و در نهایت به تقویت سرمایه انسانی و افتخارآفرینی ملی منتهی خواهد شد.

تحلیل مؤلفه‌های مداخله‌گر در توسعه ورزش مدارس نشان می‌دهد که موفقیت در این حوزه مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد فردی، روانی، آموزشی، اجتماعی و ساختاری است. نتایج پژوهش‌ها تأکید دارند که مدیریت اثربخش برنامه‌های ورزشی در مدارس، همراه با تقویت انگیزه، خودباوری و رضایت از زندگی، نقشی اساسی در رشد عملکرد ورزشی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این عوامل، نه تنها موجب ارتقاء سلامت جسمی و روانی می‌شوند بلکه زمینه را برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در رقابت‌های ورزشی فراهم می‌کنند. در بُعد اجتماعی، حمایت‌های احساسی و محیطی از سوی خانواده، معلمان و مسئولان، سهم مهمی در افزایش مشارکت ورزشی و کاهش رفتارهای پرخطر دارند. از سوی دیگر، توجه به تفاوت‌های فردی در طراحی برنامه‌های ورزشی، نه تنها موجب حفظ مشارکت پایدار در سطح مدارس می‌شود

بلکه در سطح کلان، به توسعه استعدادهای ملی و ارتقاء جایگاه ورزش کشور در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند. از منظر ساختاری نیز، فراهم‌سازی زیرساخت‌ها، تقویت نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی منسجم در نظام آموزشی از ملزومات پیشبرد سیاست‌های ورزشی به‌شمار می‌رود. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که تحقق «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» تنها در سایه یک رویکرد راهبردی، سرمایه‌گذاری هدفمند و ارتقای فرهنگ ورزشی امکان‌پذیر است؛ رویکردی که در آن آموزش، انگیزش، حمایت اجتماعی و زیرساخت‌های کارآمد به‌صورت هم‌افزا عمل می‌کنند و بنیان توسعه پایدار ورزشی و اجتماعی کشور را شکل می‌دهند.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها، عاملی مؤثر در پیشرفت اجتماعی، روانی و اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود. مدیریت اثربخش برنامه‌های ورزشی، به‌ویژه در دوران مدرسه، با تقویت خودباوری و افزایش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، بستری مناسب برای رشد مهارت‌های فردی و تربیت نیروی انسانی سالم فراهم می‌سازد. نتایج پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که طراحی برنامه‌های ورزشی متناسب با نیازهای فردی، در کنار تأمین زیرساخت‌ها و منابع مالی پایدار، نقشی کلیدی در تقویت حضور دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی ایفا می‌کند. توسعه ورزش مدارس تنها محدود به بُعد آموزشی نیست بلکه هم‌افزایی عوامل فرهنگی، اقتصادی و ساختاری، ازجمله نقش حمایتی خانواده، رسانه‌ها و مدیران آموزشی، در نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش و افزایش انگیزه‌های پایدار اهمیت دارد. سرمایه‌گذاری در این حوزه، ضمن بهبود سلامت جسمی و روانی، می‌تواند از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کرده و بهره‌وری اقتصادی را ارتقا بخشد. بررسی مؤلفه‌های مؤثر در موفقیت ورزشی کشور نشان می‌دهد که هماهنگی بین آموزش تخصصی، تربیت نیروی انسانی، تأمین منابع و توسعه فرهنگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به اهداف کلان در حوزه ورزش ملی است. در این میان، آموزه‌های رهبر انقلاب نیز بر لزوم راهبردی‌سازی برنامه‌ها، انسجام ساختاری، و حمایت‌های چندبُعدی در سطح مدرسه و جامعه تأکید دارد؛ مسیری که تحقق «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» را در چهارچوبی عملیاتی و مؤثر ممکن می‌سازد.

تحلیل پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در راستای تحقق «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» نشان می‌دهد که موفقیت‌های ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی نیازمند رویکردی جامع در حوزه سیاست‌گذاری‌های ورزشی است. یافته‌ها بر نقش حیاتی نهاد آموزش، به‌ویژه مدارس و دانشگاه‌ها، در شناسایی و پرورش

استعدادها، ارتقای سرمایه انسانی و گسترش فرهنگ ورزش تأکید دارند. فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای مشارکت در ورزش، به‌ویژه از طریق برنامه‌ریزی مبتنی بر تفاوت‌های فردی، موجب افزایش انگیزه، خودباوری و احساس تعلق در میان دانش‌آموزان می‌شود؛ موضوعی که مستقیماً با ارتقای هویت جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی ارتباط دارد. از سوی دیگر، داده‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در ورزش مدارس، علاوه بر آثار مثبت روانی و رفتاری، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های رضایت فردی و اجتماعی کمک می‌کند. توسعه زیرساخت‌های ورزشی، ارتقای کیفیت منابع انسانی و تأمین منابع مالی پایدار، از ارکان اصلی در رشد ورزش پایه به‌شمار می‌روند که پیامدهای اقتصادی قابل‌توجهی نیز در پی دارند. حمایت‌های اجتماعی از سوی خانواده، مدارس و جامعه، یکی از عوامل کلیدی در افزایش مشارکت ورزشی و پایداری انگیزه در میان نوجوانان است. تقویت ساختارهای مدیریتی ورزش در مدارس، همراه با توجه به عوامل فرهنگی و روانی، می‌تواند مسیر توسعه متوازن ورزش را در ابعاد فردی و ملی هموار سازد. مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که تحقق چشم‌انداز ورزش در کشور، مستلزم هماهنگی سیاست‌های آموزشی، اقتصادی و اجتماعی است. در این مسیر، تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی نظام آموزشی، توجه به عدالت ورزشی، و انسجام بین نهادهای حمایتی، گامی اساسی در جهت ارتقای جایگاه ورزش کشور محسوب می‌شود؛ رویکردی که در اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری نیز به‌روشنی ترسیم شده و به‌عنوان راهبردی برای توسعه پایدار ورزشی و اجتماعی کشور قابل اتکا است.

در راستای تحقق شعار «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی»، توسعه و ارتقای سطح ورزش در جامعه، به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها، می‌تواند عاملی اساسی برای دستیابی به این هدف باشد. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که ورزش، علاوه بر تأثیرات مثبت در بهبود سلامت جسمانی و روانی، نقشی کلیدی در تقویت هویت ملی، افزایش همبستگی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی دارد. برای تحقق این اهداف، توجه به زیرساخت‌های ورزشی در مدارس و محیط‌های آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. مدیریت اثربخش در توسعه ورزش مدارس و دانشگاه‌ها، طراحی برنامه‌های ورزشی متناسب با نیازهای فردی دانش‌آموزان و ایجاد فضاهای استاندارد ورزشی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح ورزش در کشور و بهبود عملکرد ملی در رقابت‌های ورزشی باشد. علاوه بر این، تأمین منابع مالی پایدار برای حمایت از ورزش‌های همگانی و حرفه‌ای، از جمله اقداماتی است که موجب افزایش مشارکت

ورزشی و ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های بین‌المللی می‌شود. در این مسیر، توسعه مهارت‌های مدیریتی در سازمان‌های ورزشی و ارتقای سطح آموزش مربیان و داوران نیز از عواملی هستند که می‌توانند به بهبود کیفیت عملکرد ورزشکاران و توسعه ورزش حرفه‌ای کمک کنند. به‌طور کلی، سیاست‌گذاران باید با بهره‌گیری از الگوهای موفق بین‌المللی و توجه به حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی، زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها را فراهم آورند. درنهایت، برای رسیدن به «ایران قوی»، ضروری است که تمامی ابعاد ورزشی، از زیرساخت‌ها تا حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی، به‌صورت یکپارچه و هماهنگ توسعه یابند. این امر نه تنها موجب تقویت روحیه ملی و اجتماعی در سطح کشور خواهد شد بلکه ایران را در جایگاه قدرتمندی در عرصه‌های بین‌المللی قرار خواهد داد.

پیشنهادها

راهکارهای پیشنهادی برای تقویت ورزش در مدارس و جامعه:

- ۱- مدیریت اثربخش در مدارس
 - طراحی برنامه‌های ورزشی منظم و متنوع با در نظر گرفتن نیازهای جسمانی و روانی دانش‌آموزان.
 - تأکید بر ورزش‌های صبحگاهی و فعالیت‌های بدنی در کنار برنامه‌های آموزشی برای ایجاد تعادل بین رشد جسمانی و تحصیلی.
- ۲- تقویت حمایت‌های اجتماعی
 - فراهم کردن فضاهای حمایتی برای ورزشکاران نوجوان، به‌ویژه از سوی خانواده و محیط‌های آموزشی.
 - ایجاد انگیزه‌های اجتماعی برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی و ترویج فرهنگ ورزش در جامعه.
- ۳- افزایش منابع مالی و انسانی در ورزش مدارس
 - جذب و آموزش مربیان و داوران حرفه‌ای برای مدارس و تیم‌های ورزشی پایه.
 - تخصیص بودجه‌های مناسب برای ایجاد و تجهیز زیرساخت‌های ورزشی، به‌ویژه در مناطق محروم.
- ۴- ترویج و توسعه ورزش‌های همگانی
 - ایجاد کارزارهای تبلیغاتی و برگزاری رویدادهای ورزشی عمومی برای تشویق جامعه به فعالیت‌های بدنی.

- افزایش آگاهی عمومی درباره فواید ورزش در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی. با اجرای این راهکارها، می‌توان در راستای تحقق «مدرسه قوی، ورزش قوی، ایران قوی» گام‌های مؤثری برداشت. سرمایه‌گذاری در ورزش مدارس و دانشگاه‌ها نه تنها زمینه‌ساز موفقیت‌های ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی خواهد شد بلکه موجب افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود سلامت عمومی و ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های جهانی می‌شود. فرمایشات مقام معظم رهبری نیز بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی در توسعه ورزش تأکید دارند و تحقق این اهداف، مسیر دستیابی به پیشرفت پایدار در ورزش و جامعه را هموار می‌سازد.

فهرست منابع

- پورعبدی، جاوید؛ خدادادپرست، سیاوش و ساعتچیان، وحید (۱۳۹۹). ورزش قهرمانی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای. *فصلنامه علمی مطالعات/انقلاب اسلامی*، ۱۷(۶۲)، ۱۶۱-۱۸۲.
- جهان‌تاب‌نژاد، عباس؛ مهدی‌پور، عبدالرحمان و خطیبی، امین (۱۳۹۷). تحلیل عوامل موثر در توسعه ورزش‌های پایه در مدارس ابتدایی شهر اهواز. *مطالعات مدیریت ورزشی (پژوهش در علوم ورزشی)*، ۱۰(۵۰)، ۱۶۵-۱۸۶.
- خاکبان، زینب (۱۴۰۳). *نقش ورزش در تعالی جوانان از منظر مقام معظم رهبری*. نخستین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، آستارا.
- خوشبختی، جعفر؛ کشتی‌دار، محمد و مودی، داوود (۱۳۹۷). تأثیر محبوبیت معلمان تربیت بدنی بر فرهنگ‌پذیری ورزشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان بیرجند. *فصلنامه علوم ورزشی*، ۱۰(۳۲)، ۷۲-۹۲.
- درخشان، سیدعلی؛ باقری راغب، قدرت‌الله؛ علی دوست قهفرخی، ابراهیم؛ صابری، علی و حمیدی‌زاده، علی (۱۴۰۳). جایگاه ورزش همگانی و قهرمانی نسبت به یکدیگر از گفتمان رسانه‌ای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ رهبر جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*.
- رضایی، حمید؛ حسینی، علی و کریمی، فاطمه (۱۳۹۷). *نقش مدارس در توسعه ورزش دانش‌آموزی*. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸(۲)، ۱۲-۲۵.
- شایانی، حسن؛ زیدآبادی، رسول و همبوشی، لاله (۱۴۰۰). رابطه ذهن آگاهی ورزشی با ادراک از موفقیت ورزشکاران؛ نقش واسطه‌ای تعهد به تمرین. *نشریه*

روان‌شناسی ورزش، ۱۳(۲)، ۲۹-۴۴.

عباسی، مهدی (۱۴۰۰). چالش‌های اقتصادی ورزش ایران و راهکارهای پیشنهادی.

فصلنامه مدیریت ورزشی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۰.

غلامپور کالشمکی، حامد؛ میرزایی، خلیل؛ قدیمی، خلیل؛ قدیمی، بهرام و علیپور درویشی، زهرا (۱۳۹۸). رابطه بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و تمایل جوانان

تهرانی بر ورزش همگانی. *تغییرات اجتماعی - فرهنگی*، ۱۷(۱)، ۹۹-۱۱۷.

قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید و نورعلی‌وند، علی (۱۳۹۰). توصیف جامعه‌شناختی

عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال. *المپیک*، ۱۷(۱۴۵)، ۷۹-۶۹.

قربانی مورینه، لیلی و خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل اقتصادی مؤثر در

موفقیت ورزشی تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران. *علوم حرکتی و رفتاری*، ۲(۲)،

۱۶۰-۱۵۰.

قنبری، هادی؛ شتاب بوشهری، ناهید؛ شفیع‌نیا، پروانه و مهرعلیزاده، یدالله (۱۳۹۶).

طراحی مدل عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش: یک پژوهش

آمیخته. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۱(۱)، ۲۳۹-۲۵۷.

کلاشی، مازیار؛ عیدی، حسین؛ عباسی، همایون و فروغی، بهزاد (۱۴۰۰). تأثیر

مداخلات رفتاری و مؤلفه‌های اقتصادی بر مشارکت و فعالیت‌های بدنی. *فرهنگ*

و ارتقای سلامت، ۵(۳۰۰۲۱۴۱)، ۳۸۲-۳۷۵.

کیا، ابوالفضل؛ شرافتی، فاطمه؛ شاهینی، متینه و محمودنژاد، مهرناز (۱۴۰۲).

مدیریت مؤثر در آموزش ابتدایی به چه معنا است و تأثیر مدیریت صحیح زنگ

ورزش در مدارس چه مزایایی دارد؟ اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های

مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش.

محمدی، مریم (۱۳۹۹). سنجش تأثیرگذاری حمایت اجتماعی زنان در انتخاب پارک

بانوان و عمومی به‌منظور مشارکت در فعالیت ورزشی - نمونه موردی: پارک بهشت

مادران و پارک ملت. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۸(۲۷)، ۲۳۸-۲۰۱.

مشکاتی، زهره؛ فائق، سحر و پاینده نجف‌آبادی، امیر تیمور (۱۳۹۶). رابطه سرمایه

اجتماعی ورزشکاران کاناپولوی تیم ملی ایران با میزان دستیابی به موفقیت

ورزشی. *پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، ۱۶(۳۱)، ۱۰۱-۱۲۱.

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). کلیات طرح تدوین سند

ملی آموزش و پرورش.

- Bailey, R.; Hillman, C.; Arent, S. & Petitpas, A. (2013). Physical activity: an underestimated investment in human capital?. *Journal of physical activity and health*, 10(3), 289-308.
- Brown, C.J.; Webb, T.L.; Robinson, M.A. & Cotgreave, R. (2018). Athletes experiences of social support in their transition out of elite sport An interpretive phenomological analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, (37), 71-80.
- Coalter, F. (2013). *Sport for development: What game are we playing?*.
- Humphreys, B., Ruseski, J. (2006). Economic Determinants of Participation in Physical Activity and Sport. International Association of Sports Economists, Working Papers. 06-13.
- Ren, Z.; Hu, L.; Jie Yu, J.; Yu, Q.; Chen, S.; Ma, Y.; Lin, J.; Yang, L.; Li, X. & Zou, L. (2020). The Influence of Social Support on Physical Activity in Chinese Adolescents: The Mediating Role of Exercise Self-Efficiency. *Children*, 7(23), 1-11.

References

- Abbasi, M. (2021). Economic challenges of sports in Iran and proposed solutions. *Journal of Sport Management*, 12(3), 45-60. (In Persian)
- Bailey, R., Hillman, C., Arent, S., & Petitpas, A. (2013). Physical activity: an underestimated investment in human capital?. *Journal of physical activity and health*, 10(3), 289-308.
- Brown, C.J., Webb, T.L., Robinson, M.A., Cotgreave, R. (2018). Athletes experiences of social support in their transition out of elite sport An interpretive phenomological analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 37, 71-80.
- Coalter, F. (2013). *Sport for development: What game are we playing?*.
- Darakhshan, S. A., Bagheri Ragheb, G., Alidoust Qahfarokhi, E., Saberi, A., & Hamidizadeh, A. (2024). The position of public sports and championship sports relative to each other from the media discourse of Ayatollah Khamenei., Leader of the Islamic Republic of Iran. *Management of Communication in Sports Media*. (In Persian)
- Emami, A., Emami, F., & Afshari, M. (2022). The effects of investment development on the economic empowerment of Iran's sports industry: An exploratory study. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 21(56), 229-254. (In Persian)
- Ghanbari, H., Shetab Bushehri, N., Shafinia, P., & Mehralizadeh, Y. (2017). Designing a model of factors influencing elementary school students' tendency toward sports: A mixed-methods research. *Journal of Studies in Education and Learning*, 11(1), 239-257. (In Persian)
- Ghasemi, V., Zolakataf, V., Noorali Vand, A. (2011). A sociological description of factors affecting vandalism and hooliganism in football. *Olympic*, 17(145), 69-79. (In Persian)
- Gholampour Galeshklami, H., Mirzaei, Kh., Ghodsi, Kh., Ghodsi, B.,

- Alipour Darvishi, Z. (2019). The relationship between socio-cultural factors and the tendency of Tehran youth towards public sports. *Socio-Cultural Changes*, 17(1), 99-117. (In Persian)
- Ghorbanimorineh, L., & Khodadad Kashi, F. (2019). Evaluation of economic factors affecting the sports success of Iran's Premier League football teams. *Journal of Motor Sciences and Behavior*, 2(2), 150–160. (In Persian)
- Humphreys, B., Ruseski, J. (2006). Economic Determinants of Participation in Physical Activity and Sport. *International Association of Sports Economists, Working Papers*. 06-13.
- Jahantabnejad, A., Mahdipour, A., & Khatibi, A. (2018). Analysis of factors affecting the development of grassroots sports in elementary schools of Ahvaz city. *Sport Management Studies (Research in Sports Sciences)*, 10(50), 165–186. (In Persian)
- Kalashi, M., Eydi, H., Abbasi, H., & Foroughi, B. (2021). The impact of behavioral interventions and economic components on participation in physical activities. *Culture and Health Promotion*, 5(Article ID: 3002141), 375–382. (In Persian)
- Khakban, Z. (2024). The role of sports in the elevation/excellence of youth from the perspective of the Supreme Leader. Paper presented at the First Conference on Humanities with a New Approach, Astara. (In Persian)
- Khoshbakhti, J., Keshtidar, M., & Moudi, D. (2018). The impact of physical education teachers' popularity on students' sport acculturation in secondary schools of Birjand city. *Journal of Sport Sciences*, 10(32), 72–92. (In Persian)
- Kia, A., Sharifati, F., Shahini, M., & Mahmoudnejad, M. (2023). What does effective management in primary education mean, and what are the benefits of proper management of physical education classes in schools? In *Proceedings of the First International Conference on Management, Education, and Training Research in Education*. (In Persian)
- Meshkati, Z., Faeghi, S., & Payandeh Najafabadi, A. T. (2017). The relationship between social capital of Iran's national canoe polo athletes and the level of achieving sports success. *Journal of Sport Management and Motor Behavior Research*, 16(31), 101–121. (In Persian)
- Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran. (2004). Generalities of the plan for drafting the National Education Document. (In Persian)
- Mohammadi, M. (2020). Assessing the impact of social support for women in choosing women-only and public parks for participation in sports activities: A case study of Behesht-e Madaran Park and Mellat Park. *Urban Structure and Function Studies*, 8(27), 201–238. (In Persian)
- Nicholson, M., & Hoye, R. (2008). Sport and social capital: An introduction. In *Sport and social capital* (pp. 1-18). Routledge.
- Pourabdi, J., Khodadadparast, S., & Saatichian, V. (2020). Championship sports in the Islamic Republic system with emphasis on the thoughts of


- Ayatollah Khamenei. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 17(62), 161–182. (In Persian)
- Ren, Z., Hu, L., Jie Yu, J., Yu, Q., Chen, S., Ma, Y., Lin, J., Yang, L., Li, X., Zou, L. (2020). The Influence of Social Support on Physical Activity in Chinese Adolescents: The Mediating Role of Exercise Self-Efficiency. *Children*, 7(23), 1-11.
- Rezaei, H., Hosseini, A., & Karimi, F. (2019). The role of schools in the development of student sports. *Research in Educational Sport*, 8(2), 12–25. (In Persian)
- Shayani, H., Zeydabadi, R., & Hembooshi, L. (2022). The relationship between sports mindfulness and athletes' perception of success: The mediating role of commitment to exercise. *Journal of Sport Psychology*, 13(2), 29–44. (In Persian)

Identifying Parenting Components in Mothers with a Sahngozar Lifestyle: A Qualitative Study Based on Clause 12 of the General Family Policies

Zahra Amanollahi

Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.


Z.amanollahi@alzahra.ac.ir

 0000-0002-7051-4950

Fahimeh Shadabmehr

Ph.D. of Counseling, Counseling Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding author).

F.shadabmehr@yahoo.com

 0000-0002-8986-2904

Abstract

Purpose: Addressing the contemporary challenges of parenting and the necessity of redefining motherhood within changing socio-cultural contexts, this study aimed to identify the components of parenting among mothers with a Sahngozar lifestyle, in line with Article 12 of the General Family Policies. **Method:** A qualitative design based on grounded theory was employed. Data were collected through semi-structured interviews with ten mothers identified as having a Sahngozar lifestyle, selected purposefully in 2024 from residents of Tehran using the Sahngozar Lifestyle Questionnaire. Selection criteria included high Sahngozar scores, having children, and willingness to participate actively in family life. Sampling continued until theoretical saturation was reached. Data were analyzed through Strauss and Corbin's coding approach. **Findings:** Analysis yielded the central category of "realization of maternal agency in fulfilling optimal parenting roles." The "existentially oriented maternal outlook" emerged as the contextual factor; "responsible and agentic maternal role-setting" was identified as the causal condition; and "establishing a secure communicative environment with the child" was determined as the key strategy. Conclusion The findings demonstrate that mothers with a Sahngozar perspective are able to fulfill parenting roles more effectively, fostering harmony, emotional balance, and expansive interaction within family relationships. This study represents a scientific step toward operationalizing Article 12 of the General Family Policies into practical indicators for empowering mothers in their nurturing roles.

Keywords: Parenting Components, Maternal Role, Sahngozar Lifestyle, General Family Policies, Grounded Theory.

Extended abstract

Purpose

The present study was conducted with the aim of identifying and explicating the components of parenting among mothers who adopt a *contributive lifestyle*, in a manner that enables a scientific, indigenous, and operational translation of Article 12 of the General Family Policies from the level of macro policy documents to the level of individual and familial agency among mothers. Article 12 emphasizes the protection of the dignity and worth of motherhood, the educational and spiritual responsibility of women, and the empowerment of family members in fulfilling their fundamental roles. However, the absence of indigenous and experience-based models grounded in the lived experiences of Iranian mothers constitutes one of the most serious obstacles to the practical realization of this policy. Accordingly, the central aim of the research was to address the following fundamental question: within the framework of contributive theory, how do mothers with a contributive lifestyle conceptualize and enact their parental role in a responsible, agentic, and purposeful manner, and what components make the realization of *optimal parenting* possible for them?

Methodology

In terms of purpose, this study is applied research, and in terms of method, it adopts a qualitative approach based on grounded theory using the Strauss and Corbin methodology. In this research, the study population and sample were identical and consisted of mothers residing in Tehran in the year 2024 (1403 SH), who were selected through purposive sampling based on predefined criteria. Inclusion criteria comprised obtaining a score above the mean on the Contributive Lifestyle Questionnaire, having at least one child, the presence of both parents in the child's life, informed consent, and willingness to actively participate in the study. Exclusion criteria included obtaining a score below the mean on the contributive lifestyle questionnaire, incomplete questionnaire responses, and lack of active participation or cooperation during the interview process. Sampling continued until theoretical saturation was achieved, and ultimately, 10 mothers participated in semi-structured interviews. Data were collected through in-depth interviews lasting between 60 and 90 minutes. After transcription, the data were analyzed through three stages of open coding, axial coding, and selective coding. To enhance the credibility and trustworthiness of the findings, participant validation (member checking),

expert supervision, comparison with theoretical foundations, and content validity indices (CVI) and content validity ratio (CVR) were employed. The results of these procedures confirmed the desirable validity of the extracted model.

Findings

Data analysis led to the extraction of a coherent paradigmatic model organized around the core category of “the realization of maternal will in enacting optimal parenting.” Within this model, three main components were identified:

1- The Mother’s Existentially Oriented Attitude (Contextual

Condition): This component, as the cognitive and meaning-based foundation of contributive parenting, comprises three subcomponents: (a) a *causal- and teleological-oriented attitude* (origin-centered and afterlife-oriented), (b) a *reflective attitude* (continuous self-review of one’s role and performance), and (c) an *existential freedom-oriented attitude* (recognition of the child’s choice and agency). This attitude elevates parenting from a duty-centered level to a meaning-centered and existential level, enabling mothers to perceive parenting as a conscious and purposeful mode of being rather than merely a set of prescribed behaviors.

2- Responsible and Agency-Oriented Role Enactment by the Mother

(Causal Condition): The findings indicate that contributive mothers do not perceive motherhood as a reactive or imposed role; rather, they view it as a conscious, voluntary, and responsible choice. This component encompasses two subcomponents: a *deep sense of responsibility toward the maternal role* and a *focus on maternal agency and self-regulation in educational actions*. Through this perspective, mothers actively assume ownership of their parenting practices and intentionally regulate their behaviors in alignment with their values and goals.

3- Providing a Secure Relational Environment with the Child

(Strategy): This practical strategy consists of three subcomponents: *stable bond formation*, *respect-centered interaction*, and *security-oriented language use*. Together, these elements create the conditions for a safe, growth-promoting, and trust-based relationship between mother and child, facilitating emotional security, open communication, and constructive developmental interactions.

The consequences of this model include increased maternal satisfaction and inner calm, individual and family development, and the formation of generative and growth-oriented interactions between mothers and their children.

Originality and Value

The primary innovation of this study lies in identifying parenting components from the perspective of mothers with a contributive lifestyle and directly linking these components to Article 12 of the General Family

Policies. Unlike conventional studies that predominantly focus on *how parents behave*, this research emphasizes the *what* and *why* of being a parent and conceptualizes parenting as an existential, conscious, and agency-based act. Moreover, this study represents one of the first efforts to present an indigenous model grounded in the lived experiences of Iranian mothers and rooted in an Islamic-cultural worldview. As such, it contributes to reducing the gap between macro-level policy-making and the lived realities of families.

Limitations and Research Implications

Among the limitations of this study are its qualitative nature, limited sample size, and focus on mothers residing in Tehran, which restrict the generalizability of the findings. Additionally, the roles of fathers and cultural differences across various regions of the country were not examined in this study. Nevertheless, the findings can serve as a foundation for quantitative, comparative, and experimental intervention studies in other cultural and social contexts.

Practical Implications

The findings demonstrate a high capacity for application in the design of parenting education programs, family counseling packages, maternal empowerment courses, and the development of intervention models within educational, cultural, and counseling institutions. The extracted model can function as a practical framework for operationalizing Article 12 of the General Family Policies at the level of schools, counseling centers, educational media, and cultural policy-making.

Social Implications

At the societal level, by redefining the maternal role as a civilizational, spiritual, and social responsibility, the present study can contribute to strengthening the family institution, enhancing the mental health of future generations, and increasing social cohesion. Promoting a contributive parenting style facilitates the upbringing of self-aware, responsible, and ethically and socially committed children, thereby reinforcing the role of the family in the sustainable development of society.

Keywords: Parenting Components, Motherhood Role, Sahmgozar Lifestyle, General Family Policies, Grounded Theory

شناسایی مؤلفه‌های والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه: پژوهشی کیفی در راستای اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده

زهرا امان‌اللهی

استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء سلام‌الله‌علیها، تهران، ایران.
Z.amanollahi@alzahra.ac.ir

0000-0002-7051-4950

فهمیه شاداب‌مهر

دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

F.shadabmehr@yahoo.com

0000-0002-8986-2904

چکیده

با توجه به چالش‌های والدگری در عصر حاضر و ضرورت بازتعریف نقش مادری در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی، این مطالعه با هدف شناسایی مؤلفه‌های والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه، در راستای اجرایی‌سازی بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده انجام شد. روش پژوهش به صورت کیفی بوده و داده‌ها از طریق نظریه داده‌بنیاد با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از نمونه‌های پژوهش جمع‌آوری شد. نمونه شامل ۱۰ مادر دارای سبک زندگی سهم‌گذارانه بود که در سال ۱۴۰۳ از میان مادران ساکن تهران و از طریق پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه و بر اساس ملاک‌های مشخص (از جمله امتیاز بالا در سهم‌گذاری، داشتن فرزند، تمایل به مشارکت و حضور فعال در زندگی خانوادگی) به صورت هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. سپس تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری استرواس و کوربین بر مبنای نظریه داده‌بنیاد صورت گرفت. طی کدگذاری‌ها، مقوله‌محوری تحت عنوان «تحقق اراده مادر حول ایفای نقش والدینی احسن» انتخاب شد. همچنین کد «نگرش هستی‌محور مادر» به عنوان عامل زمینه‌ساز، کد «نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر» به عنوان عامل علی و کد «فراهم‌آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند» به عنوان راهبرد در این الگو مشخص شدند. یافته‌ها نشان داد برخورداری مادر از نگرش سهم‌گذارانه و عمل بر اساس اصول آن بستری برای ایفای نقش به نحو احسن فراهم کرده و سبب دستیابی به آرامش و تعامل وسعت‌بخش در روابط خانوادگی می‌گردد. این پژوهش گامی علمی جهت عملیاتی نمودن بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده به شاخص‌های میدانی به‌منظور توانمندسازی مادران در نقش تربیتیشان محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های والدگری، نقش مادری، سبک زندگی سهم‌گذارانه، سیاست‌های کلی خانواده، نظریه داده‌بنیاد.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

10.22034/scs.2025.529064.1706



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

نقش والدینی یکی از بنیادی‌ترین نقش‌ها در ساختار خانواده و زیربنای سلامت روان کودک به‌شمار می‌آید؛ نقشی که نه تنها بر رشد فردی کودک اثر می‌گذارد بلکه در ثبات و پویایی نظام خانواده و حتی ساخت اجتماعی گسترده‌تر نیز نقش‌آفرینی می‌کند (Coo & et al., 2020; Ribas & Villar, 2024; Speyer & et al., 2022; Gaspar & et al., 2021). نتایج مطالعات حاکی از آن است که رویکردهای مثبت در والدگری منجر به بهبود پیامدهای فیزیولوژیکی، شناختی، اجتماعی، هیجانی و رفتاری در کودکان عادی و دارای نیازهای ویژه می‌شود (Halloran, 2020). در مقابل، والدگری غیرمؤثر از سوی هر دو والد می‌تواند به ناسازگاری روان‌شناختی در بزرگسالی منجر شود. عواملی همچون آسیب‌شناسی روانی والدین، تنبیه سخت‌گیرانه، میزان درگیری والد و نگرش نسبت به خود و فرزند، به‌طور معناداری افراد سازگار و ناسازگار را از هم متمایز می‌کنند (McKinney & et al., 2016). از این‌رو مداخلات مبتنی بر والدین می‌توانند با فراهم کردن حمایت و آموزش برای والدین، سلامت روانی والدین و کودکان را بهبود بخشند (Hutchings & Lane, 2005; Kurahashi & et al., 2021; Nowland & et al., 2023).

با وجود اهمیت نقش و جایگاه والدینی، مادران در جهان امروز با تغییرات گسترده اجتماعی مواجه‌اند که ایفای نقش والدینی را با پیچیدگی‌ها و چالش‌های جدیدی همراه کرده است. در این میان، مواجهه مادران با گفتمان‌های گوناگون و گاه متضاد درباره نقش والدینی - از تبلیغات رسانه‌ای گرفته تا توصیه‌های رایج روان‌شناسی و آموزه‌های دینی - نوعی سردرگمی و تردید در کنش‌های والدینی آنان پدید آورده است (Osei-Tutu & et al., 2022; Tarigan, 2024). یکی از دلایل این امر آن است که عمده نظریه‌های روان‌شناسی غربی در حوزه والدگری، بدون توجه کافی به زمینه‌های فرهنگی و دینی جوامعی چون ایران، به تکرار نسخه‌هایی می‌پردازند که لزوماً با زیست‌جهان والدین ایرانی هم‌راستا نیستند (Keller, 2018). پژوهشگران نیز هنگام استفاده از ابزارهای سنجش والدگری طراحی شده در غرب، در دیگر فرهنگ‌ها با مشکلاتی مواجه می‌شوند. این مشکلات شامل تفاوت در تعریف انواع والدگری، جدایی میان سبک‌ها و روش‌ها و همچنین تفاوت‌های جنسیتی در نقش والدین است (Trommsdorff & Nauck, 2003; Stewart & Bond, 2002). از این‌رو، پژوهش‌ها بر اهمیت پرداختن به الگوهای فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ و

بومی تأکید دارند چراکه الگوهای فرهنگی نقش بسزایی در شیوه‌های فرزندپروری، اهداف اجتماعی‌سازی و باورهای مربوط به والدگری مطلوب ایفا نموده (Muir & et al., 2019; Petro & et al., 2018; Bornstein, 2013; Keller & et al., 2006)؛ بنابراین، طراحی سبک فرزندپروری باید متناسب با زمینه فرهنگی هر جامعه صورت گیرد (حسینی و دیگران، ۱۴۰۳؛ مهدوی و دیگران، ۱۴۰۲).

این چالش‌ها و خلأهای موجود، ضرورت بازاندیشی در چیستی نقش والدینی و نحوه ایفای آن را دوچندان کرده و ما را به‌سوی پرسشی اساسی سوق می‌دهد: والد بودن یعنی چه و چگونه می‌توان این نقش را به‌گونه‌ای معنادار، عاملانه، مسئولانه و هدفمند ایفا کرد؟ در پاسخ به چنین پرسشی، نظریه سهم‌گذاری با بنیان‌هایی برگرفته از هستی‌شناسی اسلامی، چشم‌اندازی نو در فهم نقش‌ها و روابط انسانی، از جمله نقش والدینی، ارائه می‌دهد. سهم‌گذاری یک نظریه نوظهور در حوزه مشاوره و خانواده‌درمانی است که توسط اسمعیلی (۱۳۹۳) ابتدا در حوزه خانواده‌درمانی و در قالب ۵ مبنای اصلی شامل مخلوقیت سهم‌گذار، آفرینش احسن، پیوستگی و وسعت هستی، هدفمندی و زوجیت مطرح شد؛ اما به‌جهت جامعیت و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاکم بر آن، به‌طور فزاینده‌ای در سایر حوزه‌ها از جمله نقش آن در پایداری تغییرات نوع اول، دوم و سوم مراجعان (اسمعیلی و دیگران، ۱۳۹۹)، سازگاری با خانواده همسر و رضایت زناشویی (دهدست و دیگران، ۱۴۰۲)؛ الگوی تعاملات والد - فرزند (عسلی طالکونی و دیگران، ۱۴۰۱)؛ اخلاق ارتباطی (حاجی هاشم و دیگران، ۱۳۹۹)؛ عملکرد تحصیلی - اجتماعی نوجوانان (قهرمانی و دیگران، ۱۴۰۲)؛ الگوی فرزندپروری سهم‌گذار با محوریت احساس گناه انتقالی (شیخ‌الاسلامی و دیگران، ۱۴۰۳) مورد استفاده و بررسی کارآمدی قرار گرفته است.

بنابراین آنچه گفته شد پُر واضح است که نقش والدینی به‌ویژه نقش مادری، نقشی راهبردی در تحقق سلامت روانی، تربیت دینی و اجتماعی فرزندان و انسجام خانواده ایفا می‌کند. این در حالی است که طی دهه‌های اخیر، تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناورانه، ساختار و کارکردهای سنتی خانواده را با چالش‌های متعددی از جمله تضعیف پیوندهای عاطفی، تداخل نقش‌های جنسیتی، افزایش بار روانی مادران شاغل، افول نقش تربیتی والدین در برابر نظام‌های آموزشی و رسانه‌ای و کاهش فرصت‌های کیفی تعاملات خانوادگی مواجه ساخته است (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲؛ یزدانی و دوستی، ۱۳۹۴؛ گلچین و دیگران، ۱۴۰۳؛ عبدالله‌پور، ۱۴۰۲). این تحولات، به‌ویژه در حوزه ایفای نقش والدینی مادران، موجب نوعی

گسست نقش و بحران عملکرد شده است. در پاسخ به این تحولات و با هدف صیانت از بنیان خانواده، بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده، به‌طور خاص بر «حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و مسئولیت تربیتی و معنوی آنان» و همچنین «توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود» تأکید دارد. «نقش مادری» در این بند سیاستی، نه صرفاً یک موقعیت زیستی یا عاطفی، بلکه جایگاهی فرهنگی، اخلاقی و معنوی تلقی شده که نیازمند بازتعریف، تقویت و حمایت در بستر فرهنگی بومی است. مادری در این معنا، مسئولیتی اجتماعی و تمدنی تلقی می‌شود که در تربیت نسلی سالم، خودآگاه و متعهد به ارزش‌ها ایفای نقش می‌کند. این بند نه تنها یک چهارچوب ارزشی و فرهنگی ارائه می‌دهد بلکه به‌منزله یک سیاست اجرایی، بر لزوم طراحی و اجرای پژوهش‌های هدفمند به‌منظور ارتقاء نقش‌آفرینی زنان در خانواده، به‌ویژه در مقام مادر و مربی، دلالت دارد.

با این حال، تحقق عملی این سیاست کلان در گرو شناسایی دقیق شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی و به‌عبارتی مؤلفه‌های والدگری در مادران است. در واقع، فقدان مدل‌های بومی و مبتنی بر نیازهای روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی مادران ایرانی، از موانع اصلی اجرایی‌سازی بند ۱۲ به‌شمار می‌رود. بدون شناخت علمی این شاخص‌ها، نمی‌توان به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی، آموزشی و توانمندسازی مؤثر برای تقویت نقش مادری اقدام کرد. ازسوی دیگر، نهادهای سیاست‌گذار و برنامه‌ریز نیز برای طراحی مداخلات کاربردی و مبتنی بر شواهد، نیازمند داده‌ها و مدل‌های علمی هستند که ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی نقش والدینی مادران را به‌دقت تبیین کنند؛ بنابراین، از آنجاکه یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه خانواده در ایران، فاصله چشمگیر میان اسناد بالادستی و تحقق میدانی آن‌ها در زندگی روزمره خانواده‌هاست و با توجه به ظرفیت‌های تبیینی و تربیتی رویکرد سهم‌گذاری در جهت پاسخگویی به این خلأ، لازم است این رویکرد در راستای سیاست‌های کلان فرهنگی و اجتماعی کشور استفاده شود. از این‌رو، شناسایی شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی و مؤلفه‌های والدگری در مادران به‌ویژه از منظر رویکردی بومی همچون سهم‌گذاری ضرورتی مضاعف می‌یابد، چراکه می‌تواند بستر اجرای بند ۱۲ را از حالت تجویزی به برنامه‌ای اجرایی، قابل سیاست‌گذاری و قابل ارزیابی تبدیل سازد.

درنهایت، این خلأ جدی در عرصه نظری و میدانی، ما را بر آن داشت تا در

پژوهش حاضر، با تکیه بر نظریه داده‌بنیاد و رویکرد فرهنگی - بومی سهم‌گذاری، به شناسایی مؤلفه‌های والدگری و تبیین شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی در مادران بپردازیم تا از این طریق، زمینه برای تدوین الگوها و سیاست‌های اجرایی دقیق‌تر، متناسب‌تر و اثربخش‌تر در حوزه تربیت، روابط والد - فرزند و توانمندسازی نقش مادری فراهم آید. از این رو، مقاله حاضر بر آن است تا با استفاده از ظرفیت رویکرد داده‌بنیاد، به پرسش اصلی خود پاسخ دهد: در راستای اجرایی‌سازی بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده، مادران در بستر نظریه سهم‌گذاری، چگونه نقش والدینی را معنا و ایفا می‌کنند؟

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

۱-۱. هدف اصلی پژوهش

شناسایی مؤلفه‌های والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه در راستای اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده.

۱-۲. سؤال اصلی پژوهش

در راستای اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده، مؤلفه‌های والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

والدگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، نقشی بنیادین در رشد و پرورش جنبه‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان دارد. طی سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به بررسی والدگری و رابطه آن با سبک زندگی افزایش یافته است به‌گونه‌ای که در حوزه مطالعات مرتبط با والدگری، پژوهشگران به شناسایی ابعاد گوناگون این مفهوم در بستر فرهنگی ایران پرداخته‌اند. نتایج برخی پژوهش‌ها، همچون مطالعه نریمانی و همکاران (۱۳۹۸)، بیانگر آن است که متغیرهایی مانند حمایت اجتماعی، خودپنداره کودکان و سبک والدگری می‌توانند شاخص‌های مهمی برای پیش‌بینی پیامدهای مثبت همچون سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان باشند. همچنین پژوهش کیفی اسدی و همکاران (۱۳۹۴)، به مؤلفه‌هایی مانند قدردانی، دلگرم‌کردن، صمیمیت، ارتباط مثبت، هدایت، مسئولیت‌پذیری، عدالت، نظارت، کنترل و الگو بودن به‌عنوان شاخص‌های والدگری موفق و مؤثر در ارتباط میان

والدین و نوجوانان اشاره کرده است.

انصاری اردلی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در یک مطالعه همبستگی نشان دادند که سبک زندگی و استرس والدگری می‌تواند بخش قابل‌توجهی از واریانس عملکرد خانواده را در مادران کودکان استثنایی پیش‌بینی کند. به‌علاوه، نیکدل و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند آموزش والدگری ذهن‌آگاهانه منجر به کاهش استرس والدینی و بهبود سبک زندگی مادران کودکان بیش‌فعال می‌شود.

در این حوزه والدگری ذهن‌آگاهانه، عطار، زارعی محمودآبادی و سدروپوشان (۱۴۰۳) نیز با رویکرد کیفی تحلیل مضمون به بررسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این سبک والدگری پرداخته و ابعادی همچون برخورد مناسب با رفتار کودک، تناسب شیوه تعامل با سن و ظرفیت او، تلاش برای حل مسئله، همسطح بودن با فرزند، خودتنظیمی، همدلی و بخشش را به‌عنوان ارکان اصلی معرفی کرده‌اند. نتایج این پژوهش بر اهمیت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی والدین در فرایند تربیت فرزندان تأکید دارد.

همچنین، دوستانی و قمرانی (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای کیفی پنج مؤلفه محوری تحت عنوان واکنش حمایت‌گرایانه والدین به هیجانات کودک، واکنش غیرحمایت‌گرایانه، فلسفه فراهیجانی والدین، کفایت هیجانی در کودک و تعاملات هیجان‌محور خانواده را شناسایی کرده‌اند؛ این پژوهش بر ضرورت توسعه مهارت‌های هیجانی والدین به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از والدگری مؤثر تأکید می‌کند.

ازسوی دیگر، مطالعاتی مرتبط با مفهوم نوین «سهم‌گذاری» و نیز «سبک زندگی سهم‌گذارانه» طی سال‌های اخیر در ادبیات روان‌شناسی و مشاوره در حوزه‌های گوناگونی راه‌اندازی شده است. فرایندهای سهم‌گذارانه، نگرش‌ها و عملکردهای سازمان‌یافته‌ای هستند که شخص، جامعه و جهان را به‌منظور هم‌آهنگی با قواعد هستی و پیشروی سازگاران در وضعیت‌های گوناگون هدایت می‌کند و نیز بهره‌مندی و توزیع متعادلی از امکانات، منابع، استعدادها و نقش‌ها، در تعامل با هم بوجود می‌آورد، به‌گونه‌ای که امکان دستیابی به آرامش، تولید و توسعه را برای هر شخص فراهم می‌کند. به‌عبارتی، سبک زندگی سهم‌گذارانه، به بسط و توسعه خود انسان از بعد ظرفیت‌افزایی، آگاهی و تعقل‌افزایی، خلاقیت و ابتکارآفرینی، محب‌آفرینی و تسهیلگری در انتخاب‌های زندگی اشاره دارد؛ بنابراین شخص دارای سبک زندگی سهم‌گذارانه، از طریق شناسایی و فهم جهان‌بینی خود و اهداف مبتنی بر آن قادر است تا سهم‌های وجودی خود را در نقش‌های مختلف به‌ویژه نقش والدینی کشف کند و از رنج کوشش‌های سهمگیرانه و تناقضات میان ذهنیت و عمل در زندگی خود

و در رابطه با فرزندان رهاشده و درنهایت مبتنی بر معیارهای مبدأ مورد پذیرش خود و از طریق شکل‌دهی تغییرات هماهنگ در جهت انتخاب‌های کلی در زندگی به رشد، رضایت، آرامش و ایفای نقش والدینی مطلوب دسترسی یابد. با برخورداری از سبک زندگی سهم‌گذارانه، تمرکز شخص بر نحوه نقش‌گذاری خود در روابط مختلف به‌ویژه با فرزند خود معطوف می‌شود و به‌تدریج راهبردهای ارتباطی وی از تلاش‌های سهم‌گیرانه به‌سوی حداکثر ایفای نقش والدینی احسن سهم‌گذارانه تغییر خواهد کرد (شاداب‌مهر و دیگران، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان داده‌اند که مداخلات مبتنی بر رویکرد سهم‌گذارانه می‌تواند موجب ارتقای عملکرد فردی و خانوادگی، کاهش تعارضات میان فردی، بهبود الگوهای ارتباطی و افزایش مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده شود. در این زمینه، فداکار داورانی و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که اجرای درمان مرور زندگی با منظر سهم‌گذاری به شکل معناداری بر بهبود عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زنان باردار آسیب‌دیده از بحران کمک کرده است. پژوهش دیگری در زمینه رویکرد سهم‌گذاری که توسط شیخ‌الاسلامی کندلوسی و همکاران (۱۳۹۹) انجام شد سبب تدوین الگوی فرزندپروری سهم‌گذار با محوریت احساس گناه انتقالی از والدین به فرزندان شد و پژوهشگران دریافتند که این الگو قادر است تا فرآیندهای فرزندپروری زوجین دارای کودک نوپا را به‌صورت معناداری تغییر دهد. اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه دیگری که به‌منظور تدوین پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن ترتیب دادند، به ۱۳ مؤلفه برای این سبک زندگی دست یافتند که عبارت است از: معنازایی، مسئولیت‌مندی عاملیت، امنیت‌مداری، عیارمندی، احترام‌مداری، نیت‌مداری، آرامش‌زایی، نقش‌گذاری احسن، روابط تکوین‌بخش، پیوندزایی، هماهنگی با اهداف و انتخاب‌گری.

همچنین، در پژوهش اله‌وردی و اسمعیلی (۱۴۰۱)، یافته‌ها نشان داد بین آزمودنی‌های گروه آزمایش که مورد آموزش الگوی سهم‌گذاری قرار گرفته‌اند و گروه کنترل که هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرده‌اند، در مقیاس مسئولیت‌پذیری و خرده‌مقیاس‌های سازگاری عاطفی، سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و در افراد دارای سبک سهم‌گذارانه، میزان مسئولیت‌پذیری، سازگاری عاطفی، سازگاری اجتماعی افزایش یافته‌تر است. مطالعه اثربخشی دیگری که مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری توسط دهدست و همکاران (۱۴۰۳) شکل گرفت، توانست میزان سازگاری افراد با خانواده همسر و رضایت زناشویی را در زوجین به‌صورت معناداری

بهبود دهد. حاجی هاشم و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود به طراحی الگوی مشاوره‌ای اخلاق ارتباطی مبتنی بر اندیشه و عمل امام موسی صدر با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری پرداختند که در نتیجه اثربخشی آموزش این رویکرد، ارتقای معنادار در هویت جمعی نوجوانان را گزارش کردند.

به‌علاوه، مرادی و همکاران (۱۴۰۱)، پیرامون الگوی گفتمان امید با محوریت سهم‌گذاری مطالعه‌ای انجام دادند که تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با افراد دارای سبک زندگی سهم‌گذارانه، منجر به شناسایی مجموعه مضامینی در شش بُعد: روایتی، شناختی، عاطفی، رفتاری، ارتباطی و زمانی در گفتمان امید گردید. گفتمان امید با محوریت سهم‌گذاری بیانگر روایت‌های مثبت و منسجم، عاطفه مثبت، ادراک شناختی مثبت با ذهن آگاهی و تفکر تعالی‌نگر، عمل‌گرایی، رشد‌گرایی، ارتباط‌گرایی و دید مثبت و هدفمند در فرد امیدوار سهم‌گذار بود و مهم‌تر آنکه شناخت عوامل مؤثر در این گفتمان امکان امیدافزایی و شکوفایی فرد، خانواده و جامعه را فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش دیگری که عسلی طالکوئی و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی تعاملات والد - فرزندی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری» انجام دادند، نشان‌دهنده آن بود که مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان، شامل تکریم فرزند، تربیت دینی فرزند، توانمندسازی فردی فرزند، توانمندسازی اجتماعی فرزند، اعتقاد به تولید و توسعه نسل و مراقبت از فرزند است.

به‌طور کلی، مرور مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که هرچند پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف والدگری یا رویکرد سهم‌گذارانه در حوزه‌های متفاوت پرداخته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی جامع که به‌طور هم‌زمان به شناسایی مؤلفه‌های والدگری در مادران برخوردار از سبک زندگی سهم‌گذارانه بپردازد، انجام نشده است. این خلأ پژوهشی از آن جهت اهمیت دارد که مادرانی با سبک زندگی سهم‌گذارانه، علاوه بر ایفای نقش مادری، در سایر ابعاد شخصیتی و ارتباطی به‌گونه‌ای توسعه‌یافته هستند که می‌تواند الگوهای تربیتی آنان را از سایر سبک‌ها متمایز سازد. شناسایی و تبیین این مؤلفه‌ها علاوه‌براینکه دانش نظری در حوزه والدگری را گسترش خواهد داد، ظرفیتی برای ارائه پیشنهادها کاربردی در جهت ارتقای سیاست‌های حمایتی و تربیتی خانواده، فراهم خواهد آورد و از آنجاکه سیاست‌های کلی خانواده به‌ویژه بند ۱۲، بر ارتقای مهارت‌ها و کارکردهای تربیتی والدین و تقویت نقش خانواده در پرورش نسل آینده تأکید دارد، در این چهارچوب، واکاوی

مؤلفه‌های والدگری در سبک زندگی سهم‌گذارانه می‌تواند به تولید دانش بومی و تدوین مداخلات کارآمد کمک شایانی کند.

۳. چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی این پژوهش مبتنی بر تلفیق مبانی نظری مرتبط با سبک زندگی سهم‌گذارانه و الزامات سیاست‌های کلی خانواده، به‌ویژه بند ۱۲ سیاست‌ها طراحی شده است. سبک زندگی سهم‌گذارانه به‌عنوان الگویی از زیست اجتماعی و فردی شناخته می‌شود که در آن فرد با معنامدار کردن زندگی، پذیرش مسئولیت‌های فردی و جمعی، ایفای نقش‌های مؤثر و هماهنگ‌سازی انتخاب‌ها با اهداف کلان، می‌تواند هم بر خانواده و هم بر جامعه اثرگذار باشد. در رویکرد سهم‌گذاری عاملیت و مسئولیت خویشتن با عنایت به قواعد کلی خلقت مبنای کار قرار می‌گیرد، خالق، محور معنابخشی است و مخلوق مسئول در مقابل اهداف کلی آفرینش و عامل در سعادت خود است؛ بنابراین چرایی انجام یک رفتار، قبل از آنکه به یک انتظار و معامله در روابط تبدیل شود، بیشتر متوجه خود فرد و تصمیم او برای انتخاب بین والد سهم‌گیر بودن و سهم‌گذار بودن است. بر طبق رویکرد سهم‌گذاری، والد سهم‌گذار دارای خویشتن گسترده است و در این دیدگاه انگیزه والدگری یک تکلیف عمومی و بسیار کلان است، درواقع بحث فرزندآوری ذیل مفهوم تولید و توسعه خانواده قرار می‌گیرد. فرزندآوری موجب توسعه فرد می‌شود و فرد سهم‌گذار از این طریق به توسعه خود و جامعه حول محور خیر و عدل می‌پردازد. فرزندپروری در این رویکرد فرصتی است برای اینکه شخص قادر باشد توانایی‌های خود را به‌ظهور برساند. شخص سهم‌گذار می‌داند که فرزندآوری و فرزندپروری تکلیفی الهی است و افراد می‌توانند از این طریق تولید سبک، زبان و در نگاه وسیع‌تر تولید گفتمان کنند و براین اساس تاریخ بسازند و خویشتن خویش را گسترش دهند؛ بنابراین در این رویکرد فرزندآوری یک نیاز برای توسعه هر فرد، خانواده و اجتماع است (عسلی طالکوئی و دیگران، ۱۴۰۱).

به‌طور کلی، در الگوی فرزندپروری سهم‌گذار، آگاهی در پاسخ به سه پرسش بنیادین، چرایی چیستی و چگونگی در امر فرزندپروری حاصل می‌شود که این پرسش‌ها، چهارچوبی را برای درک ما از تربیت فرزند فراهم می‌کنند و راهنمای عمل ما در تعامل با فرزندان خواهند بود. آنچه که در ادبیات و الگوهای فرزندپروری موجود، بیشتر مورد تأکید است، بحث چگونگی فرزندپروری است و تلاش در راستای

تبیین ابعاد این چگونگی در پاسخ‌دهی عاطفی و رفتاری به کودک است. این در حالی است که در الگوی فرزندپروری سهم‌گذار، به‌ترتیب با پرسش مهم چستی تربیت و فرزندپروری و مهم‌تر از آن با پرسش چرایی تربیت مواجه هستیم که پاسخ به این پرسش‌ها، ما را به سمت‌وسویی هدایت می‌کند که باید صحبت از «تصمیم برای چگونه‌بودن» کنیم. به‌بیان‌دیگر، هدف از فرزندپروری سهم‌گذار، آگاهی از چگونه‌بودن‌ها، بررسی پیامدهای هر نوع و درنهایت انتخاب بودن آحسن است. پس در این نوع رویکرد، معنای والدبودن و منطق والدبودن و چرایی این نوع بودن مورد بحث است که این به‌خودی‌خود، موجب ایجاد تغییرات بنیادین در رویه‌ها و چگونگی والدگری می‌شود و اساساً می‌توان این‌طور استنباط کرد که بیشترین رنجی که والدین در تربیت فرزند گزارش می‌کنند، ناشی از عدم آگاهی در خصوص پرسش‌های بنیادین مطرح‌شده و به‌طور خاص چرایی است؛ زیرا در محاسبات ذهنی‌شان، خود را مجبوردهنده صرف و پُر از دیون طلبه‌کار می‌بینند. لازم این نوع چرخش معرفتی، ایجاد گشودگی ذهنی و پرورش جرئت تغییر در خویشتن است که باعث دگرگونی انباشته‌های ذهنی (که قبلاً آن را حقیقت می‌پنداشتیم) و نیز دگرگونی در مبدأ و مقصد مفاهیمی همچون انتخاب و کنترل و انتظار خواهد شد. لازم به ذکر است که در فرزندپروری سهم‌گذار، مراد صرفاً آگاهی مرتبط با کودک نیست (آنچه که در ادبیات فرزندپروری مرتباً بر روی آن تأکید می‌شود) بلکه در این رویکرد، گستره آگاهی، خود فرد و هستی و قواعد حاکم بر آن را نیز دربرمی‌گیرد (شیخ‌الاسلامی و دیگران، ۱۴۰۳). چنین رویکردی از نظر تربیتی ظرفیت بالایی دارد؛ زیرا والدین در مقام مربیان نخستین کودک، با درونی‌سازی این مؤلفه‌ها می‌توانند الگوهای والدگری متفاوت و اثربخشی را شکل دهند.

ازسوی‌دیگر، بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ‌شده، به‌طور خاص بر «ارتقای کارکردهای تربیتی خانواده، افزایش مسئولیت‌پذیری والدین و الگو بودن آنان در هدایت فرزندان» تأکید دارد. این بند سیاستی، خانواده را به‌عنوان نهاد محوری جامعه معرفی می‌کند که باید فراتر از مراقبت مادی، در پرورش معنوی و اخلاقی نسل جدید نقش فعال ایفا کند. سبک زندگی سهم‌گذارانه دقیقاً در همین مسیر قرار می‌گیرد؛ زیرا با مؤلفه‌های گوناگون خود چهارچوبی فراهم می‌سازد که مادران بتوانند کنش‌های تربیتی خود را با الزامات این سیاست کلان همسو کنند.

مؤلفه‌های این سبک زندگی شامل معنامداری، مسئولیت‌مندی، عاملیت،

امنیت‌مداری، معیارمندی، احترام‌مداری، نیت‌مداری، آرامش شخصی، نقش‌گذاری احسن، روابط تکوین‌بخش، پیوندزایی، هماهنگی با اهداف و انتخاب‌گری، که ابعاد مختلف سهم‌گذار بودن فرد را در حوزه‌های ارزشی، رفتاری و اجتماعی پوشش می‌دهند. هریک از این مؤلفه‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند بر شیوه‌های فرزندپروری و تعامل مادر با فرزند اثرگذار باشند. در این چهارچوب، مؤلفه‌های ارزش‌محور سبک زندگی سهم‌گذارانه شامل معنامداری، نیت‌مداری و معیارمندی هستند که بنیان ارزشی والدگری را تشکیل می‌دهند. این مؤلفه‌ها سبب می‌شوند مادران سهم‌گذار، تربیت فرزندان خود را نه صرفاً در سطح مهارت‌های روزمره بلکه در چهارچوبی غایت‌مدار و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی سازمان‌دهی کنند. چنین رویکردی منطبق با تأکید بند ۱۲ بر انتقال ارزش‌های اسلامی - ایرانی به نسل جدید است و والدگری را از سطح رفتاری به سطح معنایی ارتقا می‌دهد.

مؤلفه‌های کنشی همچون مسئولیت‌مندی، عاملیت، نقش‌گذاری احسن و انتخاب‌گری، بُعد اجرایی سبک زندگی سهم‌گذارانه را در والدگری نمایان می‌کنند. مادران با چنین ویژگی‌هایی، در تصمیم‌گیری‌های تربیتی نقش فعال دارند، فرصت‌های یادگیری برای فرزندان را آگاهانه مدیریت می‌کنند و خود را در برابر پیامدهای انتخاب‌های تربیتی‌شان مسئول می‌دانند. این ویژگی‌ها آنان را به الگوهای عینی برای فرزندان تبدیل می‌سازد؛ الگویی که بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده نیز آن را شرط اصلی پایداری نهاد خانواده می‌داند.

ازسوی دیگر، مؤلفه‌های تنظیمی و رابطه‌ای این سبک زندگی شامل آرامش شخصی، امنیت‌مداری، احترام‌مداری، روابط تکوین‌بخش و پیوندزایی هستند که محیطی امن و حمایتگر برای کودک ایجاد می‌کنند. این مؤلفه‌ها به مادران امکان می‌دهند ضمن مدیریت هیجانات و ایجاد ثبات روانی در خانواده، روابطی سالم و مبتنی بر احترام متقابل را با فرزندان شکل دهند. همچنین، از طریق پیوندزایی و روابط تکوین‌بخش، شبکه‌های حمایتی گسترده‌تر در خانواده و جامعه فعال می‌شوند که کارکرد تربیتی خانواده را تقویت می‌کند. این امر نیز در راستای سیاست کلان نظام برای ارتقای همبستگی اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده است.

درنهایت، مؤلفه «هماهنگی با اهداف» به‌عنوان مؤلفه‌ای راهبردی، همه ابعاد پیشین را به یکدیگر متصل می‌کند و انسجام والدگری مادران سهم‌گذار را تضمین می‌نماید. هماهنگی اهداف فردی با چشم‌اندازهای کلان خانوادگی و اجتماعی، سبب می‌شود که تصمیم‌های تربیتی مادران نه‌تنها در سطح خانواده بلکه در سطح جامعه

نیز اثرگذار باشند. به این ترتیب، چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر والدگری در مادران با سبک زندگی سهم‌گذارانه را به مثابه پدیده‌ای می‌بیند که از ترکیب ارزش‌های درونی، کنش‌های تربیتی، تنظیم هیجانی و سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و در نهایت با اهداف بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده هم‌راستا شده، نقش خانواده را به‌عنوان بستر اصلی پرورش نسلی متعهد، توانمند و ارزش‌محور تحقق می‌بخشد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجاکه برای طراحی الگو، دسترسی به اطلاعات دقیق و عمیق بومی اهمیت داشت، از شیوه‌های کیفی استفاده شد و داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد تحلیل شده‌اند. در این پژوهش، جامعه مورد پژوهش و نمونه برهم منطبق است. نمونه‌ها جهت مصاحبه، از میان مادران ساکن در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ملاک‌های ورودی گزینش شدند.

ملاک‌های ورود به پژوهش برای مادران شامل موارد ذیل بود:

- ۱) دریافت نمره سهم‌گذاری بالاتر از میانگین در پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۲)،
 - ۲) دارای حداقل یک فرزند،
 - ۳) تمایل به همکاری در انجام پژوهش،
 - ۴) رضایت آگاهانه و زمان کافی جهت انجام مصاحبه،
 - ۵) حضور هردو والد در زندگی.
- ملاک‌های خروج از پژوهش شامل:

- ۱) دریافت نمره سهم‌گذاری پایین‌تر از میانگین در پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۱)،
- ۲) تکمیل ناقص پرسش‌نامه،
- ۳) عدم حضور فعال و همکاری در طول مصاحبه بود.

همچنین، نمونه‌گیری تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت و تعداد نمونه‌ها در این پژوهش به ۱۰ نفر رسید که مادران سهم‌گذار دارای حداقل ۱ و حداکثر ۴ فرزند بودند. در این راستا، نمونه‌ها از طریق تماس با مدارس مختلف در شرق و غرب شهر تهران، ارتباط با سراهای محله و آشنایان، به شیوه‌ای هدفمند که دارای ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش باشند، شناسایی شده و سپس این مادران که در پرسش‌نامه سبک زندگی

سهم‌گذارانه حدنصاب لازم را کسب کرده و مایل به همکاری بودند در مصاحبه شرکت کردند که با هر مادر به صورت جداگانه در مکان مورد انتخاب آنها انجام گرفت و به‌طور میانگین بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های بازپاسخ از نمونه‌ها جمع‌آوری شدند و روند نمونه‌گیری‌های بعدی نیز، با مفاهیم حاصل از تحلیل مصاحبه‌های اولیه، هدایت شد. از این رو، مصاحبه با پرسش‌های کلی آغاز و به سمت پرسش‌های اکتشافی پیش رفت. مصاحبه با این پرسش از مادر پیش می‌رفت که رابطه خود را با فرزندتان توصیف کنید. نظرتان درباره مادری کردن خودتان چیست؟ شما برای اینکه مادر مطلوبی باشید چه تلاش‌هایی می‌کنید؟ یا چه کارهایی رو نمی‌کنید؟ معمولاً چه‌طور از بروز تعارض با فرزندانتان پیشگیری می‌کنید؟ با هر کدام از فرزندان جداگانه توضیح دهید؟ اگر بین شما و فرزندانتان اختلاف نظر یا تعارضی رخ بدهد معمولاً از چه روش‌هایی برای حل آن و بهبود رابطه‌تان استفاده می‌کنید؟ برای صمیمی‌تر شدن با فرزندانتان چه کارهایی می‌کنید؟ چه کارهایی نمی‌کنید؟ مثال بزنید. بدین ترتیب، جمع‌آوری همه داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌گونه‌ای که محقق دیگر به اطلاعات جدیدی در زمینه موضوع پژوهش دست نیافت.

در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از روش نظریه داده‌بنیاد به شیوه استراوس و کوربین (۱۹۹۸، ترجمه بیوک محمدی، ۱۳۹۰) استفاده شد و داده‌های ضبط شده حاصل از متن مصاحبه با مادران که مجموعاً ۸۹۰ دقیقه را شامل شده بود، پیاده‌سازی و کدگذاری شده و فرایند کدگذاری داده‌ها در سه سطح باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. همزمان در این مرحله به منظور اعتباریابی داده‌ها از سه روش قابلیت اعتبار^۱، قابلیت تأیید^۲ و قابلیت اعتماد^۳ استفاده شد. قابلیت اعتبار یافته‌ها از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان و تأیید صحت یافته‌ها، بررسی شد. قابلیت تأیید هم از طریق مقایسه داده‌ها و بررسی هم‌زمان آنها با منابع نظری موجود تأیید شد. قابلیت اعتماد نیز با توجه به نظارت و بررسی و ارائه بازخورد متخصصان در مورد یافته‌ها، تأیید شد. در این زمینه به منظور اعتباریابی الگوی استخراج شده، از شاخص نسبت روایی محتوایی یا CVR^۴ و شاخص روایی محتوایی یا CVI^۵

1. Credibility
2. Confirmability
3. Consistency
4. Content Validity Ratio
5. Content Validity Index

استفاده شد. بدین صورت که، برای شاخص CVI از سه متخصص مشاوره در حوزه خانواده خواسته شد میزان مرتبط بودن اجزای الگو را با اهداف آن بر اساس طیف «غیرمرتبط، نیاز به بازبینی، مرتبط اما نیاز به بازبینی و کاملاً مرتبط» مشخص کنند. تعداد متخصصانی که گزینه مرتبط اما نیاز به بازبینی و کاملاً مرتبط را انتخاب کرده‌اند، بر تعداد کل متخصصان تقسیم کردیم. سپس مقوله‌هایی که شاخص آنها بزرگتر از ۰/۷۹ بود در الگو حفظ شدند. به علاوه، در بخش نسبت روایی محتوایی، نظرات این سه متخصص در مورد اجزاء الگو بر اساس طیف لیکرت و گویه‌های «ضروری است»، «مفید است ولی ضروری نیست» و «ضرورتی ندارد» نیز جمع‌آوری شده و با استفاده از فرمول، CVR هر بخش از الگو محاسبه شده و بخش‌هایی که حداقل لازم را کسب نکردند بازبینی و اصلاح گردید و سپس الگو ارائه شد. نحوه محاسبه نسبت روایی محتوایی در هر سؤال بر اساس فرمول زیر صورت پذیرفت:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

علامت‌های اختصاری به این شرح است که N تعداد کل متخصصان و n_e تعداد متخصصانی که گزینه «ضروری است» را انتخاب نموده‌اند. در این قسمت هر مؤلفه که حداقل مقدار روایی یعنی CVR آن ۰/۷۵ بود پذیرفته شد. CVR الگو در نهایت در پژوهش حاضر ۱ به دست آمد که کاملاً مقدار موردقبولی بود. لازم به ذکر است که پژوهشگران تمامی ملاحظات اخلاقی از جمله محرمانگی را در اجرای پژوهش رعایت نمودند.

در ادامه، اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌ها در جدول ۱ ارائه گردیده است:

جدول (۱): اطلاعات جمعیت‌شناختی مادران سهم‌گذار

مدت زمان مصاحبه	جنسیت فرزندان	تعداد فرزندان	شغل مادر	تحصیلات مادر	سن مادر	کد
۶۰ دقیقه	۲ پسر	۲	کارمند	تحصیلات حوزوی	۳۶	۱
۸۵ دقیقه	۲ دختر	۲	روان‌شناس	کارشناسی ارشد	۳۸	۲
۸۰ دقیقه	۱ دختر	۱	میکروبیولوژیست	دکتری	۴۰	۳
۹۰ دقیقه	۱ دختر و ۱ پسر	۲	کارمند	کارشناسی ارشد	۴۲	۴

کد	سن مادر	تحصیلات مادر	شغل مادر	تعداد فرزندان	جنسیت فرزندان	مدت زمان مصاحبه
۵	۴۷	کارشناسی ارشد	مدرس	۱	۱ پسر	۷۰ دقیقه
۶	۴۹	کارشناسی ارشد	معلم	۲	۱ دختر و ۱ پسر	۶۵ دقیقه
۷	۵۳	دیپلم	خانه دار	۴	۱ دختر و ۳ پسر	۷۰ دقیقه
۸	۵۷	کارشناسی ارشد	معلم	۲	۱ دختر و ۱ پسر	۹۰ دقیقه
۹	۵۷	تحصیلات حوزوی	خانه دار	۴	۲ دختر و ۲ پسر	۶۵ دقیقه
۱۰	۵۸	کارشناسی	خانه دار	۴	۱ دختر و ۳ پسر	۶۰ دقیقه

۴-۱. ابزار پژوهش

۴-۱-۱. مصاحبه

داده‌های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با گروه نمونه به‌دست آمده است. مصاحبه‌ها با کسب اجازه و رضایت آگاهانه از افراد شرکت‌کننده ضبط و پیاده‌سازی شده و سپس از طریق روش استراوس و کوربین، کدگذاری و تحلیل شده است. محور پرسش‌ها از مادران شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی، توصیف آنها پیرامون ارتباط با هریک از فرزندان خود در دوره‌های رشدی متفاوت و بررسی نگرش آنها در این زمینه، راهکارهای مورداستفاده مادران جهت برقراری صمیمیت با فرزندان، نقش‌گذاری شخص مادر در پیشروی مثبت ارتباطات و پیشگیری از بروز تعارض، راهکارهای حل اختلاف‌نظرها و تعارضات در صورت بروز آن و درنهایت بازخورد و نتیجه راهکارهای مورداستفاده آنها در ارتباط با فرزندانشان بود.

۴-۱-۲. پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه

این پرسش‌نامه توسط اسمعیلی، شاداب‌مهر و دهدست (۱۴۰۲) به‌منظور سنجش سبک زندگی سهم‌گذارانه افراد بزرگسال تدوین شده است. پرسش‌نامه دارای ۵۹ گویه بوده و شیوه نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم

تا کاملاً موافقم است. به‌منظور بررسی روایی پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید و روایی محتوایی ابزار نیز توسط متخصصان مشاوره تأیید شد. به‌منظور بررسی میزان پایایی ابزار نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری توسط نرم‌افزار SPSS-25 انجام گرفته و بر اساس یافته‌های پژوهش، تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داد که پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه یک ابزار ۱۳ مؤلفه‌ای است که ۵۷/۲۴ درصد واریانس سهم‌گذاری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۳ گزارش شد که بیانگر پایایی خوب این ابزار است. نقطه برش این پرسش‌نامه نیز بر اساس دامنه اطمینان ۹۵ درصد در نمره کل ۱۸۹/۳۳ است. نمره پایین‌تر از ۱۸۹/۳۳ به معنای داشتن سبک زندگی سهم‌گیرانه آزمودنی است. نمره بین ۱۸۹/۳۳ تا ۲۷۴/۳۹ نشان‌دهنده سبک زندگی سهم‌گذارانه در حد متوسط برای آزمودنی بوده و نمره بالاتر از ۲۷۴/۳۹ افراد دارای سبک زندگی کاملاً سهم‌گذارانه را مشخص می‌کند. سبک زندگی سهم‌گذارانه به الگویی از زیست تربیتی اطلاق می‌شود که فرد در آن با عاملیت، مسئولیت‌پذیری و معنویت‌محوری نقش فعالی در شعاع بودن خود و در نقش‌های مختلف ایفا می‌کند؛ درمقابل، سبک زندگی سهم‌گیرانه ناظر بر کنش‌گری منفعل، تمرکز بر دریافت و اولویت‌دادن به نیازهای فردی بدون مشارکت مؤثر در بافت‌های اجتماعی است.

۵. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با ۱۰ نفر از مادران سهم‌گذار در ارتباط با نحوه ایفای نقش والدینیشان در ارتباط با فرزندان خود، مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل و کدگذاری آنها به روش استراوس و کوربین، سه کد انتخابی اصلی به همراه مقوله‌محوری الگو و پیامد آن مشخص گردید. کد انتخابی نگرش هستی‌محور مادر که به‌عنوان عامل زمینه ساز معرفی شده است، دارای ۳ کد محوری و ۱۰ کد باز است. همچنین، کد انتخابی نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر که تحت عنوان عامل علی مشخص شده، دارای ۲ کد محوری و ۱۳ کد باز می‌باشد. به‌علاوه، کد انتخابی فراهم آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند که به‌عنوان راهبرد شناسایی شده، دارای ۳ کد محوری و ۱۹ کد باز است. درنهایت، مقوله‌محوری الگو با عنوان تحقق اراده مادر حول ایفای نقش والدینی احسن در نظر گرفته شد و پیامدهای اصلی شامل دستیابی مادر به رضایتمندی، آرامش شخصی،

تولید و توسعه و همچنین تعامل رشدزا میان مادر و فرزندان بود. در ادامه، مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها به ترتیب در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): مقوله‌های مستخرج از مصاحبه با مادران سه‌م‌گذار

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
نگرش هستی‌محور مادر (عامل زمینه‌ساز)	نگرش علت‌جویانه و مقصدجویانه	نگرش امانت‌گونه نسبت به فرزند / توجه به درس و معنای در پس تجارب و رنج‌ها / رعایت معیارهای حق در ارتباط با فرزند
	نگرش مرورگر	تمرکز بر اطلاعات مستقل از ذهن و منطق با واقعیت / تمرکز بر داشته‌ها و امکانات خود / تمرکز بر موضوعات مرتبط و تحت کنترل خود
	نگرش آزادی هستی‌محور	توجه به فرزند به‌مثابه عامل مختار / توجه به توسعه شخصی به‌عنوان هدف از والدگری / درک قواعد ارتباط با فرزند / درک آزادی انتخاب‌گری در خود و فرزند
نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر (عامل علی)	احساس مسئولیت نسبت به نقش	پذیرش نسبت به وظایف نقش والدینی / مرزبندی میان حوزه‌های مسئولیت خود و فرزند / پاسخگو بودن نسبت به نیازهای فیزیکی و اولیه فرزند / پاسخگو بودن نسبت به نیازهای روانی و عاطفی فرزند / پاسخگویی به پیامد انتخاب‌ها در نقش والدینی / توجه به فرارگیری در جایگاه الگو
	تمرکز بر عاملیت خود در ایفای نقش	کنش‌ورزی آحسن در محدوده وسیع و ظرفیت خود / توجه به دامنه تأثیر کنش‌های خود بر فرزند / خودکنترلی به‌جای کنش‌های کنترل‌گرایانه / خودتنظیمی نسبت به ویژگی‌های خاص دوره رشدی فرزند / شکل‌دهی گزینه‌های مطلوب جهت انتخاب‌های فرزند / خودتنظیمی با توجه به بسترهای ارتباطی مختلف با فرزند / یاددهنده و یادگیرنده بودن توأمان در مهارت‌های موردنیاز
فراهم آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند	پیوندزایی ثبات‌مندانه	قابلیت پیش‌بینی و ثبات رفتاری / نظم در چهارچوب‌ها و قاعده‌های ارتباطی / پذیرش بدون شرط شخصیت فرزند / در دسترس بودن از نظر

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
(راهبرد)		عاطفی / گوش دادن فعال و همدلانه / پاسخ‌دهی حساس و هماهنگ
	احترام‌مداری	احترام به احساسات و نگرش‌ها / احترام به استقلال و خودمختاری / احترام به نظرها و مشورت‌گیری / احترام به علایق و خواسته‌ها
	زبان‌زایی امنیت‌مدار	ارتباط کلامی گرم و صمیمانه / حل تعارض و اختلاف نظر به شیوه مذاکره / استفاده از کلمات تأییدکننده و حمایت‌گرانه / تحسین و تمجید تلاش‌ها بدون توجه به نتیجه / اشاره به توانمندی‌ها و قابلیت‌های فرزند / ابراز مخالفت با پرسش سؤال به صورت غیرمستقیم / ابراز محبت و دلتنگی کلامی / داستان‌پردازی‌های هدفمند با هدف آموزش / لحن صدای آرام و ملایم

پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌هایی انجام شد که مادران سه‌م‌گذار بر اساس آن‌ها نقش والدگری خود را ایفا می‌کنند؛ سپس این شاخص‌ها در مرحله تحلیل با مفاد بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده تطبیق داده شدند.

(عامل زمینه‌ساز): نگرش هستی‌محور مادر، اولین کد انتخابی است که به‌عنوان عامل زمینه‌ساز در الگو انتخاب شده و شامل سه شناسه محوری است که در ادامه به همراه نمونه‌ای از مصاحبه مادران، ارائه می‌گردند. این شاخص نگرشی، در واقع علاوه بر اینکه زمینه‌ساز ایفای نقش مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادران محسوب می‌شوند، عامل ایجادکننده بستری برای مادران هستند که بتوانند محیط امنی را فراهم کرده و در مدیریت ارتباط با فرزند به کار گیرند. تحلیل داده‌ها نشان داد که در بستر کنش والدگری سه‌م‌گذارانه، نوع خاصی از نگرش مادرانه، نقش زمینه‌ساز و بنیادین در شکل‌گیری سایر ابعاد رفتاری ایفا می‌کند. این نگرش که در این پژوهش با عنوان «نگرش هستی‌محور مادر» شناخته شد، نوعی نگاه فلسفی - ارزشی به تربیت است که برخاسته از معنابخشی وجودی به فرزند، نقش والد و فرایندهای رشدی است. علت نام‌گذاری این مقوله به «هستی‌محور»، برخاسته از آن است که مادران مشارکت‌کننده نه صرفاً با تکیه بر اصول رفتاری یا قواعد اجتماعی بلکه با نوعی درک عمیق از جایگاه خود و فرزند در هستی به ایفای نقش والدینی

می‌پردازند. در روایت‌های آنان، فرزند نه صرفاً یک موجود زیستی یا پروژه اجتماعی بلکه امانتی الهی، موجودی دارای اختیار و بخشی از مسیر رشد معنوی مادر تلقی می‌شود. در این چهارچوب، سه نوع نگرش بنیادی شکل گرفت که زیرمجموعه مقوله «نگرش هستی‌محور» محسوب می‌شوند:

۱- نگرش علت‌جویانه و مقصدجویانه (مبدأمدار و معادمحور): این نگرش ریشه

در درک وجودی مادر از ماهیت تربیت دارد؛ به طوری که فرایند والدگری نه صرفاً مجموعه‌ای از وظایف بلکه مسیری مقدس برای تعالی فردی و معنوی تلقی می‌شود. مادران در این نگرش، فرزند را حامل پیامی از «مبدأ» هستی و فرصتی برای رشد روحانی خود می‌دانند. نگاه آنان به فرزند، درونی و معنابخش است: فرزند «امانت» الهی است، نه دارایی شخصی. مشارکت‌کننده‌ای تجربه‌خود را این‌گونه روایت کرد: «خداوند گفته این بچه امانت من دست شما، با خودم می‌گم این امانت خداست باید من درست رفتار کنم باهاش» (مشارکت‌کننده ۳). مادر دیگری نیز در همین زمینه اظهار داشت: «بعضی وقتا که با پسر من به مشکل می‌خوریم، فکر می‌کنم این یه رشده، یه امتحانه برای من، به این فکر می‌کنم که این قضیه چه درسی قراره به من بده» (مشارکت‌کننده ۵). این نوع نگرش، به مادر امکان می‌دهد که در مواجهه با چالش‌ها، به جای واکنش هیجانی، به «معنای نهفته در رنج» بیندیشد و از رخدادهای تربیت و ارتقای دوطرفه بهره‌برداری کند.

۲- نگرش مرورگر: در این نگرش، مادر دارای ذهنی باز و مایل به بازنگری پیوسته

در تجارب خود است. برخلاف والدگری واکنشی یا قضاوت‌گر، مادر مرورگر پیوسته به دنبال درک سهم خود در تعاملات با فرزند است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه چنین اظهار داشت: «من خیلی وقته به این رسیدم که نمی‌تونم به زور کاری کنم که منیره مطابق میل من بشه رفتاراش؛ من حواسم به کارای خودمه که دارم چی کار می‌کنم و نگاه می‌کنم قبلاً چه اشتباه‌هایی کردم که دیگه تکرار نکنم» (مشارکت‌کننده ۲). این نگرش نشان از بلوغ تربیتی دارد؛ زیرا مادر، مرز بین اختیار و مسئولیت را بازمی‌شناسد و با تمرکز بر عناصر تحت کنترل، به تنظیم بهتر رابطه با فرزند دست می‌زند.

۳- نگرش آزادی هستی‌محور: در این نگرش، مادران فرزند را نه تنها موجودی

قابل هدایت بلکه کنش‌گری آزاد و صاحب‌اختیار در هستی می‌دانند. این نگاه، رابطه مادر - فرزند را از چهارچوب سلسله‌مراتبی خارج کرده و به تعامل

دوسویه‌ای مبتنی بر آزادی، احترام و مسئولیت متقابل تبدیل می‌سازد. یکی از مشارکت‌کنندگان این تجربه را چنین بازگو کرد: «دختر من اختیار داره، فردا که می‌خواد بره وارد جامعه بشه، دیگه با اختیاری خودشه، انتخاب خودشه؛ بهش هم گفتم هرکس هر رفتاری کنه، پیامدش رو می‌بینه» (مشارکت‌کننده ۷). در این نوع نگرش، مادر نه تنها فرزند را کنش‌گر می‌بیند بلکه خود را نیز در مسیر رشد و شکوفایی می‌داند. والدگری در این معنا فرصتی است برای توسعه فردی، نه صرفاً ایفای نقشی اجتماعی.

عامل علی): نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر: یافته‌ها نشان داد که یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر تحقق نقش والدینی احسن، «نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار» از سوی مادر است. این عامل به‌عنوان پیشران کنش والدگری، نقطه اتصال میان نگرش (عامل زمینه‌ساز) و راهبردهای اجرایی مادران محسوب می‌شود. بدون حضور این مؤلفه، سایر تلاش‌های تربیتی فاقد قوام و انسجام بوده و اثربخشی راهبردها کاهش می‌یابد. نام‌گذاری این عامل از آن جهت صورت گرفته است که روایت‌های مادران، نشان‌دهنده حضور فعالانه، آگاهانه، متعهدانه و مبتکرانه آنان در ایفای نقش والدینی بود؛ نقشی که نه صرفاً اجراشده بلکه آفریده شده است. این عامل از دو شناسه محوری تشکیل شده است:

۱- احساس مسئولیت نسبت به نقش: در این مقوله، مادران نشان می‌دهند که خود را نسبت به نقش مادری متعهد می‌دانند؛ مسئولیتی که صرفاً به مراقبت فیزیکی محدود نیست بلکه شامل پاسخ‌گویی به نیازهای روانی، رشد عاطفی و الگوسازی درونی نیز می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه اظهار داشت: «من به‌عنوان مادر، هم پیش وجدان خودم هم پیش خدای خودم مسئولم که چطوری رفتار می‌کنم. وقتی بچه دارم یعنی مسئولیت دارم؛ سعی می‌کنم به خواسته‌هاش از همه لحاظ دقت کنم» (مشارکت‌کننده ۱). مادر دیگری نیز تأکید کرد: «گاهی اوقات من مادر ممکنه شرایط روحیم مساعد نباشه و اصلاً حوصله نداشته باشم، ولی سعی می‌کنم حس خودم رو همیشه بسنجم؛ همراه با خوب مادری کردنم که یه جورى اینا با هم همراه بشن» (مشارکت‌کننده ۸). در این مقوله، مفهوم مسئولیت‌پذیری مادران نه تنها ناظر بر وظایف بیرونی بلکه ناظر بر خودشناسی، خودتنظیمی و پذیرش عمیق جایگاه مادری به‌مثابه یک مسئولیت هستی‌شناسانه است.

۲- تمرکز بر عاملیت خود در ایفای نقش: این مقوله نشان می‌دهد که مادران

به‌جای تمرکز صرف بر هدایت فرزند، بر ظرفیت کنشی خود متمرکز شده‌اند. آنان به نقش خود نه‌تنها به‌مثابه یک مراقب بلکه یک کنش‌گر معنادار نگاه می‌کنند که با دقت، خودتنظیمی، یادگیری مستمر و تأمل در رفتار، به رشد متقابل با فرزند دست می‌زند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص گفت: «من خودم سعی می‌کنم یه مادر خوب باشم و روی ظهور و بروز رفتاری خودم کنترل داشته باشم، چون دختر و پسرمو که نمی‌تونم کنترل کنم؛ من روی رفتار خودم سعی می‌کنم دقت لازمو داشته باشم» (مشارکت‌کننده ۴). مادر دیگری نیز چنین بیان کرد: «اگه یه حرفی به بچه‌م بگم، اونو سعی می‌کنم خودم حتماً عمل کنم؛ اگه بگم دروغ بده، بعد خودم دروغ بگم خب بچه می‌بینه من حرف و عملم یکی نیست» (مشارکت‌کننده ۶). در این کد، مفهوم عاملیت مادر به‌معنای کنش‌ورزی از موضع اختیار، خودآگاهی و پیش‌برندگی است؛ نه واکنش‌گر بودن یا تسلیم در برابر شرایط محیطی یا رفتاری کودک.

راهبرد): فراهم آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند: در الگوی استخراج‌شده از داده‌ها، یکی از راهبردهای بنیادین که به‌عنوان نمود عملی نگرش و عاملیت مادران سهم‌گذار شناسایی شد، فراهم کردن محیط امن ارتباطی با فرزند بود. این راهبرد، نه صرفاً به معنی اجتناب از تعارض یا گفت‌وگوهای ساده روزمره بلکه به معنای خلق یک «بستر روانی امن» است که کودک بتواند در آن احساس امنیت هیجانی، پذیرش بدون شرط، اعتماد و احترام را تجربه کند. این فضا، از سوی مادر نه به‌صورت اتفاقی بلکه با انتخاب‌های دقیق، مستمر و معنادار در رفتار، گفتار و واکنش‌های ارتباطی شکل می‌گیرد. مادرانی که این راهبرد را به‌کار می‌گیرند، محیطی می‌سازند که در آن کودک جرئت بیان خود را دارد، امکان رشد درونی می‌یابد و از موضع ترس یا اجبار، به سمت ارتباط با والد کشیده نمی‌شود. سه شناسه‌محوری این راهبرد عبارت‌اند از:

۱- پیوندزایی ثبات‌مندانة: مادران سهم‌گذار برای ایجاد حس امنیت روانی در کودک، ابتدا رابطه‌ای باثبات، قابل پیش‌بینی و پذیرنده خلق می‌کنند. این ثبات در رفتار، هیجانات، واکنش‌ها و انتظارات مادر، زمینه‌ساز درک متقابل و کاهش اضطراب در کودک می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه اظهار داشت: «توی نحوه ارتباطم یه مدل خاصی دارم که بچه‌هام می‌دونن؛ مثلاً وقتی ناراحت می‌شم روی یه صندلی خاص می‌شینم... سعی می‌کنم تو رفتارم ثبات داشته باشم که تشخیص بدن حس منو» (مشارکت‌کننده ۲). ایجاد الگویی رفتاری که کودک

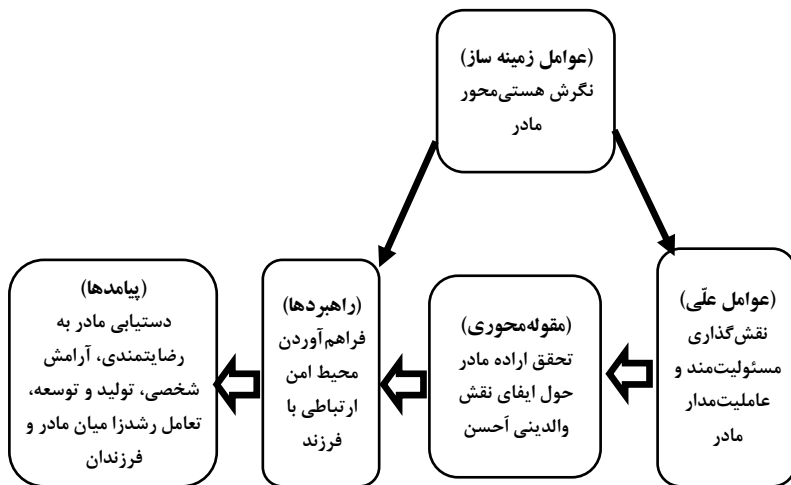
بتواند از آن نشانه‌های هیجانی دریافت کند، هم باعث شکل‌گیری اعتماد کودک به مادر می‌شود و هم مهارت‌های تنظیم هیجان را به‌صورت غیرمستقیم به او آموزش می‌دهد. همچنین، در دسترس بودن هیجانی مادر و گوش دادن فعال و همدلانه، تجربه دیده‌شدن و ارزشمندی را در کودک نهادینه می‌کند.

۲- احترام‌مداری: در این مقوله، مادران نشان دادند که رابطه والد - فرزند را مبتنی بر حرمت می‌سازند. آن‌ها درک کرده‌اند که رشد فرزند مستلزم استقلال، اظهارنظر و انتخاب‌های شخصی است و به‌جای شکستن این ساختار، تلاش می‌کنند آن را راهبری کنند. یکی از مادران اظهار داشت: «از ۱۲ سالگی احساس کردم علی بزرگ‌تر شده... الان خیلی به نظراتش احترام می‌ذارم، به‌ویژه توی جمع؛ باهاش مشورت می‌کنم... حتی اگه مخالف نظرش باشم، اون لحظه سکوت می‌کنم که حرمتش نشکند» (مشارکت‌کننده ۶). احترام‌مداری در سبک ارتباطی این مادران، به‌جای اعمال قدرت، بر مبنای مشارکت، توجه و حفظ کرامت در رابطه استوار است. این ویژگی، نه تنها استقلال را سرکوب نمی‌کند بلکه به او کمک می‌کند احساس مسئولیت نسبت به رفتار و پیامدها داشته باشد.

۳- زبان‌زایی امنیت‌مدار: شاید مهم‌ترین مؤلفه این راهبرد، زبان‌زایی باشد؛ یعنی استفاده آگاهانه و هدفمند از گفت‌وگو برای انتقال پیام‌های عاطفی، تربیتی و ارزشی. زبان مادران سهم‌گذار، ابزاری برای سرکوب، تهدید یا کنترل نیست بلکه ابزاری برای اتصال، آموزش و هدایت غیرمستقیم است. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «بعضی وقتاً نظرمو تو قالب خاطره یا تجربه یکی از اطرافیان بهش می‌گم، غیرمستقیم... با این توضیحا مثلاً بهش می‌فهمونم که انتظارم از رفتارش چی هست» (مشارکت‌کننده ۹). مادر دیگری اظهار داشت: «وقتی ناراحت می‌شه، باهاش همدلی می‌کنم... گفتم می‌دونم دوست داشتی بری، خیلی حساب کردی روش، ناراحتی... منم تجربه‌شو داشتم. نمی‌خوام سخت‌گیری کنم، ولی بعضی وقتها لازمه» (مشارکت‌کننده ۵). در این شیوه، مادر به‌جای موعظه یا کنترل صریح، از زبان ملایم، داستان‌پردازی، تمجید غیرشرطی و شیوه‌های غیرمستقیم استفاده می‌کند. این زبان، نه‌تنها تعارض را حل می‌کند بلکه موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن، اعتماد به والد و الگوی درونی رشد اخلاقی در کودک می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک والدگری سهم‌گذارانه، الگویی چندلایه و درهم‌تنیده از نگرش هستی‌محور، عاملیت آگاهانه و کنش تربیتی معنادار است. مادران سهم‌گذار، فراتر از چهارچوب‌های رفتاری رایج، والدگری را به‌مثابه پاسخی

وجودی به حضور فرزند در هستی می‌نگرند. این پاسخ، ابتدا در لایه نگرشی شکل می‌گیرد، سپس در مقام نقش‌پذیری عاملیت‌مدار فعال می‌شود و در نهایت در سطح ارتباطی، به راهبردهایی برای خلق رابطه‌ای ایمن، حرمت‌مند و سازنده منتهی می‌شود. چنین الگویی می‌تواند الگویی بومی، معنادار و اجرایی برای عملیاتی‌سازی بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده باشد؛ الگویی که توجه را از «رفتارهای ابزاری والد» به «چگونگی بودن مادر در فرایند تربیت» معطوف می‌سازد. پس از کدگذاری محوری، ارتباط میان مقوله‌ها با یکدیگر در قالب الگوی الگوهای مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد. در ادامه فرایند کدگذاری مقوله محوری با عنوان تحقق اراده مادر حول ایفای نقش والدینی احسن نیز انتخاب گردید که ایجاد یکپارچگی در الگو را تسهیل کرده و در شکل ۱، الگو به شکل منسجم ارائه شده است.



شکل (۱): الگوی پارادایمی فرایند والدگری مادران با سبک زندگی سهم گذارانه در راستای اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، در راستای اجرایی‌سازی بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده، شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی در مادران در بستر نظریه سهم‌گذاری شناسایی شده و با استفاده از روش کیفی و بر اساس نظریه داده‌بنیاد، به صورت الگو ارائه گردید. الگوی استخراج شده از تجارب مادران مشارکت‌کننده، آشکار کرد که یکی از شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی که تحت عنوان عامل زمینه‌ساز

شناسایی شد، نگرش هستی‌محور در مادران سهم‌گذار بود. این یافته به‌نوعی با نتایج پژوهشگری و همکاران^۱ (۲۰۲۲)؛ ریش، آندرسون و کروگر^۲ (۲۰۰۶)؛ دگت و همکاران^۳ (۲۰۰۰)؛ همسو است که بر اهمیت ابعاد نگرشی و شناختی والدین در ایفای نقش مؤثر و ارتباط بهینه با فرزندان خود تأکید می‌کند. همچنین رابین و فوستر^۴ (۲۰۰۲) در پژوهش خود همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، بر اهمیت نقش عوامل شناختی و نگرشی والدین در کیفیت رابطه با فرزندان تأکید کردند؛ به‌گونه‌ای که داشتن خطاهای شناختی، تفسیرهای منفی از رویدادهای ارتباطی یا ماهیت غیرمنعطف سیستم باورهای والد می‌تواند سبب ایجاد تعارض در ارتباط با فرزندان گردد. به‌علاوه، از آنجاکه والدین نقش بسیار مهمی را در ایجاد تعادل هماهنگ در روابط میان اعضای خانواده دارند (Sitepu, 2018)؛ در صورتی‌که دارای ساختار نگرشی و شناختی سالمی باشند، قادر خواهند بود در جهت کاهش تعارض در رابطه با فرزندان نیز گام بردارند (Robin & Foster, 2002).

در تبیین یافته‌های حاصل از مصاحبه با مادران سهم‌گذار می‌توان گفت که ایفای نقش والدینی زمانی به‌نحو احسن شکل می‌گیرد که مادر در زمینه والدگری خود در بُعد شناختی، دارای نگرش سهم‌گذارانه باشد؛ بدین‌معنا که خود را به‌عنوان عامل مختار هر لحظه در حال انتخاب ببیند و با در نظر داشتن پرنانتر مبدأ - معادی، نسبت به ایفای نقش والدینی خود عمل می‌کند. همچنین فرزند خود را نیز عامل مختار ببیند به‌گونه‌ای که در ارتباط با او بجای کنترل کنش‌ها و در اختیار گرفتن اختیار وی، برای هردو دامنه فرصت ایجاد نماید. در این نوع نگرش منعطف و واقع‌گرا، والد آگاه است که در یک هستی قاعده‌مند در ارتباط با فرزند خود قرار گرفته از این‌رو، به معنای در پس تجربه‌ها و رنج‌ها توجه کرده و با توجه به اتصالی که با تمام اجزای هستی به‌ویژه فرزند خود دارد، دامنه تأثیر کنش‌های خود را در نظر می‌گیرد. همچنین، مادر سهم‌گذار با در نظر گرفتن هستی به‌مثابه شبکه‌ای هدفمند و پویا و احسن و نیز معنابخشی به خیر و شر در چهارچوب آن نظام احسن، اتصال هستی‌گرایانه میان جلوه خود و فرزند را ادراک کرده و به اصلاح‌پذیری و توسعه و بسط خود در متن هستی باور دارد و در نهایت معنازایی در نقش مادری وی به‌گونه‌ای است که خود و فرزند را جلوه‌ای از علم و اراده خداوند تلقی می‌کند و با

1. Grey, E. B.; Atkinson, L.; Chater, A.; Gahagan, A.; Tran, A. & Gillison, F. B.
2. Riesch, S. K.; Anderson, L. S. & Krueger, H. A.
3. Daggett, J.; O'Brien, M.; Zanolli, K. & Peyton, V.
4. Robin, A. L. & Foster, S. L.

نگرشی علت‌جویانه و مقصدجویانه به مرورگری شرایط و موقعیت‌ها می‌پردازد. یکی دیگر از شاخص‌ها که بر نحوه ایفای نقش والدینی در این مادران، اثرگذار بوده و تحت عنوان عامل علی شناسایی شد، نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر بود. این یافته با نتایج پژوهش سارکار و باتاچاریا^۱ (۲۰۱۸)، بریجمن^۲ (۲۰۱۶) و آرو^۳ (۲۰۱۵) همسو است که بر اهمیت مسئولیت‌پذیری و عاملیت والدین در ایفای هرچه بهتر نقش خود و ارتباط با فرزندان تأکید می‌کند. در تبیین این یافته مبتنی بر نگاه سهم‌گذارانه می‌توان گفت، مادران سهم‌گذار با اراده آگاهانه در پذیرش نقش مادری وارد شده، درحالی‌که قصد فعالانه برای بسط خود و پیوندزایی با فرزند دارند و با ایجاد تمایز میان اراده خیر (یعنی اصلاح و توسعه خود) و اراده شر (به معنای مسئولیت‌گریزی و سلطه بر فرزند)، پیامد انتخاب‌های خود را ادراک و مسئولیت آن انتخاب‌ها را در والدگری خود پذیرش می‌نمایند، از ایفای نقش نیت‌مند و مسئولانه‌ای مبتنی بر اراده خیر برخوردارند و درنهایت علاوه‌براینکه خود را پاسخگو می‌دانند، بر نحوه کنش‌ورزی خود و دامنه تأثیر آن کنش‌ها متمرکز هستند.

ازسوی دیگر، راهبردهای مورد استفاده مادران سهم‌گذار، یکی دیگر از شاخص‌های مؤثر بر ایفای نقش والدینی آنها بود که با عنوان فراهم‌آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند شناسایی شد. پژوهش‌های متعددی نیز همسو با یافته‌های این پژوهش بر اهمیت روابط منسجم میان اعضای خانواده شکل‌دهی بستر امن ارتباطی در رابطه میان والدین و فرزندان تأکید کرده و بیان داشته‌اند که رابطه هماهنگ و مثبت در ارتباط والدین و فرزندان دارای شاخصه‌های حمایت، قدردانی، توجه، مراقبت، همکاری، دلبستگی عاطفی، ارتباط متقابل (Venter & et al., 2012; Lam & et al., 2012)، برقراری روابط باز و روشن، اعتماد متقابل (Pottas, 2009)، روابط صمیمی، منسجم و گرم (Triantoro, 2015)، مشارکت در تصمیم‌گیری و در حل تعارض، احساس رضایت، شادمانی (Adendorff & et al., 2008)، آرامش، معاشرت با صلح و امنیت، احترام متقابل، عمل به وظایف، مسئولیت‌ها و تعهدات، وجود قوانین بهنجار، عمل مطابق با ارزش‌ها، عشق متقابل، عواطف و درک توأم با راهنمایی والدینی مناسب در جهت ارتقاء مهارت‌های فرزندان (Sitepu, 2018) است که این عوامل ذیل راهبردهای مثبت‌مندی، احترام‌مداری و زبان‌زایی از تجارب ایفای نقش مادران

1. Sarkar, M. & Bhattacharyya, K.

2. Bridgeman, J.

3. Arrow, K. J.

سهام گذار در پژوهش دریافت شده بود.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، مادران سهام‌گذار با برخورداری از سبک گفتگوی مبتنی بر درک فضای ذهنی خود و فرزند، بدون سلطه یا کنترل‌گری و نیز با پرورش اراده و اختیار فرزند برای داشتن بهترین انتخاب‌ها و آگاهی‌افزایی به او نسبت به پیامدهای کنش‌هایش، ارتباطی ایمن، رشد‌دهنده، یاددهنده و یادگیرنده را با فرزندان خود توسعه داده و بستری برای ادراک متقابل شکل می‌دهند. همچنین با شناخت و دریافت لحظات سهام‌گیری، سهام خود را ایفای آن با فرزند در هر موقعیتی بازتعریف کرده و پیوند خود را با او بسط می‌دهند به گونه‌ای که این ارتباط به جای تمرکز صرف بر انتقال اقتدار یا مراقبت، بر رشد درونی و تمرین بهره‌مندی آحسن از اختیار متمرکز باشد.

درنهایت در تبیین مقوله محوری کشف شده می‌توان گفت تمامی شاخص‌های شناسایی شده حول محور تحقق اراده مادر برای ایفای نقش والدینی آحسن او قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که نقش مادری برای مادران سهام‌گذار، صرفاً یک نقش اجتماعی نیست بلکه بسط هویت و وجود خویش است. آنها با اراده خود، مسئولانه در هر موقعیتی از این ایفای نقش، هویت خود را از این طریق توسعه می‌بخشند و بر اساس پیوندزایی آگاهانه با فرزند خویش، بسوی توسعه شخصی خود در ابعاد مختلف گام برمی‌دارند و به آرامش و رضایت دسترسی پیدا می‌کنند.

بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش، نگرش هستی‌محور مادر در واقع عامل زمینه‌سازی برای نقش‌گذاری مسئولیت‌مند و عاملیت‌مدار مادر در ایفای نقش والدینی خود و همچنین عامل زمینه‌ساز برای فراهم‌آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند به‌شمار می‌آید و مقدم بر سایر عوامل است به این معنا که مادر با داشتن نگرش هستی‌محور می‌تواند در ایفای نقش والدینی بر عاملیت خود متمرکز بوده و همسو با قواعد هستی، مسئولیت‌مند عمل کند. بدین ترتیب، این نوع از ادراک مسئولیت با شاخص‌های ویژه خود و تکیه بر عاملیت شخصی در کنش‌ورزی، به‌عنوان پیش‌شرطی برای به‌کارگیری راهبردها توسط مادران بوده به‌گونه‌ای که اثربخشی فراهم‌آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند، به کارآمدی نحوه ادراک عملکرد مبتنی بر عاملیت و مسئولیت مادران وابسته است و از آن‌رو به‌عنوان عامل علی در الگو از آن یاد می‌شود. فراهم‌آوردن محیط امن ارتباطی با فرزند نیز به‌عنوان راهبرد اصلی مادران پژوهش، موجب دستیابی مادر به رضایتمندی، آرامش شخصی، تولید و توسعه و همچنین تعامل رشدزا با فرزندان خود شده و درنهایت با برقراری

ارتباط تکوین‌بخش میان آنها، آرامش در تعامل والد - فرزند و انسجام در روابط خانوادگی افزایش می‌یابد.

در این میان، آنچه این پژوهش را از سطح صرفاً نظری و تجربی فراتر می‌برد، هم‌راستایی کامل یافته‌ها با مفاد بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده است. در این بند، بر نقش حیاتی مادر در عرصه‌های تربیتی، معنوی، کرامت‌همسری، خانه‌داری و نیز مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده تأکید شده است. یافته‌های پژوهش حاضر، به‌طور خاص، ظرفیت‌ها و مسیرهای اجرایی تحقق این بند را به‌صورت میدانی و با تکیه بر تجربه زیسته مادران ایرانی آشکار می‌سازد. به‌بیان‌دیگر، شاخص‌هایی که در این مطالعه به‌دست آمده‌اند، می‌توانند مبنای طراحی مداخلات آموزشی، مشاوره‌ای و فرهنگی برای توانمندسازی مادران در ایفای نقش تربیتی و معنوی خود و نیز شکل‌دهی به تعاملات رشدزا در خانواده قرار گیرند. الگوی پیشنهادی این پژوهش، هرچند بر اساس داده‌های کیفی و روایت‌های مادران طراحی شده؛ اما برای عملیاتی‌شدن، باید در بسترهای نهادی مشخص مانند نظام آموزشی (در قالب دوره‌های تربیت والد، رسانه‌ها (در ترویج نگرش مسئولانه والدگری)، سیاست‌گذاری فرهنگی (برنامه‌های حمایت از خانواده) و نهادهای مذهبی و اجتماعی (در تربیت ارزش‌محور) پشتیبانی شود؛ بنابراین، پژوهش حاضر ضمن حفظ تمرکز بر سطح فردی و بین‌فردی، به‌طور ضمنی بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران به زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی برای تقویت سبک زندگی سهم‌گذارانه تأکید دارد.

از این منظر، پژوهش حاضر گامی مؤثر در ترجمه‌پذیر ساختن بند ۱۲ به سطح کنش‌گری مادری در زیست‌جهان واقعی محسوب می‌شود؛ چراکه این بند بدون پشتوانه علمی و مدلی عینی، در معرض تقلیل به شعار یا دستورالعمل غیرقابل‌اجرا باقی می‌ماند. در مقابل، الگویی که در این پژوهش تدوین شده، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کاربردی در خدمت نهادهای سیاست‌گذار، مراکز مشاوره، آموزش‌وپرورش و رسانه‌های تربیتی قرار گیرد تا مفاد این بند راهبردی را در قالب آموزش‌های مهارت‌محور، کارگاه‌های والدگری، بسته‌های محتوایی یا مشاوره‌های خانواده، اجرایی و مؤثر سازند. به‌علاوه، تأکید پژوهش حاضر بر بومی‌سازی مفاهیم والدگری و اتصال نظریه سهم‌گذاری با بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده، نقطه تلاقی بین علم، فرهنگ و سیاست‌گذاری در حوزه خانواده است؛ نقطه‌ای که می‌تواند مسیر تحول در نگرش و عملکرد مادران ایرانی را هموار کرده و بنیان خانواده را از درون مستحکم‌تر نماید. درنهایت، لازم به ذکر است که این پژوهش، از نوع کیفی با تعداد نمونه‌های محدود بوده و با محدودیت در تعمیم نتایج روبه‌روست و ازسوی دیگر، این پژوهش صرفاً در

بین مادران ساکن شهر تهران انجام گرفته درحالی که در شهرهای متفاوت و در میان پدران احتمالاً از حیث فرهنگی مسائل منحصربه‌فردی را ایجاد نماید که توجه به مجموع این محدودیت‌ها پیشنهادهاتی را به همراه می‌آورد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و نیز اهمیت مدیریت روابط میان والدین و فرزندان و جایگاه تأثیرگذار و تعیین‌کننده والدین در ایفای نقش والدینی، در ادامه مجموعه‌ای از پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی ارائه می‌گردند:

از حیث کاربردی، پیشنهاد می‌گردد که در حوزه مهارت‌های والدگری سهم‌گذارانه با هدف توانمندسازی مادران و ارتقای کیفیت تربیت فرزندان، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برگزار شود. همچنین برای معرفی الگوهای موفق والدگری مادران سهم‌گذار و ترویج سبک زندگی خانواده‌محور از رسانه‌های جمعی استفاده شده و از این طریق فرهنگ‌سازی شود. به‌منظور تقویت ارتباط میان والدگری مادران و فرایند آموزش رسمی فرزندان، برنامه‌های مشارکتی میان مدارس و خانواده‌ها طراحی و اجرا شود. مراکزی نیز با هدف مشاوره و آموزش تخصصی ویژه بهبود روابط مادران و فرزندان و در حوزه والدگری تأسیس شود. به‌علاوه، برای مادرانی که ضمن ایفای نقش اجتماعی، در عرصه والدگری نیز عملکرد موفقی دارند سیاست‌های تشویقی در نظر گرفته شود. درنهایت، با ایجاد انجمن‌ها و گروه‌های مادرانه برای تبادل تجربه و ارتقای مهارت‌های والدگری در بستر حقیقی و مجازی، شبکه‌سازی و هم‌افزایی میان مادران موفق سهم‌گذار با سایر مادران در والدگری انجام گیرد.

از نظر پژوهشی پیشنهاد می‌گردد که به‌منظور غنی‌سازی این الگوی بومی، مطالعات تطبیقی صورت پذیرد و مؤلفه‌های والدگری سهم‌گذارانه در جوامع و فرهنگ‌های مختلف بررسی و مقایسه شوند. همچنین برای بررسی آثار والدگری سهم‌گذارانه بر ابعاد مختلف رشد شخصیتی و اجتماعی فرزندان پژوهش‌های طولی توسط پژوهشگران این حوزه انجام گیرد. به‌منظور تکمیل ابعاد موضوع مورد مطالعه و برخورداری از تنوع دیدگاه‌ها، پژوهش‌های مشابه از منظر پدران و فرزندان نیز انجام شود. به‌علاوه، برنامه‌های آموزشی مبتنی بر والدگری سهم‌گذارانه طراحی و اجرا شده و اثربخشی آن‌ها در محیط‌های واقعی مورد سنجش واقع شود. درباره چالش‌ها و موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که مانع تحقق والدگری سهم‌گذارانه در خانواده‌های ایرانی می‌شود مطالعاتی صورت گیرد. درنهایت در زمینه چگونگی استفاده از یافته‌های علمی والدگری در تدوین و اصلاح سیاست‌های خانواده پژوهش‌هایی انجام گیرد.

فهرست منابع

- اسدی، مسعود؛ منصوریان، یزدان و نظری، علی‌محمد (۱۳۹۴). والدگری موفق نوجوانان: تبیین شاخص‌های والدگری موفق دوره نوجوانی در نمونه‌هایی از خانواده‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران*، ۳(۳)، ۲۱۹-۲۳۱.
- اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۳). ارائه الگوی خانواده درمانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۵(۲۰)، ۲۷-۵۷.
- اسمعیلی، معصومه؛ دهدست، کوثر؛ قبادی، شهاب و عسگری، محمد (۱۴۰۰). مطالعه کیفی الگوی سهم‌گذاری در مشاوره با رویکرد اسلامی و نقش آن در پایداری تغییرات نوع اول، دوم و سوم مراجعان، *نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۱۷)، ۷-۳۲.
- اسمعیلی، معصومه؛ شاداب‌مهر، فهیمه و دهدست، کوثر (۱۴۰۲). تدوین و بررسی برخی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۲۲(۸۶)، ۵۶-۸۷.
- اله‌وردی، فاطمه و اسمعیلی، معصومه (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد سهم‌گذاری مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی در ارتقاء مسئولیت‌پذیری و سازگاری دختران جوان. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷(۲)، ۱۳۳-۱۵۸.
- انصاری اردلی، لیلیا؛ مکوندی، بهنام؛ عسگری، پرویز و حیدری، علیرضا (۱۴۰۰). پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس استرس والدگری و سبک زندگی در مادران کودکان استثنایی. *اولین همایش ملی روان‌درمانی*، اردبیل.
- حاجی هاشم، فاطمه؛ اسمعیلی، معصومه؛ زکیانی، غلامرضا و عسگری، محمد (۱۳۹۹). *طراحی الگوی مشاوره‌ای «اخلاق ارتباطی» مبتنی بر اندیشه و عمل امام موسی صدر با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری و تعیین اثربخشی آن بر هویت جمعی دوره نوجوانی*. (رساله دکتری). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- حسینی، محمدحسن؛ رحیمی، عبدالله و سیفی، سید علیرضا (۱۴۰۳). الگوی سه بعدی فرزندپروری اسلامی با تأکید بر پرورش فرزند صالح، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۱۶(۴)، ۷۷-۹۴.
- دهدست، کوثر؛ امید بخش، مژگان و قهرمانی مطلق، فاطمه (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه سازگاری با خانواده همسر مبتنی بر نظریه قرانی سهم‌گذاری در ارتقای

- رضایت زناشویی: مطالعه تک‌آزمودنی، نشریه دستاوردهای روان‌شناسی بالینی، ۷۲-۵۷، (۱)۹.
- دوستانی، شهرزاد و قمرانی، امیر (۱۴۰۰). کشف مؤلفه‌های اجتماعی کردن هیجان‌ات و ارائه الگوی والدگری بر مبنای آن: یک مطالعه کیفی، دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و سلامت روانی اجتماعی، اصفهان.
- شاداب‌مهر، فهیمه؛ اسمعیلی، معصومه؛ نعیمی، ابراهیم و رضاپور میر صالح، یاسر (۱۴۰۲). تدوین و اعتباریابی الگوی مشاوره‌ای خودهماهنگ‌سازی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری و تعیین اثربخشی آن در کاهش تعارضات والد-نوجوان (رساله دکتری). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شیخ‌الاسلامی کندلوسی، افشین، اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۹). تدوین و اعتباریابی الگوی فرزندپروری سهم‌گذار با محوریت احساس گناه انتقالی و بررسی اثربخشی آن بر تغییر سناریوهای فرزندپروری زوجین دارای کودک نوپا. (رساله دکتری). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- عسلی طالکوثی، سکینه؛ اسمعیلی، معصومه؛ برجعلی، احمد و عسگری، محمد (۱۴۰۱). طراحی و اعتباریابی الگوی تعاملات والد - فرزند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۶۳-۸۹، (۱)۱۰.
- عطار، سمیرا، زارعی محمودآبادی، حسن و سدرپوشان، نجمه (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرزندپروری ذهن آگاهانه: مطالعه کیفی. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۲۰(۱)، ۸۷-۱۰۲.
- فداکار داورانی، فهیمه؛ سیفی، مریم و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۸). اثربخشی درمان مرور زندگی با منظر سهم‌گذاری بر بهبود عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زنان باردار در بحران زلزله کرمانشاه، روان‌شناسی تحلیلی شناختی، ۱۰(۳۹)، ۳۹-۵۰.
- قهرمانی، فاطمه؛ اسمعیلی، معصومه و دهدست، کوثر (۱۴۰۲). نقش والدین در عملکرد تحصیلی - اجتماعی نوجوانان با محوریت سهم‌گذاری. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی).
- مرادی، میترا؛ اسمعیلی، معصومه و کرمی‌قهی، محمدتقی (۱۴۰۱). الگوی گفتمان امید با محوریت سهم‌گذاری. مجله علوم روانشناختی، ۲۱(۱۱۱)، ۴۲۷-۴۶۰.
- مهدوی، محمد؛ احمدپور، زینب و نگهبان قراملکی، فاطمه (۱۴۰۲). تبیین سبک

فرزندپروری در نگرش اسلامی (مورد مطالعه: نوجوانان و جوانان شهر تبریز).
 نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۷(۹۵)، ۱۴۳-۱۵۸.
 نریمانی، محمد؛ رشیدی، جمال و زردی، بهمن (۱۳۹۸). نقش خودپنداره کودکان،
 حمایت اجتماعی خانواده و سبک والدگری در پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی
 دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری خاص. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۸(۳)، ۱۱۲-۱۳۳.
 نیکدل، زهرا؛ منیدری، مرضیه و صادقی، فاطمه (۱۳۹۹). اثربخشی والدگری ذهن
 آگاهانه بر سبک زندگی و استرس والدینی در مادران دارای کودکان دبستانی
 بیش فعال در شهر اصفهان، *دومین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در
 علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روان‌شناسی*، تهران.

- Adendorff, C.; Venter, E. & Boshoff, C. (2008). The impact of family harmony on governance practices in South African Greek family businesses. *Management Dynamics: Journal of the Southern African Institute for Management Scientists*, 17(3), 28-44.
- Arrow, K. J. (2015). The responsibility of parents to children. In *Science, Ethics, and Politics* (pp. 126-133). Routledge.
- Bornstein, M. H. (2013). Parenting and child mental health: a cross-cultural perspective. *World Psychiatry*, 12(3), 258-265. <https://doi.org/10.1002/wps.20071>
- Bridgeman, J. (2016). Parental responsibility, responsible parenting and legal regulation. In *Responsibility, law and the family* (pp. 233-249). Routledge.
- Coo, S.; García, M. I.; Mira, A. & Valdés, V. (2020). The role of perinatal anxiety and depression in breastfeeding practices. *Breastfeeding Medicine*, 15(8), 495-500. <https://doi.org/10.1089/bfm.2020.0091>
- Daggett, J. O'Brien, M.; Zanolli, K. & Peyton, V. (2000). Parents' attitudes about children: associations with parental life histories and child-rearing quality. *Journal of Family Psychology*, 14(2), 187.
- Gaspar, T.; Gomez-Baya, D.; Trindade, J. S.; Botelho Guedes, F.; Cerqueira, A. & de Matos, M. G. (2022). Relationship between family functioning, parents' psychosocial factors, and children's well-being. *Journal of Family Issues*, 43(9), 2380-2397. <https://doi.org/10.1177/0192513X211030722>
- Grey, E. B.; Atkinson, L.; Chater, A.; Gahagan, A.; Tran, A. & Gillison, F. B. (2022). A systematic review of the evidence on the effect of parental communication about health and health behaviours on children's health and wellbeing. *Preventive Medicine*, (159), 107043.
- Halloran, E. C. (2020). Positive approaches to parenting and discipline: evidence-based, century old ideas still not used enough. In *Clinician's Toolkit for Children's Behavioral Health* (pp. 21-55). Academic Press. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-816024-4.00002-4>
- Heaney, K.; Bergevin, D. & Kelly, C. (2024). A collaborative approach to

- develop indigenous specific parenting education. *Family Court Review*, 62(3), 583-604. <https://doi.org/10.1111/fcre.12796>
- Hutchings, J. & Lane, E. (2005). Parenting and the development and prevention of child mental health problems. *Current opinion in psychiatry*, 18(4), 386-391. DOI: 10.1097/01.yco.0000172056.63401.e0
- Keller, H. (2018). Universality claim of attachment theory: Children's socioemotional development across cultures. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 115(45), 11414-11419. <https://doi.org/10.1073/pnas.1720325115>
- Keller, H.; Lamm, B.; Abels, M.; Yovsi, R.; Borke, J.; Jensen, H. ... & Chaudhary, N. (2006). Cultural models, socialization goals, and parenting ethnotheories: A multicultural analysis. *Journal of cross-cultural psychology*, 37(2), 155-172. <https://doi.org/10.1177/0022022105284494>
- Kurahashi, M.; Reichert, E. & Brafford, J. (2021, October). The role of parenting in childhood well-being and psychopathology: how to assess, support, and intervene in parenting from behavioral, mindful, and reflective perspectives. In *68th Annual Meeting. AACAP*.
- Lam, W. W. T.; Fielding, R.; McDowell, I.; Johnston, J.; Chan, S.; Leung, G. M. & Lam, T. H. (2012). Perspectives on family health, happiness and harmony (3H) among Hong Kong Chinese people: a qualitative study. *Health Education Research*, 27(5), 767-779.
- McKinney, C.; Morse, M. & Pastuszak, J. (2016). Effective and ineffective parenting: Associations with psychological adjustment in emerging adults. *Journal of Family Issues*, 37(9), 1203-1225. <https://doi.org/10.1177/0192513X1453748>
- Muir, N. M.; Bohr, Y.; Shepherd, M. J.; Healey, G. K. & Warne, D. K. (2019). Indigenous parenting. In *Handbook of parenting* (pp. 170-197). Routledge.
- Nowland, R.; Christian, D. L.; Aspinall, G.; Berzins, K.; Khalid, S.; Ahuja, S. ... & Michelson, D. (2025). Children's involvement in the development and evaluation of parent-focused mental health interventions: a scoping review protocol. *JBI Evidence Synthesis*, 23(2), 408-415. DOI: 10.11124/JBIES-23-00525
- Osei-Tutu, A.; Belgrave, F. Z. & Dzokoto, V. A. (2023). Conceptualizations of effective parenting: perspectives of religious counselors in Ghana. *Journal of Black Psychology*, 49(1), 3-31. <https://doi.org/10.1177/0095798422107751>
- Petro, M. R.; Rich, E. G.; Erasmus, C. & Roman, N. V. (2018). The effect of religion on parenting in order to guide parents in the way they parent: A systematic review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 20(2), 114-139. <https://doi.org/10.1080/19349637.2017.1341823>
- Pottas, S. (2009). *An exploratory study of family harmony in family businesses* (Doctoral dissertation, North-West University).
- Ribas, L. H. & Villar, R. S. (2025). "The impact of family stress and resilience on child development": the role of parental emotional health

- and parenting practices in offspring mental health. *Trends in Psychiatry and Psychotherapy*, (47), e20240794. <https://doi.org/10.47626/2237-6089-2024-0794>
- Riesch, S. K.; Anderson, L. S. & Krueger, H. A. (2006). Parent-child communication processes: Preventing children's health-risk behavior. *Journal for Specialists in Pediatric Nursing*, 11(1), 41-56.
- Robin, A. L. & Foster, S. L. (2002). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral-family systems approach*. Guilford Press.
- Sarkar, M. & Bhattacharyya, K. (2018). IMPACT OF PARENT-CHILD RELATIONSHIP ON SELF-CONCEPT DEVELOPMENT OF THE SCHOOL-GOING ADOLESCENTS.
- Sitepu, E. (2018). Family harmony to student learning outcomes. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR_JHSS)*, 23(2), 71-75.
- Speyer, L. G.; Hall, H. A.; Hang, Y.; Hughes, C. & Murray, A. L. (2022). Within-family relations of mental health problems across childhood and adolescence. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 63(11), 1288-1296. <https://doi.org/10.1111/jcpp.13572>
- Stewart, S. M. & Bond, M. H. (2002). A critical look at parenting research from the mainstream: Problems uncovered while adapting Western research to non-Western cultures. *British Journal of Developmental Psychology*, 20(3), 379-392. <https://doi.org/10.1348/026151002320620389>
- Tarigan, Y. F. (2024). Resolving the Contradictions in Parenting Roles within Karo Culture and the Church. *Didache: Journal of Christian Education*, 5(2), 190-204. DOI: <https://doi.org/10.46445/djce.v5i2.832>
- Trommsdorff, G. & Nauck, B. (2003). in Cross-Cultural Perspective. *Handbook of dynamics in parent-child relations*, 271.
- Triantoro, S. A. F. A. R. I. A. (2015). Are daily spiritual experiences, self-esteem, and family harmony predictors of cyberbullying among high school student. *International Journal of Research Studies in Psychology*, 4(3), 23-33.
- Venter, E.; Van der Merwe, S. & Farrington, S. (2012). The impact of selected stakeholders on family business continuity and family harmony. *Southern African Business Review*, 16(2), 69-96.

References

- Adendorff, C., Venter, E., & Boshoff, C. (2008). The impact of family harmony on governance practices in South African Greek family businesses. *Management Dynamics: Journal of the Southern African Institute for Management Scientists*, 17(3), 28-44.
- Allahverdi, F., & Esmaily, M. (2022). Evaluation of the effectiveness of group counseling with a share approach contribution Pattern Islamic ontology in promoting responsibility and adjustment of young girls. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 7(2), 133-158. (In Persian)

- Ansari ardali, L., Makvandi, B., Asgari, P., & Heydari, A. (2017). Predicting family functioning based on parenting stress and lifestyle in mothers of exceptional children, First National Conference of Iranian Psychotherapy, Ardabil. <https://civilica.com/doc/1347234>. (In Persian)
- Arrow, K. J. (2015). The responsibility of parents to children. In *Science, Ethics, and Politics* (pp. 126-133). Routledge.
- Asadi, M., Mansourian, Y., & Nazary, A. M. (2015). Exploring indicators of successful parenting of adolescents among Iranian families: a qualitative study. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 3(3), 219-31. (In Persian)
- Asali Talkoyi, S., Esmaeili, M., Borjali, A., & Asgari, M. (2022). Designing and Validating the Model of Parent-Child Interactions Based on Quranic Teachings with a Focus on the Sharing Approach. *Islamic Perspective on Educational Science*, 10(18), 63-89. (In Persian)
- Attar, S. Zareei Mahmoodabadi, H. Sederpoushan, N. (2024). Exploring the components of mindful parenting: a qualitative study. *Journal of Research in Psychological Health*, 18(1), 87-101. (In Persian)
- Bornstein, M. H. (2013). Parenting and child mental health: a cross-cultural perspective. *World Psychiatry*, 12(3), 258-265. <https://doi.org/10.1002/wps.20071>
- Bridgeman, J. (2016). Parental responsibility, responsible parenting and legal regulation. In *Responsibility, law and the family* (pp. 233-249). Routledge.
- Coo, S., García, M. I., Mira, A., & Valdés, V. (2020). The role of perinatal anxiety and depression in breastfeeding practices. *Breastfeeding Medicine*, 15(8), 495-500. <https://doi.org/10.1089/bfm.2020.0091>
- Daggett, J., O'Brien, M., Zanolli, K., & Peyton, V. (2000). Parents' attitudes about children: associations with parental life histories and child-rearing quality. *Journal of Family Psychology*, 14(2), 187.
- Dehdest, K., Omid Bakhsh, M. O. B., & Ghahremani Motlagh, F. (2023). The Effectiveness of the Model of Compatibility with the Spouse's Family with the Sahmgozari Approach Based on Quran Ontology in Marital Satisfaction. *Clinical Psychology Achievements*, 9(1), 57-72. (In Persian)
- Dostani, S., & Qomrani, A. (2012). Discovering the components of socialization of emotions and presenting a parenting model based on it: A qualitative study, Second International Conference on Sustainable Development and Psychosocial Health, Isfahan. (In Persian)
- Esmaeily, M. (2014). Effectiveness of Processing Teaching of Verbal Communication Based on the Quranic Verses on Reduction of Conflicts between Mother and Daughter. *Counseling and psychotherapy culture*, 5(20), 27-57. (In Persian)
- Esmaeily, M., Dehdast, K., Ghobadi, S., & Asgari, M. (2020). The Qualitative Study of the Sharing Model in Counseling with Islamic Approach and its Role in the Stability of the First, Second and Third Types of Changes in Clients. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 5(4), 7-32. (In Persian)

- ethnotheories: A multicultural analysis. *Journal of cross-cultural psychology*, 37(2), 155-172. <https://doi.org/10.1177/0022022105284494>
- Kurahashi, M., Reichert, E., & Brafford, J. (2021, October). The role of parenting in childhood well-being and psychopathology: how to assess, support, and intervene in parenting from behavioral, mindful, and reflective perspectives. In 68th Annual Meeting. AACAP.
- Lam, W. W. T., Fielding, R., McDowell, I., Johnston, J., Chan, S., Leung, G. M., & Lam, T. H. (2012). Perspectives on family health, happiness and harmony (3H) among Hong Kong Chinese people: a qualitative study. *Health Education Research*, 27(5), 767-779.
- Mahdavi, M., Ahmadpoor, Z. & Negahban, F. (2025). Explaining the style of parenting in the Islamic attitude (Case study: teenager and young people of Tabriz city). *Epistemological studies in Islamic University*, 27(95), 143-158. (In Persian)
- McKinney, C., Morse, M., & Pastuszak, J. (2016). Effective and ineffective parenting: Associations with psychological adjustment in emerging adults. *Journal of Family Issues*, 37(9), 1203-1225. <https://doi.org/10.1177/0192513X1453748>
- Moradi, M., Masoumeh, S., & Mohammad Taghi, K. G. (2022). The sharing-based hope discourse model. *Journal of Psychological Science*, 21(111), 427-460. (In Persian)
- Muir, N. M., Bohr, Y., Shepherd, M. J., Healey, G. K., & Warne, D. K. (2019). Indigenous parenting. In *Handbook of parenting* (pp. 170-197). Routledge.
- Narimani, M., Rashidi, J. and Zardi, B. (2019). The role of children's self-concept, family's social support, and parenting styles in predicting academic vitality among students with specific learning disability. *Journal of Learning Disabilities*, 8(3), 112-133. (In Persian)
- Nikdel, Z., Monidari, M., & Sadeghi, F. (2019). The effectiveness of mindful parenting on lifestyle and parental stress in mothers with hyperactive primary school children in Isfahan, Second International Congress of Interdisciplinary Research in Islamic Humanities, Jurisprudence, Law and Psychology, Tehran. (In Persian)
- Nowland, R., Christian, D. L., Aspinall, G., Berzins, K., Khalid, S., Ahuja, S., ... & Michelson, D. (2025). Children's involvement in the development and evaluation of parent-focused mental health interventions: a scoping review protocol. *JBIE Evidence Synthesis*, 23(2), 408-415. DOI: 10.11124/JBIES-23-00525
- Osei-Tutu, A., Belgrave, F. Z., & Dzokoto, V. A. (2023). Conceptualizations of effective parenting: perspectives of religious counselors in Ghana. *Journal of Black Psychology*, 49(1), 3-31. <https://doi.org/10.1177/0095798422107751>
- Petro, M. R., Rich, E. G., Erasmus, C., & Roman, N. V. (2018). The effect of religion on parenting in order to guide parents in the way they parent: A systematic review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 20(2), 114-139. <https://doi.org/10.1080/19349637.2017.1341823>
- Pottas, S. (2009). An exploratory study of family harmony in family businesses (Doctoral dissertation, North-West University).

- Ribas, L. H., & Villar, R. S. (2025). "The impact of family stress and resilience on child development": the role of parental emotional health and parenting practices in offspring mental health. *Trends in Psychiatry and Psychotherapy*, 47, e20240794. <https://doi.org/10.47626/2237-6089-2024-0794>
- Riesch, S. K., Anderson, L. S., & Krueger, H. A. (2006). Parent-child communication processes: Preventing children's health-risk behavior. *Journal for Specialists in Pediatric Nursing*, 11(1), 41-56.
- Robin, A. L., & Foster, S. L. (2002). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral-family systems approach*. Guilford Press.
- Sarkar, M., & Bhattacharyya, K. (2018). IMPACT OF PARENT-CHILD RELATIONSHIP ON SELF-CONCEPT DEVELOPMENT OF THE SCHOOL-GOING ADOLESCENTS.
- Shadabmehr, F., Esmaili, M., Naeimi, E., and Rezapour MirSaleh, Y. (2013). Development and validation of a self-coordination counseling model based on the contribution approach and determining its effectiveness in reducing parent-adolescent conflicts (PhD thesis). Allameh Tabatabaie'i University, Faculty of Psychology and Educational Sciences. (In Persian)
- Sheikh-e-Islami Kandolosi, A., Esmaili, M., & Farahbakhsh, K. (2019). Development and validation of the participatory parenting model with a focus on transferential guilt and examining its effectiveness on changing parenting scenarios of couples with young children (PhD thesis). Allameh Tabatabaie'i University, Faculty of Psychology and Educational Sciences. (In Persian)
- Sitapu, E. (2018). Family harmony to student learning outcomes. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR_JHSS)*, 23(2), 71-75.
- Speyer, L. G., Hall, H. A., Hang, Y., Hughes, C., & Murray, A. L. (2022). Within-family relations of mental health problems across childhood and adolescence. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 63(11), 1288-1296. <https://doi.org/10.1111/jcpp.13572>
- Stewart, S. M., & Bond, M. H. (2002). A critical look at parenting research from the mainstream: Problems uncovered while adapting Western research to non-Western cultures. *British Journal of Developmental Psychology*, 20(3), 379-392. <https://doi.org/10.1348/026151002320620389>
- Tarigan, Y. F. (2024). Resolving the Contradictions in Parenting Roles within Karo Culture and the Church. *Didache: Journal of Christian Education*, 5(2), 190-204. DOI: <https://doi.org/10.46445/djce.v5i2.832>
- Triantoro, S. A. F. A. R. I. A. (2015). Are daily spiritual experiences, self-esteem, and family harmony predictors of cyberbullying among high school student. *International Journal of Research Studies in Psychology*, 4(3), 23-33.
- Trommsdorff, G., & Nauck, B. (2003). in *Cross-Cultural Perspective. Handbook of dynamics in parent-child relations*, 271.
- Venter, E., Van der Merwe, S., & Farrington, S. (2012). The impact of selected stakeholders on family business continuity and family harmony. *Southern African Business Review*, 16(2), 69-96.

پیوست

پرسش نامه سبک زندگی سهم گذاران

توضیحات: لطفاً هر عبارت را به دقت بخوانید و بر اساس درک شخصی خود، صرفاً یکی از گزینه‌ها را که بهتر شما را توصیف می‌کند، انتخاب نمایید.
 جنسیت: سن: شغل: تحصیلات:
 وضعیت تأهل: تعداد فرزندان:

شماره	گویه‌ها	مخالفم کاملاً	مخالفم	ندارم نظری	موافقم	موافقم کاملاً
۱	اگر با مشکلی مواجه شوم، باور دارم که می‌توانم راهی برایش پیدا کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۲	به نظر من سرنوشت هرکس در اختیار خودش است و خودش مسیر سعادت یا شقاوت خود را ایجاد می‌کند	۱	۲	۳	۴	۵
۳	اکثر مشکلات مرا دیگران ایجاد می‌کنند و تا دیگران تغییر نکنند مشکلات من حل نمی‌شود	۵	۴	۳	۲	۱
۴	به نظر من همه زندگی بر مبنای اتفاق و شانس است	۵	۴	۳	۲	۱
۵	وقتی با مشکلی مواجه می‌شوم، به این فکر می‌کنم که خودم چه نقشی در ایجاد یا تداوم آن داشته‌ام	۱	۲	۳	۴	۵
۶	همه آدم‌ها حق مرا زیر پا می‌گذارند	۵	۴	۳	۲	۱
۷	من درباره معانی نهفته در اتفاق‌ها فکر می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۸	به نظر من هر اتفاقی دلیلی دارد که شاید آشکار نباشد	۱	۲	۳	۴	۵
۹	دیگران نمی‌گذارند انسان به چیزهایی که می‌خواهد برسد	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	وقتی با مشکلی مواجه می‌شوم، به این فکر می‌کنم که برای حل آن خودم چه نقشی می‌توانم ایفا کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	به نظر من از آنجاکه خوشبخت شدن، دست خود انسان نیست، فایده‌ای ندارد که با نظم و برنامه‌ریزی زندگی کند	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	من باور دارم که هر عملی انجام بدهم، تأثیر خاص خودش را بر جهان می‌گذارد	۱	۲	۳	۴	۵

شماره	گویه‌ها	مخالفم کاملاً	مخالفم	ندارم نظری	موافقم	موافقم کاملاً
۱۳	من بیش از هرچیز به مسئولیت خودم در نقش‌های زندگی‌ام توجه می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	فکر نمی‌کنم مأموریت خاصی در زندگی داشته باشم که بخواهم خودم را وقف آن کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	عمدتاً کاری که هر لحظه، دلم بخواهد را انجام می‌دهم و به عواقبش فکر نمی‌کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	سعی می‌کنم وظایفی که برعهده‌ام هست را به‌نحو احسن انجام دهم چون به اثر کارم بر سایر چیزها توجه می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۷	کمک کردن من به دیگران در زندگی به این دلیل است که اگر روزی نیازمند خدمت بودم، تنها نمانم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۸	وقت‌هایی که دچار شکست می‌شوم، اول نقش خودم را در آن موضوع بررسی می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۹	من خودم را در قبال کوتاهی‌هایم مسئول می‌دانم و آنها را جبران می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	به‌نظرم زندگی انسان‌ها به قدری پُر مسئله است که کسی نمی‌تواند دغدغه دیگران را داشته باشد	۵	۴	۳	۲	۱
۲۱	اغلب وقتی می‌خواهم چیزی را انتخاب کنم، به نتیجه و پیامدش فکر می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۲۲	من اغلب، وظایفم را کامل انجام می‌دهم به این دلیل که دیگران از من راضی باشند و تحسینم کنند	۵	۴	۳	۲	۱
۲۳	بی‌هدف هستم و مدام کارهای پراکنده انجام می‌دهم و از این شاخه به آن شاخه می‌پریم	۵	۴	۳	۲	۱
۲۴	انجام کار بدون پاداش از سوی دیگران، بی‌فایده است	۵	۴	۳	۲	۱
۲۵	من خدمتگزاری به انسان‌ها را دوست دارم	۱	۲	۳	۴	۵
۲۶	هرچیزی یا موقعیتی هرچند خیلی کوچک در دنیا درسی برای من دارد	۱	۲	۳	۴	۵
۲۷	اگر برای کسی کاری انجام دهم و او برایم جبران نکند، ناراحت می‌شوم و دیگر برایش کاری انجام نمی‌دهم	۵	۴	۳	۲	۱
۲۸	به‌قدری غرق در مسائل گذشته هستم که از کارهای فعلی‌ام باز می‌مانم	۵	۴	۳	۲	۱

شماره	گویه‌ها	مخالفم کاملاً	مخالفم	ندارم	نظری	موافقم	موافقم کاملاً
۲۹	به‌نظرم جهان اساساً به‌خودی‌خود، هدف و معنی ندارد	۵	۴	۳	۲	۱	
۳۰	وقتی کاری انجام می‌دهم باید پاداشی متناسب با آن از سوی دیگران دریافت کنم و گرنه دلسرد می‌شوم	۵	۴	۳	۲	۱	
۳۱	به‌نظر من، پشت هر اتفاقی یک حکمتی نهفته است	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۲	اغلب کارهایی که انجام می‌دهم، هماهنگ با هدفی است که در زندگی دارم	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۳	به‌نظرم چیزهای مختلف در هستی، به نوعی هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۴	به‌نظرم هر چیزی در جهان، علاوه‌بر ظاهرش یک باطنی هم دارد و من به آن توجه می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۵	هر کس باید فقط به فکر خانواده خودش باشد، چون دیگران به ما ربطی ندارند	۵	۴	۳	۲	۱	
۳۶	من احترام گذاشتن به موجودات هستی را لازم می‌دانم	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۷	به نظر من انسان نیاز دارد که با دیگران ارتباطاتی داشته باشد	۱	۲	۳	۴	۵	
۳۸	هر کس در زندگی، درست یا غلط را خودش تعیین می‌کند و قاعده مشخصی وجود ندارد	۵	۴	۳	۲	۱	
۳۹	عمدتاً اعمالی که انجام می‌دهم، با باورها و عقاید هماهنگ است	۱	۲	۳	۴	۵	
۴۰	توجه و درک احساسات و دنیای درونی انسان‌ها برایم سخت است و نمی‌توانم ارتباط مناسبی با آنها داشته باشم	۵	۴	۳	۲	۱	
۴۱	می‌توانم از بدی دیگران درمورد خودم بگذرم و برایشان دعا کنم	۱	۲	۳	۴	۵	
۴۲	به‌نظرم هر کس به هر نوعی که درست می‌داند، باید زندگی کند و هیچ مسیر مشخصی برای زندگی صحیح انسان‌ها وجود ندارد	۵	۴	۳	۲	۱	
۴۳	شخصیت انسان‌ها از نظر من قابل احترام است، حتی اگر رفتار بدی انجام بدهند	۱	۲	۳	۴	۵	

شماره	گوبہ‌ها	مخالفم کاملاً	مخالفم ندارم	نظری	موافقم	موافقم کاملاً
۴۴	خودم بہ چیزهایی کہ می‌گویم، زیاد عمل نمی‌کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۴۵	بہ نظر من تمام چیزهای کہ در جهان وجود دارند، بہ نوعی بہ یکدیگر متصل هستند	۱	۲	۳	۴	۵
۴۶	بہ نظر من انسان‌ها برای درست ارتباط برقرار کردن با ہمدیگر باید از قواعد اخلاقی پیروی کنند	۱	۲	۳	۴	۵
۴۷	سعی می‌کنم در صحبت با کسانی کہ عقاید متفاوت با من دارند، زبان مشترک ایجاد کنم تا بدون تنش باہم صحبت کنیم	۱	۲	۳	۴	۵
۴۸	گسترش روابط با دیگران برایم اهمیت دارد چون بہ رشد شخصیتی‌ام کمک می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۴۹	اگر اشتباہ یا بدی کسی را تلافی نکنم احساس بی‌عرضگی می‌کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۵۰	من در زندگی، خیلی احساس آرامش ندارم	۵	۴	۳	۲	۱
۵۱	در روابطم با دوستان و خانوادہ، انسان حمایت‌کنندہ‌ای هستم	۱	۲	۳	۴	۵
۵۲	من ایجاد ارتباط را برای رشد شخصیت و بزرگ شدن و آدم تر شدن، ضروری می‌دانم	۱	۲	۳	۴	۵
۵۳	اطرافیانم مرا انسان با درایت و موقعیت‌شناسی می‌دانند	۱	۲	۳	۴	۵
۵۴	ہر وقت شخصی از مشکلاتش با من صحبت می‌کند، بہ خوبی با او ہمدلی و ہمراہی می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۵۵	وقتی بہ مشکلی برخورد می‌کنم، برایم خیلی سخت است کہ خشمم را کنترل کنم و بتوانم منطقی عمل کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۵۶	در زندگی اگر رفتارهای بد دیگران را تلافی نکنم، آرامشم را بہ دست نمی‌آورم	۵	۴	۳	۲	۱
۵۷	اطرافیانم اغلب معتقدند کہ من زبان سرزنش‌کنندہ‌ای دارم	۵	۴	۳	۲	۱
۵۸	با وجود مشکلات مختلف، اکثر اوقات در درونم احساس آرامش دارم	۱	۲	۳	۴	۵
۵۹	اطرافیانم در کنار من احساس امنیت خاطر دارند و نظرات و صحبت‌ہایشان را بدون نگرانی می‌گویند	۱	۲	۳	۴	۵

جدول مؤلفه‌های پرسش‌نامه

مؤلفه‌ها	گویه‌های مرتبط
معنازایی	۸، ۱۲، ۲۶، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶
مسئولیت‌مندی	۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۴۴
عاملیت	۳، ۴، ۶، ۹، ۱۱
امنیت‌مداری	۴۷، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۹
معیارمندی	۲۰، ۲۹، ۳۵، ۳۸، ۴۲
احترام‌مداری	۲۵، ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۶
نیت‌مداری	۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۳۰
آرامش‌خواهی و آرامش‌زایی	۲۸، ۵۰، ۵۸
نقش‌گذاری آحسن	۵، ۷، ۱۰، ۱۸، ۱۹
روابط تکوین‌بخش	۳۷، ۴۸، ۵۲
پیوندزایی	۴۰، ۵۵، ۵۷
هماهنگی با اهداف	۲۳، ۳۲، ۳۹
انتخاب‌گری	۱، ۲

The qualitative analysis of educational policies and measures of the Ministry of Education (1991–2020)

Mohammad javad Valizadeh

Education and Training Headquarters of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran (Corresponding author).


Mj.valizadeh@sccr.ir

 0009-0007-5346-8538

Rahmatollah Mahmoudi

Department of Philosophy and Logics Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

r.mahmodi@cfu.ac.ir

 0009-0002-3942-0494

Hossein Honarvar Sedighyan

Cultural and Social Headquarters of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran.

H.honarvar@sccr.ir

 0009-0001-2019-3474

Abstract

This study was conducted with the aim of examining the educational policies and practices of the Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran during the years 1991 to 2020. The research employed a qualitative method based on semi-structured interviews with stakeholders (teachers, principals, and policymakers), and the data were analyzed using thematic analysis. The longitudinal approach over this three-decade period made it possible to identify trends, continuities, and the gap between approved policies and actual implementation.

Findings are grouped into three main themes: Crisis of legitimacy and effectiveness in formal education, due to structural neglect, declining human capital, limited teacher specialization, and financial constraints. Weak educational governance, including lack of strong leadership, underutilization of complementary institutions, and insufficient political support. Inefficient structures and unclear vision, marked by traditional approaches, managerial weaknesses, and external challenges such as digital environments and generational gaps. Some initiatives, like student councils, were noted as partial successes, highlighting the system's potential.

The results show that in order to revitalize the role of formal education, a fundamental rethinking of policy-making is necessary. Actions such as strengthening teacher expertise through the use of educational technologies, decentralization and delegation of authority to schools, securing sustainable resources, and promoting the active participation of cultural and social institutions should be pursued. By employing thematic analysis and a longitudinal study, this research provides a balanced picture of weaknesses and strengths and proposes innovative strategies for improving educational policies.

Keywords: Ministry of Education, Educational Policy-making, Educational interventions, Educational Challenges, Thematic Analysis.

Extended abstract

Purpose

Cinema is one of the most influential cultural institutions in shaping audiences' lived experiences and cultural perceptions. Despite the artistic and industrial growth of Iranian cinema, the rights of audiences—considered a core component of cultural and citizenship rights—have received limited systematic attention. This study aims to identify and analyze the structural, institutional, and experiential challenges related to audience rights in Iranian cinema. Specifically, it seeks to explore how legal gaps, governance mechanisms, and dominant ideological approaches affect audiences' access to information, freedom of choice, participation, and quality of cinematic experience. By adopting a multi-level analytical perspective, the research intends to provide a comprehensive understanding of why audience rights remain inadequately protected and how this situation impacts cultural justice and the sustainability of the cinema industry in Iran.

Design/Methodology/Approach

This study employs a qualitative research design using semi-structured in-depth interviews. A purposive sampling strategy was applied to select 21 experts and practitioners with direct professional experience in the Iranian cinema sector, including policymakers, cultural managers, legal scholars, media specialists, filmmakers, and representatives of civil society. Data collection continued until theoretical saturation was reached. The interview data were transcribed verbatim and analyzed using thematic analysis following the six-step model proposed by Braun and Clarke (2006). Through systematic coding and theme development, the analysis resulted in the identification of 31 basic themes, 9 organizing themes, and 3 overarching themes. Rather than applying a predefined theoretical framework, sensitizing concepts drawn from cultural rights, audience studies, political economy of media, and media literacy guided the interpretation of empirical findings. The final analytical model presents a three-level framework encompassing macro (structural–ideological), meso (institutional–functional), and micro (experiential) dimensions of audience rights challenges.

Findings

The findings reveal that challenges to audience rights in Iranian cinema constitute a multi-layered and systemic problem. At the **macro level**, a

fundamental paradigmatic conflict exists between a “protective–paternalistic” approach to audiences and a “rights-based” perspective that recognizes audiences as active cultural subjects. This conflict manifests in conceptual ambiguity surrounding audience rights, ideological tensions between state censorship and freedom of choice, outdated and fragmented legislation, and weak cultural governance structures.

At the **meso level**, these structural issues translate into institutional and functional deficiencies, including the absence of transparent complaint and redress mechanisms, lack of an independent and standardized age-rating system, limited audience participation in cultural policymaking, insufficient public awareness of audience rights, and overlapping or ineffective regulatory bodies—particularly in relation to digital platforms and streaming services.

At the **micro level**, audiences experience tangible forms of deprivation, such as restricted content diversity and limited access to international films, misleading advertising practices, inadequate technical and physical standards in cinema halls, safety concerns, and unequal access for vulnerable groups such as persons with disabilities. Overall, the findings demonstrate a clear causal chain linking ideological and legal foundations to institutional failures and, ultimately, to diminished audience experience.

Research Limitations/Implications

This study is limited by its qualitative nature and reliance on expert perspectives rather than direct large-scale audience surveys. While the diversity of interviewees enhances analytical depth, the findings are not statistically generalizable. Future research could complement this approach with quantitative studies examining audience perceptions across different demographic groups, as well as comparative analyses between Iran and other national cinema systems. Further interdisciplinary research is also recommended to explore the relationship between audience rights, cultural governance, and the political economy of cinema.

Practical Implications

The results highlight the urgent need for institutional reforms in Iran’s cinema governance system. Practical implications include the development of a comprehensive legal framework for audience rights, the establishment of transparent and accessible complaint-handling systems, the implementation of a nationally standardized age-rating system, and stricter regulation of advertising practices. Improving technical standards, safety regulations, and accessibility in cinema venues can significantly enhance audience satisfaction. Importantly, recognizing audiences as legitimate stakeholders rather than passive recipients may contribute to increased trust, participation, and long-term economic sustainability of the cinema industry.

Social Implications

From a social and cultural perspective, strengthening audience rights can promote cultural justice, enhance public trust in cultural institutions, and

encourage more inclusive participation in cinematic life. A shift from directive cultural governance toward participatory and accountable policymaking may positively influence public attitudes toward cinema and cultural regulation. By ensuring informed choice, transparency, and equitable access, the proposed reforms can help bridge the gap between cinema and society, fostering social cohesion and reinforcing the role of cinema as a public cultural good.

Originality/Value

This paper offers an original contribution by presenting a systematic, empirical, and multi-level analysis of audience rights in the specific context of Iranian cinema. Unlike previous studies that focus on isolated legal, ethical, or media dimensions, this research integrates ideological, institutional, and experiential levels into a coherent analytical framework. The study provides valuable insights for policymakers, cultural institutions, filmmakers, and researchers concerned with cultural rights, media governance, and sustainable development of the cinema industry.

Keywords: Audience Rights; Iranian Cinema; Cultural Governance; Legal Gaps; Age Rating System; Digital Platforms.

تحلیل کیفی سیاست‌ها و اقدام‌های تربیتی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۰-۱۳۹۹)

محمدجواد ولی‌زاده

استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Mj.valizadeh@sccr.ir

0009-0007-5346-8538

رحمت‌الله محمودی

گروه آموزش فلسفه و منطق دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

r.mahmodi@cfu.ac.ir

0009-0002-3942-0494

حسین هنرور صدیقیان

استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران.

H.honarvar@sccr.ir

0009-0001-2019-3474

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی سیاست‌ها و اقدام‌های تربیتی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ انجام شده است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان (معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران) بوده و داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل مضمون بررسی شدند. رویکرد مطالعه طولی در این بازه سه‌دهه‌ای امکان شناسایی روندها، تداوم‌ها و شکاف میان سیاست‌های مصوب و واقعیت اجرا را فراهم ساخت. یافته‌های پژوهش در سه مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند: الف. بحران مشروعیت و کارآمدی تربیت رسمی که ناشی از بی‌اهمیتی ساختاری به تربیت، کاهش سرمایه انسانی، ضعف تخصص‌گرایی مربیان و کمبود منابع مالی است؛ ب. ضعف حکمرانی تربیتی شامل فقدان راهبری مقتدر، ناتوانی در بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مکمل و نبود حمایت سیاسی عملی؛ و ج. ساختار ناکارآمد و فقدان چشم‌انداز مشخص که با غلبه رویکردهای سنتی، ناکارآمدی مدیریتی و چالش‌های بیرونی همچون فضای مجازی و شکاف نسلی همراه است. در عین حال، نمونه‌هایی نظیر شوراهای دانش‌آموزی و برخی برنامه‌های پرورشی به‌عنوان موفقیت‌های جزئی شناسایی شدند که نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالقوه نظام تربیتی است. نتایج نشان می‌دهد که برای احیای نقش تربیت رسمی، باید بازاندیشی بنیادین در سیاست‌گذاری انجام شود و اقداماتی نظیر تقویت تخصص مربیان با بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به مدارس، تأمین منابع پایدار و مشارکت فعال نهادهای فرهنگی و اجتماعی دنبال گردد. این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل

مضمون و مطالعه طولی، تصویری متوازن از نقاط ضعف و قوت ارائه کرده و راهکارهایی نوین برای ارتقای سیاست‌های تربیتی پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: وزارت آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری آموزشی، اقدام‌های تربیتی، چالش‌های تربیتی، تحلیل مضمون.

شاپای الکترونیک: X6588-2588 / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



10.22034/scs.2025.536789.1717



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

نظام آموزشی و علمی هر کشور، اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش، به‌عنوان مهم‌ترین زیرساخت فرهنگی برای توسعه و نوسازی جامعه محسوب می‌شود (افتخاری و آرام، ۱۳۹۶، ص. ۷۱). آموزش و پرورش از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که کیفیت عملکرد و محصول آن، عملکرد سایر نهادها و پیشرفت بشری و توسعه‌سازمانی صنعتی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). این نهاد نقش خطیری در شکوفایی و پرورش استعدادها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های رفتاری افراد دارد (حبیبی و اسماعیلی، ۱۴۰۳، ص. ۱). در دنیای امروز، مدارس و مراکز آموزشی به‌عنوان مراکز ثقل و کانون نوآوری، نوآفرینی، خردورزی، تدبیر و تفکر خلاق شناخته می‌شوند و وظیفه پاسخگویی به نیازهای متغیر جوامع را بر عهده دارند (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). آموزش و پرورش نه تنها به انتقال دانش موجود می‌پردازد بلکه به توسعه دانش و مهارت‌های جدید و افزودن به میراث فرهنگی نیز کمک می‌کند (حبیبی و اسماعیلی، ۱۴۰۳، ص. ۵).

در جمهوری اسلامی ایران، نهاد رسمی آموزش و پرورش به‌عنوان اصلی‌ترین نظام تعلیم و تربیت در کشور، مسئولیت خطیر برنامه‌ریزی برای تربیت دانش‌آموزان بر اساس معیارهای ایرانی و اسلامی را بر عهده دارد (خباز مهرجردی، ۱۳۹۳، صص. ۶۰-۶۱). این نهاد باید پاسخگوی نیازهای معنوی و مادی جامعه باشد و رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را ممکن کند (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). تحقق پیشرفت و توسعه پایدار یک کشور به تربیت نیروی انسانی کارآمد و درنهایت به نظام آموزش و پرورش آن بستگی دارد (فلاح حقیقی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۸). براین اساس، رویکرد تحولی در نظام آموزشی و علمی کشور و به‌ویژه آموزش و پرورش، امری ضروری است تا بتواند با چالش‌های پیش روی خود مواجه شود (افتخاری و آرام، ۱۳۹۶، صص. ۷۱-۷۳؛ علیزاده و دیگران، ۱۴۰۲، صص. ۷۷۵ و ۷۷۶).

ازسوی دیگر، مسئله تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی، همچون سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و بیانیه گام دوم انقلاب، به‌عنوان زیربنای تحقق جامعه اسلامی پیشرفته و تمدن نوین اسلامی تأکید شده است. براین اساس، هرگونه ضعف در سیاست‌ها و اقدامات تربیتی، به‌معنای فاصله‌گرفتن از اهداف کلان نظام در

زمینه پیشرفت علمی، عدالت آموزشی و تربیت انسان‌های مؤمن، خلاق و مسئولیت‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین پژوهش حاضر وجهی راهبردی دارد و می‌تواند با تحلیل کیفی سیاست‌ها و اقدامات سه دهه اخیر، نواقص و کاستی‌هایی را که مانع تحقق این سیاست‌های کلان شده‌اند، آشکار سازد.

اما با وجود نقش حیاتی و اهمیت فراوان نظام آموزش و پرورش در کشور، این نهاد با چالش‌ها و آسیب‌های بسیار حیاتی روبرو است (خباز مهرجردی، ۱۳۹۳، صص. ۴-۵؛ صالحی، ۱۳۹۶، ص. ۳). مطالعات متعددی به آسیب‌شناسی مدیریت آموزش و پرورش پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که مشکلات و نارسایی‌های اساسی در چهار زمینه شایستگی مدیریتی، فرایندهای مدیریتی، عوامل سازمانی و پیامدهای عملکرد وجود دارد (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، صص. ۲۶۰ و ۲۶۱). این مشکلات از دیرباز در میهن ما وجود داشته و پس از انقلاب نیز مسائل دیگری به آنها افزوده شده است (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۴).

مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های موجود در نظام آموزش و پرورش، به‌ویژه در حوزه تربیت، شامل موارد زیر است:

الف) ضعف در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری:

- عدم وجود الگوواره مشخص در آموزش (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۴) و عدم تبیین دقیق اهداف تربیتی (مرادیان، ۱۳۹۷، ص. ۲۴؛ شمشیری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۵) منجر به عدم انسجام و ناهماهنگی در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی شده است (مرادیان، ۱۳۹۷، ص. ۲۴).
- فقدان برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت در حوزه تربیت (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۳۶۰) و تابعانه‌ای بودن سیاست‌ها از دیدگاه وزیران و سلیقه‌های فردی (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۹۵؛ حسنی، ۱۳۹۴، صص. ۲۱ و ۲۷؛ قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۴).
- عدم توجه کافی به نیازهای فردی و اجتماعی فراگیرندگان و جامعه در برنامه‌های آموزشی (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۴؛ علیزاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۶۹).

ب) مشکلات ساختاری و سازمانی:

- ساختار دیوان‌سالار، تمرکزگرا و ناکارآمد نظام آموزش و پرورش (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، چکیده) که منجر به محدودیت اختیار و آزادی عمل مدیران (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۴) و فاصله زیاد بین بدنه برنامه‌ریز و مجریان می‌شود.
- عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف در وزارتخانه (مانند معاونت پرورشی و

تربیت بدنی) و در سطوح استانی و مناطق (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۹).
 - تغییرات مداوم ساختار از ابتدای تشکیل معاونت پرورشی تاکنون (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۹).

پ) چالش‌های نیروی انسانی:

- کمبود شدید نیروی انسانی متخصص و متعهد به‌ویژه در بخش مدارس (عوض‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۶) و عدم تمایل نیروهای توانمند برای فعالیت در این حوزه (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۴).
 - پایین‌بودن سطح دانش حرفه‌ای و مهارت‌های مدیریتی معلمان و مدیران (شیبانی تدرجی، ۱۳۹۱، صص. ۵۸۰-۵۸۱)، همچنین نداشتن تجربه مدیریتی (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، صص. ۲۸۹ و ۳۴۹).
 - بی‌انگیزگی، دلسردی و ناراضی‌ت معلمان و کارکنان (مرادیان، ۱۳۹۷، ص. ۲۸) ناشی از عواملی چون حقوق پایین، عدم رعایت عدالت در پرداخت‌ها، فقدان سیستم انگیزشی مناسب و عدم ارتقاء شغلی.

ت) مسائل مربوط به محتوا و روش‌های تربیتی:

- تکیه بر محفوظات و عدم کاربرد مفاهیم درسی در زندگی واقعی، منجر به بی‌علاقگی دانش‌آموزان و فرار از درس می‌شود (شیبانی تدرجی، ۱۳۹۱، صص. ۵۷۸-۵۷۹).
 - ضعف در توجه به بعد توانایی‌های شناختی در اخلاق و تأکید بر حافظه‌گرایی (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۳۰) و غالب بودن تفکر همگرا در روش‌های تدریس (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، ص. ۱۵).
 - عدم بازنگری در فعالیت‌های پرورشی متناسب با نیازها و ویژگی‌های مخاطبان (سن، جنس، علاقه) (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۹؛ عوض‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۶).
 - ناکارآمدی شیوه‌های ارزیابی فعالیت‌های پرورشی (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۳۲) و عدم وجود یک سیستم ارزیابی جامع و نهادینه که به‌دلیل پیچیدگی انسان، سنجش اثرات در کوتاه‌مدت دشوار است (حسنى، ۱۳۹۴، ص. ۳۳).

ث) کمبود منابع مالی و امکانات:

- نگاه مصرفی به آموزش و پرورش در سطح کلان کشور به‌جای نگاه سرمایه‌ای (علیزاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۴۹۹؛ مصدق، ۱۳۹۶، صص. ۶-۷) و سهم کم آموزش و پرورش از بودجه عمومی (مصدق، ۱۳۹۶، صص. ۴، ۶-۷؛ مرادیان،

۱۳۹۷، صص. ۲۵-۲۶).

- ناکافی بودن امکانات و تجهیزات مدارس برای برآورده کردن نیازهای نوین آموزشی و پرورشی، به‌ویژه عدم دسترسی بسیاری از مدارس به فناوری‌های نوین (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، صص. ۱۴، ۲۹۲، ۲۹۸).

ج) پیامدهای عملکرد:

- پایین‌بودن میزان دستیابی به اهداف تربیتی و پرورشی (شمشیری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۵).

- ضعف کیفیت محصول آموزش و پرورش (مانند عدم موفقیت در تربیت دانش‌آموزان متدین و متعهد، کیفیت علمی و تخصصی پایین دانش‌آموزان (شمشیری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۹).

- افزایش آمار بیکاری دانش‌آموختگان (افتخاری و آرام، ۱۳۹۶، ص. ۸۵؛ حیدری گوجانی، ۱۳۹۶، صص. ۵۴۰-۵۴۱؛ فلاح حقیقی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۶) و عدم سازگاری محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار (فلاح حقیقی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۱).

این مشکلات به‌صورت محدود و پراکنده بررسی شده‌اند و اطلاعات دقیق و مشخصی در این خصوص برای سیاست‌گذاران و مسئولان آموزش و پرورش کشور وجود ندارد (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۵). همچنین، اغتشاش فکری در تشخیص علل و معلول‌ها در این مسائل وجود دارد (قاسمی پویا، ۱۳۹۷، صص. ۱۳-۱۴) که رفع آنها را دشوار می‌سازد؛ بنابراین، نیاز به انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در زمینه آسیب‌شناسی نظام آموزشی و تربیتی، برای شناخت عوامل درون‌ساختاری و برون‌ساختاری، ضروری است (عوض‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر با هدف تحلیل کیفی سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۹)، به‌دنبال درک عمیق از این چالش‌ها با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نخبگان، مدیران، معلمان و سایر ذی‌نفعان و استفاده از روش تحلیل مضمون است تا به شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت اقدامات تربیتی در این دوره بپردازد و راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارائه دهد. این پژوهش سعی دارد با تمرکز بر «تربیت»، به‌عنوان یک فعالیت گروهی و مسئولیت‌همگانی (خباز مهرجردی، ۱۳۹۳، ص. ۳۸) که جنبه‌های آموزشی و پرورشی را درهم آمیخته (ر.ک.: حسنی، ۱۳۹۴؛ موسوی، ۱۳۹۵)، به فهم ماهیت، کارکردها و مشکلات مربوط به آن بپردازد.

منظور از اقدامات تربیتی در این پژوهش، مجموعه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و طرح‌هایی است که وزارت آموزش و پرورش در حوزه پرورشی و فرهنگی مدارس به منظور رشد اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و هویتی دانش‌آموزان اجرا کرده است. این اقدامات شامل برنامه‌هایی نظیر شوراهای دانش‌آموزی، فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی و هنری، طرح کاد، برنامه‌های پرورشی دینی و اخلاقی، جشنواره‌ها و اردوها، و سایر فعالیت‌هایی است که عمدتاً ذیل معاونت یا اداره کل پرورشی وزارت آموزش و پرورش سامان یافته‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش‌های داخلی

عبداللهی و همکاران (۱۴۰۱)، تحلیل سیاست‌های گسترش گونه‌های مدارس در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران: نویسندگان با بهره‌گیری از رویکرد کیفی انتقادی و چهارچوب نظری گفتمان محور لاکلائو و موفه، به بررسی روند تاریخی و محتوایی سیاست‌های مربوط به تنوع مدارس در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های مربوط به گسترش گونه‌های مدارس، همواره تحت تأثیر گفتمان‌هایی با دو محور عدالت آموزشی و مشارکت مردمی شکل گرفته‌اند، با این حال، در عمل، اتخاذ این سیاست‌ها بیش از آنکه منجر به تحقق عدالت شود، با چالش‌هایی نظیر نبود تخصص، قانون‌گریزی، و بازتولید نابرابری مواجه بوده است. این مطالعه از منظر انتقادی، ساختار سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش را نیازمند بازنگری در جهت شفاف‌سازی، تخصص‌گرایی، و انسجام راهبردی می‌داند.

نیک‌نشان، پاک‌سرشت و لیاقت‌دار (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی گفتمان تربیت دینی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران: در این پژوهش با هدف تحلیل انتقادی گفتمان تربیت دینی پس از انقلاب اسلامی، به بررسی گفتمان غالب تحت عنوان «اسلامی‌سازی» پرداخته‌اند. این گفتمان که بر مؤلفه‌هایی چون مبارزه با تهاجم فرهنگی و بومی‌سازی علوم استوار است، از منظر نویسندگان با آسیب‌هایی چون تأکید افراطی بر مهندسی اجتماعی، تلاش برای شکل‌دهی به هویت مذهبی یک‌دست، تقلیدگرایی در آموزش دینی، و صورت‌گرایی در فرایند تربیت همراه بوده است. این مطالعه با رویکرد تحلیلی و بر پایه مرور منابع تاریخی، نشان می‌دهد که گفتمان اسلامی‌سازی به دلیل رویکرد بسته و کنترل‌گرایانه، در پاسخ به نیازهای متنوع نسل جدید ناکارآمد عمل کرده است.

صادق زاده قمصری و رضانی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین، در مقاله‌ای مستند و کاربردی با عنوان «بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران»، به تحلیل انتقادی گفتمان تربیتی در اسناد تحولی ایران می‌پردازند. این پژوهش با استفاده از روش تطبیقی بردی، دیدگاه تربیتی برزینکا را در کنار مفاد سند تحول بنیادین تحلیل و مقایسه نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شباهت‌هایی از جمله توجه هم‌زمان به فرد و جمع، ارتباط تربیت با ابعاد اجتماعی، و هدف‌گذاری برای رشد شخصیت در هر دو نگاه وجود دارد؛ اما تفاوت‌هایی هم برجسته است: برزینکا تأکید بیشتری بر انتخاب و آزادی فردی دارد، در حالی که سند تحول با تأکید بر بُعد مذهبی و اجتماعی، رویکردی الزام‌آورتر دارد؛ همچنین سند تحول اهتمام ویژه‌ای به بومی‌سازی اهداف با تأکید بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی دارد که در مدل برزینکا کمتر دیده می‌شود.

هوشیار، حمیدیان، هلاکو و حسینی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی فعالیت‌های پرورشی و امور تربیتی از دیدگاه مربیان پرورشی: در یک پژوهش کیفی»، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی توصیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ مربی پرورشی با سابقه، چالش‌ها و موانع نظام تربیتی مدارس ایران شناسایی را کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که چالش‌هایی نظیر کم‌توجهی به نقش تربیتی مدارس، ناکارآمدی برنامه‌های پرورشی، کمبود زیرساخت‌ها و عدم هماهنگی بین بخش‌های آموزشی و پرورشی، از مهم‌ترین موانع اثربخشی فعالیت‌های تربیتی هستند. این مطالعه تأکید می‌کند که رویکردهای موجود نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازهای تربیتی نسل جدید باشند و ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های پرورشی را مطرح می‌سازد.

۲-۱. پیشینه پژوهش‌های خارجی

Levin, B. (2001). *Reforming Education: From Origins to Outcomes*. این کتاب فرایند سیاست‌گذاری آموزشی را در کشورهای مختلف تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌ها از ایده به اجرا در می‌آیند. لوین تأکید می‌کند که نبود مشارکت معلمان و بازیگران میانی، یکی از دلایل ناکامی سیاست‌های آموزشی در بسیاری از کشورهاست.

Ball, S. J. (1994). *Education Reform: A Critical and Post-Structural Approach*. بال در این اثر، سیاست‌های آموزشی را به‌مثابه گفتمان‌هایی قدرت‌محور تحلیل

می‌کند. از نگاه او، سیاست‌های تربیتی اغلب نه بر اساس نیازهای واقعی مدارس بلکه بر اساس ایدئولوژی‌های حاکم طراحی می‌شوند.

Rizvi, F, & Lingard, B. (2010). *Globalizing Education Policy*.

این کتاب بر تأثیر روندهای جهانی بر سیاست‌گذاری آموزشی در کشورهای در حال توسعه تمرکز دارد و نشان می‌دهد که گاه سیاست‌ها بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی - محلی اقتباس می‌شوند که به گسست در اجرا منجر می‌گردد.

۱-۳. نوآوری این پژوهش

بررسی پیشینه‌های داخلی نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات موجود یا بر تحلیل اسناد تمرکز داشته‌اند، یا با دیدی انتقادی به گفتمان‌های تربیتی نگریسته‌اند. در حالی که پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دست‌اندرکاران، معلمان و مدیران مدارس، قصد دارد تجربه زیسته افراد دخیل در فرایند سیاست‌گذاری و اجرا را استخراج کند. همچنین، استفاده از روش تحلیل محتوا، آن را از نظر رویکرد روش‌شناختی نسبت به مطالعات قبلی متمایز می‌سازد. ازسوی دیگر، در بسیاری از مطالعات پیشین، دوره زمانی محدودی بررسی شده است؛ در حالی که پژوهش حاضر، بازه‌ای ۳۰ ساله (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹) را دربرمی‌گیرد. این گستره زمانی، امکان تحلیل روندهای کلان، گسست‌ها و تداوم‌های سیاستی را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر همچنین می‌تواند با تکیه بر تجارب میدانی، نقش حلقه‌های گم‌شده در فرایند سیاست‌گذاری تربیتی را شناسایی کرده و برای اصلاح مسیر سیاست‌های آینده، توصیه‌هایی کاربردی ارائه دهد.

۲. ملاحظات نظری

۲-۱. مفهوم تربیت و اهداف تربیتی

تربیت، به‌مثابه فرایندی چندبُعدی و مستمر، نقش اساسی در رشد و شکوفایی انسان ایفا می‌کند. این مفهوم در ادبیات علوم تربیتی تعاریف گوناگونی یافته است. شریعتمداری (۱۳۸۹)، تربیت را فرایندی می‌داند که طی آن، استعدادها بالقوه انسان در جهت ارزش‌های مطلوب، به فعلیت می‌رسند. در نگاه اسلامی، تربیت تنها به رشد عقلانی یا مهارتی محدود نمی‌شود بلکه دربرگیرنده پرورش ایمان، اخلاق، عواطف، اراده و ابعاد معنوی انسان نیز هست (مطهری، ۱۳۸۲).

آرمسترانگ^۱ (۲۰۰۶)، با تأکید بر یافته‌های روان‌شناسی رشد، معتقد است که اهداف تربیت باید با مراحل رشد انسانی هماهنگ باشد و تنوع هوش‌ها، توانایی‌ها و استعداد‌های فردی در آن لحاظ شود. این دیدگاه در تضاد با مدل‌های صرفاً استانداردسازی‌شده و نمره‌محور است که در برخی نظام‌های آموزشی رایج است. در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۸۹) و سند برنامه درسی ملی (۱۳۸۹)، اهداف تربیت در قالب مفاهیمی چون «انسان تراز انقلاب اسلامی»، «حیات طیبه»، «هویت دینی - ملی» و «خودباوری فرهنگی» تبیین شده‌اند. این اسناد بر تربیتی همه‌جانبه تأکید دارند که شامل رشد اعتقادی، عبادی، اخلاقی، علمی، اجتماعی، سیاسی، زیستی و حرفه‌ای دانش‌آموزان است.

در همین راستا، «اقدامات تربیتی» در این مقاله، به‌معنای مجموعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که با هدف پرورش تمام‌ساحتی دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌شوند و جنبه‌های عبادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، هویتی و سیاسی تربیت را دربرمی‌گیرند. این مفهوم در مقابل آموزش صرف علمی و درسی قرار دارد و حوزه‌هایی چون فعالیت‌های پرورشی، فرهنگی، اجتماعی و فوق‌برنامه را شامل می‌شود.

۲-۲. سیاست‌گذاری تربیتی: مفاهیم و فرایندها

سیاست‌گذاری آموزشی و تربیتی، فرایندی هدفمند برای هدایت نظام تعلیم و تربیت در مسیر اهداف کلان فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. به‌بیان بال (Ball, 1994)، سیاست آموزشی نه یک سند خنثی بلکه نوعی گفتمان قدرت است که در آن ارزش‌ها، منافع و اولویت‌ها بازنمایی می‌شوند.

جاودانی و سیدرضا (۱۳۹۷) معتقدند که سیاست‌گذاری تربیتی، تحت تأثیر نیروهای مختلفی همچون ساختار قدرت، گفتمان‌های ایدئولوژیک، فشارهای اجتماعی و اقتضات اقتصادی شکل می‌گیرد. این فرایند شامل مراحل مختلفی نظیر شناسایی مسئله، تدوین راهبرد، تصویب، اجرا و ارزیابی است. در کشورهایی با نظام متمرکز مانند ایران، نهادهایی چون شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نقش محوری در تعیین سیاست‌ها دارند.

نکته قابل توجه آن است که شکاف بین تدوین و اجرای سیاست‌های تربیتی، یکی

1. Armstrong, T.

از چالش‌های همیشگی این حوزه است. این شکاف ناشی از عوامل متعددی همچون عدم آمادگی ساختار اجرایی، نبود تربیت حرفه‌ای منابع انسانی و گاه مقاومت فرهنگی یا دیوان‌سالار در برابر تحول است.

۳-۲. سیاست‌ها و اقدامات تربیتی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۹)

از آغاز دهه ۱۳۷۰ تا پایان دهه ۱۳۹۰، نظام آموزش و پرورش ایران شاهد تحولات متعددی در حوزه تربیتی بوده است. در دهه ۷۰، به واسطه پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی، برنامه‌هایی نظیر «طرح کاد»، «طرح غربال‌گری تربیتی»، و تمرکز بر نهادینه‌سازی فعالیت‌های پرورشی و فرهنگی در مدارس مطرح شدند. دهه ۸۰ را می‌توان دوره رشد فعالیت‌های تشکیلاتی پرورشی، چون شوراهای دانش‌آموزی، سازمان دانش‌آموزی، و بسیج دانش‌آموزی دانست.

در دهه ۱۳۹۰، با تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاست‌های تربیتی وارد مرحله‌ای گفتمانی‌تر و ارزشی‌تر شدند. مفاهیمی چون سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تربیت تمام‌ساحتی، و مدرسه صالح در کانون توجه قرار گرفتند. با این حال، مطالعات انجام‌شده (نیک‌نشان و دیگران، ۱۳۹۵؛ عبدالمهدی و دیگران، ۱۴۰۱) نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد، بین سیاست‌های مصوب و واقعیت‌های اجرایی فاصله زیادی وجود دارد. همچنین سیاست‌ها عمدتاً از بالا به پایین طراحی شده‌اند و کمتر به تجربیات معلمان، دانش‌آموزان و مدیران مدارس توجه شده است.

۴-۲. چهارچوب نظری

مرور ادبیات نظری نشان داد که تربیت، مفهومی چندبُعدی و مستمر است که در اندیشه اسلامی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سند تحول بنیادین، در قالب اهدافی همچون حیات طیبه، هویت دینی - ملی و تربیت تمام‌ساحتی تبیین شده است. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری تربیتی فرایندی پیچیده و متأثر از گفتمان‌های قدرت، ساختارهای نهادی و شرایط اجتماعی - اقتصادی است. در ایران، تجربه سه دهه اخیر نشان داد که هرچند سیاست‌های متعددی در حوزه تربیت طراحی و تصویب شده‌اند؛ اما به دلیل شکاف میان تدوین و اجرا، تمرکزگرایی و بی‌توجهی به ذی‌نفعان، این سیاست‌ها کمتر به تحقق اهداف کلان منجر شده‌اند. براین اساس، چهارچوب نظری این پژوهش بر پیوند میان دو سطح استوار است:

نخست، سطح هنجاری و ارزشی که اهداف تربیتی نظام جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند و دوم، سطح سیاست‌گذاری و اجرا که در آن سیاست‌ها و اقدامات تربیتی در بازه زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۹ شکل گرفته‌اند. استفاده از روش تحلیل مضمون نیز امکان می‌دهد تا با واکاوی داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با ذی‌نفعان و کارشناسان، مضامین پنهان و آشکار سیاست‌های تربیتی شناسایی شود و بدین ترتیب تصویری منسجم از عوامل موفقیت یا ناکامی این سیاست‌ها به دست آید. این جمع‌بندی نظری، بنیان تحلیل‌های بعدی پژوهش را فراهم می‌سازد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش در سال ۱۴۰۰ و در شهر تهران با رویکرد کیفی و استفاده از روش گردآوری داده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش تحلیل مضمون به بررسی سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ می‌پردازد. (ر.ک.: دلور، ۱۳۹۹). روش تحلیل مضمون در تحلیل گفتمان‌های سیاست‌گذاری، کاربرد فراوانی دارد (Braun & Clarke, 2006; Creswell, 2013).

جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان، مدیران، مسئولان و فعالان حوزه تربیت و سیاست‌گذاری در وزارت آموزش و پرورش است که در بازه مورد نظر دارای نقش مؤثر بوده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و به شیوه گلوله‌برفی انجام می‌شود تا افرادی که دانش و تجربه عمیق‌تری در این زمینه دارند، در فرایند مصاحبه شرکت نمایند (شهامت و امیدوار حقیقی، ۱۳۹۵). توضیح آنکه؛ در این مطالعه، به دلیل ماهیت حساس و تخصصی موضوع پژوهش و عدم دسترسی به فهرست یا چهارچوب نمونه‌گیری جامع از جامعه آماری (که عمدتاً شامل مسئولان و تصمیم‌گیران مرتبط می‌شد)، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. اگرچه این روش اغلب در جوامع نادر یا پنهان به کار می‌رود؛ اما در این پژوهش، کاربرد آن با یک رویکرد هدفمند تلفیق شد تا اطمینان حاصل شود که نمونه‌های انتخاب شده، دقیقاً واجد تجربه، دانش و موقعیت مرتبط با سؤالات پژوهش هستند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد؛ یعنی زمانی که داده‌های جدید، اطلاعات تازه‌ای به تحلیل اضافه نکند.

انتخاب مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی آموزش و پرورش (مانند معلمان، مربیان پرورشی، مدیران مدارس و سیاست‌گذاران ستادی) از آن جهت ضروری بود که این

افراد به‌طور مستقیم درگیر فرایند اجرای سیاست‌های تربیتی هستند. اسناد رسمی و برنامه‌های مصوب معمولاً تصویری ایدئال و کلی از سیاست‌ها ارائه می‌دهند؛ اما تجربه زیسته ذی‌نفعان نشان می‌دهد که این سیاست‌ها در مدرسه و کلاس درس چگونه با محدودیت منابع، ضعف تخصصی یا عدم هماهنگی نهادی مواجه می‌شوند؛ بنابراین داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به پژوهشگر این امکان را داد که شکاف میان «متن سیاست» و «واقعیت اجرا» را آشکار ساخته و عوامل ناکامی یا موفقیت نسبی برنامه‌ها را از منظر کنشگران خط مقدم نظام آموزشی شناسایی کند.

در این پژوهش، ۲۱ نمونه به‌عنوان مصاحبه‌شوندگان انتخاب شدند که شامل افرادی با تخصص‌های مختلف در زمینه‌های «مدیریت، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ستادی»، «مدیریت یا ناظم مدرسه»، «مربی آموزشی یا پرورشی»، در وزارت آموزش و پرورش هستند. این مصاحبه‌شوندگان با تجربه‌های خاص و دیدگاه‌های متفاوت خود، کمک شایانی به تحلیل سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۰-۱۳۹۹) خواهند کرد. در ادامه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به تفکیک تخصص و میزان سابقه و تجربه، ارائه شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	تخصص	میزان سابقه و تجربه (به سال)
۱	مربی پرورشی و تربیتی	۱۰ سال
۲	مربی پرورشی و تربیتی	۲۳ سال
۳	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۲۴ سال
۴	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۵ سال
۵	مدیر مدرسه	۱۸ سال
۶	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۲۱ سال
۷	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۵ سال
۸	مربی پرورشی و تربیتی	۳۱ سال
۹	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۲۰ سال
۱۰	مدیر مدرسه	۹ سال
۱۱	مربی پرورشی و تربیتی	۱۴ سال
۱۲	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۹ سال
۱۳	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۸ سال

ردیف	تخصص	میزان سابقه و تجربه (به سال)
۱۴	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۲۰ سال
۱۵	معلم آموزشی	۱۳ سال
۱۶	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۲۷ سال
۱۷	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۶ سال
۱۸	مدیر مدرسه	۲۵ سال
۱۹	معلم آموزشی	۲۰ سال
۲۰	سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی	۱۱ سال
۲۱	ناظم مدرسه	۱۰ سال

تحلیل جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که نمونه‌های مورد بررسی از تنوع قابل توجهی در تخصص‌ها و میزان سابقه برخوردار است. در مجموع، ۲۱ نفر در مصاحبه‌ها شرکت کرده‌اند که تخصص‌های آنان شامل مربی پرورشی و تربیتی، سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مدیر ستادی (کلان)، مدیر مدرسه، معلم آموزشی و ناظم مدرسه است. بیشترین گروه تخصصی مربوط به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران ستادی است که ۱۱ نفر از کل نمونه را تشکیل می‌دهند. مربیان پرورشی و تربیتی با ۵ نفر، مدیران مدرسه با ۴ نفر، معلمان آموزشی با ۲ نفر و ناظم مدرسه با ۱ نفر دیگر تخصص‌های دیگر را تشکیل می‌دهند.

از نظر میزان سابقه، میانگین تجربه افراد نسبتاً بالا است و بازه‌ای از ۹ تا ۳۱ سال را شامل می‌شود. کمترین سابقه مربوط به مدیر مدرسه با ۹ سال و بیشترین سابقه مربوط به مربی پرورشی با ۳۱ سال تجربه است. به‌طور کلی، اکثر مصاحبه‌شوندگان بین ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند که نشان‌دهنده حضور افراد با تجربه و دانش عمیق در حوزه تخصصی خود است. این ترکیب جمعیت‌شناختی، قابلیت تحلیل گسترده و همه‌جانبه‌ای از موضوع پژوهش را فراهم می‌کند.

محورها و پرسش‌های مصاحبه حول سیاست‌های کلان، اقدامات اجرایی، چالش‌ها و پیامدهای تربیتی تنظیم می‌شود. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا کدگذاری و طبقه‌بندی می‌گردد تا مضامین فرعی و اصلی استخراج شوند و ساختار مفهومی دقیقی از موضوع به دست آید (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۴۰۰).

برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اتکای پژوهش، روش‌هایی مانند بازبینی توسط

مشارکت‌کنندگان، هم‌سنجی داده‌ها با نظر همکاران و تحلیل تطبیقی کدها به کار گرفته می‌شود. همچنین تمامی مراحل پژوهش به صورت مستند و شفاف ثبت خواهد شد.

۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل کیفی سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش در سه دهه اخیر، نشان می‌دهد که حوزه تربیت در ساختار آموزش رسمی کشور با چالش‌های متعدد و ریشه‌داری مواجه بوده است. علی‌رغم تأکیدهای مکرر در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین، نگاه حاشیه‌ای و گاه ایزاری به تربیت، موجب تضعیف موقعیت نهادی، کاهش کارآمدی برنامه‌های پرورشی و افت کیفیت نیروی انسانی در این حوزه شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و تحلیل‌های انجام‌شده، حکایت از آن دارد که ضعف حکمرانی تربیتی، غلبه رویکردهای مناسک‌محور بر فرایندهای عمیق تربیتی، و فقدان سازوکارهای هماهنگ میان نهادهای مؤثر، از عوامل اصلی این وضعیت محسوب می‌شوند.

بر مبنای روش تحلیل مضمون، مضامین شناسایی‌شده در سه سطح «مفاهیم پایه»، «مفاهیم سازمان‌دهنده» و «مفاهیم فراگیر» دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از ابعاد مختلف بحران تربیتی در نظام آموزشی کشور حاصل شود و زمینه‌ای فراهم گردد برای بازنگری اساسی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای امور پرورشی. جدول زیر، نمایی از این طبقه‌بندی مفهومی را بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها ارائه می‌دهد.

جدول (۲): کدگذاری مضمون‌ها

ردیف	مفاهیم پایه	مفاهیم سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	حاشیه‌نشینی تربیت، اولویت آموزش، نگاه تحمیلی به پرورش	بی‌اهمیتی ساختاری و فرهنگی به تربیت	
۲	واگذاری دروس به معلمان غیرمتخصص، بی‌انگیزی معلمان پرورشی	نبود رویکرد تخصص‌گرایانه در منابع انسانی	بحران مشروعیت و کارآمدی در تربیت رسمی
۳	حذف معلمان پرورشی، کاهش ساعات پرورشی، فقدان پرورشی تمام‌وقت	کاهش سرمایه انسانی در حوزه تربیت	

ردیف	مفاهیم پایه	مفاهیم سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۴	حذف واحدهای پرورشی با توجیه‌های صوری، فقدان جایگزین تخصصی	نگاه ابزاری و سطحی به تربیت	
۵	بودجه ناکافی، نبود امکانات اولیه، بی توجهی به نیازهای زیرساختی	فقر منابع مالی و پشتیبانی	
۶	دانش ناکافی، شبهه افکنی برخی معلمان، نبود دوره‌های ضمن خدمت	ضعف تخصصی و محتوایی مربیان پرورشی	
۷	نبود التزام عملی، ناهماهنگی گفتار و رفتار معلم	ضعف الگوی رفتاری و مرجعیت اخلاقی	
۸	رفتار خشک معلمان، ناتوانی در ارتباط گیری، فقدان عطف و شفقت	بی مهربی تربیتی و ضعف تعامل انسانی	
۹	اجرای صوری برنامه‌ها، مراسم نمایشی، بی اعتمادی خانواده‌ها	ناکارآمدی برنامه‌های تربیتی	
۱۰	ناتوانی شوراهای عالی و نهادهای نظارتی، ضعف انتخاب مدیران	فقدان رهبری و راهبری تربیت در ساختار کلان	
۱۱	بلااستفاده بودن ظرفیت نهادهای مکمل (کانون‌ها، انجمن‌ها...)	بهره نبردن از منابع بیرونی و مکمل	ضعف حکمرانی تربیتی در نظام آموزشی
۱۲	نادیده گرفتن آموزش و پرورش توسط نهادهای حاکمیتی، بی قدرتی وزیر	نبود حمایت سیاسی از تربیت دینی	
۱۳	مصرف گرایی، ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای روز، فقدان پارادایم روشن	چالش‌های بنیادین نظام آموزشی	
۱۴	ضعف برنامه ریزی، شایسته سالاری پایین، ساختار متمرکز، ناکارآمدی قوانین و امکانات	ناکارآمدی ساختاری و مدیریتی	ساختار ناکارآمد و فقدان چشم انداز مشخص
۱۵	روش‌های ناکارآمد، عدم هماهنگی نهادهای تربیتی، نقش محوری معلم و ضعف در آن، عدم	بحران در فرایند تربیت دینی و اخلاقی	

دانش‌آموزی» در مدارس، هرچند با محدودیت‌های اجرایی همراه بوده؛ اما در ایجاد حس مشارکت، تمرین مسئولیت‌پذیری و تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تا حدودی موفق بوده است. چند نفر از معلمان و مدیران شرکت‌کننده اشاره کردند که این شوراها در برخی مدارس به افزایش تعامل میان دانش‌آموزان و کادر مدرسه و همچنین در ارتقای انگیزه برای فعالیت‌های فوق‌برنامه کمک کرده است. علاوه‌براین، اجرای برخی فعالیت‌های پرورشی همچون اردوهای فرهنگی - هنری، مسابقات قرآنی و جشنواره‌های علمی، هرچند اغلب به‌صورت مقطعی و نمادین بوده؛ اما در ایجاد انگیزه فردی و تقویت هویت فرهنگی و دینی دانش‌آموزان نقش مثبتی ایفا کرده است. این موفقیت‌های جزئی نشان می‌دهد که حتی در چهارچوب سیاست‌های ناکامل نیز، ظرفیت‌هایی برای اثرگذاری وجود داشته است.

تحلیل مضمون‌ها نشان داد که در سطح سیاست‌گذاری، اقدامات متعددی در حوزه تربیتی طراحی و اعلام شده است؛ از جمله:

- نهادینه‌سازی فعالیت‌های پرورشی و فرهنگی (مانند تشکیل معاونت پرورشی و گسترش شوراها و سازمان‌های دانش‌آموزی)،

- اجرای طرح‌هایی همچون طرح کاد، غربال‌گری تربیتی و اردوهای فرهنگی - مذهبی،

- تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین (۱۳۸۹) با تأکید بر «تربیت تمام‌ساحتی»، «سبک زندگی اسلامی - ایرانی» و «مدرسه صالح».

باین حال، مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که این سیاست‌ها و اقدامات، به دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع انسانی متخصص، محدودیت بودجه، غلبه نگاه مناسکی و نمایشی، و ضعف پیوند میان سیاست‌های کلان و واقعیت مدرسه، نتوانسته‌اند به‌طور کامل تحقق یابند. به بیان دیگر، اقدامات تربیتی اگرچه از نظر اسمی و رسمی پرشمار بوده‌اند؛ اما اغلب فاقد انسجام نظری و راهبردی بوده و بیشتر به‌صورت طرح‌ها و برنامه‌های مقطعی و شعاری باقی مانده‌اند. همین امر سبب شده است که خانواده‌ها و حتی معلمان، اعتماد چندانی به اثربخشی آن‌ها نداشته باشند.

۵-۲. یافته‌های مرتبط با پرسش دوم: مهم‌ترین چالش‌ها و موانع

اقدامات تربیتی

بررسی داده‌های کیفی نشان داد که سیاست‌ها و اقدام‌های تربیتی وزارت آموزش و پرورش در سه دهه گذشته با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، نهادی و فرهنگی روبه‌رو بوده است. این موانع را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

۵-۲-۱. بحران مشروعیت و کارآمدی در تربیت رسمی

این مضمون فراگیر، گسترده‌ترین و متراکم‌ترین دسته مفاهیم را در جدول تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده یک بحران ریشه‌دار و چندوجهی در ساختار رسمی تربیت است؛ به‌عنوان نمونه، اجرای «طرح کاد» در دهه ۱۳۷۰ که با هدف ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دانش‌آموزان تدوین شد، در داده‌های مصاحبه‌ها اغلب به‌عنوان تجربه‌ای ناکام ذکر گردیده است. مربیان و مدیران شرکت‌کننده معتقد بودند که به‌دلیل نگاه ابزاری به این طرح، کمبود امکانات کارگاهی، و فقدان معلمان متخصص، این سیاست به هدف ارتقای مهارت‌های عملی نرسید و تنها بار اضافی بر دوش مدارس گذاشت. چنین نمونه‌ای نشان می‌دهد که چالش «فقدان منابع مالی و انسانی کافی» چگونه در عمل مانع تحقق اهداف تربیتی شده است.

- بی‌اهمیتی ساختاری و فرهنگی به تربیت: در نظام آموزش و پرورش ایران، ساختارها و رویه‌های رسمی عمدتاً بر آموزش متمرکز شده‌اند و بخش تربیتی به‌صورت تاریخی در حاشیه قرار گرفته است. این مسئله باعث شده است که تربیت به‌عنوان یک اولویت فرعی تلقی شود و در برنامه‌ریزی‌های کلان، جایگاه مستقلی نداشته باشد. فقدان نهادهای تصمیم‌گیر تخصصی در حوزه تربیت، و نبود نگاهی جامع‌نگر به پرورش انسانی، نشانه‌هایی از این بی‌اهمیتی ساختاری است. ازسوی دیگر، از نظر فرهنگی نیز رویکرد حاکم بر تربیت بیشتر ابزاری، مناسک‌محور و دستوری است تا عمیق و مبتنی بر رشد انسانی. نگاه تحمیلی و فرمایشی به تربیت، به‌ویژه در حوزه‌های دینی و اخلاقی، موجب بیگانگی دانش‌آموزان با مفاهیم تربیتی شده و مشروعیت این حوزه را در ذهن آن‌ها تضعیف کرده است.

- نبود رویکرد تخصص‌گرایانه در منابع انسانی: منابع انسانی در حوزه تربیتی به‌طور معمول از میان افراد غیرمتخصص یا آموزش‌ندیده انتخاب می‌شوند. بسیاری از معلمان پرورشی آموزش تخصصی لازم را ندیده‌اند و تنها به‌دلیل کمبود نیرو یا انباشت ساعات موظفی، در این جایگاه قرار گرفته‌اند. این روند، کیفیت آموزش‌های تربیتی را کاهش داده و آن را به یک وظیفه حاشیه‌ای در میان معلمان تبدیل کرده است. نبود رویکرد تخصص‌گرایانه باعث شده است برنامه‌ریزی‌های تربیتی بدون پشتوانه نظری و تجربی اجرا شوند. فقدان مربیانی که به‌طور تخصصی با اصول روان‌شناسی رشد، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، و روش‌های تربیت دینی آشنا باشند، منجر به بی‌اعتمادی دانش‌آموزان به کارآمدی

این حوزه شده است.

- کاهش سرمایه انسانی در حوزه تربیت: در سال‌های اخیر، به دلیل سیاست‌های تعدیلی و کاهش نیروهای پرورشی، شاهد افول تدریجی سرمایه انسانی در این حوزه هستیم. حذف تدریجی معلمان پرورشی و تبدیل آن‌ها به «معاونان اجرایی» یا «مشاوران پاره‌وقت» منجر به خالی شدن میدان تربیت از افراد بالانگیزه شده است. از سوی دیگر، کم کردن ساعت‌های درسی پرورشی و جایگزینی آن با دروس آموزشی صرف، نشان‌دهنده اولویت نداشتن تربیت در طراحی کلان نظام آموزشی است. این مسئله، تربیت را به امری فرعی بدل کرده که فقط در مناسبت‌ها و مراسم رسمی به آن توجه می‌شود.

- نگاه ابزاری و سطحی به تربیت: در بسیاری از برنامه‌های آموزش و پرورش، تربیت نه به عنوان یک هدف غایی بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل انضباط، اجرای مراسم رسمی یا تقویت پرستیژ مدرسه تلقی می‌شود. این نگاه باعث شده است فعالیت‌های تربیتی به سطح اجرای برنامه‌های نمادین و بی‌محتوا تقلیل یابد. وقتی تربیت به عنوان ابزاری برای اهداف بیرونی مانند نمایش وفاداری سیاسی یا تحقق آمار مشارکت دیده می‌شود، عمق خود را از دست می‌دهد. دانش‌آموزان نیز که متوجه این ابزارسازی می‌شوند، به تدریج نسبت به این فعالیت‌ها بی‌اعتماد شده و احساس مشارکت نمی‌کنند.

- فقر منابع مالی و پشتیبانی: برای اجرای موفق فعالیت‌های تربیتی، زیرساخت‌ها، امکانات، و حمایت مالی مناسب ضروری است؛ اما در بسیاری از مدارس، به‌ویژه در مناطق محروم، نه تنها بودجه‌ای برای فعالیت‌های پرورشی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه حتی امکانات اولیه مانند سالن، تجهیزات صوتی، یا اتاق مشاوره هم وجود ندارد. این فقر منابع موجب شده است که فعالیت‌های پرورشی تنها بر دوش معلم و با اتکا به منابع محدود انسانی انجام شود که این خود باعث فرسودگی شغلی، بی‌انگیزگی و کیفیت پایین برنامه‌های تربیتی می‌شود.

- ضعف تخصصی و محتوایی مربیان پرورشی: بسیاری از مربیان پرورشی فاقد آموزش‌های نوین تربیتی هستند و با رویکردهای سنتی یا صرفاً نظری به میدان عمل وارد می‌شوند. این ضعف تخصصی باعث می‌شود که نتوانند ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان برقرار کنند یا پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده تربیتی نسل جدید باشند. از طرف دیگر، نبود محتوای منسجم و به‌روز برای فعالیت‌های پرورشی و فقدان نظام منسجم آموزش ضمن خدمت، باعث شده است برنامه‌های تربیتی در سطح

مدرسه تکراری، فاقد خلاقیت و گاه با تعارض‌های محتوایی اجرا شوند.

- ضعف الگوی رفتاری و مرجعیت اخلاقی: در فرایند تربیت، رفتار معلمان و مربیان مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار بر ذهن و رفتار دانش‌آموزان است؛ اما در شرایطی که خود مربیان پرورشی در رفتارهای روزمره تعارض‌هایی از نظر اخلاقی یا اعتقادی نشان می‌دهند، نقش الگویی آنان زیر سؤال می‌رود. دانش‌آموزان باهوش‌تر از آن هستند که صرفاً به گفتار توجه کنند؛ آن‌ها ناهماهنگی میان گفتار و رفتار را به سرعت درمی‌یابند. این ناهماهنگی، به شدت به مرجعیت اخلاقی و تربیتی مربیان ضربه می‌زند و حتی اثرهای منفی بلندمدت در ذهن دانش‌آموز باقی می‌گذارد.

- بی‌مهری تربیتی و ضعف تعامل انسانی: تربیت نیازمند ارتباط انسانی، محبت، همدلی و درک متقابل است. با این حال، بسیاری از معلمان پرورشی به دلیل فشار کاری، عدم آموزش کافی در حوزه مهارت‌های ارتباطی، یا نگاه رسمی به وظایف خود، از برقراری روابط صمیمی و عمیق با دانش‌آموزان عاجز هستند. فقدان تعامل عاطفی، ایجاد فاصله میان دانش‌آموز و مربی، و فقدان شنیدن صدای دانش‌آموزان، همگی موجب تضعیف فضای تربیتی در مدارس شده است. این وضعیت در نهایت به طرد ارزش‌های ارائه‌شده توسط نظام رسمی از سوی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

۵-۲-۲. ضعف حکمرانی تربیتی در نظام آموزشی

این مضمون فراگیر ناظر به سطح سیاست‌گذاری و راهبری کلان تربیت در نظام آموزش و پرورش است؛ «سند تحول بنیادین» که در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان جامع‌ترین سند بالادستی در حوزه آموزش و پرورش تصویب شد، در مصاحبه‌ها به‌طور مکرر به‌عنوان برنامه‌ای مطرح شد که در سطح شعار باقی مانده است. سیاست‌گذاران و مدیران ستادی اذعان کردند که این سند فاقد نقشه‌راه عملیاتی و پشتوانه مالی بوده و اجرای آن به‌صورت نمادین در مدارس دنبال شده است؛ به‌گونه‌ای که معلمان و مدیران مدارس عملاً ارتباطی با محتوای سند برقرار نکرده‌اند. این تجربه به‌خوبی مؤید مضمون «ضعف حکمرانی تربیتی» و «فقدان چشم‌انداز مشخص» در نظام آموزشی کشور است:

- فقدان رهبری و راهبری تربیت در ساختار کلان: یکی از چالش‌های اساسی در نظام تربیتی آموزش و پرورش ایران، نبود ساختاری مشخص و مقتدر برای هدایت کلان تربیت در سطح ملی است. در حالی که اسناد بالادستی همچون سند تحول

بنیادین تأکید زیادی بر تربیت دارند؛ اما این اسناد فاقد سازوکارهای اجرایی، نظارتی و نهادی برای هدایت متمرکز و منسجم این مأموریت هستند. نهادهایی مانند شورای عالی آموزش و پرورش یا شورای عالی انقلاب فرهنگی اغلب بیشتر در موضع تصویب‌کننده هستند تا راهبر اجرایی و اثربخش. در نبود نهادهای قوی و پاسخ‌گو در حوزه تربیت، بسیاری از تصمیم‌گیری‌های کلان به‌صورت پراکنده، مقطعی یا سلیقه‌ای انجام می‌گیرند. این وضعیت باعث شده است اهداف تربیتی نظام آموزش و پرورش به‌درستی به سطوح میانی و مدرسه‌ای منتقل نشود و از انسجام راهبردی محروم بماند. به‌همین دلیل، حتی بهترین برنامه‌های تربیتی نیز در مرحله اجرا با سردرگمی، فقدان هماهنگی و ناپایداری مواجه‌اند.

- بهره‌بردن از منابع بیرونی و مکمل: نظام آموزش و پرورش ایران به‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نهادهای مکمل متعدد (مانند: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مساجد، بسیج، سازمان تبلیغات اسلامی، نهاد کتابخانه‌ها و انجمن‌های اولیاء و مربیان)، در استفاده مؤثر و منسجم از این منابع بیرونی برای تقویت تربیت ناتوان بوده است. نبود برنامه‌ریزی بین‌بخشی و نگاه ادغام‌محور، باعث شده تعامل میان مدرسه و نهادهای مکمل بسیار ضعیف و نمایشی باشد. در عمل، این نهادها یا بدون ارتباط واقعی با مدرسه فعالیت می‌کنند، یا تنها در مناسبت‌های خاص و به‌صورت نمادین مشارکت دارند. ازسوی دیگر، آموزش و پرورش نیز معمولاً با بی‌اعتمادی یا ناتوانی مدیریتی از این ظرفیت‌ها استقبال نمی‌کند. نتیجه این عدم بهره‌برداری آن است که بار تربیت فقط بر دوش مدرسه می‌افتد؛ آن‌هم در شرایطی که خود مدرسه از نظر نیروی انسانی، منابع و زمان با محدودیت‌های شدید مواجه است.

- نبود حمایت سیاسی (عملی و نه شعاری) از تربیت دینی: با وجود تأکیدهای فراوان مقامات رسمی بر اهمیت تربیت دینی و ارزشی در مدارس، در عمل این حوزه از حمایت مؤثر سیاسی برخوردار نیست. بسیاری از تصمیم‌گیران در سطح کلان، وقتی به مرحله تخصیص منابع یا اعمال سیاست‌های حمایتی می‌رسند، تربیت دینی را در اولویت قرار نمی‌دهند. حتی وزیر آموزش و پرورش نیز در این زمینه اختیار و نفوذ چندانی ندارد و معمولاً تحت تأثیر فشارهای سیاسی، جناحی و رسانه‌ای عمل می‌کند. نبود حمایت سیاسی به این معناست که در مواجهه با بحران‌های اجتماعی یا تربیتی، سیاست‌گذاران از ورود جدی به مسئله تربیت دینی خودداری کرده و بیشتر تمرکز خود را بر سیاست‌های آموزشی یا اقتصادی

معطوف می‌کنند. این وضعیت، جایگاه تربیت دینی را در نظام آموزش و پرورش تضعیف کرده و آن را در معرض بی‌ثباتی، سطحی‌نگری و حتی تقلیل‌گرایی قرار داده است.

۵-۲-۳. ساختار ناکارآمد و فقدان چشم‌انداز مشخص

این مضمون، بر ناکارآمدی کلی ساختار نظام آموزشی از حیث مبانی، ساختار، مدیریت و اهداف متمرکز است:

- چالش‌های بنیادین نظام آموزشی: نظام آموزشی ایران طی دهه‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و بنیادین مواجه بوده است که توان پاسخ‌گویی آن به نیازهای روز را به شدت کاهش داده‌اند. این نظام همچنان بر پایه الگوهای مصرف‌گرا و دانش‌محور بنا شده است، درحالی‌که تحولات جهانی و اجتماعی نیازمند رویکردهای تربیت‌محور، مهارت‌محور و چندوجهی است. غلبه حافظه‌محوری، تمرکز بر آزمون‌گرایی و ضعف در ایجاد تفکر انتقادی، از نشانه‌های بارز این چالش‌ها هستند. از سوی دیگر، نبود یک الگوواره روشن تربیتی باعث شده است جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دچار آشفتگی و گسست‌های مکرر شوند. برنامه‌ها و اسناد گوناگون، اغلب فاقد انسجام مفهومی و راهبردی هستند و بین آن‌ها هماهنگی وجود ندارد. در نتیجه، معلمان، مدیران مدارس و سیاست‌گذاران میانی در اجرا دچار سردرگمی شده و نمی‌توانند به درک روشنی از مأموریت تربیتی خود دست یابند.

- ناکارآمدی ساختاری و مدیریتی: ساختار آموزش و پرورش در ایران هنوز بسیار متمرکز، دیوان‌سالار و ناکارآمد باقی مانده است. بیشتر تصمیم‌گیری‌ها در سطوح بالا انجام می‌شود و اختیار عمل به سطوح مدرسه‌ای و محلی داده نمی‌شود. چنین ساختاری فرصت‌های خلاقیت، مشارکت و نوآوری در عرصه تربیت را سرکوب کرده و مانع از شکل‌گیری رویکردهای بومی و متناسب با نیازهای هر منطقه می‌شود. همچنین نظام مدیریتی در آموزش و پرورش عمدتاً بر اساس انتصاب‌های سیاسی یا سلیقه‌ای استوار است، نه شایسته‌سالاری یا توانمندی علمی و تجربی. این مسئله باعث شده بسیاری از مدیران، توان برنامه‌ریزی مؤثر، ایجاد تغییرات پایدار و پاسخ‌گویی در برابر عملکرد تربیتی مدارس را نداشته باشند. ضعف قوانین اجرایی، فقدان ارزیابی‌های دقیق و عدم انگیزه در مدیران نیز از نشانه‌های این ناکارآمدی مدیریتی است.

- بحران در فرایند تربیت دینی و اخلاقی: تربیت دینی و اخلاقی یکی از اهداف محوری نظام آموزش و پرورش ایران است؛ اما در عمل با بحران‌های جدی در سطح نظری و اجرایی مواجه است. روش‌های سنتی، خطابه‌ای و حفظ‌محور که هنوز هم در برخی مدارس غالب‌اند، توان اثرگذاری بر نسل جدید را ندارند. از سوی دیگر، فقدان هماهنگی بین نهادهای مؤثر بر تربیت (خانواده، رسانه، مدرسه، نهادهای فرهنگی و مذهبی) موجب چندگانگی پیام‌ها و سردرگمی دانش‌آموزان در فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها شده است. معلمان نیز که باید نقش الگوی دینی و اخلاقی را ایفا کنند، اغلب از نظر تربیتی آموزش ندیده‌اند یا جایگاه حرفه‌ای محکمی ندارند. عدم مشارکت واقعی دانش‌آموزان در فرایند تربیت دینی، و نگاه دستوری و بالا به پایین به این حوزه نیز از عوامل تشدید بحران محسوب می‌شود. این شرایط سبب شده تلاش‌های تربیتی در زمینه دین و اخلاق، نه تنها ناکارآمد باشد بلکه در برخی موارد به بی‌اعتمادی یا مقاومت منجر گردد.

- چالش‌های بیرونی مؤثر بر تربیت: تربیت دانش‌آموزان امروز تنها در مدرسه شکل نمی‌گیرد بلکه عوامل بیرونی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای یافته‌اند. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به تأثیرات فضای مجازی، تهاجم فرهنگی، تضادهای ارزشی میان سنت و مدرنیته، و نقش خانواده اشاره کرد. در بسیاری موارد، آنچه دانش‌آموز در فضای بیرونی (رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، محیط خانواده) می‌بیند با ارزش‌هایی که در مدرسه آموزش می‌بیند، در تضاد است. همچنین فقر اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، محرومیت‌های فرهنگی و نابرابری‌های آموزشی، از عوامل مهم تضعیف فرایند تربیت‌اند. در مناطقی که خانواده‌ها درگیر بحران‌های معیشتی یا اجتماعی هستند، همراهی با فرایند تربیت مدرسه بسیار دشوار می‌شود. این تهدیدها، بدون حمایت بین‌بخشی و برنامه‌ریزی جامع، موجب تضعیف اثربخشی نظام تربیتی می‌شوند.

جمع‌بندی از چالش‌ها: بررسی یافته‌ها در پرتو سیاست‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش در سه دهه اخیر (۱۳۷۰-۱۳۹۹) نشان می‌دهد که بسیاری از بحران‌های شناسایی شده ریشه در تصمیمات و رویکردهای کلان این وزارتخانه دارد. در دهه ۱۳۷۰ سیاست کاهش نقش مربیان پرورشی و ادغام فعالیت‌های تربیتی در قالب برنامه‌های صوری، موجب تضعیف سرمایه انسانی و افول جایگاه تربیت شد. در دهه ۱۳۸۰، ساختار ستادی وزارت آموزش و پرورش بیش از پیش تمرکزگرا و دیوان‌سالار شد و سیاست‌های مقطعی به جای یک راهبرد بلندمدت حاکم شد؛ این

امر به پراکندگی فعالیت‌های تربیتی و کاهش انسجام نهادی انجامید. در دهه ۱۳۹۰ نیز اگرچه اسناد بالادستی مانند «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تصویب شد؛ اما اجرای ناقص و نمادین آن به دلیل ضعف در حکمرانی تربیتی، فقدان منابع مالی پایدار و ناهماهنگی میان نهادهای مکمل، مانع تحقق اهداف اعلام‌شده گردید؛ بنابراین می‌توان گفت که سیاست‌های تربیتی طی این سه دهه بیشتر بر مدیریت کوتاه‌مدت و نگاه ابزاری به تربیت متمرکز بوده و کمتر به ایجاد یک نظام پایدار، تخصص‌محور و پاسخگو به نیازهای اجتماعی توجه کرده‌اند؛ مسئله‌ای که به‌روشنی در مضامین شناسایی‌شده این پژوهش انعکاس یافته است.

برای درک بهتر جایگاه ایران، مقایسه با تجارب بین‌المللی نیز روشن‌گر است؛ مقایسه تجارب ایران با کشورهای موفق در اصلاحات تربیتی نشان می‌دهد که عوامل کلیدی ناکارآمدی در ایران بیشتر به ضعف حکمرانی و منابع برمی‌گردد؛ برای مثال، در فنلاند که از دهه ۱۹۹۰ اصلاحات بنیادین آموزشی را آغاز کرد، تربیت و آموزش به‌صورت توأمان و با تأکید بر «اعتماد به معلم» و «اختیار مدرسه» دنبال شد. برخلاف ساختار متمرکز ایران، نظام آموزشی فنلاند با تمرکززدایی و تقویت نقش مدارس توانست مشارکت معلمان و والدین را جلب کرده و کیفیت تربیت را ارتقا دهد. این تجربه نشان می‌دهد که اجرای اسناد بالادستی در ایران (مانند سند تحول بنیادین) بدون اعتمادسازی و واگذاری اختیارات واقعی به مدارس، نمی‌تواند به نتایج مطلوب منجر شود.

۵-۳. یافته‌های مرتبط با پرسش سوم: راهکارهای ارتقای سیاست‌ها و

اقدامات تربیتی

مصاحبه‌ها و تحلیل مضمون‌ها نشان می‌دهد که برای برون‌رفت از وضعیت موجود و ارتقای سیاست‌ها و اقدامات تربیتی، مجموعه‌ای از راهکارها در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل طرح است:

۵-۳-۱. سطح کلان: بازتعریف جایگاه تربیت و تقویت حکمرانی

- بازتعریف جایگاه تربیت در نظام آموزشی: تربیت باید به‌عنوان محور اصلی مدرسه و نه یک فعالیت حاشیه‌ای دیده شود. این امر نیازمند بازنگری در مأموریت‌های آموزش و پرورش و تغییر نگرش مدیران و معلمان نسبت به تربیت است.
- تقویت ساختار حکمرانی تربیتی: ایجاد یک نهاد مستقل و مقتدر در حوزه تربیت

به صورت فرابخشی و هماهنگ کننده میان نهادهای مختلف تربیتی، فعال سازی شوراهای عالی و استفاده از ظرفیت نهادهای مکمل (کانون ها، مساجد، انجمن های اولیاء و مربیان).

- تدوین چشم انداز جامع: طراحی یک چشم انداز جامع تربیتی که به نیازهای نسل جدید، تحولات جهانی و اقتضائات فرهنگی ایران پاسخ دهد و مبتنی بر داده های پژوهشی و مشارکت گسترده ذی نفعان باشد.

۵-۳-۲. سطح میانی: توسعه منابع انسانی و مالی

- توسعه منابع انسانی متخصص و توانمند: تربیت نیروی انسانی متعهد، متخصص و خلاق از طریق بازنگری در برنامه های دانشگاه فرهنگیان، برگزاری دوره های ضمن خدمت مؤثر، و ارتقای منزلت اجتماعی مربیان پرورشی.
- افزایش سرمایه گذاری و منابع مالی: افزایش سهم آموزش و پرورش از بودجه ملی و اختصاص منابع مالی به صورت هدفمند به حوزه پرورشی با استفاده از مشارکت نهادهای مکمل (شهرداری ها، سازمان های مردم نهاد).
- تمرکززدایی و تفویض اختیار: کاهش تمرکز دیوان سالارانه و تفویض اختیار به مدارس برای تبدیل شدن به کانون نوآوری و خلاقیت.

۵-۳-۳. سطح خرد: بازنگری در محتوا و روش ها

- بازنگری در محتوا و روش های تربیتی: جایگزینی روش های سنتی و مناسک محور با رویکردهای تعاملی، خلاقانه و متناسب با نیازهای نسل جدید با تأکید بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی در قالب های کاربردی.
- تقویت نظام ارزیابی و پایش: طراحی شاخص های دقیق برای سنجش میزان تحقق اهداف تربیتی و اجرای ارزیابی مستمر و نظام مند.
- بهبود فرایندهای تربیتی: استفاده از رویکردهای میان رشته ای (ترکیب آموزش دینی با علوم اجتماعی، روان شناسی و هنر) و بهره گیری از فضای مجازی و رسانه های نوین برای تبیین جذاب ارزش های اخلاقی.
- توانمندسازی دانش آموزان: آموزش مهارت های زندگی، تفکر انتقادی و سواد رسانه ای در برنامه درسی رسمی برای مقابله با چالش های بیرونی.

۵-۳-۴. راهکارهای یکپارچه ساز و تلفیقی

- تقویت الگوی رفتاری و مرجعیت اخلاقی مربیان: اجرای نظام ارزیابی چندبُعدی

- معلمان شامل سنجش تعهد اخلاقی و تعامل انسانی در کنار شایستگی علمی.
- ایجاد شبکه همکاری پایدار: طراحی شبکه همکاری میان مدارس، خانواده‌ها، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی برای جبران کمبودها.
 - ثبات سیاسی در حوزه تربیت: مطرح کردن تربیت دینی و اخلاقی به‌عنوان اولویت ملی و غیرسیاسی برای جلوگیری از تأثیر تغییر دولت‌ها بر برنامه‌های تربیتی.
 - به‌طور کلی، راهکارهای پیشنهادی در این پژوهش بر تغییر نگرش، توانمندسازی نیروی انسانی، اصلاح ساختار حکمرانی، تأمین منابع کافی و نوسازی روش‌های تربیتی تأکید دارند. تحقق این راهکارها می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت تربیت در مدارس کشور باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی کیفی سیاست‌ها و اقدامات تربیتی وزارت آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران طی بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ انجام گرفت. با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و روش تحلیل مضمون، تلاش شد برداشت‌ها و تجربه‌های کنشگران تربیتی (اعم از مدیران، کارشناسان و معلمان) از وضعیت موجود جمع‌آوری و تحلیل شود. این روش به پژوهشگر امکان داد تا فراتر از اسناد رسمی و بیانیه‌های سیاستی، به لایه‌های پنهان و ضمنی نظام تربیتی دست یابد.

یافته‌های این پژوهش در قالب سه مضمون اصلی دسته‌بندی شدند که همگی بر ناکارآمدی ساختاری، ضعف حکمرانی تربیتی و بحران در مشروعیت و اثربخشی تربیت رسمی دلالت دارند. نخست، در محور «بحران مشروعیت و کارآمدی تربیت رسمی» مشخص شد که جایگاه تربیت در مدرسه ایرانی هم در سطح ساختار و هم در سطح ذهنیت به حاشیه رانده شده و تحت سیطره اهداف آموزشی قرار گرفته است. به باور مصاحبه‌شوندگان، نظام تربیتی فاقد رویکرد تخصص‌محور، نیروی انسانی متعهد و آموزش‌دیده، و سازوکارهای حمایتی کارآمد است. دوم، مضمون «ضعف حکمرانی تربیتی» به مشکلاتی در سطح کلان اشاره دارد؛ از جمله ضعف رهبری و برنامه‌ریزی، بی‌توجهی به ظرفیت نهادهای مکمل، و کمبود حمایت سیاسی. سیاست‌های تربیتی در سطح کلان نه تنها فاقد انسجام و ضمانت اجرایی‌اند بلکه با پراکندگی نهادی و نبود پاسخ‌گویی نیز مواجه‌اند. سومین محور، با عنوان «ناکامی ساختاری و فقدان چشم‌انداز روشن» نشان داد که نظام آموزشی کشور نه از یک الگوی مفهومی مشخص در زمینه تربیت برخوردار است و نه توانایی پاسخ‌گویی

به تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناورانه را دارد. همچنین تهدیدهایی چون فضای مجازی، شکاف نسلی، تعارض میان سنت و مدرنیته، و مشکلات فرهنگی - اقتصادی خانواده‌ها، عملکرد تربیتی مدرسه را بیش از پیش تضعیف کرده‌اند.

بررسی نمونه‌های عینی مانند «طرح کاد» و «سند تحول بنیادین» نیز حاکی از آن است که سیاست‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش طی سه دهه گذشته، هرچند با اهداف مطلوبی طراحی شده‌اند؛ اما به دلیل غلبه نگاه ابزاری، ضعف در حکمرانی، کمبود منابع و ناهماهنگی نهادی، در عمل نتوانسته‌اند تحولی پایدار در عرصه تربیت ایجاد کنند. داده‌های مصاحبه‌ها و آمارهای رسمی نیز این امر را تأیید می‌کند: از یک سو طرح‌های مهارت‌محور با کاهش کیفیت و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان همراه بوده و از سوی دیگر، اسناد کلان مانند «سند تحول بنیادین» نتوانسته‌اند به بدنه مدرسه و کلاس درس نفوذ کنند. این شواهد نشان می‌دهد که بدون بازنگری جدی در شیوه سیاست‌گذاری و تخصیص منابع، سیاست‌های تربیتی همچنان در چرخه ناکارآمدی باقی خواهند ماند.

البته نباید از برخی نقاط قوت و موفقیت‌های جزئی غافل شد. تجربه شوراهای دانش‌آموزی، برخی اردوهای پرورشی و فعالیت‌های فرهنگی - هنری نشان داد که مشارکت فعال دانش‌آموزان و استفاده از ظرفیت‌های غیررسمی می‌تواند بخشی از خلأ موجود در سیاست‌های کلان را جبران کند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های تربیتی در صورت توجه به نیازهای واقعی دانش‌آموزان، تمرکز بر مشارکت و تأمین منابع کافی، ظرفیت آن را دارند که به نتایج مؤثرتری دست یابند. نتایج این پژوهش با مبانی نظری تربیت انتقادی (Freire, 1970; Apple, 2004)، جامعه‌شناسی آموزش (Bernstein, 2000)، حکمرانی فرهنگی و الگوهای تربیت چندلایه قابل تطبیق است. یافته‌ها نشان می‌دهد در نظام آموزش و پرورش ایران، یک «تربیت از بالا»ی آمرانه، نمادین و فاقد مشارکت واقعی معلمان و دانش‌آموزان جریان دارد که فاقد اثرگذاری پایدار است. از منظر تربیت انتقادی، نظام آموزشی بازتابی از ساختار قدرت است و یافته‌ها نشان می‌دهد گفتمان حاکم بر سیاست‌گذاری تربیتی ایران، دستوری و رسمی است و به جای گفت‌وگو، بر انتقال یک‌سویه ارزش‌ها تأکید دارد که به کاهش درونی‌سازی ارزش‌ها و مقاومت منفعلانه در دانش‌آموزان می‌انجامد. همچنین، از منظر حکمرانی فرهنگی، شکاف عمیقی بین نهاد آموزش و پرورش و دیگر نهادهای تربیتی (مانند: صداوسیما، خانواده، کانون پرورش فکری و...) وجود دارد که هماهنگی و مشارکت چندنهادی لازم برای تربیت

مؤثر را مختل کرده است. درنهایت، رویکرد اکولوژیک نشان می‌دهد که محدود کردن تربیت به چهارچوب رسمی مدرسه و غفلت از تعامل با دیگر محیط‌های تربیتی، باعث بی‌اثر شدن بسیاری از اهداف تربیتی در تقابل با زیست‌جهان دانش‌آموزان شده است.

ارزش افزوده این پژوهش در دو بُعد اصلی است: نخست، به‌کارگیری روش تحلیل مضمون که با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق با ذی‌نفعان، توانست مضامین کلیدی و پنهان در تجربه زیسته معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران را آشکار سازد؛ دوم، اتخاذ رویکرد مطالعه طولی در بازه ۱۳۷۰-۱۳۹۹ که امکان بررسی پیوسته سیاست‌ها و پیامدهای آن‌ها را در طی سه دهه فراهم آورد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر نه تنها تصویری انتقادی از نقاط ضعف نظام تربیتی ارائه می‌دهد بلکه بر ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی نیز تأکید می‌کند که می‌تواند مبنای اصلاحات آینده در سیاست‌های آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد.

پیشنهادها

در مقام ارائه پیشنهادها برای آینده قابل ذکر است؛ این پژوهش محدود به نظرهای کنشگران رسمی در آموزش و پرورش بود و دیدگاه خانواده‌ها، دانش‌آموزان و نهادهای فرهنگی کمتر در آن انعکاس یافته است. همچنین تمرکز پژوهش بر سطح ملی و کلان، امکان پرداختن به تفاوت‌های منطقه‌ای، قومی و فرهنگی را کاهش داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی:

- ۱- تحلیل تربیتی از منظر دانش‌آموزان و اولیاء نیز صورت گیرد.
- ۲- ساختارهای مشارکت فرهنگی و نهادهای مکمل مدرسه به‌طور مستقل بررسی شوند.
- ۳- راهکارهای حکمرانی تربیتی چندسطحی برای بومی‌سازی سیاست‌های پرورشی تدوین و آزمون شود.
- ۴- همچنین مطالعه تأثیر فضای مجازی بر الگوهای تربیتی مدرسه‌ای می‌تواند یکی از اولویت‌های جدی آینده‌پژوهی تربیت باشد.

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر و آرام، محمدرضا (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی سیستمی آموزش و پرورش و ارائه راه‌کارها. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۱۹(۱)، ۷۱-۹۳.
- ایزدی یزدان‌آبادی، ا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مدیریت آموزش و پرورش و آرایه راهبردها و راه‌کارهای مطلوب. معاونت پژوهش، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جاودانی، حمید و سیدرضا، عطیه (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری آموزشی و آموزش عالی در بستر سیاست‌های عمومی: از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی. *راهبرد فرهنگ*، ۱۴(۵۶)، ۱۱۳-۱۵۷.
- حبیبی، فاطمه و اسمعیلی، رحیمه (۱۴۰۳). بررسی نقش نظام آموزش و پرورش ایران بر پایه ارزش‌های اسلامی در شیوه تعلیم و تربیت هویت‌مند دانش‌آموزان مدارس کشور. مقاله ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی سلامت، بهداشت و آموزش، صفحات ۱-۱۰.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴). تجارب تربیت اخلاقی کارگزاران نظام تربیت رسمی و عمومی در دوره ابتدایی (دبستان). *نوآوری‌های آموزشی*، ۷(۵۶)، ۷-۳۷.
- حیدری گوجانی، احمد (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور*. مقاله ارائه شده در همایش ملی آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور، صفحات ۵۳۶-۵۴۵.
- خباز مهرجردی، محمود (۱۳۹۳). *تحلیل کارکردی معاونت پرورشی در نظام آموزش و پرورش از دیدگاه نخبگان تعلیم و تربیت*. مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دلور، علی (۱۳۹۹). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی* (ویرایش جدید، چاپ اول). تهران: رشد.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۹). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر.
- شمشیری، بابک؛ شیروانی شیرینی، علی و زارعی، لیلیا (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه (از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان). *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۹(۵۱)، ۲۳۳-۲۵۱.
- شهامت، نادر و امیدوار حقیقی، سمیه (۱۴۰۰). *روش پژوهش کیفی در تحقیقات علوم تربیتی و روان‌شناسی*. مقاله ارائه شده در دومین همایش ملی مدرسه آینده.
- شیبانی تدرجی، صدیقه (۱۳۹۱). *نقد و ارزیابی وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش*

- در کشور. مقاله ارائه شده در کنگره پیشگامان پیشرفت، صفحات ۵۷۳-۵۸۷.
- شیخ‌زاده، محمد و بنی‌اسد، رضا (۱۴۰۰). *تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها* (چاپ دوم). تهران: لوگوس.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا و رضانی، معصومه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۳(۴)، ۸۹-۱۱۰.
- صالحی، فاطمه (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی*. مقاله ارائه شده در سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، صفحات ۱-۱۱.
- عبداللهی، حسین؛ عباس‌پور، عباس؛ فرهادی امجد، فرهاد؛ نادری، ابوالقاسم و خورسندی طاوسکوه، علی (۱۴۰۱). تحلیل سیاست‌های گسترش گونه‌های مدارس در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۲(۴۴)، ۵۰-۸۰.
- علیزاده، یوسف و دیگران (۱۴۰۲). *چالش‌های موجود در نظام آموزش و پرورش ابتدایی و راهکارهای برون‌رفت از این چالش‌ها*. مقاله ارائه شده در هشتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، صفحات ۷۶۹-۷۷۷.
- عوض‌زاده ابوطالب؛ کریمی باغملک، آیت‌اله و رضایی، صادق (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی تربیت دینی و تدوین الگویی برای دین‌پذیری مشتاقانه: مطالعه موردی دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم استان کهگیلویه و بویراحمد*. *قرآن و طب*، ۵(۲)، ۱۰۹-۱۲۱.
- فلاح حقیقی، نگین و محمودی، مریم (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی عملکرد نظام آموزش عالی با محوریت توسعه منابع انسانی*. *آموزش و توسعه منابع انسانی*، (۱۹)، ۱۲۷-۱۵۰.
- قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۹۷). *مسائل آموزش و پرورش ایران امروز: رشد آموزش علوم اجتماعی*، (۷۸)، ۱۳-۱۵.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۷). *آسیب اجتماعی در نظام آموزش و پرورش، علل و راهکارها*. *دیدهبان امنیت ملی*، (۷۵)، ۲۳-۲۸.
- مصدق، هادی (۱۳۹۶). *مشکلات مالی آموزش و پرورش، ابعاد و زوایا*. *سیاست‌گذاری اصلاحی*. *حکمتانه*، ۲(۱۳)، ۴-۱۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.

موسوی، سید علی محمد (۱۳۹۵). *آسیب شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش با تأکید بر نقش معلم*. مقاله ارائه شده در دومین همایش ملی آسیب شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، صفحات ۱-۹.

نیک‌نشان، شقایق؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر و لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۹۵). *آسیب شناسی گفتمان تربیت دینی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران*. *فلسفه تربیت*، (۱)، ۱۴۱-۱۶۴.

هوشیار، شنو؛ حمیدیان، شرمین؛ هلاکو، شهناز و حسینی، چیا (۱۴۰۳). *آسیب شناسی فعالیت‌های پرورشی و امور تربیتی از دیدگاه مریبان پرورشی*. *ارائه شده در: اولین همایش بین‌المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش‌آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴*، تهران.

- Albornoz, Luis A. (Ed.) (2015). *Power, Media, Culture: A Critical View from the Political Economy of Communication*. Palgrave Macmillan.
- Apple, M. W. (2004). *Ideology and Curriculum (3rd ed.)*. New York: RoutledgeFalmer.
- Armstrong, T. (2006). *The best schools: How human development research should inform educational practice*. Association for Supervision and Curriculum Development (ASCD).
- Austin, Barbara A. (1989). *Immediate Seating: A Look at Movie Audiences*. Wadsworth.
- Ball, S. J. (1994). *Education reform: A critical and post-structural approach*. Open University Press.
- Bernstein, B. (2000). *Pedagogy, Symbolic Control and Identity: Theory, Research, Critique (Rev. ed.)*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Birmanova, Anna I., Kozhakhmetov, Gulnara, & Kakimova, Marina Sh. (2018). Cultural Human Rights and the Problems of their Implementation in the Modern World. *Journal of Advanced Research in Law and Economics*, 9(5), 1591-1603.
- Blumler, Jay G. (1992). *Understanding Audiences: Theory and Method*. Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Buckingham, David. (2003). *Media Education: Literacy, Learning and Contemporary Culture*. Polity Press.
- Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1989).
- Creswell, J. W. (2013). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (3rd ed.)*. SAGE Publications.
- Freire, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Herder and Herder.

- Hall, Stuart. (1973). *Encoding and Decoding in the Television Discourse*. Birmingham: Centre for Contemporary Cultural Studies.
- Levin, B. (2001). *Reforming education: From origins to outcomes*. Routledge Falmer.
- McQuail, D. (2008). *Audience studies* (M. Montazerghaem, Trans., 4th ed.). Tehran: Media Studies and Planning Office. [Persian translation of an English work]
- McQuail, Denis (2010). *McQuail's Mass Communication Theory* (6th ed.). Sage.
- Myer, Christine (Ed.) (2011). *Critical Cinema: Beyond the Theory of Practice*. Wallflower Press.
- Potter, W. James. (2016). *Media Literacy* (8th ed.). Sage.
- Reidel, Lori. (2010). What are Cultural Rights? Protecting Groups with Individual Rights. *Journal of Human Rights*, 9(1), 65–80.

References

- Abadis Online Dictionary. (2024). Retrieved from <https://abadis.ir> (In Persian)
- Albornoz, Luis A. (Ed.) (2015). *Power, Media, Culture: A Critical View from the Political Economy of Communication*. Palgrave Macmillan.
- Apple, M. W. (2004). *Ideology and Curriculum* (3rd ed.). New York: RoutledgeFalmer.
- Armstrong, T. (2006). The best schools: How human development research should inform educational practice. Association for Supervision and Curriculum Development (ASCD).
- Asadi, A., & Soltani, R. (2014). *Audience rights in the press*. Tehran: aasar-e-fekr Publications. (In Persian)
- Austin, Barbara A. (1989). *Immediate Seating: A Look at Movie Audiences*. Wadsworth.
- Ball, S. J. (1994). *Education reform: A critical and post-structural approach*. Open University Press.
- Bernstein, B. (2000). *Pedagogy, Symbolic Control and Identity: Theory, Research, Critique* (Rev. ed.). Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Birmanova, Anna I., Kozhakhmetov, Gulnara, & Kakimova, Marina Sh. (2018). Cultural Human Rights and the Problems of their Implementation in the Modern World. *Journal of Advanced Research in Law and Economics*, 9(5), 1591–1603.
- Blumler, Jay G. (1992). *Understanding Audiences: Theory and Method*. Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Buckingham, David. (2003). *Media Education: Literacy, Learning and Contemporary Culture*. Polity Press.
- Cinema Analytical Reports. (2024). With 17,684,000 viewers: Iranian cinema in 2024. Retrieved from <https://cinemacinema.ir/news/-۱۷-ب>

- (In Persian) میلیون‌و-۶۸۴-هزار-مخاطب؛-سینمای-ایران-در-سال-۱۴۰۳
Cinema Analytical Reports. (2025). Why is Iranian social cinema in crisis? An analysis of declining audiences. Retrieved from <https://gozare24.ir/>-اجتماعی-۹۵۲۴/۶-بخش-فرهنگ-هنر-
- (In Persian) ایران-در-بحران-است-تحلیل-علل-کاهش-مخاطب
Cinema and Television Research Institute. (2020). An analysis of audience studies in Iranian cinema and television. Retrieved from <https://thinktank1.ir/>-بررسی-و-تحلیل-مخاطب-شناسی-در-سینما-و-تلویزیون-ایران
- (In Persian) /تلویزیون-ایران
Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1989).
Council of Ministers. (1982). Regulation on supervision of film, slide, and video screenings and the issuance of screening licenses. Tehran: Council of Ministers. (In Persian)
- Creswell, J. W. (2013). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (3rd ed.). SAGE Publications.
Eslami-Nejad, R. (2019). Media consumers and their legal status in Iran. *Legal Studies*, 2(4). (In Persian)
- Esmaeili, M. (2022). The right to awareness as a fundamental audience right. *Journal of Communication Research*, 29(111). (In Persian)
- Freire, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Herder and Herder.
- Ghaffari, H. (2024). The role of civil liability of mass media in guaranteeing audience rights with emphasis on misleading advertising in health-related products. *Biannual Journal of Media Jurisprudence and Law Studies*, 6(1), 211–232. (In Persian)
- Ghasemi, H. & Fanazad, R. (2018). *Media law*. Tehran: Andisheh Ara Publications. (In Persian)
- Hall, Stuart. (1973). *Encoding and Decoding in the Television Discourse*. Birmingham: Centre for Contemporary Cultural Studies.
- Hosseini Esfidvajani, S. S. (2012). *Audience rights vis-à-vis mass media*. Tehran: Imam Sadegh University Press. (In Persian)
- Hosseini, A. & Yousefi, M. (2016). A jurisprudential and legal analysis of audience rights in advertising. *Journal of Contemporary Jurisprudence and Law*, 1(2), 45–70. (In Persian)
- Hosseinnzhad, M. A. (2018, December 4). Seminar on audience rights in Iranian cinema. Faculty of Cinema and Theatre, University of Art. (In Persian)
- Judiciary Research Institute. (2021). Iranian social cinema and the issue of unintended audience reactions. Retrieved from <https://www.ricac.ac.ir/news/3737> (In Persian)
- Katouzian, N. (2024). *Introduction to the science of law and the study of Iran's legal system* (27th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh Publications. (In Persian)
- Law for the Protection of Authors, Composers, and Artists' Rights. (1969). (In Persian)


- Law on the Objectives and Duties of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (1986). (In Persian)
- Levin, B. (2001). *Reforming education: From origins to outcomes*. Routledge Falmer.
- Mahdizadeh, S. M. & Gholami, M. (2024). *Audience rights in commercial media advertising*. Tehran: Majd Publications. (In Persian)
- McQuail, D. (2008). *Audience studies* (M. Montazerghaem, Trans., 4th ed.). Tehran: Media Studies and Planning Office. [Persian translation of an English work]
- McQuail, Denis (2010). *McQuail's Mass Communication Theory* (6th ed.). Sage.
- Ministry of Culture and Arts. (1965). *Regulation on issuing screening licenses for films and slides*. Tehran: Ministry of Culture and Arts. (In Persian)
- Moein, M. (1984). *Persian dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Myer, Christine (Ed.) (2011). *Critical Cinema: Beyond the Theory of Practice*. Wallflower Press.
- Nasr, A. R. & Karimi, S. (2013). *Methods of interview data analysis*. *Ayār Research in Humanities*, 4(1). (In Persian)
- Potter, W. James. (2016). *Media Literacy* (8th ed.). Sage.
- Reidel, Lori. (2010). *What are Cultural Rights? Protecting Groups with Individual Rights*. *Journal of Human Rights*, 9(1), 65–80.
- Rizvi, F. & Lingard, B. (2010). *Globalizing education policy*. Routledge.
- Sakat, A. S. (2003). *Audience: Yes or no? (Audience studies of Iranian cinema)*. *Farabi Quarterly*, 50, 75–86. (In Persian)
- Shahriyar, M. H., Rahmani, G. & Beiglarbeigi, K. (2022). *Audience rights, access to accurate information, and comparison with fake news*. *Journal of Communication Research*, 29(111), 79–107. (In Persian)
- Tasnim News Agency. (2014). *The status of audience rights in cinema*. Retrieved from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/10/08/602440> (In Persian)
- Yousefi, M. & Hosseini, A. (2016). *Jurisprudential rules of "audience rights in media advertising"*. *Journal of Alavi Jurisprudential Studies*, 2(3), 23–42. (In Persian)
- Zarei, E. (2014). *Audience rights in mass media in Iran, England, and the United States*. *Book Review of Information and Communication*, 1–2, 141–148. (In Persian)

Institutional challenges of cultural heritage and tourism in advancing general policies of the resistance economy

Seyed Mohammad Mousavi

Assistant Professor, Department of Tourism Management, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

s.m.moosavi@outlook.com

 0000-0003-1634-445X

Abstract

Statistics and figures in the tourism industry show that this industry is a golden opportunity for all countries in the world to realize economic diversification and develop the components of the domestic economy of the countries. Even the oil-rich countries of Southwest Asia, including Saudi Arabia, are trying to strengthen the drivers of the development of their tourism economy in order to reduce their dependence on windfall oil revenues. The Islamic Republic of Iran, considering its enormous and unique capacities in the field of cultural heritage and tourism, can also take advantage of this opportunity to internalize the country's economy and get rid of its dependence on oil revenues and crude sales within the framework of the announced policies of the resistance economy. Purpose: This research examines the position and institutional challenges in the field of cultural heritage and tourism in advancing the general policies of the resistance economy. Method: By studying resistance economy policies and previous research conducted in the field of tourism and resistance economy and interviewing experts, existing challenges were identified and structural themes were extracted using thematic analysis. Findings: All institutional challenges in the field of cultural heritage and tourism were divided into three structural themes (legislation, implementation, and supervision) to advance general resistance economic policies. Conclusion: Since the field of cultural heritage, and especially tourism, is an interdisciplinary field, there are many institutions in the three fields of legislation, implementation, and supervision related to the missions of this field because the field of tourism is able to involve many institutional sectors.

Keywords: Cultural heritage, Tourism, Institutions, Resistance economy.

Extended abstract

Introduction

The resistance economy policies announced by the Supreme Leader have been formulated as an important upstream document and are binding on relevant agencies and institutions in order to increase the country's income sources, create employment, reduce migration to metropolitan areas, reduce the country's dependence on oil, and most importantly, achieve social justice. The tourism industry in Iran, due to its high income-generating nature and means, and also due to the fact that Iran has great natural and human capacities in tourism, can play a pivotal role as part of the country's economic development in reducing its dependence on oil. Therefore, given that Iran is under comprehensive sanctions by the global system and on the other hand, the global economy is facing unprecedented crises, relying on domestic capacities such as cultural heritage and tourism is an unquestionable priority for developing the country's economy and should be a priority for the country's planners and policymakers. On the other hand, institutions, as the third pillar of sustainable development, usually have the resources and capabilities that structure the frequent interactions between individuals, companies, civil society groups, organizations, governments, and other entities of society. Williams and Baumert state in the context of institutional capacity that this concept actually reflects a broader enabling environment that forms the foundations on which individuals and organizations interact with each other (Williams and Baumert, 2003). The issue of tourism pathology from an institutional perspective enables officials to prioritize issues in this field and identify perceptions and expectations regarding the role of institutions and systems in sustainable tourism development, so that they can improve the gap between the current and desired situation (Mousavi, 1403). Therefore, identifying and addressing the challenges related to institutions and organizations interested in cultural heritage and tourism is the first and most basic step to solving issues related to cultural heritage and tourism in advancing economic goals of resistance. Because the institutional challenges ahead in this field are much more complex than one might imagine, the reason for this is the vastness of the tourism sector and its interdisciplinary nature.

Methods

In this research, a qualitative method was used to conduct the work. To extract the indicators, the results of past research in the field of tourism and

resistance economy and the text of policies and laws related to resistance economy, as well as interviews with policy experts, were used. The content analysis method, which is one of the qualitative content analysis methods, was used. Given that the purpose of the research is exploratory and seeks to build concepts, patterns, and frameworks, our findings are not clear.

First, the resistance economy document and the results obtained from previous research in the field of resistance economy and tourism, which are also limited, are used, and the expert opinions of the interviewees (experts and tourism policymakers) are also added to extract basic and structured concepts and themes regarding institutional challenges in the field of resistance economy and tourism.

Also, in this research, Krappendorff's alpha was used to measure reliability because it is flexible and applicable for a relatively small sample size. Accordingly, the accepted alpha should be at least 0.7. In this study, the value obtained was 0.88.

Conclusion

Since the field of cultural heritage, and especially tourism, is an interdisciplinary field, there are many institutions involved and interested in the missions of this field, because the effectiveness and effectiveness in this field involve many institutional sectors. Considering the three challenges encountered (legislation, implementation, and supervision) in the field of cultural heritage and tourism in advancing the macro goals of the resistance economy, from this perspective, many of the challenges that exist can be found in the discussion of legislation in the absence of strong and transparent laws, and at the same time, coherent and efficient laws in order to support and develop cultural heritage and tourism in the country. The weakness of laws regarding the capacities of tourism development and disregard for the many potential areas of this field in developing the country's economic goals are among the fundamental challenges of policymaking and upstream laws.

Also, the lack of moral and material support for the field of tourism and its activists is part of the challenges in this industry, as various governments in this field have usually not fulfilled their legal duties properly and have caused numerous problems for activists in this field in carrying out their affairs. On the other hand, the conflict of institutional stakeholders in the field of cultural heritage and tourism has also been manifested in the implementation sector, and this area has been a major problem in actualizing the country's tourism capacities. In addition, the issue of education and culture has been neglected and neglected by the Ministry of Cultural Heritage, because this issue is one of the primary pillars for the development of the tourism economy. The issue of culture and specialized education of activists and people regarding the benefits of tourism on the country's domestic economy can help the survival and growth of tourism in all pillars and geographies of our country.


There are also weaknesses in the issue of supervision, which is due to the lack of accurate and sufficient supervision of the abuses of some

individuals that are carried out in the name of developing cultural heritage and tourism in the country, but behind the scenes, most of the matter is about the commercialization of these individuals outside the laws. Even governments themselves are sometimes not adequately supervised in spending the budgets and supports they should provide. Therefore, the attention of relevant institutions to comply with the laws and control this issue should be one of the priorities of the supervisory bodies in order to prevent circumvention of the law and violation of the rights of real tourism activists.

Keywords: Cultural heritage, Tourism, Institutions, Resistance economy.

چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

سیدمحمد موسوی

استادیار مدیریت جهانگردی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
s.m.moosavi@outlook.com  0000-0003-1634-445X

چکیده

آمار و ارقام در صنعت گردشگری نشان می‌دهد که این صنعت یک فرصت طلایی پیش‌رو برای همه کشورهای دنیا برای تحقق ارزآوری اقتصادی و توسعه مؤلفه‌های اقتصاد داخلی کشورهاست، حتی کشورهای نفت‌خیز آسیای جنوب غربی از جمله عربستان سعودی نیز برای کاهش وابستگی خود به درآمدهای بادآورده نفتی، امروزه سعی در تقویت پیشران‌های توسعه اقتصاد گردشگری خود دارند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های عظیمی و منحصر به فردی که در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری داراست، می‌تواند از این فرصت برای درونی‌سازی اقتصاد کشور و رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و خام فروشی در چهارچوب سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بهره برد. این پژوهش به بررسی جایگاه و چالش‌های نهادی موجود در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پرداخته است. این پژوهش با مطالعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و پژوهش‌های پیشین انجام شده در حوزه گردشگری و اقتصاد مقاومتی و مصاحبه با صاحب‌نظران، چالش‌های موجود شناسایی و با روش تحلیل مضمون، مضامین ساختاری استخراج گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد کلیه چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری برای پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی به سه مضمون ساختاری (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) تقسیم شدند. از آنجایی که حوزه میراث فرهنگی و به‌خصوص گردشگری حوزه‌ای بین‌بخشی است، نهادها در سه حوزه قانون‌گذاری، اجرا و نظارت، مرتبط با مأموریت‌های این حوزه بسیار زیاد هستند چراکه حوزه گردشگری قادر است بسیاری از بخش‌های نهادی را به خود درگیر نماید.

کلیدواژه‌ها: میراث فرهنگی، گردشگری، نهادها، اقتصاد مقاومتی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2025.514436.1679

 CC BY

 OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

صنعت گردشگری یکی از مهم‌ترین صنایع در سراسر جهان است. از این جهت، اقتصاد گردشگری در کمک به رشد اقتصادی کشورها قابل توجه است (Coshall & Charlesworth, 2011). این صنعت تا حدی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها اهمیت یافته است که اقتصاددانان آن را صادرات نامرئی نام نهاده‌اند، به طوری که به‌عنوان سومین صنعت جهان، اهمیت بسیاری پیدا کرده است (هرندی و میرزائی‌ان‌خمسه، ۱۳۹۶، ص. ۸۸). گردشگری به‌عنوان رویکردی پویا و دارای ویژگی‌های بارز و منحصر به فرد، به یکی از بزرگ‌ترین و پرمفعت‌ترین صنایع در اقتصاد جهان تبدیل شده است (UNWTO, 2015, p. 2).

امروزه در کشورهای در حال توسعه نیز توسعه گردشگری و جذب گردشگر به‌طور وسیعی در حال انجام است و در دستور کار ویژه دولت‌های قرار گرفته است (Ko & Stewart, 2002, p. 23). قابل توجه است که یک ساختار اقتصادی قدرتمند پیش‌نیاز همه کشورها برای پیشرفت در زمینه‌های گوناگون است، ارزش و اهمیت این موضوع به قدری است که نظام جهانی در صدد است با به بهانه‌های سیاسی از طریق ابزارهای اقتصادی بر کشورها فشار وارد کند یا به روش‌های مختلف کشوری مثل ایران را با چالش روبه‌رو سازد. چراکه وقوع یک تکانه موجب می‌شود تا به ظرفیت‌های موجود اقتصادی خسارت وارد شود؛ اما خسارت وارده به جریان تولید کالاها و خدمات و از دست‌دادن اشتغال و درآمد می‌تواند بیشتر از خسارات اولیه باشد (Rose, 2015).

سابقه تمایل به اجرای سیاست‌های مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی را در کشورهای دیگر دنیا تا حدی می‌توان پیدا نمود. کشورهایی مثل روسیه و کره شمالی که در سالیان اخیر تحت تحریم‌های اقتصادی غرب قرار گرفته‌اند، به‌نوعی همواره در پی مقاومت‌سازی اقتصاد کشورشان بوده‌اند. مقاومت‌سازی اقتصاد در مقابل شوک‌ها، چالش‌ها، موانع و تهدیدها از جمله اقداماتی است که به‌صورت طبیعی هر کشوری در جهان با هر چهارچوب مدیریتی و نگاه فلسفی - اجتماعی به‌دنبال آن هستند، به‌عبارتی دیگر مقاومت‌سازی اقتصاد علاوه بر اینکه مبنای روایی دارد، پدیده‌ای عقلانی است که همواره در کشورهای جهان با ادبیات مختلفی مطرح بوده است. به‌طور کلی، آشنایی با تجربه کشورها در اقتصاد مقاومتی می‌تواند از تکرار اشتباه‌های آن‌ها و

به‌کارگیری روش‌های غلط با توجه به ظرفیت‌های مستعد در کشور جلوگیری کرد. که طبیعتاً صنعت گردشگری در ایران یکی از این ظرفیت‌های بالقوه برای به‌کارگیری درست منابع در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد کشور است.

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان یک سند مهم بالادستی و لازم‌الاجرا توسط دستگاه‌ها و نهادهای مربوطه به‌منظور تکثیر منابع درآمدی کشور، ایجاد اشتغال، کاهش مهاجرت به کلان‌شهرها و کاهش وابستگی کشور به نفت و مهم‌تر از همه تحقق عدالت اجتماعی تنظیم شده است. صنعت گردشگری در ایران به‌واسطه داشتن ماهیت و وجه درآمدزایی بالا و همچنین کشور ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های طبیعی و انسانی بزرگ در گردشگری داراست، می‌تواند به‌عنوان بخشی از مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در کاهش وابستگی به نفت نقش محوری ایفا نماید. از این‌رو با توجه به اینکه کشور ایران تحت تحریم‌های همه‌جانبه نظام جهانی قرار دارد و از طرفی دیگر نیز اقتصاد جهانی با بحران‌های کم‌سابقه‌ای مواجه است، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی مثل میراث فرهنگی و گردشگری اولیتی بی‌چون و چرا برای توسعه اقتصاد کشور است و بایستی در اولویت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور قرار گیرد. از طرفی نیز نهادها، به‌عنوان رکن سوم توسعه پایدار معمولاً دارای منابع و توانایی هستند که تعامل مکرر بین افراد، شرکت‌ها، گروه‌های جامعه مدنی، سازمان‌ها، حکومت‌ها و دیگر موجودیت‌های جامعه را ساختار بندی می‌کنند. ویلیامز و بومرت در زمینه ظرفیت نهادی بیان می‌کنند که این مفهوم در واقع یک محیط توانمند گسترده‌تر را بازگو می‌کند که بنیادهایی را شکل می‌دهد که بر اساس آن افراد و سازمان‌ها با هم تعاملاتی را برقرار می‌کنند (Willems & Baumert, 2003). مسئله آسیب‌شناسی گردشگری با نگاه نهادی، مسئولان را قادر می‌سازد تا مسائل در این زمینه را اولویت بندی کنند و ادراکات و انتظارات در رابطه با نقش نهادها و دستگاه‌ها در توسعه گردشگری پایدار را شناسایی نمایند تا بدین‌وسیله بتوانند شکاف بین وضع موجود و مطلوب را بهبود بخشند (موسوی، ۱۴۰۳). از این‌رو دست‌اندرکاران نظام اقتصادی کشور لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی کشور را به‌گونه‌ای طرح‌ریزی نمایند که راهی برای فشار بر کشورمان باقی نگذارند تا بتوان نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور را به حداقل ممکن رسانید. صنعت گردشگری با ماهیت اقتصادی که دارد می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای اقتصادی کشورمان در جهت تقویت سیاست‌های اقتصادی مقاومتی در کشور باشد (طلایی و عبدیان، ۱۳۹۵)؛ بنابراین برای پژوهشگران، مدیران و سیاست‌گذاران، شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم-

گیری در مورد گردشگری و اندازه‌گیری نقش و سهم عوامل آن بر سنجش اقتصادی کشور بسیار مهم است (Marrocu & et al., 2015). بدیهی است که ابعاد اقتصادی گردشگری در نتیجه برنامه‌ریزی و مدیریت در لایه‌های پنهانی حوزه گردشگری صورت می‌گیرد که دولت‌ها در این خصوص نقش اصلی را ایفا می‌کنند (لیک و مورگان، ۱۳۸۱، ص. ۷۹). پس شناسایی و پرداختن به چالش‌های مرتبط با نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری اولین و ابتدایی‌ترین مرحله برای حل مسائل مربوط به میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی مقاومتی است. چراکه چالش‌های نهادی پیش‌رو در این حوزه بسیار پیچیده‌تر از آن است که می‌توان تصور کرد. علت آن هم گستردگی حوزه گردشگری و بین‌حوزه‌ای بودن آن است.

بنابراین با توجه به مسائل اقتصادی موجود در کشور و نیاز به توجه بیشتر به چالش‌های اقتصادی از یک‌سو و از سوی دیگر ابلاغ سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)، شایسته است که در این بین به صنعت گردشگری به‌عنوان صنعتی که می‌تواند بیشترین ظرفیت ممکن را در کشور برای کم‌اثرکردن تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی کشور داشته باشد، توجه ویژه گردد که یکی از راه‌های اصلی آن بررسی چالش‌های موجود مربوط به حوزه میراث فرهنگی و گردشگری در نهادهای حاکمیتی کشور است؛ بنابراین این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و پژوهش‌های مرتبط با حوزه میراث فرهنگی و گردشگری و مصاحبه با صاحب‌نظران سیاست‌گذاری در این خصوص، چالش‌ها و ضعف‌های موجود نهادی مرتبط با حوزه میراث فرهنگی و گردشگری را شناسایی شود تا در نهایت بتوان با شناخت جامع از چالش‌های نهادی، نسبت به رفع آن برای پیشبرد اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور گام‌های عملیاتی و مؤثری برداشت.

۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- شناسایی و معرفی ابعاد اصلی چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور؛
- ۲- شناسایی و معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های تحت ابعاد اصلی چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور.

۲. اهداف پژوهش

- ۱- ابعاد اصلی چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور چیست؟
- ۲- مهم‌ترین مؤلفه‌های تحت ابعاد اصلی چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور چیست؟

۳. پیشینه پژوهش

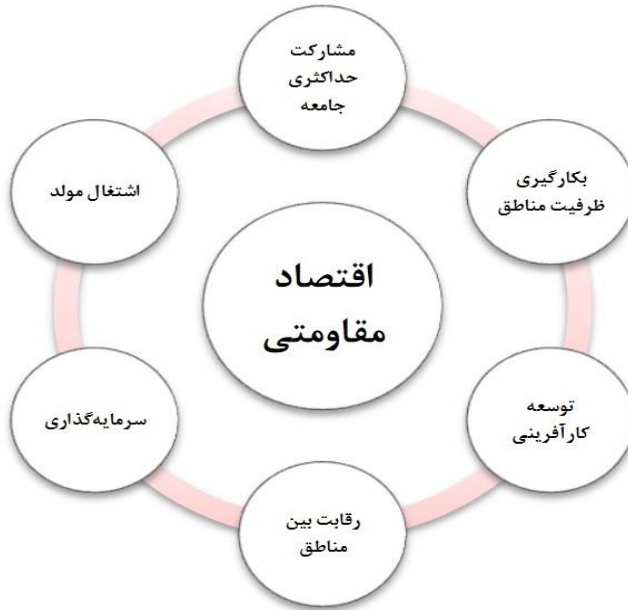
در این قسمت از مقاله به پژوهش‌های گذشته در رابطه با اقتصاد مقاومتی و میراث فرهنگی و گردشگری انجام گرفته‌اند می‌پردازیم.

محبوبه و آرزو نعیمی مجد (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی مفاهیم آینده‌پژوهی و اقتصاد مقاومتی و نقش آن در گردشگری پایدار پرداخته و گفتند با توجه به اینکه ایران به‌عنوان کشوری غنی در منابع گردشگری و به دلیل فرهنگ، تمدن، ویژگی‌های آب و هوایی که دارد و از طرفی با معضلاتی از جمله بیکاری زیاد و محدودیت توسعه گردشگری پایدار مواجه است، از این رو می‌تواند به کشوری فعال در صنعت گردشگری تبدیل شود. در نتیجه ثابت کردند که اقتصاد مقاومتی بر آینده پژوهی گردشگری و گردشگری پایدار، تأثیرات مثبت و مستقیمی دارد.

جوان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به تحلیل اثرهای گردشگری بر نواحی روستایی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی پرداختند که ۳۲۰ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب نمودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کاهش بیکاری با میانگین ۴/۳۸ بیشترین تأثیرپذیری را داشته و در میان شاخص‌های اجتماعی بهبود مسکن و بافت فیزیکی روستا با میانگین ۴/۱۱ در وضعیت مناسب‌تری از لحاظ تأثیرپذیری از فعالیت‌های گردشگری قرار گرفته است. با تحلیل اثرهای گردشگری بر نواحی روستایی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، نتیجه این شد که فعالیت‌های گردشگری در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بوده است.

رمضان‌نژاد (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان الگوی سیاست‌گذاری گردشگری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به این نتیجه رسید که تحقق اقتصاد مقاومتی در گردشگری نیازمند تدوین سیاست‌های منسجم و مناسب همسو با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. در این پژوهش با مطالعه سیاست‌های کلان بخش گردشگری، ضعف‌های موجود در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی شناسایی شد و الگویی برای

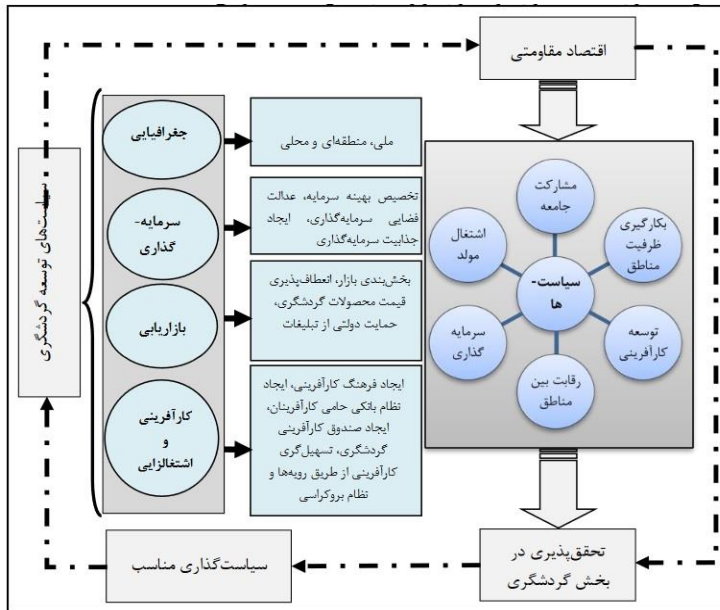
سیاست‌گذاری گردشگری ارائه گردید. با توجه به الگو، دولت باید سیاست‌های جغرافیایی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری و بازاریابی را برای توسعه و بهبود گردشگری اتخاذ کند تا گردشگری بتواند در مسیر پیشبرد اهداف توسعه‌ای اقتصاد مقاومتی قدم بردارد (نمودار ۱).



منبع: (رمضان‌نژاد، ۱۳۹۶)

نمودار (۱): سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قابل تحقق در گردشگری

درنهایت پژوهشگر به‌صورت نمودار (۲)، یک الگو برای توسعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر اساس اولویت‌های سیاستی وزارت در بخش میراث فرهنگی و گردشگری ارائه نمود.

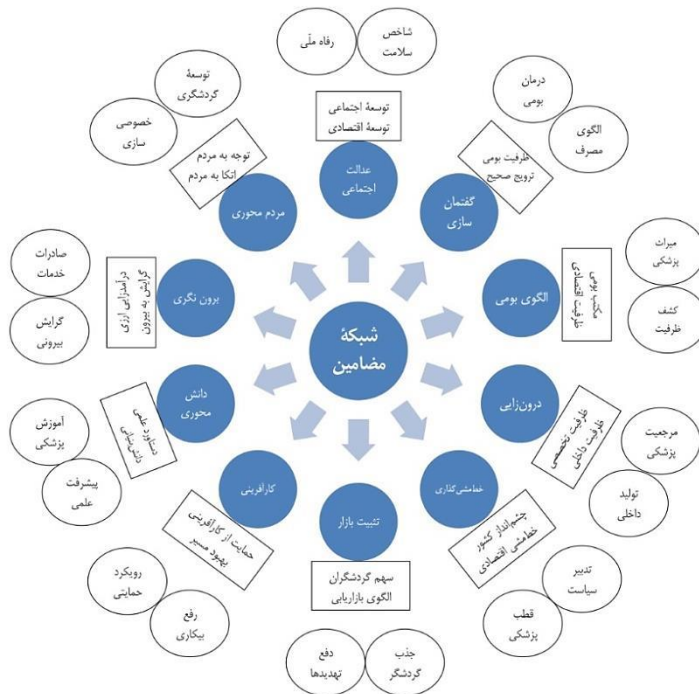


منبع: (رمضان‌نژاد، ۱۳۹۶)

نمودار (۲): الگوی سیاست‌گذاری گردشگری در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

امام‌قلی‌پور و میرزایی (۱۳۹۶)، با بررسی جایگاه گردشگری سلامت در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران بیان کردند که می‌توان با ابزار توسعه گردشگری سلامت با توجه توانایی‌ها و قابلیت‌های ایران برای جذب گردشگر درمانی به مقاومت اقتصاد افزود تا از آسیب‌ها و خطرهای مالی و سیاسی در امان باشد. همچنین با رویکرد آینده‌نگری، نشان دادند که با وجود کوچک‌بودن اقتصاد و آسیب‌پذیری ذاتی آن، می‌توان با تدوین سیاست‌های مناسب و کارساز در مقابل آسیب‌های اقتصادی غلبه کرد و در راستای توسعه قدم نهاد.

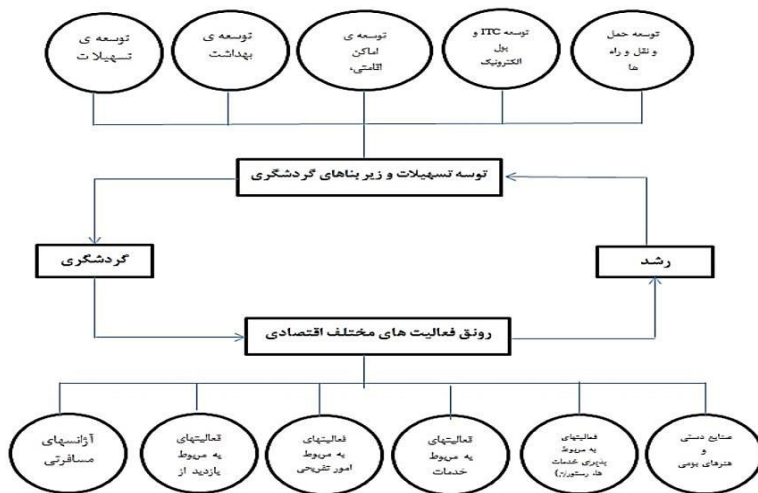
واعظی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با بررسی جایگاه گردشگری سلامت در توسعه اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش تحلیل مضمون از طریق کدگذاری مصاحبه‌ها و اسناد مکتوب ۱۰ مضمون (عدالت اجتماعی، گفتمان‌سازی، الگوی بومی، درون‌زایی، خط‌مشی‌گذاری کلان، تثبیت سهم بازار، محوریت کارآفرینی، دانش‌محوری، برون‌نگری، مردم‌محوری) استخراج نمودند و سپس به سطح‌بندی آن‌ها عدالت اجتماعی بالاترین اهمیت را کسب کرد.



منبع: (واعظی و دیگران، ۱۳۹۶)

نمودار (۳): شبکه مضامین اقتصاد مقاومتی و گردشگری سلامت

طلایی شکری و عبدیان (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان توسعه گردشگری؛ راهبردی فعال در اقتصاد مقاومتی به بررسی ظرفیت‌های گردشگری جمهوری اسلامی ایران و نقش محوری آن در کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی به‌عنوان منبعی پایدار برای کشور یاد کردند. در این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت ابعاد اقتصادی که صنعت گردشگری دارد به معرفی ظرفیت‌های این حوزه پرداختند، براین‌اساس توسعه گردشگری باعث خارج شدن کشور از نظام اقتصادی تک‌محصولی شده و درآمدهای سرشاری را بر اساس اقتصاد مقاومتی نصیب کشور می‌کند. در واقع گردشگری و ظرفیت‌های آن ابزاری برای پیاده کردن تفکر اقتصاد مقاومتی، توسعه اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی می‌شود (نمودار ۴).



منبع: (طلایی شکری و عبدیان، ۱۳۹۵)

نمودار (۴): رابطه گردشگری و توسعه اقتصاد مقاومتی

جلالی مجیدی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به بررسی نقش صنعت گردشگری سلامت به‌عنوان یکی از شاخه‌های بسیار مهم صنعت گردشگری می‌پردازند که نتایج نشان داد از برکات گردشگری سلامت برای کشور می‌توان به درآمدزایی، توسعه زیرساخت‌ها، کارآفرینی، اشتغال‌زایی و فقرزدایی که از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی می‌باشند را نام برد.

جهانیان (۱۳۹۵)، در مقاله خود به نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی پرداخت که در آن آورده است در مطالعات انجام‌شده، مشخص شد صنعت گردشگری با مدیریت دولت و هموارسازی فعالیت‌ها می‌تواند شاهد رونق گردشگری و کاهش اقتصاد کشور از وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی نفت باشد. همچنین، با بهره‌گیری از قابلیت‌های صنعت گردشگری در ایران، می‌توان در مسیر رشد و توسعه اقتصاد متکی بر منابع و ظرفیت‌های داخلی گام برداشت.

خیری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به بررسی رابطه توسعه پایدار گردشگری با امنیت سرمایه‌گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی پرداخته و بیان نمودند که گردشگری پایدار با کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی نفت و به‌عنوان پدیده‌ای که دوست‌دار محیط‌زیست است، جایگاهی خاص در بحث اقتصاد مقاومتی دارد. همچنین نتایج حاصل حاکی از آن بود که امنیت سرمایه‌گذاری عاملی مهم جهت توسعه گردشگری است و می‌توان با بهبود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور گامی مهم برای

توسعه گردشگری پایدار و نیل به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برداشت. نصرتی و بازدار (۱۳۹۳)، با بررسی رابطه صنعت گردشگری و توسعه اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی به این نتایج رسیدند که اقتصاد مقاومتی با تعریف الگوهای مناسب و منطقی از توسعه اقتصادی، مطمئن‌ترین مسیر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و گردشگری به‌عنوان یک صنعت سودآور، مهم‌ترین ابزار آن است که با شناخت کمبودهای موجود این صنعت و رفع آن‌ها زمینه کاهش اثرهای تحریم را فراهم می‌کند و جایگاه ویژه‌ای در توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داراست. همان‌طور که در پژوهش‌های گذشته و در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری و اقتصاد مقاومتی ملاحظه شد این بود که عمده پژوهش‌ها به روابط بین حوزه گردشگری و اقتصاد مقاومتی و تأثیرات آن با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و البته اقتصاد گردشگری و توسعه پایدار گردشگری تکیه دارند که به‌طور کلی باید گفت نگاه عمده این پژوهش‌ها جزئی‌نگر، تک‌بخشی و البته با تأکید مؤلفه‌ها است و کمتر به چالش‌های پیش‌رو برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری پرداخته‌اند. در حالی که در این مقاله علاوه بر نگاه جامع به حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، بر آن است تا موانع اصلی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری را از منظر نهادی بررسی نماید.

جدول (۱): پژوهش‌های گذشته در رابطه با اقتصاد مقاومتی و گردشگری

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	روش تحقیق	نتایج
آینده‌پژوهی گردشگری پایدار، رهیافتی نو در اقتصاد مقاومتی مورد مطالعه: کارشناسان صنعت گردشگری و هتلداری	محبوبه نعیمی مجد و آرزو نعیمی مجد	۱۳۹۸	توصیفی - پیمایشی	تأثیر مثبت و مستقیم اقتصاد مقاومتی بر آینده پژوهی گردشگری و گردشگری پایدار
تحلیل اثرات گردشگری بر نواحی روستایی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مورد مطالعه: نواحی روستایی	فرهاد جوان، بهمن طهماسبی و سیروس حجت	۱۳۹۸	توصیفی - تحلیلی	کاهش بیکاری، بهبود مسکن و بافت فیزیکی روستا وضعیت مناسب‌تری از لحاظ تأثیرپذیری از فعالیت‌های گردشگری قرار

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	روش تحقیق	نتایج
شهرستان رودبار				گرفته است. همراستایی فعالیت‌های گردشگری روستایی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
الگوی سیاست‌گذاری گردشگری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی	یاسر رمضان نژاد	۱۳۹۶	گردآوری و مروری	با توجه به الگو ارائه‌شده دولت سیاست‌های جغرافیایی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری و بازاریابی را باید برای توسعه گردشگری اتخاذ کند تا گردشگری بتواند در راستای پیشبرد اهداف توسعه‌ای اقتصاد مقاومتی کند.
جایگاه توریسم سلامت در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران	سارا امامقلی‌پور و نگار میرزایی	۱۳۹۶	مروری	می‌توان با ابزار توسعه توریسم سلامت با توجه توانایی‌ها و قابلیت‌های ایران برای جذب گردشگر نیازمند درمان به مقاومت اقتصاد افزود تا از آسیب‌ها و مخاطرات مالی، سیاسی در امان باشد.
جایگاه خط‌مشی گردشگری سلامت در توسعه اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی	میثم چگین، رضا واعظی، حسین اصلی‌پور	۱۳۹۶	تحلیل مضمون	پُراهمیت‌ترین مضامین براساس اظهارنظر خبرگان، عدالت اجتماعی، برون‌نگری، درون‌زایی و مردم‌محوری است.
توسعه گردشگری؛	شهاب طلایی	۱۳۹۵	مروری	توسعه گردشگری باعث

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	روش تحقیق	نتایج
راهبردی فعال در اقتصاد مقاومتی	شکری، صبا عبدیان			خارج شدن کشور از نظام اقتصادی تک محصولی شده و درآمدهای سرشاری را نصیب کشور می کند، گردشگری و ظرفیت های آن ابزاری برای پیاده کردن تفکر اقتصاد مقاومتی، توسعه اشتغال، جذب سرمایه و توسعه سایر بخش های اقتصادی کشور.
نقش گردشگری سلامت در تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی	محسن جلالی مجیدی، حمید کفشکنان و محمد رضا غلامی	۱۳۹۵	مروری	درآمدزایی، توسعه زیرساخت ها، کارآفرینی، اشتغال زایی و فقرزدایی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی.
نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی	منوچهر جهانیان	۱۳۹۵	کیفی - توصیفی	صنعت گردشگری با مدیریت دولت و هموارسازی فعالیت ها می تواند شاهد رشد گردشگری و کاهش اقتصاد کشور از وابستگی به اقتصاد تک محصولی نفت باشد.
بررسی رابطه توسعه پایدار گردشگری با امنیت سرمایه گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی	محمد خیری، هادی اسماعیل پور مقدم و وحید دهباشی	۱۳۹۵	روش خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDI)	گردشگری پایدار با کاهش وابستگی به نفت و به عنوان پدیده های دوست دار محیط زیست جایگاهی خاص در بحث اقتصاد مقاومتی دارد و می توان با بهبود امنیت سرمایه گذاری در کشور گامی مهم برای

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	روش تحقیق	نتایج
				توسعه گردشگری پایدار و نیل به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برداشت.
رابطه صنعت گردشگری و توسعه اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی	شهریار نصرتی و شهناز بازدار	۱۳۹۳	توصیفی-تحلیلی	گردشگری به‌عنوان یک صنعت سودآور، مهم‌ترین ابزار اقتصاد مقاومتی است که با شناخت کمبودهای موجود این صنعت و رفع آن‌ها زمینه کاهش اثرهای تحریم را فراهم می‌کند.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. اقتصاد مقاومتی

واژه «اقتصاد مقاومتی» سابقه‌ای در ادبیات اقتصادی جهان ندارد؛ اما مفاهیمی نزدیک به آن و البته متفاوت با آن را شاید بتوان در ادبیات اقتصادی جهان پیدا نمود. واژه‌هایی مانند اقتصاد جنگی یا اقتصاد ریاضتی یا تاب‌آوری اقتصادی.

به گفته متخصصان، اقتصاد مقاومتی فقط شامل راهبردهایی نیست که صرفاً در زمان فشار یا تهدید دشمن راهگشا باشد یا فقط به‌عنوان یک راهبرد برای مقابله با تحریم مطرح شود. طبق تعریف صاحب‌نظران، اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد فعال و پویا در مقابل یک اقتصاد منفعل و بسته است. اقتصاد مقاومتی برای رفع موانع پیشرفت و تلاش در مسیر حرکت تعریف می‌شود. به عقیده آن‌ها، می‌توان اقتصاد مقاومتی توان از عهده برآمدن معنی کرد. یعنی در تعریف، اقتصادی را مقاوم گویند که بتواند از شوک‌های وارده به آن جلوگیری کرد و احتمال عمیق‌تر شدن بحران مالی و آثار بحرانی را در آن به حداقل رساند.

اقتصاد مقاومتی آنچنان اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نااطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلایای طبیعی را در خود ایجاد کرده است و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفائی خود در حد قابل‌قبولی ادامه داده و به‌سرعت به‌سوی تعادل پایدار اولیه

بازگردد (نوفرستی، ۱۳۹۵).

پوریان (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی را مشارکت مردم در اقتصاد دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد که مقاوم‌سازی آحاد جامعه تنها با شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن کاهش انواع فسادهای اقتصادی و اجتماعی ایجاد خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار مثل تحریم‌ها و تلاش برای کنترل و کم اثر کردن آن و در ادامه در شرایط ایدئال تبدیل این فشارها به فرصت است که باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و لازمه چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش در جهت خودکفا شدن است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

در اقتصاد مقاومتی، دو رویکرد درون‌زا و برون‌نگر به اقتصاد وجود دارد. در نگاه درون‌زا، به بهره‌برداری حداکثری با بهره‌وری بالا از ظرفیت‌ها و مزیت‌های درونی اقتصاد کشور، در حکم عوامل اصلی ثبات و رشد اقتصادی داخلی، توجه می‌شود. در نگاه برون‌نگر، به استفاده حداکثری از فرصت‌های موجود در دنیا، به‌منظور پیشبرد اهداف اقتصاد ملی کشور، تأکید می‌گردد که در سه حوزه دانش فنی، سرمایه و بازار مورد توجه قرار می‌گیرد (نیلی، ۱۳۹۳).

جدول (۲): رویکردهای درون‌زا و برون‌نگر در اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی	
اقتصاد دانش‌بنیان توسعه بخش نفت و گاز و زنجیره ارزش آن تقویت نظام مالی کاهش وابستگی بودجه نفت	درون‌زا
برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی توسعه دیپلماسی اقتصادی تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات	برون‌نگر

منبع: (نیلی، ۱۳۹۳)

۲-۴. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ گردید. سیاست‌های

کلی ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

- ۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- ۲- پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
- ۳- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
- ۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- ۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
- ۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- ۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
- ۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
- ۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
- ۱۰- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش‌افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
 - تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم؛

- گسترش خدمات تجاری و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز؛
 - تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات؛
 - برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه؛
 - استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالاها و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
- ۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان؛
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی؛
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- ۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی؛
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش؛
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛
 - افزایش صادرات گاز؛
 - افزایش صادرات برق؛
 - افزایش صادرات پتروشیمی؛
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی؛
- ۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز به‌ویژه در میادین مشترک.
- ۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدهای دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش‌افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب؛

- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن؛

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳- شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.^۱

۳-۴. مجمع تشخیص مصلحت نظام

یکی از نهادهای اصلی و تأثیرگذار در سیاست‌گذاری و در حوزه سیاست‌های کلی نظام، مجمع تشخیص مصلحت نظام است؛ بنابراین با توجه به وظایف محول شده به این مجمع در قانون اساسی و احکام صادره از سوی مقام معظم رهبری،

۱. متن سند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.

مأموریت‌های کلان مجمع در شرایط عادی کشور، عبارت‌اند از:

- تدوین سیاست‌های کلی نظام با تبیین وضع موجود کشور؛
- نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام با طراحی شاخص‌های مربوطه و ارزیابی عملکرد نهادهای مرتبط؛
- تشخیص مصلحت (حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان)؛
- پیشنهاد چگونگی حل معضلات نظام به مقام معظم رهبری؛
- ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در امور ارجاعی از سوی ایشان.^۱

کمیسیون‌های تخصصی: به‌منظور فراهم‌آوردن اطلاعات دقیق مربوط به مباحث و مسائلی که در مجمع مطرح می‌شوند و آماده‌سازی آنها برای تصمیم‌گیری و نیز بهره‌گیری کامل از آخرین فرآورده‌های کارشناسی دستگاه‌های مسئول دولتی و استفاده از پژوهش‌های کاربردی، توسعه‌ای و بنیادی مؤسسات پژوهشی کشور، کمیسیون‌های تخصصی دائمی و نیز کمیسیون‌های خاص مرکب از اعضاء تشکیل می‌گردد... کمیسیون‌ها می‌توانند در صورت نیاز کمیسیون‌های فرعی مرکب از چند تن از اعضاء خود، تشکیل دهند.^۲ بنابراین بر اساس ۵ مأموریت گفته شده در بالا هر یک از کمیسیون‌های مجمع وظایفی را عهده‌دار هستند که متناظر با کمیسیون دائمی و براساس ماده ۳۳ آیین‌نامه داخلی به‌منظور ارزیابی گزارش‌های دستگاه‌های مسئول دولتی و تهیه گزارش‌های کارشناسی لازم جهت طرح در کمیسیون اصلی تشکیل شده است. به‌طور کلی این کمیسیون‌های تخصصی مجمع شامل موارد زیر می‌باشد:

- کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی
- کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی
- کمیسیون زیربنایی و تولیدی
- کمیسیون اقتصادی، بازرگانی و اداری
- کمیسیون حقوقی و قضائی.

هیئت عالی نظارت: همچنین هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نیز، بر اساس اختیاری که رهبری مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی به آن تفویض کرده‌اند، وظیفه نظارت بر تطابق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام را دارد و نهادی کاملاً قانونی است. بر اساس تفویض صورت گرفته، وظیفه نظارت بر حُسن اجرای

۱. تارنمای مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. آیین‌نامه داخلی جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۳ ماده ۴.

سیاست‌های کلی نظام توسط «هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» انجام می‌شود که در این هیئت، رئیس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریاست و دبیری هیئت عالی را بر عهده دارند.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش برای انجام کار از روش تحلیل مضمون که یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی است، استفاده شده است. برای استخراج شاخص‌ها، از نتایج پژوهش‌های گذشته در حوزه گردشگری و اقتصاد مقاومتی و متن سیاست‌ها و قوانین مرتبط با اقتصاد مقاومتی و همچنین مصاحبه از صاحب‌نظران سیاست‌گذاری استفاده شده است. با توجه به اینکه هدف پژوهش، اکتشافی است و به دنبال ساخت مفاهیم، الگوها و چهارچوب‌ها است، یافته‌های ما مشخص نیست.

تحلیل مضمون، روشی متداول در پژوهش‌های کیفی است که در آن الگوهای معنایی در داده‌ها شناسایی، تحلیل و تفسیر می‌شوند. این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا مجموعه داده خود را به‌طور سازمان‌یافته بررسی کنند. در میان رویکردهای مختلف به تحلیل مضمون، فرایند شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ به دلیل انعطاف‌پذیری و جامع بودن، مورد توجه پژوهشگران است. این فرایند چهارچوب ساختاریافته‌ای را برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا بتوانند پیچیدگی داده‌های خود را مرور کنند و تم‌ها یا همان مضمون‌های معنادار را استخراج کنند (Braun & Clarke, 2006). از آنجاکه روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن انجام می‌شود. در واقع محقق با طی کردن مسیر رفت‌و برگشتی درون متن، متون ناسازگار و متناقض را کنار می‌گذارد. این مسیر تا جایی ادامه می‌یابد که درک قابل‌قبولی از متن ایجاد شود که کمترین تناقض درونی را دارد (Patton, 2002, p. 141) که در این پژوهش سعی شده است ابتدا از سند اقتصادی مقاومتی و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های قبلی در حوزه اقتصادی مقاومتی و گردشگری که محدود هم هستند استفاده شود و در کنار آن نیز نظرهای کارشناسی مصاحبه‌شوندگان (کارشناسان و مسئولان سیاست‌گذاری گردشگری) نیز اضافه گردد تا مفاهیم و مضامین پایه و ساختار یافته در خصوص چالش‌های نهادی در حوزه اقتصادی مقاومتی و گردشگری استخراج گردد.

همچنین در این پژوهش برای سنجش ضریب قابلیت اعتماد از آلفای کربندورف استفاده شده است، چراکه برای حجم نمونه‌ای نسبتاً کوچک قابل انعطاف و

1. Braun and Clarke

به‌کارگیری است. این مقدار آلفا از طریق کسر عدد یک از عدم درصد عدم توافق مشاهده شده بر عدم توافق مورد انتظار به‌دست می‌آید. این ضریب برای اکثر پژوهش‌های عددی بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است؛ اما برای پژوهش‌هایی که اولین‌بار مفاهیمی نوین را وارد عرصه تحلیل می‌نمایند، سطح پذیرش کمتری در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین برای این اساس آلفای مورد پذیرش باید حداقل مقدار ۰,۷ باشد که در این پژوهش مقدار آلفا ۰,۸۸ به‌دست آمد.

۶. یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی سند اقتصاد مقاومتی و پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص اقتصاد مقاومتی و میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان و کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری گردشگری، ۱۵۰ کد از متن استخراج گردید. از این تعداد، شامل ۲۴ مضمون پایه و ۳ مضمون ساختاری (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) است که تحت مضمون فراگیر چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استخراج گردیده است؛ بنابراین در پاسخ به پرسش اول می‌توان این‌گونه بیان داشت که ابعاد اصلی چالش‌های نهادی شامل سه بُعد اصلی (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) است، همچنین در پاسخ به پرسش دوم نیز می‌توان ۲۴ مضمون پایه را تحت سه بُعد اصلی (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) از مهم‌ترین مؤلفه‌های چالش‌های نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور معرفی نمود که در ادامه و در جداول ذیل به‌صورت کدهای باز، مضامین پایه و ساختاری (اصلی) آمده است.

جدول (۳): بخشی از کدهای باز استخراج شده از متن مصاحبه‌های انجام‌شده از چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

ردیف	متن	کد
۱	قانونی شفاف و محکم برای حمایت از تولیدکننده محصولات (صنایع دستی، سوغات و...) در صنعت گردشگری وجود ندارد.	نبود قانونی شفاف جهت حمایت از تولیدکنندگان صنایع دستی
۲	سیاست‌های توسعه گردشگری کشور با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همسویی درستی نداشته و در یک راستای مشخص قرار ندارد.	عدم همسویی سیاست‌های گردشگری با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
۳	قانون بیمه راهنمایان گردشگر در کشور مورد	عدم پوشش همگانی بیمه

ردیف	متن	کد
	پوشش همگانی قرار نمی‌گیرد و بسیاری از راهنمایان تحت هیچ‌گونه بیمه‌ای مشغول فعالیت هستند.	راهنمایان گردشگر
۴	به اقتصاد میراث فرهنگی (میراث آبی، میراث طبیعی و...) در کشور توجه لازم نمی‌شود.	عدم توجه به اقتصاد میراث فرهنگی
۵	به توسعه گردشگری داخلی در برنامه‌های توسعه‌ای گردشگری کشور توجه کافی نشده است.	عدم توجه به توسعه گردشگری داخلی در برنامه‌های توسعه‌ای
۶	قانونی هماهنگ و نظام‌مند برای توسعه گردشگری سلامت وجود ندارد.	نبود قانونی هماهنگ جهت توسعه گردشگری سلامت
۷	قانونی شفاف برای حمایت از سرمایه‌گذار در این حوزه به‌خصوص سرمایه‌گذار داخلی در کشور وجود ندارد.	عدم حمایت قانونی از سرمایه‌گذار گردشگری
۸	حمایت مادی و معنوی از تولیدکنندگان صنایع دستی و سوغات در کشور انجام نمی‌شود.	عدم حمایت از مادی و معنوی از تولیدکنندگان صنایع دستی
۹	دولت از تشکلهای خصوصی و مردمی گردشگری و ظرفیت‌های آن‌ها در اشتغال‌زایی و کاهش فقر بهره‌ای نمی‌برد.	عدم استفاده از ظرفیت اقتصادی تشکلهای گردشگری
۱۰	به ظرفیت فرهنگی و اجتماعی عظیم انسانی در سفرهای داخلی و تحقق عدالت اجتماعی در این خصوص توجه لازم صورت نمی‌گیرد.	بی‌توجهی به ظرفیت فرهنگی و اجتماعی سفرهای داخلی
۱۱	به ظرفیت دیپلماسی عمومی و نقش آن در پیشبرد هدف‌های اقتصادی مقاومتی بی‌توجهی می‌شود.	بی‌توجهی به ظرفیت دیپلماسی عمومی گردشگری
۱۲	جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری به‌درستی و شفاف در سند اقتصاد مقاومتی برای فعالان این حوزه تبیین و تفسیر نشده است.	عدم تبیین شفاف جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری در سند اقتصاد مقاومتی
۱۳	بخش عظیمی از ظرفیت‌های مناطق آزاد تجاری - صنعتی در توسعه گردشگری به‌خصوص در مناطق کمتر توسعه‌یافته تر در وضعیت بسیار منفعلی به سر می‌برند.	انفعال ظرفیت مناطق آزاد تجاری - صنعتی در گردشگری

ردیف	متن	کد
۱۴	از آموزش تفکر اقتصاد مقاومتی برای فعالان این حوزه و تبیین نقش آن در کارآفرینی بخش گردشگری و صنایع دستی بی توجهی زیادی صورت گرفته است.	عدم تبیین تفکر اقتصاد مقاومتی در میان بخش خصوصی گردشگری
۱۵	بخش زیادی از میراث فرهنگی دارای ظرفیت بالا جذب گردشگر در کشور توجه نشده و عملاً رهاسازی شده است.	رهاسازی بخش زیادی از میراث فرهنگی کشور
۱۶	الگو واحد و منسجم در حوزه بازاریابی مقاصد مختلف گردشگری کشور تعریف نشده و عملاً وجود ندارد.	نبود الگویی واحد و منسجم برای بازاریابی مقاصد گردشگری
۱۷	به بازاریابی گردشگری در مقاصد گردشگری کشور به ویژه کمتر توسعه یافته توجه چندانی صورت نمی گیرد.	توجه کمتر به بازاریابی مقاصد کمتر توسعه یافته گردشگری
۱۸	نقش و مسئولیت مشخصی برای وزارت بهداشت و وزارت گردشگری در بحث توسعه گردشگری سلامت با توجه به درآمدزایی بالا آن به درستی تعیین نشده است.	عدم تعیین نقش های وزارت بهداشت و گردشگری در توسعه گردشگری سلامت
۱۹	عدم توجه به ظرفیت های گردشگری رویداد در کشور با توجه به ظرفیت های عظیم فرهنگی که کشور در کشور وجود دارد، بی توجهی شده است.	عدم توجه به ظرفیت گردشگری رویداد
۲۰	دستگاه قضایی بر آسیب ها و مخاطراتی که متوجه کارآفرینان و مالکان تأسیسات گردشگری است به اندازه کافی توجه و نظارت لازم جهت حمایت از آنها را نداشته است.	عدم نظارت بر حمایت کافی از کارآفرینان گردشگری
۲۱	بر دلان صنعت گردشگری به ویژه در بخش گردشگری سلامت نظارت لازم و کافی صورت نمی گیرد.	عدم نظارت کافی بر دلان گردشگری سلامت
۲۲	فضای مجازی در حوزه گردشگری رها شده است و نظارت لازم بر فعالان غیرمجاز آن در توسعه گردشگری پایدار صورت نگرفته است.	عدم نظارت کافی بر فعالیت فعالان غیرمجاز گردشگری در فضای مجازی

ردیف	متن	کد
۲۳	حمایت لازم از سرمایه‌گذار واقعی توسط دولت صورت نمی‌گیرد و عملاً سرمایه‌گذار به حال خود رها شده است.	عدم نظارت بر حمایت کافی از سرمایه‌گذاری
۲۴	نظارت دقیق و کافی بر سوءاستفاده دلالتان از حمایت‌های مادی دولت در زمینه سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری صورت نمی‌گیرد.	عدم نظارت بر دلالتان به ظاهر سرمایه‌گذار

منبع: (محقق ساخته)

جدول (۴): مضمون‌های پایه و سازمان‌دهنده از کدهای باز مربوط به چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

ردیف	کد	مضمون پایه	مضمون ساختاری
۱	نبود قانونی شفاف جهت حمایت از تولیدکنندگان صنایع دستی	ضعف قوانین حمایتی	چالش‌های قانون‌گذاری
۲	عدم همسویی سیاست‌های گردشگری با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	ضعف قوانین سیاستی	چالش‌های قانون‌گذاری
۳	عدم پوشش همگانی بیمه راهنمایان گردشگر	ضعف حمایت غیراقتصادی	چالش‌های قانون‌گذاری
۴	عدم توجه به اقتصاد میراث فرهنگی	ضعف قوانین توسعه‌ای	چالش‌های قانون‌گذاری
۵	عدم توجه به توسعه گردشگری داخلی در برنامه‌های توسعه‌ای	ضعف قوانین توسعه‌ای	چالش‌های قانون‌گذاری
۶	نبود قانونی هماهنگ جهت توسعه گردشگری سلامت	ضعف قوانین توسعه‌ای	چالش‌های قانون‌گذاری
۷	عدم حمایت قانونی از سرمایه‌گذار گردشگری	ضعف قوانین حمایتی	چالش‌های قانون‌گذاری
۸	عدم حمایت از مادی و معنوی از تولیدکنندگان صنایع دستی	ضعف حمایت اقتصادی	چالش‌های اجرا
۹	عدم استفاده از ظرفیت اقتصادی تشکل‌های گردشگری	ضعف حمایت غیراقتصادی	چالش‌های اجرا
۱۰	بی‌توجهی به ظرفیت فرهنگی و اجتماعی	ضعف آموزش و	چالش‌های اجرا

مضمون ساختاری	مضمون پایه	کد	ردیف
	فرهنگ سازی	سفرهای داخلی	
چالش‌های اجرا	ضعف حمایت غیراقتصادی	بی‌توجهی به ظرفیت دیپلماسی عمومی گردشگری	۱۱
چالش‌های اجرا	ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی	عدم تبیین شفاف جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری در سند اقتصاد مقاومتی	۱۲
چالش‌های اجرا	ضعف حمایت اقتصادی	انفعال ظرفیت مناطق آزاد تجاری - صنعتی در گردشگری	۱۳
چالش‌های اجرا	ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی	عدم تبیین تفکر اقتصاد مقاومتی در میان بخش خصوصی گردشگری	۱۴
چالش‌های اجرا	ضعف حمایت اقتصادی	رها سازی بخش زیادی از میراث فرهنگی کشور	۱۵
چالش‌های اجرا	ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی	نبود الگویی واحد و منسجم برای بازاریابی مقاصد گردشگری	۱۶
چالش‌های اجرا	ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی	توجه کمتر به بازاریابی مقاصد کمتر توسعه یافته گردشگری	۱۷
چالش‌های اجرا	ضعف حمایت غیراقتصادی	عدم تعیین نقش‌های وزارت بهداشت و گردشگری در توسعه گردشگری سلامت	۱۸
چالش‌های اجرا	ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی	عدم توجه به ظرفیت گردشگری رویداد	۱۹
چالش‌های نظارت	ضعف نظارت اقتصادی	عدم نظارت بر حمایت کافی از کارآفرینان گردشگری	۲۰
چالش‌های نظارت	ضعف نظارت اقتصادی	عدم نظارت کافی بر دلان گردشگری سلامت	۲۱
چالش‌های نظارت	ضعف نظارت قانونی	عدم نظارت کافی بر فعالیت فعالان غیرمجاز گردشگری در فضای مجازی	۲۲
چالش‌های نظارت	ضعف نظارت اقتصادی	عدم نظارت بر حمایت کافی از سرمایه‌گذاری	۲۳
چالش‌های نظارت	ضعف نظارت اقتصادی	عدم نظارت بر دلان به ظاهر سرمایه‌گذار	۲۴

منبع: (محقق ساخته)

در بررسی کدهای به‌دست‌آمده کلیه چالش‌های نهادی که در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری برای پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی وجود دارد، به سه مضمون ساختاری (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) تقسیم شدند که هر یک از این مضامین ساختاری نیز به‌نوبه‌خود شامل مضامین پایه‌ای در خصوص قانون‌گذاری (ضعف قوانین حمایتی، ضعف قوانین توسعه‌ای، ضعف قوانین سیاستی)، اجرا (ضعف حمایت اقتصادی، ضعف حمایت غیراقتصادی، ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی) و نظارت (ضعف نظارت اقتصادی، ضعف نظارت قانونی) می‌باشند.

آنچه از مهم‌ترین موارد در مضامین پایه به‌دست آمده است در حوزه قانونگذاری دیده نشدن یا ضعیف‌بودن عبارت‌های حمایتی در خصوص مشکلات بخش میراث فرهنگی و گردشگری که لازم است در این خصوص تجدیدنظر صورت گیرد به‌طوری‌که با ارتباط مناسب با نخبگان و تشکل‌های گردشگری می‌توان خلاهای موجود در این خصوص را پیدا کرد؛ همچنین نبود نگاه توسعه‌محور در حوزه گردشگری به‌خصوص حوزه‌های مغفول مثل گردشگری سلامت از جمله موارد قابل توجه به‌دست‌آمده یافته‌ها است. نبود یا ضعف قوانین بازدارنده یا عدم شفافیت قوانین حوزه گردشگری نیز فعالان گردشگری را دچار سردرگمی فراوان کرده است. در ادامه نیز بحث آموزش و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی در میان فعالان بخش گردشگری هست و اصولاً این مهم نیاز به هماهنگی مجریان دولتی گردشگری با نهادهای اقتصادی در خصوص آموزش و فرهنگ‌سازی فعالان بخش میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در خصوص آشنایی با ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی در کشور دارد. از دیگر مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ضعف نظارت‌های اقتصادی در حوزه گردشگری است که عرصه را برای جولان دلالان این حوزه باز نموده و فعالان حقیقی و مردمی این حوزه را بی‌انگیزه کرده است که لازم است نهادهای نظارتی متولی در این خصوص وارد عمل شده و افراد مستحق حمایت در حوزه گردشگری با از افراد دلال جدا نمایند. در مجموع حوزه گردشگری امروزه دارای ظرفیت‌های فراوانی مثل گردشگری رویداد، سلامت، گردشگران کشورهای همسایه، صنایع دستی که بازار بسیاری در جهان دارد که همه‌وهمه این موارد لازمه یک ظرفیت دیپلماسی خوب در منطقه به‌خصوص کشورهای همسایه است که می‌تواند نه تنها راهگشای مسائل اقتصادی گردشگری بلکه اقتصاد کشور باشد؛ بنابراین با درک بهتر چالش‌های نهادی میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌توان در خصوص هر یک از چالش‌های به‌دست‌آمده خلأها را بهتر درک کرد و برای

پیشگیری یا اصلاح وضع موجود خطمشی‌های بهتر و اصلاحی را منتظر با هریک از چالش‌های موجود و ضعف‌های شناسایی شده ارائه نمود.

۷. نهادهای اثرگذار در توسعه میراث فرهنگی و گردشگری بر اساس اقتصاد مقاومتی

در رابطه با نهادهای مؤثر در تقویت جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از کدهای باز و مضامین پایه ساختاری می‌توان این نهادها را به سه بخش اصلی حوزه قانون‌گذاری، اجرا و نظارت تقسیم‌بندی نمود:

۱- در حوزه قانون‌گذاری می‌توان از در مجلس شورای اسلامی از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، به‌طور تخصصی‌تر فراکسیون فرهنگی و گردشگری مجلس شورای اسلامی و از کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نام برد. در مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توان از کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام و کمیسیون اقتصادی، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام را نام برد.

۲- در حوزه اجرا در قوه مجریه، وزارت‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و ادارات کل استانی آن، وزارت کشور شامل استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها، نهادهای انتظامی، وزارت خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان ارتباطات اسلامی نام برد. همچنین نهادهای مالی و اقتصادی وابسته به دولت مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، بیمه‌ها در این رده قرار می‌گیرند.

۳- در نهایت در حوزه نظارت در درجه اول هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه قضائیه و نهادهای وابسته به آن و شورای نگهبان قانون اساسی، همچنین کمیسیون اصل نود مجلس، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان برنامه و بودجه کشور از نهادهای مؤثر در این حوزه می‌توان نام برد.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که حوزه میراث فرهنگی و بخصوص گردشگری حوزه‌ای بین‌بخشی است، نهادهای درگیر و ذی‌نفع با مأموریت‌های این حوزه بسیار زیاد هستند چراکه اثرگذاری و اثرپذیری در این حوزه در بسیاری از بخش‌های نهادی را به خود درگیر می‌نماید. با

توجه به چالش‌های سه‌گانه به‌دست آمده (قانون‌گذاری، اجرا و نظارت) در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد اهداف کلان اقتصاد مقاومتی، از این منظر بسیاری از چالش‌هایی که وجود دارد را می‌توان در بحث قانون‌گذاری در خلأ قوانین محکم و شفاف و درعین حال قوانینی منسجم و کارا در راستای حمایت و توسعه میراث فرهنگی و گردشگری در کشور پیدا نمود. ضعف قوانین در خصوص ظرفیت‌های توسعه گردشگری و بی‌توجهی به زمینه‌های بالقوه فراوان این حوزه در توسعه اهداف اقتصادی کشور از چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری و قوانین بالادستی است.

همچنین عدم حمایت‌های معنوی و مادی از گردشگری و فعالان این حوزه بخشی از چالش‌های موجود در این صنعت است که دولت‌های مختلف در این زمینه معمولاً به وظایف قانونی خود به‌درستی عمل نکرده‌اند و فعالان این حوزه را در انجام امور خود دچار مشکلات متعددی کرده‌اند. از طرفی نیز تضاد ذی‌نفعان نهادی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری نیز در بخش اجرا نمود بسیاری داشته و مشکل عدیده این حوزه برای به فعلیت‌رسانیدن ظرفیت‌های گردشگری کشور بوده است. در کنار آن نیز مسئله آموزش و فرهنگ‌سازی مورد بی‌توجهی و بی‌مهری وزارت میراث فرهنگی قرار گرفته چراکه این موضوع از ارکان اولیه برای پیشرفت اقتصاد گردشگری است. مسئله فرهنگ‌سازی و آموزش تخصصی فعالان و مردم در خصوص فواید گردشگری بر اقتصادی داخلی کشور می‌تواند به بقا و رشد گردشگری در تمامی ارکان و جغرافیای کشور مان کمک کند.

در بحث نظارت نیز ضعف‌هایی وجود دارد که ناشی از عدم نظارت دقیق و کافی از سوءاستفاده‌هایی برخی افراد است که به نام توسعه میراث فرهنگی و گردشگری در کشور انجام می‌شود؛ اما در اصل بیشتر جنبه سودجویی فراتر از قانون دارد، حتی خود دولت‌ها نیز بعضاً مورد نظارت کافی برای صرف بودجه‌ها و حمایت‌هایی که باید انجام دهند قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین توجه نهادهای مربوطه درباره رعایت قوانین و کنترل این موضوع یکی از اولویت‌های دستگاه‌های نظارتی باشد تا جلو دورزدن قانون و تضییع حقوق فعالان واقعی گردشگری گرفته شود.

پیشنهادات سیاستی

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش جهت بهبود وضعیت نهادی جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیشنهادات ذیل برای سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان کشور ارائه می‌شود:

- ۱- در خصوص ضعف قوانین پیشنهاد استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و نخبگانی گردشگری در امور مربوط به قانون گذاری و سیاست گذاری گردشگری می شود.
- ۲- در راستای توجه بر ظرفیت های پنهان گردشگری در اقتصاد، استخراج حساب های اقماری گردشگری و تبیین نقش گردشگری در اقتصاد کشور توسط وزارت میراث فرهنگی و گردشگری پیشنهاد می گردد.
- ۳- در راستای آموزش و فرهنگ سازی، آموزش و توانمندسازی نیروهای مستعد و فعال بومی در حوزه گردشگری در استان ها هم در حوزه تخصصی و هم حوزه عمومی (رفتار با گردشگر) پیشنهاد می شود.
- ۴- تقویت جایگاه میراث فرهنگی و گردشگری در اسناد بالادستی و توسعه کشور، ضعف قوانین شفاف و محکم در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری را پوشش می دهد.
- ۵- تدوین قوانین حقوقی بازدارنده جهت نظارت قضایی بر تخلفات صورت گرفته دلالتان صنعت گردشگری جلوی سوءاستفاده ها برخی افراد و زیاده خواهی سودجویان را می گیرد.
- ۶- ایجاد کارگروه هایی برای نظارت مستمر بر فعالان گردشگری و تأسیسات گردشگری در کشور زمینه نظارت دقیق، دائمی و مردمی در استان ها را فراهم می کند.
- ۷- ارائه تسهیلات مالی کم بهره برای فعالان معرفی شده توسط ادارات کل میراث فرهنگی و گردشگری استان ها باعث می شود که بودجه در مسیر درست خود و متناسب و سیاست ها و قوانین حوزه گردشگری مصرف گردد.
- ۸- انعطاف پذیری لازم قوانین حوزه میراث فرهنگی و گردشگری جهت افزایش کارآمدی بخش خصوصی از جمله حمایت های غیراقتصادی و اساسی است که جهت پیشبرد کسب و کارهای کوچک و مردمی گردشگری لازم است.
- ۹- حذف مقررات و قوانین زاید و کم اهمیت برای تسهیل گردشگری نیز از دیگر حمایت های غیراقتصادی می باشد.
- ۱۰- الزام دفتر هماهنگی استان های وزارت به ابلاغ و دریافت طرح جامع و تفصیلی گردشگری استان ها نیز در راستای معرفی اولویت های اقتصادی گردشگری مؤثر است.
- ۱۱- ایجاد فضایی امن اجتماعی و اقتصادی برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی (به ویژه کشورهای دوست و همسایه) نیز از جمله مهم ترین بخش های حمایت اقتصادی تولید در بخش میراث فرهنگی و گردشگری می باشد.
- ۱۲- حذف عوارض و ایجاد بسته های تشویقی برای سرمایه گذاران خصوصی تأسیسات گردشگری در مقاصد گردشگری کمتر توسعه یافته نیز باید در بحث حمایت های اقتصادی و قوانین حمایتی مورد توجه سیاست گذاران و مجریان و برنامه ریزان گردشگری قرار گیرد.

فهرست منابع

- سند اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲).
- امامقلی‌پور، سارا و میرزایی، نگار (۱۳۹۶). جایگاه توریسم سلامت در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران. یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران.
- پوریان، حیدر (۱۳۹۵). مثلث مسئولیت‌های اقتصاد مقاومتی. ماهنامه اقتصاد ایران، سال نوزدهم؛ (۲۰۷).
- جلالی مجیدی، محسن؛ کفشکنان، حمید و غلامی، محمدرضا (۱۳۹۵). نقش گردشگری سلامت در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کنفرانس جامع علوم مدیریت و حسابداری، تهران.
- جوان، فرهاد؛ طهماسی، بهمن و حجت، سیروس (۱۳۹۷). تحلیل اثرات گردشگری بر نواحی روستایی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان رودبار). پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۳(۲)، ۱۰۵-۱۲۰.
- جهانیان، منوچهر (۱۳۹۵). نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی. گردشگری و توسعه، ۵(۳)، ۱۵۶-۱۷۷.
- چگین، میثم؛ واعظی، رضا و اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۶). جایگاه خط‌مشی گردشگری سلامت در توسعه اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی. مدیریت دولتی، ۹(۴)، ۶۴۱-۶۶۴.
- خیری، محمد؛ اسماعیل‌پور مقدم، هادی و دهباشی، وحید (۱۳۹۵). بررسی رابطه توسعه پایدار گردشگری با امنیت سرمایه‌گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۶(۲۵)، ۱۵-۲۸.
- رمضان‌نژاد، یاسر (۱۳۹۶). الگوی سیاست‌گذاری گردشگری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۵(ویژه نامه اقتصاد مقاومتی)، ۴۱-۶۰.
- طلایی شکر، شهاب و عبدیان، صبا (۱۳۹۵). توسعه گردشگری، راهبردی فعال در اقتصاد مقاومتی. اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی.
- فشاری مجید و پورغفار جواد (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۴(۵ و ۶)، ۲۹-۴۰.
- لیک، دیوید ام. و مورگان، پاتریک (۱۳۸۱). نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهان نوین. ترجمه سیدجلال دهقان، تهران: نشر مرکز مطالعات راهبردی.

موسوی، سید محمد (۱۴۰۳). توسعه پایدار گردشگری بر اساس عامل نهادی (مورد مطالعه: سواحل مکران). دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد دریاپایه با رویکرد حکمرانی در گردشگری دریایی و ساحلی، دانشگاه هرمزگان، بهمن ماه ۱۴۰۳.
 نصرتی، شهریار و بازدار، شهناز (۱۳۹۳). رابطه صنعت گردشگری و توسعه اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی. دومین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان.

نعیمی مجد، محبوبه و نعیمی مجد، آرزو (۱۳۹۸). آینده پژوهی گردشگری پایدار. رهیافتی نو در اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه: کارشناسان صنعت گردشگری و هتلداری). آینده پژوهی مدیریت (پژوهش‌های مدیریت)، ۳۰ (۱۱۶)، ۲۰۰-۲۱۲.
 نوفرستی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن. سیاست‌های راهبردی و کلان ۴، (ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی)، ۱۵۷-۱۶۸.

نیلی، مسعود (۱۳۹۳). روایت مسعود نیلی از اقتصاد مقاومتی «درون‌زا» و «برون‌گرا». خبرگزاری تسنیم. بازیابی شده از: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/05/13/450283>
 هرندی، عطاءاله و میرزاییان‌خمسه، پیوند (۱۳۹۶). تبیین مدل جذب گردشگر سلامت: با استفاده از راهبرد تئوری داده‌بنیاد کلاسیک. گردشگری شهری، ۴ (۱)، ۸۷-۹۸.

- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Coshall, J. & Charlesworth, R. (2011). A management orientated approach to combination forecasting of tourism demand, *Tourism management*, 32(4), 759-769.
- Ko, D.W. & W.P. Stewart. (2002). A Structural Equation Model of Residents' Attitudes for Tourism Development. *Tourism Management*, 23(5), 521-530.
- Marrocu, E.; Paci, R. & Zara, A. (2015). Micro-economic determinants of tourist expenditure: A quantile regression approach. *Tourism Management*, (50), 13-30.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. Thousand Oaks: California.
- Rose, A. & Krausmann, E. (2015), An economic framework for the development of a resilience index for business recovery. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, (5), 73-83.
- UNWTO. (2015). *Why tourism?* Retrieved Match 17th, 2015 from <http://www2.unwto.org/en/content/why-tourism>
- Willems, Stéphane & Baumert, Kevin (2003). Institutional Capacity and Climate Actions, Organization for Economic Co-Operation and Development, International Energy Agenc.

References


- Avan, Farhad, Tahmasi, Bahman & Hojjat, Sirous (2018). Analysis of the effects of tourism on rural areas towards the realization of a resistance economy (case study: rural areas of Rudbar County). *Research on Resistance Economy*, 3(2), 105-120. (In Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Chegin, Meysam, Vaezi, Reza & Aslipour, Hossein. (2017). The position of health tourism policy in economic and social development based on resistance economy strategies. *Public Management*, 9(4), 641-664. (In Persian)
- Coshall, J. & Charlesworth, R. (2011). A management orientated approach to combination forecasting of tourism demand, *Tourism management*, 32(4), 759-769.
- Feshari, Majid & Pourghaffar, Javad (2014). Study and explanation of the resistance economy model in the Iranian economy. *Economic Journal (Bimonthly Review of Economic Issues and Policies)*. 14(5 and 6), 29-40. (In Persian)
- Harandi, Ata-Allah & Mirzaeian-Khamseh, Peyvan (2017). Explaining the Health Tourist Attraction Model: Using the Classical Grounded Theory Strategy, *Urban Tourism*, 4(1), 87-98. (In Persian)
- Imamgholipour, Sara & Mirzaei, Negar (2017). The position of health tourism in realizing resistance economy policies in Iran, 11th National Congress of Pioneers of Progress, Tehran. (In Persian)
- Jahanian, Manouchehr (2016). The role of the government in developing the Iranian tourism economy with a focus on the resistance economy. *Tourism and Development*, 5(3), 156-177. (In Persian)
- Jalali Majidi, Mohsen, Kafshekanan, Hamid & Gholami, Mohammad Reza (2016). Health Tourism in Realizing Resistance Economy Policies, Comprehensive Conference on Management and Accounting Sciences, Tehran. (In Persian)
- Khairy, Mohammad, Esmaeil Pourmoghaddam, Hadi & Dehbashi, Vahid. (2016). Investigating the relationship between sustainable tourism development and investment security with emphasis on resistance economy. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, 6(25), 15-28. (In Persian)
- Ko, D.W. & W.P. Stewart. (2002). A Structural Equation Model of Residents' Attitudes for Tourism Development. *Tourism Management*, 23(5), 521-530.
- Lake, David M. & Morgan, Patrick (2002). *Regional Orders: Securing Security in the Modern World*. Translated by Seyyed Jalal Dehghan, Tehran: Strategic Studies Center. (In Persian)
- Madhooshi, Mehrdad & Naserpour, Nader (2003). Assessing the Barriers to Tourism Industry Development in Lorestan Province. *Business Research Journal*, Fall 2003, (28), 25-58. (In Persian)
- Marrocu, E.; Paci, R. & Zara, A. (2015). Micro-economic determinants of

Investigating the factors of marital conflicts in a spousal relationship from the perspective of the Holy Quran

Marzieh Zargari

Ph.D student counseling , Islamic Azad University, Tehran, Iran.


marziezargari@yahoo.com

 0009-0002-7461-8383

Hadi Bahrami Ehsan

Associate Professor, Department of Health psychology, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding author).


hbahrami@ut.ac.ir

 0009-0003-7974-7165

Hamidreza Rezazade

professor assistant psychology faculty,education Department,Islamic Azad university - Central Branch, Tehran, Iran.


Rezazade1390@gmail.com

 0000-0002-4405-2203

Mahshid Izadi

professor assistant psychology faculty,education Department,Islamic Azad university - Central Branch, Tehran, Iran.


dr.izadi.mahshid1452@gmail.com

 0000-0001-8647-9435

Fatemeh fayyaz

Department of psychology, women research center, Alzahra university, Tehran, Iran.

f.fayyaz@alzahra.ac.ir

 0000-0025-0000-2081

Abstract

This study, adopting a Qur'anic approach, investigates the factors influencing marital conflicts within spousal relationships. Its primary aim is to present a theoretical framework based on the Holy Qur'an for identifying and analyzing the roots of marital discord, thereby contributing to family stability and supporting population policies. Using an analytical-reflective method and contemplative interpretation of Qur'anic verses, the research identifies and categorizes key factors contributing to marital conflict. Following a conceptual definition of conflict, eight major categories of factors are extracted and their interrelations mapped.

Findings indicate that deficiencies in fulfilling gender roles and ensuring mutual rights between spouses—fundamental elements for establishing healthy relationships—create structural weaknesses in marital dynamics and lead to serious conflicts across various aspects of shared life. Additionally, negative personality traits and harmful beliefs (as foundational tension-amplifying factors), skill deficits (as behavioral factors), dysfunctional social relations, financial issues, and sexual disorders (as contextual factors) play significant roles in the emergence and persistence of marital discord.

The proposed Qur'anic framework begins with the formation of gender identity and, through the clarification of male and female roles in interpersonal relations, seeks to trace and prevent marital conflicts. A deep understanding of these factors and the Qur'anic strategies associated with them provides policymakers in the fields of family and population with powerful tools for designing effective interventions, premarital and marital educational programs, and ultimately enhancing family resilience, reducing divorce rates, and improving family and population health indicators.

Keywords: Pathology, Marital Relations, Holy Quran, Marital Conflicts.

Extended abstract

Purpose

The family, as the cornerstone of the social system, plays an unparalleled role in cultural stability and civilizational prosperity. However, the rising rates of marital conflict and divorce in recent decades have emerged as critical challenges for social and family policy-makers. The primary problem addressed in this study is the elucidation of the fundamental roots of marital conflict based on the revelatory system. This approach aims to bridge the gap in current therapeutic models and social policies, which predominantly focus on the superficial layer of behavioral skills. By employing "Tadabbur" (analytical contemplation) in Surah An-Nisa, this study seeks to extract the systematic network of factors contributing to marital conflicts and explore its potential for designing strategies to strengthen the family foundation.

Methodology

This research was conducted using a qualitative approach, employing the "analytical-contemplative" method. The implementation process followed a systematic seven-step path, beginning with problem analysis and the identification of key terms (Nushuz and Shiqaq) in verses 34, 35 and 128 of Surah An-Nisa. In subsequent stages, factors were extracted through contextual analysis (Siyaq) and etymological study. To achieve a comprehensive model, verses from Surah An-Nisa that lacked the core terms but were related to the context of marital relations were also subjected to network analysis. Finally, by synthesizing the data, the comprehensive network of factors for marital conflicts was mapped and formulated.

Research Findings

Data analysis led to the identification of an eight-factor network organized into three distinct levels. In this framework, "gender role dysfunction" and the "failure to fulfill mutual rights" constitute the fundamental underpinnings of marital conflicts. Furthermore, foundational factors—including "superiority-seeking" (Ulu), the "activation of egoism" (Shuh-al-nafs), and "maladaptive beliefs"—contribute to the persistence and deepening of disputes. At the next level, "weakness in applying corrective skills" acts as a behavioral/skill-based factor, while "unfavorable social relations", "economic issues", and "sexual dysfunction" serve as contextual/environmental factors that trigger the manifestation of conflicts.

Research Limitations

This research focused exclusively on Surah An-Nisa; therefore, a comprehensive identification of all marital conflict factors across the entire Quran requires supplementary studies on other Surahs.

Practical Implications

The results of this study confirm that the Quranic model, with its central focus on gender roles, possesses a high capacity for explaining the root causes of conflicts and can serve as a basis for developing indigenous theories in the field of family studies. Accordingly, the following strategic implications are proposed:

- 1- Educational Strategy: Redesigning pre-marital educational curricula with an emphasis on Quranic identity and gender roles (role-based empowerment).
- 2- Media Strategy: Promoting the culture of "Ihsan" (benevolence) and "forgiveness" as opposed to ego-centrism and individualism in media content policies to reduce divorce rates.
- 3- Clinical Strategy: Developing indigenous counseling protocols based on the eight-factor model of marital conflicts.

These measures align directly with the objectives of the country's general population and family policies, contributing to the enhancement of family resilience and stability.

Social Implications

By redefining marital relations based on the revelatory model, this research carries significant social implications:

- 1- Strengthening Social Cohesion: By reducing divorce rates and increasing family stability, public mental health and social capital are enhanced.
- 2- Reforming Gender Patterns: By providing a "role-based" model, this study helps correct misconceptions regarding male and female roles in society, preventing identity conflicts in future generations.
- 3- Promoting an Indigenous-Islamic Lifestyle: Cultivating a culture of "Ihsan" (benevolence) and forgiveness instead of "extreme individualism" leads to the reconstruction of emotional bonds within families and, consequently, improves social relations across the broader community.

Originality

Compared to the existing literature on marital conflicts, the present study offers fundamental distinctions and innovations that validate its findings:

- 1- Revelatory Authority vs. Empirical Models: Unlike common approaches that rely predominantly on empirical findings and Western theories, this research is grounded in the Quranic text. It provides a holistic and comprehensive perspective that is in full harmony with the indigenous and religious values of Iranian society.
- 2- Paradigm Shift from "Agreement-Oriented" to "Divine Duty-Based": While classic models (e.g., Goldenberg) focus on reaching agreements

based on mutual interests, this research proposes a conflict resolution model centered on "Divine Decree." In this model, submission to divine commands provides greater stability compared to fluctuating human agreements.


- 3- Rooting Conflict in Gender Role Dysfunction: This study profoundly identifies the dysfunction of male and female roles not merely as a symptom, but as the "root and foundational cause" of marital conflicts.
- 4- Integrating External Roles with Internal Traits: Another innovation lies in linking external roles with internal psychological/spiritual traits (such as egoism and superiority-seeking). This connection enables the design of "character-centered" empowerment programs.
- 5- Gender Differentiation in Interventions: By distinguishing between common and gender-specific factors of conflict, this study enhances the precision of counseling interventions and support policies tailored to the specific needs of each gender.
- 6- Systematic and Hierarchical Structure of Factors: Unlike the scattered lists in previous studies, the factors in this research are presented in a systematic framework where all variables are dependent on the "fundamental factor" (gender roles).

Furthermore, by providing a comprehensive model, this research has successfully synthesized scattered findings from previous studies (including those by Janbozorgi, Pasandideh, Salarifar, et al.) into a single, integrated system.


Keywords: Pathology, Marital Relations, Holy Quran, Gender Roles, Marital Conflicts, Family Policy-makin.

بررسی عوامل تعارض‌های زناشویی در رابطه همسری از منظر قرآن کریم

مرضیه زرگری

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
marziezargari@yahoo.com  0009-0002-7461-8383

هادی بهرامی احسان


استاد گروه روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hbahrami@ut.ac.ir  0009-0003-7974-7165

حمیدرضا رضازاده بهادران


دانشیار دانشکده روان‌شناسی، گروه مشاوره و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Rezazade1390@gmail.com  0000-0002-4405-2203

مهشید ایزدی

استادیار، دانشکده روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
dr.izadi.mahshid1452@gmail.com  0000-0001-8647-9435

فاطمه فیاض

گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء سلام‌الله‌علیها، تهران، ایران.
f.fayyaz@alzahra.ac.ir  0000-0025-0000-2081

چکیده

این پژوهش با رویکردی قرآنی، به بررسی عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی در رابطه همسری پرداخته و هدف آن، ارائه چهارچوبی نظری مبتنی بر قرآن کریم برای شناخت و تحلیل عوامل تعارض‌های زناشویی و فراهم‌سازی زمینه‌ای برای طراحی مداخلات آموزشی و فرهنگی در راستای کاهش طلاق و ارتقاء سلامت خانواده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تدبری و بهره‌گیری از تدبر در آیات قرآن، به شناسایی و دسته‌بندی عوامل تعارض‌های زناشویی پرداخته و پس از تعریف مفهومی تعارض‌ها، هشت دسته عامل کلیدی استخراج و شبکه ارتباطی آن‌ها ترسیم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند نارسایی در ایفای نقش‌های جنسیتی و تأمین حقوق متقابل زوجین، به‌عنوان بستر اصلی شکل‌گیری روابط سالم، نقضی بنیادین در روابط زناشویی ایجاد کرده و زمینه‌ساز تعارض‌های جدی در تمامی ابعاد زندگی می‌شود. همچنین، صفات منفی و باورهای آسیب‌زا (به‌عنوان عوامل پایه‌ای تشدیدکننده تنش‌ها)، ضعف مهارتی (به‌عنوان عامل رفتاری)، روابط اجتماعی ناکارآمد، مسائل مالی و اختلالات جنسی (به‌عنوان عوامل زمینه‌ای)، در آشکارشدن و تداوم تعارضات

مؤثرند. این ساختار نظری مبتنی بر قرآن، از شکل‌گیری هویت جنسیتی آغاز شده و با تبیین نقش‌های زنانه و مردانه در مناسبات بین‌فردی، به ریشه‌یابی و پیشگیری از تعارض‌های زناشویی می‌پردازد. درک عمیق این عوامل و راهکارهای قرآنی مرتبط با آنها، برای سیاست‌گذاران در حوزه جمعیت و خانواده، ابزاری قدرتمند برای طراحی مداخلات مؤثر، برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و حین آن و درنهایت، تقویت پایداری خانواده، کاهش طلاق، و ارتقاء شاخص‌های سلامت خانواده و جمعیت فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، روابط زناشویی، قرآن کریم، تعارض‌های زوجی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج، به‌عنوان سنگ‌بنای تشکیل خانواده، از جایگاه ویژه‌ای در ساختار اجتماعی برخوردار است. این رابطه از حیث ماهیت، ابعاد و ویژگی‌ها، تمایزات بنیادینی با سایر مناسبات انسانی دارد؛ به‌طوری‌که با وجود نزدیکی، صمیمیت و پیوند عاطفی، مستعد بروز آسیب‌هایی جدی است که پیامدهای آن نه‌تنها امنیت روانی بلکه سلامت جسمانی اعضای خانواده را نیز تهدید می‌کند (رضازاده، ۱۴۰۲؛ لانگ و یانگ، ۱۳۹۶؛ Panahifar, 2014).

علی‌رغم انجام پژوهش‌های گسترده داخلی و بین‌المللی، پایداری و رضایت در زندگی زناشویی همچنان یکی از چالش‌های اساسی جامعه معاصر است که نیازمند بررسی‌های چندلایه و بین‌رشته‌ای می‌باشد. تحلیل منابع نشان می‌دهد که تعارض‌های زناشویی از جمله مسائل اجتماعی پرچالش هستند که مستلزم ورود فعالانه متخصصان مددکاری اجتماعی، مشاوره خانواده و حقوق‌دانان است (Tasew; Getahun & Prete, 2021).

در خصوص علل تعارض‌های زناشویی، تفاوت دیدگاه‌ها و پراکندگی در نتایج مطالعات، نشانه‌ای از خلأهای نظری و تجربی موجود در این حوزه است. با وجود حجم وسیع داده‌ها، فقدان انسجام مفهومی در تحلیل‌ها و برداشت‌های متعدد، بیانگر آن است که شواهد موجود - چه در قالب الگوهای آسیب‌شناسی و چه در قالب تبیین‌های پدیدارشناختی - هنوز نتوانسته‌اند تصویری روشن و جامع از این پدیده ارائه دهند.

در سطح سیاست‌گذاری کلان نیز، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبردهایی در حوزه جمعیت و خانواده، بر تحکیم بنیان خانواده، افزایش نرخ باروری و ارتقای کیفیت روابط زوجین تأکید دارد. تحقق این اهداف مستلزم شناخت عمیق و دقیق از عوامل مؤثر بر پایداری و رضایت زوجین است.

در این میان، قرآن کریم، به‌عنوان منبعی الهی و هدایت‌گر، ظرفیت بالقوه‌ای در تبیین روابط زناشویی دارد. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه‌های قرآنی پیرامون عوامل مؤثر بر نارسایی‌ها، اختلاف‌ها و تعارض‌های زوجین صورت می‌گیرد؛ چراکه تحلیل این موضوع از منظر کتابی که بر نیازهای فطری انسان بنا شده و سعادت بشر را هدف قرار داده، می‌تواند افقی نو در مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه خانواده بگشاید.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر، با هدف کشف عوامل تعارض‌های زناشویی از منظر قرآن کریم و بررسی قابلیت‌های قرآنی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تحکیم خانواده متمرکز شده است.

پرسش‌های کلیدی پژوهش به این شرح است:

۱- ساختار مفهومی عوامل تعارض‌های زناشویی در آیات قرآن کریم چگونه تبیین می‌شود؟

۲- آیا آموزه‌های قرآنی می‌توانند مبنای طراحی راهبردهای فرهنگی و اجتماعی در جهت تقویت بنیان خانواده باشند؟

۲. پیشینه پژوهش

تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی چند دهه اخیر در ایران منجر به تغییرات بنیادین در ساختار خانواده و سبک تعاملات زوجین شده است. این تغییرات با افزایش تعارض‌های زناشویی، کاهش پایداری روابط و در مواردی افزایش طلاق همراه بوده‌اند؛ پدیده‌هایی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های کلان جمعیت و خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

* مطالعات متعددی به عوامل زمینه‌ساز و ساختاری در بروز تعارض‌ها پرداخته‌اند:

مطالعاتی نظیر پژوهش پریت، گلپون و تاسو (۲۰۲۱) نشان می‌دهند که متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پایداری ازدواج نقش دارند، باین‌حال به فرایندهای میان‌زوجی و مداخلات درمانی توجه کافی نشده است.

کاوه فارسانی و مهدیه (۱۳۹۹) طیف گسترده‌ای از عوامل زمینه‌ساز تعارض‌های زوجی مانند: نیازهای برآورده‌نشده، موقعیت‌های تنش‌زا، روابط خانوادگی، مشکلات اقتصادی و فضای مجازی را معرفی کرده‌اند.

ویلیام، چیدلز و گوسبی^۱ (۲۰۱۵) نقش عوامل اقتصادی را بر تعارض‌های زناشویی مؤثر دانسته‌اند. رابرتز و گرینبرگ^۲ (۲۰۰۲) و نولر و فینی^۳ (۱۹۹۸) اهمیت تعاملات اجتماعی در تعارض‌های زناشویی و تامسون و گیلبرت^۴ (۱۹۹۸) نقش ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی را بررسی کرده‌اند، هرچند به عوامل

1. Williams; Cheadle & Goosby
2. Roberts & Greenberg
3. NÖller & Feeney
4. Thomsen, Gilbert

ساختاری و اقتصادی بی‌توجه بوده‌اند.

هوشمندی، احمدی و کیامنش (۱۳۹۹) با نگاهی تاریخی، تغییرات سبک زندگی خانوادگی را بررسی کرده؛ اما کمتر به راهکارهای عملی مقابله با تعارض‌ها پرداخته است و نیز صالحی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود تعارض زوجین را در سه دسته عوامل زمینه‌ساز، آشکارکننده و تداوم‌بخش تحلیل کرده‌اند. این پژوهش دیدگاه تحلیلی خوبی ارائه می‌دهد؛ اما کمتر بر راهکارهای عملی تأکید داشته است.

* برخی پژوهش‌ها به ارائه مدل‌های مفهومی و تحلیل ساختاری تعارض‌ها پرداخته‌اند: جان‌بزرگی، پسندیده و آذربایجانی (۱۴۰۲)، مدلی مفهومی با دو دسته تعارض ساختاری و کنشی ارائه داده‌اند که از نظر تحلیلی ارزشمند است؛ اما جنبه‌های درمانی در آن کم‌رنگ جلوه کرده‌اند.

وحیدنیا و همکاران (۱۴۰۱)، هشت مؤلفه پیشگیری از خیانت زناشویی را مشخص کرده و بر پایبندی به ارزش‌ها تأکید داشته‌اند؛ پژوهشی که بیشتر بر پیشگیری تمرکز دارد.

تولورنلکی^۱ (۲۰۱۴)، تأثیر انتظارات متفاوت در ایفای نقش‌های زناشویی را بررسی کرده‌اند؛ اما ضعف این پژوهش، عدم تأثیر عوامل شخصیتی و زمینه‌ای است. اهمیت مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان عامل کلیدی در تعارض‌های زناشویی مورد تأکید بسیاری از مطالعات قرار گرفته است: حیدری و همکاران (۱۳۹۸)، یگانه چنق (۱۴۰۲)، ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۲) و نیز پژوهش‌های دیو و تولان^۲ (۲۰۱۵)؛ فروساکیس^۳ (۲۰۱۰) آلگارد، بیلون و نوجنت^۴ (۲۰۱۶) آسودو و آرون^۵ (۲۰۰۹)، بر مهارت‌های ارتباطی تأکید دارند. با این حال، نادیده گرفتن عوامل ساختاری، اقتصادی و شخصیتی از نقاط ضعف مشترک این مطالعات است. رضازاده (۱۳۹۶) و سالاری‌فر (۱۳۹۳) نیز ضعف مهارت‌های ارتباطی را به‌عنوان عوامل رفتاری در تعارض‌های زناشویی اشاره نموده‌اند.

* برخی پژوهش‌ها به راهبردها و سبک‌های مدیریت تعارض و مداخلات درمانی پرداخته‌اند:

مطالعه سالاری‌فر (۱۳۹۸) با ارائه برنامه مداخله‌ای هشت جلسه‌ای، نمونه‌ای کاربردی

1. Tolorunleke
2. Dew & Tulane
3. Frousakis
4. Aalgaard; Bolen & Nugent
5. Acevedo & Aron

در حوزه درمان تعارض‌های زوجی محسوب می‌شود و ظرفیت هم‌سوایی با سیاست‌های خانواده‌محور را دارد. زارعی، نظری و زهراکار (۱۳۹۹) به نقش مؤثر آموزه‌های دینی و بخشش در کاهش تعارض‌ها اشاره داشته‌اند؛ یافته‌هایی که توسط زیفون و همکاران^۱ (۲۰۲۱) و نیز پترسون و همکاران^۲ (۲۰۱۱) در مطالعات غربی تأیید شده‌اند.

جهانی دولت‌آباد و عشایری (۱۴۰۱)، اقبال، گیلانی و کمال^۳ (۲۰۱۳) و آبراهام و تنیا^۴ (۲۰۰۰) بر شناسایی سبک مدیریت تعارض تمرکز دارند، ولی کمتر به اثرهای طولانی‌مدت تعارض توجه شده است. از منظر فرهنگی نیز، پژوهش چانگ^۵ (۲۰۱۰) نقش فرهنگ در مدیریت روابط زناشویی را بررسی کرده و پراکندگی و تنوع متغیرها را به‌خوبی نمایش داده است.

با نظر به پیشینه پژوهش، تأکید پژوهش حاضر بر استفاده از آموزه‌های قرآنی با نگاه کل‌نگر به روابط انسانی، بستر مناسبی برای تحلیل چندبُعدی تعارض‌های زوجی و طراحی مداخلات منطبق با اقتضائات فرهنگی فراهم می‌کند. این رویکرد می‌تواند راهبردهایی را در راستای پایداری خانواده و سیاست‌گذاری مؤثر جمعیتی ارائه دهد.

۳. تعریف مفاهیم

تعارض‌های زناشویی پدیده‌ای طبیعی در روابط زوجی است که ریشه در تفاوت‌ها و اختلاف نظرها دارد (سالاری‌فر، ۱۴۰۱؛ قاسمی‌مقدم، شفیع‌آبادی و شریفی، ۱۳۹۹؛ موسوی و قلی‌نسب قوجه بیگلو، ۱۳۹۸) و با مدیریت نادرست تداوم یافته (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۶)، باعث نارضایتی و رنجش می‌شود (کریستن‌سن؛ داس و جاکوبسن، ۱۴۰۲).

نشوز از ریشه نشز، با معنی اصطلاحی ناسازگاری مختص در روابط خاص زناشویی است (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ قرشی، ۱۳۷۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

شفاق از ریشه شقّ به معنی اختلاف شدید بین دو دوست (طریحی، ۱۳۷۵)، مخالف دوست قرار گرفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، قرشی، ۱۳۷۱)، و در ذیل آیه

1. Zephon; Gregory; Se-Anne; Brittany; Leon & Colwick
2. Patterson; Hayworth; Turner & Raskin
3. Iqbal; Gillani & Kamal
4. Abraham P. Greeff, Tanya De Bruyne
5. Cheng, C. C.

۳۵ سوره نساء به معنی جدایی و اختلاف شدید از جهت معنوی و روابط (مصطفوی، ۱۳۶۸) و قهر و دشمنی بین زن و شوهر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۵۴۷) است. نشوز و شقاق دو واژه برای تعارض‌های زناشویی هستند، با این تفاوت که شقاق حالت پایداری است که وضعیت وخیم‌تری نسبت به نشوز دارد.

قوام صیغه مبالغه از قیام به معنی ایستادن، محافظت، اصلاح کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۶) و سرپرست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص. ۴۷) است؛ قوام من العیش به معنای حمایت کردن و غنی کردن دیگری است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص. ۲۳۱) و بر زن در تدبیر امور و رفع احتیاجاتش، اشراف دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹). قوامیت وظیفه‌ای است که به واسطه توانایی‌ای که در مردان وجود دارد، شرایط زندگی راحت و آرام را در کلیه امور برای زنان تدبیر می‌کنند (زرگری و بهرامی احسان، ۱۴۰۴)؛ حکم قوامیت عمومی است و منحصر به روابط زوجی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴)

صالحات از ریشه صلح، مقابل فساد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۱۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۱۱۷) به معنی اصلاح‌کننده (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۱۱۷)، پرهیز از فساد در ذات، رأی یا عمل (مصطفوی، ۱۳۶۰) است. قانتات اسم فاعل از مصدر قنوت به معنای طاعت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص. ۱۲۹) طاعت همراه با خضوع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۸۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص. ۳۲۳) طاعت مداوم (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص. ۴۱) است.

حافظات از ریشه حفظ، به معنی عدم غفلت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۱۹۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) نگهداری و مراقبت (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۱۵۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص. ۲۵۲) است؛ با در نظر گرفتن غیب که ممکن است از نظر مکانی غایب باشد یا از حواس پنهان باشد چه به صورت علمی و چه معرفتی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص. ۲۷۹). حافظات للغیب می‌تواند به حفظ ارزش‌های حقیقی در خانواده یا حفظ اسرار و اموال همسر در غیاب او اشاره داشته باشد.

در زن صفات صالحات، قانتات و حافظات للغیب، جامع صفات همسراری است. صالحات بایدها و نبایدها را در ارتباط با همسر خود دانسته و بر اساس آن‌ها عمل می‌کند و نمودهای رفتاری شایسته در جهت سازندگی خانه و خانواده دارد، قانتات، همه اعمال و رفتار خود را به خاطر جلب رضایت خدا انجام می‌دهد، حافظات للغیب غیب خانواده و اسرار خانواده را حفظ می‌کند و نسبت به نواقص خانواده کوشاست و در جهت رفع آن‌ها می‌کوشد (زرگری و بهرامی، ۱۴۰۱).

شایان ذکر است که مبنای اصلی پژوهش حاضر، تحلیل واژگان قرآنی «نشوز» و «شفاق» است که در آیات مرتبط با روابط زوجین به کار رفته‌اند و معادل مفاهیم امروزی تعارض‌های زناشویی تلقی می‌گردند. این واژگان، نه تنها بار معنایی عمیقی دارند بلکه در بستر قرآنی خود حامل نشانه‌هایی از بروز اختلافات، اختلال در تعاملات زوجی، و روند گسست در پیوند عاطفی‌اند. بررسی دقیق این دو مفهوم در چهارچوب متن قرآن، امکان فهم ساختار، شرایط، و راهکارهای مقابله با تعارض‌های زناشویی را در قالبی فطری، اخلاقی و راهبردی فراهم می‌سازد؛ بنابراین، انتخاب این دو کلیدواژه، بستری غنی و اصیل برای تحلیل ریشه‌ها و پیامدهای تعارض‌ها در روابط زوجین از منظر الهی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و به‌عنوان محور مفهومی پژوهش در خدمت هدف اصلی آن قرار دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر تحلیل کیفی است. با توجه به اینکه متن مورد مطالعه قرآن کریم است، روش تحلیل محتوای آیات آن نیز باید با سیاق آن و اصول و قواعد خود این متن هماهنگ باشد. براین اساس با رویکرد تدبیری به بررسی آیات قرآن کریم مرتبط با موضوع پرداخته شده است. تدبر که در خود قرآن به آن توصیه شده است؛^۱ با شیوه‌های مختلف از جمله: توجه به ظاهر آیات و بهره‌گیری از تفکر و تعمق در گزاره‌های استخراج شده و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، تحلیل کلمات و دقت در مفاهیم و مصادیق لغات، بررسی پس‌زمینه آیات و فضای نزول سوره، ساختار سوره و ارتباط بین موضوعات آن، ادبیات واژه‌ها و جمله‌ها و درنهایت روایات مرتبط با آیات، به تحلیل آیات در جهت پاسخگویی به پرسش‌های مورد نظر می‌پردازد (اخوت، ۱۳۹۲). شیوه‌های مختلف تدبر در قرآن در کتب مختص روش‌های تدبر به قلم احمدرضا اخوت ۱۳۹۰-۱۳۹۴ نگاشته شده است که عبارت‌اند از: تفکر در قرآن (۱۳۹۰)، تدبر کلمه‌ای (۱۳۹۲)، تدبر سوره‌ای (۱۳۹۲)، تدبر قرآن به قرآن (۱۳۹۳)، تدبر سوره‌های مدنی (۱۳۹۳)، تدبر سوره‌های مکی (۱۳۹۳)، تدبر ادبی (۱۳۹۳) و تدبر در قرآن با روایات و ادعیه (۱۳۹۴). نوع و شیوه تحلیل متن آیات، بنا به سیر پژوهش از میان روش‌های ذکر شده انتخاب و اجرا شده است.

وجه تمایز روش تدبر، استفاده از منبعی محکم و متقن است که قابلیت

۱. آیه ۸۲ سوره نساء، آیه ۲۹ سوره ص، آیه ۲۴ سوره محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

پاسخگویی به تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان را دارد. این روش با تأکید بر تحلیل دقیق آیات و تطبیق دریافت‌ها از آیات با روایات مرتبط و تفاسیر معتبر تلاش می‌کند تا به درک عمیق‌تری از مفاهیم قرآن دست یابد و پاسخ‌های مستند و مستدل به پرسش‌های مطرح شده ارائه دهد.

تدبیر مسیری نوپا است که تاکنون کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مختلفی با این روش برای پاسخ به پرسش‌های علمی، نگاشته شده‌اند. از جمله: «تبیین فرایند شکل‌گیری مفهوم استعداد مبتنی بر تحلیل شبکه واژگانی در قرآن» (ابوالحسنی و دیگران، ۱۳۹۹)، «روش‌شناسی کشف معنای افسردگی از قرآن» (فیاض؛ بهرامی احسان و اخوت، ۱۴۰۰)، «مدل مفهومی آسیب‌شناسی روانی مبتنی بر رشدناپافتگی از منظر قرآن کریم» (فیاض و دیگران، ۱۳۹۹)، «مدل نظری مداخله درمانی از منظر قرآن جهت کاهش درد افراد مبتلا به میگرن» (عمادی و دیگران، ۱۳۹۸)، کتاب «معناشناسی افسردگی از منظر قرآن کریم» (بهرامی احسان؛ اخوت و فیاض، ۱۳۹۵). در این پژوهش، بر اساس روش‌شناختی تدبیر، تعارض‌های زناشویی با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بررسی می‌شود.

۱-۴. مراحل پژوهش

- ۱- تحلیل مسئله اصلی پژوهش، با استفاده از پرسش‌های جزئی‌تر؛
- ۲- بررسی همه واژگان قرآن کریم و انتخاب واژگانی که مفهوم تعارض و اختلاف زوجی دارند (نشوز و شقاق)؛
- ۳- بررسی لغوی واژگان و هماهنگی سیاق آیات حاوی واژگان انتخابی با مفهوم تعارض زوجی؛
- ۴- بررسی و تحلیل آیاتی که حاوی واژگان محوری هستند برای دستیابی به عوامل تعارض‌های زوجی (آیات ۳۴، ۳۵، ۱۲۸ سوره نساء)؛
- ۵- مشخص کردن ریشه‌های اصلی و زیربنایی تعارض‌ها در خانواده با توجه به عوامل به‌دست‌آمده؛
- ۶- بررسی و تحلیل آیاتی از سوره که حاوی واژگان محوری نیستند ولی موضوع آن‌ها روابط همسری و خانوادگی است و استخراج عواملی دیگر از تعارضات زوجی از این آیات (آیات ۱، ۳، ۴، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۱۲۵، ۱۳۰ از سوره نساء)؛
- ۷- دسته‌بندی و دستیابی به شبکه عوامل تعارض‌های زوجی (ترکیب مرحله ۵ و ۶).

۵. یافته‌های پژوهش

در پاسخ پرسش پژوهش مبنی بر اینکه «ساختار مفهومی عوامل تعارض‌های زناشویی در آیات قرآن کریم چگونه تبیین می‌شود؟»، بررسی آیات قرآن کریم با تمرکز بر واژگان کلیدی «نشوز» و «شقاق» صورت گرفت. این دو واژه قرآنی، از نظر معنایی و زمینه کاربرد، نزدیک‌ترین معادل به مفهوم امروزی تعارض‌های زناشویی محسوب می‌شوند و در متن وحیانی، نمایانگر بروز اختلاف، گسست روانی و اختلال در تعاملات زوجی‌اند.

واژه «شقاق» در چهار مورد از آیات قرآن کریم ذکر شده است.^۱ با این حال، بررسی سیاق و زمینه معنایی این آیات نشان می‌دهد که تنها در سوره نساء است که واژه‌های شقاق^۲ و نشوز^۳ با هم در چهارچوب روابط زوجی به کاررفته و با موضوع خانواده، اختلافات زناشویی و راهکارهای اصلاحی مرتبط است (طباطبایی، ۱۳۷۴). سایر موارد کاربرد واژه شقاق در زمینه‌های سیاسی، اعتقادی یا اجتماعی مطرح شده‌اند و از دایره بحث پژوهش خارج‌اند.

آیات مبارکه سوره نساء، به موضوعات و مسائل اجتماعی مربوط به روابط زن و مرد و باید و نبایدهای آن می‌پردازد و زمانی نازل شدند که بی‌توجهی به حقوق زنان، ازدواج با زنان متعدد، ازدواج با زنان شوهردار، تجاوز و تعدی به حقوق مادی و معنوی زنان در هنگام فوت همسرانشان، ازدواج با زنان یتیم برای کسب مال آن‌ها و سپس رهاکردن آن‌ها، بی‌توجهی به ارزش زن و زنده‌به‌گورکردن دختران و سلطه‌گری شدید نسبت به زنان جامعه وجود داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴).

بر اساس آیات مبارکه ۳۴ و ۳۵ سوره نساء، خدای تعالی نقشی دوگانه برای زنان و مردان را مطرح کرده است. این نقش برای زنان در قالب مفاهیم صالحات، قناتات و حفاظت‌ها و برای مردان در قالب قوامون مفهوم‌پردازی شده است. معنای کلیدواژه نشوز و شقاق را باید در ارتباط با این مفاهیم قرار داد. از سوی دیگر خدای تعالی در آیه ۱۲۷ نیز نشوز را مجدداً مطرح می‌کند؛ اما این بار نشوز را ناظر بر مرد معرفی کرده است. بررسی مفاد این آیات واجد نکات بسیار باارزشی است که توجه به ابعاد و اجزاء آن در درک مفاهیم نشوز و شقاق بسیار ضروری و راهگشا است.

۱. بقره ۱۷۶، بقره ۱۳۷، حج ۵۳، فصلت ۴۱.

۲. نساء ۳۵.

۳. نساء ۳۴، ۱۲۸.

با در نظر گرفتن معنای لغوی نقش‌ها و بستری که در آن محقق می‌شوند، می‌توان گفت که ایفای مطلوب نقش‌ها، تعادل روابط زن و مرد در خانواده و جامعه^۱ را رقم می‌زند. پس عدم تعادل نقش‌های مردانه و زنانه از عوامل بنیادین تعارض‌های خانوادگی هستند.

برای واکاوی عوامل دیگر و کشف شبکه ارتباطی با تأمل بیشتر در معنی قوام، درمی‌یابیم که استمرار قوامیت مرد حتی زمانی که زن نارضایتی نشان می‌دهد، اهمیت دارد؛ چگونگی مواجهه با نشوز باید در راستای قوامیت باشد و به ابزاری برای بغی، تکبر یا برتری طلبی تبدیل نشود. استفاده نادرست از موعظه، هجر و ضرب می‌تواند باعث اختلاف شود و البته مرد باید همیشه «علی کبیر بودن» خداوند را در نظر داشته باشد و در مواجهه با نارضایتی زن، از حد خود تجاوز نکند. مواجهه صحیح و فعال مرد با نشوز زن اهمیت دارد و باید به گونه‌ای باشد که نشوز را برطرف کند و خود باعث تقویت آن نشود. نادیده گرفتن علی کبیر بودن خداوند و برتری طلبی مرد، می‌تواند به تداوم و تقویت نشوز منجر شود.

شقاق نوعی اختلاف شدید بین زوجین است که پایداری بیشتری نسبت به نشوز دارد؛ شقاق به تنهایی قابل حل نیست و نیاز به مسئولیت‌پذیری اطرافیان دارد در این شرایط باید حکمانی مورد پذیرش هر دو طرف انتخاب شوند تا به رفع تعارض کمک کنند. اگر زن و مرد بخواهند تعارضات را برطرف کنند، این اختلافات حل شده و رابطه بهبود می‌یابد؛ بنابراین بی‌تفاوتی اطرافیان نسبت به شقاق و برخورد نادرست زوجین با حکم باعث تداوم اختلافات می‌شود.

برای حل مشکل نشوز مرد، مصالحه یک راهکار مؤثر است. در این فرایند، هر دو طرف باید حقوق یکدیگر را در نظر بگیرند، عیوب خود را برطرف کنند و گاهی از حقوق خود بگذرند. این توافق می‌تواند به کاهش تعارضات بین زن و مرد کمک کند. یکی از موانع اصلی در این مسیر، شح نفس است که باعث می‌شود فرد منافع شخصی را به منافع مشترک ترجیح دهد؛ اما با نیکی کردن و تقوا، می‌توان تعارضات را کاهش داد؛ بنابراین، شح نفس، ناتوانی در نیکی کردن و فقدان خودکنترلی از عوامل اصلی تداوم تعارضات هستند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده شبکه‌ای از عوامل را برای تعارض‌های زناشویی می‌توان نام برد که عبارت‌اند از:

۱. نقش‌ها همان‌طور که در تفسیرالمیزان آمده است هم در خانواده و هم در جامعه تعریف می‌شود.

- ۱- عدم تعادل در نقش‌ها
- ۲- صفات منفی
 - بغی: منجر به تعدی به زن در رفع نشوز می‌شود.
 - شح نفس: منجر به تداوم شقاق و عدم صلح می‌شود.
 - برتری طلبی (علو): منجر می‌شود که مرد به دلیل توانایی‌های خود در برخورد با نشوز زن سلطه جویی کند.
 - خودداری از احسان (بخل): احسان مانع فعال شدن شح نفس می‌شود.
 - رعایت نکردن تقوا (فقدان خودکنترلی): تقوا نیز مانند احسان مانع فعال شدن شح نفس می‌شود.
- ۳- ضعف مهارت
 - ضعف مهارت در مواجهه با نارضایتی زن عبارت‌اند از: عدم مهارت در موعظه (گفتگو)، عدم مهارت در هجر (دوری در بستر) و عدم مهارت در ضرب (برانگیختن توجه).
 - ضعف در مهارت آشتی کردن و نیکی کردن که موجب عدم مصالحه می‌شود.
- ۴- روابط اجتماعی نامطلوب: گسست فامیلی و مواجهه نادرست با حکم باعث تداوم تعارضات می‌شود.

با توجه به آیات سوره نساء که مرتبط با موضوع خانواده است؛ عوامل تعارضات به شرح زیر است:

جدول (۱): ارتباط آیات با روابط زوجی و استخراج آسیب‌های خانواده مبتنی بر آن

آیات	ارتباط آیات با موضوع روابط زوجی	استخراج آسیب‌های خانواده
آیه ۱	- توجه به عدم برتری زن یا مرد نسبت به دیگری و خلق هر دو از نفس واحد - لزوم رعایت تقوای الهی و تقوای ارحام - رقیب بودن خداوند در رعایت حدود و تقوای ارحام	- برتری طلبی زن و مرد نسبت به هم - عدم رعایت تقوا نسبت به حقوق همسر - بی‌اعتنایی به حضور خدا
آیه ۳	- نهی از خارج شدن از مسیر عدالت در شرایط چند همسری	- بی‌عدالتی در تشکیل خانواده عدالت
آیه ۴	- اهمیت برخورد صحیح با مهریه در روابط زوجین (چه زن و چه مرد)	- عدم پرداخت مهریه زن توسط مرد - مهریه بالا بیش از توان پرداخت مرد - عدم امکان تصرف زن در مهریه

آیات	ارتباط آیات با موضوع روابط زوجی	استخراج آسیب‌های خانواده
آیه ۲۰ آیه ۲۱	- حرص و طمع به مال زن و گرفتن مهریه هنگام طلاق - زشتی زیرپا گذاشتن حقوق زن - توجه به رابطه نزدیک همسری و میثاق زوجیت در پیشگیری از ظلم و تعدی به زن	- پس گرفتن مهریه در هنگام اختلاف - در نظر نگرفتن اهمیت تحکیم ازدواج
آیه ۲۴	- توجه به حریم ازدواج - اهمیت پاکدامنی مردان در شرایطی که امکان ازدواج ندارند. - لزوم پرداخت مهریه - حکم ازدواج موقت	- عدم پاکدامنی مرد - عدم توجه به تعهدات و محدودیت‌ها
آیه ۲۵	- اهمیت پاکدامنی زنان در تشکیل خانواده و بعد از ازدواج - اهمیت صبر در زمانی که امکان ارضای غرایز وجود ندارد	- عدم ایمان و پاکدامنی زن - حفظ نکردن حدود و دوستی با مرد نامحرم برای زن - عدم رعایت محدودیت‌ها و پایبندی به تعهدات - روابط آسیب‌زا - عدم صبر، در مقابل فشار شهوات - بی‌ضابطه بودن در ارضای نیاز جنسی
آیه ۳۲	- عدم شناخت توانایی‌ها و مسؤولیت‌های زنانه و مردانه - نارضایتی از نقش خود در زندگی	- عدم شناخت تفاوت‌های مردانه و زنانه - حسادت زن و مرد نسبت به توان‌های یکدیگر - ندیدن توان‌های خود - نشناختن نقش‌ها - جابه‌جایی نقش‌ها
آیه ۱۲۹	- بی‌توجهی به نیازهای همسر - اهمیت اصلاح و تقوا در رابطه	- بی‌توجهی مرد نسبت به نیاز همسرش - عدم توانایی در اصلاح و تقوا
آیه ۱۳۰	- باور صحیح افراد در مورد خدا در زمانی که نیاز به جدایی باشد	- ترس از عواقب بعد از طلاق و ضعف باورهای توحیدی

بنابر جدول فوق عوامل دیگری نیز می‌تواند در افزایش و کاهش تعارضات مؤثر

باشند، این عوامل در جدول زیر دسته‌بندی شده و استنادهای روایی آن آمده است.

جدول (۲): عوامل تعارض‌های زناشویی و استنادهای روایی آن عوامل

عامل	زیرعامل	احادیث مرتبط
بی‌توجهی به حقوق یکدیگر	بی‌توجهی به حقوق یکدیگر	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): راستی که زنان شما بر شما حقی دارند و شما هم بر آنها حقی دارید... (ابن شعبه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۳۳).
اعتشاش در نقش مردانه (نشاختن نقش، ایفای نامطلوب نقش، ندیدن توان‌های خود، جابه‌جایی نقش، عدم شناخت تفاوت‌های جنسیتی)	اختلال در قوامیت	امام صادق (علیه‌السلام) مؤمن را رهبر و سرپرست خانواده‌اش معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص. ۷۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۹۹). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هرگاه بنده‌ای برای نیاز خانواده‌اش بیرون برود، خداوند برای هر قدمی که برمی‌دارد، یک درجه برایش می‌نویسد، و اگر نیاز آن‌ها را تأمین کند، او را می‌آمرزد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۷) و نیز فرمودند... مرد، مدیر خانواده خویش است و درباره آنها باید پاسخگو باشد و زن، مدیر خانواده، و فرزندان شوهر خود است و درباره آنها باید پاسخ دهد (ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۶).
اعتشاش در نقش زنانه (نشاختن نقش، ایفای نامطلوب نقش، ندیدن توان‌های خود، جابه‌جایی نقش، عدم شناخت تفاوت‌های جنسیتی)	ضعف صلاحیت	رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از خوشبختی مرد داشتن همسر شایسته است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۴۵۱) و نیز امام رضا (علیه‌السلام): برای بنده، هیچ بهره‌ای بهتر از همسر خوب و شایسته‌ای نیست که هنگامی که شوهرش او را می‌بیند، مایه خوشحالی او باشد و در غیاب شوهر، نگهدار ناموس و مال او باشد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص. ۲۰).
	اختلال در ولایت‌پذیری	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آگاه باشید هرگاه زنی با شوهرش مدارا نداشته باشد و از او چیزی بخواهد که قادر بر به‌دست آوردن آن نباشد و فوق طاققت شوهر باشد، خداوند از چنین زنی هیچ عمل نیکی را نمی‌پذیرد و آن زن خدا را در حالی ملاقات می‌کند که از او خشمگین است (ابن

عامل	زیرعامل	احادیث مرتبط
صفات منفی ^۱		بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص. ۲۴۴.
	عدم توانایی حفظ	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): سه چیزند که آدمی را از پای در می‌آورند: ... و زنی که اگر نزد توست، آزارت می‌دهد، و چون از او غایب می‌شوی، به تو خیانت می‌ورزد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۱۰۱) و نیز فرمودند: یا علی چهار چیز کمرشکن هستند... و زنی که شوهرش از او نگهداری می‌کند، ولی او به شوهرش خیانت می‌نماید (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۲۰۶).
	برتری طلبی	رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: خوش ندارم ببینم که مرد، رگ‌های گردنش باد کرده و بالای سر زن بیچاره‌ای ایستاده است و او را کتک می‌زند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۲۷). امام علی (علیه‌السلام) فرمود: چیزی همچون تکبر، دشمنی (مردم) را به سوی انسان جلب نمی‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۳۵۸).
	بی عدالتی	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): بهترین مردان امت من کسانی هستند که به خانواده خود، درازدستی نمی‌کنند و با آن‌ها مهربان هستند و به آنان ظلم نکنند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۲۴).
	فعال شدن خودخواهی	از امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) پرسیده شد معنای (شُح) چیست؟ فرمود: آنچه را در دست خودبینی مایه شرف پنداری و آنچه را انفاق کنی تلف شده بشماری (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۶، ص. ۲۶۸۴).
	بخل	پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): منفورترین

۱. صفات منفی، از عواملی هستند که به‌طور کلی در روابط اختلال ایجاد می‌کنند؛ رابطه همسری یکی از انواع روابط است که تحت تأثیر صفات منفی قرار می‌گیرد؛ بنابراین احادیثی که صفات منفی را نهی می‌کنند به‌طور کلی برای همه روابط و به‌طور خاص روابط همسری کاربرد دارد.

عامل	زیرعامل	احادیث مرتبط
		بندگان نزد خداوند کسی است که به خانواده‌اش بخل بورزد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۳۰).
	فقدان خودکنترلی	حضرت علی (علیه‌السلام): آیا خوش‌داری از حزب پیروز خدا باشی؟ از خدای سبحان پروا کن و در همه کارهایت نیکو عمل کن (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۸۴).
	حسادت	امام علی (علیه‌السلام): سه خصلت است که برای دارنده آن‌ها، زندگی گوارا نیست. کینه‌توزی، حسادت و بداخلاقی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۲۹).
	عدم تعهدپذیری	امام علی (علیه‌السلام): اگر مردی شرطی را برای همسر خود قبول کند باید به آن وفا کند، مگر اینکه آن شرط حلالی را حرام و یا حرامی را حلال کند (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص. ۶۸).
ضعف مهارت		رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): این گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۵۷۰).
عدم مهارت در مواجهه با نارضایتی زن		حضرت علی (علیه‌السلام): با اخلاق نیکو، گفتار نرم می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۵۵).
		حضرت علی (علیه‌السلام): اندرزا زداینده چرکی از جان‌ها و جلادهنده دل‌ها است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۳).
		حضرت علی (علیه‌السلام): همیشه با همسرت مدارا کن و با او به نیکی هم‌نشینی کن تا زندگیت با صفا شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۵۵۷).
		بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۱۷).

عامل	زیرعامل	احادیث مرتبط
	عدم مهارت در آشتی کردن	رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حضرت امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: بدترین مردان و زنان کسانی هستند که عفو و اغماض نداشته، و گناه یکدیگر را نبخشند، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص. ۲۳۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص. ۱۸).
	عدم مهارت در نیکی کردن	امام علی (علیه‌السلام): بر تو باد به کسب‌وکار حلال و حسن اخلاق و نیکی‌با عیال و تدبیر منزل به‌نحو احسن و یاد خدا بودن در هر حال (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۴۴۵).
روابط اجتماعی نامطلوب	گسست فامیلی	امام باقر (علیه‌السلام): ارتباط با خویشاوندان، موجب پاکی اعمال، رشد اموال، دفع بلاها، حسابرسی آسان و طول عمر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۲۳۹). حضرت علی (علیه‌السلام): حفظ نعمت‌ها در ارتباط فامیلی است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۳۵۲).
	مواجهه نادرست زوجین با حکم	حضرت علی (علیه‌السلام): هرکس خودرأی شد به هلاکت رسید و هرکس با دیگران مشورت کرد در عقل‌های آنان شریک شد (دستی، ۱۴۰۲، ص. ۵۵۵).
اختلال در امور جنسی	عدم پاکدامنی	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): خداوند هر مرد بلهوس و هر زن بلهوسی را دشمن می‌داند یا از رحمت خود دور می‌سازد (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۳۵).
	بی‌ضابطه بودن در ارضای نیاز جنسی	امام باقر (علیه‌السلام): خداوند از مردان پُرطلاق و ازدواج نفرت دارد (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۳۵).
مسائل مالی	مواجهه نادرست با مهریه	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): در مهریه آسان بگیرید؛ زیرا مرد با اینکه مهریه‌اش را به زن می‌پردازد؛ اما کینه آن نسبت به زن در دلش می‌ماند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص. ۴۱۸).

عامل	زیرعامل	احادیث مرتبط
باورهای آسیب‌زا	باور به برتری جنسیتی	پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): به‌راستی که خوش دارم مرد با خوشحالی و افتخار چیزی را با دست خودش برای خانواده‌اش ببرد و بدین‌وسیله تکبر را از خود دور کند (ورام ابن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۲۰۱). رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آفت شرافت و بزرگی، به‌خود نازیدن و خودبزرگ‌بینی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۲۸).
ترس از عواقب بعد از طلاق		پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): چند گروه هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود، یکی از آنها، مردی است که زنش با تمام توان و به‌شدت او را اذیت می‌کند و او به درگاه خدا دعا می‌کند و می‌گوید خدایا مرا از دست او راحت کن. پس خداوند به او می‌گوید: ای بنده من آیا اختیار همسرت با تو نیست؟ اگر می‌خواهی رهاش کن و اگر می‌خواهی نگهش دار... (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص. ۱۲۶).

در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر اینکه «آیا آموزه‌های قرآنی می‌توانند مبنای طراحی راهبردهای فرهنگی و اجتماعی در جهت تقویت بنیان خانواده باشند؟»؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی، ظرفیت بالایی برای شکل‌دهی به راهبردهای فرهنگی و اجتماعی در زمینه تحکیم خانواده دارند. قرآن کریم با ارائه نظام‌مند مفاهیم «نشوز» و «شقاق»، نه تنها به تبیین ریشه‌های تعارض‌های زوجی می‌پردازد بلکه با ارائه راهکارهای اخلاقی و اجتماعی، بستری مناسب برای تدوین سیاست‌هایی فراهم می‌کند که به افزایش تاب‌آوری خانواده و تقویت پایداری آن کمک می‌نماید.

از منظر راهبردی، آموزه‌های قرآنی قابلیت آن را دارند که به‌عنوان بنیانی برای طراحی اقدامات زیر در حوزه خانواده مورد استفاده قرار گیرند:

۱- تحکیم خانواده و افزایش پایداری: از آنجایی که تعارض‌های زناشویی یکی از عوامل اصلی فروپاشی خانواده و کاهش رضایت از زندگی مشترک محسوب

می‌شود، درک عوامل ریشه‌ای این تعارضات بر اساس مبانی قرآنی (مانند نقش‌های جنسیتی و صفات درونی) می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای در جهت افزایش پایداری و رضایت خانواده قرار گیرد. این امر مستقیماً با اهداف سیاست‌های جمعیتی که بر افزایش نرخ ازدواج موفق و کاهش طلاق تأکید دارند، همسو است.

۲- ارتقاء کیفیت روابط زوجین و تسهیل فرزندآوری: بهبود مهارت‌های ارتباطی، مدیریت صحیح مسائل مالی، و توجه به ابعاد جنسی و روانی رابطه که همگی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، می‌تواند به افزایش صمیمیت و رضایت بین زوجین منجر شود. رضایت و پایداری بیشتر در روابط زناشویی، خود از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری برای فرزندآوری و افزایش فرزندان در خانواده است؛ هدفی کلیدی که در سیاست‌های جمعیتی مورد تأکید است.

۳- تأکید بر نقش‌های جنسیتی و توانمندسازی خانواده: پژوهش حاضر، با برجسته کردن نقش‌های جنسیتی بر اساس مبانی قرآنی، به تبیین جایگاه و وظایف هر یک از زوجین کمک می‌کند. این درک می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای توانمندسازی زوجین در ایفای صحیح نقش‌های خود و کاهش تعارضات ناشی از ابهام یا جابجایی نقش‌ها مؤثر باشد. این امر در راستای تقویت هویت و کارآمدی نهاد خانواده و حمایت از سیاست‌های خانواده‌محور صورت می‌گیرد.

۴- کاربرد در مداخلات درمانی و مشاوره‌ای: چهارچوب نظری ارائه شده در این پژوهش، با نگاهی جامع به عوامل تعارض و ارائه راهکارهای قرآنی، می‌تواند مبنای مداخلات درمانی و مشاوره‌ای اثربخش در مراکز مشاوره خانواده و سازمان‌های حمایتی قرار گیرد. طراحی برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر این چهارچوب، می‌تواند به سیاست‌گذاران در ارائه خدمات تخصصی و مؤثر به خانواده‌ها و بهبود شاخص‌های مربوط به سلامت خانواده یاری رساند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تکیه بر چهارچوب نظری برگرفته از قرآن کریم، تصویری جامع از عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی و چالش‌های روابط زوجی ارائه می‌دهد. شناسایی عواملی همچون اختلال در نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل بنیادین و نیز عوامل دیگر از جمله: صفات درونی منفی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، باورهای آسیب‌زا، مسائل مالی و جنسی و روابط اجتماعی ناکارآمد، زمینه‌ساز تدوین راهبردهای کارآمد

برای تحکیم بنیان خانواده در جامعه ایرانی است.

براین اساس، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی به‌عنوان چهارچوبی فرهنگی - اعتقادی، نه تنها می‌تواند در ارائه راهکارهای مؤثر برای کاهش تعارضات زوجی و افزایش رضایت زناشویی نقش‌آفرین باشد بلکه ظرفیت بالایی برای همسویی با سیاست‌های کلان جمعیتی کشور دارد. چنین رویکردی، امکان طراحی برنامه‌های آموزشی، مداخله‌ای و مشاوره‌ای مبتنی بر ارزش‌های دینی و نیازهای اجتماعی را فراهم کرده و می‌تواند به توانمندسازی خانواده‌ها، افزایش نرخ ازدواج‌های موفق، کاهش طلاق، و تسهیل فرزندآوری منجر شود.

در مجموع، یافته‌های پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنای تدوین سیاست‌های خانواده‌محور مورد توجه سیاست‌گذاران (از جمله: سازمان صداوسیما، آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و...)، مشاوران، و نهادهای حمایتی قرار گیرد و در تحقق اهداف کلان مرتبط با جمعیت و سلامت خانواده نقش مؤثری ایفا کند.

وجه تمایز یافته‌های پژوهش حاضر

۱- مرجعیت قرآن کریم: برخلاف رویکردهای رایج که عمدتاً بر یافته‌های تجربی و نظریه‌های غربی متکی هستند، این پژوهش قرآن کریم را به‌عنوان منبع اصلی قرار می‌دهد. این رویکرد، با ارائه دیدگاهی کل‌نگر و جامع درباره انسان، روابط او، و هدف تشکیل خانواده، می‌تواند مبنایی مستحکم و هماهنگ با ارزش‌های دینی برای سیاست‌گذاری در حوزه خانواده فراهم آورد.

۲- راهبرد حل تعارض‌های زناشویی مبتنی بر حکم الهی: برخلاف اغلب زوج‌درمانی‌ها که هدفشان توافق زوجین بر اساس نقطه نظرات مشترک است (گولدنبرگ و گولدنبرگ، ۱۳۹۳)، این پژوهش تعارض‌های زناشویی را حول محور حکم الهی حل و فصل می‌کند. سرسپردگی به حکم خدا و ایفای نقش‌ها بر اساس تمایزات جنسیتی و هدایت الهی، می‌تواند منجر به تعاملات مستحکم‌تر، کاهش اختلافات، و افزایش احترام متقابل شود که همسو با اهداف سیاست‌های خانواده‌محور است.

۳- نقش‌های زنانه و مردانه: این پژوهش نقش‌های زنانه و مردانه را به‌عنوان عوامل ریشه‌ای در بروز تعارض‌ها بررسی می‌کند و اختلال در کارکرد این نقش‌ها را عامل اصلی تعارض‌ها می‌داند.

۴- تمرکز بر نقش‌های جنسیتی و صفات درونی: این پژوهش به‌طور ویژه به نقش‌های زنانه و مردانه به‌عنوان عوامل ریشه‌ای تعارض پرداخته و اختلال در عملکرد این نقش‌ها را عامل اصلی تعارض می‌داند. همچنین، صفات درونی منفی و تأثیر آن‌ها بر ساختار شخصیت و تشدید تعارضات، از دیگر محورهای کلیدی پژوهش است. توجه به این عوامل، امکان طراحی برنامه‌های توانمندسازی و آموزشی هدفمند در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی از خانواده را فراهم می‌آورد.

۵- تمییز عوامل تعارضات: پژوهش حاضر با تفکیک عوامل مشترک و اختصاصی تعارض‌ها در زن و مرد، می‌تواند به بهبود طراحی مداخلات و اهداف زوج‌درمانی و مشاوره خانواده کمک کند. این تمایز، به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا برنامه‌های حمایتی متناسب با نیازهای جنسیتی خانواده را تدوین نمایند.

۶- ساختار نظام‌مند عوامل تعارض: عوامل تعارض در این پژوهش دارای ساختار نظام‌مند بوده و اختلال در نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل بنیادین در نظر گرفته‌شده که سایر عوامل به آن وابسته هستند

نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد و می‌توان گفت شامل همه عوامل موجود در پژوهش‌های زیر می‌شود، از جمله پژوهش‌های جان بزرگی؛ پسندیده و آذربایجانی (۱۴۰۲) که بر مشکلات ساختاری مانند جابجایی نقش، ابهام نقش و مشکلات کنشی مانند تعامل منفی تأکید دارند، همچنین شامل عواملی است که در پژوهش‌های کاوه فارسانی و مهدیه (۱۳۹۹) و سالاری‌فر (۱۳۹۸) به آن‌ها اشاره شده است، همچنین با پژوهش صالحی، شاملی، صفورایی پاریزی و رفیعی هنر (۱۴۰۰) همراستاست. در این پژوهش، روابط اجتماعی نامطلوب به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز تعارض‌های زناشویی شناخته شده است که در پژوهش‌های دیگر اثرهای منفی آن در روابط مجازی بر روابط زناشویی مشهود است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۸؛ یگانه چنق، ۱۴۰۲؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۴۰۲). مسائل مالی نیز به‌عنوان یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز مطرح شده است که ارتباط آن با روابط زناشویی پیش‌تر مورد توجه پژوهشگران بوده است (نظری‌پوی، ۱۳۹۲). اختلال در امور جنسی نیز از عواملی است که پژوهش‌های موجود (تاج‌بخش، ۱۴۰۰؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۳) به آن پرداخته‌اند. ضعف مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان عوامل رفتاری در این پژوهش، در پژوهش‌های پیشین نیز نمایان است (رضازاده، ۱۳۹۶؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۳).

پیشنهادات

گسترده‌گی و عمق معارف قرآنی، همواره مجال را برای پژوهش‌های بیشتر فراهم می‌آورد. اگرچه این پژوهش با اتکا به شواهد قرآنی، چهارچوبی نظری برای تبیین تعارض‌های زناشویی ارائه داده است؛ اما پژوهشگران آتی می‌توانند با مطالعه بر روی سوره‌ها یا بخش‌های دیگر قرآن کریم و یا با بررسی تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر این چهارچوب، به گسترش و تعمیق این یافته‌ها یاری رسانند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی، نرجس؛ حسینی دانا، حمیدرضا و شاه منصور، بیتا (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات خانواده در مناطق روستایی شهرستان کاشمر. *مطالعات رسانه‌ای*، (۶۰)، ۸۹-۹۹.
- ابوالحسنی، منصوره؛ اخوت، احمدرضا؛ اسمعیلی، معصومه و بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری مفهوم استعداد مبتنی بر تحلیل شبکه واژگانی در قرآن کریم. *دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) پردیس خاوران*، ۸(۱۵)، ۵-۲۷.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: بی‌نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۷۶). *تحف العقول*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲). *مقدمات تدبر در قرآن*. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیهم‌السلام).
- بهرامی احسان، هادی؛ اخوت، احمدرضا و فیاض، فاطمه (۱۳۹۵). *معناشناسی افسردگی از منظر قرآن*. تهران: دانشگاه تهران.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی زن در توسعه و سیاست. *سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران*، ۱۹(۴)، ۵۹۵-۶۱۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. تهران: دار

الکتب الإسلامی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات.

جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۲). *خانواده درمانگری معنوی خدا/سو*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه.

جهانی دولت‌آباد، اسمعیل (۱۳۹۶). *تبیین نظری تعارض‌های زناشویی با رویکرد پارادایمی*. *خانواده پژوهی*. سال سیزدهم، (۴۹)، ۱۰۹-۱۳۱.

جهانی دولت‌آباد، اسمعیل و عشایری، طاها (۱۴۰۱). *بررسی نقش تعارض‌های زناشویی و شیوه‌های برخورد با تعارض در گرایش به طلاق (مورد مطالعه: شهروندان دارای همسر شهر اردبیل)*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۱(۴)، ۳۴۱-۳۷۶.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسایل الشیعه*. قم: مؤسسه آل بیت (علیهم‌السلام).

حیدری، حسین؛ چیت‌ساز، محمدجواد؛ شاوردی، تهمینه و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۸). *بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط خانوادگی*. تهران: مراکز جهاد دانشگاهی.

دشتی، محمد (۱۴۰۲). *نهج‌البلاغه*. تهران: دفتر نشر معارف.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم ابن الحسین (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالقلم الدارالشامیه.

رضازاده، سیدمحمدرضا (۱۴۰۲). *راهنمای همسران، روش‌هایی برای کاهش تنش و افزایش صمیمیت*. تهران: دانشگاه تهران.

زرگری، مرضیه و بهرامی احسان، هادی (۱۴۰۱). *نقش قوامیت در کاهش تعارض‌های زناشویی بر اساس آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء*. *قرآن و روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۸۱-۹۴.

زارعی، محمد؛ نظری، علی محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۹). *بررسی رابطه بخشش و جهت‌گیری مذهبی با تعارض زناشویی*. *پژوهش در دین و سلامت*، ۶(۲)، ۸۷-۹۹.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۴۰۱). *مهارت‌های زناشویی با نگرش به منابع اسلامی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۸). *زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سو.

- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۳). طبقه‌بندی آسیب‌های روابط همسران در متون اسلامی. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۶، ۶۱-۷۸.
- صالحی، علی‌محمد؛ شاملی، عباسعلی؛ صفوراوی پاریزی، محمدمهدی و رفیعی هنر، حمید (۱۴۰۰). مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان. *قرآن و علم*، (۲۹)، ۳۱۷-۳۴۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*. نجف: المکتبه الحیدریه.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عمادی، سیده زهرا؛ بهرامی احسان، هادی؛ فیاض، فاطمه و اخوت، احمدرضا (۱۳۹۸). مدل نظری مداخله درمانی از منظر قرآن جهت کاهش درد افراد مبتلا به میگرن. *قرآن و طب*، (۸)، ۳۱-۴۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
- فیاض، ریحانه؛ بهرامی احسان، هادی؛ اخوت، احمدرضا و فیاض، فاطمه (۱۳۹۹). مدل مفهومی آسیب‌شناسی روانی مبتنی بر رشد نایافتگی از منظر قرآن کریم. *همایش ملی قرآن و روان‌شناسی*، (۱)، ۱۲۷۰-۱۲۷۹.
- فیاض، فاطمه؛ بهرامی احسان، هادی و اخوت، احمدرضا (۱۴۰۰). روش‌شناسی کشف معنای افسردگی از قرآن. *قرآن و طب*، (۱۴)، ۴۲-۵۳.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۷ق). *المحجّه البیضاء*. قم: جامعه مدرسین قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- قاسمی مقدم، کبری؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و شریفی، اصغر (۱۳۹۹). تعارض‌های زناشویی و نیازهای اساسی: نقش میانجی معنویت. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دانشور رفتار*، ۱۸(۲)، ۵۵-۶۵.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاوه فارسانی، ذبیح‌الله و مهدیه، عارفه (۱۳۹۹). واکاوی راهبردهای زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی: یک نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال شانزدهم، (۶۱)، ۷۷-۹۵.
- کریستن، اندرسون؛ داس، برایان و جاکوبسن، نیل (۱۴۰۲). *زوج‌درمانی رفتاری*

- یکپارچه‌نگر، راهنمای درمانگران جهت ایجاد پذیرش و تغییر. نادر کریمیان، سیدجمال رئیسی، تهران: ارجمند.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الاسلامیه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گولدنبرگ، هربرت و گولدنبرگ، آیرین (۱۳۹۳). خانواده‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: رسا.
- لانگ، لین و یانگ، مارک (۱۳۹۶). مشاوره و درمان مسائل زن و شوهری. ترجمه علی محمد نظری و همکاران، تهران: آوای نور.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۹ و ج ۱۲، بنگاه نشر و ترجمه کتاب. نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. بی‌جا: مشعر.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). میزان الحکمه. تهران: دارالحدیث.
- موسوی، سیده فاطمه و قلی‌نسب، گوچه بیگلو (۱۳۹۸). نقش حمایت عاطفی و خودتعیین‌گری در پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی زنان متأهل. مطالعات زن و خانواده، (۱)۷، ۵۱-۷۱.
- نظری‌پور، محمد (۱۳۹۲). مدیریت مالی خانواده و کیفیت رابطه زوجین. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال سوم، (۳)، ۴۹۱-۵۱۳.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: بی‌نا.
- وحیدنیا، نرگس؛ احمدی‌نوده، خدابخش؛ مردانی‌راد، مزگان و فرخی، نورعلی (۱۴۰۱). مدل پیشگیری از خیانت زناشویی از منظر قرآن. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، (۱۶)۹، ۱۴۵-۱۶۲.
- ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). مجموعه ورام. قم: مکتبه الفقیه.
- هوشمندی، رودابه؛ احمدی، خدابخش و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۹). مقایسه علل تعارض‌های زناشویی در سه دهه اخیر. فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت، (۲)۴.
- یگانه‌چنق، ناصر (۱۴۰۲). تأثیرات رسانه بر فروپاشی بنیان خانواده. ماهنامه آفاق علوم انسانی، (۸۳)، ۳۹-۵۰.

- Aalgaard, R. A.; Bolen, R. M. & Nugent, W. R. (2016). A literature review of forgiveness as a beneficial intervention to increase relationship satisfaction in couples therapy. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 26(1), 46-55.
- Abraham P. Greeff, Tanya De Bruyne (2000). Conflict Management Style and Marital Satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Acevedo, B. P. & Aron, A. (2009). Does a long-term relationship kill romantic love?. *Review of General Psychology*, 13(1), 59.
- Caroline Aduke Tolorunleke (2014). Causes Of Marital Conflicts Amongst Couples in Nigeria: Implication for Counselling Psychologists. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (140), 21-26.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, (34), 354-362.
- Dew, J. & Tulane, S. (2015). The Association Between Time Spent Using Entertainment Media and Marital Quality in a Contemporary Dyadic National Sample. *J Fam Econ Iss*, (36), 621-632.
- Frousakis, Nikki N. (2010). *Communication in married couples: Exploring the roles of betrayal and forgiveness*. University of Tennessee - Knoxville, nfrousak@utk.edu.
- Iqbal, N.; Gillani, N. & Kamal, A. (2013). Conflict management styles and its outcome among married couples. *Journal of Social Sciences*, 7(1), 33-38.
- Noller, P. & Feeney, J.A. (1998). *Communication in early marriage: Responses to conflict, nonverbal accuracy and conversational patterns*. In T. N. Bradbury (Ed.), the developmental course of marital dysfunction (pp. 11-43). New York: Cambridge University Press.
- Panahifar, S.; Yousefi, N. & Amani, A. (2014). The effectiveness of schemabased couple therapy on early maladaptive schemata adjustment and the increase of divorce applications adaptability. *Journal of business & management review*, 3(9), 339-345.
- Patterson, J.; Hayworth, M.; Turner, C. & Raskin, M. (2011). Spiritual issues in family therapy: A graduate- level course. *Journal of Marital and Family Therapy*, (26), 199- 210.
- Roberts, L.J. & Greenberg, D.R. (2002). Observational “windows” to intimacy processes in marriage. In P. Noller & J.A. Feeney (Eds.), *Understanding marriage - Developments in the study of couple interaction* (pp. 118-149). Cambridge, MA, *Cambridge University Press*.
- Tasew, AS.; Getahun, KK. & Prete, G. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia 8(1) Crossref DOI link: <https://doi.org/10.1080/23311908.2021.1903127>, 12-31.
- Thomsen D.G. & Gilbert D.G. (1998). Factors characterizing marital conflict states and traits: physiological, affective, behavioral and

neurotic variable contributions to marital conflict and satisfaction. *Personality and Individual Differences*. 25(5), 833-855.

Williams, D.T.; Cheadle, J. E. & Goosby, B. J. (2015). Hard Times and Heart Break Linking Economic Hardship and Relationship Distress. *Journal of Family Issues*, 31(7).

Zephon Lister, Gregory Seibert, Se-Anne Chance, Brittany Huelett, Leon Wilson & Colwick Wilson (2019). *The Influence of Prayer and Family Worship on Relationship Functioning among Married Adults in the Caribbean and Latin American*, MDPL.com

References

The holy Quran.

Algaard, R. A., Bolen, R. M., & Nugent, W. R. (2016). A literature review of forgiveness as a beneficial intervention to increase relationship satisfaction in couples therapy. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 26(1), 46-55.

Abolhasani, M., Okhovat, A., Esmaeili, M., & Bahrami Ehsan, H. (2021). Explaining the process of talent concept formation based on the analysis of lexical network in the Holy Quran. *Scientific Journal of Educational Sciences from the Perspective of Islam*, 8(15), 5-27 (In Persian).

Acevedo, B. P., & Aron, A. (2009). Does a long-term relationship kill romantic love? *Review of General Psychology*, 13(1), 59-65.

Bahrami Ehsan, H., Okhovat, A., & Fayyaz, F. (2016). *The semantics of depression from the perspective of the Quran*. University of Tehran Press (In Persian).

Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4), 354-362.

Christensen, A., Doss, B. D., & Jacobson, N. S. (2023). *Integrative behavioral couple therapy: A therapist's guide to creating acceptance and change* (N. Karimian & S. J. Raeisi, Trans.). Arjmand Publications (In Persian).

Dashti, M. (2023). *Nahj al-Balagha*. Office of Islamic Knowledge Publishing (In Persian).

Dew, J., & Tulane, S. (2015). The association between time spent using entertainment media and marital quality in a contemporary dyadic national sample. *Journal of Family and Economic Issues*, 36(4), 621-632.

Ebrahimi, N., Hosseini Dana, H., & Shah Mansouri, B. (2023). A sociological study of the relationship between social networks and family communication in rural areas of Kashmar County. *Journal of Media Studies*, (60), 89-99 (In Persian).

Emadi, S. Z., Bahrami Ehsan, H., Fayyaz, F., & Okhovat, A. (2019). *Theoretical model of therapeutic intervention from the perspective of*

- the Quran to reduce pain in people with migraine. *Quran and Medicine*, (8), 31-42 (In Persian).
- Farahidi, K. B. A. (1989). *Kitab al-Ayn*. (2nd ed.). Hijrat Publications (In Persian).
- Fayd al-Kashani, M. (1996). *Al-Mahajjat al-Bayda*. (4th ed.). Islamic Publication Institute of the Society of Seminary Teachers of Qom (In Persian).
- Fayyaz, F., Bahrami Ehsan, H., & Okhovat, A. (2021). Methodology of discovering the meaning of depression from the Quran. *Quran and Medicine*, (14), 42-53 (In Persian).
- Fayyaz, R., Bahrami Ehsan, H., Okhovat, A., & Fayyaz, F. (2020). Conceptual model of psychopathology based on lack of development from the perspective of the Holy Quran. *The First National Conference on Quran and Psychology*, 1270-1279 (In Persian).
- Frousakis, N. N. (2010). *Communication in married couples: Exploring the roles of betrayal and forgiveness* [Doctoral dissertation, University of Tennessee]. Trace: Tennessee Research and Creative Exchange.
- Ghasemi Moghadam, K., Shafiabadi, A., & Sharifi, A. (2020). Marital conflicts and basic needs: The mediating role of spirituality. *Clinical Psychology and Personality (Daneshvar Raftar)*, 18(2), 55-65 (In Persian).
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2014). *Family therapy: An overview* (M. Firouzbakht, Trans.). (2nd ed.). Rasa Publications (In Persian).
- Greeff, A. P., & De Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Heydari, H., Chitsaz, M. J., Shaverdi, T., & Ghelich, M. (2019). Investigating the effects of virtual social networks on family relationships. *ACECR* (In Persian).
- Houshmandi, R., Ahmadi, K., & Kiamaneish, A. (2020). Comparing the causes of marital conflicts in the last three decades. *Lifestyle-centered Health Journal*, 4(2) (In Persian).
- Hurr al-Amili, M. B. H. (1995). *Wasail al-Shia*. Al al-Bayt Institute (In Persian).
- Ibn Babawayh, M. B. A. (1983). *Al-Khisal*. (1st ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyah (In Persian).
- Ibn Babawayh, M. B. A. (1992). *Man La Yahduruahu al-Faqih*. (2nd ed.). Islamic Publications of the Society of Seminary Teachers of Qom (In Persian).
- Ibn Manzur, M. B. M. (1993). *Lisan al-Arab*. (3rd ed.). Dar Sadir (In Persian).
- Ibn Shu'bah, H. B. A. (1997). *Tuhaf al-Uqul* (M. B. Kamarei, Trans.). (6th ed.). Kitabchi Publications (In Persian).
- Iqbal, N., Gillani, N., & Kamal, A. (2013). Conflict management styles and its outcome among married couples. *Journal of Social Sciences*, 7(1), 33-38.
- Jahani Dolatabad, I. (2017). *Theoretical explanation of marital conflicts*

- with a paradigmatic approach. *Journal of Family Research*, 13(49), 109-131 (In Persian).
- Jahani Dolatabad, I., & Ashayeri, T. (2022). Investigating the role of marital conflicts and conflict management styles in divorce tendency. *Sociocultural Strategy*, 11(4), 341-376 (In Persian).
- Janbozorgi, M., Pasandideh, A., & Azarbaijani, M. (2023). *God-oriented spiritual family therapy*. (1st ed.). Research Institute of Hawzah and University (In Persian).
- Kaveh Farsani, Z., & Mahdieh, A. (2020). Analyzing couples' strategies in facing marital conflicts: A grounded theory. *Journal of Family Research*, 16(61), 77-95 (In Persian).
- Kulayni, M. B. Y. (1987). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyah (In Persian).
- Lister, Z., Seibert, G., Chance, S. A., Huelett, B., Wilson, L., & Wilson, C. (2019). The influence of prayer and family worship on relationship functioning among married adults in the Caribbean and Latin America. *Religions*, 10(11), 604. <https://doi.org/10.3390/rel10110604>
- Long, L. L., & Young, M. E. (2017). *Counseling and therapy for couples* (A. M. Nazari et al., Trans.). Avaye Noor Publications (In Persian).
- Majlisi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi (In Persian).
- Mohammadi Reyshahri, M. (2004). *Mizan al-Hikmah*. (3rd ed.). Dar al-Hadith (In Persian).
- Mohammadi Reyshahri, M. (2009). *Strengthening the family from the perspective of Quran and Hadith*. (2nd ed.). Mash'ar Publications (In Persian).
- Mostafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Book Publishing and Translation Agency (In Persian).
- Mousavi, S. F., & Gholi Nasab Gojeh Biglou, S. (2019). The role of emotional support and self-determination in predicting marital conflicts of married women. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 51-71 (In Persian).
- Nazaripour, M. (2013). Family financial management and the quality of couples' relationship. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 3(3), 491-513 (In Persian).
- Noller, P., & Feeney, J. A. (1998). Communication in early marriage: Responses to conflict, nonverbal accuracy and conversational patterns. In T. N. Bradbury (Ed.), *The developmental course of marital dysfunction* (pp. 11-43). Cambridge University Press.
- Nouri, H. B. M. T. (1987). *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail*. (1st ed.). Al al-Bayt Institute (In Persian).
- Okhovat, A. (2013). *Introduction to contemplation in the Quran*. Quran and Ahl al-Bayt Nabovat Publications (In Persian).
- Panahifar, S., Yousefi, N., & Amani, A. (2014). The effectiveness of schema-based couple therapy on early maladaptive schemata adjustment and the increase of divorce applications adaptability. *Journal of Business & Management Review*, 3(9), 339-345.

- Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., & Raskin, M. (2011). Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26(2), 199-210.
- Qarashi, S. A. A. (1992). *Qamus-e Quran*. (6th ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyah (In Persian).
- Raghib Isfahani, A. B. H. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. (1st ed.). Dar al-Qalam (In Persian).
- Rezazadeh, S. M. R. (2023). *Couples' guide: Methods to reduce tension and increase intimacy*. (1st ed.). University of Tehran Press (In Persian).
- Roberts, L. J., & Greenberg, D. R. (2002). Observational “windows” to intimacy processes in marriage. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds.), *Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction* (pp. 118-149). Cambridge University Press.
- Salarifar, M. R. (2014). Classification of relationship harms of couples in Islamic texts. *Journal of Islamic Studies on Women and Family*, 61-78 (In Persian).
- Salarifar, M. R. (2019). *Couple therapy with an Islamic approach*. (3rd ed.). Research Institute of Hawzah and University (In Persian).
- Salarifar, M. R. (2022). *Marital skills with an attitude towards Islamic sources*. (2nd ed.). Research Institute of Hawzah and University (In Persian).
- Salehi, A. M., Shamel, A., Safouraei Parizi, M. M., & Rafiei Honar, H. (2021). Conceptual model of couple conflict factors in the Holy Quran. *Quran and Science*, (29), 317-347 (In Persian).
- Tabataba'i, M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan* (Vol. 4, S. M. B. Mousavi Hamadani, Trans.). Islamic Publications (In Persian).
- Tabarsi, A. B. H. (1965). *Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar*. (2nd ed.). Al-Maktabah al-Haydariyah (In Persian).
- Tabarsi, H. B. F. (1991). *Makarim al-Akhlaq*. Al-Sharif al-Radi (In Persian).
- Tajbakhsh, G. (2021). Analysis of the contextual factors of female extramarital relations in development and politics. *Scientific Journals System of the University of Tehran*, 19(4), 595-614 (In Persian).
- Tamimi Amidi, A. W. B. M. (1987). *Classification of Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Office of Islamic Communications (Daftar-e Tablighat) (In Persian).
- Tamimi Amidi, A. W. B. M. (1989). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. (2nd ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyah (In Persian).
- Tasew, A. S., Getahun, K. K., & Prete, G. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychology*, 8(1), Article 1903127. <https://doi.org/10.1080/23311908.2021.1903127>
- Thomsen, D. G., & Gilbert, D. G. (1998). Factors characterizing marital conflict states and traits: Physiological, affective, behavioral and neurotic variable contributions to marital conflict and satisfaction.


- Personality and Individual Differences, 25(5), 833-855.
- Tolorunleke, C. A. (2014). Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 140, 21-26.
- Turaihi, F. B. M. (1996). *Majma' al-Bahrayn*. Mortazavi Bookstore (In Persian).
- Vahidnia, N., Ahmadi Nodeh, K., Mardani Rad, M., & Farrokhi, N. (2022). A model for preventing marital infidelity from the perspective of the Quran. *Islamic Studies on Women and Family*, 9(16), 145-162 (In Persian).
- Warram ibn Abi Firas, M. B. I. (1989). *Tanbih al-Khawatir wa Nuzhat al-Nawazir (Majmu'at Warram)*. (1st ed.). Maktabat al-Faqih (In Persian).
- Williams, D. T., Cheadle, J. E., & Goosby, B. J. (2015). Hard times and heartbreak: Linking economic hardship and relationship distress. *Journal of Family Issues*, 36(7), 924-950.
- Yeganeh Chanzagh, N. (2023). The effects of media on the collapse of the family foundation. *Afagh Journal of Humanities*, 83(4), 39-50 (In Persian).
- Zargari, M., & Bahrami Ehsan, H. (2022). The role of Qawamiyat in reducing marital conflicts based on Ayah 34 of Surah An-Nisa. *Quran and Psychology*, 1(1), 81-94 (In Persian).
- Zarei, M., Nazari, A. M., & Zaharakar, K. (2020). Examining the relationship between forgiveness and religious orientation with marital conflict. *Research on Religion and Health*, 6(2), 87-99 (In Persian).

Strategy for Prioritizing Issues in Leading Organizations (Case Study: ROYAN Research Institute)

Hashem Vaezi

PhD in Cultural Sociology from Allameh Tabataba'i University and Director of the Sociology Research Group of Development Studies Research Institute of (ACECR) Academic Center for Education, Culture, and Research, Tehran, Iran (Corresponding author).


vaezihashem@ut.ac.ir

 0009-0001-5064-044X

Abu Torab Talebi

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

tatalebi@yahoo.com

 0000-0001-8483-1247

Ardeshir Entezari

Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.


entezari@atu.ac.ir

 0000-0002-8798-8511

Mohammad Reza Pourabedi

Assistant Professor, Department of Management, of The University of Science and Culture of (ACECR) Academic Center for Education, Culture, and Research, Tehran, Iran.

pourabedi@acecr.ac.ir

 0009-0009-5908-859X

Abstract

The subject of the article is the strategy of prioritizing issues in leading organizations and the "how" of its operationalization and application, with an emphasis on the findings obtained from a case study at the ROYAN Research Institute. The aim of the research is to identify the main challenges and issues and prioritize them at the level of ROYAN, and to separate the four departments of research, education, treatment, and support. The research method is qualitative and of the group discussion or focus group type, depending on the problem. Focus group research is based on facilitating an organized discussion with a group of selected individuals, because it is assumed that these individuals are representative of certain social classes and strata. The results of the research show that: The category of "welfare and economic problems and low salaries" with a score of 34380 is the most important challenge of ROYAN, The category of "need to encourage high-performing workers and separate them from low-performing workers" with a score of 30100 is the second challenge of ROYAN, This challenge is the second challenge of the first and third deputy departments and the third challenge of the second and fourth deputy departments. The category of "need to address the demands of the forces and listen to their voices" is also the third challenge of the ROYAN with a score of 30096. This challenge is the third challenge of the first, second, and third deputy departments, and the fifth challenge of the fourth deputy department.

Keywords: Problem prioritization strategy, Excellent organization, Organizational excellence, Consensus, Aggregation.

Extended abstract

Background and Purpose

In recent decades, Iranian society has been confronted with a growing accumulation of economic, socio-cultural, and organizational challenges. Numerous studies and policy documents indicate that despite the expansion and intensification of these issues, effective problem-solving has often remained limited. One of the key reasons for this shortcoming is the absence of a coherent system for identifying, categorizing, and prioritizing strategic issues, particularly within organizations. When multiple and interrelated problems coexist, the first essential step toward effective intervention is the systematic prioritization of issues and the alignment of organizational perspectives around them.

Leading organizations, due to their complexity and social responsibility, are especially in need of structured mechanisms for issue prioritization. This study focuses on developing and applying a strategy for prioritizing issues in leading organizations, using the ROYAN Research Institute—one of Iran's most prominent scientific and medical institutions—as a case study. The main purpose of the research is to identify the key challenges facing ROYAN and to prioritize them both at the organizational level and across its four main deputy sectors: research, education, treatment, and support.

Research Questions

The study seeks to answer the following central question: What are the main challenges and strategic issues of the ROYAN Research Institute at the organizational level and within each of its four deputy sectors, and how can these issues be prioritized based on their relative importance and prevalence?

Methodology

The research adopts a qualitative approach, employing the focus group (group discussion) method as its primary data collection technique. Focus group research is particularly suitable for exploring complex organizational issues, as it facilitates structured dialogue among selected participants who are assumed to represent key organizational strata. In this study, a comprehensive (census-based) sampling strategy was used. All senior managers and deputies of the four sectors of ROYAN participated in the focus group sessions. This approach significantly reduced potential bias in prioritization by ensuring that all relevant

managerial perspectives were included.

Data collection proceeded in two main stages. First, open-ended questions were used in group discussions to elicit the full range of perceived challenges and problems within the organization. These issues were then coded and categorized into four main domains: economic challenges, cultural challenges, structural-organizational challenges, and human resource challenges.

In the second stage, participants were asked to assess each identified issue based on two criteria: Degree of importance, and Degree of prevalence in the current organizational context.

Each criterion was scored on a five-point Likert scale. The final priority score for each issue was calculated by multiplying its importance score by its prevalence score, allowing for a systematic and comparable ranking of challenges across sectors.

Findings

The findings reveal that economic and welfare-related issues constitute the most critical challenges facing the ROYAN Research Institute. At the organizational level, the category of “welfare and economic problems and low salaries” emerged as the highest-priority challenge, receiving the highest composite score.

The second most critical challenge was identified as the “need to encourage high-performing employees and distinguish them from low-performing staff.” This issue ranked second overall and showed consistently high priority across multiple deputy sectors.

The third major challenge was the “need to address employees’ demands and actively listen to their concerns.” This issue ranked third at the organizational level and appeared among the top priorities in most deputy sectors, underscoring the importance of communication, participation, and responsiveness in organizational management.

Conversely, issues such as disparities between ROYAN faculty members and university faculty, delays in granting faculty status to some PhD holders despite prior agreements, and reductions in salaries linked to continued education were ranked among the least critical challenges. Sector-specific analyses further demonstrated that while the relative ranking of issues varied across the four deputies, economic pressures and human resource management concerns consistently dominated the top priority levels.

Discussion and Conclusion

The results highlight the central role of economic security, fair compensation, and human resource recognition in sustaining organizational excellence. In leading organizations like ROYAN, neglecting these issues not only undermines employee motivation and performance but also threatens long-term organizational stability and innovation capacity.

This study demonstrates that a structured issue-prioritization strategy—

grounded in consensus-building, participation, and systematic assessment—can provide decision-makers with a clear roadmap for intervention. By distinguishing between high-impact and low-impact challenges, managers can allocate resources more effectively and design targeted policies aligned with organizational realities.

In conclusion, the proposed prioritization framework offers a practical and replicable model for other leading organizations facing complex and multi-layered challenges. Integrating participatory methods such as focus groups with quantitative scoring mechanisms enhances both the legitimacy and the effectiveness of strategic decision-making processes.

Keywords: Issue prioritization strategy, Leading organization, Organizational excellence, Consensus, Aggregation, ROYAN Research Institute.

راهبرد اولویت‌بندی مسائل در سازمان‌های سرآمد (مورد مطالعه: پژوهشگاه رویان)^۱

هاشم واعظی

دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات توسعه (سازمان جهاد دانشگاهی تهران)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

vaezihashem@ut.ac.ir

id 0009-0001-5064-044X

ابوتراب طالبی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

tatalebi@yahoo.com

id 0000-0001-8483-1247

اردشیر انتظاری

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

entezari@atu.ac.ir

id 0000-0002-8798-8511

محمدرضا پورعابدی

استادیار گروه مدیریت دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

pourabedy@acecr.ac.ir

id 0009-0009-5908-859X

چکیده

موضوع مقاله راهبرد فرهنگی اجتماعی اولویت‌بندی مسائل در سازمان‌های سرآمد و «چگونگی» عملیاتی‌سازی و کاربردی آن با تأکید بر یافته‌های به‌دست آمده از مطالعه موردی در پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی می‌باشد. هدف پژوهش احصاء چالش‌ها و مسائل اصلی و همچنین اولویت‌بندی آنها در سطح پژوهشگاه رویان و به‌تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی می‌باشد. روش پژوهش با توجه به مسئله آن، کیفی و از نوع بحث گروهی یا گروه‌مرکز می‌باشد. گروه‌مرکز از جمله روش‌های گردآوری داده‌ها در هر دو روش کمی و کیفی به‌شمار می‌رود. روش گروه‌مرکز به‌نوعی بحث گروهی اطلاق می‌شود که درصدد کاوش دسته‌ای از جریان‌های معین است. پژوهش گروه‌مرکز بر تسهیل بحثی سازمان‌یافته با گروهی از افراد انتخاب شده استوار است؛ زیرا تصور می‌شود این افراد نماینده برخی طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی هستند. نتایج برآمده از پژوهش نشان می‌دهند که: مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۳۴۳۸۰ مهم‌ترین چالش پژوهشگاه می‌باشد. مقوله «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» نیز با نمره ۳۰۱۰۰ دومین چالش پژوهشگاه می‌باشد. این چالش دومین

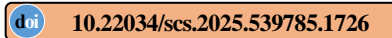
۱. برگرفته از رساله دکتری با عنوان «معنای کار نزد کارکنان پژوهشگاه رویان»

چالش معاونت‌های شماره یک و سه و سومین چالش معاونت‌های شماره دو و چهار نیز می‌باشد. مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» نیز با نمره ۳۰۰۹۶ سومین چالش پژوهشگاه می‌باشد. این چالش سومین چالش معاونت‌های شماره یک و دو و سه و پنجمین چالش معاونت شماره چهار می‌باشد.

کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های پژوهشگاه، مقوله‌های «وضعیت بهتر اعضای هیئت علمی دانشگاهی نسبت به اعضای هیئت علمی رویان» با نمره ۹۶۵۷ و مقوله «هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی» با نمره ۱۰۱۲۰ و مقوله «کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل» با نمره ۱۳۴۶۲ می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: راهبرد اولویت‌بندی مسائل، سازمان سرآمد، سرآمدی سازمانی، اجماع، اجتماع.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

جامعه ایران در دهه‌های گذشته با مسائل بسیاری درگیر بوده است. در این راستا دیدگاه‌های مختلفی مطرح و مطالعاتی انجام شده است. از جمله مرکز پژوهش‌های راهبردی ریاست جمهوری یکصد مسئله اساسی را مشخص کرده است. بررسی مذکور نشان می‌دهد صرف نظر از مختصات جغرافیایی؛ مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقریباً در تمام استان‌های کشور از بیشترین درجه اهمیت برخوردارند. در برخی پژوهش‌های انجام شده «مسائل اقتصادی»، «نقصان جدی در عملکرد دستگاه قضا»، «فساد گسترده» و «کاهش سرمایه اجتماعی» به‌عنوان مهم‌ترین مسائل اجتماعی پیش‌روی کشور معرفی شده‌اند.

بخش مهمی از مسائل جامعه ایران در حوزه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاست‌گذاری در این زمینه قرار دارد. گستردگی همراه با ناهماهنگی ساختارها و نهاد‌های فرهنگی، تغییر ارزشی، تعارض‌های هنجاری، تعارضات سبک زندگی، کاهش سرمایه اجتماعی از جمله این مسائل ذکر شده است. این مسائل بستری برای تحولات اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و... نیز بوده است. به نظر می‌رسد اعتصابات، اعتراضات و اغتشاشات اخیر (شهریور تا آذرماه ۱۴۰۱) کشور نیز بر بستر این مسائل فرهنگی رخ داده است. در پژوهش دیگری توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۷)، چالش‌های اساسی جامعه ایران معرفی شده است. در پژوهش مذکور مسائلی مانند: ناکارآمدی سیستم در پاسخ به نیازهای مردم، شکاف بین دولت و مردم، کاهش سرمایه اجتماعی، تبعیض ناهماهنگی دستگاه‌های اداری شناسایی شده است.

به نظر می‌رسد علی‌رغم تشدید و تراکم مسائل اجتماعی فرهنگی، توفیق حل مسائل کم و حتی ناچیز بوده است. بخشی از این امر را می‌توان با عدم شناخت درست، عدم هماهنگی نظام سیاست‌گذاری و عدم اولویت‌بندی مسائل؛ مرتبط دانست. وقتی مسائل متعدد و با ابعاد مختلف وجود داشته باشد مهم‌ترین قدم بررسی و اولویت‌بندی مسائل در سطوح مختلف و تلاش برای هماهنگی بین نظام اولویت‌ها و هماهنگی افق‌ها برای حل مسئله است.

این وضعیت درون دستگاه‌های اداری - اجرایی، اعم از فرهنگی - اجتماعی، پزشکی و سلامت چگونه است؟ به اختصار می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌ها؛ تدوین نظام مسائل و اولویت‌بندی مسائل راهبردی از نظر مدیران و

نخبگان دستگاه‌های اجرایی با صلاحیت‌های تخصصی است. به عبارت دیگر پرسش قابل طرح در خصوص دستگاه‌های اداری - اجرایی این است که نظام مسائل و اولویت‌بندی آنها از نظر مدیران ارشد تخصصی دستگاه‌ها از چه وضعیتی برخوردار است؟ این وضعیت در خصوص مؤسسه‌ای خاص نظیر پژوهشگاه رویان که مورد مطالعه می‌باشد، چگونه است؟

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

مسئله پژوهش باید در قالب یک یا چند پرسش پژوهش مطرح شود که ماهیت و محدوده پژوهش را تعریف کنند. سه نوع اصلی پرسش‌های پژوهش وجود دارند؛ پرسش‌های «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» (بلیکی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). با توجه به مسئله و همچنین هدف پژوهش، پرسش پژوهش از نوع پرسش‌های «چیستی» بوده و در صدد ارائه پاسخ‌های توصیفی به پرسش پژوهش می‌باشد که به شکل زیر مطرح شده است:

۱-۱. هدف

احصاء چالش‌ها و مسائل اصلی و همچنین اولویت‌بندی آنها در سطح پژوهشگاه رویان و به تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی.

۱-۲. پرسش

چالش‌ها و مسائل اصلی پژوهشگاه رویان در سطح پژوهشگاه و همچنین به تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی کدام‌ها بوده و از چه اولویت‌بندی برخوردار می‌باشند؟

۲. پیشینه پژوهش

در مورد مسائل فرهنگی اجتماعی در ایران و اولویت‌بندی آنها، مطالعات متعددی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی انجام شده است. با توجه به اینکه در دستیابی به اولویت‌ها و مسائل فرهنگی اجتماعی راهبردی، سه وجه مردم، اسناد بالادستی و مسئولین دستگاه‌های اجرایی کانون توجه می‌باشند؛ از هر کدام از مطالعات به یک مورد اشاره می‌شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سندی تحت عنوان «اهم مسائل و راهبردهای فرهنگی جهت تقویت سلامت و آرامش اجتماعی» (۱۴۰۱) علاوه بر تعیین

اولویت‌های فرهنگی به تقسیم کار ملی نیز پرداخته و به وظایف دستگاه‌های دولتی و البته استفاده از ظرفیت نهادهای غیردولتی نیز پرداخته است. در این مصوبه، اهم مسائل کشور به ترتیب اولویت به شرح زیر اعلام شده است: مسئله اول: ضعف دانش رسانه‌ای و فضای مجازی؛ مسئله دوم: ضعف فضای گفت‌وگو و کم‌توجهی به دانشجویان؛ مسئله سوم: تضعیف نشاط، اعتماد و تعلق ملی در نسل جوان؛ مسئله چهارم: ضعف در روایت‌سازی؛ مسئله پنجم: کم‌توجهی به طرح مسائل و مطالبات اجتماعی و مسئله ششم: غفلت از اولویت و فوریت مسائل فرهنگی اجتماعی.

کاظمی و عبدی (۱۳۹۸)، در گزارشی تحت عنوان «چالش‌های جامعه ایران؛ راهبردهای خروج از وضعیت» به چالش‌های جامعه ایران از دیدگاه ۱۱۹ نفر از نخبگان مؤثر در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند. این گزارش تأکید می‌کند که همه نخبگان مصاحبه شده از وضع موجود ناراضی و گویا در انتظار خبری بوده‌اند و نارضایتی‌های گسترده را پیش‌بینی می‌کردند. گزارش تأکید می‌کند که نخبگان ما نه تنها ناامیدند بلکه ریشه این ناامیدی در انفعال عمومی است (کاظمی و عبدی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۳ به نقل از کشاورز، ۱۴۰۲، ص. ۹۸). وقتی نخبگان سخن از امید به میان می‌آورند، این امید نه به شکل عملگرایانه و محتمل بلکه بیشتر در پوشش فلسفی و نظری بیان می‌شود (کاظمی و عبدی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵ به نقل از کشاورز، ۱۴۰۲، ص. ۹۸).

شورای فرهنگ عمومی کشور در سال ۱۴۰۱ اقدام به نیازسنجی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی کشور نموده است. این شورا بر اساس موضوعات طرح‌شده در جلسات شورای فرهنگ عمومی، برنامه پیشنهادی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دولت سیزدهم، برنامه پیشنهادی دبیر شورا و همچنین بررسی‌های کارگروه‌های کارشناسی شورا، به مجموعه موضوعاتی به عنوان «مسائل فرهنگی کشور» رسید. این ۲۸ عنوان فرهنگی، مورد نظرسنجی دو گروه برای تعیین اولویت‌ها قرار گرفت: الف) اعضای شورای فرهنگ عمومی کشور و ب) هیئت‌رئیس‌های شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها (متشکل از امام‌جمعه، استاندار و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی). در نظرسنجی شورای فرهنگی عمومی کشور بر اساس فراوانی به‌دست‌آمده از بین ۲۸ اولویت، مهم‌ترین اولویت‌های اعلام‌شده (هشت اولویت اول) را به قرار زیر می‌توان دانست: ۱- مسائل حوزه خانواده، ۲- جوانی جمعیت و تمایل به فرزندآوری، ۳- الگوهای نشاط و فراغت جمعی، ۴- زیست‌عقیدانه، ۵- میل به مهاجرت، ۶- قانون‌گرایی، ۷- فرهنگ سازمانی، ۸- فرهنگ کار.

وجه مشخص یا وجه ممیزه این پژوهش نسبت به کارهای انجام شده از چند منظر قابل بررسی است. نخست: جامعه آماری. به این معنی که اولویت‌بندی چالش‌ها در درون سازمان (پژوهشگاه) صورت گرفته است، آن‌هم در دوسطح. هم در سطح پژوهشگاه و هم به تفکیک معاونت‌ها. عموماً پژوهش در درون سازمان‌ها به اساتید علم مدیریت واگذار شده و کمتر از منظر جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. تمایز بعدی در نحوه نمونه‌گیری است. نمونه‌گیری به کار بسته شده در این پژوهش از نوع مجموعه کامل یا جامع، از انواع نمونه‌گیری موارد خاص یا بی‌مانند می‌باشد. تمامی مدیران معاونت‌های چهارگانه به‌عنوان شرکت‌کننده در نمونه حضور داشته‌اند و به‌دلیل اولویت‌بندی چالش‌ها بر اساس نظر تمامی مدیران، احتمال خطا در اولویت‌بندی مسائل تقلیل یافته است. درنهایت روش مطالعه. در احصاء چالش‌ها و اولویت‌بندی آنها؛ هم‌زمان از روش کمی و کیفی بهره گرفته شده است.

۳. چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی به شبکه یا مجموعه‌ای از مفاهیم و ایده‌ها اطلاق می‌شود که محقق کیفی در فضای آن کار می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۷، ص. ۵۴۴). در ادامه و به‌صورت مقدماتی به چهارچوب مفهومی بررسی چالش‌ها و مسائل فرهنگی اجتماعی اشاره می‌کنیم:

۳-۱. راهبرد (استراتژی)^۱

به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنهاست. به‌بیان‌دیگر راهبرد، طرح نسبتاً درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص طراحی و تبیین می‌شود.

۳-۲. اهداف راهبردی^۲

منظور اهداف مشخص و نسبتاً بلندمدتی هستند که یک سیستم به‌منظور دستیابی به وضعیت مطلوب خود در آینده تعیین می‌کند. این اهداف به تحقق نتایج دقیق در بازه زمانی (۳ تا ۵ سال) اشاره دارد. اهداف راهبردی (استراتژیک) از اهداف سالانه، گسترده‌تر هستند؛ اما از اهداف بلندمدت، کوتاه‌تر هستند؛ بنابراین توجه به این نکته ضروری است که اهداف راهبردی با اهداف تاکتیکی که کوتاه‌مدت، خاص و متمرکز بر دستیابی به وظایف یا نقاط عطف خاصی هستند، متفاوت‌اند.

1. Strategy

2. Strategic goal

۳-۳. مسائل راهبردی^۱

مسائلی چالشی که ادراک شده و تبدیل به دغدغه گردیده، ناخوشایند و قابل حل تعریف می‌شود که دستیابی به هدف‌های مهم (اهداف راهبردی) را مختل می‌کنند. وجه ارتباطی، چندوجهی و بین بخشی دارند و نیازمند بسیج منابع و هماهنگی نیروها برای حل آنها می‌باشند.

مسائل راهبردی سطوح مختلف دارند: ۱- دستگاهی، ۲- بین‌دستگاهی و ۳- فرادستگاهی (ملّی).

۳-۴. مسائل فرهنگی اجتماعی^۲

به مشکلات و چالش‌هایی اطلاق می‌شود که از تعامل و تقاطع عوامل اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه ناشی می‌شود. این مسائل اغلب بر افراد، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی، نهادها و جوامع تأثیر می‌گذارد. آنها می‌توانند از منابع مختلف، از جمله شرایط اقتصادی، زمینه‌های تاریخی، و شیوه‌های فرهنگی ناشی شوند.

۳-۵. توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی در واقع بُعدی از توسعه است که بر کنش‌ها و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی تمرکز دارد. بهبود در وضعیت اجتماعی افراد جامعه در عرصه‌های گوناگونی از قبیل جامعه مدنی، مردم‌سالاری، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی، از موضوعات محوری توسعه اجتماعی محسوب می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸، ص. ۴۷). شاخص‌های متفاوتی جهت سنجش توسعه اجتماعی توسط اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان ارائه شده است. مبارکی و همکاران (۱۴۰۲)، توسعه اجتماعی را با ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی و امنیت اجتماعی مورد سنجش قرار داده‌اند.

۳-۶. سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی، شیوه‌ای برای مفهوم‌سازی منابع نامحسوس اجتماعی، ارزش‌های مشترک و اعتماد که هرکدام از ما در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم می‌باشد. بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان «ثروت نامرئی یک کشور» در نظر می‌گیرد و آن را دربرگیرنده نهادها و روابط و هنجارهایی می‌داند که تعاملات اجتماعی را شکل می‌-

1. Strategic issues

2. Socio-cultural problems & Socio-cultural issues

دهند (مکیان و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۴). از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت آگاهی‌های متقابل به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۹). از نظر رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد: ۱- اعتماد، ۲- هنجارها و الزامات اجتماعی، ۳- شبکه‌های اجتماعی. مبارکی و همکاران (۱۴۰۲)، سرمایه اجتماعی را با سنجه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اخلاق توسعه؛ سنجیده‌اند که به ترتیب میانگین‌های ۴۲ درصد و ۶۳ درصد و ۵۵ درصد را در کشور نمایش می‌دهد.

۳-۷. مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی عبارت است از حضور نسبتاً پایدار و عنداللزوم عناصر سازنده جامعه، افراد، گروه‌ها، اجتماعات، نهادها و سازمان‌ها، در فرایندها، امور و فعالیت‌های اجتماعی. بر اساس این تعریف، حضور می‌تواند آگاهانه، ناآگاهانه، اختیاری و حتی اجباری تعریف شود. منظور از فرایندها، مراحل شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی اعم از موقت و دائم و همچنین شکل‌گیری و تداوم نهادها و سازمان‌ها، گروه‌ها و سایر شکل‌بندی‌های اجتماعی است. منظور از امور اجتماعی آن چیزی است که بر اثر تعاملات عناصر سازنده جامعه پدیدار می‌شود همانند حقوق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و جامعه. از فعالیت‌های اجتماعی، آنچه از ایفای نقش‌های عناصر سازنده جامعه در محیط اجتماعی حاصل می‌شود، مراد است... نگرش تحلیلی به مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی مفهومی است که در دل خود چند مفهوم دیگر را مستتر دارد یا هم‌زمان بر چند مفهوم دیگر ناظر است و از ترکیب و ادغام آنها مشارکت اجتماعی هویت می‌یابد؛ بنابراین در اینجا علاوه بر تعریف لازم است به چند جزء سازنده دیگر این مفهوم هم توجه کرد. مشارکت به‌مثابه روش یا جهان بینی، موضوع مشارکت، اهداف مشارکت، مشارکت‌کننده، میدان مشارکت، آثار، پیامدها و نتایج مشارکت، کیفیت مشارکت، فرایندها و مراحل آمادگی برای مشارکت، پایدارسازی و نهادمندسازی مشارکت و مبانی نظری مشارکت از اجزای ذاتی یا مرتبط به مشارکت به صورت نوعی و مشارکت اجتماعی به شکل خاص آن است. تفکیک تحلیلی و مشخص کردن معنای هر یک از این عناصر زمینه را برای درک ابعاد و فضای معنایی مفهوم مشارکت اجتماعی که سطح انتزاع نسبتاً بالایی دارد، فراهم می‌کند (قیصری ۱۳۹۸، صص. ۳۹-۴۰).

۳-۸. اجماع و اجتماع

اجماع در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف به معنی اتفاق نظر بوده و در این مقاله با معنی توافق بر روی ارزش‌ها و هنجارها، قاعده‌ها و دستورالعمل‌ها، و توافقاتی که به کار برده می‌شود. اجتماع نیز به معنی گردهم آمدن و جمع شدن می‌باشد که عنصر محوری آن «ارتباط» بوده و در این مقاله به معنی ارتباط و گردهم آمدن افراد، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها، دستگاه‌های اداری و اجرایی حول یک مسئله یا پیرامون مسائل می‌باشد.

۴. روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به مسئله آن، کیفی و از نوع بحث گروهی یا گروه‌مرکز^۱ می‌باشد. گروه مرکز از جمله روش‌های گردآوری داده‌ها در هر دو روش کمی و کیفی به شمار می‌رود... روش گروه‌مرکز به نوعی بحث گروهی^۲ اطلاق می‌شود که درصدد کاوش دسته‌ای از جریان‌های معین است... در این شیوه، گروه روی یک بحث جمعی متمرکز می‌شود تا مسئله خاصی را به بررسی بگذارد. این روش شکل مشخصی از روش وسیع‌تر مصاحبه‌های گروهی برای کاربرد تعامل‌های گروهی جهت تولید داده است... پژوهش گروه‌مرکز بر تسهیل بحثی سازمان‌یافته با گروهی از افراد انتخاب شده استوار است؛ زیرا تصور می‌شود این افراد نماینده برخی طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی (مانند مصرف‌کننده‌های یک محصول یا طبقه رأی‌دهنده‌ها) هستند (محمدپور، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۱-۱۵۲). با توجه به هدف پژوهش که احصاء چالش‌ها و مسائل اصلی و همچنین اولویت‌بندی آنها در سطح پژوهشگاه رویان و به تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی می‌باشد؛ مناسب‌ترین روش گروه مرکز خواهد بود. نظر به اهمیت و ضرورت استفاده از مشارکت اجتماعی یا اجماع و اجتماع در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در خصوص احصاء و اولویت‌بندی چالش‌ها و مسائل اصلی پژوهشگاه، تمامی مدیران پژوهشگاه رویان به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. با لحاظ کردن میزان‌های کم و زیاد برای مفاهیم اجماع و اجتماع؛ ماتریسی ۲*۲ شکل گرفته و میزان مشارکت در درون یک دستگاه اداری - اجرایی و سازمان را نشان می‌دهد که در جدول (۱) نشان داده شده است. خود مفهوم مشارکت نیز در کنار مفاهیم اعتماد اجتماعی و اخلاق اجتماعی

1. Focus Group

2. Group Discussion

یکی از شاخص‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی است که می‌تواند اشکال هم‌نوایی و ناهم‌نوایی یا توافق و عدم توافق بر سر ارزش‌ها و هنجارها و... به خود گرفته و در نهایت منجر به هم‌افزایی (سینرژی) یا تعارض گردد.

جدول (۱): وضعیت مشارکت اجتماعی با توجه به مفاهیم اجماع و اجتماع

اجتماع	اجتماع	کم	زیاد
	اجماع	کم	زیاد
مشارکت اجتماعی	کم	زیاد	مشارکت اجتماعی

منبع: (محقق ساخته)

با در نظر گرفتن پرسش‌های بنیادین چهارگانه پژوهش در خصوص توصیف، تبیین، پیش‌بینی و مداخله در وضعیت واقعیت مورد مطالعه؛ مفاهیم اجماع و اجتماع و اکاوی شد. اجماع در توصیف: واقعیت مورد مطالعه از چه وضعیتی برخوردار است؟ شاخص‌ها کدام‌اند و از چه وضعیتی برخوردارند؟ اجماع در تبیین: توضیح در خصوص چرایی وقوع یک پدیده، رویداد و واقعیت تحت بررسی. اجماع در پیش‌بینی: موضوع مورد مطالعه، در آینده چه روندی را طی خواهد کرد؟ اجماع در مداخله: برای حفظ وضع موجود یا تغییر آن چه باید کرد؟ اجتماع در توصیف: ارتباط بین اندیشمندان و صاحب‌نظران (در اینجا مدیران) مرتبط با موضوع مورد مطالعه. اجتماع در تبیین: گفتگو و تشریح مساعی نخبگان و خبرگانی که از چرایی وقوع رویداد بحث می‌کنند. اجتماع در پیش‌بینی: برقراری ارتباط بین کسانی که در صدد آینده‌پژوهی و ارائه تصویری از آینده موضوع مورد مطالعه می‌باشند. اجتماع در مداخله: برگزاری نشست‌های تخصصی بین کارگزاران تغییر یا نگهداشت وضع موجود.

جدول (۲): وضعیت اجماع و اجتماع در بررسی واقعیت

اجتماع	توصیف		تبیین		پیش‌بینی		مداخله	
	کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد
توصیف	کم							
	زیاد							
تبیین	کم							
	زیاد							
پیش‌بینی	کم							
	زیاد							

اجتماع		توصیف		تبیین		پیش‌بینی		مداخله	
اجماع		کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد
کم									
زیاد									

منبع: (محقق ساخته)

این مقاله درصدد بررسی وضعیت اجماع و اجتماع مدیران پژوهشگاه رویان بر سر مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پژوهشگاه رویان در سطح توصیف و اولویت‌بندی آنها می‌باشد. ضمن دعوت از تمامی مشارکت‌کنندگان جهت پاسخگویی، در جلسات هم‌اندیشی توسط محقق و مشارکت‌کنندگان؛ در قالب سؤال باز پرسیده می‌شد که: مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پژوهشگاه رویان از نظر شما کدام‌ها می‌باشند. بدین ترتیب ابتدا چالش‌ها و مسائل اصلی معاونت‌های چهارگانه رویان احصاء گردید. در ادامه هرکدام از مسائل و چالش‌های مطرح شده در قالب کدهای محوری چهارگانه دسته‌بندی شدند؛ به‌عنوان مثال؛ کد محوری چالش‌های اقتصادی؛ از ترکیب ۱۱ مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین»؛ «قطع‌شدن اضافه کار تشویقی»؛ «ترک کار به‌خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر»؛ «عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص»؛ «کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل»؛ «حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو»؛ «کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل»؛ «توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه»؛ «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان»؛ «کمبود مواد مورد نیاز پژوهش» و درنهایت «اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیة مواد» انتزاع یافته است. چالش‌های بعدی نیز هرکدام از مقوله‌های متفاوتی منتزع شده است. چالش‌های اقتصادی، فرهنگی، ساختاری و سازمانی و منابع انسانی؛ همراه با مقوله‌های اختصاص یافته به آن؛ هرکدام به تفکیک در جدول (۳) مشاهده می‌شود.

جدول (۳): مقوله‌های چالش‌های چهارگانه

کد محوری	کد باز	بسامد
چالش‌های اقتصادی	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵
	قطع‌شدن اضافه کار تشویقی	۱
	ترک کار به‌خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۹
	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷

کد محوری	کد باز	بسامد
	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۴
	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجوی	۷
	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۲
	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۲
	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی روپان	۱
	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۲
	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۴
	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴
چالش‌های فرهنگی	عدم ترک کار به‌خاطر عادت	۱
	کم‌شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به‌دلیل افزایش نیروها	۳
	کم‌رنگ‌شدن اِرق (عرق) به مجموعه روپان	۶
	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۲
	کم‌رنگ‌شدن اشتیاق و عشق به کار	۶
	کار از روی وظیفه و اجبار	۵
	کم‌رنگ‌شدن نگاه عبادت‌گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۱
	کم‌رنگ‌شدن رابطه غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۳
چالش‌های ساختاری سازمانی	کم‌رنگ‌شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۲
	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۱
	دیوان‌سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۱
	مشکلات رفاهی و اقتصادی کارکنان به‌دلیل عدم تأمین اعتبارات روپان	۲
	عدم پذیرش روپان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳
	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱
	مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۱
	مشکل أخذ اعتبارات و مجوزها به‌دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۴
	عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۸
	درخواست کارهای غیرتخصصی و هیئتی از افراد	۲
	زمان‌بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳
	شفاف‌نبودن اِشیل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴
چالش‌های منابع انسانی	خداشه‌دارشدن استقلال سازمانی	۲
	ایجاد مانع و طعنه‌زدن درون سازمانی و برون سازمانی	۴
	مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۵
	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۸
	اُفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۱۲

کد محوری	کد باز	بسامد
	نیاز به تخصصی‌تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲
	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۲
	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۵
	حجم و فشار کاری بالا	۶
	نگاه رئیس و مرئوسی	۱
	توقع بالای نیروهای کار	۱۵
	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۷
	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار	۱۳
	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۳
جمع بسامدها:		۲۲۲

منبع: (محقق ساخته)

جهت سنجش میزان اهمیت چالش‌ها و مسائل در وضعیت کنونی پژوهشگاه، جدول شماره (۴) که در زیر آورده شده؛ به تمامی مدیران در تمامی معاونت‌ها داده شده و از آنها درخواست گردید که بر اساس میزان اهمیت به صورت خیلی کم = ۱ و کم = ۲ و متوسط = ۳ و خیلی = ۴ و خیلی زیاد = ۵ نمره دهند. جدول ۴ نمونه تکمیل شده توسط یکی از مشارکت‌کنندگان می‌باشد.

جدول (۴): میزان اهمیت سنجه‌های عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر یک	میزان اهمیت سنجه در وضعیت کنونی		
					خیلی زیاد	خیلی	متوسط کم
عوامل مداخله‌گر	چالش‌های اقتصادی	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۵	۵		
		قطع شدن اضافه کار تشویقی	۱	۵	۵		
		ترک کار به خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۹	۵	۵		
		عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷	۵	۵		
		کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۴	۵	۵		
		حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۷	نمی‌دانم	نمی‌دانم		

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر یک	میزان اهمیت سنجه در وضعیت کنونی			
					خیلی زیاد	خیلی متوسط	کم	خیلی کم
		کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۲	۵	۵			
		توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۲	۵	۵			
		وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۱	۳	۳		۳	
		کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۲	۵	۵			
		اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۴	۵	۵			
		القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴	۴	۴		۴	
		عدم ترک کار به‌خاطر عادت	۱	۳	۳		۳	
		کم‌شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به‌دلیل افزایش نیروها	۳	۴	۴		۴	
		کم‌رنگ‌شدن اِرق (عِرق) به مجموعه رویان	۶	۵	۵			
		القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۲	۳	۳		۳	
		کم‌رنگ‌شدن اشتیاق و عشق به کار	۶	۵	۵			
		کار از روی وظیفه و اجبار	۵	۳	۳		۳	
		کم‌رنگ‌شدن نگاه عبادت‌گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۱	۳	۳		۳	
		کم‌رنگ‌شدن رابطه غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۳	۳	۳		۳	
		کم‌رنگ‌شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۲	۲	۲			۲

چالش‌های فرهنگی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر یک	میزان اهمیت سنجه در وضعیت کنونی			
					خیلی زیاد	خیلی متوسط	کم	خیلی کم
		نیاز به روابط مآلی و بین‌المللی قوی‌تر	۱	۵	۵			
		دیون‌سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۱	۵	۵			
		مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان	۲	۵	۵			
		عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳	۴	۴			
		نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱	۵	۵			
		مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۱	۵	۵			
		مشکل أخذ اعتبارات و مجوزها به دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۴	۵	۵			
		عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۸	۴	۴			
		درخواست کارهای غیرتخصصی و هویتی از افراد	۲	۵	۵			
		زمان‌بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳	۵	۵			
		شفاف‌نبودن ایشل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴	۵	۵			
		خنده‌دارشدن استقلال سازمانی	۲	۳	۳		۳	
		ایجاد مانع و طعنه‌زدن درون سازمانی و برون سازمانی	۴	۴	۴			
		مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۵	۵	۵			
		نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن	۸	۵	۵			

چالش‌های ساختاری سازمانی

چالش‌های منابع انسانی

عوامل مداخله-
۳

میزان اهمیت سنجه در وضعیت کنونی					مدیر یک	بسامد	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
	خیلی کم	متوسط	خیلی زیاد	خیلی کم					
							حرف‌های آنها		
			۵	۵	۱۲	۱۲	آفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند		
			۴	۴	۲	۲	نیاز به تخصصی‌تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی		
		۳		۳	۲	۲	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی		
			۵	۵	۱۵	۱۵	تبعیض در مورد نیروهای انسانی		
			۵	۵	۶	۶	حجم و فشار کاری بالا		
		۳		۳	۱	۱	نگاه رئیس و مرئوس		
		۳		۳	۱۵	۱۵	توقع بالای نیروهای کار		
	۲			۲	۷	۷	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی		
			۵	۵	۱۳	۱۳	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار		
		۳		۳	۳	۳	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار		
					۲۲۲	۲۲۲	جمع بسامدها:		

منبع: (محقق ساخته)

جهت سنجش میزان رواج چالش‌ها و مسائل در وضعیت کنونی پژوهشگاه، جدول (۵) که در زیر آورده شده؛ به تمامی مدیران در تمامی معاونت‌ها داده شده و از آنها درخواست گردید بر اساس میزان رواج سنجه‌ها به صورت خیلی کم = ۱ و کم = ۲ و متوسط = ۳ و خیلی = ۴ و خیلی زیاد = ۵ نمره دهند که جدول (۵) نمونه تکمیل شده توسط یکی از مشارکت‌کنندگان می‌باشد.

جدول (۵): میزان رواج مقوله‌های عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر دو	میزان رواج مقوله‌ها در وضعیت کنونی				
					خیلی زیاد	خیلی	متوسط	کم	خیلی کم
	چالش‌های اقتصادی	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۴		■			
		قطع شدن اضافه کار تشویقی	۱	۲				■	
		ترک کار به‌خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۹	۳			■		
		عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷	۳			■		
		کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۴	۳			■		
		حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۷	۳			■		
		کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۲						
		توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۲	۴		■			
		وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۱	۲				■	
		کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۲						
	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۴							
	چالش‌های فرهنگی	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴	۴		■			
		عدم ترک کار به‌خاطر عادت	۱	۳			■		
		کم‌شدن تعاملات بین‌فردی مدیران با نیروها به‌دلیل افزایش نیروها	۳	۴		■			
		کم‌رنگ‌شدن اِرق (عِرق) به مجموعه رویان	۶	۴		■			
		القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۲	۳			■		
		کم‌رنگ‌شدن اشتیاق و عشق به کار	۶	۴		■			
		کار از روی وظیفه و اجبار	۵	۴		■			
		کم‌رنگ‌شدن نگاه عبادت‌گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۱	۵				■	

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر دو	میزان رواج مقوله‌ها در وضعیت کنونی			
					خیلی زیاد	خیلی	متوسط	کم
		کم‌رنگ شدن رابطه غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۳	4		■		
		کم‌رنگ شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۲	3		■		
	جانش‌های ساختاری سازمانی	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۱	4		■		
		بوروکراسی اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۱	5		■		
		مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به‌دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان	۲	5		■		
		عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳	5		■		
		نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱	4		■		
		مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۱	3		■		
		مشکل أخذ اعتبارات و مجوزها به‌دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۴	4		■		
		عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۸	4		■		
		درخواست کارهای غیرتخصصی و هیئتی از افراد	۲	3		■		
		زمان‌بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳	3		■		
		شفاف‌نبودن اِشیل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴	3		■		
		خداش‌دار شدن استقلال سازمانی	۲	2		■		
		ایجاد مانع و طعنه زدن درون سازمانی و برون سازمانی	۴	2		■		
	عوامل مداخله‌گر	مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۵	3		■		
		نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۸	4		■		
		آفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک	۱۲	3		■		

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	بسامد	مدیر دو	میزان رواج مقوله‌ها در وضعیت کنونی			
					خیلی زیاد	خیلی متوسط	کم	خیلی کم
		کار نیروهای توانمند						
		نیاز به تخصصی‌تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲	۳		■		
		عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۲	۲			■	
		تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۵	۳		■		
		حجم و فشار کاری بالا	۶	۳		■		
		نگاه رئیس و مرئوس	۱	۱				■
		توقع بالای نیروهای کار	۱۵	۳		■		
		هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۷	۳		■		
		نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار	۱۳	۵			■	
		عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۳	۳		■		
		جمع بسامدها:	۲۲۲					

منبع: (محقق ساخته)

نمونه‌گیری: زمانی که از نمونه‌گیری در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری بحث می‌شود معمولاً بین نمونه‌های احتمالی و غیراحتمالی تمایز کلیدی برقرار می‌شود. عموماً این تصور وجود دارد که نمونه‌گیری احتمالی دقیق‌ترین رهیافت نمونه‌گیری مخصوصاً در پژوهش‌های آماری است؛ اما در پژوهش کیفی با توجه به بنیان‌های الگوواره‌ای آن مورد استفاده نبوده و اصولاً نامناسب و در تقابل با شالوده‌های فلسفی آن است. برخلاف پژوهش‌های کمی، پژوهش کیفی مبتنی بر نمونه‌گیری غیراحتمالی است که معمولاً آن را نمونه‌گیری معیارمحور یا هدفمند می‌خوانند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۲۷). نمونه‌گیری غیراحتمالی نوعی نمونه‌گیری است که بنیان آن احتمال ورود برابر و مساوی همه واحدها در طرح نمونه نیست. این نوع نمونه‌گیری در سه دسته نمونه‌گیری آسان، نمونه‌گیری سهمیه‌ای و نمونه‌گیری هدفمند دسته‌بندی می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۳۲). نمونه‌گیری کیفی، معیار -

محور یا هدفمند؛ طیفی از انواع و راهبردها را شامل می‌شود، که در انواع طرح‌های پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گرفته و اهداف الگوواره‌ای پژوهش کیفی را برآورده می‌سازند و عبارت‌اند از: نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمایایی و تطبیق‌پذیری، نمونه‌گیری متوالی و نمونه‌گیری موارد خاص یا بی‌مانند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۳۲). نمونه‌گیری موارد خاص یا بی‌مانند؛ دربرگیرنده آن دسته از راهبردهای نمونه‌گیری است که به انتخاب نمونه‌های خاص، غیرنوعی و متمایز می‌پردازند. راهبردهای مطرح در این نوع‌شناسی شامل نمونه‌گیری موردی شهودی یا مکاشفه‌ای، نمونه‌گیری مورد انتقادی، نمونه‌گیری موارد از نظر سیاسی مهم و نمونه‌گیری جامع (کامل یا مجموعه کامل) می‌باشد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۳۹). در نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری مجموعه کامل یا جامع؛ همه موارد، گروه‌ها، پدیده‌ها، واحدها و به‌طور کلی ابعاد مورد علاقه وارد طرح نمونه می‌شوند؛ بنابراین، این راهبرد می‌تواند نمایایی کیفی را تضمین نماید؛ زیرا همه موارد را دربرمی‌گیرد. باوجوداین، بسیار هزینه‌بردار و دشوار است (Johnson & Christensen, 2008, p. 244). چنانچه به مطالعه کیفی رفتار سازمانی کارکنان در یک سازمان می‌پردازید، با استفاده از این راهبرد نمونه‌گیری، شما همه موارد ممکن را انتخاب کرده و در پژوهش خود وارد کنید (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۴۱). نمونه‌گیری به‌کار بسته‌شده در این پژوهش از نوع مجموعه کامل یا جامع، از انواع نمونه‌گیری موارد خاص یا بی‌مانند می‌باشد که خود یکی از شقوق سه‌گانه نمونه‌گیری کیفی، معیار - محور یا هدفمند بوده و در دسته‌بندی کلان نمونه‌گیری در زمره غیراحتمالی قرار می‌گیرد. تمامی مدیران معاونت‌های چهارگانه به‌عنوان شرکت‌کننده در نمونه حضور داشته‌اند. به‌عبارت‌دیگر جلسات بحث گروهی به تفکیک معاونت‌های چهارگانه و با مشارکت تمامی مدیران همان معاونت پس از هماهنگی با تک‌تک مشارکت‌کنندگان در زمانی از پیش تعیین‌شده برگزار می‌شد.

۵. یافته‌های پژوهش

مطالعه پیش‌رو بر آن بود تا با استفاده از نتایج پژوهش‌های موجود و مشارکت نخبگان دستگاه‌ها (معاونین و مدیران تخصصی پژوهشگاه رویان)؛ مسائل راهبردی معاونت‌های چهارگانه پژوهشگاه رویان را احصاء و در مرحله اول پنج اولویت کلان هر کدام از معاونت‌های چهارگانه را ارائه و در مرحله دوم مسائل کلان پژوهشگاه را مشخص نماید. پرسش پژوهش از نوع پرسش‌های «چیستی» بوده و مقاله در صد ارائه پاسخ‌های توصیفی به پرسش پژوهش بود که به شکل زیر مطرح شده است:

چالش‌ها و مسائل اصلی پژوهشگاه رویان در سطح پژوهشگاه و همچنین به تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی کدام‌ها بوده و از چه اولویت‌بندی برخوردار می‌باشند؟

پس از سنجش میزان اهمیت و میزان رواج سنجه‌های عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی پژوهشگاه، از منظر همه مدیران تمامی معاونت‌ها؛ از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به دست آمده به تفکیک معاونت‌ها؛ نمره چالش‌ها به دست آمده و اولویت‌بندی گردید که در سطور و صفحات بعدی به تفکیک معاونت‌های چهارگانه ارائه می‌شود. در سطرهای پایینی در خصوص اولویت‌بندی چالش‌ها به تفکیک معاونت‌ها توضیح داده خواهد شد.

۵-۱. اولویت‌بندی چالش‌ها در معاونت شماره یک

از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به دست آمده در معاونت شماره یک، نمره و رتبه چالش‌ها مشخص گردید. همان‌گونه که در جدول (۶) ملاحظه می‌گردد، مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۱۳۳۲ مهم‌ترین چالش معاونت شماره یک از منظر معاون مربوطه و هفت مدیر آن معاونت می‌باشد. مقوله «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» با نمره ۱۲۹۵ دومین چالش و مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» با نمره ۱۲۲۵ سومین چالش معاونت شماره یک می‌باشد. مقوله «هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی» با نمره ۴۶۲ و مقوله «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان» با نمره ۳۶۰ کم‌اهمیت‌ترین چالش معاونت شماره یک می‌باشد.

جدول (۶): اولویت‌بندی عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی معاونت شماره یک

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۱	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی							میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش	
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	مدیر ۶	مدیر ۷					
۱	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳	۵	۳۶	۳۷	۱۳۳۲	۱
۲	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار	۱	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۴	۴	۵	۳۵	۳۷	۱۲۹۵	۲
۳	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۵	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۵	۳۵	۳۵	۱۲۲۵	۳
۴	کم‌رنگ‌شدن اِرق (عرق) به مجموعه	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۳۵	۳۴	۱۱۹۰	۴
۵	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۱۵	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۳۴	۳۴	۱۱۵۶	۵
۶	مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به‌دلیل عدم تأمین اعتبارات	۶	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۳۴	۳۴	۱۱۵۶	۵
۷	کم‌رنگ‌شدن اشتیاق و عشق به‌کار	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۳۵	۳۳	۱۱۵۵	۶
۸	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۱	۴	۳	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۳۴	۳۳	۱۱۲۲	۷
۹	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۵	۴	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۵	۳۵	۳۲	۱۱۲۰	۸
۱۰	آفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۲	۵	۳	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳۴	۳۲	۱۰۸۸	۹
۱۱	حجم و فشار کاری بالا	۳	۴	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۵	۳۲	۳۲	۱۰۲۴	۱۰
۱۲	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۲	۵	۵	۲	۳	۴	۴	۴	۳	۵	۳۳	۳۱	۱۰۲۳	۱۱
۱۳	نیاز به تخصصی‌تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۴	۳	۵	۳۳	۳۱	۱۰۲۳	۱۱
۱۴	شفاف نبودن اِثیل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۲	۴	۳	۵	۴	۵	۴	۴	۳	۵	۳۱	۳۲	۹۹۲	۱۲
۱۵	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۴	۳	۴	۵	۳	۵	۴	۴	۳	۵	۳۱	۳۲	۹۹۲	۱۲
۱۶	درخواست کارهای غیرتخصصی و هیئتی از افراد	۴	۴	۴	۳	۵	۵	۵	۵	۳	۴	۳۰	۳۲	۹۶۰	۱۳

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۱	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی							میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش	
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	مدیر ۶	مدیر ۷					
۱۷	توقع بالای نیروهای کار	۱۵	۵	۴	۲	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۲۸	۳۴	۹۵۲	۱۴
۱۸	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۸	۴	۲	۵	۳	۵	۵	۴	۳	۴	۳۰	۳۱	۹۳۰	۱۵
۱۹	کار از روی وظیفه و اجبار	۱۲	۳	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۳۰	۳۰	۹۰۰	۱۶
۲۰	کم رنگ شدن نگاه عبادت گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۲	۵	۵	۵	۱	۴	۴	۴	۳	۵	۳۱	۲۹	۸۹۹	۱۷
۲۱	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۹	۳	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۵	۲۹	۳۱	۸۹۹	۱۷
۲۲	مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۳	۵	۲	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۵	۲۹	۳۱	۸۹۹	۱۷
۲۳	ترک کار به خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۸	۳	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۳۰	۲۹	۸۷۰	۱۸
۲۴	زمان بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۶	۴	۴	۲	۳	۵	۴	۴	۴	۵	۲۹	۳۰	۸۷۰	۱۸
۲۵	مهارت پایین و مدرک گرایی نیروها	۴	۳	۴	۳	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۲۹	۳۰	۸۷۰	۱۸
۲۶	ایجاد مانع و طعنه زدن درون سازمانی و برون سازمانی	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۳۱	۲۸	۸۶۸	۱۹
۲۷	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۷	۳	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۲۸	۳۰	۸۴۰	۲۰
۲۸	قطع شدن اضافه کار تشویقی	۴	۳	۴	۲	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۲۹	۲۸	۸۱۲	۲۱
۲۹	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۱	۴	۳	۳	۵	۵	۴	۴	۳	۳	۲۸	۲۹	۸۱۲	۲۱
۳۰	دیوان سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۳	۳	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۲۸	۲۹	۸۱۲	۲۱
۳۱	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۱۳	۳	۵	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۲۹	۲۷	۷۸۳	۲۲
۳۲	کم شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به دلیل افزایش نیروها	۶	۳	۴	۳	۲	۵	۴	۴	۳	۳	۲۷	۲۹	۷۸۳	۲۲
۳۳	مشکل اخذ اعتبارات و مجوزها به دلیل عدم پذیرش برخی سازمانها	۱	۴	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۲۹	۲۷	۷۸۳	۲۲

رتبه چالش	نمره چالش‌ها	میزان اهمیت	میزان رواج	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی								معاون ۱	بسامد	کد باز	ردیف
				مدیر ۷	مدیر ۶	مدیر ۵	مدیر ۴	مدیر ۳	مدیر ۲	مدیر ۱					
۲۳	۷۲۸	۲۶	۲۸	۵	۲	۳	۵	۵	۴	نمی‌دانم	۴	۲	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۳۴	
۲۳	۷۲۸	۲۸	۲۶	۴	۴	۳	۳	۱	۲	۴	۵	۷	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۳۵	
۲۳	۷۲۸	۲۸	۲۶	۵	۳	۲	۴	۳	۲	۴	۳	۱	خنده‌دار شدن استقلال سازمانی	۳۶	
۲۳	۷۲۸	۲۶	۲۸	۴	۳	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۷	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۳۷	
۲۴	۷۰۴	۳۲	۲۲	۳	۳	۲	۴	۱	۳	۲	۴	۱	کم‌رنگ شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۳۸	
۲۵	۷۰۲	۲۶	۲۷	۵	۳	۳	۳	۳	۲	۴	۴	۱۴	عدم ترک کار به خاطر عادت	۳۹	
۲۶	۶۷۶	۲۶	۲۶	۳	۳	۳	۴	۲	۴	۳	۴	۱	کم‌رنگ شدن رابطه‌ی غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۴۰	
۲۷	۵۹۸	۲۲	۲۶	۵	۲	۳	۵	۴	۳	نمی‌دانم	۴	۲	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۴۱	
۲۸	۵۹۴	۲۷	۲۲	۵	۲	۳	۴	۱	۴	نمی‌دانم	۳	۲	عدم پذیرش کارشناس به عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۴۲	
۲۹	۵۷۵	۲۵	۲۳	۵	۳	۲	۳	۱	۳	۳	۳	۲	عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۴۳	
۲۹	۵۷۵	۲۵	۲۳	۳	۳	۳	۴	۲	۳	۲	۳	۳	نگاه رئیس و مرنوسی	۴۴	
۳۰	۴۶۲	۲۱	۲۲	۳	۲	۲	۵	نمی‌دانم	۲	۳	۵	۱	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۴۵	
۳۱	۳۶۰	۲۰	۱۸	۲	۲	۲	۴	۳	۱	۱	۳	۲	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۴۶	

منبع: (محقق ساخته)

۵-۲. اولویت‌بندی چالش‌ها در معاونت شماره دو

در معاونت شماره دو نیز از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به دست آمده از منظر معاون مربوطه و هفت مدیر آن معاونت؛ نمره و رتبه چالش‌ها مشخص گردید. همان‌گونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌گردد، دو مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» و همچنین «اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد» هر دو با نمره ۱۴۴۳ مهم‌ترین چالش معاونت شماره دو می‌باشند. مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» با نمره ۱۳۶۵ دومین چالش معاونت می‌باشد. مقوله‌های «تبعیض در مورد نیروهای انسانی» و همچنین «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» هر دو با نمره ۱۲۹۵ سومین چالش معاونت می‌باشند.

مقوله «نگاه رئیس و مرئوس» با نمره ۵۰۰ و مقوله «عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار» با نمره ۳۴۰ کم‌اهمیت‌ترین چالش معاونت شماره دو می‌باشند. مقوله «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان» که در معاونت شماره یک با نمره ۳۶۰ کم‌اهمیت‌ترین چالش بود؛ در معاونت شماره دو با نمره ۷۲۸ رتبه ۲۴ چالش‌ها را به خود اختصاص داده است.

جدول (۷): اولویت بندی عوامل مداخله گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی معاونت شماره دو

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۲	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی								میزان رواج	میزان اهمیت	رتبه چالش	نمره چالش‌ها
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	مدیر ۶	مدیر ۷					
۱	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۳۷	۳۹	۱۴۴۳	۱	
۲	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۴	۵	۵	۵	۵	۳	۴	۵	۵	۳۷	۳۹	۱۴۴۳	۱	
۳	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۸	۳	۴	۵	۵	۵	۳	۵	۵	۳۵	۳۹	۱۲۶۵	۲	
۴	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۵	۳	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۳۵	۳۷	۱۲۹۵	۳	
۵	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار	۱۳	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۳۷	۳۵	۱۲۹۵	۳	
۶	مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به دلیل عدم تأمین اعتبارات روپان	۲	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۵	۳۴	۳۸	۱۲۹۲	۴	
۷	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۲	۵	۴	۵	۵	۳	۳	۵	۴	۳۴	۳۴	۱۱۵۶	۵	
۸	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۷	۴	۵	۵	۵	۵	۱	۵	۵	۳۵	۳۲	۱۱۲۰	۶	
۹	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۲	۵	۵	۴	۳	۳	۳	۴	۵	۳۲	۳۵	۱۱۲۰	۶	
۱۰	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۱	۴	۵	۵	۵	۲	۳	۴	۴	۳۲	۳۵	۱۱۲۰	۶	
۱۱	دیوان‌سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۱	۲	۵	۵	۴	۳	۲	۵	۵	۳۱	۳۴	۱۰۵۴	۷	
۱۲	خداشده‌دار شدن استقلال سازمانی	۲	۴	۵	۴	۵	۳	۱	۴	۴	۳۰	۳۵	۱۰۵۰	۸	
۱۳	الفاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴	۳	۳	۳	۵	۵	۵	۳	۵	۳۲	۳۲	۱۰۲۴	۹	
۱۴	کم‌رنگ شدن اشتیاق و عشق به کار	۶	۴	۴	۱	۳	۴	۵	۴	۵	۳۰	۳۴	۱۰۲۰	۱۰	
۱۵	شفاف نبودن اِشیل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴	۳	۲	۳	۵	۳	۵	۳	۴	۲۸	۳۵	۹۸۰	۱۱	

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۲	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی								میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	مدیر ۶	مدیر ۷					
۱۶	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷	۳	۴	۵	۵	۳	۲	۴	۴	۴	۳۰	۳۲	۹۶۰	۱۲
۱۷	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۳	۲	۴	۴	۳	۴	۳	۴	۵	۵	۳۰	۳۲	۹۶۰	۱۲
۱۸	افت عملکرد و بالارفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۱۲	۳	۴	۴	۵	۴	۴	۳	۴	۵	۳۲	۲۹	۹۲۸	۱۳
۱۹	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۲	۴	۳	۴	۵	۳	۳	۴	۵	۵	۲۹	۳۱	۸۹۹	۱۴
۲۰	قطع شدن اضافه کار تشویقی	۱	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۲	۴	۴	۲۸	۳۱	۸۶۸	۱۵
۲۱	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱	۳	۴	۳	۵	۴	۲	۳	۴	۴	۲۸	۳۱	۸۶۸	۱۵
۲۲	کار از روی وظیفه و اجبار	۵	۴	۴	۱	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۲۷	۳۲	۸۶۴	۱۶
۲۳	کم شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به دلیل افزایش نیروها	۳	۴	۳	۴	۳	۳	۲	۴	۴	۲۷	۳۱	۸۳۷	۱۷	
۲۴	کم رنگ شدن اِرق (عرق) به مجموعه رویان	۶	۴	۱	۳	۳	۳	۵	۳	۴	۲۷	۳۱	۸۳۷	۱۷	
۲۵	نیاز به تخصصی تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲	۴	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۲۷	۳۱	۸۳۷	۱۷	
۲۶	ترک کار به خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۹	۲	۴	۳	۳	۳	۲	۴	۵	۲۹	۲۸	۸۱۲	۱۸	
۲۷	کم رنگ شدن رابطه غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۲	۴	۵	۲۸	۲۸	۷۸۴	۱۹	
۲۸	عدم ترک کار به خاطر عادت	۱	۲	۳	۲	۵	۴	۴	۳	۴	۲۷	۲۹	۷۸۳	۲۰	
۲۹	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۲	۴	۴	۳	۳	۳	۵	۰	۵	۲۷	۲۹	۷۸۳	۲۰	
۳۰	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۴	۳	۳	۲	۳	۳	۲	۴	۵	۲۶	۳۰	۷۸۰	۲۱	

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۲	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی								میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	مدیر ۶	مدیر ۷					
۳۱	حجم و فشار کاری بالا	۶	۳	۳	۳	۵	۳	۲	۳	۵	۳	۲۷	۲۸	۷۵۶	۲۲
۳۲	کم‌رنگ‌شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۲	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۲	۳	۲	۲۵	۳۰	۷۵۰	۲۳
۳۳	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی روان	۱	۳	۵	۲	۳	۲	۲	۲	۳	۵	۲۶	۲۸	۷۲۸	۲۴
۳۴	کم‌رنگ‌شدن نگاه عبادت گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۱	۵	۴	۳	۳	۲	۴	۲	۴	۵	۳۰	۲۴	۷۲۰	۲۵
۳۵	مشکل أخذ اعتبارات و مجوزها به دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۴	۴	۴	۴	۳	۲	۳	۲	۳	۳	۲۵	۲۸	۷۰۰	۲۶
۳۶	مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۵	۴	۳	۲	۳	۲	۴	۱	۴	۳	۲۴	۲۸	۶۷۲	۲۷
۳۷	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۲	۴	۲	۳	۳	۳	۱	۴	۳	۳	۲۳	۲۹	۶۶۷	۲۸
۳۸	درخواست کارهای غیر تخصصی و هیئتی از افراد	۲	۳	۲	۴	۵	۳	۲	۳	۲	۴	۲۶	۲۵	۶۵۰	۲۹
۳۹	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۷	۳	۴	۳	۴	۳	۲	۳	۲	۲	۲۴	۲۵	۶۰۰	۳۰
۴۰	ایجاد مانع و طعنه‌زدن درون‌سازمانی و برون‌سازمانی	۴	۳	۳	۴	۳	۲	۱	۲	۳	۳	۲۱	۲۷	۵۶۷	۳۱
۴۱	زمان‌بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۱	۴	۴	۲۶	۲۱	۵۴۶	۳۲	
۴۲	عدم پذیرش روان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۱	۲	۳	۲۲	۲۴	۵۲۸	۳۳	
۴۳	توقع بالای نیروهای کار	۱۵	۴	۳	۳	۳	۳	۲	۱	۲	۲۱	۲۵	۵۲۵	۳۴	
۴۴	مشکلات در بخش پذیرش بیماران (نمی‌دانم ستون F)	۱	۴	۰	۳	۰	۳	۳	۳	۲	۲۰	۲۵	۵۰۰	۳۵	
۴۵	نگاه رئیس و مرئوس	۱	۱	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۲۰	۲۵	۵۰۰	۳۵	
۴۶	عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۸	۳	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۳	۱۷	۲۰	۳۴۰	۳۶	

منبع: (محقق ساخته)

۵-۳. اولویت‌بندی چالش‌ها در معاونت شماره سه

از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به دست آمده در معاونت شماره سه نیز، نمره و رتبه چالش‌ها مشخص و متفاوت گردید. همان‌گونه که در جدول ۸ ملاحظه می‌گردد، از منظر معاون مربوطه و پنج مدیر آن معاونت، مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۸۷۰ مهم‌ترین چالش معاونت می‌باشد. چهار مقوله «توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه» و «مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان» و «تبعیض در مورد نیروهای انسانی» و همچنین مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» همگی با نمره ۸۴۱ در رتبه دومین چالش معاونت شماره سه می‌باشند. دو مقوله «شفاف‌نبودن اِثِل حقوقی و تبعیض در پرداخت» و همچنین «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» نیز، با نمره ۸۱۲ سومین چالش معاونت می‌باشند.

مقوله‌های «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان» با نمره ۳۰۴ و مقوله «حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو» با نمره ۲۸۸ و همچنین مقوله «هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی» با نمره ۲۱۰ کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های معاونت شماره سه می‌باشند.

جدول (۸): اولویت بندی عوامل مداخله گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی معاونت شماره سه

ردیف	کد باز	بسامد	معاون ۳	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی					میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش
				مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵				
۱	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۳۰	۸۷۰	۱
۲	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۲۹	۸۴۱	۲
۳	مشکلات رفاهی و اقتصادی کارکنان به دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۲۹	۸۴۱	۲
۴	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۲۹	۸۴۱	۲
۵	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار	۱۳	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۲۹	۸۴۱	۲
۶	شفاف نبودن اِشیل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۲۸	۲۹	۸۱۲	۳
۷	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۸	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۲۹	۲۸	۸۱۲	۳
۸	ترک کار به خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۹	۳	۴	۵	۵	۵	۵	۲۷	۲۹	۷۸۳	۴
۹	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۱	۳	۵	۵	۵	۵	۵	۲۸	۲۷	۷۵۶	۵
۱۰	دیوان‌سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۱	۳	۵	۵	۵	۵	۵	۲۸	۲۷	۷۵۶	۵
۱۱	زمان بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳	۳	۵	۵	۵	۵	۵	۲۸	۲۷	۷۵۶	۵
۱۲	حجم و فشار کاری بالا	۶	۳	۵	۵	۵	۵	۵	۲۸	۲۷	۷۵۶	۵
۱۳	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱	۲	۵	۵	۵	۵	۴	۲۶	۲۹	۷۵۴	۶
۱۴	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷	۴	۵	۵	۵	۴	۳	۲۶	۲۸	۷۲۸	۷
۱۵	کم رنگ شدن اِرق (عرق) به مجموعه رویان	۶	۳	۴	۵	۵	۵	۳	۲۵	۲۹	۷۲۵	۸
۱۶	درخواست کارهای غیرتخصصی و هینتی از افراد	۲	۲	۵	۵	۵	۵	۴	۲۶	۲۷	۷۰۲	۹

ردیف	کد باز	بسامد	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی							میزان رواج	میزان اهمیت	نمره چالش‌ها	رتبه چالش
			مدیر ۱	مدیر ۲	مدیر ۳	مدیر ۴	مدیر ۵	معاون ۳					
۱۷	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۴	۳	۵	۵	۵	۴	۳	۲۵	۲۸	۷۰۰	۱۰	
۱۸	کم شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به دلیل افزایش نیروها	۳	۳	۵	۵	۵	۵	۳	۲۶	۲۶	۶۷۶	۱۱	
۱۹	کم رنگ شدن رابطه غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۳	۳	۵	۵	۵	۴	۳	۲۷	۲۵	۶۷۵	۱۲	
۲۰	آفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۱۲	۳	۴	۵	۵	۵	۳	۲۵	۲۷	۶۷۵	۱۲	
۲۱	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۳	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۲۷	۲۵	۶۷۵	۱۲	
۲۲	کم رنگ شدن اشتیاق و عشق به کار	۶	۴	۴	۵	۵	۳	۳	۲۴	۲۸	۶۷۲	۱۳	
۲۳	قطع شدن اضافه کار تشویقی	۱	۲	۵	۵	۵	۳	۳	۲۵	۲۶	۶۵۰	۱۴	
۲۴	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۴	۱	۵	۵	۵	۴	۴	۲۵	۲۶	۶۵۰	۱۴	
۲۵	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴	۳	۵	۵	۵	۳	۳	۲۵	۲۶	۶۵۰	۱۴	
۲۶	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۲	۴	۴	۵	۵	۳	۳	۲۵	۲۶	۶۵۰	۱۴	
۲۷	مشکل أخذ اعتبارات و مجوزها به دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۴	۲	۵	۵	۵	۴	۳	۲۴	۲۷	۶۴۸	۱۵	
۲۸	مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۵	۳	۵	۵	۵	۳	۳	۲۴	۲۷	۶۴۸	۱۵	
۲۹	نیاز به تخصصی تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۲۴	۲۷	۶۴۸	۱۵	
۳۰	کار از روی وظیفه و اجبار	۵	۲	۵	۵	۴	۳	۳	۲۴	۲۶	۶۲۴	۱۶	
۳۱	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۲	۴	۴	۵	۵	۳	۳	۲۴	۲۶	۶۲۴	۱۶	
۳۲	کم رنگ شدن نگاه عبادت‌گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۱	۴	۵	۵	۵	۳	۳	۲۷	۲۳	۶۲۱	۱۷	
۳۳	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۲	۲	۵	۵	۴	۴	۴	۲۵	۲۴	۶۰۰	۱۸	

رتبه چالش	نمره چالش‌ها	میزان اهمیت	میزان رواج	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی					معاون ۳	بسامد	کد باز	ردیف
				مدیر ۵	مدیر ۴	مدیر ۳	مدیر ۲	مدیر ۱				
۱۸	۶۰۰	۲۴	۲۵	۳	۵	۵	۵	۵	۲	۸	عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۳۴
۱۹	۵۹۸	۲۶	۲۳	۲	۵	۵	۵	۴	۲	۳	عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳۵
۲۰	۵۵۰	۲۵	۲۲	۲	۴	۵	۵	۳	۳	۲	خداش‌دار شدن استقلال سازمانی	۳۶
۲۱	۵۲۸	۲۲	۲۴	۳	۴	۵	۵	۵	۲	۱	عدم ترک کار به‌خاطر عادت	۳۷
۲۱	۵۲۸	۲۴	۲۲	۴	۴	۵	۵	۳	۱	۱	نگاه رئیس و مرئوس	۳۸
۲۲	۵۰۶	۲۳	۲۲	۳	۳	۵	۵	۳	۳	۲	کم‌رنگ‌شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۳۹
۲۳	۵۰۴	۲۴	۲۱	۲	۴	۴	۵	۳	۳	۴	ایجاد مانع و طعن‌زدن درون‌سازمانی و برون‌سازمانی	۴۰
۲۴	۴۶۲	۲۱	۲۲	۴	۴	۵	۵	۲	۲	۱۵	توقع بالای نیروهای کار	۴۱
۲۵	۴۴۰	۲۲	۲۰	۳	۰	۵	۵	۵	۲	۱	مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۴۲
۲۶	۳۸۰	۲۰	۱۹	۳	۰	۵	۵	۴	۲	۲	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۴۳
۲۷	۳۰۴	۱۹	۱۶	۲	۰	۴	۵	۲	۳	۱	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۴۴
۲۸	۲۸۸	۱۶	۱۸	۳	۰	۴	۵	۴	۲	۷	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۴۵
۲۹	۲۱۰	۱۵	۱۴	۳	۰	۰	۵	۲	۴	۷	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۴۶

منبع: (محقق ساخته)

۴-۵. اولویت‌بندی چالش‌ها در معاونت شماره چهار

در معاونت شماره چهار نیز از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به‌دست‌آمده از منظر معاون مربوطه و هفده مدیر آن معاونت؛ نمره و رتبه چالش‌ها مشخص گردید. همان‌گونه‌که در جدول ۹ ملاحظه می‌گردد، بر خلاف نحوه نمایش نمره و رتبه چالش‌ها در جداول ۶ و ۷ و ۸ که مبتنی بر نمایش میزان رواج سنجه‌ها بوده و میزان اهمیت سنجه‌ها در معاونت‌ها صرفاً در یک ستون آورده شده بود، این‌بار نحوه نمایش نمره و رتبه چالش‌ها مبتنی بر نمایش میزان اهمیت سنجه‌ها در معاونت بوده و میزان رواج سنجه‌ها در یک ستون آورده شد. طبیعی است که با این کار تفاوتی در نمره و رتبه چالش‌ها ایجاد نشده و صرفاً نحوه به‌دست‌آمدن نمره میزان اهمیت سنجه نیز نمایش داده شده است. با مراجعه به جدول ۹ ملاحظه می‌شود که مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۶۶۲۲ مهم‌ترین چالش معاونت شماره چهار و «عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص» با نمره ۶۰۰۴ دومین چالش معاونت می‌باشند. مقوله «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» با نمره ۵۹۳۴ سومین چالش معاونت می‌باشد. کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های معاونت شماره چهار، مقوله‌های «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان» با نمره ۹۴۵ و مقوله «هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی» با نمره ۱۲۸۰ و مقوله «کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل» با نمره ۱۲۹۰ می‌باشند.

جدول (۹): اولویت‌بندی عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی معاونت شماره چهار

ردیف	کد باز	شماره	میزان اهمیت سنجیده در وضعیت کنونی																نمره عددی	نمره عددی میان اروج	رتبه چالش	نمره چالش‌ها	
			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵						
۱	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۸۶	۷۷	۶۶۲۲	۱
۲	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۷	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۴	۴	۷۹	۷۶	۶۰۰۴	۲
۳	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم کار	۱۳	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۸۶	۶۹	۵۹۳۴	۳
۴	مشکلات رفاهی و اقتصادی کارکنان به دلیل عدم تأمین اعتبارات روان	۲	۵	۴	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۳	۵	۵	۳	۴	۷۸	۷۳	۵۶۹۴	۴
۵	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۸	۴	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۷۹	۷۲	۵۶۸۸	۵
۶	نیاز به تخصصی‌تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۲	۴	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۵	۸۱	۶۸	۵۵۰۸	۶
۷	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۱۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۷۵	۶۸	۵۱۰۰	۷
۸	شفاف نبودن اِثِل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۲	۴	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۴	۷۵	۶۷	۵۰۲۵	۸
۹	حجم و فشار کاری بالا	۶	۴	۴	۳	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۵	۵	۵	۴	۴	۷۴	۶۶	۴۸۸۴	۹
۱۰	کمرنگ‌شدن اِرق (برق) به مجموعه روان	۶	۴	۵	۳	۵	۴	۴	۵	۵	۵	۴	۳	۴	۴	۳	۴	۵	۳	۷۷	۶۲	۴۷۷۴	۱۰
۱۱	کمرنگ‌شدن اشتیاق و عشق به کار	۶	۴	۳	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۴	۵	۳	۷۵	۶۱	۴۵۷۵	۱۱

رتبه	نمره چالش‌ها	نمره عددی میزان ارواح	نمره عددی میزان اهمیت	میزان اهمیت سنج در وضعیت کنونی																رتبه	کد باز	ردیف			
				۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲				۱		
۱۲	۴۵۲۶	۶۲	۷۳	۲	۵	۵	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۳	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۱۲	آفت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۱۲		
۱۳	۴۴۶۴	۶۲	۷۲	۴	۵	۵	۲	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۳	۵	۴	۵	۴	۱۵	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۳		
۱۴	۴۴۴۰	۶۰	۷۴	۵	۵	۵	۳	۵	۵	۵	۳	۳	۲	۴	۴	۳	۵	۵	۵	۳	۱	مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۱۴		
۱۵	۴۴۲۵	۵۹	۷۵	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۵	۴	۵	۵	مهارت پایین و مدرک‌گرایی نیروها	۱۵		
۱۶	۴۳۵۵	۶۵	۶۷	۵	۵	۲	۴	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۵	۳	۵	۵	۱	۴	۳	نیاز به روابط ملی و بین‌المللی قوی‌تر	۱۶		
۱۷	۴۲۹۰	۶۵	۶۶	۴	۵	۱	۴	۴	۴	۲	۵	۳	۵	۴	۲	۵	۵	۵	۱	۳	۴	۱	قطع‌شدن اضافه کار تشویقی	۱۷	
۱۸	۴۲۸۸	۶۷	۶۴	۴	۵	۴	۲	۳	۳	۴	۴	۲	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۱	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱۸		
۱۹	۴۱۵۸	۶۳	۶۶	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۵	۱	۱	۴	۳	۴	۱۹	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۱۹	
۲۰	۴۱۱۸	۵۸	۷۱	۵	۵	۴	۲	۵	۵	۴	۴	۳	۳	۳	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۵	۲۰	کار از روی وظیفه و اجبار	۲۰	
۲۱	۴۰۶۰	۵۸	۷۰	۴	۵	۳	۱	۵	۴	۴	۵	۴	۳	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۱	۲۱	کمرنگ‌شدن نگاه عبادت گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۲۱	
۲۲	۳۸۹۴	۵۹	۶۶	۵	۵	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۵	۴	۱	۵	۳	۲۲	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۲۲	
۲۳	۳۷۴۴	۵۲	۷۲	۴	۵	۵	۲	۵	۳	۴	۴	۳	۴	۳	۵	۵	۳	۵	۴	۳	۹	۲۳	ترک کار به‌خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۲۳	
۲۴	۳۶۸۵	۵۵	۶۷	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۲۴	۲۴	کمرنگ‌شدن رابطه‌ی غیررسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۲۴

رتبه	نمره چالش‌ها	نمره عددی میزان ارواح	نمره عددی میزان اهمیت	میزان اهمیت سنج در وضعیت کنونی																میانگین	کد باز	ردیف		
				۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲				۱	
۲۵	۳۵۹۱	۵۷	۶۳	۵	۵	۳	۳	۵	۳	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۵	۲	۵	۳	۱	دبوان سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۲۵
۲۶	۳۵۴۰	۶۰	۵۹	۳	۵	۲	۵	۵	۳	۳	۴	۳	۳	۴	۴	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۱۵	توقع بالای نیروهای کار	۲۶
۲۷	۳۵۱۰	۵۴	۶۵	۵	۵	۴	۴	۵	۳	۴	۲	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۳	کم‌شدن تعاملات بین‌فردی مدیران با نیروها به‌دلیل افزایش نیروها	۲۷
۲۸	۳۴۸۰	۵۸	۶۰	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۲	۵	۴	۲	۴	۴	۱	عدم ترک کار به‌خاطر عادت	۲۸
۲۹	۳۳۹۲	۵۳	۶۴	۳	۵	۴	۱	۵	۴	۴	۵	۴	۳	۵	۵	۳	۵	۲	۴	۴	۲	۴	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۲۹
۳۰	۳۳۰۶	۵۸	۵۷	۴	۵	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۱	۳	۲	۲	۳	عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳۰
۳۱	۳۲۴۸	۵۶	۵۸	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۴	۲	۴	۲	۳	۴	۱	۳	۳	۴	۸	عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۳۱
۳۲	۳۲۴۰	۵۴	۶۰	۴	۵	۴	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۴	۳	۴	۴	۲	۴	مشکل اخذ اعتبارات و مجوزها به‌دلیل عدم پذیرش برخی سازمان‌ها	۳۲
۳۳	۳۲۲۴	۵۲	۶۲	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۵	۴	۱	۴	۵	۵	۲	۲	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۳۳
۳۴	۳۲۱۶	۴۸	۶۷	۴	۵	۴	۲	۵	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۵	۵	۵	۲	۴	۳	۳	۲	خنده‌دار شدن استقلال سازمانی	۳۴
۳۵	۳۱۰۵	۴۵	۶۹	۵	۵	۵	۲	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۳	۴	۴	۳	۵	۲	۲	۲	کمرنگ‌شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۳۵
۳۶	۳۰۸۷	۴۹	۶۳	۳	۵	۵	۳	۵	۴	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۳	۴	۲	۳	۳	۳	۳	زمان‌بندی غیرواقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳۶
۳۷	۳۰۵۵	۴۷	۶۵	۳	۵	۵	۲	۵	۲	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۱	۴	۴	۳	۲	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به‌دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۳۷

رتبه	نمره چالش‌ها	نمره عددی میزان ارواح	نمره عددی میزان اهمیت	میزان اهمیت سنجه در وضعیت کنونی																	رتبه	کد باز	ردیف	
				۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				
۳۸	۲۶۸۸	۴۸	۵۶	۳	۵	۴	۲	۳	۴	۳	۵	۴	۳	۴	۳	۲		۱	۲	۳	۴	۲	درخواست کارهای غیرتخصصی و هیتی از افراد	۳۸
۳۹	۲۵۶۵	۴۵	۵۷	۵	۵	۳	۳	۳	۲	۴	۳	۴	۳	۲	۴	۳		۵	۱	۳	۳	۴	ایجاد مانع و طعنه‌زدن درون‌سازمانی و برون‌سازمانی	۳۹
۴۰	۲۳۹۴	۴۲	۵۷	۵	۵	۳	۳	۵	۳	۴	۱	۴	۳	۳	۳	۲		۳	۱	۴	۴	۱	نگاه رئیس و مرنوسی	۴۰
۴۱	۲۳۵۶	۳۸	۶۲	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۴	۲	۴	۲	۴	۴	۳		۳	۱	۳	۲	۲	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۴۱
۴۲	۱۸۶۲	۳۸	۴۹	۵	۵	۴	۲	۵		۴		۳	۳		۵	۳		۱	۱	۴	۴	۲	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۴۲
۴۳	۱۵۸۴	۳۶	۴۴	۴	۵	۴	۲	۳		۴		۳	۳		۳	۵		۱	۱	۳	۲	۷	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۴۳
۴۴	۱۲۹۰	۳۰	۴۳	۴	۵	۳	۲	۳		۳		۴	۳		۵	۳		۱	۱	۳	۲	۲	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل	۴۴
۴۵	۱۲۸۰	۳۲	۴۰	۴	۵	۴	۲	۲		۳	۱	۲	۴		۴	۳		۱	۱	۴		۷	هیئت علمی‌نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۴۵
۴۶	۹۴۵	۲۷	۳۵	۲	۴	۳	۳	۳		۳			۴		۴	۳		۱	۱	۴		۱	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۴۶
	۱۷۴۲۱۳																						۲۲۲	

منبع: (محقق ساخته)

۵-۵. اولویت‌بندی چالش‌ها در سطح پژوهشگاه

از طریق ضرب (*) نمره میزان اهمیت سنجه در نمره میزان رواج به‌دست‌آمده در سطح پژوهشگاه نیز، نمره و رتبه چالش‌ها مشخص گردید. همان‌گونه‌که در جدول (۱۰) ملاحظه می‌گردد، مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۳۴۳۸۰ مهم‌ترین چالش پژوهشگاه معرفی شده است. مقوله «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» نیز با نمره ۳۰۱۰۰ دومین چالش پژوهشگاه می‌باشد. مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» نیز با نمره ۳۰۰۹۶ و فقط با ۴ نمره تفاوت در مقایسه با چالش دوم، به‌عنوان سومین چالش پژوهشگاه مطرح شده است. مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به‌دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان» با کسب نمره ۳۰۰۹۰ و صرفاً با ۶ نمره تفاضل از چالش سوم و ۱۰ نمره تفاضل از چالش دوم، به‌عنوان چالش چهارم معرفی شده است. مقوله «عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص» نیز با نمره ۲۸۸۸۴ پنجمین چالش پژوهشگاه می‌باشد. نکته جالب توجه این است که در میان پنج چالش اصلی پژوهشگاه دو چالش (چالش‌های شماره ۱ و ۵) از جنس چالش‌های اقتصادی بوده و دو چالش (چالش‌های شماره ۳ و ۴) نیز از جنس چالش‌های منابع انسانی بوده که عمدتاً فرهنگی و اجتماعی به‌حساب می‌آیند.

جدول (۱۰): اولویت‌بندی عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی تمامی

معاونت‌ها

رتبه چالش	نمره چالش‌ها	میزان اهمیت	میزان رواج	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی				کد باز	ردیف
				۱ م	۲ م	۳ م	۴ م		
۱	۳۴۳۸۰	۱۹۱	۱۸۰	۷۷	۲۹	۳۷	۳۷	مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین	۱
۲	۳۰۱۰۰	۱۷۵	۱۷۲	۶۹	۲۹	۳۷	۳۷	نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار	۲
۳	۳۰۰۹۶	۱۷۶	۱۷۱	۷۲	۲۹	۳۵	۳۵	نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها	۳
۴	۳۰۰۹۰	۱۷۷	۱۷۰	۷۳	۲۹	۳۴	۳۴	مشکلات رفاهی و اقتصادی پرسنل به‌دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان	۴
۵	۲۸۸۸۴	۱۷۴	۱۶۶	۷۶	۲۶	۳۰	۳۴	عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص	۵
۶	۲۶۵۴۴	۱۶۸	۱۵۸	۶۳	۲۵	۳۷	۳۳	اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد	۶
۷	۲۶۳۶۴	۱۶۹	۱۵۶	۶۸	۲۵	۳۲	۳۱	القاء موج ناامیدی از سوی همکاران	۷
۸	۲۵۸۸۵	۱۶۷	۱۵۵	۶۷	۲۸	۲۸	۳۲	شفاف نبودن اِثِل حقوقی و تبعیض در پرداخت	۸

رتبه چالش	نمره چالش ها	میزان اهمیت	میزان رواج	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی				کد باز	ردیف
				۱ م	۲ م	۳ م	۴ م		
۹	۲۵۵۹۱	۱۶۳	۱۵۷	۶۵	۲۸	۳۲	۳۲	نیاز به روابط ملی و بین المللی قوی تر	۹
۱۰	۲۵۳۵۰	۱۶۹	۱۵۰	۶۸	۲۴	۲۷	۳۱	نیاز به تخصصی تر شدن نیروهای انسانی در جایگاه شغلی	۱۰
۱۱	۲۵۳۰۸	۱۷۱	۱۴۸	۶۱	۲۴	۳۰	۳۳	کم رنگ شدن اشتیاق و عشق به کار	۱۱
۱۲	۲۵۱۶۰	۱۷۰	۱۴۸	۶۲	۲۵	۲۷	۳۴	کم رنگ شدن ارق (عرق) به مجموعه رویان	۱۲
۱۳	۲۴۶۴۸	۱۵۶	۱۵۸	۶۲	۲۹	۳۵	۳۲	تبعیض در مورد نیروهای انسانی	۱۳
۱۴	۲۳۸۶۸	۱۵۶	۱۵۳	۶۶	۲۸	۲۷	۳۲	حجم و فشار کاری بالا	۱۴
۱۵	۲۳۵۵۶	۱۵۶	۱۵۱	۶۲	۲۵	۳۲	۳۲	افت عملکرد و بالا رفتن نرخ ترک کار نیروهای توانمند	۱۵
۱۶	۲۲۶۵۰	۱۵۱	۱۵۰	۶۷	۲۶	۲۸	۲۹	نیاز به طراحی مجدد و استانداردسازی ساختار کالبدی مجموعه	۱۶
۱۷	۲۲۶۳۸	۱۵۴	۱۴۷	۶۵	۲۵	۲۸	۲۹	قطع شدن اضافه کار تشویقی	۱۷
۱۸	۲۲۵۱۸	۱۶۲	۱۳۹	۵۸	۲۴	۲۷	۳۰	کار از روی وظیفه و اجبار	۱۸
۱۹	۲۲۱۶۵	۱۵۵	۱۴۳	۵۲	۲۹	۳۴	۲۸	توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه	۱۹
۲۰	۲۱۸۸۸	۱۵۲	۱۴۴	۵۷	۲۸	۳۱	۲۸	دیوان سالاری اداری موجب رکود علمی و اقتصادی و فرهنگی	۲۰
۲۱	۲۱۴۶۲	۱۴۷	۱۴۶	۵۸	۲۷	۳۰	۳۱	کم رنگ شدن نگاه عبادت گونه در کار نسبت به هسته اولیه	۲۱
۲۲	۲۱۰۸۰	۱۵۵	۱۳۶	۵۹	۲۴	۲۴	۲۹	مهارت پایین و مدرک گرایی نیروها	۲۲
۲۳	۲۱۰۳۸	۱۵۷	۱۳۴	۵۲	۲۷	۲۹	۳۰	ترک کار به خاطر شرایط بهتر اقتصادی در جاهای دیگر	۲۳
۲۴	۲۱۰۲۴	۱۴۴	۱۴۶	۵۹	۲۷	۳۰	۳۰	عدم موفقیت و نرسیدن به اهداف شخصی موجب سرخوردگی و یا ترک کار	۲۴
۲۵	۲۰۳۸۲	۱۵۸	۱۲۹	۶۰	۲۰	۲۰	۲۹	مشکلات در بخش پذیرش بیماران	۲۵
۲۶	۲۰۲۳۴	۱۵۱	۱۳۴	۵۴	۲۶	۲۷	۲۷	کم شدن تعاملات بین فردی مدیران با نیروها به دلیل افزایش نیروها	۲۶
۲۷	۲۰۱۲۸	۱۴۸	۱۳۶	۵۵	۲۷	۲۸	۲۶	کم رنگ شدن رابطه غیر رسمی و صمیمی مدیریت با کارکنان نسبت به هسته اولیه	۲۷
۲۸	۱۹۷۸۲	۱۵۷	۱۲۶	۴۸	۲۲	۳۰	۲۶	خنده دار شدن استقلال سازمانی	۲۸
۲۹	۱۹۵۵۱	۱۴۷	۱۳۳	۵۳	۲۵	۲۶	۲۹	کاهش حقوق و مزایا در مقایسه با قبل	۲۹
۳۰	۱۹۳۱۲	۱۴۲	۱۳۶	۵۸	۲۴	۲۷	۲۷	عدم ترک کار به خاطر عادت	۳۰
۳۱	۱۸۶۰۲	۱۴۲	۱۳۱	۶۰	۲۲	۲۱	۲۸	توقع بالای نیروهای کار	۳۱
۳۲	۱۸۳۴۸	۱۳۹	۱۳۲	۴۹	۲۸	۲۶	۲۹	زمان بندی غیر واقعی و فشار برای انجام برخی کارها در مدت کوتاه	۳۲
۳۳	۱۸۲۴۰	۱۶۰	۱۱۴	۴۵	۲۲	۲۵	۲۲	کم رنگ شدن اصول اخلاقی در مقایسه با هسته اولیه	۳۳
۳۴	۱۸۲۱۶	۱۳۸	۱۳۲	۵۴	۲۴	۲۵	۲۹	مشکل اخذ اعتبارات و مجوزها به دلیل عدم پذیرش برخی سازمان ها	۳۴
۳۴	۱۸۲۱۶	۱۳۸	۱۳۲	۴۸	۲۶	۲۶	۳۲	درخواست کارهای غیر تخصصی و هیئتی از افراد	۳۴
۳۵	۱۷۷۶۶	۱۴۱	۱۲۶	۴۷	۲۴	۲۷	۲۸	عدم ادامه مسیر علمی در رویان به دلیل عدم امکان رشد موقعیت شغلی	۳۵
۳۶	۱۷۳۴۳	۱۴۱	۱۲۳	۳۸	۲۵	۳۲	۲۸	کمبود مواد مورد نیاز پژوهش	۳۶

رتبه چالش	نمره چالش‌ها	میزان اهمیت	میزان رواج	میزان رواج چالش در وضعیت کنونی				کد باز	ردیف
				۱ م	۲ م	۳ م	۴ م		
۳۷	۱۶۶۳۲	۱۳۲	۱۲۶	۲۳	۲۲	۲۳	۵۸	عدم پذیرش رویان از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها	۳۸
۳۸	۱۶۲۸۴	۱۳۸	۱۱۸	۳۱	۲۱	۲۱	۴۵	ایجاد منابع و طعنه‌زدن درون‌سازمانی و برون‌سازمانی	۳۹
۳۹	۱۶۱۲۸	۱۴۴	۱۱۲	۲۶	۲۳	۲۵	۳۸	القاء موج یأس و ناامیدی توسط برخی مدیران در جلسات	۴۰
۴۰	۱۵۸۴۰	۱۳۲	۱۲۰	۲۲	۱۷	۲۵	۵۶	عدم پذیرش کارشناس به‌عنوان مسئول طرح با وجود حجم بالای کار	۴۱
۴۱	۱۴۷۲۰	۱۲۸	۱۱۵	۲۶	۳۵	۱۸	۳۶	حقوق کم و عدم تأمین نیازهای اولیه پژوهشگران دانشجو	۴۲
۴۲	۱۴۲۳۱	۱۳۳	۱۰۷	۲۳	۲۰	۲۲	۴۲	نگاه رئیس و مرنوبسی	۴۳
۴۳	۱۳۴۶۲	۱۲۷	۱۰۶	۲۸	۲۹	۱۹	۳۰	کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل یا همان وظایف قبل	۴۴
۴۴	۱۰۱۲۰	۱۱۰	۹۲	۲۲	۲۴	۱۴	۳۲	هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی	۴۵
۴۵	۹۶۵۷	۱۱۱	۸۷	۱۸	۲۶	۱۶	۲۷	وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان	۴۶
	۹۷۵۴۸۱								

نتیجه‌گیری: اولویت‌بندی چالش‌ها و مسائل

تنوع چالش‌ها و مسائل در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی از یک‌سو و محدودبودن منابع و فرصت‌های ارائه راهکار برای تمامی آنها از دیگرسو، سبب می‌شود که اولویت‌بندی مسائل ضرورت پیدا کرده و به‌عنوان راهبرد فرهنگی - اجتماعی مبنای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی گردد. مسائل اولویت‌بندی‌شده می‌بایست حاصل استفاده از متقن‌ترین شیوه‌ها باشد. اجماع (به معنی اتفاق نظر بوده و در این مقاله به معنی توافق بر روی مسائل و چالش‌ها به‌کار برده می‌شود) در مورد مسائل سازمان آنها به شیوه اجتماع (گردهم‌آمدن و جمع‌شدن که عنصر محوری آن «ارتباط» بوده و در این مقاله به معنی گردهم‌آمدن جهت اولویت‌بندی چالش‌ها می‌باشد) مدیران سازمان باعث می‌شود که با استفاده از مشارکت حداکثری [در جدول (۲): وضعیت مشارکت اجتماعی با توجه به مفاهیم اجماع و اجتماع، ترسیم شده است] نقشه راهی تهیه گردد که ضمن مشخص‌نمودن مسیر حرکت سازمان؛ انباشت نیروها و منابع و همچنین کاهش تعارض سازمانی از پیامدهای مثبت آن باشد. راهبرد فرهنگی - اجتماعی اولویت‌بندی مسائل موجب می‌شود که: در گام نخست مسئله‌ای در سازمان مغفول نمانده و در گام بعدی، همان مسئله یا چالش

جایگاه خود را در نظام مسائل سازمان پیدا کند.

از میان سه نوع پرسش‌های «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی»؛ پرسش‌های «چیستی» مستلزم پاسخ‌های توصیفی به شکل ویژگی‌ها یا الگوهای ارتباط هستند. پرسش‌های «چیستی» با گام «توصیف» متناظرند که اولین گام از پرسش‌های بنیادین چهارگانه پژوهش بوده و در جدول ۳ [وضعیت اجماع و اجتماع در بررسی واقعیت (توصیف، تبیین، پیش‌بینی و مداخله)] نشان داده شده است. با توجه به مسئله و همچنین هدف پژوهش، پرسش پژوهش از نوع پرسش‌های «چیستی» بوده و در صدد ارائه پاسخ‌های توصیفی به پرسش پژوهش می‌باشد که به شکل زیر مطرح شده است: چالش‌ها و مسائل اصلی پژوهشگاه رویان در سطح پژوهشگاه و همچنین به تفکیک معاونت‌های چهارگانه پژوهشی، آموزشی، درمان و پشتیبانی کدام‌ها بوده و از چه اولویت‌بندی برخوردار می‌باشند؟

با مراجعه به جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود که مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» با نمره ۳۴۳۸۰ مهم‌ترین چالش پژوهشگاه می‌باشد. مقوله «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار» نیز با نمره ۳۰۱۰۰ دومین چالش پژوهشگاه می‌باشد. این چالش دومین چالش معاونت‌های شماره یک و سه و سومین چالش معاونت‌های شماره دو و چهار نیز می‌باشد. مقوله «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها» نیز با نمره ۳۰۰۹۶ سومین چالش پژوهشگاه می‌باشد. این چالش سومین چالش معاونت‌های شماره یک و دو و سه و پنجمین چالش معاونت شماره چهار می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه شد چالش‌های منابع انسانی که عمدتاً فرهنگی و اجتماعی می‌باشند؛ پایه‌ای چالش‌های اقتصادی اهمیت داشته و نیازمند توجه ویژه می‌باشند. رعایت عدالت سازمانی و اقدام به تشویق نیروهای پُرکار و همچنین رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها، اگرچه در نگاه نخست جدی و مهم به نظر نمی‌رسید؛ ولی برآمده از نگاه تمامی مدیران نیازمند اهتمام ویژه می‌باشند. حتی اظهار می‌شد که رسیدگی به چالش‌های مذکور می‌تواند فشار ناشی از «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» را تقلیل داده و کاهش دهد.

همان‌گونه که در جداول ۶ تا ۹ ملاحظه شد (جداول مربوط به اولویت‌بندی چالش‌ها در معاونت‌های چهارگانه)، مقوله «مشکلات رفاهی و اقتصادی و حقوق پایین» مهم‌ترین چالش در معاونت‌های چهارگانه بود و این موضوع در جدول ۱۰ نیز که اولویت‌بندی عوامل مداخله‌گر (چالش‌ها) در وضعیت کنونی تمامی معاونت‌های

پژوهشگاه می‌باشد؛ قابل مشاهده است. چالش دوم در معاونت‌های چهارگانه به شرح زیر می‌باشد:

- معاونت شماره (۱): «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار»
 معاونت شماره (۲): «اثر تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی بر تهیه مواد»
 معاونت شماره (۳): «توزیع نامناسب منابع مالی در پژوهشگاه»
 معاونت شماره (۴): «عدم تناسب حقوق با حجم کار و تخصص»
 چالش سوم در معاونت‌های چهارگانه نیز از وضعیت زیر برخوردار بود:
- معاونت شماره (۱) و معاونت شماره (۲): «نیاز به رسیدگی به خواسته‌های نیروها و شنیدن حرف‌های آنها»
 معاونت شماره (۳): «مشکلات رفاهی و اقتصادی کارکنان به دلیل عدم تأمین اعتبارات رویان»
 معاونت شماره (۴): «نیاز به تشویق نیروهای پُرکار و تفکیک از نیروهای کم‌کار»
 کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های پژوهشگاه، مقوله‌های «وضعیت بهتر هیئت علمی دانشگاهی نسبت به هیئت علمی رویان» با نمره ۹۶۵۷ و مقوله «هیئت علمی نشدن برخی اعضا با مدرک دکتری علی‌رغم توافق قبلی» با نمره ۱۰۱۲۰ و مقوله «کاهش حقوق پژوهشگر در صورت ادامه تحصیل با همان وظایف قبل» با نمره ۱۳۴۶۲ می‌باشند.

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. ترجمه: آقا بیگ پوری، هاشم؛ تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۷). *پژوهش «بررسی چالش‌های پیش‌روی جامعه ایران»*.
- علیزاده اقدم، محمدباقر و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۱)۱، ۱۴۵-۱۷۲.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی. *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، سال چهارم، (۱۱)، ۳۱-۵۹.

کاظمی، عباس و عبدی، عباس (۱۳۹۸). چالش‌های جامعه ایران؛ راهبردهای خروج از وضعیت پرمشکل (منتشر نشده). تهران، گروه افکارسنجی و مطالعات افکار عمومی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.

کشاوری، خدیجه (۱۴۰۲). امید و ناامیدی در جامعه ایران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۶(۳)، ۹۳-۱۲۰.

مبارکی، مهدی و دیگران (۱۴۰۲). وضعیت توسعه و پیشرفت اجتماعی در ایران (ملی، استانی، شهرستانی). اراک: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی: ضرورش ۲؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضرورش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات لوگوس.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). اهم مسائل و راهبردهای فرهنگی جهت تقویت سلامت و آرامش اجتماعی.

مکیان، سیدنظام‌الدین؛ کربلایی بادی، فریبا و بهرامی، فرشته (۱۴۰۰). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی مطالعه مقایسه‌ای بین کشورهایی با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهایی با سرمایه اجتماعی پایین. نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹(۱)، ۱۸۴-۲۰۹.

واعظی، هاشم (۱۴۰۰). معنای کار نزد کارکنان پژوهشگاه رویان. رساله دکتری گرایش جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Johnson, R. B. & L. B. Christensen (2008). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches, (3rd Ed)*, Thousand Oaks, CA: Sage.

References

- Alizadeh Aghdam, M. B., & Eslami Bonab, S. R. (2012). Examining the relationship between social capital and social anomie. *Iranian Journal of Social Studies and Research*, 1(1), 145–172. (In Persian)
- Azkiya, M., & Ghaffari, G. (2009). *Sociology of development*. Tehran: Keyhan Publications. (In Persian)
- Bleikie, N. (2013). *Social research strategies* (H. Aghabigpour, Trans.). Tehran: Jameh-Shenāsān Publications. (In Persian)

- Bourdieu, P. (1986). The forms of social capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). New York: Greenwood Press.
- Farhang, Honar va Ertebat Research Institute. (2018). A study on the challenges facing Iranian society. (In Persian)
- Johnson, R. B., & Christensen, L. B. (2008). *Educational research: Quantitative, qualitative, and mixed approaches* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Kazemi, A., & Abdi, A. (2019). Challenges of Iranian society: Strategies for overcoming a problematic situation (Unpublished manuscript). Tehran: Public Opinion Research Group, Farhang, Honar va Ertebat Research Institute, National Projects Office. (In Persian)
- Keshavarz, K. (2023). Hope and hopelessness in Iranian society: A case study of university students in Tehran. *Iranian Journal of Cultural Research*, 16(3), 93–120. (In Persian)
- Makian, S. N., Karbalaee Badi, F., & Bahrami, F. (2021). Social capital and economic growth: A comparative study between countries with high and low social capital. *Journal of Strategic and Macro Policies*, 9(1), 184–209. (In Persian)
- Majles Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2022). Major issues and cultural strategies to strengthen social health and tranquility. (In Persian)
- Markaz-e Barrasi-hā-ye Strategik-e Riasat-e Jomhuri. (2017). *Iran foresight 2017: One hundred key national priorities* (In Persian)
- Mirzaei, K. (2013). *Qualitative inquiry: Research, researcher, and research writing*. Tehran: Fuzhan Publications. (In Persian)
- Mobāraki, et al. (2023). The state of development and social progress in Iran (national, provincial, and county levels). Arak: Jahad Daneshgahi, Markazi Province Branch Publications. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2013). *Qualitative research: Anti-method 2; Practical stages and procedures in qualitative methodology*. Tehran: Jameh-Shenāsān Publications. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2018). *Anti-method: Philosophical foundations and practical procedures in qualitative methodology*. Tehran: Logos Publications. (In Persian)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Touchstone.
- Qeysari, N. (2019). Social participation: Semantic analysis of a strategic concept. *NAJA Strategic Studies Quarterly*, 4(11), 31–59. (In Persian)
- Shorā-ye Āli-ye Enqelāb-e Farhangi. (2022). Major issues and cultural strategies to strengthen social health and tranquility. (In Persian)
- Shorā-ye Farhang-e Omumi-ye Keshvar. (2022). Needs assessment and prioritization of public culture issues in Iran. (In Persian)
- Va'ez, H. (2021). The meaning of work among employees of Royan Research Institute (Doctoral dissertation, Allameh Tabataba'i University). (In Persian)

Contents

- **Network Governance Model in the Thought of Grand Ayatollah Khamenei Using the Method of Thematic Analysis1075**
Omid Tahernejad, Shahla Sohrabi, Gholamreza Salimi and Abbasali Ghaiyoomi
- **The Components of the Optimal National Image (Nation Brand) from the Perspective of Ayatollah Khamenei1139**
Mohammad javad Falahati Rostami, Shahab Talaie Shokri and Mesbaholhoda Bagheri Kani
- **Strategies for Improving and Promoting Hijab and Dress Code in Universities Based on the Discourse of the Supreme Leader of the Islamic Revolution1181**
Fateameh Mohammadi and Sayyidah Fatemeh Nemati
- **The Semantic Perception of Work from Labour Children Perspectives (Case Study; Tehran Metro)1221**
Akbarr Talebpour and Ashraf Soleimani
- **Analysis of Social and Economic Dimensions of Schools and Their Impact on Iran's Sports Achievements with Emphasis on the Statements of the Supreme Leader1261**
Ali Mohsenifar, Ayda Hooshmand Moshaki, Khadijeh Rostami Moghadam and Toktam Nemati
- **Identifying Parenting Components in Mothers with a Sahmgozar Lifestyle: A Qualitative Study Based on Clause 12 of the General Family Policies.....1313**
Zahra Amanollahi and Fahimeh Shadabmehr
- **The qualitative analysis of educational policies and measures of the Ministry of Education (1991–2020)1359**
Mohammad javad Valizadeh, Rahmatollah Mahmoudi and Hossein Honarvar Sedighian
- **Institutional challenges of cultural heritage and tourism in advancing general policies of the resistance economy.....1399**
Seyed Mohammad Mousavi
- **Investigating the factors of marital conflicts in a spousal relationship from the perspective of the Holy Quran1435**
Marzieh Zargari, Hadi Bahrami Ehsan, Hamidreza Rezaade Mahshid Izadi and Fatemeh fayyaz
- **Strategy for Prioritizing Issues in Leading Organizations (Case Study: ROYAN Research Institute)1471**
Hashem Vaezi and Abu Torab Talebi



Institute for Strategic
Research

Publisher
Institute for Strategic
Research
Expediency Council

Managing Director
Dr. Mohammadreza
Majidi

Editor-in-Chief
Dr. Gholamreza
Jamshidiha

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: 2251-7081
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
Information for
Strategic Research

Quarterly of The Socio-cultural Strategy Journal 58

Vol. 14 - No. 4 - Issue. 58 - Winter 2026

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

Members of the international Editorial board

Dr. Talal Etrisi

*This journal is printed according to letter No. 90/25595,
dated 12 December 2011*

*According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of
the Ministry of Science, Research and Technology, The
Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a
scientific-research Journal since spring 2012.*

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North
Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: rahbordfarhangi.csr.ir

Email: rahmagiran@gmail.com

Price: 200000 Rials